فهرست مطالب

فصل اول ـ ناحیهٔ آسیای مرکزی

فصل دوم ـ سرزمین ازبکستان

فصل سوم ـ سرزمین تاجیکستان

فصل چهارم ـ سرزمین ترکمنستان

فصل پنجم ـ سرزمین قرقیزستان

فصل ششم ـ سرزمین قزاقستان

فصل هفتم ـ ایران و آسیای مرکزی

پیشگفتار

با قدرت یافتن میخاییل گورباچف در اتحاد جماهیر شوروی سابق و اعتراف وی به نقاط ضعف کشورش، مقدمهٔ فروپاشی دیوار آهنین هفتاد ساله فراهم گردید واندیشهٔ بروز جنگ اتمی به فراموشی سپرده شد. در نخستین سالهای آخرین دههٔ قرن بیستم میلادی نقشهٔ جغرافیای جهان شکل نوینی یافت و جمهوریها و کشورهایی جدید به جای اتحاد جماهیر شوروی در صحنهٔ سیاسی جهان ظاهر شدند.

در آن سوی مرزهای شمال کشورمان و در ناحیهٔ آسیای مرکزی که تاریخ مشترک کهن و مشترکات فرهنگی بسیاری با ایران دارد، پنج جمهوری مستقل پا به عرصه جهان گذاشتند که از همان نخستین روزهای اعلام استقلال، کشورهای مختلف جهان با اهداف گوناگون، اشتیاق فراوانی برای برقراری روابط همه‌جانبه با آنها از خود نشان دادند و به سرعت در جلب اعتماد رهبران ناحیه کوشیدند.

در میان سرزمینهای مختلف، کشور ما چه از نظر تاریخی و فرهنگی، چه از نظر همجواری و چه به دلیل برخورداری از تواناییها و قابلیتهای گوناگون، در ایجاد ارتباط با ناحیه از مزایای بسیاری بهره‌مند است. برقراری همکاریهای متقابل و دوستانه، گرچه بهره‌برداری از منابع اقتصادی را برای طرفین در بر دارد اما در ایجاد صلح و ثبات منطقه‌ای نقشی مؤثرتر ایفا می‌کند.

بدیهی است که نخستین پیش شرط برقراری و گسترش روابط مناسب و مفید، آشنایی با این کشورها و شناخت موقعیتهای ویژهٔ آنها است. بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی در جهت اهداف فرهنگی خود از نخستین سالهای تشکیل

جمهوریهای آسیای مرکزی به تحقیق و پژوهش و انتشار آثار مربوط به آسیای مرکزی همت گماشته است و گروه جغرافیای این مرکز در ادامه مطالعات خود، طرحی پیرامون مطالعهٔ کشورهای آسیای مرکزی را از اواخر سال ۱۳۷۲ آغاز کرد که مجموعهٔ حاضر محصول بخشی از این پژوهشها می‌باشد.

دیباچه

برقراری روابط میان کشورهای همسایه از زمانهای بسیار دور رایج بوده است، اما در دو سده اخیر و با گسترش و توسعه فنون و وسایلی که جابجایی کالا و مسافر را سهولت بخشید، همکاریهای متقابل میان کشورهای جهان اهمیت ویژه‌ای یافت و تمام ملتها و کشورهای جهان با دیدگاههای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی وحتی مذهبی متفاوت، سعی در خروج از انزوا و گسترش مناسبات گوناگون با کشورهای دیگر دارند و برای رسیدن به این هدف، هر کشوری سیاستهای خاص خود را اتخاذ کرده است.

امروزه شماری از کشورهای جهان در گسترش روابطشان با سایر کشورها نفوذ فرهنگی را مد نظر دارند و درکنار بهره‌های حاصل از روابط اقتصادی، گسترش فرهنگ و ایده‌لوژی خود را در رأس اهدافشان قرار داده‌اند. صدور اصول اعتقادی و فرهنگی جوامع، در لوای روابط اقتصادی و به صورت پنهان صورت می‌گیرد و کشورهای میزبان، غیرمستقیم و تدریجی و از طریق کالاهای اقتصادی، تحت تأثیر فرهنگ وارداتی قرار می‌گیرند.

برخلاف کشورهای قدرتمند که به آن شکل عمل می‌کنند، بسیاری از کشورها، برقراری و گسترش همکاریهای اقتصادی و فرهنگی را برای ایجاد صلح و ثبات و رسیدن به توسعهٔ پایدار مورد توجه قرار داده و در رشد روابط گوناگون با بسیاری از کشورهای جهان، بویژه همسایگان خود می‌کوشند.

نخستین اصل در برقراری روابط سالم و دوستانه میان کشورها، آشنایی آنها با توانها و تنگناهای محیطی، انسانی و اقتصادی یکدیگر است. دانش جغرافیا که عملکرد فعالیتهای انسانی را با ملاحظهٔ عناصر محیطی بررسی می‌کند، می‌تواند کمک بزرگی به امر گسترش روابط میان کشورها بکند و ضمن تحلیل قابلیتها و دشواریها، راهبردهای لازم را ارائه دهد.

مجموعهٔ حاضر با توجه به موضوع فوق‌الذکر به بررسی کشورهای آسیای مرکزی می‌پردازد و می‌کوشد ویژگیهای کشورهای ناحیه را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد، ابعاد گوناگون روابط ایران با ناحیه را مطرح کند و برای توسعه و بهبود روابط به نکاتی اشاره کند و پیشنهاداتی ارائه دهد.

این مجموعه در قالب هفت فصل تدوین شده است:

فصل اول به بررسی ویژگیهای گوناگون آسیای مرکزی اختصاص یافته است. در فصلهای دوم تا ششم، شناخت وضع پنج کشور ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قرقیزستان و قزاقستان به صورت مجزا، مورد توجه قرار گرفته است. در فصل هفتم، ضمن بررسی ابعاد گوناگون روابط ایران و استان خراسان با جمهوریهای آسیای مرکزی چند روش در جهت بهبود و گسترش روابط کشورمان با جمهوریهای ناحیه پیشنهاد گردیده است.

در این مجموعه سعی شده است بررسیها در سرفصل‌هایی یکسان برای تمام کشورها ارائه شود، همچنین به منظور تسهیل تعیین تاریخها، تمام تاریخهای میلادی به تاریخ خورشیدی نیز ذکر شده است.

در پایان لازم می‌دانم از مسؤولان محترم بنیاد که شرایط لازم را برای تألیف و چاپ این کتاب فراهم کردند و همکاران و دوستانی که هر یک به نوعی در نشر این کتاب مرا یاری داده‌اند؛ جناب آقای دکتر محمدحسین پاپلی یزدی که مشوق بنده در انجام این طرح بوده‌اند؛ مدیر و همکاران ارجمند گروه جغرافیا؛ آقایان حسن عطائی که زحمت ویرایش دستنوشت را بر عهده گرفتند؛ محمد فلسفی مدیر خدمات پژوهشی؛ و همکاران گرامی واحد نشر به ویژه رضا ارغیانی و محمّدعلی علاقه‌مند که آماده‌سازی و حروفچینی و صفحه‌آرایی را برعهده داشتند و همچنین همکاران ارجمند گروه نمونه‌خوانی و واحد تکثیر سپاسگزاری نمایم.

فصل ۱

ناحیهٔ آسیای مرکزی

۱ ـ حدود آسیای مرکزی

اصطلاح آسیای مرکزی از سالیان دور بر محدوده‌ای در آسیا اطلاق می‌شده است، اما «الکساندر فن هومبولت»[1] نخستین کسی بود که برای تعیین حدود آسیای مرکزی از معیارهای علمی و مشخص استفاده کرد. هومبولت در سال ۱۸۴۳م/۱۲۲۲ش پیشنهاد کرد که واژه آسیای مرکزی برای آن بخش از قاره آسیا درنظر گرفته شود که محدودهٔ میان ۵ درجهٔ شمالی و ۵ درجهٔ جنوبی عرض جغرافیایی ۴۴/۵ درجه، یا به عبارت دیگر محدودهٔ میان ۳۹ درجه و ۳۰ دقیقه تا ۴۹ درجه و ۳۰ دقیقه عرض شمالی، را شامل شود. او حد شرقی وغربی آسیای مرکزی را مشخص نکرد، اما از لابلای نوشته‌هایش می‌توان دریافت که فلات «اوست اورت»[2] حد غربی و رشته کوههای «خینگان بزرگ»[3] حد شرقی منطقه را تشکیل می‌دهند.

«نیکلای خانیکف»[4] روسی ملاکی را که هومبولت برای تعیین محدوده آسیای مرکزی برگزیده بود رد کرد. او عقیده داشت که ویژگیهای جغرافیایی، بویژه عوارض

---

1 - Alexander Von Humbolt

2 - Usturt

3 - Great Khingan (changain)

4 - Nicoloy Khanykov

طبیعی را باید در تعیین مرزبندی‌ها در نظر گرفت. خانیکف عدم ریزش آب رودخانه‌ها به دریاهای آزاد را مهمترین و اصلی‌ترین عامل تعیین کننده مرزبندی‌های آسیای مرکزی دانست. براین اساس «افغانستان» و مناطق شرقی ایران نیز در محدوده آسیای مرکزی قرار می‌گرفتند.

چندی بعد «فردیناند ریشتوفن»[1] آلمانی نظریه‌ای جدید ارائه کرد و قارهٔ آسیا را از نظر جغرافیای طبیعی و با تأکید بر دو عامل ویژگیهای طبیعی و تشکیلات زمین‌شناسی به دو بخش آسیای مرکزی و «آسیای پیرامونی» تقسیم کرد. براساس نظریهٔ وی آسیای مرکزی تمام بخشهای داخلی قارهٔ آسیا است که شبکهٔ آبهای سطحی آن به آبهای آزاد جهان راه ندارند. بنابراین آسیای مرکزی از شمال به رشته «کوههای آلتایی»[2]، از جنوب به «تبت»[3]، از مغرب به «پامیر»[4] و از مشرق به کوههای خینگان محدود می‌شود.

در دهه‌های آخر قرن نوزدهم میلادی «ایوان موشکتف»[5]، زمین‌شناس و جهانگرد روسی ضمن پذیرش نظریهٔ ریشتوفن در اصلاح و تکمیل آن کوشید. وی بر اساس بررسیها و اکتشافهای خود و مطالعات دانشمندان پیشین اظهار داشت که قسمتهای غربی و شرقی پیرامون آسیای مرکزی ویژگیهای طبیعی و زمین‌شناسی مشابهی با آسیای مرکزی دارند و نمی‌توان آنها را منفک از آسیای مرکزی و در قلمرو آسیای پیرامونی دانست. موشکتف دو عامل ریزش یا عدم ریزش آبهای جاری به دریاهای آزاد و انباشتگی ماسه‌های بادی حاصل از جریان آبهای جاری را مبنای تقسیم‌بندی آسیا دانست و براین اساس قارهٔ آسیا را به دو بخش آسیای پیرامونی و آسیای داخلی تقسیم کرد و این دو منطقه را از نظر موقعیت، ویژگیهای طبیعی و تشکیلات زمین‌شناسی با یکدیگر کاملاً متفاوت شمرد.

نظریهٔ موشکتف دربارهٔ محدودهٔ آسیای مرکزی با پیشنهاد ریشتوفن مغایرت داشت، زیرا به نظر موشکتف از اصطلاح آسیای مرکزی باید فقط برای اطلاق به نواحی شرقی

---

1 - Ferdinand Richtofen

2 - Altai

3 - Tibet

4 - Pamir

5 - Ivan Mushketov

آسیای داخلی (همان آسیای مرکزی ریشتوفن) استفاده کرد.

از اواخر قرن نوزدهم تا زمان حاضر نیز دربارهٔ محدودهٔ آسیای مرکزی نظرات گوناگون ارائه شده و حدود آسیای مرکزی با توجه به نوع مطالعات و تا حدودی استنباطهای شخصی محققان و صاحب‌نظران تعیین شده است. اما در همهٔ موارد محدودهٔ آسیای مرکزی در منطقهٔ حدفاصل «دریای خزر» تا «سین‌کیانگ»(۱)[1] چین و «مغولستان» بوده است.

«سازمان یونسکو» که از سال ۱۹۶۷م / ۱۳۴۶ش مطالعاتی جامع دربارهٔ آسیای مرکزی آغاز کرده است، با توجه به متغیر بودن محدودهٔ آسیای مرکزی در دوره‌های مختلف تاریخی، ناحیهٔ مورد مطالعه خود را این گونه تعریف کرده است:

«در حال حاضر در مرزبندی کنونی، کلیّهٔ سرزمینهای افغانستان، قسمت غربی چین، شمال هندوستان، شمال شرق ایران، مغولستان، پاکستان و جمهوریهای آسیای مرکزی سابق قرار می‌گیرند.»(۱)

همچنان که مشاهده می‌شود، میان صاحب نظران دربارهٔ محدوده آسیای مرکزی وحدت نظر وجود ندارد، تا پژوهشگران و محققان علاقه‌مند به مسائل و موضوعات گوناگون آسیای مرکزی، تحقیقات خود را در محدوده‌ای خاص متمرکز کنند.

با توجه به این مهم که واژهٔ آسیای مرکزی، در قلمرو اصطلاحات جغرافیایی قرار دارد، می‌توان در تعیین حدود آن از معیارهای موجود در جغرافیا کمک گرفت. جغرافیادانان در مطالعات خود، نواحی را مد نظر قرار می‌دهند. یک ناحیهٔ جغرافیایی دارای چنان وجوه اشتراکی در عوامل طبیعی، انسانی و فرهنگی است که از نواحی مجاورش کاملاً متمایز می‌شود. در محدودهٔ وسیعی که بنابر تعاریف مختلف قلمرو آسیای مرکزی است، هیچگونه وحدت جغرافیایی از نظر عوامل طبیعی و انسانی مشاهده نمی‌شود. و ناهماهنگی‌ها و عدم تجانس در عوامل گوناگون در این پهنهٔ وسیع دیده می‌شود. این قلمرو را می‌توان به چند ناحیه تقسیم کرد ناحیهٔ حدفاصل دریای خزر تا ارتفاعات اطراف فلات پامیر را ـ که ناحیهٔ طبیعی یک دست و منطبق بر حوزهٔ فرهنگی خاصی است ـ(۲) می‌توان آسیای مرکزی نامید. این ناحیه در حال حاضر قلمرو سیاسی

---

1 - Sinkiang

جمهوریهای «ازبکستان»[1]، «تاجیکستان»[2]، «ترکمنستان»[3]، «قزاقستان»[4]، و «قرقیزستان»[5] می‌باشد و مطالعهٔ حاضر نیز دربارهٔ همین ناحیه است.

لازم به ذکر است که در بسیاری از پژوهشها، واژه «آسیای میانه» برای آسیای مرکزی و مترادف با آن به‌کار برده شده است. باید توجه داشت که این دو واژه یک مفهوم ندارند زیرا از نظر کاربرد و مفهوم واژه‌ها، کلمه «میانه» برای خط و کلمه «مرکز» برای سطح به کار برده می‌شود. و آسیای مرکزی در سطح گسترده است، نه در طول خط. علاوه برآن همچنان که ذکر شد اصطلاح آسیای مرکزی از قرن نوزدهم میلادی با استناد به معیارهای علمی مطرح شده و دست کم دو قرن است که این واژه آگاهانه و با مد نظر قرار دادن عوامل و ویژگیهای جغرافیایی به کار گرفته می‌شود، درحالی که اصطلاح آسیای میانه از سال ۱۹۲۴م /۱۳۰۳ش به بعد عنوان شد.

روسها پس از آن که سرزمینهای بسیاری را تصرف کردند، در سال ۱۸۶۵م /۱۲۴۴ش این ناحیه را «ترکستان روس» نامیدند و بلشویکها پس از به دست گرفتن قدرت در روسیه، در سال ۱۹۲۴م /۱۳۰۳ش نام آسیای میانه را برگزیدند. این نامگذاری کمتر منطبق بر واقعیتهای جغرافیایی بود و بیشتر از دیدگاهی سیاسی ناشی می‌شد. زیرا کمونیستها، نواحی تحت سلطهٔ روسیه را با توجه به فاصلهٔ آنها از مرکز به سه ناحیه تقسیم کردند: «قفقاز» و اطراف آن، که در طول یک خط نزدیکترین فاصله را با مسکو داشتند، آسیای مرکزی نام گرفتند. پنج کشور شرق دریای خزر که نسبت به قفقاز دورتر و از «سیبری» نزدیکتر به «مسکو» بودند، آسیای مرکزی نامیده شدند. نام «آسیای دور» برای سیبری و اراضی متصرفهٔ شرق آسیا که بیشترین فاصله را از مسکو داشتند، انتخاب شد.[(۳)] از آن زمان تاکنون دو اصطلاح «آسیای میانه» و «جمهوریهای شوروی در آسیای مرکزی» برای ناحیهٔ مورد مطالعه به کار برده شده است، در حالی که مشاهده شد اصطلاح «آسیای میانه» علاوه بر آن که فاقد زمینهٔ تاریخی یا جغرافیایی است، از نظر

---

1 - Uzbekistan

2 - Tadzhikistan

3 - Turkmenistan

4 - Kazakhstan

5 - Kirghizstan

واژه‌شناسی و ادبی نیز نامناسب است.

۲ ـ ویژگیهای طبیعی

۱ ـ ۲ موقعیت جغرافیایی

آسیای مرکزی در مختصات جغرافیایی ۳۵ تا ۵۵ درجهٔ عرض شمالی و ۴۷ تا ۸۷ درجهٔ طول شرقی واقع است. این ناحیه از غرب با بخش اروپایی قارهٔ آسیا، از شرق با «آسیای شرقی»، ازجنوب با «خاورمیانه» و از شمال با سیبری هم مرز است. بنابراین کشورهای همجوار با آسیای مرکزی عبارتند از: در شمال و مغرب «روسیه»، در جنوب «ایران» و افغانستان، و در مشرق «چین» (نقشهٔ ۱).

نقشهٔ ۱

ناحیهٔ آسیای مرکزی با حدود چهار میلیون کیلومتر مربع وسعت، پنج جمهوری ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قزاقستان و قرقیزستان را در بر می‌گیرد. در دوره‌های تاریخی گوناگون تمام یا بخشی از این ناحیه به نامهای «توران»، «ترکستان» و «ماوراءالنهر» مشهور بوده است.

۲ ـ ۲ زمین شناسی

آثار مربوط به دوره‌های زمین‌شناسی در سطح آسیای مرکزی گسترده‌اند. بدیهی است، رسوبات و سنگهای متعلق به دوره‌های کهن بیشتر در معرض فرآیند فرسایش قرار گرفته، در نتیجه یا زیر رسوبات جدیدتر مدفون شده‌اند و یا اشکال متنوع ژئومورفولوژی را به وجود آورده‌اند.

رسوبات و تشکیلات متعلق به دورهٔ قبل از دوران اول زمین‌شناسی (پری کامبرین)[1] عمدةً از نوع سنگهای آذرین و دگرگونی هستند که در محدوده‌های بسیار کم وسعت در جنوب تاجیکستان، بخشی از ازبکستان، و قسمتی از شمال قزاقستان مشاهده می‌شوند. تشکیلات مربوط به دوران اول زمین‌شناسی (پالئوزوئیک)[2] سطحی نسبتاً وسیع از آسیای مرکزی را پوشانیده‌اند، بخشهایی از ازبکستان و تاجیکستان، نواحی شرقی قزاقستان و بخشی از قرقیزستان در قلمرو تشکیلات دوران اول زمین‌شناسی به شمار می‌آیند. رسوبات متعلق به دوران دوم زمین‌شناسی (مزوزوئیک)[3] عمدتاً از جنس آهک هستند که به شکل توده‌ای یا لایه‌ای، در محدوده‌های کوچکی در ازبکستان، تاجیکستان و قزاقستان پراکنده‌اند. رسوبات دوران سوم زمین‌شناسی (نئوزوئیک)[4] که بیشتر آنها از جنس مارن، شیل و کنگلومرا می‌باشند در جنوب ترکمنستان و قسمتهای غربی و مرکزی قزاقستان مشاهده می‌شوند. بیشتر اراضی آسیای مرکزی را رسوبات آبرفتی و ماسه‌های بادی متعلق به دوران چهارم زمین‌شناسی (کواترنری)[5] پوشانیده‌اند، بخش عمدهٔ

---

1 - Pre Cambrian

2 - Paleozoic

3 - Mesozoic

4 - Neozoic

5 - Quaternary

ترکمنستان، شمال، و جنوب قزاقستان، قسمت وسیعی از ازبکستان قلمرو تشکیلات دوران مذکور می‌باشند (نقشهٔ ۲).

نقشهٔ ۲

فعالیت‌های کوهزایی که در دوره‌های زمین‌شناسی سبب پیدایش ارتفاعات و پستی و بلندی‌ها شده‌اند در آسیای مرکزی نیز تحولات زمین ساختی را به دنبال داشته است. اکنون در برخی نواحی فعالیتهای کوهزایی به شکل بیرون زدگی و در برخی نقاط بدون بیرون زدگی دیده می‌شوند، به عبارت دیگر در برخی نواحی به مرور زمان در اثر فرایند فرسایش از ارتفاع بلندیها کاسته شده و سطح آنها با رسوبات دوره‌های بعدی پوشیده

شده است.

آثار ناشی از فعالیت کوهزایی کالدونین[1] که در دوران اول زمین‌شناسی رخ داده است در ارتفاعات «قره‌تاو (کاراتائو)»[2] پایکویهای جنوبی ناحیه سمی (سمی پالاتینسک)[3] در قزاقستان و بخشی از ازبکستان مشهود است.

بیشتر اراضی آسیای مرکزی تحت تأثیر فعالیت کوهزایی هرسی‌نین[4] در اواخر دوران اول زمین‌شناسی شکل گرفته‌اند، که در ناحیهٔ «تورغای»[5] واقع در شمال «دریاچهٔ آرال»، فلات «قراغاندی (کاراگاندا)[6]»، حوضهٔ «دریاچه بالخاش»[7] و رشته کوههای شمالی تاجیکستان و جنوب قرقیزستان رسوبات حاصل از کوهزایی قابل مشاهده است. اما ماسه‌های بادی و آبرفتهای متعلق به دوران چهارم زمین‌شناسی، لایه‌های سنگی حاصل از کوهزایی هرسی‌نین را در تمام بیابانهای مرکزی و نواحی شرقی و شمالی قزاقستان پوشانیده‌اند و به همین علت کوهزایی مذکور در این نواحی بدون بیرون زدگی و غیر مشهود می‌باشد. کوهزایی آلپی[8] که آخرین و جوانترین سیستم چین خوردگی است در آسیای مرکزی ارتفاعات پامیر در جنوب تاجیکستان و رشته کوههای «کپه داغ»[9] در جنوب ترکمنستان را به وجود آورده است. همین ناحیه که بلندترین اراضی آسیای مرکزی محسوب می‌شود، از نظر زلزله خیزی فعالترین قسمت به شمار می‌آید، بویژه ارتفاعات تاجیکستان و قرقیزستان. علت اصلی این مهم، تداوم فعالیتهای تکنونیکی در این رشته کوههای جوان است.

کانونهای زلزله‌خیز آسیای مرکزی در دو منطقه متمایز متمرکز است. نخستین منطقه جنوب وغرب ترکمنستان است که خود به دو ناحیه مجزا تقسیم می‌شود، اول ناحیه

---

1 - Caledonian
2 - Karatao
3 - Semipalatinsk
4 - Hercynien
5 - Turgai
6 - Karaganda
7 - Balkhash
8 - Alpine Folding
9 - Koppeh Dagh

کراسنوودسک در ساحل شرقی دریای خزر است که به نوار زمین ساختی بزرگتر کُپه‌داغ ـ بالکان از طریق دریای خزر، متصل می‌شود. دوم ناحیه عشق آباد است که از نظر زلزله‌شناسی از نوار بسیار فعال شمال ایران جدا نیست.

ناحیه دیگر که تاجیکستان، قرقیزستان، جنوب شرقی ازبکستان و جنوب شرقی قزاقستان را نیز شامل می‌شود، چین‌خوردگیهای آلپی و وریسکی و کالدونین [1] را در خود جای می‌دهد و دارای شبکه‌ای از گسله‌هاست. بزرگترین گسله این ناحیه طراز (تالاس) ـ فرغانه است که در امتداد شمال غربی ـ جنوب شرقی بیش از ۱۵۰۰ کیلومتر طول دارد و ۶۰۰ کیلومتر آن رشته جبال تیان شان را قطع می‌کند، گسله‌های حصار ـ کوکشال، درواز ـ قراقُل و پامیر مرکزی دیگر گسله‌های مهم آسیای مرکزی بشمار می‌آیند.

میان این دو ناحیه زلزله‌خیز شرقی و غربی آسیای مرکزی سرزمین همواری هست که کانونهای لرزه‌ای اندکی در آن مشاهده می‌شود. با وجود این چندین زلزله مخرب در این ناحیه در هزار سال اخیر گزارش شده است و حتی برخی روایات محلی، تغییر مسیر آب جیحون از دریای خزر به دریاچه آرال را ناشی از زلزله بزرگ خوارزم می‌دانند.

کهن‌ترین نشانه زلزله در آسیای مرکزی یک عمارت آسیب دیده است که آثار آن از حفاری‌های آق تپه در نزدیکی عشق آباد یافت شده است. قدمت این آثار تا هزاره دوم پیش از میلاد می‌رسد. زلزله‌های مهم ناحیه عبارتند از:(۴)

تاریخ میلادی	محل	بزرگی زلزله (برحسب مقیاس ریشتر)
هزاره دوم پیش از میلاد	آق‌تپه (نزدیک عشق آباد)	۷/۱
سده سوم پیش از میلاد	چینگوچین (جنوب شرقی قزاقستان)	۶/۱
حوالی میلاد مسیح	نسا(نزدیک عشق آباد)	۷/۱
۵۰۰	جنوب شرقی قزاقستان	۶/۷
۸۳۸	فرغانه	-
۹۱۴	بخارا	-
۹۴۲	بخارا	۶/۷

1 - Caledonian

۹۴۳	نسا	۷/۶
۱۲۰۸	گرگانج	۶/۱
۱۳۹۰	بخارا	۶/۱
۱۴۱۰	بلخ ـ بخارا	-
۱۴۹۰	سمرقند	۵/۸
۱۶۲۰	فرغانه	۵/۸
۱۷۱۶	آق سو(شرق ترکمنستان)	۷/۵
۱۷۹۹	اورگوت(نزدیک سمرقند)	۶
۱۸۱۷ ـ ۱۸۲۲	سمرقند ـ بخارا	۶/۴
۱۸۲۲	خوقند (فرغانه)	۶/۲
۱۸۶۸	تاشکند	۶/۵
۱۸۸۵	بلوفودسك (قرقیزستان)	۶/۹
۱۸۸۷	آلماآتی	۷/۳
۱۸۸۹	چیلیک (شمال شرقی آلماآتی)	۸/۳
۱۸۹۵	کراسنوودسک (غرب ترکمنستان)	۸/۲
۱۸۹۷	اوراتپه (تاجیکستان)	۶/۷

۳ ـ ۲ ناهمواریها

آسیای مرکزی جلوه‌گاه چشم‌اندازهای متنوع توپوگرافی است، کوهستانها، زمینهای پست ساحلی، علفزارها و بیابانها، چشم‌اندازهای اصلی ناهمواریهای ناحیه به شمار می‌روند (نقشهٔ ۳).

بخش شرقی و جنوب شرقی، جایگاه ارتفاعات است و هرچه بسوی غرب پیش رویم از ارتفاع زمین کاسته می‌شود. سه رشته کوه «آلای»[1]، «تیان شان»[2] و پامیر که تحت تأثیر فعالیتهای تکنونیکی زمین در دوران سوم زمین‌شناسی شکل گرفته‌اند، مهمترین ارتفاعات آسیای مرکزی را تشکیل می‌دهند.

رشته کوههای آلای چشم‌انداز عمدهٔ تاجیکستان و قرقیزستان محسوب می‌شود، این

1 - Alai

2 - Tien shan, Tianshan, Thian shan

سیستم کوهستانی در نواحی مذکور با ارتفاع بیش از ۳ هزار متر از رشته کوههای به هم پیوسته تشکیل شده است، در حالی که با امتداد آن به سوی غرب از ارتفاع کوهها کاسته می‌شود و کوهها تبدیل به تپه‌های منفرد می‌شوند. «قلهٔ لنین»[1] در تاجیکستان با ارتفاع ۷۱۳۴ متر، از بلندترین قله‌های آسیای مرکزی، در این سیستم کوهستانی واقع است. «سیر دریا»[2] در شمال و «دره سرخاب»[3] درجنوب، کوههای آلای را به ترتیب از تـودهٔ کوهستانی تیان شان و فلات بلند پامیر متمایز می‌کنند.

نقشه ۳

---

1 - Lenine Peak

2 - Syr Darya

3 - Sorkhab valley

کوههای تیان شان از شرق چین تا قرقیزستان امتداد دارد. این تودهٔ کوهستانی دارای مجموعه‌ای از قله‌هایی با ارتفاع بیش از ۳ هزار متر است. امتداد کوههای تیان‌شان به سوی شمال غرب با نام کوههای قره تاو وارد سرزمین قزاقستان شده و تا حاشیهٔ بیابان امتداد یافته است.

فلات پامیر که محل گره خوردگی سیستم چین خوردگی آلپی است با ارتفاع متوسط ۴ هزار متر به «بام دنیا» معروف است. این فلات که در واقع ادامهٔ رشته کوههای «هیمالیا»[1]ست تا قرقیزستان و تاجیکستان امتداد یافته است و بلندترین اراضی آسیای مرکزی را تشکیل می‌دهد. قله مهم «کمونیزم»[2] با ۷۴۹۵ متر ارتفاع در تاجیکستان و بلندترین نقطهٔ آسیای مرکزی، از کوههای پامیر محسوب می‌شود.

سه سیستم کوهستانی فوق‌الذکر سه چشمه مهمترین رودهای آسیای مرکزی‌اند و در ارتفاعات بالاتر از ۳۵۰۰ متر آنها، یخچالهای طبیعی قرار دارند که اثرهای فرسایشی این یخچالها به شکل سیرکهای یخچالی مشاهده می‌شود.

اختلاف ارتفاع زیاد در مسافت کوتاه از ویژگیهای کوههای مرتفع جنوب شرق و شرق آسیای مرکزی است، برای مثال اطراف «درهٔ فرغانه»[3] را که در ارتفاع ۳۵۰ متری قرار دارد، به فاصلهٔ ۵۰ تا ۷۰ کیلومتری، کوههایی محصور کرده‌اند که تا ۵۵۰۰ متر ارتفاع دارند. محدودیت ارتباطی، دیگر ویژگی بارز کوههای بلند ناحیه است. ارتفاع زیاد و دره‌های عمیق مانع بزرگی در برقراری ارتباط میان این ناحیه و سرزمینهای اطراف آن به وجود آورده است به طوری که به جز زمانهایی که شرایط سخت طبیعی سبب مهاجرت و حرکت اجباری مردم شده، در اکثر اوقات مردم ناحیه در انزوا به سر می‌بردند. با وجود این، اهالی ناحیه توانسته‌اند از همین معبرهای تنگ و سخت بهره‌گیرند و ارتباط خود را با دنیای خارج برقرار سازند و همین راهها اهمیت زیادی کسب کرده‌اند.

به غیر از سه سیستم کوهستانی مذکور، در جنوب ترکمنستان امتداد رشته کوههای

---

1 - Himalaya

2 - Kommunism peak

3 - Fergana

کپه داغ، در شرق قزاقستان کوههای «آلاتائو»[1] وادامه کوههای آلتایی با نام کوههای «تارباقاتای»[2]، دیگر ارتفاعات آسیای مرکزی را تشکیل می‌دهند.

فلاتها از چشم‌اندازهای دیگر ناهمواریها در آسیای مرکزی محسوب می‌شوند. به غیر از فلات پامیر که ذکر آن رفت و فلات اوست اورت در حد فاصل دریای خزر و دریاچهٔ آرال، در قسمت شرقی و شمالی ناحیه، فلات مسطح، کم ارتفاع و قدیمی است که به طور متوسط بین ۲۰۰ تا ۵۰۰ متر ارتفاع دارد. بیشترین ارتفاع فلات با دوهزار متر در قسمت مرکزی آن مشاهده می‌شود. آبهای جاری در این فلات به سوی شمال جریان می‌یابند و با پیوستن به رودخانه «اُب»[3] به اقیانوس منجمد شمالی می‌ریزند.

جلگه‌ها در شمار اراضی کم ارتفاع و پست به شمار می‌آیند، در قسمت غربی آسیای مرکزی جلگه‌ای با حداکثر ۲۰۰ متر ارتفاع مشاهده می‌شود که دوگودال خزر و آرال در غرب و شرق آن قرار دارند. در بخش شمال غربی جلگه رودهای «امبا»[4] و «اورال»[5] جاری‌اند که ازکوههای جنوبی رشته کوه اورال سرچشمه می‌گیرند و پس از طی مسافتی به دریاچهٔ مازندران می‌ریزند. در بخش جنوب شرقی جلگه نیز رودخانهٔ «اترک»[6] آبهای جاری ناحیه را به سوی دریای مازندران می‌برد. دریاچهٔ آرال نیز آبریزگاه دو رود مهم سیردریا و «آمودریا»[7] است.

بیابانها که محدودهٔ وسیعی را در آسیای مرکزی فراگرفته‌اند، نامشان متأثر از شرایط طبیعی ناحیه بوده است. بیابان «قره قوم»[8] به مفهوم ماسه‌های سیاه بین دریای خزر و رودخانهٔ آمو دریا به طول ۹۶۵ کیلومتر واقع شده است. کوههای شمال شرق ایران و افغانستان مانع گسترش بیابان به طرف جنوب بوده و آن را محدود کرده‌اند. این بیابان ارتفاعی بین ۱۵۰ تا دویست متر دارد و وسعتش حدود ۳۰۰ هزار کیلومتر مربع است.

---

1 - Ala Tau

2 - Tarbagatai

3 - Ob

4 - Emba

5 - Ural

6 - Atrek

7 - Amu Darya

8 - Kara Kum

اقلیم خشک و گرم این شنزار زیست و رشد گیاهان را غیرممکن می‌کند، به همین علت پوشش گیاهی آن، ناچیز و پراکنده است.

بیابان «قزل قوم»[1] یا «شنهای قرمز» قسمت شمالی زمینهای بین سیر دریا و آمودریا را تشکیل می‌دهد، قزل قوم با وسعت ۲۹۷ هزار کیلومتر مربع نسبت به قره قوم شرایط طبیعی مساعدتری برای رشد گیاهان و فعالیتهای کشاورزی دارد.

از مهمترین اشکال ژئومورفولوژیکی بیابانها، تپه‌های شنی است که به وفور در قره‌قوم و قزل قوم مشاهده می‌شود. این تپه‌ها در اثر وزش باد و تراکم شنها شکل می‌گیرند. در موقع وزش بادهای شدید برخی از آنها که ارتفاع کمتری دارند، تغییر مکان می‌یابند. در بین تپه‌های شنی شیارهایی به نام تاکی‌یر[2] وجود دارد که آب باران در آن جمع می‌شود، هرچه تعداد و عمق تاکیرها بیشتر باشد، شرایط مناسبتری برای رشد جانداران فراهم می‌شود.

۴ ـ ۲ آب و هوا

برخی از پژوهشها و تحقیقات علمی و اقلیمی مشخص کرده است که آب و هوای آسیای مرکزی در طول تاریخ یکسان نبوده است و اقلیم کنونی پس از اتمام دوره‌های یخبندان دوران چهارم زمین‌شناسی شکل گرفته است. گرچه در اثر تحول و تبدیل اقلیم مرطوب به آب و هوای خشک، تغییری در توزیع شبکه آبهای جاری ناحیه به وجود نیامده، اما دریاچه‌ها کوچکتر و رودخانه‌ها کم آب‌تر شده‌اند. موشکتف، «کروپتکین»[3] و «هانتینگتون»[4] بر مبنای این یافته‌های اقلیمی اعلام کردند که ریشه و اساس تمام تحولات و تحرکات تاریخی، اجتماعی و اقتصادی آسیای مرکزی، تغییرات اقلیمی بوده است.[(۵)] چندی بعد دو دانشمند به نامهای «ولهر»[5] و «گوورر»[6] بر پایه اسناد و مدارک جمع‌آوری

1 - Kyzyl (Kizil) Kum

2 - Takyer

3 - Kroptokin

4 - Huntington

5 - Walihor

6 - Grenaroi Gowror

شده نظریهٔ فوق را مردود دانسته و اظهار داشتند که از دو هزار سال پیش تاکنون تغییری در شرایط اقلیمی آسیای مرکزی پدیدار نشده و کاهش منابع آب پیش از آن که زاییدهٔ تغییرات اقلیمی باشد، ناشی از جابجایی متمادی بستر رودخانه‌هاست.

اقلیم آسیای مرکزی گرم و خشک است. در حاکمیت این نوع آب و هوا عوامل گوناگونی مؤثر بوده‌اند که از آن میان نقش عرض جغرافیایی (موقعیت ریاضی) و دوری از آبهای آزاد نسبت به سایر عوامل مؤثرتر و مهم‌تر است. ارتفاع از سطح زمین، میزان تشعشع ورودی و خروجی، جریانهای آتمسفری و توده‌های هوا دیگر عوامل مؤثر بر اقلیم ناحیه محسوب می‌شوند.

۱ ـ ۴ ـ ۲ فصل زمستان

در فصل زمستان به علت یکنواختی سطح زمین، کوتاه بودن طول روز، تابش مایل اشعهٔ خورشید، سرمای شدیدی بر سراسر ناحیه حاکم می‌شود، در این ایام تودهٔ هوای پرفشار سیبری که بخش بزرگی از آسیا را فرا می‌گیرد مرکزش بر روی دریاچهٔ «بایکال»[1] شکل می‌گیرد، در نتیجه بادهایی با جهت شمال شرق ـ جنوب غرب و شرقی ـ غربی می‌وزند وهوای خشک و سرد در ناحیه حاکم می‌شود. حاصل این فرایندها نزول درجه حرارت هوا به صفر و زیر صفر در تمام ناحیه است.

در این فصل درجه حرارت خطوط هم دما از جنوب به شمال کاهش می‌یابد، به طوری که به غیر از ناحیهٔ کوچکی در جنوب شرقی دریای مازندران که متوسط درجه حرارت آن به زیر صفر نمی‌رسد، در سایر نواحی تغییرات درجه حرارت از خط هم دمای صفر درجه در جنوب شروع می‌شود و با پیشروی به سمت شمال از میزان درجه حرارت کاسته می‌شود. همچنین خطوط هم دما در غرب و مرکز آسیای مرکزی فاصلهٔ زیادی با یکدیگر دارند که نشانهٔ حاکمیت درجه حرارت در محدوده‌ای وسیع است، در حالی که در جنوب شرق، ضمن آن که خطوط هم دما، درجهٔ حرارت کمتری نشان می‌دهند فاصلهٔ آنها از یکدیگر کمتر است که این وضعیت به علت وجود کوههای بلند و دره‌های عمیق در این بخش است. حداقل مطلق درجه حرارت زمستان در برخی از

1 - Baikal

نواحی کوهستانی جنوب شرقی تا ۵۱ درجهٔ سانتی‌گراد زیر صفر و در شرق دریاچهٔ بالخاش تا ۴۹ درجه سانتی‌گراد به ثبت رسیده است. در ناحیه اول کوهستانی بودن و در ناحیهٔ دوم حاکمیت مرکز پرفشار سیبری دلیل سردی فوق‌العادهٔ هوا هستند. (نقشهٔ ۴).

نقشه ۴

در بیشتر نقاط آسیای مرکزی حداکثر بارشهای جوی در فصل زمستان و بهار رخ می‌دهد. حاکمیت مرکز پرفشار سیبری سبب می‌شود که در فصل زمستان بارش بسیار اندک و به شکل برف باشد. باگرم شدن هوا و حرکت مرکز پرفشار به سمت شمال بارشهای بهاری آغاز می‌شود.

میزان کل بارش سالانه در نقاط مختلف آسیای مرکزی متفاوت است. به طور متوسط مجموع نزولات جوی سالانه بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلی‌متر است. در نقاط پست مانند بیابانها بارش تا ۳۰ میلی‌متر نیز کاهش می‌یابد و با افزایش ارتفاع میزان بارندگی بیشتر شده به طوری که تا ۱۵۰۰ میلی‌متر نیز می‌رسد. در یک حالت کلی میزان بارش از غرب به شرق افزایش می‌یابد، بدین‌گونه که به طور متوسط در ساحل شرقی دریای مازندران ۶ روز، در «عشق آباد»[1] ۱۵ روز، در «تاشکند»[2] ۲۴ روز، در «آب گرم»[3] ۵۳ روز و در دامنه‌های کوههای تیان شان ۱۳۶ روز برفی ثبت شده است[(۶)] (نقشه ۵).

نقشه ۵

1 - Ashkhabad

2 - Tashkent

3 - Abgarm

یخبندان یکی از ویژگیهای بارز اقلیمی آسیای مرکزی در فصل زمستان است. ارتفاعات و نواحی شمال بیش از سایر نقاط دورهٔ یخبندان دارند، به طوری که تعداد روزهای بدون یخبندان در ارتفاعات شرقی وجنوب شرقی ۶۰روز و در بیابانها ۲۷۰ روز در سال می‌باشد. در همین زمان دریاچه بالخاش بین ۳ تا ۴ ماه پوشیده از یخ است.

۲ـ۴ـ۲ فصل تابستان

با آغاز فصل بهار از شدت سرما کاسته شده و هوا به تدریج گرم می‌شود. با عقب نشینی مرکز پرفشار سیبری، میزان فشار هوا کم می‌شود و از سوی جنوب مرکز کم فشار مستقر بر روی «پاکستان» به سوی آسیای مرکزی پیشروی می‌کند که حاصل آن وزش باد از سمت شمال به سوی جنوب و جنوب غربی است.

در تابستان در طول روز هوا به شدت گرم می‌شود و در سراسر ناحیه خطوط هم دمای متوسط درجه حرارت، ارقام بالای صفر است. در قسمت جنوب شرقی ناحیهٔ این خطوط متراکم‌تر بوده و متوسط درجه حرارت نسبت به سایر نقاط پایین‌تر می‌باشد. در فصل گرما، اختلاف درجه حرارت بین شب و روز بسیار زیاد بوده و حتی در بیابانها به علت شدت تشعشع حرارتی برگشتی از سطح زمین، در شبها یخبندان رخ دهد. در این فصل بالاترین درجه حرارتها، منطبق با نواحی بیابانی می‌باشد و حداکثر مطلق درجه حرارت در مرکز بیابانهای قره قوم و قزل قوم تا ۶۰ درجه سانتی‌گراد نیز ثبت شده است. (نقشه ۶).

بارندگی در فصل تابستان در اکثر نقاط آسیای مرکزی پدیده‌ای غیرعادی است، زیرا پس از بارشهای بهاری و خروج کامل مرکز پرفشار سیبری، هوای گرم و خشک بر ناحیه حاکم می‌شود. در همین ایام ناحیهٔ شمال قزاقستان از رطوبت توده‌های هوای مرطوب غربی برخوردار می‌شود و ناحیهٔ جنوب شرقی نیز تحت تأثیر جریانهای موسمی قرار می‌گیرد. در حالی که در سایر نقاط، که پهنه‌ای گسترده است، از اواسط بهار تا اواسط پاییز، به جز رگبارهای پراکنده و زودگذر، بارش مفیدی صورت نمی‌گیرد.

برخی از هواشناسان روسی عقیده دارند که دریای مازندران نقش مهمی در اقلیم آسیای مرکزی دارد. زیرا جریانهای هوا، ۳۸۹/۶کیلومتر مکعب تبخیر سالیانه دریا را به

آسیای مرکزی منتقل می‌کند که حاصل آن افزایش میزان رطوبت هوا تا ۲۰ درصد است، و این رویکرد منجر به افزایش میزان بارش به مقدار ۱۰ تا ۲۰ میلی‌متر در کوهستانها، ۸

نقشه ۶

تا ۱۱ میلی‌متر در استپهای مرکزی و ۴ میلی‌متر در دامنه‌ها می‌شود.(۷) آنان عقیده دارند که اگر اثرات رطوبتی دریای مازندران نبود، بر شدت خشکی هوا افزوده می‌شد و درجه حرارات هوا نیز بالاتر می‌رفت (جدول ۱ـ۱).

جدول ۱ ـ ۱ بارش سالانه و توزیع فصلی آن در تعدادی از ایستگاههای اقلیمی آسیای مرکزی (به میلی متر)[۸]

نام ایستگاه	موقعیت جغرافیایی		میانگین	فصل			
	عرض	طول	بارندگی سالانه	بهار	تابستان	پاییز	زمستان
بیشکک[1]	۴۲°۵۴′	۷۴°۳۶′	۵۳۲	۱۹۶	۸۴	۱۳۰	۱۲۲
خجند[2]	۴۰°۱۷′	۶۹°۷۳′	۴۱۷	۱۰۴	۱۱	۱۲۲	۱۸۰
تاشکند	۴۱°۱۶′	۶۹°۱۳′	۳۷۴	۱۰۷	۱۱	۱۰۹	۱۴۷
سمی[3] (سمی پالاتینسک)	۵۰°۲۶′	۸۰°۱۶′	۱۹۶	۵۳/۴	۵۳/۳	۶۰/۷	۲۸/۶
ترکمن‌باشی[4] (کراسنو ودسک)	۴۰°۰۰′	۵۳°۰۰′	۱۳۸	۴۳	۱۵	۳۶	۴۴
قزل اوردا[5]	۴۴°۵۲′	۶۵°۲۸′	۱۲۵	۳۳	۲۱	۳۸	۳۳
تورتقول[6] (تورگول)	۴۱°۳۰′	۶۱°۰۰′	۶۰/۷	۲۰/۳	۲/۵	۷/۵	۳۰/۴

۵ ـ ۲ خاکها

دو عامل اقلیم و پوشش گیاهی در نوع و کیفیت خاکهای آسیای مرکزی مؤثر بوده‌اند. نقش اقلیم به این شکل بروز می‌کند که کمی بارش سبب کاهش میزان شست و شوی خاک می‌شود، درنتیجه ترکیبات کربنات‌دار و سولفاتها در سطح خاک باقی مانده و به لایه‌های زیرین خاک نفوذ نمی‌کنند. تأثیر پوشش گیاهی به شکل عدم تشکیل هوموس در خاک بروز می‌کند. زیرا هوموس که همان مواد آلی خاک است د راثر تجزیهٔ بقایای

1 - Bishkek

2 - Khudzhand

3 - Semei

4 - Turkamanbashy (Krasnovodsk)

5 - kzyl Orda

6 - Turtkul

گیاهی حاصل می‌شود. این رویکرد در آسیای مرکزی به علت پراکندگی و تُنُک بودن پوشش گیاهی و ناچیز بودن بقایای گیاهی، در سطح بسیار ناچیزی رخ می‌دهد و همین امر سبب کمبود مواد آلی در سطح و لایه‌های زیرین خاک می‌شود.

در پهنهٔ گستردهٔ آسیای مرکزی فقط ناحیه کوچکی خاک حاصلخیز دارد و بیشتر اراضی را خاکهای نامناسب فراگرفته‌اند. اراضی پایکوهی مشرق و جنوب شرقی آسیای مرکزی مناسب‌ترین خاک را دارند و از آنجا هرچه بیشتر به سوی مرکز و شمال پیشروی کنیم، از وسعت خاکهای حاصلخیز کاسته می‌شود و بر قلمرو خاکهای فقیر و نامساعد افزوده می‌شود.

قلمرو آسیای مرکزی را پنج نوع خاک پوشانیده‌اند که به ترتیب وسعت عبارتند از:

۱ ـ ۵ ـ ۲ خاکهای بیابانی

بخشی از قرقیزستان، قسمت جنوبی قزاقستان و بخش بزرگی از کشورهای ازبکستان و ترکمنستان را خاکهای بیابانی فراگرفته‌اند. این نوع خاک با وجود دارا بودن مواد معدنی فراوان، به دلیل فقدان مواد آلی، بویژه در لایه‌های زیرین خاک، برای کشت و زرع مرغوبیت زیادی ندارد. شور بودن خاک نیز مزید بر علت می‌شود. با وجود این اگر آب کافی موجود باشد می‌توان برخی از محدودیتهای خاک را از نظر زراعت برطرف کرد.

۲ ـ ۵ ـ ۲ خاکهای چستنات[1]

بخش بزرگی از قزاقستان دارای این نوع خاک است. از ویژگیهای این خاک وجود هوموس نارس و مقدار آبشویی اندک می‌باشد. مراتع، علفزارها و جنگلهای پراکنده، پوشش گیاهی غالب خاکهای چستنات در آسیای مرکزی محسوب می‌شوند، اما اگر برای کشاورزی مورد استفاده قرار گیرند به علت آن که در زمرهٔ خاکهای نسبتاً حاصلخیز و مرغوب به شمار می‌روند، بازده محصولات زیاد خواهد بود.

---

1 - Chestnut

۳ـ ۵ـ ۲ خاکهای چرنوزیوم[۱]

شمال قزاقستان جایگاه این نوع خاک است. خاکهای چرنوزیوم در ردیف خاکهای حاصلخیز قرار دارند، زهکشی مناسب و فراوانی مواد آلی در لایه‌های گوناگون خاک تحت تأثیر وفور ریزشهای جوی و تراکم فشردهٔ پوشش گیاهی علل عمدهٔ توانایی زراعی زیاد خاک به شمار می‌روند.

۴ـ ۵ـ ۲ خاکهای کوهستانی

بخش وسیعی از سرزمین تاجیکستان، شرق، مرکز و شمال غربی قرقیزستان و جنوب ترکمنستان که قلمرو اقلیم سرد و مرطوب و دارای پوشش متراکم جنگلی هستند دارای خاکهای کوهستانی‌اند. از ویژگیهای این خاک وجود مواد آلی به شکل نارس می‌باشد. مشابه تمام نواحی بلند و کوهستانی، بهره‌برداری از این خاکها باید با توجه به تمام قابلیتها و تنگناهای آب و خاک در این مکانها، صورت گیرد.

۵ـ ۵ـ ۲ خاکهای جنگلی کوهستانی

در بخش کوچکی از شرق قزاقستان که کوهستانی و دارای رطوبت زیاد و جنگلهای نسبتاً متراکم می‌باشد، خاکهای جنگلی کوهستانی مشاهده می‌شود. این نوع خاک نسبتاً تکامل یافته است و میزان مواد آلی آنها در لایهٔ زیرین نیز فراوان می‌باشد. بنابراین از نظر زراعی حاصلخیز و مستعد هستند.(۹)

۶ـ ۲ منابع آب

غلبهٔ آب و هوای گرم و خشک بر بخش بزرگی از آسیای مرکزی، محدودیت منابع آب بویژه شبکهٔ آبهای جاری را به همراه داشته است. چند دریاچه و رودخانه و تعدادی کانال آب رسانی منابع آب آسیای مرکزی را تشکیل می‌دهند (نقشهٔ ۷).

---

1 - Chernozem

نقشه ۷

۱ـ۶ـ۲ دریای خزر

دریای خزر در واقع به دلیل عدم ارتباط با دریاهای آزاد دریاچه به شمار می‌رود، اما به علت وسعت زیاد آن که بزرگترین دریاچه قاره‌ای جهان است دریا نامیده می‌شود. این دریا بزرگترین قسمت به جا مانده از دریای قدیمی «تتیس» است که در دوران اول تا سوم زمین‌شناسی از قطب شمال تا اقیانوس هند را فراگرفته بود. و در دوران سوم براثر ظهور چین خوردگیها، بالا آمدن رشته کوهها و قاره اروپا و فلات ایران، تقسیم و تجزیه شد و

فقط چند دریاچه از آن باقی ماند که دریای خزر بزرگترین آن است.

دریای خزر در طول تاریخ نامهای گوناگونی داشته است که یا از نام اقوام ساکن اطراف دریا و یا شهرها و نواحی مجاور آن گرفته شده است:

«دریای استرآباد»: «استرآباد» نام پیشین «گرگان» است.

«دریای گیلان»: گیلها نام قبایلی است که از چند سده قبل از میلاد در سرزمین «گیلان» کنونی زندگی می‌کردند.

«دریای طبرستان»: «تپور» نام قومی است که از سده‌های قبل از میلاد در جنوب دریای خزر سکونت داشتند و اسم خود را به ناحیهٔ مسکونی «طبرستان» دادند. مورخان مسلمان «مازندران» و اطراف آن را طبرستان می‌نامیدند.

«دریای دیلم»: «دیلم» نام قومی ساکن در سرزمین دیلم میان طبرستان و «آذربایجان» است که تا قرن هشتم هجری وجود داشتند.

دریای خزر: «خزر» نام یکی از اقوام ترک آسیای مرکزی است که در اطراف این دریا زندگی می‌کردند و تا قرن چهارم هجری قدرت داشتند.

«دریای کاسپیان»[1]: «کاسپی» نام طایفه‌ای است که قبل از ورود «آریاییها» در فلات ایران سکونت داشتند.(۱۰)

«دریای خراسان»، «دریای قزوین»، «دریای گرگان»، «دریای مازندران»، «دریای آبسکون» (شهر و جزیره‌ای در جنوب شرقی دریا)، «دریای هیرکانی»[2] (نامی که یونانیان به گرگان می‌دادند)، «بحرباب»، «دریای ساری»، «بحرارقانیا» و «آکفوده دریا» نامهایی است که دریای مازندران در طول تاریخ از سوی اقوام و طوایف بنا به سلیقه و یا انگیزه خاص و یا مکانهای مجاور دریا بر آن نهاده شده است.(۱۱)

دریای خزر با موقعیت ریاضی ۳۶ درجه و ۳۴ دقیقه تا ۴۷ درجه و ۱۳ دقیقه عرض شمالی و ۴۶ درجه و ۳۸ دقیقه تا ۵۴ درجه و ۳۴ دقیقه طول شرقی در میان کشورهای ایران «آذربایجان»، ترکمنستان، روسیه و قزاقستان واقع است. از ۶۳۸۰ کیلومتر طول کناره دریای خزر حدود ۹۹۲کیلومتر آن از دهنه رود اترک تا آستارا متعلق به ایران است.

1 - Caspian

2 - Hyrcani

وسعت دریاچهٔ خزر در اثر نوسان سطح آب در طول زمان ثابت نبوده است. بر اساس اندازه‌گیری سال ۱۹۳۰م /۱۳۰۹ش وسعت آن ۴۲۴ هزار و در سال ۱۹۷۰م /۱۳۴۹ش بدون در نظر گرفتن «خلیج قره بغاز» ۳۷۶/۵ هزار کیلومتر مربع بوده است. طول دریای مازندران از شمال به جنوب بین ۱۲۰۰ تا ۱۲۶۰ کیلومتر و عرض آن در پهن‌ترین قسمت حدود ۵۵۰ کیلومتر و در باریک‌ترین قسمت حدود ۲۰۰ کیلومتر است. عمق دریای خزر در حوضهٔ شمالی بسیار کم و کمتر از ۱۰ متر می‌باشد و در حوضهٔ جنوبی به ۹۶۰ تا ۱۰۰۰ متر افزایش می‌یابد (نقشه ۸).

رودهای جاری به سوی دریای خزر بسیار زیاد و حدود ۳۵۰ رشته می‌باشند که از میان آنها رودهای «ولگا»[1]، اورال و امبا در شمال و «ارس»[2]، اترک و «کورا»[3] در جنوب مهم‌تر از همه هستند. رود ولگا به تنهایی حدود ۸۰ درصد از آب ورودی به خزر را تأمین می‌کند. نوسان سطح آب دریای خزر به میزان ورود آب، جریانهای جاری و بارندگی، مقدار تبخیر و حرکات تکتونیکی بستر آن بستگی دارد. بر طبق پژوهشهای دانشمندان روسی واردات دریا بین ۴۹۰ تا ۵۶۷/۲ کیلومتر مکعب می‌باشد که این آب می‌تواند در سال حدود ۱۳۰ سانتی‌متر سطح آب دریا را بالا آورد، ولی با توجه به مقدار ۷۵ تا ۱۰۷ سانتی‌متر تبخیر، افزایش آب دریا قابل توجه نیست.(۱۲)

از سال ۱۹۲۳ تا ۱۹۷۸م /۱۳۰۲ تا ۱۳۵۷ش آب دریا مرتباً در حال کاهش بود به طوری که در سال ۱۹۷۸م /۱۳۵۷ش، ۲ متر پایین رفت. گرچه تغییرات اقلیمی در این رویکرد بی تأثیر نبوده، اما کاهش آب رودهای حوضهٔ دریای خزر دراثر احداث سدها و بهره‌برداری از آب رودخانه‌ها به منظور تأمین آب مورد نیاز فعالیتهای کشاورزی و صنعتی بویژه در کرانهٔ رودهای شمالی تأثیر مهمی در کاهش آب دریا داشتند.

کاهش آب دریا در سواحل شمالی به دلیل کم عمق بودن اثرات زیانباری به جا گذاشت، در حالی که در سواحل جنوبی این رخداد چندان محسوس نبود. به همین علت روسها اقدامات اساسی را آغاز کردند، سد بتونی احداثی بر روی خلیج

---

1 - Volga

2 - Aras

3 - Kura

نقشه ۸

قره‌بغاز[1] را منهدم کردند، آب رودهای «پچورا»[2] «ویچگدا»[3] و «کاما»[4] را بـه رودخـانه اورال هدایت کردند واقداماتی برای افزایش میزان آب رودهای کورا و ولگا انجام دادند. حاصل این فعالیتها بر اساس نظر تعدادی از کارشناسان بـالا آمـدن سـطح آب دریـا و پیشروی آن به سوی سواحل در چند سال اخیر است که پیامدهای نامطلوبی در سواحلی شمالی کشور به بار آورده است، دانشمندان حرکات تکتونیکی و تغییرات اقلیمی را نیز در این رویکرد مؤثر دانسته‌اند.

دریای خزر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، شهرهای بزرگ و مهمی در سواحل آن شکل گرفته‌اند که از میان آنها «باکو» پایتخت آذربایجان اهمیت ویژه‌ای دارد. خزر از طریق آبراههایی که شوروی سابق بین رودخانه‌های آن کشور احداث کرد، به دریاهای آزاد مرتبط شد. گرچه این آبراهـها در زمسـتان بـه عـلت یـخبندان قـابل عـبور نـیستند وعملیات حمل و نقل دریایی را بسیار محدود می‌کنند، اما در کشتیرانی دریای خزر نقش عمده‌ای دارند. پایگاههای ناوگان دریایی در هر یک از کشورها حمل و نقل دریایی آنها را انجام می‌دهد. حوزه‌های غنی نفت در دریا وجود دارد که برخی به مرحله استخراج رسیده وبعضی در حد شناسایی باقی مانده‌اند. ذخایر عظیم غذایی، بویژه خاویار یکی از ارقام صادراتی کشورهای حاشیه دریاست.

از سال ۱۹۲۳ تا ۱۹۹۱م /۱۳۰۲ تا ۱۳۷۰ش سواحل دریای خزر در اختیار شوروی و ایران بود اما از سال ۱۹۹۱م /۱۳۷۰ش کشورهای دیگر ساحل دریای مازندران مانند آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان که دسترسی به دریاهای آزاد دیگری ندارند در این دریا به فعالیت پرداختند، همچنین کشورهای دیگر آسـیای مـرکزی مـانند ازبکسـتان، تاجیکستان و قرقیزستان نیز که به هیچ دریایی دسترسی ندارند، تمایل زیادی به استفاده از امکانات دریای خزر دارند، بنابراین برای ایجاد فضای مناسب و مطلوب بـاید تـمام کشورهای حاشیهٔ دریا همکاری کنند تا شرایط بهره‌برداری بهینه از تمام امکانات بالقوه و بالفعل دریا فراهم شود و فعالیتها براساس قـابلیتها، تـنگناها و آیـنده‌نگری جـهت‌دهی

---

1 - Kara Bogaz

2 - Pechorra

3 - Vechguda

4 - Kama

شود.(۱۳)

۲ ـ ۶ ـ ۲ دریاچه آرال

دریاچه آرال[1] که در سال ۱۸۴۸م /۱۲۲۷ش برای نخستین بار اکتشاف و نقشه‌برداری شد. در مرز بین دو جمهوری ازبکستان و قرقیزستان واقع است. آرال تا پیش از سال ۱۹۶۰م /۱۳۳۹ش، ۶۶ هزار کیلومتر مربع وسعت داشت و چهارمین دریاچه بزرگ جهان بود واینک با حدود ۴۷ هزار کیلومتر مربع ششمین دریاچه جهان و دومین دریاچه بزرگ آسیاست. این دریاچه دارای ۳۰۰ جزیره کوچک و بزرگ است و ساحل غربی آن بدنه فلات اوست اورت با ارتفاع ۲۵۰ متر می‌باشد. ساحل شمالی ارتفاع کمی دارد، ساحل شرقی کم ارتفاع و ماسه‌ای می‌باشد و ساحل جنوبی آن مصب آمو دریا است. آرال در ۷ ماه از سال قابل کشتیرانی می‌باشد و در زمستان بخشی از سطح آن از یخ پوشیده می‌شود.

دو رودخانهٔ آمودریا و سیردریا آب دریاچه را تأمین می‌کنند. بنابراین حوزهٔ آبخیز آرال بین پنج جمهوری آسیایی مرکزی تقسیم شده است وهرگونه عملی که منجر به نوسان آب دو رود مذکور شود، تأثیر مستقیم بر وسعت و میزان آب دریاچهٔ آرال می‌گذارد.

سیاست روسها پس از حاکمیت بر آسیای مرکزی گسترش اراضی کشاورزی و تخصصی کردن زراعت در آن ناحیه بود. به همین منظور استفاده از آب آمو دریا و سیردریا برای آبیاری اراضی زیرکشت پنبه به وسیلهٔ حفر و احداث کانالهای آبیاری مورد توجه قرار گرفت. بهره‌برداری بیش از ظرفیت دو رودخانه سبب شد که میزان آب ورودی به آرال کاهش یابد، به طوری که در سال ۱۹۶۰م /۱۳۳۹ش سیردریا و آمودریا ۵۶ کیلومتر مکعب آب به آرال وارد کردند و در سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۹م /۱۳۴۹ تا ۱۳۵۸ش رقم مذکور به ۲۱ کیلومتر مکعب کاهش یافت (جدول ۲ ـ ۱).

کاهش میزان آب وارده به دریاچه سبب کاهش حجم دریاچه به میزان ۴۰درصد شد و خط ساحلی در برخی مناطق تا ۶۵ کیلومتر عقب رفت. عمق متوسط دریاچه که در

---

1 - Aral

جدول ۲ ـ ۱ حجم آب وارداتی دریاچه آرال از سیر دریا و آمودریا در سالهای ۱۹۵۱ تا ۱۹۸۰/ ۱۳۳۰ش تا ۱۳۵۹ش [۱۴]

سال (م/ش)	**حجم آب** (کیلومتر مکعب)
۱۳۳۰/۱۹۵۱	۷۳/۹
۱۳۳۴/۱۹۵۵	۵۸/۲
۱۳۳۹/۱۹۶۰	۶۲/۹
۱۳۴۱/۱۹۶۵	۲۹/۹
۱۳۴۹/۱۹۷۰	۳۸/۵
۱۳۵۱/۱۹۷۵	۱۰/۷
۱۳۵۹/۱۹۸۰	۱۲/۵

اوایل دهه ۱۹۶۰م/۱۳۴۰ش ۵۳/۴ متر بود واز آغاز قرن بیستم بیش از یک متر تغییر نکرده بود، در دهه ۱۹۸۰م/۱۳۶۰ش به حدود ۳۸ متر کاهش یافت. میزان شوری آب که در سال ۱۹۴۲م/۱۳۲۱ش ۱۰گرم در لیتر بود در دهه ۱۹۸۰م/۱۳۶۰ش به ۳۰گرم در لیتر افزایش‌یافت که سبب نابودی گیاهان‌بومی و جانداران‌دریایی شد.[۱۵] (جدول ۳ـ۱).

جدول ۳ ـ ۱ وسعت، حجم آب، ارتفاع سطح آب و میزان نمک دریاچه آرال [۱۶]

سال (م/ش)	**مساحت** (کیلومترمربع)	**حجم آب** (کیلومترمکعب)	**ارتفاع سطح آب** (متر)	**میزان‌نمک آب** (درصد)
۱۳۴۰/۱۹۶۱	۶۷۰۰۰	۱۰۹۲	۵۳/۳	۹/۹
۱۳۴۹/۱۹۷۰	۶۳۰۰۰	۹۷۰	۵۱/۵	۱۱
۱۳۵۹/۱۹۸۰	۵۱۰۰۰	۶۸۰	۴۵/۹	۱۶/۳
۱۳۷۹/۲۰۰۰	۲۰۱۰۰	۱۳۵	۳۱/۸	۱۹/۶

در جدول ۳ ـ ۱ مشاهده می‌شود که پـژوهشگران بـراسـاس آمـار مـوجود و رونـد تحولات دریاچهٔ آرال در طول سالیان گذشته، به پیش‌بینی و محاسبهٔ وضعیت آن دریاچه در سال ۲۰۰۰ پرداخته‌اند (نقشهٔ ۹).

تحولات و نوسان سطح آب دریاچهٔ آرال اثرات زیانبار زیست مـحیطی گـوناگـونی

داشته است که در قسمت بررسی آلودگیهای زیست محیطی آسیای مرکزی به آنها اشاره می‌شود.

۳ـ ۶ـ ۲ دریاچهٔ بالخاش

این دریاچه در جنوب شرقی قزاقستان بین تپه‌های شمالی و زمینهای خشک صحرایی در جنوب امتداد یافته است. حدود ۱۷۳۰۰ کیلومتر مربع وسعت دارد و طول آن ۶۰۵ کیلومتر و گودترین نقطه آن ۳۰ متر ژرفا دارد. رودهایی که از ارتفاعات آلاتائو و تیان شان در شرق دریاچه سرچشمه می‌گیرند از ساحل جنوبی دریاچه به آن می‌ریزند. از میان آنها رودخانه «ایلی»[۱] نقش مهمتری در تأمین آب دریاچه دارد. دریاچه بالخاش در فصل زمستان سطح آن یخ می‌بندد.

۴ـ ۶ـ ۲ دریاچهٔ «آیسیک کول»

آیسیک کول[۲] یکی از بزرگترین دریاچه‌های کوهستانی دنیا به شمار می‌رود که در ارتفاع ۱۵۹۳ متری از سطح دریا و در مشرق قزاقستان واقع است. این دریاچه با وسعت ۶۰۷۰ کیلومتر مربع، ۱۸۵ کیلومتر درازا و ۶۱ کیلومتر پهنا دارد و عمیق‌ترین نقطهٔ آن ۷۰۲ متر پایین‌تر از سطح آب است. در اکثر اوقات رودخانه «چو»[۳] آن را تغذیه می‌کند.

۵ـ ۶ـ ۲ دریاچه «زایسان»[۴]

این دریاچه در مشرق قزاقستان و در نزدیکی مرز این کشور با چین واقع است. زایسان دریاچه‌ای کوهستانی است که در جهت شمال غربی ـ جنوب شرقی گسترده شده است. آب دریاچهٔ زایسان با وسعت ۱۱۱۸ کیلومتر مربع از سرشاخه‌های رودخانهٔ «ایرتیش»[5] تأمین می‌شود.

---

1 - Ili

2 - Issyk Kul

3 - Chu

4 - Zaisan

5 - Irtysh

نقشهٔ ۹

دریاچه‌های «تـنگیز»[1] و «قـوشمورون»[2]، «آلاکـول»[3] در قـزاقسـتان «زورکـول»[4] در قرقیزستان و «قراکول»[5] در تاجیکستان از دیگر دریاچه‌های آسیای مرکزی هستند که از وسعت و اهمیت بیشتری نسبت به سایر دریاچه‌های کوچک ناحیه برخوردارند.

۶ـ۶ـ۲ آمو دریا

رودخانهٔ آمو دریا که نام باستانی آن «وخش» بوده[۱۷] و در دوران باستان یونانی‌ها آن را «اکسوس»[6] و در قرنهای نخستین اسلامی عربها آن را «جیحون»[7] نامیدند، نام خود را از نام شهر آمل گرفته است و حتی پس از تغییر نام آمل به «چارجو» این نام را حفظ کرده است. آمودریا یکی از مهمترین رودها و منابع آب آسیای مرکزی به شمار می‌آید. این رود که در کتابها و اسناد تاریخی و باستانی مرز میان ایران و توران ذکر شده[۱۸] و اراضی شرقی و شمالی آن را عربها ماوراءالنهر نام نهادند. از فلات پامیر در جنوب شرقی ناحیه، با ارتفاع بیش از ۴۰۰۰ متر سرچشمه می‌گیرد و پس از گذشتن از ارتفاعات و بیابانهای ناحیه به دریاچهٔ آرال می‌ریزد، رودهای «پیانچ (پنج)»[8] و «وخش»[9] که از جمع شدن آب تعدادی رودخانهٔ کوچکتر تشکیل می‌شوند دو سر شاخهٔ مهم آمودریا هستند. رودخانهٔ پیانچ به تنهایی نیمی از خط مرزی افغانستان و تاجیکستان را طی می‌کند و پس از پیوستن رودخانهٔ وخش به آن، با نام آمودریا به سوی غرب جاری می‌شود و بخش دیگری از مرز را تشکیل می‌دهد، سپس جهت جنوب شـرقی ـ شـمال غـربی مـی‌گیرد و پس از طـی مسافت زیادی که تقریباً خط مرزی ازبکستان و ترکمنستان است. جهت شمالی می‌یابد و با دلتای وسیعی از جنوب دریاچهٔ آرال به آن می‌ریزد.

1 - Tengiz
2 - Kushmurun
3 - Ala Kul
4 - Zor Kul
5 - Kara Kul
6 - Axus
7 - Jaxartes
8 - Piandg (Pandj)
9 - Vakhsh

طول آمودریا از سرچشمه تا مصب حدود ۲۵۴۰ کیلومتر و وسعت حوضهٔ آبگیر آن حدود ۴۶۶ هزار کیلومتر مربع است. حدود ۹۰۰ کیلومتر از مسیر این رودخانه در اواخر بهار و اوایل تابستان که زمان پرآبی آن است، قابل کشتیرانی است. در این ایام عرض رودخانه به ۸۰۰ متر می‌رسد. در سایر فصلها عرض رودخانه تا ۴۰۰ متر کاهش می‌یابد. و بخشهای سفلای آمودریا، در واقع بخش نزدیک به دریاچهٔ آرال، در طول فصل سرد سال یخبندان و غیرقابل استفاده است.

تمام آب آمودریا تا پیش از حفر کانال قره‌قوم به آرال می‌ریخت اما از زمان حفر کانال مذکور و سرازیر شدن بخشی از آب آن در این کانال، از حجم آب و در نتیجه آب ورودی به دریاچهٔ آرال کاسته شد (جدول ۴ ـ ۱)

جدول ۴ ـ ۱ حجم آب وارداتی آمودریا به دریاچهٔ آرال در سالهای ۱۹۵۱ تا ۱۹۸۰م/ ۱۳۳۰ تا ۱۳۵۹ش(۱۹)

سال (م/ش)	**حجم آب** (کیلومتر مکعب)
۱۳۳۰/۱۹۵۱	۵۵/۱
۱۳۳۵/۱۹۵۶	۴۷/۹
۱۳۴۰/۱۹۶۱	۳۱/۴
۱۳۴۵/۱۹۶۶	۳۳/۲
۱۳۵۰/۱۹۷۱	۱۵/۴
۱۳۵۵/۱۹۷۶	۱۰/۳
۱۳۵۹/۱۹۸۰	۱۱

۷ ـ ۶ ـ ۲ سیردریا

این رودخانه را یونانیان «یاکسارت»[1] نامیده‌اند، مردم محلی تا قرون نخستین اسلامی «خشرت»[2] و عربها «سیحون» خوانده‌اند.(۲۰) سیردریا از کوههای تیان شان در

1 - yaxartes

2 - Khashart

قرقیزستان سرچشمه می‌گیرد و به سوی دریاچهٔ آرال جاری می‌شود. سیردریا در واقع از به هم پیوستن دو رودخانهٔ «نارین»[1] و «قره‌دریا»[2] تشکیل می‌شود و در مسیر نیز آبهای جاری به آن می‌ریزند که برخی ارتباط دایم و بعضی ارتباط موقت دارند.

سیردریا در ابتدای مسیر خود جهت شرقی ـ غربی دارد و پس از عبور از درهٔ فرغانه جهت شمالی می‌یابد وارد جمهوری قزاقستان می‌شود، در آنجا پس از مسافت کوتاهی با جهت جنوب شرقی ـ شمال غربی به سوی دریاچهٔ آرال جریان می‌یابد. درهٔ حاصلخیز فرغانه که مستعدترین ناحیهٔ کشاورزی آسیای مرکزی شناخته شده است، آب مورد نیاز خود را از سیردریا تأمین می‌کند. احداث کانالهای آبرسانی در مسیر رودخانه سبب انتقال آب سیردریا به زمینهای کشاورزی و توسعهٔ کشت و زرع شده است.

سیردریا که حد شمالی و شرقی صحرای قزل قوم را تشکیل می‌دهد. از سرچشمه تا مصب در مسیری به طول حدود ۲۲۰ کیلومتر جاری است. این رودخانه به دلیل کم عمق بودن برای کشتیرانی مناسب نیست و در فصل سرد سال به مدت سه الی چهار ماه سطح آن یخبندان است. بهره‌برداری بی‌رویه از آب سیردریا طی چند دههٔ اخیر از میزان حجم آب آن در یک دوره زمانی سی ساله به میزان قابل توجهی کاسته است (جدول ۵ ـ ۱).

جدول ۵ ـ ۱ حجم آب رودخانهٔ سیر دریا در دورهٔ زمانی ۱۹۵۱ تا ۱۹۸۰م/۱۳۳۰ تا ۱۳۵۹ش [۲۱]

سال (م/ش)	**حجم آب** (کیلومتر مکعب)
۱۳۳۰/۱۹۵۱	۱۸/۸
۱۳۳۵/۱۹۵۶	۱۶/۴
۱۳۴۰/۱۹۶۱	۱۰/۵
۱۳۴۵/۱۹۶۶	۹/۶
۱۳۵۰/۱۹۷۱	۸/۱
۱۳۵۵/۱۹۷۶	۰/۵
۱۳۵۹/۱۹۸۰	۱/۵

1 - Kara Darya

2 - Naryn

۸ـ ۶ـ ۲ رودخانه ایرتیش

ایرتیش از دامنه‌های غربی کوههای آلتایی در سرزمین چین سرچشمه می‌گیرد. در ابتدا، مسیر شرقی ـ غربی دارد و پس از ورود به خاک قزاقستان جهت جنوب شرقی ـ شمال غربی می‌یابد و از دریاچهٔ زایسان می‌گذارد. رودخانه‌های فرعی بیشماری در این مسیر به آن می‌پیوندند وحجم آب آن را افزایش می‌دهند. در این زمان ایرتیش به سوی شمال جاری می‌شود و پس از طی مسافتی از خاک قزاقستان، وارد جمهوری روسیه می‌شود. در آنجا پس از طی مسیری طولانی به رودخانهٔ اُب می‌پیوندد و سرانجام به خلیج اُب می‌ریزد. در واقع ایرتیش مهمترین شاخهٔ رودخانه اُب محسوب می‌شود. ایرتیش که یکی از رودهای مهم آسیای مرکزی به شمار می‌رود، حدود ۴۴۰۰ کیلومتر طول دارد و بخشهایی از آن برای کشتیرانی مساعد است.

۹ـ ۶ـ ۲ رودخانه «ایشیم»[1]

این رود در شمال قزاقستان جاری است و سرچشمهٔ آن ناحیهٔ اسپتی قزاقستان می‌باشد. ایشیم جهت جنوبی ـ شمالی دارد و سطح وسیعی از خاک قزاقستان را می‌پیماید تا وارد سرزمین روسیه شده و به رودخانهٔ ایرتیش بریزد. طول رودخانهٔ ایشیم حدود ۲۱۴۰ کیلومتر است.

۱۰ـ ۶ـ ۲ رودخانهٔ ایلی

از ارتفاعات تیان شان در چین سرچشمه می‌گیرد و با جهت شرقی غربی به سوی دریاچهٔ بالخاش جریان می‌یابد، طول ایلی حدود ۱۲۸۰ کیلومتر است که بیشتر مسیرش در خاک قزاقستان قرار دارد. در زمان بارشهای جوی، افزایش سطح آب، امکان کشتیرانی را در طول ۴۵۰ کیلومتر از آن فراهم می‌کند.

۱۱ـ ۶ـ ۲ رودخانهٔ اورال

این رودخانه از جنوبی‌ترین دامنه‌های رشته کوههای اورال در روسیه سرچشمه

---

1 - Ishim

می‌گیرد و با جهت شرقی ـ غربی جاری می‌شود تا وارد خاک قزاقستان گردد. در آنجا جهت شمالی ـ جنوبی می‌یابد و به سوی دریای مازندران جاری می‌گردد و با دلتای وسیعی به آن می‌ریزد. بخشهای جنوبی اورال که حدود ۲۵۳۰ کیلومتر طول دارد قابل کشتیرانی است.

۱۲ ـ ۶ ـ ۲ رودخانه «امبا»[1]

از کوههای «موگوجاری»[2] در قزاقستان سرچشمه می‌گیرد و به سوی جنوب غربی جاری می‌شود تا به دریای خزر می‌رسد. درازای این رودخانه حدود ۵۶۳کیلومتر است و در قسمت سفلای آن حوزه‌های غنی نفتی وجود دارد.

۱۳ ـ ۶ ـ ۲ رودخانهٔ «چو»

این رودخانه که حدود ۱۱۲۶ کیلومتر طول دارد از رشته کوههای تیان شان در قرقیزستان سرچشمه می‌گیرد و با جهت شرقی ـ غربی جاری می‌شود. رود چو پس از طی مسافت زیادی از خاک قزاقستان در ریگزار «مویان قوم»[3] ناپدید می‌شود.

۱۴ ـ ۶ ـ ۲ رودخانهٔ «توبول»[4]

از دامنهٔ کوههای بخش جنوب شرقی ارتفاعات اورال سرچشمه می‌گیرد و با جهت جنوبی ـ شمالی جاری می‌شود و پس از پیمودن بخشی از خاک قزاقستان در شمال آن وارد سرزمین روسیه می‌شود و در آنجا به سوی شرق جریان می‌یابد و به رودخانهٔ ایرتیش می‌پیوندد. رودخانهٔ توبول حدود ۱۶۰۰ کیلومتر طول دارد و بیشتر آن در خاک روسیه جاری است.

---

1 - Emba

2 - Mugodzhary

3 - Muyun Kum

4 - Tobol

۱۵ ـ ۶ ـ ۲ رودخانهٔ «مرغاب»[1]

این رودخانه از دامنه‌های غربی کوههای هندوکش افغانستان با جهت شرقی ـ غربی سرچشمه می‌گیرد و سپس در نزدیکی مرز ترکمنستان جهت جنوبی ـ شمالی می‌یابد، وارد خاک این کشور می‌شود و تا نزدیکی شهر «مرو»[2] جریان می‌یابد و سرانجام در شن‌زارهای صحرای قره قوم در اطراف شهر فرو می‌رود. مرغاب حدود ۸۰۵ کیلومتر طول دارد.

۱۶ ـ ۶ ـ ۲ رودخانهٔ «ساریسو»[3]

از کوههای «اولوتاو»[4] در بخش مرکزی قزاقستان سرچشمه می‌گیرد و به سوی جنوب جاری می‌شود و پس از طی مسافت طولانی در بیابان، در نزدیکی رودخانهٔ سیردریا در شنها فرو می‌رود. ساریسو مسافتی به طول ۸۳۶ کیلومتر را مشروب می‌کند.(۲۲)

۱۷ ـ ۶ ـ ۲ رودخانهٔ «زرافشان»[5]

این رودخانه که گفته می‌شود پیش از اسلام نامش «نامی» بوده و تا پیش از قرن دوازدهم هجری / هجدهم میلادی پژوهشگران آن را «رود سغد» یا «آب کوهک» می‌نامیدند.(۲۳) از پایکوههای غربی ارتفاعات آلای سرچشمه می‌گیرد. زرافشان با جهت شرقی ـ غربی از ناحیهٔ شمال غربی تاجیکستان عبور می‌کند و وارد خاک ازبکستان می‌شود و پس از سیراب کردن اراضی اطراف شهرهای «سمرقند» و «بخارا» در شنزارهای بخارا فرو می‌رود. این رود مسافتی به طول ۷۴۰ کیلومتر را طی می‌کند.

---

1 - Murgab

2 - mary

3 - Sary Su

4 - Ula Tau

5 - Zeravshan

۱۸ ـ ۶ ـ ۲ کانالهای آبرسانی

شرایط اقلیمی در طی قرون متمادی آبیاری به منظور بهره‌برداری از اراضی را الزامی ساخته است. به طوری که تا سال ۱۸۴۳م /۱۲۲۲ش بیش از سی کانال بزرگ و یک شبکهٔ عظیم و گسترده آبیاری ایجاد شده بود. پس از تسلط کمونیستها بر آسیای مرکزی، سیاست دایر کردن اراضی بایر وافزایش سطح زیرکشت پنبه مورد توجه بیشتری قرار گرفت. این امر توجه به شیوه‌های آبیاری و دگرگونی در سیستمهای آبیاری سنتی را ضروری ساخت در نتیجه بهره‌برداری بیشتر از آب رودها، بویژه آمودریا و سیردریا را سبب شد.

حفر کانالهای آبرسانی وهدایت آب از رودها به اراضی، یکی از اقدامات مورد توجه بود و در همین جهت، در بهار سال ۱۹۳۹م /۱۳۱۸ش حدود ۴۵ کانال و در تابستان همان سال کانال بزرگ فرغانه به طول ۲۳۸ کیلومتر احداث شد. کانال فرغانه آب سیردریا را به مرکز دره انتقال می‌دهد. این کانال به همراه کانالهای دیگری که در جنوب و شمال درهٔ فرغانه ایجاد شدند، توسعهٔ فزایندهٔ سطح زیر کشت پنبه را به همراه داشتند. در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی، تلاش زیادی برای حفر کانالهای آبیاری صورت گرفت و کانالهایی در حوضهٔ رودهای «تجن»، مرغاب و زرافشان ساخته شد.

کانال آبرسانی قره قوم (ترکمن باشی) بزرگترین کانال در جهان است. این کانال که آب آمودریا را به زمینهای کشاورزی انتقال می‌دهد از ۸۰۰ کیلومتری سرچشمهٔ رودخانه آغاز شده و به طول حدود ۱۵۰۰ کیلومتر به سوی غرب امتداد یافته است. این کانال به طور متوسط ۱۰۰ متر عرض و بین ۶ تا ۱۰ متر عمق دارد. و بخشهایی از آن قابل کشتیرانی است. انتهای کانال قره قوم که قرار بود تا دریای خزر امتداد یابد، در حال حاضر غرب «عشق آباد» است. حفر این کانال در توسعهٔ کشاورزی ترکمنستان نقش مهمی داشته است، اما از سوی دیگر به دلیل برداشت بی رویهٔ آب، بیش از میزان پیش بینی شده، از حجم آب آمودریا و در نتیجه آب ورودی به دریاچهٔ آرال کاسته شد که عواقب ناگوار مادی و معنوی شگرف و غیر قابل جبرانی به همراه داشته است. در مبحث آلودگیهای زیست محیطی به این مهم اشاره می‌شود.

۷ـ ۲ پوشش گیاهی

وسعت زیاد، شرایط اقلیمی گوناگون و ویژگیهای توپوگرافی آسیای مرکزی، تنوع گسترده پوشش گیاهی را به همراه داشته است. به طوری که گونه‌های گیاهی متعلق به محیطهای مختلف، از جنگلهای مخروطی تا بوته‌های بیابانی، در این ناحیه مشاهده می‌شود. بخش وسیعی از ناحیه شرایط بیابانی دارد و کم آبی مانع عمدهٔ رشد و توسعه گیاهان می‌باشد. تغییرات فیزیولوژیکی، گیاهان را در انطباق با شرایط زیستی و مقابله با تنگناهای موجود و حفظ نسل در طی زمان یاری داده است. کاهش سطح برگها و افزایش نسبت ریشه به ساقه در گیاهان ناحیه، مهمترین تغییرات فیزیولوژیکی به منظور مقابله با خشکی هوا و استفاده از آبهای زیرزمینی بوده‌اند.

انواع بوته‌ها و گیاهان بیابانی، علفزارها، جنگلهای پراکنده، جنگلهای کوهستانی و علفزارهای کوهستانها، به ترتیب پوشش گیاهی عمده نقاط پست تا کوههای بلند آسیای مرکزی می‌باشند. بدیهی است که بسته به شرایط اقلیمی و ناهمواری، برخی گیاهان به شکل متراکم و بعضی به صورت پراکنده مشاهده می‌شوند. نظارت شدید دولت بر بهره‌برداری از پوشش گیاهی به منظور کنترل و حفظ محیط زیست و پوشش گیاهی، سبب شده که در کمتر نقطه‌ای از ناحیه، بهره‌وری از گیاهان همراه با نابودی آنها باشد. به طوری که حتی در بیابانهای آن پوشش گیاهی بسیار متراکم‌تر از پوشش گیاهی بیابانهای دیگر، از جمله ایران، می‌باشد. ضمن آن که فعالیتهای مربوط به کویرزدایی و جلوگیری از گسترش کویرها در این امر مؤثر بوده است.

۸ـ ۲ مشکلات محیط زیست

در آسیای مرکزی نیز مشابه همهٔ نقاط جهان اکوسیستم یک توازن و تعادل حساس از عوامل به هم پیوسته است. هرگونه اقدام انسان که منجر به از بین رفتن تعادل و ازهم گسستگی پیوندهای موجود در طبیعت شود، ضایعات زیانبار و گسترده‌ای به وجود می‌آورد که خود به عنوان یک حلقه در چرخه‌های دیگر مؤثر واقع می‌شود و تمام ابعاد زندگی طبیعی و انسانی واقتصادی را در برمی‌گیرد.

آلودگیهای محیط زیست که حاصل فعالیتهای انسان بدون توجه به ظرفیتها و تنگناهای محیط می‌باشد، به شکل پنهان بر زندگی وحتی حیات انسان اثر مخرب دارد. در آسیای مرکزی نیز فعالیتهای گوناگون تعادل محیط زیست را برهم زده است، اما گستردگی فاجعه‌های ناشی از فعالیتهای کشاورزی و نظامی، آلودگیهای صنعتی را تحت‌الشعاع خود قرار داده است. به طوری که با وجود گسترش آلودگیهای گوناگون در ناحیه، اثر زیانبار بحرانهای ناشی از افت سطح آب دریاچهٔ آرال، آلودگی دریای خزر و منطقهٔ آزمایشهای اتمی به حدی است که کمتر نقاط آلوده دیگر و آلاینده‌های آنها مورد توجه و بحث و نظر قرار گرفته‌اند.

۱ ـ ۸ ـ ۲ بحران دریاچهٔ آرال

از دیرباز کشت و زرع آسیای مرکزی بستگی تام به تأمین آب داشته است و دو رودخانهٔ سیردریا و آمودریا در این رویکرد نقش حیاتی داشته‌اند، هم در تهیهٔ آب مورد نیاز و هم در تأمین آب دریاچهٔ آرال. به دلیل وابستگی فعالیتهای معیشتی بویژه کشاورزی با منابع آب جاری، از قدیم سیستمهای آبیاری در ناحیه وجود داشت که تحت نظر حکومتهای محلی مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفتند. از اواخر قرن نوزدهم واوایل قرن بیستم روسهای مهاجر، تلاش وسیعی برای توسعهٔ سیستم آبیاری و افزایش سطح زیر کشت آغاز کردند. با حاکمیت بلشویکها بر آسیای مرکزی سیاست توسعهٔ اراضی کشاورزی و افزایش سطح زیر کشت پنبه به عنوان مهمترین محصول زراعی آسیای مرکزی مورد توجه بیشتر قرار گرفت.

افزایش سطح زیر کشت مستلزم بهره‌برداری بیشتر از آب سیردریا و آمودریا بود به ناچار سیستم آبیاری و دگرگونی آن مورد توجه قرار گرفت و کانالهای آبرسانی متعددی حفر و احداث شد.

آب لازم در شبکه‌های عظیم آبیاری از رودخانه‌های سیردریا و آمودریا تأمین می‌شد. افزایش زمینهای کشاورزی و بهره‌برداری بی رویه از این رودخانه‌ها سبب شد که آب رودخانه‌ها قبل از رسیدن به دریاچهٔ آرال تمام شود وتنها جریان کوچکی از آنها به آرال بریزد.

کاهش آب ورودی به آرال باعث شد این دریاچه که تا دهه ۱۹۶۰م چهارمین دریاچهٔ بزرگ جهان بود، در طی یک دوره ۳۰ ساله $\frac{۱}{۳}$ از حجم خود را از دست بدهد. کاهش آب دریاچه آثاری زیانبار بر کیفیت آب داشته و سبب دگرگونی ترکیبات مواد معدنی آن و افزایش شدید میزان نمک در آب گردیده که باعث نابودی ماهیها و سایر جانداران آبزی شده است.

یکی از آثار سوء کاهش حجم دریاچهٔ آرال تغییرات آب و هوایی در مقیاس محلی است که منجر به کاهش میزان رطوبت هوا وافزایش تفاوت درجه حرارت در فصول مختلف سال شده است(۲۴). این تغییر به نوبهٔ خود بر روی زمان لازم برای باروری گیاهان و جانوران ناحیه حد فاصل مصب دو رودخانه اثر منفی گذاشته است. حدود $\frac{۱}{۵}$ از وسعت جنگلهای کاسته شده و $\frac{۳}{۴}$ از گونه‌های جانوران بومی از بین رفته‌اند و صنعت ماهیگیری که مهمترین فعالیت معیشتی ساکنان اطراف دریاچه بود راکد شده است.(۲۵) اکنون دو بندر قدیمی آرال و «موییناق (مویناک)»[1] در فاصلهٔ ۴۰ کیلومتری دریا در خشکی افتاده‌اند.

در اثر خشک شدن آب دریاچهٔ آرال و بیرون آمدن بخشی از بستر دریاچه از خط آب، باد ذرات نمک را تا صدها کیلومتر دورتر می‌برد و هوا، خاک و ذخایر آب را می‌آلاید و زمینهای کشاورزی را بایر می‌کند. پژوهشگران برآورد کرده‌اند که در سال حدود ۴۳ میلیون تن نمک و ماسه از شوره زارهای آرال به حرکت در می‌آید و بر ساکنان نواحی مجاور می‌ریزد.(۲۶)

گسترش سطح زمینهای کشاورزی بویژه جهت کشت پنبه علاوه برآن که نیازمند تأمین آب مورد نیاز بود. استفاده فزاینده مواد ضد آفت، کودهای شیمیایی و گردهای شیمیایی (گردها و مایعات شیمیایی که روی درختان می‌ریزند تا درخت برگ ریزان کند) را الزامی کرد. استفاده کودهای شیمیایی به میزان ۱۵۰۰ کیلوگرم آمونیوم سولفات، ۱۰۰ ـ ۲۰۰ کیلوگرم پتاسیم کلرات و ۲۰۰ ـ ۲۵۰ کیلوگرم سوپر فسفات در هکتار، برای پنبه و ۵۴ کیلوگرم آفت کش در هکتار در مقایسه با ۳/۵ کیلوگرم آفت کش در بقیهٔ اتحاد شوری سابق، پاشیدن حدود ۱۱۸ هزار تن گرد برگریز بسیار سمی مشهور به «مادهٔ نارنجی» که

---

1 - Muinak

امریکاییها در ویتنام از آن استفاده کردند، در منطقه «قراقالپاق»[1] در جنوب دریاچه، نمونه‌ای از استفادهٔ بی‌رویه از این مواد می‌باشد.[(۲۷)]

حاصل عملکرد مسؤولان نظام شوروی سابق، گرچه از سویی افزایش تولید پنبه را به دنبال داشت اما از سوی دیگر تنزل شرایط زیست محیطی را در سراسر مسیر رودخانه‌های سیردریا و آمودریا ـ بویژه سیردریا ـ و اطراف دریاچهٔ آرال سبب شد که نتایج نهایی آن به شکل بروز انواع بیماریها در ساکنان ناحیه، کاهش طول عمر، افزایش هزینهٔ بهداشت و درمان و کاهش اشتغال و رفاه اجتماعی آشکار شده است.

کارشناسان ادعا می‌کنند که در ناحیه‌ای که آب ارزش زیادی دارد و منبع حیاتی محسوب می‌شود افزایش مطلق حجم آب مصرفی در کشاورزی و مواد ضد آفت و کودهای شیمیایی بیش از آن که ناشی از نیاز گیاهان بویژه پنبه باشد. زاییدهٔ وضعیت نازل سیستم آبیاری و نبود دانش فنی در میان کارشناسان و مدیران آب آسیای مرکزی بوده است. به طوری که در حال حاضر تنها ۲۰ تا ۲۵درصد آب مصرفی آن برای آبیاری مفید است و بقیهٔ آب به دلیل تبخیر، نفوذ به زمین و خروج ناشی از زهکشی نامناسب اراضی هدر می‌رود.[(۲۸)]

آنها هم چنین تصریح می‌کنند که نجات دریاچهٔ آرال و رودهای آمودریا و سیردریا مستلزم مدیریت فنی بهتر، استفادهٔ محدود از کودهای شیمیایی و آفت‌کش‌ها و همچنین بهره‌برداری سنجیده و مسؤولانه از آبهای جاری می‌باشد. حل این مسأله مبرم و حیاتی در گرو همکاری و همفکری تمام کشورهای آسیای مرکزی و برخی از سازمانهای بین‌المللی است و آنها باید در بررسی مسائل و آلودگیهای محیط زیست برای این موضوع اولویت قایل شوند و مساعدت‌های لازم را به ویژه در تأمین سرمایهٔ مورد نیاز بنمایند.

۲ ـ ۸ ـ ۲ آلودگی دریای خزر

آلودگی محیط زیست دریای خزر بیش از توان پالایشی آن است. این آلودگی که در سالهای اخیر، بویژه پس از فروپاشی شوروی سابق به علت عدم تثبیت ضوابط محیط

---

1 - Kara Kalpak

زیست دریایی، شدت یافته، چنان خسارتی به کشورهای اطراف آن وارد می‌سازد که ارقام آن حیرت‌آور است.

دریای خزر به عنوان یک واحد اکولوژیکی، علاوه برآن که نقش مهمی در تعدیل شرایط اقلیمی نواحی مجاور خود دارد، در طول تاریخ دو کارکرد مهم داشته است. اولین کارکرد آن ایفای نقش مهم ارتباطی است که با یک شبکهٔ حمل ونقل مناسب روابط تجاری و فرهنگی میان کشورهای مختلف جهان را برقرار می‌کرده است. کارکرد دوم آن در واقع تأمین ذخایر عظیمی از مواد مورد نیاز انسان است که منابع پایان ناپذیرش به شکل انواع منابع غذایی طی سالیان دراز مورد بهره‌برداری قرار گرفته و منابع تجدیدناپذیر آن که مواد سوختی است تقریباً دست نخورده باقی مانده است. بنابراین در حیات اقتصادی کشورهای اطرافش تأثیر بسیار زیاد دارد.

عوامل آلودگی دریای خزر در واقع انسان و فعالیتهای اوست، که به دو شکل جلوه‌گر می‌شود، یکی بالا آمدن آب دریا و دیگر گسترش انواع فعالیتهای دریایی و ساحلی در محدوده آن.

پیشروی دریا و افزایش سطح آب آن یکی از مهم‌ترین وقایع زیست محیطی است که سبب شده طی دو دهه اخیر حجم آب دریا از ۳۷۰ به ۴۲۰ هزار کیلومتر مربع افزایش یابد.[۲۹] این فرایند که فرضیه‌های گوناگونی درباره علل آن بیان شده است ولی هنوز برای هیچ کس دلیل آن به روشنی آشکار نشده، کمتر از نظر ایجاد آلودگی مورد توجه قرار داشته و عمدةً زیانهای فراوان ناشی از صدمه و تخریب تعداد بیشماری واحد مسکونی، ساختمانها و تأسیسات دولتی، بناهای خصوصی، زمینهای کشاورزی و... بیان شده است. اما برخی از دانشمندان هشدارهایی درباره آلودگی دریای خزر در اثر بالاآمدن سطح آب آن داده‌اند. آنها اظهار داشتند که بالا آمدن آب، خطر سمهای شیمیایی و رادیو آکتیو را که در زمان شوروی سابق در این ناحیه انباشته شده است؛ همراه خواهد داشت. همچنین یکی از متخصصان یونسکو، تصریح می‌کند که در میان کشورهای ناحیه، قزاقستان بیش از دیگران در معرض خطر است، زیرا در دوران حاکمیت روسها براین کشور، آنها طرحی را به مرحله اجرا در آوردند که براساس آن با انفجارهای اتمی، دره‌های بزرگی ایجاد می‌شد که می‌توانستند پس مانده‌های صنایع

هسته‌ای را در آنها دفن کنند. گرچه اجرای این طرح در سال ۱۹۸۳م /۱۳۶۲ش متوقف شد اما این خطر وجود دارد که با بالا آمدن سطح آب دریای خزر، مواد سمی و رادیوآکتیو باقی مانده از انفجارهای اتمی به دریا راه یابند.(۳۰) که این رویکرد خسارت جبران ناپذیری برجای خواهد گذاشت.

دیگر عامل آلودگی دریای خزر توسعه فعالیتهای گوناگون دریایی و ساحلی است. افزایش جمعیت شهرهای ساحلی، توسعه و گسترش فعالیتهای کشاورزی و صنعتی، گسترش حمل و نقل دریایی به علت افزایش حجم دادوستدهای تجاری، توسعه بنادر موجود و احداث بنادر جدیدعوامل عمده آلودگی مستقیم دریا توسط انسان می‌باشند. حاصل رونق این فعالیتها افزایش میزان آلاینده‌ها است که از میان آنها، پساب کارخانه‌های گوناگون آب گرم و مواد زاید نیروگاهها، پساب‌های کشاورزی و کودهای شیمیایی، فاضلاب و زباله‌های شهری، پساب‌های صنعتی به ویژه نفت و فراورده‌های آن تأثیر مخرب‌تری در آلودگی آب دریای خزر دارند.

در میان کشورهای حاشیه دریا جمهوری آذربایجان و روسیه بیش از دیگر کشورها در ایجاد آلودگی دریا مؤثر بوده‌اند آلاینده‌های روسیه از طریق رودخانهٔ ولگا به خزر می‌ریزد، گفته می‌شود حدود یک پنجم پساب‌های روسیه در این رودخانه ریخته می‌شود، به طوری که تنها از طریق صنعت پتروشیمی نزدیک به ۶۷ هزار تن پساب به دریا سرازیر می‌شود.(۳۱)

فعالیتهای صنعتی جمهوری آذربایجان سبب آلودگی دریای خزر شده است، به طوری که در سال ۱۹۹۰م /۱۳۶۹ش بیش از ۵۰۰ هزار متر مکعب فاضلابهای نفتی و شیمیایی و در سال ۱۹۹۳م /۱۳۷۲ش بیش از ۲۳۰ میلیون متر مکعب مواد سمی و فاضلاب صنعتی از شهرهای ساحلی بویژه باکو به دریا ریخته شده است.(۳۲)

مواد آلوده که یا به طور مستقیم به دریای خزر می‌ریزند و یا از طریق رودخانه وارد آن می‌شوند. خطرات ناشی از به هم خوردن اکوسیستم ومحیط زیست دریایی را به شدت افزایش می‌دهند. این رویکرد سبب از بین رفتن شرایط زیستی آبزیان و جانداران وابسته به مواد غذایی دریایی می‌شود. از میان زیانهای متعدد آلودگی دریای خزر کاهش میزان صید تاس ماهیان خاویاری به دلیل کاهش درآمد اقتصادی آن بیشتر مورد توجه قرار

گرفته است. براساس آمارهای رسمی در سال ۱۹۸۹م /۱۳۶۸ش بیش از ۵ هزار تن ماهی خاویاری به سبب سرازیر شدن آلودگیهای شیمیایی روخانه ولگا به دریای خزر از بین رفته‌اند، و در سال ۱۹۹۲م /۱۳۷۰ش نیز تعداد زیادی از همین‌گونه ماهیها در آبهای ساحلی غرب دریای خزر نابود شده‌اند.(۳۳) در بخش جنوبی دریا، در مصب «سفیدرود»، صید ماهی خاویار در سال ۱۹۹۱م /۱۳۷۰ش حدود ۶۷۰۰ هزار تن بوده که این رقم در سال ۱۹۹۳م /۱۳۷۳ش به نیم تن در سال کاهش یافته است.(۳۴) شیوع گستردهٔ برخی از بیماریها ساکنان اطراف دریای مازندران ناشی از آلودگی سواحل دریا و رودهای منتهی به آن می‌باشد. گرچه خسارتهای اقتصادی این نارساییهای بهداشتی و زیانهای کم اهمیت دیگر ناشی از آلودگی آب‌های دریا، آشکارا قابل لمس نیست، اما بالقوه و بویژه در دراز مدت ضررهای مادی و معنوی هنگفت و غیرقابل جبران به همراه خواهند داشت.

مطالعات انجام شده حاکی از آن است که دریای خزر از حوزه‌های غنی ذخایر نفت و گاز جهان به شمار می‌رود و سواحل شمالی و غربی که از این نظر بسیار حائز اهمیت هستند چشم اندازهایی امیدوار کننده برای دولت‌های قزاقستان، روسیه و آذربایجان را نوید می‌دهند و مطالعات و اقدامات متعددی از سوی این کشورها برای اکتشاف و بهره‌برداری و تولید حوزه‌های نفتی انجام شده است. اگر این فعالیت‌ها بدون توجه به حفظ و حراست اکوسیستم دریای خزر و جلوگیری از آلودگی محیط زیست صورت گیرد، نتایج آن به شکل فاجعه‌ای غیر قابل تصور رخ می‌نماید.

شایان ذکر است که چرخهٔ عمومی آب دریای مازندران در جهت عکس حرکت عقربه‌های ساعت صورت می‌گیرد (نقشهٔ ۱۰). بنابراین انواع آلاینده‌های نفتی، شیمیایی و اتمی کشورهای قزاقستان، روسیه و آذربایجان به طور طبیعی به آبهای جنوبی دریا یعنی آبهای قلمرو ایران رانده می‌شوند و به اجبار کشور ما که نقش چندانی در آلودن دریا ندارد تحت تأثیر این شرایط، زیانهای فراوانی را متحمل می‌شود. این زیانها جدا از ضررهای ارزی ناشی از کاهش صدور خاویار ایران بر اثر آلودگی آب دریای خزر می‌باشد.

نکتهٔ در خور توجه این که تا قبل از فروپاشی شوروی میان ایران و این کشور توافق

نقشه ۱۰

نامه‌هایی در زمینه‌های گوناگون بررسی مسائل زیست محیطی دریای خزر به امضا رسیده بود و اقداماتی در همین راستا انجام شده بود. اکنون که چند دولت در جوار دریای مازندران شکل گرفته‌اند و رژیم حقوقی دریا قطعی و مشخص نیست. ضرورت دارد که کشورهای همجوار به کمک سازمانهای بین‌المللی از جمله یونسکو به توافق‌هایی در زمینه حقوق دریا، آب دریای خزر، حمل و نقل، حفظ و حراست از محیط زیست دریایی، جلوگیری از نوسان آب دریاچه، و حفظ و بهره‌برداری از منابع آبزیان دست یابند، تا با پیشگیری از آلودگی بیشتر دریای مازندران و پالودن آن از آلایش کنونی، از منابع طبیعی و اقتصادی آن بهرهٔ ببرند.

۳ـ ۸ـ ۲ ناحیهٔ (سمی پالاتینسک)

ناحیه سمی در قزاقستان، محل انجام آزمایشهای اتمی شوروی سابق در آسیای مرکزی بود. گفته می‌شود حدود ۵۰۰ آزمایش هسته‌ای در این منطقه و در زیر زمین، سطح زمین و فضا صورت گرفته است. برآورد شده که در سالهای ۱۹۴۹ تا ۱۹۶۸م /۱۳۲۸ تا ۱۳۴۷ش حدود ۱۲۴ بمب اتمی در فضای ناحیه منفجر شده است. این انفجارها در حالی صورت گرفت که مردم در ناحیه ساکن وحتی شاهد انجام آزمایشها بودند و مانعی در برابر آنها نبود و برای محافظت آنها در برابر اثرات سوء آزمایش‌ها هیچ‌گونه تمهیدی در نظرگرفته نشده بود. این ناحیه گرچه در حال حاضر تعطیل است، اما آثار سوء ناشی از انفجارها به شکل آلودگی آب، خاک و پیامد نهایی آن بروز انواع بیماریهای لاعلاج در میان ساکنان ناحیه تا سالیان دراز آشکار خواهد بود به طوری که گفته می‌شود بیش از ۵۰۰ هزار نفر از مردم به دلیل آزمایشهای هسته‌ای صدمه دیده‌اند که برخی از آنان بیماری خود را تا چندین نسل بعد به ارث خواهند گذاشت.

گرچه مسائل و مشکلات مربوط به دریاچهٔ آرال، دریای خزر و ناحیه سمی در رأس بحرانهای زیست محیطی به صورت گسترده مطرح و مورد کنکاش قرار گرفته‌اند، اما آلودگی‌های دیگری نیز در ناحیه مشاهده می‌شود که منشأ آنها کمبود آب و بهره‌برداری مفرط و نادرست از منابع آب می‌باشد، بنابراین با توجه به افزایش سریع جمعیت ناحیه و محدویت منابع آب ضروری است هرچه سریعتر اقدامات لازم انجام شود تا از بروز

تنش‌های مربوط به کمبود آب و زمین و پیامد آن ، افزایش تشنج‌های قومی و سیاسی در داخل کشورها و میان جمهوریها جلوگیری به عمل آورد. بدیهی است لازمهٔ تحقق این امر همیاری ناحیه‌ای و مساعدت جهانی پیرامون بهبود سیاستهای مدیریتی منابع آب در زمینه‌های گوناگون، تأسیس نهادها و زیر بناهای لازم، ایجاد واحدهای نظارتی و کنترلی، تدوین چارچوبهای لازم قانونی برای حفظ محیط زیست و افزایش آگاهیهای عمومی نسبت به مسائل زیست محیطی و پیامدهای ناشی از تخریب آنها می‌باشد.

۳ـ ویژگیهای اجتماعی

۱ ـ ۳ پیشینه تاریخی

سرزمین پهناور آسیای مرکزی تاریخی کهن دارد، در طی قرون متمادی اقوام مختلف در قالب حکومتهای محلی و نظام قبیله‌ای، ساختار سیاسی ناحیه را شکل می‌دادند. این اقوام در بیشتر اوقات تشکیلات اداری‌شان وابسته به حکومتهای متعدد سرزمینهای مجاور بود و فقط در برهه‌هایی کوتاه از زمان توانسته‌اند از قید حاکمیت آنها رسته و حکومتهای خود مختار و مستقل تشکیل دهند. ایرانیها، ترکها، عربها و مغولان از جمعیتهایی بودند که در ساختار سیاسی ناحیه نقش مهمی داشتند. بدیهی است که عملکرد سیاسی آنها توأم با نفوذ فرهنگی بوده است.

ایران به دلیل همجواری با آسیای مرکزی تماس فراوانی داشته است، به طوری که تا پیش از ورود مسلمانان در اکثر زمانها، ناحیه در کنترل حکمرانان ایرانی بود. این ارتباط سیاسی گسترش فرهنگ ایرانی در آسیای مرکزی را به همراه داشت. فرهنگ سغدی، فرهنگ خوارزمی و فرهنگ طخارستانی از فرهنگهایی بودند که در عهد باستان و پیش از نفوذ ترکان متأثر از فرهنگ ایرانی بودند.[۳۵]

همزمان با دگرگونیهای فرهنگی و سیاسی ایران باستان، تحولات سیاسی چندی نیز در آسیای مرکزی رخ داد. ترکان بر بخش وسیعی از ناحیه تسلط یافتند و سعی کردند تأثیرات فرهنگی ایرانیان را محدود کنند. اما حتی تا زمان «ساسانیان» که «هپتالیان» (هیاطله)[۳۶] بر آسیای مرکزی حکومت می‌کردند و به مرزهای شمال شرقی ایران نیز

حمله می‌کردند زبان و فرهنگ ایرانی وحتی ادیان رایج در ایران، در ناحیه وجود داشت.

بنابراین تا پیش از ورود مسلمانان به ناحیه، بخش وسیعی از آسیای مرکزی قلمرو حکومتهای ایرانی بود و «کوشانیان»[۳۷] و هپتالیان نیز به ترتیب بر بخشهایی از ناحیه حکومت می‌کردند. به هنگام ظهور اسلام قسمت جنوبی آسیای مرکزی تا آمودریا در زمرهٔ سرزمینهای متعلق به ساسانیان به شمار می‌رفت و سایر بخشها به شکل استانهای مختلف با فرمانروایان مستقل اداره می‌شدند.

با ورود مسلمانان به شرق ایران زمینهٔ مساعد برای فتح آسیای مرکزی فراهم شد. شهر مرو در سال ۲۲ هجری به تصرف مسلمانان درآمد و پس از آن شهرهای دیگر ناحیه به تدریج به صلح و یا در جنگ با ترکان به تصرف مسلمانان در آمدند[۳۸]. ترکها که از اواسط سده ششم میلادی در دشتهای آسیای مرکزی به سر می‌بردند، تا پیش از ورود مسلمانان بر بخش وسیعی از شمال و شرق آسیای مرکزی حکومت می‌کردند و برای گسترش قلمرو خود به نبردهای متعدد با ایرانیها و چینیها پرداختند. ضمن آن که در میان قبایل مختلف ترک نیز درگیری و نزاع برای به چنگ آوردن اراضی یکدیگر وجود داشت. اویغورها و قرلقها از مهمترین گروههای ترک آسیای مرکزی بودند که در کنار نقش مهم آنها در حوادث و تحرکهای سیاسی ناحیه در حفظ و ترویج ارزشهای فرهنگی ترکها پافشاری می‌کردند. با فروپاشی حکومت اویغورها، فرهنگ و رسوم کهن ترکها و ترکمن‌ها از بین رفت و گرایش به عقاید فرهنگی جدید و ادیان دیگر در میان آنها ریشه دوانید.

پس از فتح مسلمانان تا زمان حمله مغول، ماوراءالنهر که ناحیهٔ حدفاصل دو رودخانهٔ سیردریا و آمودریا است، تحت حاکمیت حکومتهای اسلامی بود، به طوری که پس از «امویان» و «عباسیان»، به ترتیب «سامانیان»، «غزنویان»، «سلجوقیان» «خوارزمشاهیان» که بر ایران و به ویژه خراسان حکومت می‌کردند، امور سیاسی ماوراءالنهر را در اختیار داشتند. نواحی شمالی آسیای مرکزی در این ایام به وسیله مسلمانان ترک «قراخانیان» تا سال ۵۶۰ قمری و اقوام مغولی «ختاییان» یا «قراختاییان» تا سال ۶۰۸ قمری اداره می‌شد. حکومت قراخانیان در تاریخ آسیای مرکزی نقش مهمی داشت. ابتدا به دلیل آن که نخستین حکومت مسلمان ترک را در ناحیه پایه‌گذاری کردند و دیگر آن که این قوم در

رواج فرهنگ ترکها نقش مهمی داشتند، آنها در سالهای اقتدارشان با حکومتهای جنوبی روابط دوستانه برقرار کردند و بدین طریق با حفظ قلمرو خود در نشر افکارشان کوشیدند. «چنگیز» مغول در سال ۶۱۴ قمری قلمرو قراختاییان را در اختیار گرفت و در سال ۶۱۶ سلسله خوارزمشاهیان را برانداخت و به سوی نواحی داخلی ایران روانه شد. بازماندگان چنگیز تا نیمهٔ دوم قرن هشتم قمری تحت عنوان ایلخانان مغول به حکومت در آسیای مرکزی پرداختند و در این زمان «تیمور» مقدمات تشکیل حکومت «تیموریان» را فراهم کرد. تیموریان در آسیای مرکزی و ایران امپراتوری پهناوری تأسیس کردند که بتدریج رو به زوال نهاد، به طوری که با حملهٔ ازبکان از قسمتهای شمالی آسیای مرکزی، مقاومت تیموریان درهم شکست و در سال ۹۱۳ قمری ازبکان بر آسیای مرکزی تسلط یافتند.

همچنان که از سدهٔ هفتم هجری قمری پس از استیلای مغولان بر سرزمینهای آسیای مرکزی، حکومتهای محلی گوناگون در آسیای مرکزی به وجود آمدند، در زمان تسلط ازبکان نیز این رویه ادامه یافت و خاندان «شیبانی» که از مغولان و ازبک بودند تا سال ۹۹۱ قمری در آسیای مرکزی قدرت داشتند. بدیهی است مشابه تمام حکومتهای ناحیه حوزهٔ اقتدار آنها گاه محدود به ناحیه‌ای کوچک و گاه پهنهٔ وسیعی بود. امرای هشترخانی یا «خانات بخارا» توانستند حکومت ازبکان را براندازند و خود تا سال ۱۲۰۰ قمری بر ماوراءالنهر فرمان رانند.

«خانات خیوه» دیگر حکومت محلی مهم آسیای مرکزی بود که در نبرد دایمی با خانات بخارا بود و به وسیلهٔ ازبکان از سال ۹۲۱ تا ۱۲۸۹ قمری اداره می‌شد.

«خانات خوقند» توسط «شاهرخ» در سال ۱۱۱۲ قمری پا گرفت و تا سال ۱۲۹۳ قمری ادامه داشت. این حکومت مستقل محلی نیز مشابه سایر حکومتها هرگاه قدرت می‌یافتند قلمرو حکومتشان را گسترش می‌دادند و هر زمان توسط حکومتهای همجوار مورد تهاجم قرار می‌گرفت و ضعیف می‌شد قلمرو فرمانروایی آنها محدود می‌شد.[۳۹]

از اوایل قرن هیجدهم میلادی / دوازدهم قمری روسها بتدریج بر آسیای مرکزی مسلط شدند، گرچه اولین حضور آنان در ناحیه در سالهای ۱۵۹۹ تا ۱۶۸۹م بود که توانستند قسمت شمال غربی قزاقستان را اشغال کنند و به قلمرو حکومت خود بیفزایند.

در آن زمان قزاقها در زمین‌های حد فاصل دو رودخانهٔ اورال و ایریتش در حرکت بودند و به شیوهٔ کوچ‌نشینی گذران زندگی می‌کردند، بدیهی است که آنان نیز مشابه تمام کوچ‌نشینان در مواقع اضطرار به مراکز شهری اطراف قلمرو خود هجوم می‌بردند. روسها به بهانهٔ جلوگیری از حملات قزاقها در سالهای میان ۱۸۱۶ تا ۱۸۵۵م /۱۱۹۵ تا ۱۲۳۴ش پایگاههایی در بخش شمالی قزاقستان بنا کردند و سپس از همین مراکز برای سرکوب قزاقها و گسترش نفوذ خود و اراضی آنها استفاده کردند، به طوری که تا نیمهٔ اول قرن نوزدهم / قرن ۱۳ قمری توانستند قلمرو قزاقها را تا سیر دریا تصرف کنند و پس از مهاجرت اجباری قزاقها، روسها واسلاوها را برای سکونت در سرزمین قزاقها به ناحیه فرستادند.

پس از اشغال سرزمین قزاقها، روسها در اندیشهٔ تصرف قلمرو سکونت سایر اقوام آسیای مرکزی فرو رفتند. در آن هنگام در جنوب سرزمین قزاقها سه حکومت خود مختار خانات بخارا، خانات خوقند و خانات خیوه تشکیلات سیاسی مستقلی را اداره می‌کردند، روسها برای دستیابی به نواحی مذکور، ابتدا در سال ۱۸۶۴م /۱۲۴۳ش شهر «جامبول» کنونی را تسخیر کردند و سپس از آن جا به سوی سایر نقاط روانه شدند. به طوری که در سال ۱۸۶۵م /۱۲۴۴ش شهر «تاشکند»، در ۱۸۶۶م /۱۲۴۵ش شهر «خجند»، در سال ۱۸۶۸م /۱۲۴۷ش شهرهای بخارا و «سمرقند»، در سال ۱۸۷۳م /۱۲۵۳ش خانات خیوه و در سال ۱۸۷۶م /۱۲۵۵ش خانات خوقند را فتح کردند. سپس سراسر ناحیه را فرمانداری کل ترکستان نامیدند که مرکز آن شهر تاشکند بود و چهار ناحیه به نامهای سیردریا «سیمیریچ (سیمریک)»، سمرقند، فرغانه و خجند داشت، خانات خیوه و بخارا تحت‌الحمایهٔ روسها بودند که تا سال ۱۹۲۰م /۱۲۹۹ش در ادارهٔ امور داخلی خود آزاد بودند.

تصرف سرزمین ترکمنها آخرین مرحله از استیلای روسها را رقم می‌زد. ترکمنها از اوایل قرن هیجدهم میلادی، در «منقشلاق»، اوست اورت و تقریباً ترکمنستان فعلی پراکنده بودند و به شیوهٔ ایلی و قبیله‌ای گذران می‌کردند، آنها پس از پیروزی در نبردهایشان با حکومتهای ایرانی و خانات خیوه و بخارا و تشکیل کنفدراسیون قبیلهٔ ترکمن، پایه‌های قدرت خود را مستحکم کرده بودند.

روسها برای غلبه بـر تـرکمنها، ابـتدا قـلعهٔ «کـراسـنوودسک» را در سـاحل دریـای مازندران بنا کردند. و از آنجا به سوی سایر نقاط ترکمن نشین روانه شدند، بخش غربی ترکمنستان داوطلبانه جزء روسیه شد لیکن قبایل «تکه» و «یموت» در مقابله با نیروهای روسی مقاومت کردند. با سقوط «گوگ تپه» در سال ۱۸۸۱م/۱۲۶۰ش تکه‌ها پراکنده شـدند و عشـق آبـاد تسـخیر شـد، بـه تـدریج تـا سـال ۱۸۸۵م/۱۲۶۴ش سـایر نـقاط ترکمن‌نشین به روسها پیوستند و کوششهای روسیه به سرانـجام رسـید و تـمام آسـیای مرکزی در اختیار آنها قرار گرفت. و مرزهای ایران و افغانستان با سرزمین جدید روسیه تعیین شد[۴۰] (نقشه ۱۱).

بنابراین روسها در قرن نوزدهم در طی سه مرحله آسیای مرکزی را تصرف کردند، مرحله اول از سال ۱۸۱۶ تا ۱۸۵۵م / ۱۱۹۵ تا ۱۲۳۴ش است که نواحی شمالی و شرقی تا سیردریا یعنی قلمرو قزاقها را اشغال کردند؛ مرحله دوم در حد فاصل سالهای ۱۸۵۵ تا ۱۸۷۵م/۱۲۳۴ تا ۱۲۵۴ش است که ماوراءالنهر، دره فرغانه و سرزمین خانات بـخارا، خیوه و خوقند را تصرف کردند؛ و مـرحـله سـوم از سـال ۱۸۷۷ تـا ۱۹۱۴م/۱۲۵۶ تـا ۱۲۹۳ش بود که قلمرو ترکمنها و زمینهای هم مرز با ایران را به چنگ آوردند.

تا پیش از پیروزی کمونیستها تزارها ادارهٔ امور آسیای مرکزی را برعهده داشتند. پس از تسلط بلشویکها بر روسیه و حاکمیت شیوه سوسیالیستی، آنان به دلیل درگیر بودن با نیروهای مخالف مستقر در ناحیه شـامل مسـلمانان بـاسماچی[۴۱]، روسـهای سـفید و انگلیسها، و به منظور جلوگیری از بحرانها و تشنج‌های سیاسی بیشتر و عمیق‌تر، از تغییر در مرزهای سیاسی ناحیه که در طی زمان و براساس معیارهای تاریخی و جـغرافـیایی شکل گرفته بود، خودداری کردند. با انهدام نیروهای مخالف و برتری قطعی کمونیستها، ایجاد واحدهای سیاسی جدید شروع شد.

در ابتدا «جمهوری خود مختار سوسیالیستی شوروی ترکستان» تشکیل شد، سپس در سال ۱۹۲۰م/۱۲۹۹ش به جای دولتهای تحت‌الحمایهٔ خیوه و بخارا، «جمهوری خلق خوارزم» و «جمهوری خلق بخارا» موجودیت یـافت. در هـمان سـال «جـمهوری خـود مختار قرقیز»[۴۲] که در واقع محدودهٔ سیاسی قزاقستان کنونی بود، تشکیل شد. (نقشهٔ ۱۲). از سـال ۱۹۲۴م/۱۳۰۳ش تـقسیمات جـدید کـه در ظـاهر بـرمبنای ویـژگیهای

نقشه ۱۱

قومی و زبانی بود شکل گرفت. در واقع این رویکرد در راستای اهداف حکومت مرکزی به منظور ایجاد جدایی میان اقوام، دور کردن مـردم از هـویت تـاریخی، جـغرافـیایی و فرهنگی خود، از بین بردن یکپارچگی ناحیه و وابسته کردن آنها به حکـومت مـرکزی صورت گرفت. در این سـال چـهار واحـد سـیاسی دیگـر شـامل «جـمهوری شـوروی سوسیالیستی ازبکستان» «جمهوری شوروی سوسیالیستی ترکمنستان»، «جمهوری خود مختار سوسیالیستی شوروی تاجیک» زیر نظر جمهوری ازبکستان و «اُبلست خودمختار

قره قرقیز» زیر نظر فدراسیون روسیه به وجود آمدند.

نقشه ۱۲

در طی ده سال بعدی تغییر دیگری انجام شد، به این ترتیب که در سال ۱۹۲۵م /۱۳۰۴ش اُبلست خود مختار قره قرقیز، قرقیزستان نامیده شد و سال بعد جمهوری خودمختار نامیده شد و همین جمهوری در سال ۱۹۳۶م /۱۳۱۵ش به عنوان جمهوری متحد اتحاد جماهیر شوروی معرفی شد. در سال ۱۹۲۹م /۱۳۰۸ش جمهوری خودمختار تاجیکستان پس از تغییر نام به جمهوری سوسیالیستی، دیگر

متحدشوروی سابق شد. جمهوری خود مختار قرقیز در سال ۱۹۲۵م/۱۳۰۴ش، جـــــــمهوری
سوسیالیستی قزاقستان نامیده شد در سال ۱۹۳۶م/۱۳۱۵ش به عنوان یکی از پانزده جمهوری اتحاد شوروی محسوب گردید. جمهوری سوسیالیستی شوروی ترکمنستان نیز در سال ۱۹۲۵م/۱۳۰۴ش به صورت یکی دیگر از جمهوریهای متحد شوروی درآمد. در سال ۱۹۲۵م/۱۳۰۴ش ابلست خود مختار قراقالپاق جزیی از قزاقستان شد و در سال ۱۹۳۲م/۱۳۱۱ش در قلمرو روسیه قرار گرفت و در سال ۱۹۳۶م/۱۳۱۵ش به ازبکستان داده شد.

بنابراین در طی یک دهه چهار واحد سیاسی تبدیل به پنج واحد سیاسی شد و چند سال بعد نام ناحیه نیز تغییر یافت و آسیای میانه معرفی گردید.

حاکمیت روسها بر آسیای مرکزی تا اواخر دهۀ هشتاد قرن بیستم ادامه یافت در طی هفتاد سال، روسها اقدامات متعدد و گوناگونی برای کنترل بر ناحیه و گسستن پیوندهای دیرینه در میان مردم ناحیه انجام دادند اما دولت مرکزی از درون در حال متلاشی شدن بود و تحولات سیاسی این کشور در زمان رهبری «گورباچف» وضعیت سیاسی اتحاد جماهیر شوروی را در سالهای ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰م/۱۳۶۸ و ۱۳۶۹ش دچار تنشهای عظیمی کرد که حاصل آن جدایی کشورهای متحد شوروی و تشکیل پانزده جمهوری مستقل از جمله پنج جمهوری آسیای مرکزی بود.

در حال حاضر گرچه جمهوریهای آسیای مرکزی با یکدیگر روابط دوستانه و نزدیک دارند و در مجموعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع پیوندهای گذشته را حفظ کرده‌اند، اما به دلیل مرزبندیهایی که در گذشته بدون توجه کامل به شرایط تاریخی و جغرافیایی صورت گرفته است، زمینه‌های مناسبی برای بروز بحران فراهم است. این امر قبل از هر چیز زایدهٔ پراکنش گستردهٔ اقوام در سطح ناحیه و تعلقات قومی و محلی در میان مردم و تنوع گروههای قومی است. از مهمترین زمینه‌های مساعد بحران زا موارد زیر را می‌توان برشمرد:

۱ و ۲ ـ اختلاف میان ازبکستان و قزاقستان برای اعمال حاکمیت بر جمهوری خود مختار قراقالپاق

۳ـ ادعای ترکمنستان دربارهٔ حاکمیت این کشور بر بخشی از استان منقشلاق قزاقستان.

لازم به یادآوری است که در گذشته قبایل ترکمن در شبه جزیرهٔ منقشلاق بودند، پس از حاکمیت قزاقستان بر این شبه جزیره، ترکمنها از آنجا اخراج شدند.

۴ـ ادعای ازبکستان بر بخش آمودریا از استان «داش حوض» ترکمنستان

۵ـ ادعای قراقالپاق بر بخش شمال غربی استان بخارا در ازبکستان

۶ـ ادعای ازبکستان بر بخش جنوب شرقی قراقالپاق

۷ـ ادعای ازبکستان بر بخشی از آمودریا در استان «چارجوی» ترکمنستان

۸ـ ادعای ترکمنستان بر بخش آمودریای استان بخارا در ازبکستان

۹ـ ادعای ازبکستان بر بخش جنوبی استان «چیمکنت»

۱۰ـ ادعای ازبکستان بر بخشهایی از دو استان سمرقند و بخارا در ازبکستان

۱۱ـ ادعای تاجیکستان بر استان «سرخان دریا» در ازبکستان

۱۲ـ ادعای تاجیکستان بر بخش کوهستانی جنوب استان «اوش» در قرقیزستان

۱۳ـ ادعای قرقیزستان بر بخشی از ایالت خود مختار «گورنو بدخشان» در تاجیکستان

۱۴ـ ادعای ازبکستان بر بخشی از استان اوش قرقیزستان

۱۵ـ ادعای قرقیزستان بر بخشهای جنوبی استانهای «آلماآتی» و «تالدی قرغان» قزاقستان

۱۶ـ ادعای قزاقستان بر بخشهای شمالی استان «ایسیک کول» قرقیزستان[۴۳] (نقشهٔ ۱۳).

گرچه از زمان استقلال کشورهای آسیای مرکزی تاکنون اختلافات قومی و ادعاهای ارضی میان آنها سبب بروز مشکلات جدی نشده است، اما هرگاه زمینهٔ مناسبی، چه از سوی نیروهای داخلی و چه نیروهای خارجی، با اهداف گوناگون فراهم شود، جلوگیری از بروز تنشها بس دشوار و شاید ناممکن خواهد بود.

۲ـ ۳ جمعیت

آسیای مرکزی از نواحی کم‌جمعیت جهان به شمار می‌رود، زیرا با وسعت زیاد ناحیه، شمار افراد ساکن در آن نسبت به بسیاری از نقاط دنیا اندک می‌باشد، موانع طبیعی و اقلیمی عوامل اصلی کمی جمعیت و پراکندگی غیر یکنواخت آن محسوب می‌شوند، زیرا مردم در نقاطی سکونت گزیده‌اند که شرایط مناسب برای ادامه حیاتشان

فراهم بوده است.

نقشه ۱۳

۱ ـ ۲ ـ ۳ تعداد جمعیت

از میزان جمعیت آسیای مرکزی تا اوایل قرن حاضر اطلاعات دقیق و مستندی در اختیار نیست در بیشتر اسناد و مآخذ مربوط به ناحیه فقط اشاره‌ای به جمعیت تقریبی برخی از شهرهای ناحیه شده و ذکری از رقم جمعیت کل ناحیه به میان نیامده است. تعدد مراکز سیاسی در قرون پیشین و عدم جمع‌آوری آمار جمعیت علت این امر بوده است.

آمار جمعیتی موجود نشان می‌دهد که شمار نفوس آسیای مرکزی از سال ۱۹۲۶ تا ۱۹۹۰م /۱۳۰۵ تا ۱۳۶۹ش یا به عبارت دیگر در مدت ۶۴ سال حدود ۳/۲ برابر شده است (جدول ۶ـ۱)، (نقشهٔ ۱۴).

نقشهٔ ۱۴

جدول ۶ ـ ۱ جمعیت آسیای مرکزی در حد فاصل سال
۱۹۲۶ ـ ۱۹۹۰م/۱۳۰۵ تا ۱۳۶۹اش (به هزار نفر)[۴۴]

سال	۱۹۲۶م/ ۱۳۰۵اش	۱۹۵۹م/ ۱۳۳۸اش	۱۹۷۰م/ ۱۳۴۹اش	۱۹۷۹م/ ۱۳۵۸اش	۱۹۹۰م/ ۱۳۶۹اش
جمعیت	۱۴۶۲۰	۲۲۹۷۷	۳۲۸۰۱	۴۰۱۶۴	۵۱۵۰۰

در همین مدت زمانی یعنی سال ۱۹۲۶ تا ۱۹۹۰م/۱۳۰۵ تا ۱۳۶۹اش میزان رشد جمعیت ناحیه ۱/۹۸ درصد در سال بوده است (جدول ۷ ـ ۱).

جدول ۷ ـ ۱ نرخ رشد جمعیت آسیای مرکزی در حدفاصل سالهای
۱۹۲۶ ـ ۱۹۹۰م/۱۳۰۵ ـ ۱۳۶۹ش (به درصد)

سال	۱۹۲۶ـ۱۹۵۹م/ ۱۳۰۵ـ۱۳۳۸ش	۱۹۵۹ـ۱۹۷۰م/ ۱۳۳۸ـ۱۳۴۹ش	۱۹۷۰ـ۱۹۷۹م/ ۱۳۴۹ـ۱۳۵۸ش	۱۹۷۹ـ۱۹۹۰م/ ۱۳۵۸ـ۱۳۶۹ش	۱۹۲۶ـ۱۹۹۰م/ ۱۳۰۵ـ۱۳۶۹ش
نرخ‌رشد	۱/۳۸	۳/۲۸	۲/۲۷	۲/۲۸	۱/۹۸

در جدول ۷ـ ۱ مشاهده می‌شود که بیشترین نرخ رشد جمعیت مربوط به دوره زمانی ۱۹۵۹ ـ ۱۹۷۰م /۱۳۳۸ ـ ۱۳۴۹ش بوده است، قبل از این دوره نرخ رشد جمعیت پایین‌ترین میزان را تا زمان حاضر داشته است و پس از دوره مذکور گرچه نرخ رشد جمعیت روند نزولی داشته است، اما هنوز به رقم قبل از سال ۱۹۵۹م /۱۳۳۸ش نرسیده است. به نظر می‌رسد پایین‌ترین نرخ رشد جمعیت در مقطع زمانی ۱۹۲۶ ـ ۱۹۵۹م /۱۳۰۵ ـ ۱۳۳۸ش بیش از آن که معلول بالابردن مرگ و میر و نبود بهداشت و درمان مناسب باشد، حاصل وقایع سیاسی و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی آن بوده است. به طوری که با تثبیت اوضاع سیاسی و رونق فعالیتهای اقتصادی از یک سو و مهاجرت گسترده روسها و دیگر گروههای قومی به ناحیه در دورهٔ زمانی بعدی یعنی سالهای ۱۹۵۹ ـ ۱۹۷۰م /۱۳۳۸ ـ ۱۳۴۹ش جمعیت رشد فزاینده‌ای می‌یابد.

۲ ـ ۲ ـ ۳ تراکم نسبی جمعیت

اگر میزان تراکم نسبی جمعیت در آسیای مرکزی را محاسبه کنیم مشاهده می‌شود که در سال ۱۹۹۰م /۱۳۶۹ش با بالاترین رقم، تراکم فقط ۱۲/۹ نفر در هر کیلومتر مربع جمعیت می‌زیستند (جدول ۸ ـ ۱).

جدول ۸ ـ ۱ توزیع تراکم نسبی جمعیت آسیای مرکزی در سالهای
۱۹۲۶ ـ ۱۹۹۰م / ۱۳۰۵ ـ ۱۳۶۹ش (نفر در کیلومتر مربع)

سال	۱۹۲۶م/ ۱۳۰۵ش	۱۹۵۹م/ ۱۳۳۸ش	۱۹۷۰م/ ۱۳۴۹ش	۱۹۷۹م/ ۱۳۵۸ش	۱۹۹۰م/ ۱۳۶۹ش
میزان‌تراکم	۳/۶	۵/۷	۸/۲	۱۰	۱۲/۹

بدیهی است که جمعیت ناحیه، مشابه ارقام جدول فوق به طور یکنواخت در سطح کل ناحیه مستقر نشده‌اند و مجموعه شرایطی مانند زیر ساخت‌های طبیعی، منابع آب، رکود یا رونق فعالیتهای زراعی و صنعتی، وجود مراکز سیاسی و فرهنگی و سابقهٔ تاریخی در تفرق و تجمع جمعیت مؤثر بوده است. از میان عوامل مذکور نقش عوامل جغرافیایی مهمتر بوده است. مراکز مهم جمعیتی در اطراف منابع آب، دشتهای حاصلخیز و کوهپایه تشکیل شده‌اند، به طوری که در نقاطی مانند صحرای قزل قوم، بیابان قره قوم وحتی استپ‌زارهای قزاقستان تراکم جمعیت کمتر از ۲ نفر در هر کیلومتری مربع است و در نقاطی مانند جلگهٔ فرغانه، شهرهای صنعتی وحتی برخی از پایتخت‌های جمهوری‌ها تراکم جمعیت بیش از ۲۷۰ نفر در کیلومتر مربع است.

به طور کلی می‌توان آسیای مرکزی را از نظر میزان تراکم جمعیت به هفت ناحیه به شرح زیر تقسیم کرد:

الف ـ نواحی با تراکم جمعیت ۱ تا ۵ نفر در هر کیلومتر مربع که عمدتاً شامل بیابانهای گستردهٔ ازبکستان وترکمنستان، بخش شرقی دریای خزر، استپ‌زارهای فقیر قزاقستان، کوههای بلند پامیر در جنوب تاجیکستان و قرقیزستان می‌شود. در برخی از این نواحی مانند مرکز بیابانها و قله‌های برفگیر شدت محدودیتهای محیطی به حدی است که هیچ انسانی قادر به ادامهٔ حیات نیست و تراکم جمعیت به صفر کاهش می‌یابد.

ب ـ نواحی با تراکم جمعیت بین ۵ تا ۱۰ نفر در کیلومتر مربع، مشتمل بر بخشهایی وسیعی از ترکمنستان و ازبکستان از جنوب در یاچهٔ آرال تا پای کوههای کپه‌داغ، قسمتهای شرقی وغربی دریاچهٔ بالخاش، بخشهای شمال شرقی قزاقستان که محل استقرار صنایع نظامی (پایگاههای موشکی) و همچنین حوزهٔ فعالیتهای دامداری در استپ‌زارهای غنی آن می‌باشد.

ج ـ نواحی با تراکم جمعیتی ۱۰ تا ۲۵ نفر در کیلومتر متر مربع، شرق تاجیکستان، حد فاصل دریاچه ایسیک کول تا بالخاش در قزاقستان وغرب قرقیزستان را در برمی‌گیرد.

د ـ نواحی با تراکم جمعیت ۲۵ تا ۵۰ نفر در کیلومتر مربع، شامل جنوب ازبکستان، غرب تاجیکستان و اطراف بیشکک در قرقیزستان می‌باشد که از نظر وضعیت کشت و

دامداری شرایط مساعدی دارند.

هـ ـ نواحی با تراکم جمعیت ۵۰ تا ۷۵ نفر در کیلومتر مربع، نقاطی هستند که به دلیل فراوانی آب، مراکز کشاورزی آسیای مرکزی به شمار می‌روند و عمدةً بخشهایی از حوضه آمودریا را شامل می‌شود.

و ـ نقاطی که دارای تراکم جمعیتی ۷۵ تا ۱۰۰ نفر در کیلومتر مربع هستند معمولاً در زمینهای هموار و جلگه‌ای مساعد برای کشت و زرع، حوزه‌های نفت و گاز و پالایشگاهها واقعند و سابقه سکونت طولانی دارند. از آن جمله شهرهای بخارا و چارجو را می‌توان نام برد.

ز ـ نقاطی با تراکم جمعیت بیش از ۱۰۰ نفر در کیلومتر مربع، شامل شهرهایی می‌شود که مراکز مهم فعالیتهای فرهنگی، صنعی و سیاسی به شمار می‌آیند و در بیشتر آنها نقش تاریخی نیز درجذب جمعیت مؤثر بوده است. دوشنبه، فرغانه، سمرقند، چیمکنت و خجند را از میان این‌گونه شهرها می‌توان نام برد[۴۵] (نقشه ۱۵).

۳ ـ ۲ ـ ۳ ترکیب سنی جمعیت

مشخص کردن ساختار سنی جمعیت برای هر گروه جمعیتی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا با توجه به آن می‌توان از یک سو نیازهای گوناگون جامعه را در زمان حال تعیین نمود و از سوی دیگر با دورنگری، امکانات و توانهای انسانی و مادی را با توجه به سیاستهای اقتصادی و اجتماعی هر فضای جغرافیایی ساماندهی کرد.

جدول ۹ ـ ۱ توزیع جمعیت آسیای مرکزی به تفکیک گروههای سنی عمده در سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش

گروه سنی	جمعیت	
	تعداد (به ۱۰۰۰نفر)	درصد
کمتر از ۱۵ سال	۲۰۳۴۲	۳۹/۵
۱۵ ـ ۶۴ سال	۲۸۶۳۴	۵۵/۶
۶۵ سال به بالا	۲۵۵۳	۴/۹

نسبت جمعیت آسیای مرکزی در سه گروه عمدهٔ سنی خردسالان، بزرگسالان و سالخوردگان نشانگر تعداد نسبتاً زیاد افراد در گروه سنی زیر ۱۵ سال می‌باشد (جدول ۹ـ۱).

جدول ۹ ـ ۱ نشان می‌دهد که در آسیای مرکزی بیش از $\frac{1}{3}$ جمعیت در گروه سنی خردسالان قرار دارند این رقم در میان کشورهای ناحیه متفاوت است. به طوری که دو کشور تاجیکستان و قزاقستان به ترتیب بیشترین و کمترین تعداد جوانان را در ناحیه دارند (جدول ۱۰–۱).

جدول ۱۰ ـ ۱ توزیع جمعیت کشورهای آسیای مرکزی به تفکیک گروههای عمده سنی در سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش[۴۶] (درصد)

گروه سنی / نام جمهوری	کمتر از ۱۵ سال	۱۵ ـ ۶۴ سال	۶۵ سال به بالا
ازبکستان	۴۱/۶	۵۴/۲	۴/۲
تاجیکستان	۴۴/۷	۵۱/۴	۵/۹
ترکمنستان	۴۱/۳	۵۴/۷	۴
قزاقستان	۳۱/۹	۶۱/۷	۶/۴
قرقیزستان	۳۸/۲	۵۶/۲	۵/۶

از نظر ساختار سنی جمعیت در میان کشورهای ناحیه تاجیکستان بیشترین مشابهت را با کشورهای در حال توسعه و قزاقستان بیشترین تشابه را با کشورهای توسعه یافته دارند. تمایز آشکار قزاقستان با سایر کشورهای ناحیه از نظر ساختار سنی جمعیت را می‌توان ناشی از پایین بودن نرخ زاد و ولد، مهاجرپذیری بویژه در گروه سنی فعال و بالابودن سطح بهداشت قلمداد کرد.

۴ ـ ۲ ـ ۳ جمعیت شهری و روستایی

شهر نشینی در آسیای مرکزی از توسعه چندانی برخوردار نیست. در سالهای اخیر گرچه بر میزان جمعیت شهرها افزوده شده و همچنین با افزایش جمعیت روستایی،

مهاجرت به نقاط شهری افزایش یافته است، اما شبکهٔ شهری آسیای مرکزی به دلیل فقدان روابط مناسب اقتصادی توسعه و گسترش نیافته است. شهرهای کوچک کمتر تبدیل به شهرهای متوسط شده‌اند و شمار شهرهای بزرگ با جمعیت نیم میلیونی و بیشتر اندک و انگشت شمار می‌باشد، معدود بودن شمار شهرها در آسیای مرکزی گذشته از تأثیر مسائل اقتصادی، ناشی از تأثیر پذیری از عوامل طبیعی، سیاسی و فرهنگی نیز می‌باشد.

نقشه ۱۵

گرچه در چند دههٔ اخیر از درصد جمعیت روستانشین کاسته شده و رقم جمعیت شهری افزایش یافته است، اما هنوز در کل ناحیه بیش از نیمی از جمعیت در روستاها زندگی می‌کنند (جدول ۱۱ ـ ۱). افزایش رقم شهرنشینان را ناشی از افزایش میزان موالید در میان آنها، مهاجرت روستاییان به شهرها و اسکان مهاجران خارجی در نقاط شهری می‌توان شمرد.

جدول ۱۱ ـ ۱ توزیع نسبت جمعیت شهرنشین و روستانشین آسیای مرکزی
در سالهای ۱۹۵۹ ـ ۱۹۸۹م/۱۳۳۸ ـ ۱۳۶۸ش

جمعیت / سال	روستایی		شهری	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۱۹۵۹م/۱۳۳۸ش	۱۴۱۳۹	۶۱/۵	۸۸۳۸	۳۸/۵
۱۹۷۰م/۱۳۴۹ش	۱۸۵۷۲	۵۷/۱	۱۴۲۲۹	۴۲/۹
۱۹۸۹م/۱۳۶۸ش	۲۶۸۰۰	۵۴/۵	۲۲۴۳۶	۴۵/۵

جدول ۱۱ ـ ۱ نشان می‌دهد که در طی نیمهٔ دوم قرن حاضر و در مدت ۳۰ سال حدود ۷درصد برجمعیت شهری افزوده شده است، مقایسه این رقم با ارقام مشابه در کشورهای دیگر، به طور مثال ایران، مؤید این موضوع است که سیاستهای اقتصادی و اجتماعی حاکم به همراه رشد بیشتر جمعیت نقاط روستایی نسبت به نقاط شهری عوامل اصلی مانع رشد بی رویه جمعیت شهری بوده‌اند.

بالا بودن نرخ رشد جمعیت روستایی در آسیای مرکزی تابع ویژگیهای فرهنگی و اقتصادی ناحیه است. زیرا هنوز بیشتر اقوام بومی ناحیه در روستاها سکونت دارند و از سنتهای خود در ایجاد خانوادهٔ گسترده و داشتن فرزندان بیشتر پیروی می‌کنند. این امر به همراه جوانی جمعیت، پایین بودن سطح آموزش و بهداشت در روستاها و منافع اقتصادی از کارکرد فرزندان سبب افزایش جمعیت روستایی شده است.

۵ ـ ۲ ـ ۳ رشد جمعیت

رشد جمعیت هر ناحیه‌ای متأثر از میزان موالید، مرگ و میر و حرکات جمعیت یا به عبارت دیگر میزان مهاجرت می‌باشد.

در هر جمعیتی میزان زاد و ولد با ایدئولوژی، ملیت، میزان توسعهٔ شهرنشینی، امکانات بهداشتی، سطح سواد، سطح رفاه اجتماعی، میزان اشتغال زنان و سیاست دولتها ارتباط دارد. براین اساس نه تنها در میان کشورهای آسیای مرکزی، بلکه در بین

ملیتهای مختلف هریک از جمهوریها، میزان زاد و ولد متفاوت است. میزان مرگ و میر نیز در میان اقوام ناحیه متفاوت است، اما ارقام اختلاف زیادی با یکدیگر ندارند.

حرکات جمعیت یا ناشی از تفاوت امکانات اجتماعی واقتصادی مکانهاست و یا متأثر از سیاست دولتها. در آسیای مرکزی تا پیش از دهـهٔ هـفتاد، دولت روسـیه بـرای رسیدن به اهداف خود سیاست اسکان مهاجران غیر بومی را در نقاط مختلف آسیای مرکزی اجـرا کـرد. پـیامد ایـن امـر افـزایش گـروههای قـومی اروپـایی بـویژه روسـها و اوکراینی‌ها درجمعیت ناحیه و بالا رفتن نرخ رشد جمعیت بود. از دهـهٔ هـفتاد بـه بـعد علاوه بر آن که از میزان مهاجرت روسها به آسیای مرکزی کاسته شد شماری از روسها و اوکراینی‌ها نیز به سرزمینهای خود مهاجرت کردند.

میزان مهاجرتهای داخلی در ناحیه بسیار کم است زیرا نبود تفاوتهای عمده اقتصادی بین شهرها و روستاها، وابستگی به محیط فـرهنگی و گـروه قـومی و رونـق فـعالیتهای موجود در روستاها مانع سرازیر شدن جمعیت روستاها به شهرها شده است.

بنابراین با توجه به نقش کم رنگ مهاجرتها در میزان رشد جمعیت، مهمترین عوامل در نرخ رشد جمعیت آسیای مرکزی موالید و مرگ و میر می‌باشد. دستیابی به رقم دقیقی از نرخ این دو عامل در کل ناحیه به علت تفاوت میان کشورها گویای وضعیت موجود ناحیه نمی‌باشد، لذا نرخ زاد و ولد و مرگ و میر به تفکیک کشـورها بـررسی مـی‌شود (جدول ۱۲ـ۱). در میان جمهوریهای آسیای مرکزی بالاترین میزان موالید با رقم ۳۸/۷

جدول ۱۲ ـ ۱ نرخ تولد، مرگ و میر، رشد طبیعی و زمان دو برابر شدن جمعیت در جمهوریهای آسیای مرکزی در سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش [(۴۷)]

نام جمهوری	تولد (درهزارنفر)	مرگ و میر (درهزارنفر)	رشدطبیعی (درهزارنفر)	زمان لازم برای دو برابر شدن جمعیت (سال)
ازبکستان	۳۳/۳	۶/۳	۲۷	۲۵
تاجیکستان	۳۸/۷	۶/۵	۳۲/۲	۲۲
ترکمنستان	۳۵	۷/۷	۲۷/۳	۲۵
قرقیزستان	۳۰/۴	۷/۲	۲۳/۳	۳۰
قزاقستان	۲۳	۷/۶	۱۵/۴	۴۵

در هزار متعلق به تاجیکستان است وکمترین میزان با رقم ۲۳ در هزار به کشور قزاقستان تعلق دارد. از نظر نرخ مرگ ومیر کشور تاجیکستان با رقم ۶/۵ در هزار کمترین میزان مرگ‌ومیر وجمهوری ترکمنستان با رقم ۱۷/۷ درهزار بالاترین میزان مرگ و میر را دارند.

در میان کشورهای ناحیه تاجیکستان و قزاقستان تمایز آشکاری با دیگر کشورها دارند. قزاقستان با میزان موالید و رشد جمعیت کم، به نظر می‌رسد که از نظر ویژگیهای جمعیتی بسیار نزدیک به کشورهای پیشرفته و در مرحله سوم رشد جمعیتی است. درحالی که تاجیکستان تشابه بیشتری با کشورهای در حال پیشرفت دارد و مرحله دوم رشد جمعیت را با میزان زیاد موالید و میزان کم مرگ و میر طی می‌کند. بنابراین ۲۲ سال دیگر جمعیت تاجیکستان دوبرابر می‌شود و نزدیک دوبرابر این مدت، زمان لازم است تا قزاقستان دوبرابر زمان حال جمعیت داشته باشد.

۳ـ ۳ ترکیب قومی

یکی از مهمترین ویژگیهای جمعیتی آسیای مرکزی تنوع و تعدد گروههای قومی است. این ویژگی در سطح هر یک از جمهوریها نیز مشاهده می‌شود. بیشتر اقوام ناحیه را ترکها تشکیل می‌دهند، ازبکها، ترکمنها، قزاقها، قرقیزها و قراقالپاقها در این گروه بیشترین جمعیت را دارند. روسها و اوکراینی‌ها که متعلق به گروه نژادی اسلاو هستند توسط حکومت مرکزی اتحاد جماهیر شوروی سابق به ناحیه آورده شدند و بتدریج درصد قابل‌توجهی از جمعیت ناحیه را تشکیل دادند. دیگر گروه عمدهٔ قومی تاجیکها هستند.

تا پیش از تسلط روسها بر ناحیه و مهاجرت اجباری اوکراینی‌ها و روسها، آسیای مرکزی سکونتگاه اقوامی بود که در طی قرون متمادی بدون تمایز فرهنگی خاصی در کنار یکدیگر زیسته بودند، با ورود مهاجران و اختلاف فرهنگی بسیار میان آنها وجمعیت بومی که همراه با تمایزهای اقتصادی و سیاسی نیز بود، جمعیتهای بومی با کناره‌گیری از تازه واردان به حفظ وحراست از میراثهای فرهنگی خود همت گماشتند. گرچه با گذشت زمان جدایی میان آنها کمتر شد.

روسها در تقسیمات سیاسی برتری قومی را مورد توجه قرار دادند و هر ناحیه‌ای را

که قومی در آن اکثریت داشت به نام همان قوم نامگذاری کردند. اما چون تمام اقوام آسیای مرکزی در سطح ناحیه پراکنده‌اند بنابراین در هیچ یک از جمهوریها یک گروه قومی وجود ندارد (جدول ۱۳ ـ ۱).

جدول ۱۳ ـ ۱ جمعیت قوم اصلی هر یک از جمهوریهای آسیای مرکزی در سالهای ۱۹۵۹ تا ۱۹۹۳م/ ۱۳۳۸ ـ ۱۳۷۲ش (درصد) [۴۸]

سال / **نام جمهوری** (قوم اصلی)	۱۹۵۹م/۱۳۳۸ش	۱۹۷۰م/۱۳۴۹ش	۱۹۹۳م/۱۳۷۲ش
ازبکستان (ازبکها)	۶۲/۱	۶۵/۵	۷۱/۴
تاجیکستان (تاجیکها)	۵۳/۱	۵۶/۲	۵۸
ترکمنستان (ترکمنها)	۶۰/۹	۶۵/۶	۷۲
قزاقستان (قزاقها)	۲۹/۸	۳۲/۸	۳۹/۷
قرقیزستان (قرقیزها)	۴۰/۵	۴۳/۸	۵۲

در جدول مشاهده می‌شود که به غیر از قزاقستان در سایر کشورها، ملت اصلی در درجه اول اهمیت قرار می‌گیرد. در حالی که در قزاقستان تا سال ۱۹۷۰م /۱۳۴۹ش، ملت اصلی پس از روسها در درجه دوم قرار می‌گرفتند و از آن سال به بعد با افزایش جمعیت قزاقها بر تعداد آنان افزوده شد تا سرانجام بر آنها برتری یافتند (جدول ۱۴ ـ ۱).

جدول ۱۴ ـ ۱ درصد جمعیت روسها در کشورهای آسیای مرکزی در سالهای ۱۹۵۹ تا ۱۹۹۳م/۱۳۳۸ ـ ۱۳۷۲ش [۴۹]

سال / **نام جمهوری**	۱۹۵۹م/۱۳۳۸ش	۱۹۷۰م/۱۳۴۹ش	۱۹۹۳م/۱۳۷۲ش
ازبکستان	۱۳/۵	۱۲/۵	۸/۳
تاجیکستان	۱۳/۳	۱۱/۹	۸
ترکمنستان	۱۷/۳	۱۴/۵	۹/۵
قزاقستان	۴۲/۷	۴۲/۴	۳۷/۸
قرقیزستان	۳۰/۲	۲۹/۲	۲۲

در نظر اول مشاهده می‌شود که جمعیت روسها در تمام کشورهای ناحیه در سالهای آمارگیری سیر نزولی داشته است. این روند در سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۳م /۱۳۳۸ ـ ۱۳۷۲ش شتاب بیشتری گرفته است. با کاهش جمعیت روسها به همراه افزایش جمعیت بومی کشورها، میزان جمعیت بومی در تمام کشورها نسبت به تعداد روسها برتری می‌یابد که این امر در مورد قزاقستان در دوره ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۳م /۱۳۳۸ ـ ۱۳۷۲ش رخ می‌دهد. جدول ۱۵ ـ ۱ تحول جمعیت روس و ملتهای اصلی را در همین مقطع زمانی نشان می‌دهد

جدول ۱۵ ـ ۱ تحول جمعیت روسها و ملتهای اصلی در کشورهای آسیای مرکزی
در سالهای ۱۹۵۹ ـ ۱۹۹۳م/۱۳۳۸ ـ ۱۳۷۳ش (درصد)

نام جمهوری	دوره زمانی					
	۱۹۵۹ـ۱۹۷۰م/ ۱۳۳۸ـ۱۳۴۹ش		۱۹۷۰ـ۱۹۹۳م/ ۱۳۴۹ـ۱۳۷۲ش		۱۹۵۹ـ۱۹۹۳م/ ۱۳۳۸ـ۱۳۷۲ش	
	تفاوت جمعیت روسها	تفاوت جمعیت ملتهای اصلی	تفاوت جمعیت روسها	تفاوت جمعیت ملتهای اصلی	تفاوت جمعیت روسها	تفاوت جمعیت ملتهای اصلی
ازبکستان	ـ ۱	+ ۳/۴	ـ ۴/۲	+ ۵/۹	ـ ۵/۲	+ ۹/۳
تاجیکستان	ـ ۱/۴	+ ۳/۱	ـ ۳/۹	+ ۱/۸	ـ ۵/۳	+ ۴/۹
ترکمنستان	ـ ۲/۸	+ ۴/۷	ـ ۵	+ ۶/۴	ـ ۷/۸	+ ۱۱/۱
قزاقستان	ـ ۰/۳	+ ۲/۸	ـ ۴/۶	+ ۷/۱	ـ ۴/۹	+ ۹/۹
قرقیزستان	ـ ۱	+ ۳/۳	ـ ۷/۲	+ ۸/۲	ـ ۸/۲	+ ۱۱/۵

لازم به ذکر است که شمار روسها در جمهوریهای آسیای مرکزی در دوره‌های زمانی فوق با افزایش همراه بوده است اما چون میزان افزایش تعداد آنها نسبت به افزایش جمعیتهای محلی کمتر بوده است، سهم آنان از جمعیت کل کشورها کاهش یافته است.

در هر یک از کشورهای آسیای مرکزی در کنار گروه اصلی جمعیت و روسها اقوام دیگری نیز سکونت دارند که این موضوع از یک سو پراکندگی گسترده اقوام را در سطح ناحیه نشان می‌دهد و از سوی دیگر بیانگر تنوع قومی و اختلاط نژادی در تمام کشورهای ناحیه است (جدول ۱۶ ـ ۱).

جدول ۱۶ ـ ۱ درصد گروههای قومی در جمعیت کشورهای آسیای مرکزی
در سال ۱۹۹۳م/۱۳۷۲اش (۵۰)

گروه‌قومی / جمهوری	آلمانی	ازبک	اکراینی	تاجیک	ترکمن	روس	قزاق	قرقیز	سایر
ازبکستان	ـ	۷۱/۴	ـ	۸	ـ	۸/۳	۴	ـ	۹/۳
تاجیکستان	ـ	۲۳	ـ	۵۸	ـ	۸	ـ	۱	۱۰
ترکمنستان	ـ	۹	ـ	۱	۷۲	۹/۵	۳	ـ	۵/۵
قزاقستان	۵/۸	ـ	۵/۴	ـ	ـ	۳۷/۸	۳۹/۷	ـ	۱۱/۳
قرقیزستان	ـ	۱۳	ـ	ـ	ـ	۲۲	ـ	۵۲	۱۳

مشاهده می‌شود به غیر از تاجیکستان که پس از تاجیکها، ازبکها بیشترین جمعیت را دارند در سایر جمهوریها روسها پس ازجمعیت اصلی بالاترین رقم جمعیت را به خود اختصاص داده‌اند. تراکم جمعیت روسها در نقاط مختلف آسیای مرکزی تابعی از رونق یا عدم رونق فعالیتهای اقتصادی، نظامی و سیاسی است، بنابراین بدیهی است که نواحی مساعد و مهم، بویژه مراکز شهری پذیرای تعداد بیشتری از روسها بوده‌اند.

از جدول ۱۶ ـ ۱ می‌توان دریافت که در میان گروههای قومی ناحیه، ازبکها پراکندگی بیشتری دارند و تقریباً در تمام کشورهای آسیای مرکزی سکونت دارند. (نقشه ۱۶)

۴ ـ ۳ زبانهای رایج

در طی تاریخ زبانهای گوناگونی در آسیای مرکزی رایج بوده است. این تنوع زبانی به سبب تحولات سیاسی حاصل شده است. تا پیش از ورود ترکان به ناحیه، زبانهای ایرانی در ناحیه رواج داشت. نفوذ ترکها، سبب گسترش زبان ترکی و منزوی شدن زبانهای ایرانی شد، اما حتی تا اواخر حکومت سامانیان هنوز زبانهای ایرانی در برخی نقاط جایگاه ویژه‌ای داشت. هجوم مغولان و تسلط آنها بر ناحیه تحولات و تغییرات زبان را سرعت بخشید.

تا پیش از سلطه روسها بر ناحیه هر یک از ملیتها به زبان خاص خود که واژه‌هایی نیز

نقشه ۱۶

از زبانهای فارسی وعربی به عاریت داشتند، سخن می‌گفتند. با تسلط روسها بر ناحیه به ویژه پس از انقلاب بلشویکی، دولت روسیه به مسألهٔ زبانها توجه زیادی نشان می‌دهد، در ابتدا با هدف جلب رضایت اقوام گوناگون، پیشبرد زبانهای ملی را مطرح می‌کند. در مرحله بعدی زبان روس را به عنوان زبان مشترک تمام اقوام اتحاد جماهیر شوروی سابق معرفی می‌کند، و سپس با تغییر الفبای عربی به الفبای روسی و نفوذ کلمات فنی از زبان روسی به زبانهای ملی، تحولاتی در زبانهای ملی به وجود می‌آورد تا امر دو زبانی شدن پیشرفت نماید، و سرانجام برای تسریع در پذیرش زبان روسی در میان اقوام ناحیه،

اجباری‌کردن آموزش زبان‌روسی در دوران‌تحصیل، به ویژه تحصیلات‌دانشگاهی، به کار گماردن افراد آشنا به زبان روسی در مناصب دولتی و استفاده از زبان روسی در مراکز اداری و رسانه‌های گروهی را به مرحله عمل در می‌آورد.

جدول ۱۷ ـ ۱ درصد افراد اقوام آسیای مرکزی که زبان ملی زبان اصلی آنهاست در سالهای ۱۹۲۶ ـ ۱۹۷۰م/۱۳۰۵ ـ ۱۳۴۹ش [۵۱]

سال / ملیت	۱۹۲۶م۱۳۰۵ش	۱۹۵۹م/۱۳۳۸ش	۱۹۷۰م/۱۳۴۹ش	۱۹۷۹م/۱۳۵۸ش
ازبکها	۹۹/۱	۹۸/۴	۹۸/۶	۹۸/۵
تاجیکها	۹۸/۳	۹۸/۱	۹۸/۵	۹۷/۸
ترکمنها	۹۷/۳	۹۸/۹	۹۸/۹	۹۸/۷
قرقیزها	۹۹	۹۸/۷	۹۸/۸	۹۷/۹
قزاقها	۹۹/۶	۹۸/۴	۹۸/۶	۹۷/۵

اما مشاهده می‌شود که پذیرش زبان روسی به عنوان زبان اصلی در میان اقوام آسیای مرکزی که مسلمان نیز هستند بسیار کم است (جدول ۱۷ ـ ۱) و زبان ملی در همه جا تحکیم یافته و حتی واژه‌های فنی به زبان روسی را که د رآنها وارد شده بود، حذف کرده و لغات خاص زبان خود را جایگزین آنها کرده‌اند. و زبان روسی کم پیشرفت کرده و فقط به عنوان زبان دوم، در برخی مواقع استفاده می‌شود.

عدم پیشرفت روسها در منزوی کردن زبانهای ملی آسیای مرکزی را می‌توان در ویژگیهای زبانی مردم دانست. این زبانها در واقع نمادهای موجودیت قومی و ملی مردم هستند و همه اعضای جامعه از آن دفاع می‌کنند. ضمن آن که دور بودن این اقوام از حکومت مرکزی یا به عبارت دیگر در پیرامون قرار گرفتن آنها و وجود جمعیت گسترده و متحد را نمی‌توان نادیده گرفت.

بدیهی است که به علت پراکندگی اقوام در سطح ناحیه، هر گروه در هر کجا که سکونت دارد به زبان مادری تکلم می‌کند. بنابراین در هر یک از جمهوریها زبانهای گوناگونی رایج است (جدول ۱۸ ـ ۱).

جدول ۱۸ ـ ۱ نسبت تنوع زبانی به تفکیک جمهوریهای آسیای مرکزی در سال ۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش (درصد)[۵۲]

جمهوری / زبان	ازبکستان	تاجیکستان	ترکمنستان	قزاقستان	قرقیزستان
ازبکی	۶۹	۲۲	۸	-	۱۳
اوکراینی	-	-	-	۳	-
تاتاری	۳	-	-	-	-
تاجیکی	۴	۵۹	-	-	-
ترکمنی	-	-	۶۸	-	-
روسی	۱۳	۱۳	۱۵	۵۰	۳۰
قزاقی	۴	-	۳	۳۶	-
قرقیزی	-	-	-	-	۴۸
سایر	۷	۶	۶	۷	۹

۵ ـ ۳ مذهب

آسیای مرکزی جایگاه آیین‌ها و مذاهب گوناگـون است. ایـن نـاحیه در گـذر زمـان پذیرای کیش و مذهب گروههایی بوده است که به صورت مهاجم یا مهاجر وارد شده‌اند. در واقع آسیای مرکزی به صورت چهار راهی ضمن انتقال آیین‌های اعتقادی، خود نیز در جریان تحولات آیینی قرار گرفته است.

در روزگاران دور پرستش ماه، خورشید، ستاره‌ها، الهه‌ها و... در میان قـبایل نـاحیه رایج بود. بعدها آیین بودا که از شـمال هـندوستان تـوسط هـیأتهای مـذهبی در نـاحیه گسترش یافت، یکی از مهمترین مذاهبی بود که پیروان زیادی یافت. اما بتدریج عوامل بیگانه‌ای از مذاهب زرتشت و مسیحیت در آن وارد شد و حتی در برخی نقاط ویژگیهای خاص خود را یافت که از اصول اصلی این مذهب به دور بود.

آیین زردشت که مبتنی بر تقدس آتش بود و سالیان دراز تا هنگام ظهور اسـلام در ناحیه رایج بود، از مذاهبی بود که منشأ آن در ایران بود و به وسیلهٔ ایرانیان به ناحیه برده شد. کیش مانی که در دورهٔ ساسانیان گسترش یافت، دیگر مذهبی بود که از ایـران بـه

آسیای مرکزی نفوذ کرد و سالیان دراز در کنار آیین بودا و زرتشت، مذهب شماری از ساکنان آسیای مرکزی بود.

مسیحیت کلیسای روم در دوران مغول در آسیای مرکزی تبلیغ شد. پیش از آن و پس از استقرار پایگاه تشکیلاتی نسطوریان در «بغداد» و تبلیغ اصول عقیدتی آنها در آسیای مرکزی مسیحیت نسطوری، از اهمیّت ویژه‌ای برخوردار بود. به طوری که در سال ۱۰۰۰ میلادی اسقف نشین نسطوریان در مرو ایجاد شد و تا زمان تیموریان به تبلیغ اصول خود پرداخت و مکانهای مذهبی متعددی بنا کرد. در زمان تیموریان گروه نسطوریان به همراه شماری از کلیساها و صومعه‌ها و متون مذهبی آنها از میان رفت[۵۳]. مذهب مسیحیت گرچه از آن به بعد از رشد بازماند اما از بین نرفت و با تماسهای مسیحیان با کشورهای دیگر به حیات خود ادامه داد. در حال حاضر نیز پس از دین اسلام، مهمترین مذهب سکنهٔ آسیای مرکزی مسیحیت است. به ویژه ساکنان قزاقستان و قرقیزستان عمدةً پیرو آیین مسیح می‌باشند.

دین اسلام پس از ظهور، رشد وتوسعه یافت و از نواحی شمال شرق ایران به آسیای مرکزی راه یافت. با تسخیر ماوراءالنهر و دیگر بخشهای آسیای مرکزی، اقوام ترک ناحیه که پیرو مسیحیت و آیینهای دیگر بودند به اسلام گرویدند. تصرف آسیای مرکزی با فتح شهر مرو در سال ۱۸ و به عبارتی ۲۲ هجری قمری آغاز شد و پس از آن با تأنی تداوم یافت، پیروزی «قتیبة بن مسلم» در سالهای ۸۶ ـ ۹۷ هجری قمری تقریباً تمام آسیای مرکزی را در قلمرو حکومت اسلامی قرار داد. گرچه گرایش ساکنان آسیای مرکزی به اسلام بسرعت صورت نگرفت و برخی از اقوام خیلی دیر مسلمان شدند، اما با گسترش دین‌اسلام در ناحیه و برقراری اسلام به عنوان مذهب رسمی، چشم‌اندازهای جغرافیایی تغییر کرد. این تغییر در برخی نقاط شدید و در بعضی جاها بسیار کند بود، اسلام همچنین تأثیر بسیاری بر حیات فرهنگی، مسائل قومی و زبانی، ادبیات و رشته‌های هنری بویژه معماری گذاشت.[۵۴]

رشد و گسترش اسلام تا زمان تسلط روسها بر ناحیه، ادامه یافت. با پیروزی کمونیست‌ها تهاجم آنها به مذهب آغاز شد. آنان با طرح شعارهایی علیه مذهب در زدودن عقاید مذهبی بویژه اصول اسلام در میان مسلمانان شوروی کوشیدند و برای

رسیدن به این هدف اقدامات متعددی انجام دادند. به جز تعداد اندکی از مساجد، بیشتر آنها یا تخریب شدند و یا از انجام فعالیت مذهبی منع و بسته شدند. انجام کلیه فرایض شخصی و جمعی مذهبی مانند برگزاری نماز جماعت، مراسم عید قربان، انجام فریضهٔ حج، گرفتن روزه و... ممنوع شد. همراه این اعمال تبلیغات دامنه‌دار و طولانی در مذمت مذهب و ترویج اصول وعقاید مارکسیسم انجام گرفت. اما مسلمانان آسیای مرکزی با حفظ و حراست از آیین خود و انجام فرایض مذهبی به شیوهٔ منطبق بر شرایط سخت، مانع از رکود و انزوای اسلام شدند و بدین سان اسلام در شرایط جدید تجدید حیات یافت، تجدید حیاتی که دارای موجودیت آگاهانه و ارادی است.[۵۵]

تا پیش از فروپاشی شوروی، یکی از چهار رهبری روحانی مسلمانان در تاشکند مستقر بود که هدایت مسلمانان آسیای مرکزی و قزاقستان را عهده داشت و قدرتمندترین رهبری روحانی بود. زیرا دو دانشگاه اسلامی که مسؤولیت تربیت علمای دینی را عهده‌دار بودند زیر نظر آن اداره می‌شدند. این دو مدرسه با نامهای «مدرسهٔ میر عرب» در بخارا و «مدرسهٔ بارق خان» در تاشکند، تنها مراکز تربیت علمای اسلام در اتحاد جماهیر شوروی بودند. اما پس از استقلال جمهوریهای آسیای مرکزی ابتدا ادارهٔ دینی قزاقستان و سپس ترکمنستان و قرقیزستان از ادارهٔ دینی تاشکند جدا شدند و اداره‌های دینی مستقل تشکیل دادند.

بیشتر مسلمانان آسیای مرکزی سنی مذهب و پیرو مکتب حنفی می‌باشند، اسماعیلیه نیز در میان مسلمانان آسیای مرکزی پیروانی دارد اما نسبت به فرقهٔ اهل سنت شمار آنها اندک است. در ایام سلطهٔ شوروی مسلمانان برای حفظ آیین خود بیش از آن که بر فرقه سنی و یا شیعه متکی باشند، با معرفی خود به نام مسلمان از اجرای سیاستهای تفرقه‌آمیز جلوگیری می‌کردند.

از نظر توزیع جغرافیایی، مسلمانان عمدةً در جمهوریهای ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان، یعنی سرزمینهایی که در برهه‌ای از زمان از مراکز مهم نشر وترویج اسلام بودند، ساکنند (جدول ۱۹ ـ ۱).

جدول ۱۹ ـ ۱ توزیع جمعیت مسلمان آسیای مرکزی به تفکیک جمهوری
در سالهای ۱۹۵۹، ۱۹۷۹ و ۱۹۹۰م/۱۳۳۸، ۱۳۵۸ و ۱۳۶۹ش [۵۶]

سال	ازبکستان		تاجیکستان		ترکمنستان		قرقیزستان		قزاقستان		جمع	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۱۹۵۹م/۱۳۳۸ش	۶۰۰۰	۴۶/۲	۱۳۹۷	۱۰/۸	۱۰۰۰	۷/۷	۹۶۵	۷/۴	۳۶۲۲	۲۷/۹	۱۲۹۸۴	۱۰۰
۱۹۷۹م/۱۳۵۸ش	۱۲۴۵۶	۴۸/۲	۲۸۹۸	۱۱/۲	۲۰۲۸	۷/۸	۱۹۰۶	۷/۴	۶۵۵۶	۲۵/۴	۲۵۸۴۴	۱۰۰
۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش	۱۵۶۲۰	۴۷/۸	۴۶۷۵	۱۴/۳	۲۸۴۹	۸/۷	۲۷۹۰	۸/۵	۶۷۴۰	۲۰/۶	۳۲۶۷۷	۱۰۰

بنابه ارقام بالا مسلمانان در سال ۱۹۵۹م /۱۳۳۸ش نزدیک به ۵۶/۵ درصد و در سال ۱۹۹۰م /۱۳۶۹ش حدود ۶۳/۴ درصد از کل سکنهٔ آسیای مرکزی را تشکیل می‌دادند، بیشترین مسلمانان در کشورهای ازبکستان و قزاقستان مستقرند. درحالی که اگر جمعیت هریک از جمهوریها و تعداد مسلمانان آنها را در نظر بگیریم مشخص می‌شود که درصد بزرگی از جمعیت کشورهای ازبکستان، تاجیکستان، مسلمان هستند (نقشه ۱۷).

پس از استقلال جمهوریهای آسیای مرکزی، مسلمانان آسیای مرکزی عقاید خود را آشکار کردند و در بازگشایی و احداث بناهای مذهبی کوشیدند وانجام اعمال دینی را پی گرفتند. مساجد قدیمی «طلاشیخ»، «جامع یکه‌سرای» «جامع شیخ ضیاءالدین‌خان» در تاشکند، «مسجد جامع کلان» در بخارا «مسجد طلعتان بابا» در شهر «یولاتان»، «مسجد خواجه یوسف بابا همدانی» در شهر «بایرام علی» و «مسجدالاقصی» در عشق آباد ترکمنستان و همچنین مساجد متعدد در سمرقند و مساجد جامع اوش و بیشکک برای عبادات دایر شدند و در شهرهای آلماآتی، «ژامبیل»، چیمکنت،«تالدی فرغان»، «گوکچه تاو»، اورال، «آیتراو» و چند شهر دیگر اقدامات گسترده‌ای برای بازسازی مساجد جامع قدیم واحداث مساجد جدید صورت گرفته است، کشورهای مسلمان نیز آنان را در اجرای این امر یاری می‌کنند. ایران به عنوان همسایه و ترکیه، پاکستان و عربستان با اهداف متعدد در تجدید حیات اسلام به کمک مسلمانان آسیای مرکزی شتافتند.

۶ ـ ۳ تقسیمات کشوری

تقسیمات سیاسی به شکل کنونی آن پس از حاکمیت رژیم مارکسیستی در شوروی

نقشه ۱۷

سابق شکل گرفت. در آن ایام حکومت مرکزی در راستای اهداف سیاسی و اقتصادی خویش، محدودهٔ تحت کنترل خود را به پانزده جمهوری تقسیم کرد. در این تقسیم‌بندی سیاسی مبنای تفکیک سرزمینها از یکدیگر ویژگیهایی قومی و ملیت بود و عوامل دیگر در اولویتهای بعدی قرار داشتند. همچنین بر طبق نظر اقتصاددانان وجغرافیادانـان و بـا تکیه بر توانها و تنگناهای طبیعی واقتصادی بالقوه و بالفعل، جمهوری اتـحاد جـماهیر شوروی به چند منطقهٔ اقتصادی مجزا شد.

سلسله مراتب تقسیم سیاسی در شوروی سابق به ترتیب اهمیت عبارت بود از: جمهوری، جمهوری خودمختار، اُبلست[۱]، رایون[۲]، نقاط شهری، رایون در نقاط شهری، شهرک و مجتمعهای روستایی.

نقشهٔ ۱۸

پس از استقلال نیز همین سلسله مراتب تقسیمات سیاسی به عنوان میراثی از نظام اتحاد شوروی سابق برجای مانده است. بنابراین فقط دو کشور تاجیکستان و ازبکستان جمهوری خود مختار دارند و در سایر کشورها ابلستها، که در واقع همان مفهوم استان در ایران را دارد، بزرگترین واحد سیاسی به شمار می‌روند.

1 - Oblast

2 - Rayon

مجموع کشورهای آسیای مرکزی متشکل از دو جمهوری خود مختار و ۴۶ استان (اُبلست) می‌باشد. جمهوری خودمختار گورنو بدخشان یا بدخشان کوهستانی در شرق تاجیکستان و جمهوری خود مختار قراقالپاق در غرب ازبکستان واقعند.

قزاقستان ۱۹ استان، ازبکستان ۱۶ استان، قرقیزستان ۱۶ استان و ترکمنستان و تاجیکستان[۵۷] هر یک ۵ استان دارند (نقشهٔ ۱۸).

در میان شهرهای مهم آسیای مرکزی، مراکز آنها یا به عبارتی پایتخت هر یک از کشورها، بزرگترین و مهمترین شهر به شمار می‌آیند. پایتخت جمهوریهای آسیای مرکزی همگی در نزدیکی مرزهای آنها قرار دارند و تاشکند با بیش از دو میلیون نفر جمعیت بزرگترین آنها محسوب هستند.

برخلاف قزاقستان، در سایر جمهوریهای آسیای مرکزی بیشتر شهرهای مهم سابقهٔ تاریخی طولانی دارند، این ویژگی به همراه تمرکز فعالیتهای صنعتی و فرهنگی سبب تمرکز جمعیت در آنها شده است. بخارا، سمرقند، مرو، خیوه، خجند، تاشکند، اوش، «نارین» و چارجو تعدادی از این گونه شهرها می‌باشند.

۴ ـ ویژگیهای اقتصادی

۱ ـ ۴ کلیّات

در پهنهٔ آسیای مرکزی، توان‌ها و قابلیتهای بسیاری برای بهره برداری وجود دارد. در هر دورهٔ تاریخی به مقتضای حاکمیت سیاسی و توانمندی ساکنان ناحیه در مقابله با تنگناها و رفع موانع موجود، بخشی از منابع و تواناییهای اقتصادی مورد استفاده و بهره‌برداری قرار گرفته‌اند.

اسناد و مدارک نشان می‌دهند که در طول تاریخ آسیای مرکزی دامداری به روش کوچ‌نشینی و حمل و نقل و تجارت کاروانی، شیوه‌های مهم گذران زندگی در ناحیه بوده‌اند. با پیشرفتهای علمی و گسترش حمل و نقل دریایی، حمل و نقل زمینی متکی بر کاروانهای تجاری از رونق افتاد و بر اهمیت دامداری و رونق کشاورزی افزوده شد. با

تسلط روسها بر ناحیه بویژه پس از انقلاب اکتبر، دامداری به شیوه کوچ‌نشینی نیز تبدیل به دامپروری گردید.

در دورهٔ حکومت کمونیستی تحولات شگرف اقتصادی در آسیای مرکزی رخ داد. بسیاری از زیرساختهای مورد نیاز توسعهٔ بخشهای اقتصادی به وجود آمدند و در برنامه‌های اقتصادی، آسیای مرکزی برای انجام فعالیتهایی که توانهای محیطی شرایط مساعدی را فراهم می‌کرد، مورد توجه قرار گرفت و زیرسازهای لازم برای رشد و گسترش این فعالیتها فراهم شد.

حکومت شوروی در ابتدا براساس ویژگیهای محیطی و اقتصادی، قلمرو خود را به ۱۵ ناحیهٔ اقتصادی و از سال ۱۹۶۰م / ۱۳۲۹ش به بعد به ۱۹ ناحیهٔ اقتصادی تقسیم کرد. این تقسیم‌بندی منفک از ناحیه‌بندی سیاسی بود، به همین دلیل محدودهٔ ناحیه‌ها بر یکدیگر منطبق نبودند. دراین ناحیه‌بندی، چهارکشور ازبکستان،ترکمنستان، تاجیکستان، و قرقیزستان زیر نام آسیای میانه یکی از سه ناحیهٔ اقتصادی رتبهٔ اول و قزاقستان یکی از دو ناحیهٔ اقتصادی رتبهٔ دوم به شمار می‌آمدند، بدیهی است که هر یک از نواحی اقتصادی در داخل خود تقسیمات فرعی داشته و متشکل از چند خرده ناحیه بودند.

در هر یک از نواحی اقتصادی، فعالیتهای اقتصادی حول محورهایی که توانایی تولید آنها فراهم بود جهت دهی شد. بر این اساس ناحیهٔ آسیای مرکزی که از عهد سلطه تزارها، پنبهٔ روسیه را تهیه می‌کرد، برای تولید پنبه با کیفیت و کمیت مطلوبتر مد نظر قرار گرفت. این تقسیم‌بندی اقتصادی گرچه بهره‌برداری بهینه از منابع موجود را موجب شد، زمینهٔ تخصصی شدن فعالیتهای اقتصادی و پیامد آن رونق اقتصاد تک محصولی را فراهم کرد، که نتیجهٔ نهایی آن وابستگی جمهوریها به یکدیگر بود. موضوعی که پس از فروپاشی شوروی یکی از معضلات کشورهای مستقل مشترک‌المنافع در استقلال اقتصادی آنها می‌باشد و سالیان دراز زمان لازم است تا این جمهوریها بتوانند حداقل در تأمین بخشی از نیازهای اساسی، خودکفا شوند.

پس از فروپاشی اتحاد شوروی، مشکلات اقتصادی گوناگونی در جمهوریهای نوپای آسیای مرکزی ظاهر شد. از یک سو به دلیل آن که گسستن پیوندهای اقتصادی و اتخاذ

شیوه‌های دیگر تولیدی در کوتاه مدت ناممکن است، این کشورها به ناچار روابط متقابل اقتصادی با یکدیگر و سایر جمهوریهای مستقل مشترک‌المنافع را تداوم بخشیدند. به همین دلیل هرگونه تحول سیاسی و یا تغییر در روابط اقتصادی، سبب بروز مشکلات اقتصادی کلانی برای تمام جمهوریها خواهد شد.

از سوی دیگر هر یک از جمهوریهای آسیای مرکزی پس از کسب استقلال، تلاش کرده‌اند با تغییر سیستم اقتصادی، از اقتصاد برنامه‌ریزی شده دولتی به اقتصاد سرمایه‌داری و بازار روی آورند، تقسیم زمینهای کشاورزی میان زارعان، فروش و واگذاری واحدهای صنعتی و گشایش مرزها بر روی سرمایه گذاران و سرمایه‌های خارجی، انتخاب پول ملی، اخذ وام از مراکز مربوطه جهانی، افزایش میزان تقاضا برای کالاهای مصرفی خارجی و... آشکارترین جلوه‌های تعدیل سیاست اقتصادی این کشورهاست. نبود شرایط مساعد لازم برای تحقق یافتن اصول اقتصادی جدید و مشکلات ناشی از تأثیر تحولات سیاسی در فعالیتهای اقتصادی، رسیدن به اهداف مورد نظر را با مشکلاتی مواجه کرده است که حل آنها و جهت دهی حرکتهای اقتصادی در مسیر دلخواه نیازمند گذشت زمان است.

در کنار مشکلات ناشی از اتخاذ تصمیماتی برای تغییر سیاست اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی، رخدادهای سیاسی ناشی از استقلال کشورها، فعالیتهای اقتصادی را تحت تأثیر قرار داد. در واقع سالهای ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۵م / ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۴ش را می‌توان سالهای کاهش در میزان تولید محصولات کشاورزی و صنعتی کشورها، میزان حمل و نقل، میزان سرمایه گذاری، ارائه خدمات غیر رایگان، درآمدهای مردم و پیامد آن افزایش بهای کالاهای مصرفی و محصولات صنعتی، افزایش تورم و کسر بودجه دانست. به عنوان مثال در سال ۱۹۹۵م /۱۳۷۴ش، میزان کل تولید محصولات داخلی، نسبت به سال ۱۹۹۰م /۱۳۶۹ش در ازبکستان ۸۲درصد، در قرقیزستان ۵۰درصد و در قزاقستان ۴۵ درصد بوده است.(۵۸)

از اوایل سال ۱۹۹۶م / ۱۳۷۵ش، با تثبیت وضعیت سیاسی و مشخص شدن سازوکار فعالیتهای اقتصادی و جهت آن، بتدریج، فعالیتهای تولیدی روند عادی خود را بازیافتند.

در میان کشورهای آسیای مرکزی، فعالیتهای اقتصادی تاجیکستان به دلیل شرایط

سیاسی بحرانی و بی ثباتی، با رکود کامل مواجه شده، به طوری که در سه ماههٔ اول سال ۱۹۹۶م نسبت به مدت مشابه سال قبل تولید انواع محصولات آن کاهش یافته است. ولی در سایر کشورها برخی محصولات مانند تولیدات صنعتی با کاهش و برخی محصولات مانند مواد سوختی و برخی کالاهای مصرفی با افزایش روبرو بوده‌اند.[۵۹]

گرچه سرزمینهای آسیای مرکزی در حال حاضر با مشکلات متعدد اقتصادی، در زمینه‌های کمبود تولید، نبود شرایط مساعد برای رونق سرمایه گذاریها، و گسترش روابط متقابل اقتصادی مواجه هستند، اما در سالهای آتی با بهره‌برداری بهینه از توانهای گوناگون و فراوان بالقوه و بالفعل خود، بر طرف کردن مشکلات موجود و اتخاذ تدابیر مناسب، می‌توانند در ردیف کشورهای مهم و ثروتمند دنیا قرار گیرند.

۲ ـ ۴ کشاورزی

با وجود رونق و توسعهٔ فعالیتهای صنعتی در چند دههٔ اخیر، هنوز کشاورزی رکن اصلی اقتصاد آسیای مرکزی به شمار می‌رود. سکونت بیش از نیمی از جمعیت ناحیه در نقاط روستایی و اتکای آنها به تولیدات بخش کشاورزی و صنایع وابسته به آن، حاکی از اهمیت فزایندهٔ فعالیتهای زراعی در اقتصاد ناحیه است.

۱ ـ ۲ ـ ۴ زراعت

عملیات زراعی در آسیای مرکزی بویژه قسمتهای جنوبی آن به دلیل این که قلمرو آب و هوای خشک و بیابانهای گسترده است ارتباط نزدیکی با آبیاری دارد. به دلیل کمی بارش، جریانهای زیرزمینی کمتر در تأمین آب مورد نیاز مفید بوده‌اند و عمدةً آبهای جاری و در برخی نقاط قناتها مورد استفاده قرار می‌گیرند، اراضی که بدون آبیاری مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند، به حدی محدودند که نقش بسیار اندکی در تولید زراعی دارند.

محدودیت منابع آب سبب تمرکز و گسترش اراضی زراعی در اطراف رودخانه‌ها و دامنهٔ کوهها شده است، بنابراین مهمترین و حاصلخیزترین زمینهای کشاورزی در شبکهٔ آبیاری از دریاچهٔ بالخاش تا دامنهٔ کوههای تیان شان، پامیر و کپه‌داغ امتداد یافته‌اند و

مهمترین ناحیهٔ زراعی، دره‌های بخش شرقی ناحیه می‌باشند.

مجموع اراضی قابل کشت آسیای مرکزی در سال ۱۹۹۳م/۱۳۷۲ش حدود ۳۱۵۷۰۰ هزار هکتار بود. که ۲۲۱۰۰۰ هزار هکتار آن در قزاقستان و ۹۴۷۰۰ هزار هکتار در چهار کشور دیگر قرار دارد.(۶۰)

همچنان که ذکر شد، سیستم آبیاری در عملکرد کشاورزی ناحیه نقش مؤثری ایفا می‌کند. تا اوایل قرن حاضر برای آبیاری از رودخانه‌های کوچک استفاده می‌شد. بعدها بهره‌برداری گسترده از دو رودخانهٔ سیردریا و آمودریا مورد توجه قرار گرفت و با اجرای برنامه‌های توسعه کشاورزی از سال ۱۹۶۰م/۱۳۳۹ش به بعد، میزان برداشت آب از سیردریا و آمودریا شدت یافت و طرحهای متعدد آبرسانی به اراضی بایر با حفر کانالهای آبرسانی از دو رودخانهٔ مذکور اجرا شد. کانال ترکمن باشی (قره‌قوم) معروفترین آنها است.

بهره‌برداری و انتقال آب سیردریا و آمودریا سبب افزایش قابل ملاحظهٔ زمینهای کشاورزی شد. بیشتر این اراضی در دو کشور ازبکستان و ترکمنستان بودند، در ازبکستان این اراضی در اطراف رودخانه سیردریا و حوضهٔ فرغانه؛ در تاجیکستان در حاشیهٔ رودخانه وخش، در ترکمنستان در اطراف آمودریا؛ و در قرقیزستان در دره‌های رودخانهٔ چو واقع هستند. افزایش سطح زمینهای آبی تا اواخر دههٔ هفتاد ادامه داشت (جدول ۲۰ـ۱). با آشکار شدن پیامدهای ناگوار بهره‌برداری بی رویه از آب آمودریا و سیردریا که حاصل آن کاهش‌حجم و خشک شدن دریاچهٔ آرال بود، میزان برداشت آب از رودخانه‌ها کاهش یافت، به طوری که متوسط میزان آب مورد استفاده به منظور آبیاری در حوضه‌های آمودریا و سیردریا از ۱۵۵۰۰ مترمکعب در هر هکتار در سال ۱۹۷۰م / ۱۳۴۹ش به رقم ۱۱۷۰۰ متر مکعب در هر هکتار در سال ۱۹۸۵م / ۱۳۶۴ش کاهش یافت.

در جدول ۲۰ ـ ۱ که سطح زمینهای آبیاری شده برای چهار کشور ازبکستان، ترکمنستان، تاجیکستان و قرقیزستان ذکر شده، مشاهده می‌شود که در یک دورهٔ بیست ساله بین سالهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰م / ۱۳۲۹ تا ۱۳۴۹ش حدود ۱۳۸۲ هزار هکتار یا معادل ۲۸درصد به وسعت اراضی آبی افزوده شده است.

جدول ۲۰ ـ ۱ وسعت اراضی آبیاری شده در حدفاصل سالهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰م/ ۱۳۲۹ تا ۱۳۴۹ش (به ۱۰۰۰ هکتار)(۶۱)

سال	سطح زیر کشت
۱۹۵۰م/۱۳۲۹ش	۴۸۶۴
۱۹۶۰م/۱۳۳۹ش	۵۸۰۶
۱۹۷۰م/۱۳۴۹ش	۶۲۴۶

از سال ۱۹۷۰م /۱۳۴۹ش به بعد با بروز مشکلات زیست محیطی و انعکاس اخبار آن، سیاست افزایش سطح زیر کشت تعدیل می‌یابد (جدول ۲۱ ـ ۱) و با شروع دههٔ ۹۰ و استقلال جمهوریها، متوقف می‌شود.

جدول ۲۱ ـ ۱ میزان افزایش سطح زیرکشت آبی در حد فاصل سالهای ۱۹۷۱ ـ ۱۹۸۸م/۱۳۵۰ ـ ۱۳۶۷ش (به هزار هکتار)(۶۲)

دوره زمانی	سطح زیرکشت
۱۹۷۵ ـ ۱۹۷۱م/۱۳۵۴ ـ ۱۳۵۰ش	۷۴۰
۱۹۸۰ ـ ۱۹۷۶م/۱۳۵۹ ـ ۱۳۵۵ش	۷۰۰
۱۹۸۵ ـ ۱۹۸۱م/۱۳۶۴ ـ ۱۳۶۰ش	۶۹۱
۱۹۸۸ ـ ۱۹۸۶م/۱۳۶۷ ـ ۱۳۶۵ش	۲۰۸

بنابراین از سال ۱۹۸۶م /۱۳۶۵ش به بعد میزان افزایش سطح زیرکشت در چهار کشور ازبکستان، ترکمنستان، تاجیکستان و قرقیزستان به شدت کاهش می‌یابد به طوری که در سال ۱۹۸۸م /۱۳۶۷ش فقط ۳۸ هکتار از اراضی بایر به زیر کشت رفته‌اند.

وضعیت کشور قزاقستان کمی با سایر جمهوریهای آسیای مرکزی متفاوت است. افزایش اراضی آبی این سرزمین، که بخش جنوبی آن در قلمرو اراضی خشک قرار دارد، از اوایل سال ۱۹۷۰م /۱۳۴۹ش آغاز شد واز آغاز دههٔ ۱۹۸۰ نیز روند دایر کردن اراضی بایر کاهش یافت.

لازم به ذکر است که در طی چند دههٔ اخیر علاوه برآن که آب مورد نیاز زمینهای

کشاورزی تأمین شد، شیوه‌های آبیاری نیز تغییر کرد. روش آبیاری غرقابی منسوخ و روش آبیاری قطره‌ای رایج شد. تا پیش از این، به کارگیری روش آبیاری غرقابی و نبود سیستم زهکشی مناسبِ با خاکهای شور سبب شده‌اند که بخشی از اراضی زراعی بویژه در اطراف کانال قره‌قوم به خاکهای شور و غیرقابل بهره‌برداری تبدیل گردند. شور شدن خاکها ضمن آن که ضایعات تولید را افزایش داد، سبب آلودگی آب شرب مردم شد که حاصل آن شیوع بیماریهای واگیردار و بالا رفتن میزان مرگ‌ومیر در میان ساکنان ناحیه بود.

سطح زمینهای زیرکشت در آسیای مرکزی بسیار کمتر از مساحت اراضی قابل کشت است. و به دلیل محدودیت آب، دیمزارها وسعت اندکی از زمینهای زراعی را تشکیل می‌دهند. در چهار کشور ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان وقرقیزستان از مجموع اراضی زیرکشت (جدول ۲۲ـ۱) در سال ۱۹۷۰م /۱۳۴۹ش ۳۱/۱درصد و در سال ۱۹۸۶م / ۱۳۵۵ش، ۱۷/۴درصد زمینهای دایر به کشت دیم اختصاص داشت.

جدول ۲۲ ـ ۱ وسعت اراضی زراعی آسیای مرکزی (بدون قزاقستان) در سالهای ۱۹۴۰ ـ ۱۹۸۸م/ ۱۳۱۹ ـ ۱۳۶۷ش (به هزار هکتار)[۶۳]

سال	۱۹۴۰م/ ۱۳۱۹ش	۱۹۵۰م/ ۱۳۲۹ش	۱۹۶۰م/ ۱۳۳۹ش	۱۹۷۰م/ ۱۳۴۹ش	۱۹۸۰م/ ۱۳۵۹ش	۱۹۸۸م/ ۱۳۶۹ش
وسعت اراضی	۵۳۱۰	۵۰۷۰	۵۴۰۷/۵	۶۱۴۱	۶۹۲۵	۷۷۵۴

فرایند تولید زراعی: تا پیش از استقلال جمهوریها، عملیات زراعی در قالب شیوۀ رایج در تمام اتحاد شوروی انجام می‌شد، از سال ۱۹۹۰م /۱۳۶۹ش به بعد با فروپاشی شوروی تغییراتی در شیوه‌های بهره‌برداری کشاورزی به وجود آمد اما چون هنوز آن شیوه‌ها رایج هستند و تغییرات جزیی در آنها به وجود آمده، شرح مختصری درباره آنها آورده می‌شود.

بهره‌برداری کشاورزی در آسیای مرکزی به سه روش انجام می‌شود و زارعان در

قالب مجتمعهای کشاورزی به نامهای سوخوز[1] و کلخوز[2] و همچنین زمینهای خصوصی انجام وظیفه می‌کنند.

سوخوزها: در واقع مجتمع‌های کشاورزی دولتی هستند، از ویژگیهای بارز این مجتمع‌ها می‌توان به وسعت زیاد مزارع، وجود نیروی ماهر و متخصص، کاربرد گسترده ماشین‌آلات و استفاده از جدیدترین اطلاعات علمی اشاره کرد. نیروی کار مورد نیاز سوخوزها در استخدام مجتمع هستند و در مقابل انجام کار مزد دریافت می‌کنند تمام وسایل، سکونتگاهها، حتی چگونگی انجام مراحل کاشت، داشت و برداشت و مدیریت سوخوزها تحت نظر دولت است. محصول نیز تعلق به دولت دارد. سوخوزها از نظر وسعت اراضیِ بزرگتر، تعداد خانوارِ بیشتر، و بهره‌وری زراعی بالاتر، وضعیت بهتری نسبت به کلخوزها دارند.

کلخوزها: مجتمع‌هایی هستند که فعالیتهای کشاورزی در آنها به صورت اشتراکی انجام می‌شود فعالیت اصلی هر کلخوز توسط دولت و با توجه به توانهای محیطی و برنامه‌های اقتصادی تعیین می‌شود. تمام فعالیتهای زراعی زیر نظر مدیر منصوب دولت، انجام می‌شود و پس از برداشت محصول، تقسیم محصول براساس میزان تخصص و کارایی اعضا انجام می‌شود.

گرچه در هر کلخوز ممکن است چند محصول تولید شود. اما اعضای مجتمع موظف هستند حداقل ۸۰درصد از سطح زیرکشت را به تولید محصول تعیین شده از سوی دولت اختصاص دهند. مالکیت کلخوزها دولتی است، اما برخی از زارعان قطعه زمین و یا تعدادی دام دارند که تولیدات آن برای مصارف شخصی یا فروش در بازار اختصاص می‌یابد. در هر کلخوز تمام امکانات مورد نیاز یک مجتمع کشاورزی و یک مجتمع زیستی فراهم است.

زمینهای خصوصی: در بعضی کلخوزها چند قطعه زمین کوچک وجود دارد. این زمینها متعلق به اعضای کلخوز می‌باشد و آنان پس از کشت و زرع حاصل تولید را در بازار به فروش می‌رساند. برخی نیز به کاشت اقلام مورد نیاز خود می‌پردازند. معمولاً

---

1 - Soukhoz

2 - Kolkhoz

سبزیها و صیفی‌ها عمده‌ترین محصول زمینهای خصوصی هستند و زارعان برای بهره‌وری بیشتر فعالیت زیادی انجام می‌دهند. میزان زمین خصوصی زارعان حدود ۰/۱ هکتار و تعداد دام آنها بین یک تا ۳ رأس می‌باشد.

محصولات: مهمترین مشکل کشاورزی در آسیای مرکزی کم آبی است. چنانچه این مشکل برطرف شود به علت تنوع آب و هوا، امکان پرورش انواع محصولات زراعی فراهم است. در حال حاضر پنبه، حبوبات، غلات، میوه، سبزی، علوفهٔ دامی، چغندرقند و سیب‌زمینی، مهمترین محصولات آسیای مرکزی هستند (جدول ۲۳ ـ ۱). فرآورده‌های دامی نیز بخشی از تولیدات کشاورزی، بویژه در جمهوریهای ازبکستان، ترکمنستان و قزاقستان، را تشکیل می‌دهند.

جدول ۲۳ ـ ۱ میزان تولید برخی از محصولات کشاورزی آسیای مرکزی در سال ۱۹۸۹م/۱۳۶۸ش (به میلیون تن)(۶۴)

نام محصول	میزان تولید
انگور	۱/۶
غلات	۲۷/۳
پنبه	۷/۷
چغندر قند	۱/۳
سیب زمینی	۷/۵
میوه	۲/۷

الف ـ پنبه: مهمترین محصول زراعی آسیای مرکزی پنبه است و کشت آن در ناحیه قدمت طولانی دارد. گفته می‌شود در ایام تسلط تزارها کشت پنبه رونق یافت، به طوری که تا پیش از انقلاب اکتبر تقریباً ۹۰ درصد پنبه مصرفی روسیه در آسیای مرکزی تولید می‌شد.(۶۵) در دوران حکومت کمونیستها نیز بر اهمیت کشت پنبه افزوده شد و ضمن به زیر کشت بردن اراضی بایر بخشی از سطح زیرکشت محصولات دیگر نیز به تولید پنبه اختصاص یافت.

بخش وسیعی از مهمترین اراضی کشاورزی آسیای مرکزی به کشت پنبه اختصاص

یافته است. درهٔ فرغانه، دره «سرخان دریا»، حوضهٔ «مرغاب»، حوضه زرافشان، حوضه تجن، «استپ گلودین»[۱]، «چرچیق»[۲]، «آنگرن»[۳]، زمینهای پست اطراف دو رودخانهٔ آمودریا و سیردریا و زمینهای چیمکنت[۴] در قزاقستان مهمترین مراکز کشت پنبه به شمار می‌آیند.

کشت پنبه در برخی جمهوریها بیش از نیمی از اراضی زراعی را در برداشته است. به‌طور مثال در ازبکستان ۶۰درصد زمینهای کشاورزی به تولید پنبه اختصاص داده شده است. در نقاط مختلف جمهوریها نیز همین وضعیت حاکم است، مثلاً در درهٔ فرغانه تا ۷۲ درصد زمینها، زیرکشت پنبه است. وسعت سطح زیر کشت پنبه در مدت ۳۸ سال از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۸م /۱۳۲۹ تا ۱۳۶۷ش حدود ۲ برابر شده است (جدول ۲۴ ـ ۱).

جدول ۲۴ ـ ۱ وسعت زمینهای زیرکشت پنبه در سالهای ۱۹۵۰ ـ ۱۹۸۸م/۱۳۲۹ ـ ۱۳۵۷ش (به هزار هکتار)(۶۶)

سال	سطح زیر کشت
۱۹۵۰م/۱۳۲۹ش	۱۵۳۸/۹
۱۹۶۰م/۱۳۳۹ش	۱۹۵۷/۸
۱۹۷۰م/۱۳۴۹ش	۲۵۵۲/۶
۱۹۸۰م/۱۳۵۹ش	۲۸۹۷
۱۹۸۸م/۱۳۵۷ش	۳۱۳۳

افزایش سطح زیرکشت پنبه سبب افزایش میزان تولید آن شد (جدول ۲۵ ـ ۱). اما این روند در طی زمان یکسان نبود. به عبارت دیگر به مرور زمان به علت مشکلات مربوط به کیفیت خاک میزان تولید پنبه کاهش یافت و برای جبران این ضایعه، بر سطح زیر کشت افزوده شد، به جای آن که میزان تولید در واحد سطح افزایش یابد.

---

1 - Glodin steppe

2 - Chirchik

3 - Angren

4 - Chimkent

جدول ۲۵ ـ ۱ میزان تولید پنبهٔ آسیای مرکزی در سالهای ۱۹۱۳ تا ۱۹۷۸م/۱۲۹۲ تا ۱۳۵۷ش (به هزار تن)(۶۷)

سال	میزان تولید
۱۹۱۳م/۱۲۹۲ش	۶۶۱
۱۹۴۰م/۱۳۳۹ش	۱۹۵۷
۱۹۶۴م/۱۳۴۳ش	۴۷۴۵
۱۹۷۵ ـ ۱۹۷۱م/۱۳۵۴ ـ ۱۳۵۰ش	۷۲۲۶
۱۹۷۸ ـ ۱۹۷۶م/۱۳۵۷ ـ ۱۳۵۵ش	۷۹۶۵

افزایش کشت پنبه همراه با اقداماتی برای بهبود کیفیت الیاف پنبه نبود، بنابراین نه تنها کیفیت پنبه مرغوبتر نشد بلکه نسبت سهم پنبه مرغوب از کل تولید کاهش یافت. به طوری که در اوایل دهۀ ۱۹۷۰م حدود ۷۷ درصد از پنبه تولیدی کیفیت مرغوب داشت، ولی در دهۀ ۱۹۸۰م این رقم به ۵۸درصد کاهش یافت.(۶۸)

لازم به ذکر است که تولید پنبه درآسیای مرکزی سبب کاربری بخش اعظم منابع آب و زمینهای کشاورزی شده و بخش مهمی از جمعیت ناحیه به طور مستقیم یا غیرمستقیم در فعالیتهای وابسته به کشت پنبه اشتغال دارند. اما توسعۀ کشت پنبه سبب کاهش سطح زیرکشت محصولات غذایی و وابستگی آنها به کشورهای دیگر برای تأمین نیازهای اساسی شده است. ضمن آن که پنبۀ تولیدی نیز در ناحیه مصرف نمی‌شود و پس از تبدیل به محصولات دیگر در سایر کشورها، با قیمت گرانتر به ناحیه باز می‌گردد. گرچه پس از استقلال جمهوریهای آسیای مرکزی اقداماتی برای گسستن این روابط اقتصادی انجام شده است، اما به دلیل وابستگی عمیق اقتصادی شرایط مناسب برای دگرگون شدن روابط اقتصادی فراهم نشده است.

ب ـ غلات و حبوبات: در گذشتۀ نه چندان دور آسیای مرکزی از نظر تولید مواد غذایی خودکفا بود. با اجرای برنامه‌های افزایش تولیدپنبه از طریق افزایش سطح زیر کشت، از سطح زمینهای زیر کشت محصولات غذایی کاسته شد. به طوری که وسعت زمینهای زیرکشت حبوبات در کشورهای ازبکستان، ترکمنستان، تاجیکستان و قرقیزستان از ۵۷درصد کل اراضی در سال ۱۹۴۰م به ۲۲ درصد در سال ۱۹۸۶م /

۱۳۶۵ش کاهش یافت.

این امر در حالی رخ داد که در همین مقطع زمانی سطح زیادی از زمینهای بایر، آباد و به زیر کشت رفته‌اند. کاهش سطح زیرکشت محصولات غذایی بویژه در کشورهای پنبه خیز ناحیه کسری مواد غذایی و نیاز به واردات آنها را آشکار کرد، به همین جهت در دهۀ ۱۹۷۰ دولت شوروی برنامه‌هایی برای تولید بیشتر حبوبات و غلات تهیه کرد. برطبق این برنامه‌ها زمینهایی در شمال قزاقستان به کشت غلات و حبوبات اختصاص یافت و در دیگر کشورها نیز با تبدیل کشت دیم به کشت آبی بر میزان بازدهی محصول در واحد سطح افزوده شد (جدول ۲۶ ـ ۱).

جدول ۲۶ ـ ۱ میزان تولید غله در آسیای مرکزی در سالهای ۱۹۱۳ تا ۱۹۷۸م/۱۲۹۲ تا ۱۳۵۷ش (به ۱۰۰۰تن)(۶۹)

سال	میزان تولید		
	قزاقستان	سایر کشورها	جمع
۱۹۱۳م/۱۲۹۲ش	۲۱۶۲	۱۸۲۲	۳۹۸۴
۱۹۴۰م/۱۳۲۹ش	۲۵۱۶	۱۶۳۷	۴۱۵۳
۱۹۶۱م/۱۳۴۰ش	۱۴۶۷۲	۱۲۴۲	۱۵۹۱۴
۱۹۷۵ ـ ۱۹۷۱م/۱۳۵۴ ـ ۱۳۵۰ش	۲۱۶۶۲	۲۴۹۴	۲۴۱۵۶
۱۹۷۸ ـ ۱۹۷۶م/۱۳۵۷ ـ ۱۳۵۵ش	۲۵۱۴۲	۳۹۵۳	۲۹۰۹۵

۲ ـ ۲ ـ ۴ دامداری

دامداری که در گذشته مهمترین فعالیت بخش اعظم جمعیت ناحیه بود. اکنون از حالت عشایری خارج شده و شیوهٔ دامپروری رونق یافته است. پرورش دام در ناحیه، بویژه در کشورهای جنوبی، عمدةً برای استفاده از پوست و موی حیوانات است و این محصولات به کشورهای دیگر صادر می‌شود. فرآورده‌های شیری و گوشت دامها در داخل ناحیه مصرف می‌شود (جدول ۲۷ ـ ۱).

به غیر از مراتع طبیعی بخشی از زمینهای کشاورزی به تولید محصولات علوفه‌ای به

منظور تغذیهٔ دامها اختصاص یافته است. از سطح زیر کشت این اراضی نیز در سالهای اخیر کاسته شده است. اما به دلیل کاربرد فنون و اصول جدید و علمی، میزان محصول نه تنها کاهش نیافته، بلکه با وجود کاهش سطح زیرکشت به میزان ۷۶درصد در سال ۱۹۸۶م / ۱۳۶۵ش، نسبت به سال ۱۹۷۰م /۱۳۴۹ش، افزایش قابل توجهی داشته است.

جدول ۲۷ ـ ۱ میزان تولید محصولات دامی عمده در آسیای مرکزی در سال ۱۹۸۹م/ ۱۳۶۸ش (به میلیون تن)(۷۰)

نام محصول	میزان تولید
پشم	۰/۱۸
شیر	۱۰/۱
گوشت	۱/۳

۳ـ ۴ منابع معدنی

اسناد و مدارک بجا مانده از چند قرن قبل حاکی از آن است که با وجود رونق فعالیتهای دامداری و تجاری بسیاری از کانی‌ها و منابع زیرزمینی مانند آهن، قلع، نقره، طلا، مس، نفت، شوره و مصالح ساختمانی را ساکنان می‌شناختند و با استخراج و تبدیل آنها به ابزار مورد نیاز، مورد استفاده قرار می‌دادند.(۷۱) بدیهی است که منابع معدنی به‌طور یکنواخت در سطح ناحیه پراکنده نبودند و در هر نقطه‌ای یک یا چند کانی به وفور مشاهده می‌شد. روابط تجاری موجود در ناحیه و دادوستد کانیها، ساکنان ناحیه را از دنیای خارج تقریباً بی نیاز کرده بود.(۷۲)

در زمان حاضر نیز آسیای مرکزی منابع معدنی متنوعی دارد. استخراج و بهره‌برداری بهینه می‌تواند از یک سو نیازهای ناحیه را برطرف کند و از سوی دیگر از کالاهای صادراتی پردرآمد به‌شمار آید.

در میان کانیهای موجود در ناحیه، مواد سوختی و کانیهای فلزی نقش مهمی در اقتصاد این کشورها دارند (جدول ۲۸ ـ ۱). به طوری که در ازبکستان گاز طبیعی و طلا، در تاجیکستان اورانیوم، در ترکمنستان گاز، در قرقیزستان اورانیوم و در قزاقستان نفت، گاز و فلزات در اقتصاد آنها جایگاه ویژه‌ای دارند (نقشهٔ ۱۹).

جدول ۲۸ ـ ۱ میزان تولید برخی از مواد معدنی در آسیای مرکزی
در سال ۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش [۷۳]

مادّهٔ خام	میزان تولید
زغال سنگ	۸۶/۹ میلیون تن
نفت	۱۴/۶ میلیون تن
گاز	۱۴۷/۱ میلیارد مترمکعب
مس	۳۴۲ هزار تن
روی	۴۳۵ هزار تن
کروم	۱۰۳۵/۵ هزار تن
طلا	۴۵/۸ تن
نقره	۷۲۸ تن

نقشهٔ ۱۹

به دلیل آن که نفت و گاز و زغال سنگ به عنوان منابع انرژی اهمیت زیادی در اقتصاد ناحیه دارند توزیع جغرافیایی آنها بررسی می‌شود.

۱ ـ ۳ ـ ۴ زغال سنگ

تقریباً در تمام کشورهای ناحیه حوزه‌های زغال سنگ وجود دارند، اما مهمترین و بزرگترین این معادن در جمهوری قزاقستان قرار دارند، در جمهوری ترکمنستان حوزه‌های زغال سنگ محدودتر و کم‌اهمیت‌تر هستند. مهمترین مراکز زغال سنگ ناحیه عبارتند از :

ازبکستان: حوزه درّهٔ فرغانه، حوزهٔ «سامسار»[1] در اطراف شهر «نمنگان»

تاجیکستان: حوزهٔ «تابوشار»[2] در کوههای «کوراما»[3]

قزاقستان: حوزهٔ «اکی باستوز»[4] در حد فاصل شهرهای «پاولودار»[5] و «آق مولا»[6] (تسلینوگراد)، حوزهٔ «قراغاندی»[7] (کارگاندا) و حوزهٔ «آنگارن»[8]

قرقیزستان: حوزهٔ «کارابالتا»[9]، حوزهٔ «کاجی سای»[10] (کاتزی سای)، «سنترال‌نایا»[11] در پایکوههای ارتفاعات تیان‌شان

میزان تولید زغال سنگ در آسیای مرکزی در سالهای ۱۹۴۰ تا ۱۹۹۲م / ۱۳۱۹ تا ۱۳۷۱ش در جدول ۲۹ ـ ۱ نشان داده شده است.

از میان منابع تولید انرژی، استخراج و بهره‌برداری از زغال سنگ سابقهٔ طولانی‌تری دارد، به‌طوری که بهره‌برداری گسترده از حوزهٔ زغال سنگ قراغاندی از سال ۱۹۳۰م /

---

1 - Samsar
2 - Tabushar
3 - Karama
4 - Ekibastuz
5 - Pavlodar
6 - Aqmola (Teslinograd)
7 - Qaraghandy (Karaganda)
8 - Angaren
9 - Kara Balta
10 - Kadzhi Say
11 - Centeral Naya

۱۳۰۹ش آغاز شد، به همین علت برخی از مهمترین صنایع آسیای مرکزی در نزدیکی حوزه‌های زغال سنگ متمرکز شده‌اند.

جدول ۲۹ ـ ۱ میزان تولید زغال سنگ در آسیای مرکزی در سالهای ۱۹۴۰ ـ ۱۹۹۲م/ ۱۳۱۹ ـ ۱۳۷۱ش (به میلیون تن)[(۷۴)]

سال	میزان تولید
۱۹۴۰م/۱۳۱۹ش	۸
۱۹۵۰م/۱۳۲۹ش	۲۱
۱۹۶۰م/۱۳۳۹ش	۴۰
۱۹۷۰م/۱۳۴۹ش	۷۱
۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش	۱۳۵

۲ ـ ۳ ـ ۴ نفت و گاز

در سالهای اخیر منابع طبیعی انرژی مورد توجه قرار گرفته است و اقدامات متعددی برای شناسایی، استخراج و بهره‌برداری از منابع نفت و گاز انجام شده، اما فقط تعدادی معدود از چاههای نفت و گاز به مرحلهٔ استخراج رسیده‌اند.

مهمترین حوزه‌های نفت و گاز آسیای مرکزی در غرب ناحیه و عمدةً در مجاورت منابع آب قرار دارند. بنابراین در کشورهای تاجیکستان و قرقیزستان که در شرق آسیای مرکزی واقعند، حوزه‌های نفت و گاز کوچک و کم اهمیت می‌باشند. مهمترین حوزه‌های نفت و گاز ناحیه عبارتند از :

ازبکستان: حوزهٔ نفتی جنوب دریاچهٔ آرال، حوزهٔ نفتی فرغانه، میادین گاز بخارا، خیوه و «گازلی»

ترکمنستان: حوزهٔ فلات قارهٔ دریای خزر در شبه جزیرهٔ «چلکن»[1]، حوزهٔ «نبیت داغ»[2]، حوزهٔ «بارساگلمز» در اطراف گوک تپه[3]، حوزهٔ داش حوض[4]، حوزهٔ

1 - Cheleken

2 - Nebit Dag

3 - Geok tape

4 - Dah Howuz

«کارپیچلی»[1]، حوزهٔ «شاتلیک»[2]، حوزهٔ «قوم داغ»[3]

قزاقستان: حوزهٔ «منقشلاق»[4] در جنوب رود امبا، حوزهٔ «دوسور»[5] و «ماکات»[6] در اطراف رود امبا، حوزهٔ «اوزن وزتی بای»[7]، حوزهٔ تنگیز

تعدادی از حوزه‌های نفت و گاز ذکر شده مانند میدان نفتی تنگیز و حوزهٔ گاز داش‌حوض به‌تازگی شناسایی شده اما هنوز به‌مرحله استخراج نرسیده‌اند و برخی دیگر سالهاست که بهره‌برداری می‌شوند مانند حوزهٔ نبیت داغ که از سال ۱۹۳۲م / ۱۳۱۱ش استخراج نفت آن آغاز شده است.

به غیر از قزاقستان که میزان تولید نفت و گاز آن بیش از میزان مصرف داخلی می‌باشد، سایر کشورهای ناحیه با وجود دارا بودن منابع مذکور، ناچارند بخشی از تقاضای مصرف خود را از سایر کشورها خریداری کنند. عدم سرمایه‌گذاری در شناسایی حوزه‌های نفت و گاز و پایین بودن میزان استخراج علل این امر می‌باشند. در جدول ۳۰ـ ۱ میزان تولید نفت ناحیه در سالهای اخیر مشخص شده است

جدول ۳۰ـ ۱ میزان تولید نفت آسیای مرکزی در سالهای ۱۹۷۰ ـ ۱۹۹۱م/۱۳۴۹ ـ ۱۳۷۰ش (به میلیون تن)[75]

سال	میزان تولید
۱۹۷۰م/۱۳۴۹ش	۳۲/۸
۱۹۷۳م/۱۳۵۲ش	۳۱/۹
۱۹۷۷م/۱۳۵۶ش	۳۳/۴
۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش	۲۴/۶

1 - Karpychly
2 - Shatlike
3 - Kum Dag
4 - Mangyshlak
5 - Dossor
6 - Makat
7 - Uzen veztibay

بیشتر حوزه‌های گاز در ترکمنستان و ازبکستان قرار دارند. بخش اعظم گاز تولیدی ناحیه همچون سالهای آغازین استخراج، اکنون نیز به روسیه و سایر جمهوری‌های مستقل مشترک‌المنافع صادر می‌شود. در سالهای پس از استقلال از میزان استخراج نفت و گاز به دلیل عدم پرداخت بدهیهای خریداران آنها در کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و عدم دسترسی آسان به بازارهای مصرف جهانی کاسته شده است (جدول ۳۱ـ ۱).

جدول ۳۱ـ ۱ میزان تولید گاز طبیعی آسیای مرکزی در سالهای ۱۹۷۰ ـ ۱۹۹۳م/۱۳۴۹ ـ ۱۳۷۲ش (میلیارد متر مکعب) (۷۶)

سال	میزان تولید
۱۹۷۰م/۱۳۴۹ش	۴۳/۲
۱۹۷۳م/۱۳۵۲ش	۶۵/۱
۱۹۷۶م/۱۳۵۵ش	۹۸/۶
۱۹۷۹م/۱۳۵۸ش	۹۶/۵
۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش	۱۴۷/۱
۱۹۹۳م/۱۳۷۲ش	۱۱۶/۸

در آسیای مرکزی به دلیل آن که سوخت خانگی نیروی برق است، نفت و گاز برای سوخت کارخانه‌های صنعتی و همچنین صنایع پتروشیمی استفاده می‌شوند به همین دلیل بیشتر پالایشگاهها، صنایع پتروشیمی و صنایع کارخانه‌ای مهم در اطراف حوزه‌های نفت و گاز مستقر شده‌اند.

منابع نفت و گاز یکی از موارد مهم همکاری میان کشورهای آسیای مرکزی و دیگر کشورهای جهان پس از استقلال آنها بوده است. سرمایه‌گذاریهای کلان و متعدد از سوی کشورهای غربی برای شناسایی مخازن جدید، توسعهٔ حوزه‌های نفت و گاز موجود، افزایش میزان استخراج و پالایش و احداث پالایشگاه انجام شده است و جمهوریها نیز برای رساندن محموله‌های نفت وگاز خود به بازارهای مصرف، قراردادهایی با کشورهای همجوار به امضا رسانیده‌اند. در واقع کشورهای ناحیه بویژه ترکمنستان، ازبکستان و قزاقستان، نفت و گاز خود را به عنوان یکی از محورهای شکوفایی اقتصاد و توسعهٔ پویا به شمار می‌آورند.

۴ ـ ۴ صنایع

صنایع آسیای مرکزی در دو زمینهٔ صنایع مرتبط با کانیها و صنایع وابسته به تولیدات کشاورزی، رشد و توسعه داشته است.

استخراج و پالایش مواد خام، تبدیل کانیها به مواد اولیه مورد نیاز صنایع و تولید ابزار و وسایل مهمترین فعالیتهای بخش صنعت در ناحیه به شمار می‌روند. استخراج نفت و گاز، آهن، زغال سنگ، مصالح ساختمان و دیگر مواد کانی، ذوب فلزات، صنایع سنگین هواپیماسازی، کشتی سازی، ساخت لوکوموتیو، ساخت تجهیزات، ساخت مراکز نیرو، ماشین آلات، ساخت ابزار مورد نیاز صنایع شیمیایی از مهمترین صنایع بخش معادن و کانیها به شمار می‌آیند. بیشتر صنایع فعال در بخش صنایع سنگین در ازبکستان متمرکز و صنایع تولید مواد خام و کالاهای تولیدی اولیه در سایر کشورها مستقرند همچنین مرکز آزمایشهای هسته‌ای و اتمی آسیای مرکزی و تنها پایگاه فضایی و موشکی ناحیه در قزاقستان فعالیت دارند.

صنایع وابسته به تولیدات کشاورزی مشتمل بر صنایع غذایی، صنایع تولید پوشاک و صنایع وابسته به محصولات دامی است.

کارخانه‌های تولید لبنیات، روغن‌کشی، تهیهٔ کنسرو گوشت و ماهی و قند و شکر مهمترین واحدهای فعال در بخش صنایع غذایی می‌باشند. کارخانه‌های پنبه پاک‌کنی، نساجی و تولید پوشاک از صنایع بخش پوشاک به شمار می‌آیند. صنایع وابسته به محصولات دامی شامل کارخانه‌های تهیه چرم و تولید وسایل چرمی و همچنین مراکز فعال در زمینهٔ فعالیتهای گوناگون قالی‌بافی هستند.

به دلیل آن که صنایع در مجاورت مراکز تولید مواد خام احداث شده‌اند، صنایع تهیهٔ پوشاک بیشتر در ازبکستان، ترکمنستان و قزاقستان مستقرند، و کارخانه‌ها و صنایع تولید مواد غذایی و محصولات دامی در سطح کل ناحیه به نسبت وفور مواد اولیه پراکنده‌اند.

بسیاری از صنایع آسیای مرکزی همگام با تحولات فن‌آوری نوسازی نشده‌اند. این وضعیت بویژه در صنایع مستقر در قسمتهای شرقی و جنوبی ناحیه آشکارتر است. اگر چه این بخشها، تمام شرایط لازم برای استقرار و توسعهٔ برخی از صنایع را ندارند. اما در همان توانها و قابلیتهای موجود نیز صنایع اندکی راه‌اندازی شده‌اند و آنان نیز همگام با

ابداع روشهای نوین تولید واختراع و ساخت ابزار تکنیکی جدید متحول نشده‌اند. علت اصلی این رویکرد را می‌توان، موقعیت جغرافیایی، پیرامونی بودن آسیای مرکزی و همچنین عدم موفقیت روسها در اجرای برنامه‌های خود در از بین بردن تعلقات ملّی و مذهبی ساکنان ناحیه، و رواج فرهنگ روسی و ایدهٔولوژی مارکسیستی در میان آنها دانست، که پیامد نهایی آن بهره‌برداری روسها از مواد اولیهٔ ارزان و فراوان ناحیه وعدم سرمایه‌گذاری در صنایع مادر برای پیشرفت و توسعه بود. لازم به ذکر است که وضعیت قزاقستان نسبت به سایر کشورهای ناحیه تا حدودی متفاوت است، زیرا از یک سو وسعت زیاد و وجود شرایط نسبتاً مساعد طبیعی و از سوی دیگر نزدیکی فیزیکی و فرهنگی قزاقستان با روسیه و سکونت تعداد بی‌شماری روس در این سرزمین سبب سرمایه‌گذاری بیشتر روسها شده است.

۵ ـ ۴ انرژی

نفت و گاز، انرژی الکتریسیته و زغال سنگ به ترتیب مهمترین منابع انرژی ناحیه محسوب می‌شوند (جدول ۳۲ ـ ۱). بدیهی است در هر جمهوری نوع انرژی مصرفی با وفور منابع انرژی ارتباط دارد، به طور یکه در ترکمنستان نفت و گاز به همراه برق تولیدی از نیروگاههای حرارتی، انرژی مورد نیاز را تأمین می‌کنند، در تاجیکستان و قرقیزستان برق حاصل از نیروگاههای آبی مهمترین منبع تولید انرژی است.

جدول ۳۲ ـ ۱ میزان تولید منابع انرژی‌زای آسیای مرکزی در سالهای ۱۹۷۹ و ۱۹۹۱م/۱۳۵۸ و ۱۳۷۰ش [۷۷]

منبع انرژی	میزان تولید	
	۱۹۷۹م/۱۳۵۸ش	۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش
نیروگاه برق (میلیون کیلووات)	۱۸۵/۹	۱۸۸/۴
نفت و مایعات گازی (میلیون تن)	۳۴	۲۴/۶
گاز (میلیاردمتر مکعب)	۱۴۰/۴	۱۴۶/۸
زغال سنگ (میلیون تن)	۱۴۶/۵	۱۳۵

در قزاقستان در کنار زغال سنگ، نفت، گاز و برق حاصل از نیروگاههای حرارتی و آبی، یک نیروگاه اتمی نیز برای تولید برق احداث شده است. در کشورهای تاجیکستان و قرقیزستان که شرایط طبیعی مناسب برای تولید الکتریسته برق آبی وجود دارد. بخشی از تولید به کشورهای همجوار صادر می‌شود.

در برخی کشورها به منظور برخورداری از عامل صرفهٔ اقتصادی، انرژی الکتریسته تولیدی در نزدیکی مرزها، به کشورهای همسایه صادر شده و بخشهای دیگر که با کمبود انرژی مواجهند از نزدیکترین مرکز تولید انرژی الکتریسته برق مورد نیاز را دریافت می‌کنند.

۶ـ۴ شبکهٔ حمل و نقل

تا پیش از وقوع انقلاب صنعتی در اروپا، کشف نیروی بخار، گسترش و توسعهٔ خطوط دریایی واحداث راه‌آهن، حمل و نقل جاده‌ای با استفاده از چهارپایان و تشکیل کاروانهای تجاری، مهمترین وسیلهٔ جابجایی کالا و مسافر در تمام جهان بود. عبور شاهراه تجاری جهانی در آن ایام، که بعدها جادهٔ ابریشم نام گرفت از آسیای مرکزی نقشی متمایز برای سرزمینهای این ناحیه، در تبادلات بازرگانی جهان فراهم کرده بود.

جادهٔ ابریشم که آسیا را به اروپا متصل می‌کرد. با گذر از چند کشور بزرگ، ضمن فراهم کردن زمینهٔ مبادلهٔ کالاهای مورد نیاز آنها، در انتقال فرهنگها، سنن، آیین و ادیان الهی در میان مردم ناحیه تأثیر بسزایی داشت، به طوری که امروزه در سرتاسر این منطقهٔ پهناور تشابهات فرهنگی بسیاری مشاهده می‌شود که حاصل پیوندهای تاریخی چند هزار ساله است(۷۸).

قسمت عمدهٔ راه ابریشم که از شهر «لویانگ»[۱] آغاز و به سواحل «دریای مدیترانه» منتهی می‌شد، در کشورهای آسیای مرکزی قرار داشت. ضمن آن که شاخه‌های فرعی بسیار در همین ناحیه از جادهٔ ابریشم منفک می‌شدند (نقشه ۲۰).(۷۹)

در دوران رونق جادهٔ ابریشم، تجارت یکی از مهمترین فعالیتهای اقتصادی ساکنان

1 - Loyang

نقشهٔ ۲۰

آسیای مرکزی بود و آمد و شد تجار، شهرهای واقع در مسیر راه ابریشم را به مراکز پرجمعیت و آباد تبدیل کرده بود. به طوری که یکی از عوامل مهم رونق و شهرت تاریخی شهرهای سمرقند، بخارا، مرو، فرغانه و بسیاری از شهرهای دیگر که امروزه از آنها فقط نامی برجای مانده است. عبور جادهٔ ابریشم از آنها بود.

با افول راه ابریشم و رونق راههای دریایی و خطوط آهن، فعالیتهای تجاری جاده‌ای نیز کاهش یافت و بتدریج این راه کهن به دست فراموشی سپره شد، گرچه آثار به جا

مانده مانند رباطها و کاروانسراها هر یک بازگوی تحولات وحوادث تاریخی و اقتصادی متعددی است که از طریق این جاده در نیمی از جهان رخ داده است.

تا پیش از تسلط روسها بر آسیای مرکزی، هنوز روابط اقتصادی سرزمینهای ناحیه از جادهٔ قدیمی ابریشم انجام می‌شد. هنگامی که روسها ناحیه را تصرف کردند. برای یکپارچه ساختن قلمرو گستردهٔ خود که بیش از نیمی از کره زمین را در بر می‌گرفت، برنامه‌های احداث خطوط حمل و نقل را به مرحلهٔ اجرا در آوردند. آنان با ساختن خطوط حمل و نقل ریلی، جاده‌ای، آبی و هوایی، شهرها، بندرها و مراکز مهم فعالیتهای اقتصادی را به یکدیگر متصل کردند. آسیای مرکزی نیز از امکانات حمل و نقل گستردهٔ شوروی، به عنوان عنصری از شبکهٔ به هم پیوستهٔ اتحاد جماهیر شوروی استفاده می‌کرد.

۱ ـ ۶ ـ ۴ راه‌آهن

در میان راههای ارتباطی، روسها بر توسعهٔ خطوط آهن توجه ویژه‌ای داشتند. و از این وسیله برای حمل و نقل مواد اولیه کم ارزش و حجیم استفاده می‌کردند و با احداث حدود ۱۵۰ هزار کیلومتر خط آهن، شرق و غرب و شمال و جنوب اتحاد شوروی را به هم متّصل کردند. استفاده از خطوط آهن در سراسر شوروی سابق برای تمام کشورها امکان‌پذیر بود.

مهمترین و طولانی‌ترین خط آهن آسیای مرکزی، راه‌آهن ماورای خزر است که از بندر ترکمن باشی در شرق دریای خزر آغاز می‌شود و پس از طی مسافت زیادی در شرق آسیای مرکزی وارد افغانستان می‌شود. از این خط آهن، خطوطی به طرف شمال کشیده شده که ضمن ارتباط دادن کشورهای آسیای مرکزی به یکدیگر به راه‌آهن ماورای سیبری می‌پیوندند. همچنین به طرف جنوب ناحیه نیز شاخه‌های متعدد امتداد یافته است. در واقع این شبکهٔ گسترده راه‌آهن تمام شهرهای مهم ناحیه را به هم متصل می‌کند و در سراسر آسیای مرکزی حمل و نقل را آسان کرده است.

تا پیش از فروپاشی شوروی جمهوریهای آسیای مرکزی در شبکهٔ خطوط حمل ونقل راه‌آهن سهیم بودند وانتقال کالا و جابجایی مسافر به راحتی انجام می‌شد. با کسب

استقلال، هر یک از جمهوریها نگرشهای متفاوت و جداگـانه سیاسی و اقـتصادی را انتخاب کردند، همزمان با آن یکپارچگی شبکهٔ راه‌آهن نیز از هم پاشید و تـجهیزات و واگنها میان کشورها تقسیم شد و استفاده از خطوط آهن هر کشور به همان جـمهوری سپرده شد. از آن سال به بعد استفاده از خطوط آهن بدون وجود راهبردی مشخص برای تأمین هزینهٔ خدمات حـمل و نـقل در خـارج از مـحدودهٔ جـمهوریها و عـدم پـرداخت هزینه‌های خدماتی از سوی جمهوریها مشکلات عدیدهٔ مالی فراهم کرد. ایـن امـر بـه همراه اُفت فعالیتهای اقتصادی در سالهای آغازین استقلال سبب کاهش بهره‌برداری از شبکهٔ راه‌آهن شد به طوری کـه در سـالهای ۱۹۹۰ تـا ۱۹۹۳م/۱۳۶۹ تـا ۱۳۷۲ش در قزاقستان حجم حمل بار به وسیلهٔ راه‌آهن ۵۰ درصد و در ازبکستان ۳۰ درصد حـجم حمل و نقل سالهای پیش از استقلال بوده است.[۸۰]

۲ ـ ۶ ـ ۴ حمل و نقل جاده‌ای

در زمان اتحاد شوروی جابجایی کالا و مسافر از طریق جاده کمتر مورد توجه بود و با وجود آن که شبکهٔ جاده‌ها و راههای آسفالته نسبتاً پیشرفته و گسترده بود، به دلیل نوع کالاهای مورد حمل، خطوط آهن مـناسب‌تر بـودند. در سـالهای اخـیر بـهره‌برداری از جاده‌ها مورد توجه قرار گرفته است چون این جمهوریها می‌توانند با تجهیز ناوگان حمل و نقل جاده‌ای خود، با توجه به سوخت نسبتاً ارزان، از منافع بسیاری برخوردار شوند. بویژه که شبکهٔ حمل و نقل جاده‌ای نیز به گستردگی شبکهٔ راه‌آهن، پهنهٔ آسیای مرکزی را فراگرفته است. لازم به ذکر است که در شرایط کنونی ایمنی جاده باید مد نظر قرار گیرد، موضوعی که تاکنون کمتر به آن توجه شده و اجرای آن نیازمند سرمایهٔ نسبتاً هـنگفتی است. این امر ضمن آن که هزینهٔ حمل و نقل را افزایش می‌دهد در وضعیت اقـتصادی نابسامان پس از استقلال کشورها، اهمیت کمتری دارد.

۳ ـ ۶ ـ ۴ حمل و نقل هوایی

خطوط هوایی گرچه پر هزینه‌اند اما به همان میزان نیز سرعت عمل دارند. در آسیای مرکزی به علت نبود زیربناها و لوازم مورد نیاز، کمبود سرمایه برای پرداخت هزینه‌های

حمل و نقل هوایی، استفاده از هواپیما رایج نیست. در سالهای پس از استقلال بیشتر حمل و نقل هوایی توسط شرکتها و دولتهای خارجی انجام می‌شود. شهرهای مهم و مراکز جمهوریهای آسیای مرکزی دارای فرودگاههای نسبتاً مجهز می‌باشند، اما برای بهبود، نوسازی، توسعه و گسترش فرودگاه و همچنین احداث فرودگاه در شهرهای دیگر ناحیه بیش از دولتهای محلی، شرکتهای خارجی سرمایه‌گذاری کرده‌اند.

۴ـ۶ـ۴ حمل و نقل آبی

دریای خزر یک مسیر دریایی با اهمیت و پر رفت وآمد است. این راه آبی ارتباط کشورهای حاشیهٔ دریا را با یکدیگر و با سایر کشورها سهولت بخشیده است. بندر آتیراو (گوریف)[1] در قزاقستان و بندر ترکمن‌باشی در ترکمنستان از مهمترین بنادر ساحل شرقی دریا به شمار می‌آیند و مهمترین تأسیسات، اسکله‌ها و باراندازهای این دو کشور در آنها احداث شده‌اند. دریای خزر ضمن برقراری ارتباط میان کشورهای آسیای مرکزی و ایران رابطهٔ مستقیمی میان آنها و ناحیه قفقاز ایجاد کرده است.

بخشهایی از مسیر رودهای آمودریا، سیردریا، ایلی و ایریتش و همچنین کانال ترکمن باشی (قره قوم) از شرایط مناسبی برای کشتیرانی برخوردارند و به منظور جابجایی کالا و مسافر مورد استفاده و بهره‌برداری قرار می‌گیرند. در حالی که فعالیتهای کشتیرانی در دریاچه‌های آرال، ایسیک کول و بالخاش عمدةً به منظور صید ماهی انجام می‌شود (نقشهٔ ۲۱).

۷ـ۴ روابط خارجی

پس از فروپاشی اتحاد شوروی، جمهوریهای آسیای مرکزی پا به عرصهٔ سیاسی جهان گذاردند؛ جمهوریهایی که با ویژگیهای خاص خود مورد توجه بسیاری از کشورهای جهان قرار گرفتند. آنها با وجود آن که استعدادهای بالقوهٔ بسیار بالایی دارند در اقتصادی وابسته و تک محصولی گرفتارند، همان طور که با وجود کسب استقلال

---

1 - Atyrau (Guriev)

سیاسی، به دلیل عدم آشنایی رهبران سیاسی و نخبگان کشور با مسایل سیاسی و نداشتن تجربهٔ فعالیتهای سیاسی مستقل، قادر به تحلیل تحولات و رخدادهای سیاسی در سطح جهان به طور مستقل نیستند، به همین سبب بسیاری از کشورهای جهان برای کسب بیشترین بهره، خواهان اعمال نفوذ بر مجموعهٔ کشورهای آسیای مرکزی و یکایک جمهوری آن می‌باشند.

نقشهٔ ۲۱

تقریباً تمام جمهوریهای آسیای مرکزی در روابط خارجی خود سه سطح ارتباطات و همکاریها را مد نظر قرار داده‌اند. روابط در سطح منطقه، روابط در سطح فرا منطقه و روابط بین‌المللی.

۱ ـ ۷ ـ ۴ روابط در سطح منطقه

در سطح منطقه ارتباط کشورهای ناحیه با یکدیگر و با مجموعهٔ جمهوریهای اتحاد جماهیر شوروی سابق و یا جمهوریهای مستقل مشترک‌المنافع کنونی می‌باشد. ساختارهای سیاسی واقتصادی کشورها در طی حکومت شوروی به گونه‌ای طرح ریزی شده که گسستن کشورها را از این مجموعه در کوتاه مدت غیرممکن ساخته است و کشورهای ناحیه به اجبار سیستم روابط قبلی را تداوم بخشیده‌اند.

در روابط منطقه‌ای نقش روسیه به عنوان یک قدرت ناحیه‌ای بسیار مهم است واین کشور با دارا بودن امکانات گوناگون، در روابط خود با جمهوریهای آسیای مرکزی از سطح نامتقارن برخوردار است و در واقع سعی در تداوم سلطهٔ خود به شکلی جدید دارد. روسها در مدت حکومتشان بر ناحیه به گونه‌ای ساختارهای اجتماعی، اقتصادی ناحیه را پایه‌ریزی کردند که همواره عوامل قدرت برای مانور در جمهوریها را دارا باشند.

ساختار اقتصادی جمهوریهای آسیای مرکزی که در طی دوران هفتاد سالهٔ حکومت روسها اعمال شد، یکی از عواملی است که سبب تداوم روابط روسیه و آسیای مرکزی می‌شود. اقتصاد تک محصولی متکی بر مواد اولیه بدون وجود امکانات لازم برای تبدیل آنها به کالاهای نهایی در مراکز تولید، جمهوریها را به روسیه متکی کرده است وجود اقلیت روس در تمام کشورها که مشاغل حساس و مهم را در اختیار دارند و در هر کشور از وزنه‌های مهم جمعیتی به شمار می‌آیند، دیگر عامل اعمال قدرت روسها در آسیای مرکزی است. نبود ارتش مستقل ملی در جمهوریها و به کارگیری نیروهای ارتش شوروی سابق در مرزها و نقاط حساس، و سرکوب شدن هرگونه حرکت مخالف با منافع روسیه در ناحیه عامل دیگر قدرت روسیه در ناحیه می‌باشد. و سرانجام باید به نقش خطوط حمل و نقل و سیستمهای ارتباطی توجه کرد که به گونه‌ای طراحی شده‌اند تا نیازهای مسکو را برطرف کنند و سرانجام عمومیت دادن خط و زبان روسی در میان ساکنان

آسیای مرکزی را آخرین عامل مؤثر در میزان نفوذ قدرت روسها در آسیای مرکزی می‌توان برشمرد.

روسها که عوامل متعددی برای نفوذ و قدرت در آسیای مرکزی دارند با اهداف متعددی به حفظ و تداوم نفوذ خود در ناحیه علاقه‌مندند. آنها که سالها د رناحیه قدرت بلامنازع بوده‌اند اکنون تمایل ندارند با وقوع جنبشهای قومی و مذهبی از قدرت سیاسی‌شان کاسته شود و منافع اقتصادیشان به خطر افتد. آنها می‌خواهند همچون گذشته با قدرت‌یابی در ناحیه از حضور گستردهٔ کشورهای همجوار آسیای مرکزی در ناحیه جلوگیری کنند و خود با ایجاد منطقه‌ای که رهبری آن را در اختیار دارند ضمن ایجاد روابط با کشورهای همسایه، در مجامع بین‌المللی نیز به عنوان قدرتی بزرگ جلوه‌گر شوند و نفوذ بیشتری در جهان سوم و کشورهای اسلامی پیدا کنند و رضایت کشورهای غربی را جلب نمایند. و بدین وسیله از منافع سیاسی و اقتصادی قدرت‌یابی، به تنهایی برخوردار شوند.

۲ ـ ۷ ـ ۴ روابط در سطح فرامنطقه‌ای

دومین سطح روابط کشورهای آسیای مرکزی ایجاد ارتباط با کشورهای اطراف بویژه همسایگان خود می‌باشد. برقراری روابط گسترده با کشورهای ایران، چین و تا حدودی افغانستان به عنوان سرزمینهای همجوار با ناحیهٔ آسیای مرکزی و توسعه روابط با ترکیه و پاکستان و عضویت در پیمان اکو آشکارترین و مهمترین روابط فرامنطقه‌ای آسیای مرکزی می‌باشد.

چین: این کشور به عنوان یک قدرت آسیایی و به خاطر دارا بودن مرز مشترک طولانی با جمهوریهای تاجیکستان، قزاقستان و قرقیزستان و همچنین سکونت گستردهٔ مسلمانان در نقاط نزدیک با آسیای مرکزی بویژه ناحیه «سین‌کیانگ»[1] توجه زیادی به آسیای مرکزی دارد.

چین که قبلاً در رقابت شدیدی با اتحاد شوروی بود، اکنون به طور مستقیم با آسیای مرکزی ارتباط برقرار کرده است. روابط با آسیای مرکزی برای چینی‌ها از چند جهت

1 - Sinkiang

حائز اهمیت است. آنان هراس دارند که مسلمانان غیرچینی ساکن در نـواحـی مـرزی کشور تحت تأثیر جنبشهای آسیای مرکزی قرار گیرند و یا از اقدامات ترکیه برای احیای فرهنگ ترکی در ناحیه حمایت کنند. بنابراین توسعهٔ روابط با کشورهای آسیای مرکزی آنان را از نظر سیاسی در موقعیت برتری قرار می‌دهد و می‌تواند از بروز مسائل قومی و مذهبی در شمال شرق کشورشان جلوگیری نماید.

علاوه بر مسائل سیاسی، برخورداری از منابع معدنی آسیای مرکزی بویژه نـفت و گاز، ایجاد ارتباط با خاور میانه و اروپا از طریق ناحیهٔ مذکور و همچنین دستیابی به بازار پر مصرف ناحیه برای فراورده‌های گوناگون چین از اهداف اقتصادی چینی‌ها در ایجاد رابطه با آسیای مرکزی به شمار می‌آیند.

چینی‌ها برای گسترش روابط خود با آسیای مرکزی اقدامات متعددی انجام داده‌اند، این اقدامات در دو سطح ملی و ناحیه‌ای انجام شده است. در سطح ناحیه‌ای چینی‌ها از اول دههٔ ۱۹۹۰م /۱۳۶۹ش در ناحیه شمال غربی کشور یا «سین‌کیانگ» که در مجاورت آسیای مرکزی واقع است برای توسعه روابط تجاری، ۱۴ شهر را منطقهٔ آزاد اعلام کردند و ۹ مرز ورودی را برای رفت و آمد ساکنان دو سوی مرز گشودند.. این امر در ازدیاد آمد و شد مردم ناحیه تأثیر بسزایی داشت به طوری که در سال ۱۹۸۹م /۱۳۶۸ش بیش از ۴۰ هزار نفر از آسیای مرکزی به چین رفته بودند، این رقم در سال ۱۹۹۲م /۱۳۷۱ش به بیش از ۱۰۰ هزار نفر افزایش یافت.[(۸۱)]

چینی‌ها همچنین در ناحیه «سین کیانگ» جاده‌های مرزی را مرمت و نوسازی کردند و با احداث راه‌آهن «اورمچی»[۱] مرکز ایالت سـین کـیانگ را بـه شـهر مـرزی آلاتـاو در قزاقستان پیوند دادند، آنها با این عمل پل دوم راه‌آهن آسیا ـ اروپا را که از بندر «لیانگ یونگ»[۲] در دریای شرقی چین آغاز و به بندر «رتردام»[۳] در «هلند» منتهی می‌شود تکمیل کردند. این راه‌آهن که از راه‌آهن ماورای سیبری یا پل اول ارتباطی آسیا ـ اروپا کوتاهتر است، از یک سو امکان توسعه مناسبات با آسیای مرکزی را آسانتر کرد و از سوی دیگر

1 - Urmchi

2 - Lienyunkang

3 - Rotterdam

رابطه چین با اروپا و آسیای غربی را نیز بهبود بخشید. چینی‌ها همچنین سعی وافری در توسعه و گسترش سایر خطوط حمل و نقل جاده‌ای خود و ایجاد شبکهٔ راههای جدید برای توسعهٔ مناسبات با آسیای مرکزی را در نظر دارند.

چینی‌ها در نقاط مرزی خود تأسیسات و تشکیلات بسیاری به وجود آوردند تا سهولت بیشتری در مراودات تجاری‌شان به وجود آورند و شرایط مناسب برای مسافران و بازرگانان آسیای مرکزی در چین فراهم شود. احداث هتل، رستوران، فروشگاه، بانک، فرودگاه و سیستمهای مخابراتی در مقیاس گسترده و پذیرایی مناسب از مسافران زمینهٔ مساعدی برای جهانگردان آسیای مرکزی و اروپایی فراهم کرده است.

در سطح ملی نیز چینی‌ها اقدامات زیادی برای برقراری مناسبات گوناگون با آسیای مرکزی انجام دادند. گرچه فعالیت چینی‌ها در نقاط مرزی نیز منشأ ملی دارد، اما انعقاد قراردادهای متعدد در ابعاد سیاسی، اقتصادی، علمی، فنی، فرهنگی و حمل و نقل بیشتر در سطح‌ملی انجام شده است. قراردادهای منعقده عمدةً در زمینه صدور کالاهای ساخت چین و واردات مواد اولیه از آسیای مرکزی و همچنین قراردادهای ساختمان‌سازی و احداث کارخانه‌ها و صنایع تولیدی در کشورهای آسیای مرکزی است.

سرمایه‌گذاریهای چین در آسیای مرکزی برخی به تنهایی و بعضی با مشارکت کشورهای دیگر بوده است. در طرحهایی که نیاز به سرمایهٔ اندک و یا متوسط داشته، مانند طرحهای ساختمانی، جمهوری خلق چین به تنهایی سرمایه‌گذاری کرده است ولی در طرحهای که سرمایه‌گذاریهای کلان را طلب می‌کرده‌اند، چین با مشارکت کشورهای دیگر اقدام به سرمایه‌گذاری کرده است مانند طرح ساخت پالایشگاه نفت در شهر بخارا.

مشاهده می‌شود کشور چین برای دستیابی به اهداف خود و برای جلب مشارکت کشورهای آسیای مرکزی و تحکیم روابط گوناگون خود به این ناحیه از هیچ تلاشی فروگذاری نکرده است. آمار نشان می‌دهند که بازرگانی چین با آسیای مرکزی در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش ده برابر سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش بوده و به رقم ۴۶۵ میلیون دلار رسیده است، در سال ۱۹۹۳م/۱۳۷۲ش مبادلات تجاری چین و آسیای مرکزی با ۳۱

درصد افزایش نسبت به سال قبل به رقم ۶۱۰ میلیون دلار افزایش یافت. در اوایل سال ۱۹۹۳م /تعداد ۹۵ مورد سرمایه‌گذاری مشترک بین چین و آسیای مرکزی وجود داشت. در اوایل سال ۱۹۹۴م تعداد سرمایه‌گذاریهای مشترک به ۴۵۳ مورد افزایش یافت[۸۲].

افغانستان: سرزمین افغانستان در وسعتی به طول دوهزار کیلومتر با سه کشور ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان مرز مشترک دارد. همسایگی افغانستان و آسیای مرکزی و ویژگیهای قومی تقریباً مشابه در هر دو ناحیه به انضمام سابقهٔ طولانی مناسبات مشترک ساکنان دو سوی مرز، شرایط بسیار مساعدی برای تداوم روابط نزدیک و پایدار فراهم می‌کند.

متأسفانه به دلیل عدم شناسایی و بهره‌برداری از منابع افغانستان، فقر زیاد کشور و عدم ثبات سیاسی، روابط این کشور با آسیای مرکزی بسیار محدود است. در واقع تحولات پی در پی سیاسی در افغانستان و درگیریها و نا امنی فرصت ایجاد روابط میان این کشور و سرزمینهای آسیای مرکزی را از میان برده است. بنابراین روابط اقتصادی در حد بسیار اندک و محدود به نواحی مرزی است.

به نظر می‌رسد افغانستان نقش بارزی در تحولات فرهنگی آسیای مرکزی ایفا کند، تشابهات و زمینه‌های مشترک قومی و زبانی در این رویکرد بسیار مهم هستند. بسیاری معتقدند که افغانستان می‌تواند بر مسلمانان آسیای مرکزی تأثیر بگذارد و آنان را به اصول اسلامی پایبند کند. اثبات این امر مستلزم ایجاد حکومتی با ثبات در افغانستان است، رویکردی که در دو دههٔ اخیر به سامان نرسیده است.

ترکیه: روابط ترکیه با آسیای مرکزی در سطح گسترده و در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی برقرار شده است. بسط مراودات ترکیه و آسیای مرکزی به سه دلیل عمده صورت گرفته است:

ـ ترکیه تمایل زیادی به افزایش نفوذ سیاسی در ناحیه دارد. شعار ترکیه با تکیه بر پان ترکیسم (ایجاد دولتی از استانبول تا چین)[۸۳] است. هدف ترکیه از بیدار کردن هویت ترکی ساکنان آسیای مرکزی، نفوذ فرهنگی در این کشور می‌باشد. از سوی دیگر ترکیه با تأکید بر ایجاد حکومت غیر مذهبی و لائیک مشابه سیستم سیاسی ترکیه، برای رهبران جمهوریهای آسیای مرکزی که نگران گسترش اسلام سیاسی در میان مردمشان هستند،

نوعی سیتسم سیاسی دلخواه را پیشنهاد کرده است.

ـ تمام جمهوریهای آسیای مرکزی به استثنای تاجیکستان ترک‌زبان هستند و پس از استقلال تمایل زیادی به احیای هویت خود دارند. آنها برای بازیابی هویت خود به فرهنگ ترکی روی آورده‌اند و بناچار به ترکیه متکی شده‌اند. بدیهی است که ترکها نیز در این امر به سرعت و با پشتکار بسیار آنها را یاری می‌دهند.

ـ حمایت غرب، بویژه امریکا از گسترش روابط ترکیه با آسیای مرکزی به منظور جلوگیری از توسعه نفوذ سیاسی و فرهنگی ایران در ناحیه. غرب برای رسیدن به اهداف خود در ناحیه و خاورمیانه و جلوگیری از رشد اسلام سیاسی به حمایت گسترده از ترکیه پرداخته است، در واقع ترکیه نقش واسطه‌ای در انتقال ایده‌ها و سیاستهای غرب به آسیای مرکزی ایفا می‌کند. و بدین طریق ضمن کسب منافع مستقیم حاصل از روابط متقابل با آسیای مرکزی، به طور غیرمستقیم نیز از کمکهای مالی و اقتصادی کشورهای غربی بهره‌مند می‌شود.[۸۴]

فعالیتهای اقتصادی ترکیه در آسیای مرکزی عمدةً در رشته‌های ساختمان سازی، صنایع غذایی و فراورده‌های دامی است و به دلیل کمبود منابع مالی در طرحهایی که نیاز به سرمایه‌های سنگین ندارد فعالیت بیشتری می‌کند. این کشور همچنین بخشی از نیازهای مصرفی آسیای مرکزی را تأمین می‌کند و همچنین از مواد معدنی و سایر مواد اولیه موجود در آسیای مرکزی استفاده می‌برد.

برخلاف بخش اقتصادی، ترکیه فعالیت بسیار زیادی در امور فرهنگی انجام می‌دهد تا بتواند بر نفوذ فرهنگی خود بیفزاید. اکنون بیشتر جمهوریهای آسیای مرکزی از تلویزیون ترکیه استفاده می‌کنند، نشریات و کتابهای بیشماری که فرهنگ ترکی را رواج می‌دهد به همراه کالاهای دیگری که بار فرهنگی دارند به فراوانی و به ارزانی در دسترس ساکنان آسیای مرکزی قرار دارد. این کشور همچنین برای پذیرش تعداد زیادی دانشجو در ترکیه و تأسیس مراکز آموزشی و فرهنگی اعلام آمادگی کرده است.

به نظر می‌رسد با گذشت زمان از میزان نفوذ گسترده ترکیه در آسیای مرکزی کاسته شود. زیرا آسیای مرکزی نیازمند سرمایه‌های خارجی فراوان است و با توجه به ناتوانی ترکیه در سرمایه گذاری، بتدریج از علاقهٔ کشورهای ناحیه به تداوم روابط گسترده کاسته

می‌شود. بویژه که کشورهای غربی نیز به مرور زمان خود در ناحیه فعال می‌شوند و نبض اقتصادی و سیاسی آسیای مرکزی را با توان اقتصادی بالا در دست می‌گیرند و اهمیت ترکیه برای غرب کاهش می‌یابد.

پاکستان: این سرزمین گرچه با آسیای مرکزی مرز مشترک ندارد. ولی در فاصلهٔ کوتاهی از ناحیه قرار دارد تنگهٔ وخان در شمال شرق افغانستان حائل میان پاکستان و آسیای مرکزی است.

هدف پاکستان از برقراری روابط گسترده با آسیای مرکزی کسب موقعیت سیاسی و استراتژیک در ناحیه و بهره‌برداری از منافع اقتصادی ناحیه است. پاکستان خواهان استفاده از انرژی و مواد خام ناحیه و صدور کالاهای مصرفی به بازار وسیع ناحیه است. به همین دلیل این کشور برای گشودن راه آسیای مرکزی به اقیانوس هند از طریق پاکستان تلاش زیادی کرده است. این راه که از «بندر کراچی» در دریای عمان آغاز می‌شود، پس از عبور از افغانستان وارد ترکمنستان می‌شود و تا عشق آباد، بخارا، سمرقند، تاشکند و آلماآتا امتداد می‌یابد.

وجود این راه اهمیت استراتژیکی پاکستان را افزایش می‌دهد، بنابراین پاکستانیها اقدامات زیادی برای استفاده از این مسیر جاده‌ای به عمل آوردند. اما شرایط سیاسی افغانستان و جنگ داخلی آن امنیت جاده را از بین برده وامکان حمل و نقل و ترانزیت کالا را منتفی کرده است. آنان فعالیت زیادی برای خاتمهٔ بحران داخلی افغانستان انجام دادند، اما چون اقدامات سیاسی آنها برای استقرار صلح پایدار بی نتیجه بود، مستقیماً وارد عمل شدند.

اگر فعالیتهای پاکستان در افغانستان با موفقیت همراه شود و ثبات سیاسی در این کشور برقرار شود، پاکستان با اجرای برنامه‌های خود برای بهبود وضعیت جاده‌های ارتباطی و احداث خطوط آهن به هدف خود خواهد رسید.

۳ ـ ۷ ـ ۴ روابط بین‌المللی

در کنار روابط گستردهٔ منطقه و فرامنطقه‌ای کشورهای آسیای مرکزی با بسیاری از نقاط جهان ارتباطات گوناگونی برقرار کرده‌اند. در میان کشورهای متعدد روابط امریکا،

کشورهای اروپا، «عربستان سعودی» و «اسرائیل» از ویژگیهای خاصی برخوردار است.

امریکا: پس از فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد، امریکا اقدامات خود را معطوف به جلوگیری از بروز جنبشهای سیاسی، قومی و مذهبی کرد. بنابراین با توجه به ویژگیهای قومی آسیای مرکزی و زمینهٔ مناسب برای رشد اسلام و امریکا سعی کرد خیلی سریع مقدمات سلطهٔ خود بر ناحیه را فراهم کند. در اجرای این هدف به عنوان اولین کشور غربی در تمام جمهوریهای آسیای مرکزی اقدام به افتتاح سفارت کرد.

امریکا برای گسترش نفوذ سیاسی خود اقدامات متعددی انجام داد. در این کشور مراکز بسیار با محققان برجسته آغاز به کار کرده و به تحقیقات دامنه‌داری دربارهٔ آسیای مرکزی و شناخت‌ناحیه پرداخته و نشریات و کتابهای متعددی در این‌باره منتشر کرده‌اند.

سفرهای متعدد مقامات امریکایی به ناحیه و رهبران برجستهٔ ناحیه به امریکا در راستای دور کردن سیستم سیاسی این ناحیه از گرایشات دینی و تشویق آنها به استفاده از سیستم اقتصاد بازار و الگوهای سیاسی غرب انجام گرفته است.

سرمایه‌گذاریهای کلان امریکا در آسیای مرکزی به منظور بهره‌برداری از منابع و مواد اولیهٔ ناحیه و همچنین گسترش نفوذ فرهنگی تا حدودی سبب جلب اطمینان کشورهای آسیای مرکزی شده است. اما امریکا به این امر بسنده نکرده و با تقویت حکومتهای وابسته در ناحیه، به طور غیرمستقیم نیز اهداف خود را دنبال می‌کند.

اروپا: کشورهای اروپایی روابط چندگانه‌ای با آسیای مرکزی برقرار کرده‌اند، فرانسه، انگلیس و آلمان در میان اروپاییان بیش از دیگران تمایل به ایجاد ارتباط با آسیای مرکزی و گسترش ارتباطات سیاسی خود با آنها دارند.

روابط کنونی اروپا با ناحیه بیشتر در زمینه‌های اقتصادی است و شرکتهای اروپایی سرمایه‌گذاریهای بسیاری در ناحیه انجام داده‌اند. جمهوریهای آسیای مرکزی نیز شوق زیادی به ایجاد ارتباط با اروپا دارند و سفرها و مذاکرات متعددی با بیشتر کشورهای اروپایی انجام داده‌اند.

اروپاییها همچنین با توجه به تجارب گذشته، از بروز اختلافات قومی و مذهبی در ناحیه نگران بوده و سعی در ایجاد آرامش و امنیت در آسیای مرکزی دارند، آنها از پیوستن روسیه به مجموع کشورهای اروپایی استقبال کرده و از این طریق تلاش می‌کنند

تا ضمن جلوگیری از یک قطبی شدن جهان، با همکاری روسیه از منابع و ظرفیتهای موجود در آسیای مرکزی بهره‌برداری نمایند.

عربستان سعودی: عربستان سعودی با امکانات زیاد مالی از اولین روزهای فروپاشی شوروی متوجه آسیای مرکزی شد. آنها از سالها قبل سعی کردند به ناحیه راه یابند و با تکیه بر اسلام در ناحیه قدرت یابند. پشتوانهٔ مالی آنها تکیه‌گاه مطمئنی برای رسیدن به اهداف سیاسی و فرهنگی‌شان در آسیای مرکزی می‌باشد.

عربستان سعودی با سرمایه‌گذاری هنگفت در امور مذهبی اهداف خود را پیگیری می‌کند. چاپ و ارسال نسخه‌های قرآن به تعداد فراوان، کمک به مراکز دینی آسیای مرکزی، تعلیم وتربیت طلاب، چاپ و توزیع نشریات اسلامی و پذیرش هزینه حجاج اعزامی از آسیای مرکزی به همراه دهها اقدام دیگر شرایط مساعدی را برای نفوذ سیاسی عربستان فراهم کرده است. ضمن آن که حمایت سیاسی غرب از عربستان سعودی و نظر مساعد رهبران آسیای مرکزی نسبت به عربستان به عنوان یک کشور مسلمان در مقایسه با ایران به عنوان یک کشور مسلمان انقلابی در گسترش فعالیت سعودیها، بی تأثیر نبوده است.

اسراییل: پس از فروپاشی شوروی و مهاجرت گروهی از یهودیان آسیای مرکزی به اسرائیل روابط سیاسی اقتصادی این کشور با ناحیه آغاز شد.

سفرهای مقامات اسرائیل به آسیای مرکزی از سوی رهبران آسیای مرکزی پاسخ داده شد که در میان آنها سفر سه روزه رئیس جمهور قرقیزستان به اسرائیل بیش از همه اهمیت داشت. زیرا طی این سفر سفارت قرقیزستان به عنوان اولین کشور مسلمان و سومین کشور جهان، نه در «تل‌اویو» بلکه در «اورشلیم» گشایش یافت.

اسرائیل با اجرای برنامه‌های متعدد در تمام کشورهای آسیای مرکزی توانسته است نظر مساعد رهبران ناحیه را جلب کند و تقویت روابط سیاسی را سبب شود. بیشتر طرحهای اجرایی اسرائیل در آسیای مرکزی پروژه‌های آبیاری، توسعهٔ کشاورزی، پرورش دام و خدمات مالی می‌باشد و تقریباً در تمام جمهوریها سرمایه‌گذاریهای مشترکی بویژه در امور کشاورزی انجام داده است.

یادداشتها

۱ ـ *تاریخ تمدنهای آسیای مرکزی*، ترجمه صادق ملک شهمیرزادی، ص ۳۴۸.
۲ ـ نگاه کنید به: احمدیان، محمد علی، «آسیای مرکزی و حدود آن»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، س ۳، دورهٔ دوم، ش ۵، ص ۳۷ ـ ۴۸.
۳ ـ «نگاهی به آسیا و شناخت آسیای مرکزی»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، س ۱، ش ۳، ص ۲۱ ـ ۴۷.
۴ ـ برجیان، جبیب، «لرزه‌خیزی و زلزله در آسیای مرکزی»، نامه فرهنگستان علوم، سال ۴، ش ۶ و ۷، ص ۱۸۰ ـ ۱۸۳ و ۱۸۸ ـ ۱۸۹.
۵ ـ در مورد نقش آب و هوا و پیدایش تمدنها فرضیه‌های گوناگونی ارائه شده که از میان آنها فرضیهٔ هانتیگتون قویترین آنها می‌باشد. هانتیگتون عامل آب و هوا را عامل اصلی تحولات تاریخی و پیشرفت و یا عقب ماندگی تمدنها می‌داند. او در واقع جبر آب و هوایی را مطرح می‌کند. یادآوری می‌شود که آغاز طرح جبر محیطی، که جبر آب و هوایی نیز در همین ردیف است، همزمان با اکتشافات جغرافیایی بوده و زمینهٔ مساعدی را برای رشد افکار مربوط به برتری قومی، سلسله مراتب قومی و در نهایت استثمار و استعمار سرزمینهای بسیاری توسط امریکا و اروپاییها فراهم کرد. در حالی که جبر محیطی با توانهای محیطی تفاوت دارد و در بررسی تفاوتهای مکانی و قضاوت درباره شرایط زندگی گروههای انسانی نه تنها محیط طبیعی بلکه سازمان اجتماعی آنها را باید مورد توجه و پژوهش قرار داد. برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به شکوئی، حسین، *اندیشه‌های نو در فلسفهٔ جغرافیا*، جلد اول، ۱۳۷۵، ص ۲۳۲ ـ ۳۶۲؛ پاپلی یزدی، محمد حسین، «جبر جغرافیا یا توانهای محیطی»، *تحقیقات جغرافیایی*، س ۹، ش ۳۵، زمستان ۱۳۷۳، ص ۳ ـ ۱۶.
۶ ـ گنجی، محمدحسن، «آب وهوای منطقه جمهوریهای آسیای مرکزی»، *مجموعهٔ مقالات جغرافیایی*، دفتر اول، کشورهای آسیای مرکزی، ویژه‌نامه سپهر، ص ۳۲.
۷ ـ همان، ص ۳۱.
۸ ـ عشقی، ابوالفضل ـ قنبرزاده، هادی، *ویژگیهای جغرافیایی آسیای میانه* و قزاقستان، ص ۴۲ـ۴۳.
۹ ـ همان، ص ۶۱ ـ ۶۲.
۱۰ ـ برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به: رضا، عنایت‌الله، «درباره کاسپیان و دریای کاسپین»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، س ۱، ش ۱، بهار ۱۳۷۱، ص ۱۵۱ ـ ۱۵۸.
۱۱ ـ حاج سیدجوادی، سیدکمال، «نامهای دریای مازندران»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، س ۵، ش ۱۴، تابستان ۱۳۷۵، ص ۹ ـ ۱۶؛ معین، محمد، فرهنگ *فارسی معین*، جلد پنجم و ششم؛ بدیعی، ربیع، *جغرافیای مفصل ایران*، جلد اول، ۱۳۶۲، ص ۱۲۹ ـ ۱۳۰.
۱۲ ـ *جغرافیای مفصل ایران*، جلد اول، ص ۱۳۵.

۱۳ ـ مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شمارهٔ ۱۴ *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز* را به دریای خزر اختصاص داده است. ۱۷ مقاله و چندین گزارش در این مجموعه پیرامون موضوعات مختلف دریای خزر و کشورهای همجوار آن به چاپ رسیده است: *فصلنامهٔ مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال پنجم، دوره دوم، شمارهٔ ۱۴، تابستان ۱۳۷۵.

۱۴ ـ مارشان، پاسکال، «دستاوردهای توسعهٔ آبیاری در آسیای مرکزی»، ترجمهٔ ابوالحسن سروقد مقدم، *تحقیقات جغرافیایی*، س ۴، ش ۱۳، ص ۱۸۶.

۱۵ ـ بکت، فرانس، «نجات آرال: فاجعهٔ دریاچه بزرگ آسیای مرکزی»، *پیام یونسکو*، س ۲۶، ش ۲۹۳، آبان ۱۳۷۳، ص ۳۲.

۱۶ ـ «دستاوردهای توسعهٔ آبیاری در آسیای مرکزی»، ص ۱۹۸.

۱۷ ـ بارتولد، و.و، *آبیاری در ترکستان*، ترجمهٔ کریم کشاورز، ۱۳۵۰، ص ۹۹.

۱۸ ـ دربارهٔ جغرافیای تاریخی آمودریا نگاه کنید به همان مأخذ و: ورهرام، غلامرضا، «پژوهشی در جغرافیای تاریخی آمودریا»، *تحقیقات جغرافیایی*، س ۴، ش ۱۴، پاییز ۱۳۶۸.

۱۹ ـ «دستاوردهای توسعهٔ آبیاری در آسیای مرکزی»، ص ۱۸۶.

۲۰ ـ *آبیاری در ترکستان*، ص ۱۸۶؛ ورهرام، غلامرضا، «جغرافیای تارخی سیردریا»، *تحقیقات جغرافیایی*، س ۵، ش ۱۸، ص ۵۶.

۲۱ ـ «دستاوردهای توسعهٔ آبیاری در آسیای مرکزی»، ص ۱۸۶.

۲۲ ـ اطلاعات آماری مربوط به منابع آب آسیای مرکزی در محدوده خارج از ماوراءالنهر از ماخذ زیر استخراج شده است.

Webster's New Geographical Dictionary, 1980

۲۳ ـ سیدی، مهدی، *نیمی ز ترکستان، نیمی ز فرغانه*، ص ۶۸.

۲۴ ـ «نجات آرال: فاجعه دریای بزرگ آسیای مرکزی»، ص ۳۲.

۲۵ ـ اکینر، شیرین، «تنزل شرایط زیست محیطی در آسیای مرکزی»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، س ۳، ش ۷، ص ۱۳۱.

۲۶ ـ گنجی، محمدحسن، «گوشه‌ای از جغرافیای آسیای مرکزی»، *تحقیقات جغرافیایی*، س ۵، ش ۱۷، ص ۱۴.

۲۷ ـ «نجات آرال: فاجعهٔ دریاچهٔ بزرگ آسیای مرکزی»، ص ۳۲.

۲۸ ـ مارتین، کیت، «محیط زیست آسیای مرکزی تراژدی فراموش شده»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، س ۳، دوره دوم، ش ۷، ص ۱۵۱ ـ ۱۵۲.

۲۹ ـ عظیمی، مهدی، «لزوم تشکیل مرکز بین‌المللی بررسی مسائل زیست محیطی دریای خزر»، *بندر و دریا*، ش ۴۷–۴۸، اردیبهشت و خرداد ۱۳۷۳. ص ۳۲ ـ ۳۳ و ۱۲۷.

۳۰ـ «دریای خزر در خطر امواج سمی»، *اتاق بازرگانی*، ش ۱۰، سال ۱۳۷۴،ص ۵۲.
۳۱ـ همان.
۳۲ـ «لزوم تشکیل مرکز بین‌المللی بررسی مسائل زیست محیطی دریای خزر»،ص۳۳.
۳۳ـ همان،ص ۳۲.
۳۴ـ «دریای خزر در خطر امواج سمی»،ص ۵۲.
۳۵ـ ورهرام، غلامرضا، «روند تاریخی جغرافیای فرهنگی در آسیای مرکزی»، *تحقیقات جغرافیایی*، س۷،ش ۲۵،ص۸ ـ ۱۰.
۳۶ـ هپتالیان، قومی بودند که در سالهای پیش از میلاد در چین زندگی و حکومت می‌کردند و بعدها به سوی غرب پیشروی کردند و گروهی از آنها به تخارستان هجوم آوردند. همزمان با فرمانروایی شاهان ساسانی به سوی مرزهای ایران سرازیر شدند و در نبردهای متعددگاهی شکست خورده و عقب نشینی می‌کردند و زمانی پیروز شده و سرحدات شمال شرقی ایران را در اختیار می‌گرفتند و زیانهای بسیاری وارد می‌کردند. این قوم را رومیها، هونهای سفید یا آفتالیت و ایرانیها هپتالیان و یا هیاطله نامیدند. آنها تا حدود سال ۵۶۰ میلادی دوام داشتند.
۳۷ـ کوشانیان حکومت بزرگی بود که در قرن اول میلادی در سرزمین کوشان واقع در شرق و شمال شرقی ایران تشکیل شد. این حکومت مزاحمتهایی را برای ایران فراهم می‌کرد تا سرانجام شاپور اول پس از نبردی گسترده این سلسله را منقرض کرد. کوشانیان از اصل «سکاها» بودند. برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به: بهزادی، رقیه، «کوشانها»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، س ۱، ش۱۳، زمستان ۱۳۷۱.
۳۸ـ ورهرام، غلامرضا، *تاریخ آسیای مرکزی در دوران اسلامی*، ص ۶۱ ـ ۶۲.
۳۹ـ برای آشنایی بیشتر با حکومتهای آسیای مرکزی از صدر اسلام تا اوایل قرن دوازدهم هجری نگاه کنید به مأخذ پیش.
۴۰ـ میر حیدر، دره، «چگونگی شکل‌گیری نقشه سیاسی آسیای مرکزی»، مجموعه *مقالات جغرافیایی*، دفتر اول، کشورهای آسیای مرکزی، ویژه‌نامه سپهر، ص ۸۷ ـ ۹۰.
۴۱ـ کلمه «باسماچی» در زبان روسی به معنی یاغی است و این لقبی است که در ابتدا روسهابه شورشیان مسلمان ترکستان دادند ولی بعدها این کلمه وسعت معنایی یافت و بر بسیاری از حرکتهای مسلحانهٔ سیاسی دیگر نیز اطلاق شد.
باسماچیان گروهی از مسلمانان آسیای مرکزی بودند که پس از پیروزی انقلاب ۱۹۱۷م روسیه و رواج اصول غیر اسلامی وایجاد قحطی و ناامنی قیام کردند و نزدیک به ۱۲ سال تا سال ۱۹۳۰م/۱۳۰۹ش و در سه مرحلهٔ اصلی به نبرد پرداختند وحتی برخی نقاط را نیز به تصرف خود درآوردند، اما تدابیر و اقدامات خشونت‌آمیز روسها سرانجام قیام باسماچیان را خاموش کرد (طوغان، زکی ولیدی، *قیام باسماچیان*، ترجمه‌ها علی کاتبی، ۱۳۶۸، بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، مقدمه).

۴۲ ـ جمهوری خود مختار قرقیز در واقع قلمرو قزاقها بود و به این سبب روسها آن را قرقیز نامیدند که تا مدتها، آنها قزاقها را قرقیز می‌خواندند تا با قوم کازاک که د راطراف قلمرو قزاقها زندگی می‌کردند اشتباه نشود و قرقیزهای واقعی را که در بخش شمالی کوههای تیان شان زندگی می‌کردند، قره قرقیز می‌نامیدند.

۴۳ ـ میرحیدر، دره، «ریشه‌های تاریخی مسایل جغرافیای سیاسی امروز آسیای مرکزی و قفقاز»، مجموعهٔ *مقالات جغرافیایی، دفتر اول، کشورهای آسیای مرکزی*، ویژه نامه سپهر، ص۹۷ ـ ۱۰۰.

۴۴ ـ بهفروز، فاطمه، خصوصیات جمعیتی، اجتماعی، فرهنگی واقتصادی جمهوریهای نو استقلال آسیای میانه، مجموعه *مقالات جغرافیایی*، دفتر اول، کشورهای آسیای مرکزی، ویژه‌نامه سپهر، ص ۴۶.

۴۵ ـ *ویژگیهای جغرافیایی آسیای میانه و قزاقستان*، ص۹۸ ـ ۹۹.

۴۶ ـ امیراحمدی، بهرام، «بررسی جمعیت ترکمنستان»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، س۳، دوره دوم، ش۵، ص۹۹ ـ ۱۰۰.

۴۷ ـ امانی، مهدی، «نظری اجمالی بر جمعیت جمهوریهای آذربایجان، قزاقستان، ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، س۱، ش۱۲ص۲۱۴.

۴۸ ـ دانکوس، هلن کارر، *امپراطوری فروپاشیده*، ترجمهٔ عباس آگاهی، ص۸۲ ـ ۸۳؛ میرحیدر دره، «تحولات آسیای مرکزی»، *آموزش رشد جغرافیا*، س۹، ش۲۵، ص ۲۱.

۴۹ ـ *امپراطوری فروپاشیده* ص۸۵؛ «تحولات آسیای مرکزی»، ص ۲۱.

۵۰ ـ «تحولات آسیای مرکزی»، ص ۲۱.

۵۱ ـ اکینر، شیرین، *اقوام مسلمان اتحاد شوروی*، ترجمهٔ علی خزاعی‌فر، ص ۳۴۳، ۳۶۲، ۳۷۹، ۳۹۲؛ *امپراطوری فروپاشیده*، ص ۱۸۸ ـ ۱۸۹.

۵۲ ـ *ویژگیهای جغرافیایی آسیای میانه و قزاقستان*، ص ۱۱۴.

۵۳ ـ ورهرام، غلامرضا، «جغرافیای مذهبی آسیای مرکزی»، *تحقیقات جغرافیایی*، س ۶، ش۲۲، ص۱۰۶.

۵۴ ـ همان، ص ۱۱۲.

۵۵ ـ برای آشنایی بیشتر با اعمال مسلمانان در حکومت اتحاد جماهیر شوروی نگاه کنید به: دانکوس، هلن کارر، *اسلام و مسلمانان روسیه*، ترجمهٔ حسن حبیبی، ص ۵۰ ـ ۸۰؛ *امپراطوری فروپاشیده*، ص ۲۵۷ ـ ۲۷۷.

۵۶ ـ ویژگیهای جغرافیایی آسیای میانه و قزاقستان، ص ۱۱۵؛ «خصوصیات جمعیتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جمهوریهای نو استقلال آسیای میانه»، ص ۵۲.

۵۷ ـ گفته می‌شود پس از پایان جنگ داخلی تاجیکستان. دو استان «کولاب» و «قرغان تپه» در یکدیگر

ادغام شده و تشکیل استان واحدی به نام «ختلان» را داده‌اند، که در این صورت از تعداد استانهای تاجیکستان کاسته می‌شود.

۵۸ ـ «اقتصاد کشورهای مشترک‌المنافع در سال ۱۹۹۵م»، *اقتصاد خراسان*، س ۴، ش ۱۶۰، ۲۳ تیر ۱۳۷۵، ص ۵.

۵۹ ـ برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به: «اقتصاد کشورهای مشترک‌المنافع در سه ماههٔ اول سال ۱۹۹۶»، *اقتصاد خراسان*، س ۴، ش ۱۶۶، ۳شهریور ۱۳۷۵، ص ۵.

۶۰ ـ «تحولات آسیای مرکزی»، ص ۲۱.

۶۱ ـ «دستاوردهای توسعه آبیاری در آسیای مرکزی»، ص ۱۸۷.

۶۲ ـ *ویژگیهای جغرافیایی آسیای میانه وقزاقستان*، ص ۱۳۸.

۶۳ ـ همان، ص ۱۴۴.

۶۴ ـ مهاجرانی، مصطفی، «جغرافیای اقتصادی منطقه آسیای مرکزی»، *مجموعهٔ مقالات جغرافیایی*، دفتر اول، کشورهای آسیای مرکزی، ویژه‌نامهٔ سپهر، ص ۱۴۹.

۶۵ ـ ریوکین، مایکل، *حکومت مسکو و مسأله مسلمانان*، ترجمهٔ محمود رمضان‌زاده، ص ۶۹.

۶۶ ـ *ویژگیهای جغرافیایی آسیای میانه و قزاقستان*، ص ۱۴۹.

۶۷ ـ *حکومت مسکو و مسأله مسلمانان*، ص ۷۰.

۶۸ ـ *ویژگیهای جغرافیایی آسیای میانه و قزاقستان*، ص ۱۵۱.

۶۹ ـ *حکومت مسکو و مسأله مسلمانان*، ص ۷۰.

۷۰ ـ «جغرافیای اقتصادی منطقه آسیای مرکزی»، ص ۱۴۹.

۷۱ ـ دوابنوا، م. آ، *زمین‌شناسی ایران، استخراج مواد معدنی در آسیای میانه در سده‌های ۱۶ ـ ۱۹*، ترجمهٔ شهپر داراب‌نیا، ص ۱۲۲.

۷۲ ـ برای آشنایی بیشتر نگاه کنید به همان منبع.

۷۳ ـ آکیمف، الکساندر، «منابع معدنی و زراعی آسیای مرکزی»، ترجمهٔ بدرالزمان شهبازی، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، س ۳، ش ۸، ص ۳۲۲.

۷۴ ـ «وضعیت کلی انرژی در شوروی» راهبرد، س ۱، ش ۱، بهار ۱۳۷۱، ص ۵۳؛ *راهنمای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و جمهوریهای بالتیک*، گیتاشناسی، ۱۳۷۴، ص ۵۷، ۷۲، ۱۰۰ و ۱۱۹.

۷۵ ـ «وضعیت کلی انرژی در شوروی»، ص ۵۴؛ «منابع معدنی و زراعی آسیای مرکزی»، ص ۳۲۲.

۷۶ ـ همان منابع؛ کاسنف، عمرسریک، «ظرفیت اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی: چشم‌انداز ادغام در سازمان همکاریهای اقتصادی»، ترجمهٔ کاملیا احتشامی اکبری، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، س ۳، دوره دوم، ش ۸، ص ۳۱۲.

۷۷ ـ همان مأخذ شماره‌های ۷۴، ۷۵ و ۷۶.

۷۸ ـ برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به: چکنگی، علیرضا و دیگران، *راه ابریشم*، بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد، چاپ اول، ۱۳۷۵.

۷۹ ـ همان، ص ۱۸ ـ ۲۸؛ ریاضی، محمدرضا، «جاده ابریشم، شکل‌گیری و پیشینه»، *باستان‌شناسی و تاریخ*، س ۹، ش ۲، ص ۵۳ ـ ۵۴.

۸۰ ـ «نظامهای حمل و نقل کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز»، س ۳، دورهٔ دوم، ش ۸، ص ۳۷۲.

۸۱ ـ امیدوارنیا، محمد جواد، «روش و تجربه چین در بررسی ظرفیتها و منابع اقتصادی آسیای مرکزی»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، س ۲، دوره دوم، ش ۸، ص ۲۹۷.

۸۲ ـ امیدوارنیا، محمدجواد، «چین و روسیه در آسیای مرکزی، زمینه‌های رقابت»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، س ۳، دوره دوم، ش ۷، ص ۷۳.

۸۳ ـ ورجاوند، پرویز، «ایران و جمهوریهای خراسان بزرگ و آسیای مرکزی»، *اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، س ۹، ش ۸۷ ـ ۸۸، ص ۵۹.

۸۴ ـ شیخ عطار، علیرضا، *ریشه‌های رفتار سیاسی در آسیای مرکزی و قفقاز*، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۱، ص ۶۱ـ۶۴.

فصل ۲

سرزمین ازبکستان

۱ ـ ویژگیهای طبیعی

۱ ـ ۱ موقعیت جغرافیایی

کشور ازبکستان با مختصات جغرافیایی ۳۷ درجه و ۱۵ دقیقه تا ۴۵ درجه و ۴۲ دقیقهٔ عرض شمالی و ۵۵ درجه و ۵۸ دقیقه تا ۷۲ درجه و ۵۸ دقیقهٔ طول شرقی یکی از کشورهای مهم آسیای مرکزی است.

این جمهوری که گستردگی آن درجهت شرقی ـ غربی است به دلیل دارا بودن موقعیت مرکزی در میان جمهوریهای آسیای مرکزی، از نظر ژئوپولیتیکی از اهمیت خاصی برخوردار است (نقشهٔ ۲۲).

مساحت ازبکستان تا سال ۱۹۶۵م /۱۳۴۴ش حدود ۴۰۳۸۶۵ کیلومتر مربع بود. در این سال با الحاق بخشی از قزاقستان جنوبی به ازبکستان، وسعت آن به ۴۴۷۴۰۰ کیلومتر مربع افزایش یافت.

اطراف سرزمین ازبکستان را کشورهای آسیای مرکزی احاطه کرده‌اند و این جمهوری فقط در بخشی از جنوب خود با افغانستان مرز مشترک دارد. رودخانهٔ آمودریا مرز طبیعی میان افغانستان و ازبکستان را تشکیل می‌دهد، سایر همسایگان ازبکستان را قزاقستان از طرف شمال و غرب، ترکمنستان از سوی جنوب، تاجیکستان از سمت شرق

نقشه ۲۲

و قرقیزستان از طرف شمال شرقی تشکیل می‌دهند.

۲ ـ ۱ ناهمواریها

ازبکستان از نظر طبیعی وضعیت ویژه‌ای دارد. رودخانهٔ آمودریا در جنوب آن جاری است و تقریباً مرز کشور را با ترکمنستان تشکیل می‌دهد، سیردریا در طی مسیر خود از شرق کشور عبور می‌کند، دریاچه آرال که در شمال شرقی ازبکستان قرار دارد، آبریزگاه دو رود مذکور است. تنها ناحیهٔ مرتفع کشور، بخش جنوب شرقی به شمار می‌آید که امتداد کوههای تیان شان بلندترین زمینها را به وجود آورده‌اند. قسمت مرکزی ازبکستان و در واقع حدود ۶۰درصد ازمساحت کشور را بیابان قزل قوم فراگرفته است.

این ویژگیهای طبیعی سبب شده بخش وسیعی از کشور که قلمرو بیابان و کوههای صعب‌العبور است خالی از سکنه باشند و اطراف رودخانه‌ها و سایر منابع آب و همچنین کوهپایه‌ها که شرایط مناسبی برای زیست فراهم می‌کنند، متراکم از جمعیت باشند و مراکز مهم شهری نیز در همین نقاط پا گرفته‌اند.

قسمت جنوب شرقی و شمال شرقی ازبکستان که امتداد رشته کوههای تیان شان هستند بیش از ۱۰۰۰ متر ارتفاع دارند و بلندترین کوههای کشور نیز در همین ناحیه واقعند به طور یکه بلندترین قله آن با حدود ۴۲۷۹ متر ارتفاع در جنوب شهر «جئورجیوکا»[1] قرار دارد. همچنین قله‌های واقع در جنوب شهر «ینگی قشلاق»[2] و جنوب سمرقند به ترتیب با ارتفاع ۲۱۶۹ متر و ۲۰۳۷ متر در ردیف بلندترین نقاط ازبکستان محسوب می‌شوند.

بخش اعظم بیابان قزل قوم که اراضی حد فاصل سیردریا و آمودریا را فراگرفته در ازبکستان قرار دارد و با ویژگیهای خاص نواحی بیابانی امکان هر نوع فعالیت را با دشواری مواجه ساخته است. این بیابان بارزترین چشم‌انداز طبیعی و بی حاصل‌ترین چهره ناهمواریهای ازبکستان به شمار می‌آید (نقشهٔ ۲۳).

---

1 - Georgiuka

2 - Yangikishlak

نقشه ۲۳

۳ـ ۱ آب و هوا

ازبکستان نیز مشابه سایر کشورهای آسیای مرکزی دارای آب و هوای گرم و خشک است، به همین دلیل تابستانهای گرم با هوای خشک در مدت زیادی از سال کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد. زمستانهای نسبتاً کوتاه مدت با هوای ملایم، گاهی اوقات سرمای شدیدی را به همراه می‌آورد. دو فصل بهار و پاییز که هوا مطلوب و معتدل است، دوام چندانی ندارند.

طول فصل زمستان از ۱/۵ تا ۲ ماه در قسمتهای پست و کوهپایه‌های جنوبی، و تا ۵ ماه در بخشهای شمالی متغیر است. در این زمان متوسط درجه حرارت دی ماه یا سردترین ماه سال در نواحی شمالی ۸ درجه سانتی گراد و در نقاط جنوبی ۳/۶ درجه

است. حداقل درجه حرارت ثبت شده با ۳۷ درجه سانتی‌زیر صفر در بخش شمالی ازبکستان به ثبت رسیده است.

در تیرماه، متوسط درجه حرارت هوا از ۲۶ درجه سانتی‌گراد در بخش شمالی تا ۳۰ درجه در نقاط جنوبی تفاوت دارد. حداکثر درجه حرارت ثبت شده ۴۲ درجه سانتی‌گراد است. بدیهی است در بیابان قزل قوم درجه حرارت هوا بیش از سایر نقاط کشور است به طوری که در روزهای گرم تابستان، گرمای سطح خاک به ۷۰ درجه سانتی‌گراد نیز می‌رسد.

از نظر میزان بارشهای جوی، بیشتر وسعت ازبکستان که اراضی پست و جلگه‌ای است بین ۸۰ تا ۹۰ میلی‌متر بارندگی دارند. در بخش شرقی و جنوبی که بلندترین کوههای کشور قرار دارند، میزان متوسط باران سالیانه بیش از سایر قسمتهای کشور می‌باشد و حتی تا یک متر نیز می‌رسد.(۱)

بارندگیها در فصل سرد سال رخ می‌دهد به طوری که بیش از ۷۰درصد نزولات جوی در زمستان فرو می‌ریزد. بنابراین بارش به شکل برف ظاهر می‌شود که در نقاط کم ارتفاع و بیابانها ارتفاع برف کم و عمر آن از چند روز تجاوز نمی‌کند، در صورتی که برخی نقاط کوهستانی در اکثر ایام سال پوشیده از برف هستند. در همین نقاط بسیار مرتفع یخچالهای دائمی مشاهده می‌شوند واز همین یخچالها سرشاخه‌های دو رود بزرگ آسیای مرکزی بویژه سیردریا تغذیه می‌شوند و جریان عظیم آبهای جاری ادامه می‌یابند. کوههای آلای، ترکستان و دره‌های پامیر جایگاه یخچالهای ازبکستان محسوب می‌شوند.

۴ ـ ۱ منابع آب

به علت خشکی زیاد هوا، زیست و حیات انسان در گرو تأمین آب مورد نیاز است. از دیرباز دو رودخانهٔ آمو دریا و سیردریا و رود زرافشان نقش بسیار مهمی در تداوم حیات در ازبکستان داشته‌اند. اراضی حد فاصل آمودریا و سیردریا که «فرا رود» یا «ورا رود» و نزد اعراب ماوراءالنهر نام داشت، در طول سالیان متمادی زیستگاه گروههای بزرگ انسانی از قومیتهای مختلف بوده است. گرچه با انجام یافتن تقسیمات سیاسی یکپارچگی ماوراءالنهر از میان رفته است، اما سیحون و جیحون همچنان نقش حیاتی

خود را حفظ کرده‌اند.

بیشتر خاک ازبکستان حوضه‌های آب سیردریا وآمودریا است. این دو رود از ذوب برف و یخ‌های کوهستانی تغذیه می‌شوند بنابراین فصل تابستان که نیاز آبی شدید است، منطبق با زمان طغیان این رودهاست و بخش عظیمی از آب آنها برای آبیاری مزارع کشاورزی استفاده می‌شود. همچنین از آب سیردریا برای تأمین انرژی هیدروالکتریک بهره‌برداری می‌شود.

رودخانه زرافشان و تعداد دیگری رودخانه‌های کوچک، دریاچهٔ آرال، و همچنین مخازن مصنوعی و دریاچه‌های پشت سدها و دریاچه‌های طبیعی نقاط کوهستانی از دیگر منابع آب ازبکستان محسوب می‌شوند (نقشهٔ ۲۴).

چنان که ذکر شد به علت نامساعد بودن شرایط طبیعی و اقلیمی، انجام فعالیتهای اقتصادی بویژه بهره‌برداری از زمینهای کشاورزی مستلزم استفاده از منابع آب سطحی است. ایجاد شبکه‌های آبیاری و آبرسانی، در ماوراءالنهر سابقه طولانی دارد این دست ساخته‌ها نیز مانند سایر هنرهای انسان وابستگی مستقیم با شرایط سیاسی و اقتصادی زمان داشته‌اند، زمانی که حکومت مرکزی نیرومندی بر ناحیه مسلط بود، شبکه‌های آبیاری توسعه پیدا می‌کرد وتحت اداره و نظارت دولت قرار می‌گرفت و هنگامی که حکومتهای محلی قدرت می‌یافتند و شورشهای سیاسی اوج می‌گرفت، شبکه‌ها و کانالهای آبرسانی تخریب می‌شدند و بتدریج از بین می‌رفتند.[۲]

پس از تسلط روسها بر آسیای مرکزی، آنها به منظور افزایش سطح زیرکشت و بهره‌برداری بهینه از زمینهای زراعی طرحهای آبرسانی متعددی به مرحله اجرا درآوردند. این طرحها با حفر کانالهایی برای انتقال آب سیردریا در سال ۱۹۳۰م / ۱۳۰۹ش شروع شد. در سال ۱۹۳۹م /۱۳۱۸ش کانال فرغانه احداث شد و در سال ۱۹۵۷م / ۱۳۳۶ش یک نیروگاه هیدرولیک و یک دریاچهٔ ذخیره آب در زمینهای مرتفع حد فاصل قرقیزستان و تاجیکستان ساخته شد که هدف آن ذخیرهٔ آب برای زمینهای زراعی تاجیکستان، ازبکستان و قرقیزستان بود. این طرحها به همراه برنامه‌های متعدد دیگری که در طی سالهای بعد به مرحله اجرا درآمد، ضمن آن که بخش وسیعی از اراضی بایر ناحیه را آباد کرد، اثرات مخرب زیست محیطی بسیاری به جا گذاشت که

نقشه ۲۴

پیامد آن بروز خسارات و ضایعات مادی و جانی فراوان بوده است.

۲ ـ ویژگیهای اجتماعی

۱ ـ ۲ پیشینه تاریخی

اکتشافات باستان‌شناسی حاکی از آن است که محدودهٔ کنونی ازبکستان از دوران ماقبل تاریخ سکونتگاه انسان بوده واز آن زمان تاکنون تمدنها و فرهنگهای متعدد و متنوعی را به خود دیده است. از گذشتهٔ این سرزمین تا قرن ششم پیش از میلاد اطلاعات دقیق و مستندی در دست نیست. در آن زمان این سرزمین برای نخستین بار تحت حاکمیت ایرانیان قرار گرفت و به عنوان بخشی از امپراتوری ایران قلمداد شد. با حملهٔ اسکندرمقدونی در سال ۳۲۹ قبل از میلاد، حکومت یونانی «باکتریا»(۳) در ناحیه شکل گرفت.

در قرن اول میلادی نخست «سکاییان»(۴) و سپس کوشانیان ناحیه را تصرف کردند و ضمیمهٔ قلمرو خود شامل افغانستان، تاجیکستان، ترکمنستان و شمال خراسان امروزی کردند. در قرن پنجم میلادی هونها(۵) یا هپتالیان بر ناحیه حاکم شدند و بنابراین برای نخستین‌بار حکومت ترکها برقرار شد که تا زمان ورود اعراب مسلمان به ناحیه تداوم یافت.

با گسترش فتوحات مسلمانان و ورود آنها به ناحیه در نیمهٔ دوم قرن هفتم میلادی زمینه لازم برای تشکیل حکومتهای اسلامی فراهم شد. «اسماعیل سامانی» در سال ۸۷۳ میلادی ماوراءالنهر و «خوارزم» را به تصرف درآورد و سلسله سامانیان را در بخارا پایه‌گذاری کرد. قراخانیان که از غزهای ترک مسلمان بودند سامانیان را برانداخته و خود پس از چندی حکومت از سلجوقیان شکست خوردند. سلجوقیان در اواخر سده دهم میلادی وارد ماوراءالنهر شدند و تا قرن دوازدهم میلادی سراسر محدوده فعلی ازبکستان را تسخیر کردند. در اواسط همین قرن قراختاییان آنان را شکست دادند و ازبکستان را تصرف کردند. چندی نگذشت که در اواخر همان سده خوارزمشاهیان، متحدان اولیهٔ قراختاییان، آنها را از حکومت به زیر افکندند. اما فرمانروایی اینان نیز

چندان نپایید و با حملهٔ مغول از قدرت برکنار شدند.

هجوم مغول در اوایل قرن سیزدهم میلادی / هفتم هجری تسلط ازبکها را بر ماوراءالنهر قطعی ساخت. با انقراض مغولان از اواسط قرن چهاردهم، تیمور که او نیز مغول بود به حکومت رسید و سمرقند را پایتخت خود قرار داد. اندکی بعد «بابر» بر ازبکستان تاخت و آن جا را فتح کرد. اما ازبکها از یک سو و «شاه اسماعیل صفوی» از سوی دیگر، برای تصرف این سرزمین سالها با بابر جنگیدند، تا سرانجام خاندان شیبانی، مجدداً حکومت ازبکها را برقرار کردند. با مرگ آخرین رهبر این خانواده، حکومت و سرزمین واحد ازبکستان متلاشی شد و حکومتهای محلی کوچک و مستقل در گوشه و کنار تشکیل شد.

از میان حکومتهای محلی، امیرنشین بخارا در بخارا، خانات خیوه در خوارزم، و خانات خوقند در فرغانه(۶)، قدرت بیشتری یافتند، دشمنیهای مداوم میان حکومتهای محلی، زمینه مساعدی را برای روسها فراهم کرد تا اندیشهٔ تصرف ناحیه را به مرحلهٔ عمل درآوردند. آنها با برقراری روابط سیاسی واقتصادی بر نفوذ خود در ناحیه افزودند و سپس مراکز مهم شهری راتصرف کردند. به این ترتیب تاشکند در سال ۱۸۶۵م /۱۲۴۴ش و سمرقند در سال ۱۸۶۸م /۱۲۴۷ش به تصرف روسها درآمد و همزمان با آن ابتدا خانات بخارا و سپس خانات خیوه تحت‌الحمایگی روسیه را پذیرفتند.

با ضمیمه شدن کامل خانات خوقند به روسیه در سال ۱۸۷۶م /۱۲۵۵ش تسلط روسها بر ناحیه کامل شد و ولایت ترکستان تشکیل شد که در سال ۱۸۸۶م /۱۲۶۵ش به سرزمین ترکستان تغییر نام داد و شهر تاشکند[1] که نسبت به بخارا و سمرقند اهمیت کمتری داشت به مرکزیت ناحیهٔ ترکستان انتخاب شد.

روسها برای گسترش نفوذ خود اقدامات متعددی انجام دادند و با ایجاد خطوط ارتباطی وارائهٔ خدمات رفاهی مختلف، ضمن کنترل بیشتر ناحیه، سعی بر جایگزینی فرهنگ روسی به جای فرهنگ و تاریخ ریشه‌دار ناحیه کردند. انتقال جمع کثیری از روسها به شهرهای ازبکستان و نوسازی و بازسازی شهر تاشکند در جهت همین هدف

1 - Tashkent

صورت گرفت. اما مردم ازبکستان نیز مشابه سایر ملتهای ناحیه با ورود و گسترش فرهنگ روسی و تسلط روسها بر آنان مخالفت کردند و با شورشها و قیامهای متعدد اعتراض خود را نشان دادند. که تمام این حرکتها سرکوب شد و نافرجام ماند.

با پیروزی انقلاب کمونیستی در سال ۱۹۱۷م/۱۲۹۶ش نیروهای دولتی روسیه در شهر تاشکند مستقر شدند و یک سال بعد جمهوری خود مختار سوسیالیستی ترکستان تشکیل شد که محدودهٔ آن همان اراضی ترکستان بود. از این زمان تا سال ۱۹۲۴م/۱۰۰۳ش تمام ترکستان از جمله ازبکستان محل درگیریهای گروههای مختلف با بلشویکها بود. در سال مذکور با پیوستن کامل خانات آسیای مرکزی به حکومت سوسیالیستی شوروی، طرح مرزبندی جمهوریهای آسیای مرکزی به مرحلهٔ اجرا درآمد. در سال ۱۹۲۴م/۱۲۰۳ش جمهوری خودمختار شوروی سوسیالیستی ازبکستان اعلام موجودیت کرد که جمهوری خود مختار تاجیکستان نیز ضمیمهٔ آن بود. در سال ۱۹۲۹م/۱۳۰۸ش، تاجیکستان از ازبکستان جدا شد و در سال ۱۹۳۶م/۱۲۱۵ش با الحاق جمهوری خود مختار قراقالپاق و سپس بخشی از خاک قزاقستان به ازبکستان، محدودهٔ سیاسی فعلی ازبکستان تثبیت شد.

همزمان با فروپاشی اتحاد شوروی سابق، جمهوری ازبکستان در اول سپتامبر ۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش اعلام استقلال کرد و در تاریخ هشت دسامبر ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش قانون اساسی کشور از تصویب مجلس گذشت. رئیس جمهوری ازبکستان اسلام کریم اف است، وی که قبلاً دبیر اول حزب کمونیست ازبکستان بود در انتخابات ریاست جمهوری با اکثریت آرا به پیروزی رسید.[۷]

پس از تشکیل جمهوری ازبکستان، فعالیتهای سیاسی در قالب تشکیل احزاب آزادتر شد. مهمترین حزب کشور «حزب دمکراتیک خلق» است. این تشکل سیاسی که در واقع همان حزب کمونیست تغییر نام یافته است کماکان بر اکثریت نمایندگان مجلس کنترل کامل دارد و خط مشی آن همان راه ور سم کمونیستی بوده و رئیس جمهور، «اسلام کریم‌اف» از اعضای آن می‌باشد.

حزب «لیبرال دمکرات» تنها حزب مخالف قانونی ازبکستان است که تعداد معدودی نماینده در مجلس دارد. «حزب جنبش دمکراتیک بیریلیک» که با سیستم حاکم بر کشور

و دست‌اندرکاران اداره امور ازبکستان مخالف است و همچنین «حزب احیای اسلامی»[۸] که خواهان ایجاد نظام سیاسی کشور براساس اصول اسلامی می‌باشد، غیرقانونی شناخته شده‌اند و به صورت مخفیانه فعالیت می‌کنند. مرکز فعالیت حزب احیای اسلامی که مهمترین تشکل اسلامی محسوب می‌شود، در شهر تاشکند قرار دارد و بیشتر فعالیتش در زمینهٔ تبلیغ اصول اسلام و جذب جوانان به احکام الهی جهت دهی شده است.

۲ ـ ۲ جمعیت

ازبکستان در میان کشورهای آسیای مرکزی بالاترین رقم جمعیت را داراست آمار موجود نشان می‌دهد که جمعیت این کشور در طی ۶۶ سال تقریباً چهار برابر شده است (جدول ۱ ـ ۲).

جدول ۱ ـ ۲ جمعیت ازبکستان در سالهای ۱۹۲۶ تا ۱۹۹۲م/۱۳۰۵ تا ۱۳۷۱ش[۹]

سال	۱۹۲۶م/ ۱۳۰۵ش	۱۹۵۹م/ ۱۳۳۸ش	۱۹۷۰م/ ۱۳۴۹ش	۱۹۷۹م/ ۱۳۵۸ش	۱۹۸۴م/ ۱۳۶۳ش	۱۹۹۲م/ ۱۳۷۱ش
جمعیت	۵۲۶۷۶۵۸	۸۱۱۹۱۰۳	۱۱۷۹۹۴۲۹	۱۵۳۸۹۳۰۷	۱۷۴۹۸۰۰۰	۲۰۹۵۵۰۰

مشاهده می‌شود در طی ۳۳ سال میان سالهای ۱۹۲۶ تا ۱۹۵۹م /۱۳۰۵ تا ۱۳۳۸ش حدود ۵۴ درصد بر جمعیت کشور افزوده شده است. در حالی که در ۳۳ سال حدفاصل سالهای ۱۹۵۹ تا ۱۹۹۲م /۱۳۳۸ تا ۱۳۷۱ش جمعیت کشور بیش از ۲/۵ برابر شده است. مشابه تمام کشورهای آسیای مرکزی، پایین بودن رشد جمعیت در نیمهٔ اول قرن بیستم ناشی از حاکمیت روسها و اجرای سیاستهای اقتصادی و اجتماعی و بروز جنگ دوم جهانی بوده است. در حالی که در نیمهٔ دوم سدهٔ بیست، تثبیت وضعیت سیاسی کشور و افزایش میزان موالید و کاهش مرگ و میر و مهاجرتهای خارجی و افزایش وسعت کشور رشد بالای جمعیت را به دنبال داشته است (جدول ۲ ـ ۲). به طوری که نرخ رشد از ۱/۳ درصد در سالهای ۱۹۲۶ تا ۱۹۵۹م /۱۳۰۵ تا ۱۳۳۸ش به رقم ۲/۹ درصد در دوره زمانی ۱۹۵۹ تا ۱۹۹۲م /۱۳۳۸ تا ۱۳۷۱ش افزایش یافته است.

جدول ۲ ـ ۲ نرخ رشد جمعیت ازبکستان در سالهای
۱۹۲۶ تا ۱۹۹۲م/۱۳۰۵ تا ۱۳۷۱ش (به درصد)

دوره زمانی	۱۹۵۹ـ۱۹۲۶م/ ۱۳۳۸ـ۱۳۰۵ش	۱۹۷۰ـ۱۹۵۹م/ ۱۳۴۹ـ۱۳۳۸ش	۱۹۷۹ـ۱۹۷۰م/ ۱۳۵۸ـ۱۳۴۹ش	۱۹۸۴ـ۱۹۷۹م/ ۱۳۶۳ـ۱۳۵۸ش	۱۹۹۲ـ۱۹۸۴م/ ۱۳۷۱ـ۱۳۶۳ش	۱۹۹۲ـ۱۹۲۶م/ ۱۳۷۱ـ۱۳۰۵ش
نرخ‌رشد	۱/۳	۳/۴	۵	۲/۶	۲/۲	۲/۱

نامساعد بودن شرایط طبیعی و اقلیمی بخش وسیعی از سرزمین ازبکستان سبب شده که مردم در نقاطی ساکن شوند که امکانات طبیعی مورد نیاز برای زیست فراهم باشد به همین دلیل تراکم جمعیت در سطح کشور نامتعادل است. نقاط بیابانی خالی از سکنه هستند و نقاط حاصلخیز مانند درهٔ فرغانه و شهرهای بزرگ از جمعیت لبریزند، در رقم تراکم نسبی جمعیت این واقعیت پوشیده می‌ماند.

تراکم نسبی که معرف تعداد جمعیت در واحد سطح می‌باشد کمتر واقعیت عینی دارد و با افزایش و یا کاهش رقم جمعیت تغییر می‌کند. به طوری که در سال ۱۹۲۶م / ۱۳۰۵ش تراکم نسبی جمعیت ازبکستان ۱۳ نفر در هر کیلومتر مربع بوده است و با افزایش میزان جمعیت، تراکم نسبی نیز در سال ۱۹۹۲م /۱۳۷۱ش به ۴۶/۸ نفر در واحد سطح افزایش یافته است (جدول ۳ ـ ۲)، که در میان کشورهای آسیای مرکزی بالاترین میزان تراکم می‌باشد.

جدول ۳ ـ ۲ میزان تراکم نسبی جمعیت ازبکستان در سالهای
۱۹۲۶ تا ۱۹۹۲م/۱۳۰۵ تا ۱۳۷۱ش (نفر در کیلومترمربع)

سال	۱۹۲۶م/ ۱۳۰۵ش	۱۹۵۹م/ ۱۳۳۸ش	۱۹۷۰م/ ۱۳۴۹ش	۱۹۷۹م/ ۱۳۵۸ش	۱۹۸۴م/ ۱۳۶۳ش	۱۹۹۲م/ ۱۳۷۱ش
تراکم نسبی	۱۳	۲۰/۱	۲۶/۳	۳۴/۴	۳۹/۱	۴۶/۸

ازبکستان در ردیف کشورهای جوان محسوب می‌شود. آمار موجود نشان دهندهٔ رقم بالای جمعیت، در گروه سنی کودکان و نوجوانان است (جدول ۴ ـ ۲). در سال ۱۹۸۹م / ۱۳۶۸ش بیش از ۴۰درصد جمعیت را افراد زیر ۱۵ سال تشکیل می‌دادند. و

در سال ۱۹۹۳م / ۱۳۷۲ش حدود ۵۰ درصد از جمعیت ازبکستان در گروه سنی کمتر از ۱۸ سال قرار داشتند و نزدیک به ۷۰درصد جمعیت کمتر از ۳۰ سال سن داشتند.[۱۰]

جدول ۴ ـ ۲ توزیع جمعیت ازبکستان به تفکیک گروههای سنی عمده در سالهای ۱۹۷۹ و ۱۹۸۹م/۱۳۵۸ و ۱۳۶۸ش (درصد)[۱۱]

سال / گروه سنی	۱۹۷۹م/۱۳۵۸ش	۱۹۸۹م/۱۳۶۸ش
کمتر از ۱۵ سال	۴۱/۳	۴۰/۸
۶۴ ـ ۱۵سال	۵۳/۳	۵۵/۱
۶۵ به سال	۵/۴	۴/۱

بالا بودن میزان زاد و ولد مهمترین علت جوانی جمعیت ازبکستان به شمار می‌رود.

از نظر ترکیب جنسی جمعیت ازبکستان نیز وضعیتی مشابه کشورهای دیگر آسیای مرکزی دارد، به طوری که در سال ۱۹۷۹م /۱۳۵۸ش در مقابل هر ۱۰۰ نفر زن، ۹۶/۵ نفر مرد وجود داشت. در همین سال در برابر هر ۱۰۰ نفر زن ایرانی ۱۰۵ نفر مرد زندگی می‌کردند. در سال ۱۹۸۹م /۱۳۶۸ش ترکیب جنسی جمعیت ازبکستان متعادلتر شده و تعداد مردان به رقم ۹۷/۶ نفر افزایش یافته است.[۱۲]

به دلیل آن که اقتصاد ازبکستان متکی بر کشاورزی و تولید محصولات زراعی و دامی است و این گونه فعالیتها در فضاهای روستایی انجام می‌شوند. بیش از نیمی از جمعیت کشور در روستاها سکونت دارند (جدول ۵ ـ ۲).

جدول ۵ ـ ۲ توزیع جمعیت شهری و روستایی ازبکستان در سالهای ۱۹۵۹ تا ۱۹۸۵م/۱۳۳۸ تا ۱۳۶۴ش (درصد)[۱۳]

سال / جمعیت	۱۹۵۹م/۱۳۳۸ش	۱۹۷۰م/۱۳۴۹ش	۱۹۸۰م/۱۳۵۹ش	۱۹۸۵م/۱۳۶۴ش
شهری	۳۴	۳۶	۴۱	۴۲
روستایی	۶۶	۶۴	۵۹	۵۸

هر چند ایجاد صنایع و کارخانه‌ای گوناگون در مراکز شهری سبب رونق فعالیتهای صنعتی و خدماتی شده است و میزان شهرنشینی را افزایش داده است، اما هنوز روستاها نقش مهمی در جذب جمعیت دارند. ضمن آن که بالابودن میزان موالید در نقاط روستایی در افزایش جمعیت روستایی بی تأثیر نبوده است.

براساس میزان افزایش جمعیت در حدفاصل سالهای ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۹م/۱۳۵۸ تا ۱۳۶۸ش مشخص شده است که نرخ رشد مطلق جمعیت ازبکستان در دهۀ مذکور ۲۵/۶ درصد بوده است. همچنین بر طبق آمار موجود در سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش در مقابل هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت تعداد ۳۳/۳ نفر چشم به جهان گشوده‌اند و ۶/۳ نفر به دیار باقی شتافته‌اند. بر این اساس رشد طبیعی سالانه جمعیت ۲۷در هزار بوده است. جمعیت‌شناسان با توجه به ارقام مذکور برآورد کرده‌اند که زمان لازم برای دوبرابر شدن جمعیت ۲۵ سال است. آنان همچنین تعداد جمعیت کشور را در سالهای آتی تخمین زده‌اند[۱۴] (جدول ۶ ـ ۲).

جدول ۶ ـ ۲ برآورد جمعیت ازبکستان در سالهای
۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰م/۱۳۷۹ تا ۱۳۸۹ش[۱۵]

سال	۲۰۰۰م/۱۳۷۹ش	۲۰۰۵م/۱۳۸۴ش	۲۰۱۰م/۱۳۸۹ش
جمعیت	۲۶۵۲۵۰۰۰	۳۰۳۰۴۰۰۰	۳۴۲۲۰۰۰۰

۳ ـ ۲ ترکیب قومی

نام ازبکستان گویای برتری ازبکها در این سرزمین است. کلمۀ ازبک به سال ۱۹۱۷م / ۱۲۹۶ش در روسیه معرف گروههای کوچرو و نیمه کوچرو ترک بود.[۱۶] تحرک این افراد که نتیجۀ شیوۀ اقتصادی گذران زندگی آنها بود، محدودیت مرزی را از بین می‌برد. و یکی از دلایل عمدۀ پراکندگی ازبکها در ناحیه همین شیوۀ معیشت آنها بوده است.

ازبکستان کنونی تا پیش از انقلاب بلشویکی بخشی از ماوراءالنهر بود و ازبکها نیز در بخشی از آن سکونت داشتند. در آن زمان ماوراءالنهر سکونتگاه جوامع قومی گوناگون بود که هویت آنها بیش از آن که متکی بر قومیتشان باشد، براساس مکان سکونتشان

مشخص می‌شد مانند سمرقندی یا بخارایی. با اجرای سیاستهای استالین وحدت و یکپارچگی ماوراءالنهر و پیوندهای میان ساکنان آنجا از هم گسیخت و بتدریج تقسیمات سیاسی به شکل یک واقعیت سیاسی آشکار شد و حتی مقابله و رویارویی اقوام ساکن هر محدودهٔ سیاسی را موجب شد.

در ازبکستان نیز با وجود آن که بیش از ۱۱۰۰ ملیت زندگی می‌کنند(۱۷)، اکثریت جامعه را ازبکها تشکیل می‌دهند (جدول ۷ ـ ۲). روسها، تاجیکها، قزاقها و تاتارها بترتیب پس از ازبکها بیشترین تعداد جمعیت را در ازبکستان دارند.

جدول ۷ ـ ۲ توزیع جمعیت ازبکستان به تفکیک گروههای قومی در سالهای ۱۹۲۶ تا ۱۹۷۹م/ ۱۳۰۵ تا ۱۳۵۸ش (درصد)(۱۸)

سال / ملیت	۱۹۲۶م/ ۱۳۰۵ش	۱۹۵۹م/ ۱۳۳۸ش	۱۹۷۰م/ ۱۳۴۹ش	۱۹۷۹م/ ۱۳۵۸ش
ازبکها	۶۶	۶۲/۱	۶۵/۵	۶۸/۷
اوکراینی‌ها	۰/۵	۱/۱	۰/۹	۰/۷
تاجیکها	۱۸/۴	۳/۸	۳/۸	۳/۹
تاتارها	۰/۵	۵/۵	۴/۹	۴/۲
روسها	۴/۷	۱۳/۵	۱۲/۵	۱۰/۸
قزاقها	۲	۴/۲	۴	۴
قرقیزها	۱/۷	۱/۱	۰/۹	۰/۹
قراقالپاقها	۰/۵	۲/۱	۲	۱/۹
سایر	۷/۵	۶/۹	۵/۵	۴/۹

قراقالپاقها و ایرانی تبارهای ساکن شهرهای بخارا و سمرقند از گروههای قومی دیگر ازبکستان به شمار می‌آیند. قراقالپاقها از اختلاط ترکها و فارسها به وجود آمده‌اند و زبان آنها نیز نزدیکی بسیاری با زبان قزاقی دارد. ایرانی تبارها نیز بازماندگان تاجران و مهاجران خراسانی هستند که حدود یک قرن قبل برای تجارت به ناحیه رفتند و در طی این مدت سعی کردند فرهنگ و هویت خود را حتی‌الامکان حفظ و حراست نمایند.(۱۹)

حدود ۸۵درصد مجموع ازبکها در ازبکستان ساکنند، حدود ۷درصد در جمهوری

تاجیکستان، ۳/۵درصد در قرقیزستان و ۴/۵درصد بقیه، در سایر جمهوریهای آسیای مرکزی زندگی می‌کنند.

شمار زیاد ازبکها نسبت به سایر اقوام آسیای مرکزی نوعی حس برتری‌طلبی را در میان آنها به وجود آورده است. این خصلت که از گذشته در میان آنها وجود داشت در ایام حکومت کمونیستها تشویق شد وازبکستان نقش رهبری را در آسیای مرکزی بر عهده گرفت و بسیاری از مراکز مهم علمی، فرهنگی، مذهبی ناحیه د راین کشور تأسیس شد. این رویکرد ضمن آن که سبب پیشرفت فرهنگی ازبکستان شد، داعیهٔ برتری ازبکستان بر سایر کشورهای ناحیه را قوت بخشید. به طوری که پس از استقلال نیز ازبکها فعالیتهای گوناگونی برای حفظ قدرت خود در ناحیه انجام داده‌اند و تا حدود زیادی نیز موفق بوده‌اند.

روسها که عمدةً پس از انقلاب سال ۱۹۱۷م /۱۲۹۶ش وا رد ازبکستان شدند، پس از ازبکها مهمترین گروه قومی این سرزمین به شمار می‌آیند. آنها در نقاط شهری ساکن شده‌اند و در مشاغل صنعتی و خدماتی شاغل هستند. پس از کسب استقلال در فاصلهٔ سالهای ۱۹۸۹ـ۱۹۹۲م /۱۳۶۸ ـ ۱۳۷۱ش، حدود ۲۳درصد و در سالهای بعد نیز درصد دیگری از روسها به روسیه بازگشتند[۲۰]، مهاجرت روسها و نرخ رشد بالای جمعیت در میان ازبکها و تاجیکها، سبب کاهش تعداد روسها در جمعیت ازبکستان شده است.

۴ ـ ۲ زبانهای رایج

ازبکها به زبان ازبکی که از گروه ترکی شرقی است سخن می‌گویند. این زبان از دو گویش عمده تشکیل شده است. گروه اول گویشهای شرق ازبکستان و گروه دوم گویشهای شمال غربی و جنوب را در بر می‌گیرند. واژگان زبان ازبکی ترکی است. اما در طی زمان واژه‌هایی از زبانهای فارسی، عربی و روسی به آن وارد شده است.

تا پیش از استقلال زبان روسی زبان رسمی و زبان ازبکی در کنار آن به کار می‌رفت و مشابه تمام کشورهای ناحیه در امور اداری و سیاسی ازبکستان از زبان روسی استفاده می‌شد پس از کسب استقلال زبان ازبکی زبان رسمی و زبان روسی به عنوان زبان دوم معرفی شد.

۵ـ ۲ مذهب

مذهب بیشتر مردم ازبکستان اسلام است. به نظر می‌رسد نخستین بار مسلمانان در اواسط قرن اول هجری قمری به ناحیه وارد شده‌اند زیر در سنگ قبر «قاسم‌بن عباس» پسر عم پیامبر اسلام، در محل «شاه زنده» سمرقند، سال فوت وی ۵۶ هجری قمری حک شده است. اسناد و مدارک تاریخی علت سفر وی به ناحیه را تبلیغ اصول اسلامی ذکر کرده‌اند و علت شهادت یا فوت وی را مبارزه با کفار نوشته‌اند[۲۱].

ازبکستان که در آن زمان بخشی از ماوراءالنهر بود، همچون سایر مکانها د رچند مرحله به قلمرو اسلام اضافه شد و سرانجام در سال ۸۵ هجری قمری قتیبة‌بن مسلم برای فتح نهایی به ناحیه اعزام شد که پس از ۲۰ سال مرز شمالی حکومت اسلام را تا چین و بخش شمالی تاشکند کنونی گسترش داد.

گسترش اسلام در ماوراءالنهر عمدةً در قرن دوم رخ داد و با گذشت زمان بر تعداد مسلمانان افزوده شد. در این هنگام شهرهای سمرقند و بخارا و «چاچ» و فرغانه از مراکز مهم اسلامی بودند و سمرقند و بخارا به عنوان مراکزعلمی جهان اسلام شهرت جهانی یافتند. در طی قرون متمادی تا پیش از تسلط روسها بر ناحیه، شهرهایی که اکنون در قلمرو ازبکستان قرار دارند، در پیشبرد اصول اسلامی و پایبندی به احکام الهی در جهان اسلام زبانزد بودند. مساجد و مدارس و بناهای تاریخی که در طی حکومت اسلامی در ازبکستان کنونی ساخته شد، امروزه از مفاخر ملی این جمهوری به شمار می‌آیند.

با حاکمیت ایدئولوژی کمونیستی، رهبران شوروی سعی وافری کردند که افکار و اعتقادات کمونیستی را جایگزین اصول اسلامی نمایند واقدامات متعدد و متنوع تنبیهی و تشویقی برای نیل به اهداف خود انجام دادند. اما مسلمانان ازبکستان با حفظ و حراست از اعتقادات خود پس از کسب استقلال، با روحیه‌ای تازه به فعالیت پرداختند. بسیاری از مساجد بازسازی شدند، مانند «مسجد طلاشیخ» و «مسجد جامع یکه سرای» در تاشکند[۲۲]. اماکن مذهبی بسیاری در شرف ساخته شدن است. اعیاد مذهبی رمضان و قربان رسمیت یافتند و فقط طی ۴ سال اولیهٔ استقلال، ۲۸ مدرسهٔ علمیه تأسیس شده است.[۲۳]

همچنان که ذکر شد بیشتر جمعیت ازبکستان را مسلمانان تشکیل می‌دهند، به طوری

که بیش از ۹۰درصد از سکنهٔ این سرزمین پیرو کیش حضرت محمّد صلی الله علیه و آله می‌باشند (جدول ۸ ـ ۲). مسلمانان ازبکستان سنی مذهب و پیرو مکتب حنفی هستند. همچنین تصوف طرفداران زیادی بویژه در نقاط روستایی دارد. شهرهای بخارا و خیوه از مهمترین مراکز تعلیمات صوفیه بود. «نجم الدین کبری» در شهر خیوه پایه‌گذار راه و روش کبرویه شد و در بخارا، «بهاءالدین نقشبند» مسلک نقشبندی را رواج داد.(۲۴) طریقه یسویه نیز در میان ازبکها پیروانی دارد.

جدول ۸ ـ ۲ توزیع جمعیت ازبکستان به تفکیک مذهب در سالهای ۱۹۲۶ تا ۱۹۷۹م/۱۳۰۵ تا ۱۳۵۸ش (درصد)(۲۵)

سال / مذهب	۱۹۲۶م/ ۱۳۰۵ش	۱۹۵۹م/ ۱۳۳۸ش	۱۹۷۰م/ ۱۳۴۹ش	۱۹۷۹م/ ۱۳۵۸ش
مسلمان	۹۴	۸۲	۸۳	۹۵
غیر مسلمان	۶	۱۸	۱۷	۵

علاوه بر پیشینهٔ درخشان ازبکستان در جهان اسلام، در حال حاضر نیز مهمترین مساجد و مراکز اسلامی آسیای مرکزی در این کشور قرار دارد. دفتر مرکز روحانی آسیای مرکزی و قزاقستان که تا پیش از فروپاشی شوروی سابق، عهده‌دار امور مذهبی ناحیه بود، در تاشکند قرار دارد. اکنون نیز این مرکز مهمترین تشکیلات مذهبی آسیای مرکزی است گرچه برخی کشورهای آسیای مرکزی پیوند خود را با آن گسسته و به طور مستقل در مراکز کشورشان نمایندگی افتتاح کرده‌اند.

ازبکستان دارای دو مدرسهٔ علمیهٔ مهمّ است که زیرنظر مرکز روحانی آسیای مرکزی اداره می‌شود و تعلیم و تربیت روحانیون را عهده دار هستند. مدرسه میرعرب و «انستیتوی عالی امام اسماعیل بخاری» دو مدرسه علمیه ازبکستان می‌باشند. مدرسهٔ میرعرب در سال ۱۵۳۶م /۹۲۵ش در شهر بخارا تأسیس شد و انستیتوی عالی امام اسماعیل بخاری در اواسط قرن شانزدهم میلادی به نام «بارق خان» در شهر تاشکند احداث شد و در سال ۱۹۷۴م /۱۳۵۳ش به یادبود هزار و دویستمین سالگرد تولد «امام بخاری» به اسم کنونی تغییر نام داد.(۲۶)

۶ـ ۲ رسانه‌های گروهی

مطبوعات ازبکستان به زبانهای مختلفی منتشر می‌شوند. اما به دلیل کثرت تعداد ازبکها بیشتر نشریات به زبان ازبکی چاپ می‌شوند. نخستین روزنامهٔ ازبکی در سال ۱۸۷۰م /۱۲۴۹ش در شهر تاشکند به چاپ رسید. این روزنامه تا سال ۱۸۷۲م /۱۲۵۱ش به ضمیمهٔ روزنامه روس زبان «اخبار ترکستان» منتشر می‌شد. اما از سال ۱۸۸۳م / ۱۲۶۲ش به صورت مستقل و با نام «ایالت ترکستان» اجازهٔ انتشار یافت. بعدها روزنامه‌های دیگری با نامهای «آیینه»، «اولوق ترکستان» «توران»، «خورشید» و «صدای ترکستان» وارد بازار مطبوعات شدند. در زمان انقلاب بلشویکی رویّهٔ چاپ نشریات نیز تغییر کرد و نشریات جدیدی انتشار یافتند که برخی از آنها تا زمان استقلال ازبکستان منتشر می‌شدند. مانند روزنامهٔ «ازبکستان شوروی» از سال ۱۹۱۸م /۱۲۹۷ش، «فرهنگ ازبکستان» از سال ۱۹۵۷م /۱۳۳۶ش، «لینیست جوان» از سال ۱۹۲۵م /۱۳۰۴ش و مجلات «زنان و دختران ازبکستان» از سال ۱۹۵۰م /۱۳۲۹ش، «ستاره شرق» از سال ۱۸۳۳م /۱۳۱۲ش و «گلستان» از سال ۱۹۲۵م /۱۳۰۴ش.

پس از استقلال برخی روزنامه‌های مستقل کوچک مانند بیرلیک، ارک، مونوسوبات و همافتالیک که در ابتدا بدون مشکلی منتشر می‌شدند، بتدریج یا انتشار آنها متوقف شد و یا مجبور به انتشار مخفی شدند و سایر روزنامه‌ها نیز مطالب خود را با نظارت دولت به چاپ می‌رساندند.(۲۷)

رادیو و تلویزیون ازبکستان نیز به زبانهای گوناگون برنامه تولید و پخش می‌کنند. بیشتر برنامه‌ها به زبانهایی است که برای اقوام ساکن در ازبکستان قابل استفاده است. بدیهی است که برنامه‌های تولیدی به زبان ازبکی و روسی بیش از سایر برنامه‌ها باشد.

از اواسط دهۀ ۱۹۷۰م، رادیوی این کشور، برای کشورهای همجوار نیز برنامه‌هایی تهیه و پخش می‌کرد، پس از استقلال بر تعداد برنامه‌های خارجی و همچنین تنوع زبانی آنها افزوده شد.

تلویزیون ازبکستان چندین کانال دارد. که به زبانهای ازبکی، روسی، قزاقی و... برنامه پخش می‌کنند. در سالهای اخیر پخش برنامه‌های ماهواره و همچنین برخی برنامه‌های تلویزیون ترکیه نیز آغاز شده است.

۷ـ ۲ تقسیمات کشوری

ازبکستان متشکل از یک جمهوری خود مختار و دوازده استان است. بسیاری از نواحی و شهرهای مهم آسیای مرکزی که سابقهٔ طولانی تاریخی دارند و از مراکز مهم سیاسی و فرهنگی ناحیه بوده‌اند، در محدودهٔ سیاسی کنونی ازبکستان واقعند. خوارزم، خیوه، اورگنج، بخارا، سمرقند و... شماری از آنها هستند. بسیاری از این نقاط اکنون نیز در ردیف شهرهای مهم و مراکز استانهای ازبکستان به شمار می‌روند (جدول ۹ـ ۲).

جدول ۹ـ ۲ استانهای ازبکستان و برخی از مشخصات مراکز آنها[۲۸]

استان	مرکز استان		
	نام	فاصله از مرکز کشور (کیلومتر)	جمعیت در سال ۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش(هزارنفر)
اندیجان	اندیجان	۲۷۰	۲۹۳
بخارا	بخارا	۴۳۷	۲۲۴
تاشکند	تاشکند	۰	۲۰۷۳
جیزاک	جیزاک	۱۷۴	۱۰۲
خوارزم	اورگنج	۷۱۶	۱۲۸
سمرقند	سمرقند	۲۷۱	۵۶۶
سرخان دریا	ترمذ	-	-
سیردریا	گلستان	-	۸۵
فرغانه	فرغانه	۲۳۶	۲۰۰
قشقه دریا	قارشی	۳۹۳	۱۵۶
نوایی	نوایی	۳۵۲	۱۰۷
نمنگان	نمنگان	۲۰۷	۳۰۸

در میان شهرهای ازبکستان، تاشکند پایتخت کشور با بیش از ۲ میلیون نفر جمعیت بزرگترین و مهمترین شهر کشور و پرجمعیت‌ترین شهر آسیای مرکزی می‌باشد (نقشهٔ ۲۵).

نقشه ۲۵

۱ـ۷ـ۲ تاشکند

در گذشته «چاچ» یا «شاش» نام داشت و در دورهٔ سامانیان به «بنکث» شهرت یافت.[۲۹] قدمت این شهر به قرن دوم پیش از میلاد می‌رسد.

تاشکند در طول تاریخ از موقعیت جغرافیایی مناسبی برخوردار بود. عبور شاخه‌ای از سیردریا، همواره این شهر را در ردیف شهرهای مهم آسیای مرکزی که از نظر تأمین آب با مشکلی مواجه نبود، قرار داده است. تا پیش از سلطهٔ روسها بر ناحیه، تاشکند شهری کوچک بود، انتخاب آن از سوی روسها، پس از سال ۱۹۱۷م /۱۲۹۶ش به عنوان مرکز کشور، زمینهٔ مناسبی را برای توسعه و رشد شهر در ابعاد گوناگون فراهم کرد. احداث کارخانه و تأسیس مراکز متعدد صنعتی، تاشکند را به بزرگترین و مهمترین شهر صنعتی کشور تبدیل نمود.

زلزلهٔ سال ۱۹۶۶م /۱۳۴۵ش، خسارات بسیاری به تاشکند وارد کرد، اما تلاش گسترده و سریع مقامات دولتی، سبب باز سازی سریع این شهر شد، به طوری که امروزه تاشکند جمعیت بسیاری را در خود جای داده است (جدول ۱۰ ـ ۲).

جدول ۱۰ ـ ۲ جمعیت شهر تاشکند در سالهای ۱۹۳۹تا۱۹۹۲م/۱۳۱۸تا۱۳۷۱ش.[۳۰]

سال	۱۹۳۹م/ ۱۳۱۸ش	۱۹۵۹م/ ۱۳۳۸ش	۱۹۷۰م/ ۱۳۴۹ش	۱۹۸۰م/ ۱۳۵۹ش	۱۹۹۲م/ ۱۳۷۱ش
جمعیت	۵۵۶۰۰۰	۹۲۷۰۰۰	۱۳۸۵۰۰۰	۱۹۹۲۰۰۰	۲۱۲۰۰۰۰

در حال‌حاضر تاشکند از مراکز مهم صنعتی در زمینه‌های تولید ماشینهای کشاورزی، ماشینهای پارچه‌بافی و تولید مواد غذایی می‌باشد. این شهر همچنین مهمترین مراکز فرهنگی، اداری و سیاسی کشور را در خود جای داده است.

در کنار بناهای جدید شهر و مراکز دیدنی آن، آثار و بقایای شهر چاچ بزرگترین شهر ناحیه در قرون وسطی، در حومه تاشکند، مهمترین میراث تاریخی شهر و از نقاط مهم جهانگردی آن می‌باشد.

۲ ـ ۷ ـ ۲ بخارا

یکی از شهرهای قدیمی ازبکستان است که سابقهٔ سکونت در آن را هزاره‌های قبل از میلاد یا به عبارت دیگر دوران ماقبل تاریخ می‌دانند.[۳۱] گرچه بخارا قدمت زیادی دارد، اما آغاز رونق یافتن آن به عنوان یک شهر مهم، به احتمال زیاد از اواخر قرن پنجم میلادی بوده است، یعنی زمانی که هفتالیان بر بخش بزرگی از آسیای مرکزی حاکم شدند، د رآن ایام بخارا «نومجکت» نام داشت. این شهر پس از ورود مسلمانان به آسیای مرکزی، یکی از مهمترین مراکز جهان اسلام شد، اما اوج رونق آن در دورهٔ حکومت سامانیان یعنی بخشی از قرنهای سوم و چهارم هجری بود که پایتخت قلمرو سامانیان شد. در زمان حملهٔ مغول، بخارا مشابه بیشتر نقاط ناحیه، تصرف و غارت شده و رو به ویرانی نهاد. با روی کار آمدن تیمور و جانشینان او، بخارا مجدداً رونق یافت و در همین ایام بود که بهاءالدین نقشبندی، فرقهٔ نقشبندی را در این شهر و در قرن هشتم هجری تبلیغ کرد. پس از تیموریان بخارا پایتخت شیبانیان شد. گرچه بخارا تا زمان بروز انقلاب بلشویکی از شهرهای مهم آسیای مرکزی باقی ماند، ولی در قرون دهم تا دوازدهم قمری، مقارن با قرون شانزدهم تا هیجدهم میلادی رشد اقتصادی و اجتماعی شگرفی داشت.[۳۲]

بخارا از زمان ورود اسلام به آن تا اواخر قرن دوازدهم هجری نقش مهمی در رشد و گسترش اسلامی داشت و یکی از مراکز مهم جهان اسلام به شمار می‌آمد. اهمیت این شهر به حدی بود که از آن به عنوان «مهد اسلام»[۳۳]، «قبةالاسلام» و «مدینةالاسلام»[۳۴] نام برده‌اند.

در ایام رونق بخارا، بناهای متعددی در آن احداث شد که بسیاری از آنها به مرور زمان و در اثر عدم حفاظت و نوسازی از بین رفته‌اند. از میان این آثار برخی از آنها تا زمان حاضر باقی مانده‌اند که درردیف مهمترین آثار تاریخی کشور محسوب می‌شوند و در سالهای پس از استقلال مورد بازدید و توجه جهانگردان بسیاری قرار گرفته‌اند.

از میان آثار باستانی بخارا می‌توان به مزار چشمه ایوب در کنار آرامگاه امیر اسماعیل سامانی اشاره کرد. گفته می‌شود چشمه ایوب، بنایی است به یادبود چاهی که گویا ایوب پیامبر احداث کرده بود.

مجموعهٔ معماری متشکل از مسجد جامع کلان، منارهٔ کلان و مدرسهٔ میرعرب در

مرکز بخارای قدیم از بقایای شاهکارهای معماری اسلامی بخارا به شمار می‌رود.

همچنین آرامگاه امیر اسماعیل سامانی، مسجد بلند، مسجد مغاک عطّاری، مسجد خواجه زین‌الدین و مدرسهٔ الغ بیک، مدرسهٔ کوکلتاش، مدرسهٔ نادر دیوان بیکی، مدرسهٔ مادری خان، مدرسهٔ عبدالله خان، خانقاه فیض آباد، خانقاه بهاءالدین و خانقاه نادر دیوان بیکی، آرامگاه بویان قلی خان، آرامگاه سیف‌الدین بخارایی و بازارهای طاق زرگران، طاق تلپاق (فروشندگان انواع کلاه و سرپوش) و طاق طرخان از مهمترین آثار تاریخی این شهر هستند.(۳۵)

۳ ـ ۷ ـ ۲ سمرقند

در درهٔ حاصلخیز فرغانه واقع است. باستان شناسان عقیده دارند که در محل شهر سمرقند کنونی، شهر قدیمی «افراسیاب» قرار داشت. افراسیاب در قرن پنجم یا ششم پیش از میلاد ساخته شد و از آن زمان به بعد به تناسب شرایط سیاسی زمان، گاهی آباد و زمانی تخریب شده بود. به طوری که در ۳۲۹ قبل از میلاد، در اثر حملهٔ اسکندر به کلّی تخریب شد. اما مجدداً بازسازی گردید.

سمرقند یکی از مراکز تمدن سغدیان بود و پس از تسلط اعراب قلعه‌ای وسیع در آن بنا شد که قسمتهای اداری و سیاسی شهر را در بر گرفته بود. از آن زمان به بعد، بویژه در زمان سامانیان شهر بسرعت گسترش یافت و بناهای متعددی ساخته شد و کاشی و کاغذ آن در جهان اسلام شهرت یافت.

مغولها در سال ۱۲۲۰م /۵۵۹ش شهر را کاملاً ویران کردند. ساکنان را قتل‌عام کردند، خانه‌ها را سوزاندند و نظام علمی آبیاری را نابود کردند واز افراسیاب چیزی باقی نماند. از آن پس افراسیاب دیگر آباد نشد و در نزدیکی آن شهر سمرقند ساخته شد.(۳۶)

سمرقند در دورهٔ حکومت تیموریان، بویژه در زمان حیات امیر تیمور لنگ عظمت واعتبار زیادی کسب کرد. در قرون ۱۴ و ۱۵ میلادی از مراکز علمی و هنری مهم جهان اسلام گردید. یادگارهای معماری بی نظیری که از آن زمان به جا مانده، جلوه‌گر عظمت و اهمیت سمرقند در آن ایام است.

مجموعهٔ بزرگ آرامگاههای معروف به «شاه زنده» که مقبرهٔ قاسم بن عباس پسر عم

حضرت محمّدﷺ در آن جای دارد.[۳۷] مجموعه میدان ریگستان شامل سه بنای مدرسهٔ الغ بیک، مدرسهٔ شیردار و مدرسهٔ طلاکاری و همچنین آرامگاه تیمور، آرامگاه بی‌بی خانم، آرامگاه معروف به رخ آباد، آرامگاه موسوم به عشرتخانه، آرامگاه معروف به آق سرای، مسجد بی‌بی خانم، مدرسهٔ محمد شیبانی، مدرسهٔ سیداحمد خواجه و رصدخانه الغ بیک در زمرهٔ مهمترین آثار تاریخی سمرقند به شمار می‌روند.[۳۸]

۴ـ۷ـ۲ خیوه

از شهرهای قدیمی ازبکستان محسوب می‌شود. این شهر در دورهٔ رونق و شکوه خوارزم، یکی از مهمترین شهرهای ناحیه بود. گفته می‌شود، شهر خیوهٔ کنونی، پس از تخریب خیوهٔ کهن درکنار آن بنا شده است.[۳۹] خیوه که زمانی مرکز امیر نشینی به همین نام بود، اکنون شهرتش به سبب وجود آب و هوای معتدل و آثار باستانی متعدد است. مسجد جامع شهر، مدرسهٔ شیرغازان خان و مدرسهٔ اسلام خواجه بـه هـمراه آرامگـاه پهلوان محمود، مهمترین بناهای تاریخی شهر هستند.

۵ـ۷ـ۲ ترمذ

در قرن دوم یا سوم قبل از میلاد درکنار رودخانه آمودریا ساخته شد. این شهر که بر سر راه ارتباطی سمرقند به بلخ واقع بود، به صورت پایگاهی برای کاروانهاو مسافرانی که در جادهٔ ابریشم عازم چین و ترکستان شرقی بودند، امکانات مـورد نـیاز را فـراهـم می‌کرد. پس از تخریب ترمذ باستانی، شهر کـنونی تـرمذ در فـاصلهٔ ۱۰ کـیلومتری آن ساخته شد.

اندیجان، اورگنج، خوقند، نمنگان و فرغانه از دیگر شهرهای مهم تاریخی ازبکستان هستند.[۴۰] که به همراه شهرهای جدید و صنعتی کشور، محل تمرکز گستردهٔ جمعیت و فعالیتهای متنوع صنعتی محسوب می‌شوند.

۶ـ۷ـ۲ جمهوری خود مختار قراقالپاق

ازبکستان سرزمینی است کـه یک جـمهوری خـود مـختار را در قـلمرو خـود دارد.

قراقالپاق با وسعت ۱۶۵ هزار کیلومتر مربع در شمال غربی ازبکستان واقع است.[۴۱] بیشتر قراقالپاقها در این جمهوری خود مختار ساکنند و شماری از آنان نیز در قزاقستان، شرق ازبکستان و ترکمنستان مأوا دارند. قراقالپاق به معنی کلاه سیاه بر جمعیتی اطلاق می‌شود که همواره در اطراف دریاچهٔ آرال و یا مسیر رودخانه سیردریا ساکن بودند. در اکثر زمانها این قوم به طور مستقل تشکیل حکومت دادند و برخی مواقع تحت حاکمیت، سلاطین وقت بودند. در زمان اتحاد شوروی قراقالپاق ایالت خود مختار شد و در قلمرو جمهوری خود مختار قزاق قرار گرفت، سپس در سال ۱۹۳۶م/۱۳۱۵ش به عنوان جمهوری خودمختار ضمیمه ازبکستان شد.

قراقالپاق در جنوب دریاچهٔ آرال واقع است و بخش وسیعی از اراضی آن را بیابانها تشکیل می‌دهند. خوارزم که از عهد باستان در تمدن و فرهنگ آسیای مرکزی نقش حیاتی داشته[۴۲]، و شهرهای مهمی مانند «جرجانیه» خیوه، «کاث»، و «اورگنج» از شهرهای مهم آن بودند، و در گذشته از آن به عنوان شمالی‌ترین پایگاه تمدن نام برده می‌شد[۴۳]، در محدودهٔ جمهوری قراقالپاق کنونی واقع است و بیشتر بخشهای آن تقریباً خالی از سکنه می‌باشد.

شهر «نوکوس» مرکز جمهوری قراقالپاق با ۱۶۹ هزار نفر جمعیت در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش، از شهرهای بزرگ و مهم ازبکستان به شمار می‌آید. جمعیت قراقالپاق در همین سال حدود ۱۴۰ هزار نفر بود.

۳ـ ویژگیهای اقتصادی

۱ ـ ۳ کلیات

ازبکستان سرزمینی ثروتمند است که تا پیش از استقلال، اقتصاد دولتی و وابسته داشت، اما از سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش با الگو گرفتن از کشورهای غربی، اقدامات گوناگونی را برای گسستن پیوندهای کهن و گذر به اقتصاد آزاد انجام داده است.

مسؤولان کشور ضمن ایجاد شرایط مناسب برای رشد اقتصاد بازار، به کنترل کامل روند اقتصادی، سرعت بخشیدن به اصلاحات لازم و حفظ امنیت اجتماعی تأکید دارند،

رئیس جمهور کشور برنامه‌ای سه مرحله‌ای را برای اصلاحات و توسعهٔ اقتصادی تهیه کرده است. در مرحله اول که یک سال طول می‌کشید، ثبات در تولید و ایجاد نظام پولی مستحکم برای کشور مورد نظر بود. در همین رابطه پول جدید کشور با نام «صوم» جایگزین روبل شد. ثبات در تولید و بهبود وضعیت اقتصادی مردم هدف اصلی مرحلهٔ دوم به مدت ۲ تا ۵ سال معرفی شده است و سرانجام در مرحلهٔ سوم که مدت ۶ سال زمان برای آن پیش‌بینی شده، اصلاح ساختار اقتصادی ملی، همکاری و هماهنگی با اقتصاد بین‌المللی و رسیدن به شرایط کشورهای توسعه یافته، مورد توجه قرار گرفته است.

برای نیل به اهداف مذکور چند اصل مورد توجه رهبران ازبکستان بوده است که عبارتند از: تدریجی بودن اصلاحات، نظارت و کنترل دقیق و مستقیم دولت بر اجرای اصلاحات، ایجاد رفاه اقتصادی، ایجاد ثبات وآرامش ملی، و سرانجام فراهم کردن موجبات پیشرفت برای همه قومیتها به منظور جلوگیری از بروز تنشهای قومی.(۴۴)

در سالهای نخست استقلال نابسامانیهایی در اقتصاد کشور رخ داد که حاصل آن اُفت تولید بود ولی بتدریج از شدت آن کاسته شد، به‌طوری که در سال ۱۹۹۲م /۱۳۷۱ش کاهش تولید داخلی ازبکستان نسبت به سال قبل ۹/۶ درصد و در سال ۱۹۹۳م / ۱۳۷۲ش، ۳/۵درصد بهبود یافته بود. همچنین در سال ۱۹۹۲م /۱۳۷۱ش، میزان تولید ناخالص ملی ۶/۷درصد و تولید کل کشاورزی ۶درصد کاهش داشته است. درحالی که در سال ۱۹۹۳م /۱۳۷۲ش، تولید ناخالص داخلی ۴درصد ا فزایش و تولید کشاورزی فقط ۰/۳ درصد کاهش داشته است.(۴۵)

در سالهای ۱۹۹۵ ـ ۱۹۹۶م /۱۳۷۴ ـ ۱۳۷۵ش با تثبیت شرایط سیاسی و روند اصلاحات اقتصادی و همچنین جلب سرمایه‌های خارجی و گسترش روابط متقابل اقتصادی، از میزان افت اقتصادی کشور کاسته شد و تولیدات در بسیاری از فعالیتهای اقتصادی کشور افزایش یافت.

۲ ـ ۳کشاورزی

مهمترین بخش اقتصادی ازبکستان را بخش کشاورزی تشکیل می‌دهد و محصولات

زراعی اولین منبع درآمد کشور هستند. حدود ۴۰درصد از تولیدات ازبکستان در بخش کشاورزی تهیه می‌شود. در سال ۱۹۸۸م /۱۳۶۷ش حدود ۵۰درصد از جمعیت فعال کشور در فعالیتهای زراعی مشغول کار بودند.(۴۶)

۱ـ۲ـ۳زراعت

مهمترین مشکل زراعت ازبکستان، کم آبی است و از دیرباز برای رفع این نقیصه، کانالهای آبرسانی برای انتقال آب سیردریا و آمودریا احداث شده‌اند، این فعالیتها در طی چند دهۀ اخیر شدت بیشتری یافت که حاصل آن، افزایش سطح زیرکشت، بالارفتن بازده محصولات و اثرات زیانبار زیست محیطی جبران‌ناپذیر بود.

طرحهای آبرسانی ضمن آن که سبب زیرکشت رفتن زمینهای بایر شد از وسعت اراضی دیمی کاست و بر سطح زیرکشت آبی افزود. به طوری که حدود ۸۶ درصد از اراضی زیرکشت ازبکستان را زمینهای آبی تشکیل می‌دهند.

به غیر از اراضی که در سالهای اخیر از طریق آبیاری و کانال کشی به زیر کشت رفته‌اند، نواحی حاصلخیز و مساعدی وجود دارند که سابقه کشت و زرع درآنها به چندین قرن قبل می‌رسد. درۀ چو در حدفاصل ازبکستان و قزاقستان، حوضۀ رودخانه فرغانه، درۀ زرافشان و حواشی رودخانه‌های سیردریا و آمودریا مهمترین این نواحی هستند. درۀ فرغانه از حاصلخیزترین نقاط زراعی جهان به شمار می‌رود.

در میان محصولات زراعی، پنبه اهمیت ویژه‌ای دارد. حدود ۶۰درصد از بهترین زمینهای زراعی ازبکستان به کشت پنبه اختصاص یافته است واین محصول ۴۰ درصد از تولید زراعی و بیش از ۷۰ درصد صادرات کشور را تشکیل می‌دهد. تا پیش از استقلال از نظر میزان تولید پنبه ازبکستان چهارمین تولید کننده بود و با کاهش تولید در سالهای پس از استقلال، پنجمین تولید کننده پنبه در سطح جهان به شمار می‌آید.

گندم دیگر محصول زراعی است که اراضی زیادی به کشت آن اختصاص یافته است. ولی محصول تولیدی فقط ۲۵ درصد نیاز داخلی را بر طرف می‌کند و ازبکستان ناچار به خرید ۵ میلیون تن گندم در سال است.(۴۷)

غلات، حبوبات، سبزی، میوه، چغندر قند، برنج و کنف از دیگر محصولات زراعی

ازبکستان هستند که از سطح زیر کشت آنها در دو دههٔاخیر کاسته شده و به کشت پنبه اختصاص یافته است (جدول ۱۱ ـ ۲).

جدول ۱۱ ـ ۲ سطح زیرکشت سه محصول عمدهٔ ازبکستان در سالهای ۱۹۴۰ تا ۱۹۸۸م/۱۳۱۹ تا ۱۳۶۷ش (هزار هکتار)[۴۸]

سال / نوع محصول	۱۹۴۰م/ ۱۳۱۹ش	۱۹۵۰م/ ۱۳۲۹ش	۱۹۶۰م/ ۱۳۳۹ش	۱۹۷۰م/ ۱۳۴۹ش	۱۹۸۰م/ ۱۳۵۹ش	۱۹۸۸م/ ۱۳۶۷ش
پنبه	۹۲۳/۵	۱۰۹۸	۱۳۸۶	۱۷۰۹	۱۸۷۷	۲۰۱۷
حبوبات	۱۴۷۹	۱۱۰۲	۸۹۴	۱۱۵۹	۱۱۷۳	۷۰۰[۴۹]
برنج	۸۰۴	۵۲۸	-	-	۹۴۲[۵۰]	-

در جدول ۱۱ ـ ۲ مشاهده می‌شود سطح زیرکشت پنبه در دورهٔ زمانی مذکور همواره روند افزایشی داشته است. در حالی که سطح زیرکشت محصول برنج ابتدا با کاهش و سپس با افزایش مواجه بوده است.

سطح زیرکشت حبوبات وضعیت خاصی داشته، ابتدا سطح زیرکشت این محصول کاهش یافته، سپس در سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰م/۱۳۳۹ تا ۱۳۵۹ش افزایش یافته و مجدداً از سال ۱۹۸۰م/۱۳۵۹ش به بعد با کاهش روبرو شده است. میزان تولید برخی محصولات زراعی ازبکستان در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش در جدول ۱۲ ـ ۲ نشان داده شده است.

۲ ـ ۲ ـ ۳ دامداری

کوهها و پایکوههای قسمت شرقی و جنوبی شرقی کشور که در فصول گرم سال علوفهٔ لازم برای تغذیهٔ دامها را فراهم می‌کند، سبب رونق دامداری در ازبکستان شده است. تا پیش از تشکیل اتحاد جماهیر شوروی دامداری به شیوهٔ کوچ نشینی و نیمه کوچ‌نشینی یکی از شیوه‌های رایج و مهم گذران زندگی در میان ساکنان این سرزمین بود. با ایجاد سیستم اقتصاد دولتی، دامداری تبدیل به دامپروری شد و برای نیل به اهداف

تعیین شده، از جدیدترین روشهای علمی دامپروری استفاده شد.

جدول ۱۲ ـ ۲ میزان تولید برخی از محصولات زراعی ازبکستان در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش (هزار تن)[۵۱]

محصول	میزان تولید
انگور	۹۶۰
برنج	۵۳۰
پنبه	۴۰۰۰
جو	۳۰۰
ذرت	۴۴۵
سیب زمینی	۳۳۵
سبزی	۳۷۵۰
صیفی‌ها	۵۶۰
میوه	۹۶۰

در کنار تولید فراورده‌های گوشتی و لبنیات، پرورش گوسفندان قره‌گل برای استفاده از پوست مرغوب آنها یکی از اهداف عمدهٔ دامپروری در ازبکستان است این محصول یکی از اقلام صادراتی کشور را تشکیل می‌دهد، به همین دلیل تعداد گوسفند بیش از سایر دامها است (جدول ۱۳ ـ ۲).

جدول ۱۳ ـ ۲ تعداد دامهای زنده ازبکستان در سال ۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش (هزار رأس)[۵۲]

دام	تعداد
گاو	۵۱۰۰
گوسفند	۹۲۰۰
بز	۹۰۰
خوک	۹۰۰
اسب	۱۰۸

پرورش کرم ابریشم، تولید پیله و تهیهٔ ابریشم در ازبکستان سابقهٔ طولانی دارد و اکنون نیز این فعالیت رونق بسیاری دارد. گرچه امکان استفاده و بهره‌برداری از بخشی از محصول در کشور فراهم است.

بدلیل نبود امکانات و صنایع مورد نیاز برای تبدیل محصولات زراعی و دامی، ازبکستان ناچار است فقط ۱۲ درصد پنبه، ۲۰درصد پوست و ۶۰درصد ابریشم تولیدی را در داخل کشور به محصولات نهایی تبدیل کند[۵۳] و بقیه تولیدات به صورت مواد خام صادر می‌شوند.

۳ـ ۳ منابع معدنی

فراوانی انواع مواد کانی سبب شده از بکستان از این نظر کشوری ثروتمند باشد، گاز، نفت، زغال سنگ، طلا، نقره، اورانیوم، مس، تنگستن، آلومینیوم و سنگهای ساختمانی مهمترین کانیهای این سرزمین هستند (جدول ۱۴ ـ ۲). حوضه‌های فرغانه، سیردریا، آمودریا و همچنین اطراف شهرهای تاشکند و بخارا مراکز عمده استخراج کانیهای مذکور هستند.

جدول ۱۴ ـ ۲ میزان تولید برخی از مواد معدنی ازبکستان در سال ۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش[۵۴]

نام محصول	میزان تولید
زغال سنگ (میلیون تن)	۴۱/۱
مس (۱۰۰۰تن)	۶۳
روی (۱۰۰۰تن)	۲۲/۵
نقره (تن)	۴۲

نفت و گاز از منابع معدنی مهم ازبکستان به شمار می‌روند. برخی از حوزه‌های نفت و گاز به مرحلهٔ بهره‌برداری رسیده و برخی هنوز در مرحلهٔ شناسایی قرار دارند، به نظر می‌رسد با بهره‌برداری از منابع موجود و شناسایی حوزه‌های جدید، ازبکستان از نظر تولید نفت به مرحلهٔ خودکفایی برسد و گاز مازاد بر نیازش را صادر کند. حدود ۵۰ میدان نفت و گاز در این جمهوری کشف شده است.

۱ ـ ۳ ـ ۳ نفت

اکتشاف نفت در ازبکستان تاریخچهٔ طولانی دارد. حوضهٔ فرغانه مهمترین ناحیهٔ نفت و گاز این سرزمین است. اولین چاه اکتشافی ناحیهٔ فرغانه در سال ۱۸۸۰م /۱۲۵۹ش به نفت رسید و اولین تولید رسمی در سال ۱۹۰۴م /۱۲۸۳ش از همین حوزه استخراج شد.

پس از استقلال توجه زیادی به اکتشاف نفت و گاز در ازبکستان شد و در سال ۱۹۹۲م /۱۳۷۱ش چند چاه نفت کشف و به مرحلهٔ استخراج رسید که از میان آنها چاه نفت نزدیک شهرستان منیک بولاغ با فوران زیاد بیش از چاههای دیگر در تأمین نفت ازبکستان مؤثر بود.

میزان تولید نفت ازبکستان حدود ۲/۸ میلیون تن در سال است و این کشور برای تأمین انرژی مورد نیاز خود سالانه ۴/۵ میلیون تن نفت از روسیه وارد می‌کند. پیش‌بینی می‌شود با استخراج و بهره‌برداری از چاههای نفت تازه کشف شده، این سرزمین به زودی از واردات نفت بی‌نیاز شود.

۲ ـ ۳ ـ ۳ گاز

منابع گاز نقش مهمّی در تأمین انرژی و سوخت مورد نیاز ازبکستان دارند. حوزهٔ فرغانه و اطراف بخارا و خیوه مهمترین میادین گازی ازبکستان هستند. برآورد شده فقط در میادین گاز بخارا و خیوه حدود ۷۵۰ میلیارد متر مکعب و در گازلی، بزرگترین میدان گازی آن حدود ۴۰۰ میلیارد مترمکعب[۵۵] ذخیرهٔ گاز وجود دارد.

میزان تولید گاز در ازبکستان بیش از نیاز داخلی است واین کشور تا پیش از استقلال مازاد تولید خود را به روسیه صادر می‌کرد و پس از استقلال ضمن حفظ رویهٔ سابق، تصمیم دارد گاز خود را به سایر مشتریان تحویل دهد. بویژه که تولید گاز کشور در دو دههٔ اخیر بیش از ۳۰درصد افزایش یافته است (جدول ۱۵ ـ ۲).

جدول ۱۵ ـ ۲ میزان تولید گاز ازبکستان در سالهای
۱۹۷۰ تا ۱۹۹۲م/۱۳۴۹ تا ۱۳۷۱ش (میلیارد متر مکعب)[۵۶]

سال	۱۹۷۰م/۱۳۴۹ش	۱۹۷۹م/۱۳۵۸ش	۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش
میزان تولید	۳۱/۴	۳۵/	۴۱/۶

زغال سنگ دیگر مادهٔ سوختی است که تولید آن در فاصلهٔ چهل سال سه برابر شده است (جدول ۱۶ ـ ۲). مهمترین حوزه‌های زغال سنگ ازبکستان در درهٔ فرغانه و اطراف شهر نمنگان واقعند.

جدول ۱۶ ـ ۲ تولید زغال سنگ ازبکستان در سالهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۹۲م/۱۳۲۹ تا ۱۳۷۱ش (میلیون تن)[۵۷]

سال	۱۹۵۰م/۱۳۲۹	۱۹۶۰م/۱۳۳۹ش	۱۹۷۰م/۱۳۴۹ش	۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش
میزان تولید	۲	۳	۴	۶/۲

طلا یکی از مهمترین منابع معدنی ازبکستان است. این ماده با بالاترین کیفیت یعنی درجه خلوص ۹۹/۹۹ استخراج می‌شود.[۵۸] میزان تولید طلای ازبکستان در سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش، ۷۵تن بوده[۵۹] و این سرزمین در میان کشورهای تولید کننده مقام هشتم را دارد.

۴ ـ ۳ صنایع

صنایع ازبکستان عمدتاً در بخش استخراج و تصفیه مواد معدنی و تأمین نیازهای بخش کشاورزی ومواد غذایی متمرکز شده‌اند. حدود ۱۸درصد از شاغلان جمهوری در صنایع استخراج و پالایش نفت و گاز، ذوب فلزات، تولید مواد شیمیایی، تولید ماشینهای کشاورزی، مواد غذایی، ریسندگی، بافندگی و تولید کالاهای خانگی اشتغال دارند و تولیدات صنعتی حدود ۳۰ درصد از کل تولید کشور را تأمین می‌کنند.

تا پیش از استقلال ازبکستان فعالیتهای صنعتی و درآمدهای حاصل از تولیدات صنعتی همراه با افزایش بود، اما پس از فروپاشی شوروی و آغاز اصلاحات اقتصادی بخش صنعت نیز مشابه سایر فعالیتهای اقتصادی با مشکلات و موانعی مواجه شد که کاهش تولیدات صنعتی را به همراه داشت. به طوری که در ماههای اولیهٔ سال ۱۹۹۴م/۱۳۷۳ش تولیدات صنعتی نسبت به سال قبل ۳۳درصد اُفت داشته است.

با فراهم شدن شرایط ثبات اقتصادی از اوایل سال ۱۹۹۶م/۱۳۷۵ش تولید برخی از محصولات صنعتی برخلاف ۶ سالهٔ قبل از آن، افزایش یافت. و برخی دیگر از محصولات همچنان با کاهش تولید مواجه است (جدول ۱۷ ـ ۲).

جدول ۱۷ ـ ۲ تولید برخی کالاهای ازبکستان در سه ماهه اول سال ۱۹۹۶م/۱۳۷۵ش نسبت به مدت مشابه سال ۱۹۹۵م/۱۳۷۵ش (۱۰۰=۱۹۹۵)(۶۰)

نوع کالا	میزان تولید
کالاهای مصرفی	۱۰۳
مواد غذایی	۱۰۲
کالاهای غیر ارزاقی	۹۹
صنایع سبک	۱۰۸

ازبکستان در چند ساله اخیر برای بهبود کیفیت کالاهای صنعتی و همچنین تولید کالاهای دیگر اقدام به جلب مشارکت فنی و مالی کشورهای دیگر، بویژه اروپا و امریکا کرده است. همچنین با واگذاری تدریجی واحدهای صنعتی به بخش خصوصی و تشویق آنان به تولید بهتر و بیشتر، سعی در افزایش تولید کالاهای صنعتی کشور دارد (جدول ۱۸ـ۲).

جدول ۱۸ ـ ۲ میزان تولید برخی از واحدهای صنعتی ازبکستان در سال ۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش (۶۱)

نوع کالا	میزان تولید
آهن	۷۶۱ هزار تن
اسید سولفوریک	۲/۳۹ میلیون تن
الیاف پنبه‌ای	۱/۵۳ میلیون تن
الیاف مصنوعی	۴۹ هزار تن
پشم	۲۵/۳ هزار تن
پارچه پنبه‌ای	۳۹۱/۷ میلیون متر مربع
تراکتور	۲۱/۱ هزار دستگاه
سیمان	۶/۱۹ میلیون تن
فولاد	۸۶۰ هزار تن
قالی و قالیچه	۵/۷۵ میلیون متر مربع
کودهای معدنی	۱/۶۶ میلیون تن
مواد پاک کننده	۲۱۱ هزار تن
مواد پلاستیکی	۱۴۲ هزار تن

۵ ـ ۳ انرژی

در کنار گاز و زغال سنگ، انرژی حاصل از نیروگاههای آبی نقش مهمی در رفع نیازهای داخلی دارند. به همین سبب ازبکستان برای تأمین برق مورد نیاز خود وابستگی زیاد به منابع آب جاری دارد که از تاجیکستان و قرقیزستان سرچشمه می‌گیرند. از میان منابع انرژی ازبکستان از نظر میزان تولید و برق آبی خود کفاست، در حالی که میزان مصرف نفت آن سه برابر میزان تولید (۶۱/۸ میلیون بشکه) و میزان مصرف زغال سنگ بیش از ۱/۵ برابر (۱۰/۴ میلیون تن) مقدار تولید می‌باشد و ازبکستان به ناچار کسری تولید خود را وارد می‌کند. میزان انرژی قزاقستان در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش به شرح زیر بوده است[۶۲]:

زغال سنگ	نفت	گاز	برق
(میلیون تن)	(میلیون‌بشکه)	(میلیاردمتر مکعب)	(میلیاردکیلووات‌ساعت)
۶/۲	۲۰/۶	۴۱/۶	۵۷/۴

۶ ـ ۳ حمل و نقل

شبکه حمل و نقل زمینی بویژه راه‌آهن مهمترین وسیلهٔ جابجایی کالا و مسافر در ازبکستان محسوب می‌شود. این سرزمین به سبب محصور بودن در خشکی فاقد راه آبی است و به دلیل دارا بودن موقعیت مرکزی در میان کشورهای آسیای مرکزی، در واقع پل ارتباطی میان این کشورها است و خطوط آهن، در برقراری این ارتباط نقش اساسی دارند. طول راه آهن این جمهوری در سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش حدود ۳۵۰۰کیلومتر بوده است و ازبکستان از طریق راه‌آهن با تمام کشورهای پیرامون خود ارتباط دارد. گرچه به دلیل پیوستگی شبکهٔ راه‌آهن آسیای مرکزی در ایام تسلط روسها و نبود خطوط آهن به طور جداگانه در سطح هر جمهوری، پس از استقلال مشکلاتی در بهره‌برداری از راه‌آهن بروز کرده است. به طور نمونه می‌توان از عبور بخشی از راه‌آهن بخارا به اورگنج و بخارا به ترمذ از جمهوری ترکمنستان و سمرقند به خوقند از جمهوری تاجیکستان اشاره کرد.

در شرایط کنونی و با حفظ روابط سیاسی و اقتصادی جمهوریهای آسیای مرکزی در قالب کشورهای مستقل مشترک‌المنافع، این مشکلات چندان قابل توجه و چشمگیر به نظر نمی‌رسند. اما اگر وضعیت کشورها تغییر کند و روابط کنونی سست شود آنگاه استفاده از خطوط آهن مواجه با مشکل بزرگی خواهد شد.

راههای اسفالته و جاده‌ای ازبکستان با حدود ۸۹ هزار کیلومتر طول سطح کشور را فراگرفته و نقاط مختلف را به هم ارتباط می‌دهند. تراکم راههای جاده‌ای در بخش شرقی کشور که شهرهای مهم و پرجمعیت قرار دارند و همچنین در شمال شرقی که پایتخت ازبکستان قرار دارد، بیشتر و در ناحیهٔ صحرایی قزل قوم کمتر است (نقشهٔ ۲۶).

۷ـ ۳ بازرگانی خارجی

ازبکستان تا پیش از فروپاشی شوروی سابق فقط با جمهوریهای اتحادجماهیر شوروی روابط تجاری داشت. پس از تحولات سیاسی سالهای ۱۹۸۹ـ۱۹۹۰م /۱۳۶۸ ـ۱۳۶۹ش، مقامات دولتی تلاش کردند تا ضمن حفظ روابط سابق، با سایر نقاط جهان نیز روابط تجاری برقرار نمایند و موفق شدند با بیش از ۵۰ کشور جهان مبادلات بازرگانی برقرار کنند.

در زمان سلطه روسها، به دلیل آن که فعالیتهای اقتصادی در یک زنجیرهٔ به هم پیوسته میان جمهوریهای اتحاد شوروی برقرار بود و تبادلات تجاری نیز به صورت تهاتری میان کشورها انجام می‌شد، کسری موازنهٔ تجارت خارجی چندان مطرح نبود، اما پس از کسب استقلال، حجم بیشتر واردات نسبت به صادرات (جدول ۱۹ـ۲) ازبکستان را با کسری موازنه خارجی مواجه کرده است.

جدول ۱۹ ـ ۲ حجم تجارت خارجی ازبکستان در سالهای
۱۹۹۲ ـ ۱۹۹۳م/۱۳۷۱ ـ ۱۳۷۲ش (میلیون دلار)[۶۳]

سال / تجارت	۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش	۱۹۹۳م/۱۳۷۲ش
واردات	۹۲۹/۳	۸۶۹/۳
صادرات	۹۴۷/۳	۷۰۶/۵

نقشه ۲۶

مشاهده می‌شود که در سال ۱۹۹۳م /۱۳۷۲ش از ارزش کالاهای صادراتی کاسته و بر ارزش کالاهای وارداتی افزوده شده است. کاهش تولیدات داخلی مهمترین علت این رویکرد به شمار می‌آید.

کالاهای صادراتی ازبکستان پنبه و تولیدات صنایع وابسته بـه کشاورزی است واز اقلام وارداتی آن غلات، شکر، نفت و مـواد اولیـه را بـه عـنوان مـهمترین مـحصولات می‌توان برشمرد.

شریکهای تجاری ازبکستان در ردیف اول روسیه و بعد از آن جمهوریهای شوروی سـابق است. در سـال ۱۹۹۱م /۱۳۷۰ش مـیزان صـادرات ایـن جـمهوری بـه دیگـر جمهوریهای شوروی سابق ۳۱درصد و به سایر کشورهای جهان ۴درصد تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌داد. در همین سال حجم واردات از جمهوریهای مذکور ۳۰درصد و از سایر نقاط جهان ۶درصد تولید ناخالص داخلی بوده است.

در سال ۱۹۹۳م /۱۳۷۲ش حدود ۵۳ درصد کالاهای صادراتی به روسیه، ۱۶درصد به قزاقستان، ۱۲درصد به تاجیکستان، ۷درصد به اوکرایـن، ۶درصـد بـه تـرکمنستان و ۶درصد به سایر کشورها صادر شده و در همین سال ۵۴درصد از کالاهای وارداتی از روسیه، ۱۴درصد از قـزاقسـتان، ۱۲درصـد از تـاجیکستان، ۱۰درصـد از تـرکمنستان، ۶درصد از اوکراین و ۱۴درصد از سایر کشورها تأمین شده است[۶۴].

۸ـ ۳ روابط خارجی

از ابتدای استقلال ازبکستان، این کشور در برقراری و گسترش روابـط اقـتصادی ـ سیاسی و فرهنگی با بسیاری از کشورهای جهان تلاش فراوانی کرده است. همزمان با آن شماری از کشورها برای بهره‌برداری از موقعیت جغرافیایی ممتاز، توان اقتصادی نسبتاً مناسب و بازار مصرف پرجمعیت این کشور، در مقایسه با سـایر جـمهوریهای آسـیای مرکزی، فعالیت گسترده‌ای را برای نفوذ در ازبکستان آغاز کردند.

مقامات بلندپایهٔ ازبکستان با وجود بروز مشکلاتی در روابط تجاری با روسیه، این کشور را به عنوان بزرگترین و مهمترین شریک خود اعلام کردند، و با تأکید بـر تـداوم روابـط گسـترده بـا مسکـو بـه بـرقراری روابـط مـتقابل بـا سـایر کشـورهای جـامعهٔ

مشترک‌المنافع، بویژه جمهوریهای آسیای مرکزی، اقدام کردند. تشکیل اتحادیه‌ای متشکل از ازبکستان، قزاقستان و قرقیزستان نمود عینی، تمایل و تلاش ازبکستان بود.

ازبکها در توسعهٔ روابطشان با کشورهای جهان بیشتر به روابط اقتصادی توجه داشتند و خود نیز برای جلب مشارکت اقتصادی آنها، اقدام زیادی در اصلاح و بهبود ساختار اقتصادی کشور و قوانین حاکم برآن انجام دادند. در میان کشورهای جهان، ترکیه از این قاعده مستثنا بود.

ازبکستان روابط نزدیک و گسترده‌ای با ترکیه برقرار کرد. ترکیه به عنوان یک کشور مسلمان‌نشین که سیستم سیاسی آن مورد حمایت غرب است وهمچنین به عنوان کشوری که پرچمدار هویت ترکی است، مورد توجه مقامات ازبکستان قرار گرفت و حتی این کشور ترکیه را به عنوان الگویی برای توسعه اجتماعی واقتصادی خود معرفی کردند. ترکیه نیز از جایگاه ویژهٔ خود در روابطش با ازبکستان بهره جست و ضمن پخش برنامه‌های تلویزیونی کشورش و برقراری روابط فرهنگی از طریق مراکزعلمی خود، روابط خود با ازبکستان را استحکام بخشید. بدیهی است که در این رویکرد روابط اقتصادی دو کشور بی تأثیر نبوده است.

عربستان سعودی دیگر کشور فعال در ازبکستان است. در سالهای پیش از استقلال، مرکز روحانی آسیای مرکزی که در تاشکند مستقر بود، روابط نزدیکی با عربستان سعودی داشت. اکنون عربستان در تداوم آن رابطه و همچنین به منظور جلوگیری از توسعهٔ روابط ایران با ازبکستان و گسترش نفوذ خود، سیاست فعالی را در پیش گرفته است. ازبکستان نیز به انگیزهٔ برخورداری از کمکهای مالی عربستان و با توجه به حضور شمار زیادی از ازبکها در این کشور که به تجارت مشغولند، تمایل زیادی برای گسترش روابط با عربستان سعودی نشان داد، بنابراین مشاهده می‌شود که عربستان سعودی در آسیای مرکزی گسترده‌ترین روابط را با ازبکستان دارد و سرمایه‌گذاریهای بسیاری در این جمهوری انجام داده است. ضمن آن که برای نفوذ فرهنگی و مذهبی خود طرحهایی را به اجرا در آورده است. برای نمونه وزیر خارجه عربستان در سفرش به تاشکند یک میلیون نسخه قرآن کریم به این جمهوری هدیه کرده است. عربستان همچنین به طور غیرمستقیم از نهادهای اسلامی این کشور حمایت می‌کند.[۶۵]

ازبکستان برای جذب سرمایه‌های خارجی و برخورداری از کمکهای فنی و تأمین نیازهای خود با کشورهای متعدد روابط تجاری و سیاسی برقرار کرده است. به طوری که تعداد زیادی سرمایه‌گذاری مشترک و چندین مورد قرارداد صادرات و واردات را به ثبت رسانده است. امریکاییها بیشترین سهم را در سرمایه‌گذاری‌های مشترک داشته‌اند، ضمن آن که در ردیف نخستین کشورهایی بودند که سفارت خود را در ازبکستان افتتاح کردند و با برقراری روابط نزدیک با مقامات بلندپایهٔ حکومت ازبکستان، سعی دارند بر میزان نفوذ سیاسی خود و کنترل این کشور بیفزایند.

به غیر از کشورهای مذکور ازبکستان با بیش از ۵۰ کشور جهان روابط تجاری برقرار کرده است. به طور مثال هند در زمینه احداث کارخانه‌ها،(۶۶) رژیم صهیونیستی در اجرای طرحهای آبرسانی،(۶۷) کره جنوبی در احداث کارخانه‌های ماشین سازی و... در ازبکستان فعالیت می‌کند. برخی از کشورهای دیگر شریک تجاری ازبکستان عبارتند از: ایران، افغانستان، چین، مصر، مالزی، بنگلادش، مجارستان، چک، اسلواکی، بلغارستان، لهستان و...

تا اواسط سال ۱۹۹۴م /۱۳۷۳ش تعداد مؤسسات اقتصادی که با سرمایهٔ خارجی در ازبکستان تأسیس شده، ۱۱۰۰ مورد بوده که تعداد ۱۰۰۵ مورد آن سرمایه‌گذاری مشترک، ۸۵ مورد آن دفاتر بازرگانی و ۱۰ مورد آن شرکتهایی با سرمایه‌گذاری کاملاً خارجی بوده است. در میان کشورهای جهان امریکا با ۱۶۰ مورد، ترکیه با ۱۳۱ مورد، افغانستان با ۷۸ مورد، چین با ۷۰ مورد، پاکستان با ۵۴ مورد، روسیه با ۴۰ مورد، آلمان با ۳۰ مورد و هند با ۲۱ مورد بیش از کشورهای دیگر در ازبکستان سرمایه‌گذاری کرده‌اند.(۶۸)

۱ ـ ۸ ـ ۳ روابط با ایران

وجوه مشترک تاریخی، فرهنگی و مذهبی شرایط و زمینه مناسب لازم را برای اشتراک مساعی، برقراری روابط پایدار و گسترش مبادلات فرهنگی واقتصادی بین دو کشور فراهم کرده است. حضور حدود دویست هزار ایرانی تبار در سمرقند و بخارا که از اعقاب بازرگانان و مهاجران خراسان هستند، شاهدی است بر سابقهٔ طولانی روابط میان

دو کشور. این افراد حدود یک قرن قبل در دو شهر مذکور تجارت وکسب داشتند و تاکنون آداب و رسوم خود را زنده نگاه داشته و تا حدودی زبان و هویت خود را حفظ کرده‌اند.

بازدید رؤسای جمهوری دو کشور از سرزمینهای یکدیگر، گشایش سفارتخانه‌ها، برقراری ارتباط هوایی، و امضای قراردادهای تجاری متعدد، حاصل آمد و شدهای مکرر مقامات بلندپایهٔ دو کشور است.

تبادل کالاهای تولیدی دو کشور واستفاده از خطوط ترانزیت ایران مهمترین جنبه‌های روابط تجاری دو کشور است. خرید پنبهٔ تولید ازبکستان و همچنین انتقال این کالا به کشورهای مصرف کننده از طریق ایران در سالهای اخیر مهمترین زمینهٔ تجاری دو کشور بوده است. به طوری که در سال ۱۹۹۶م/۱۳۷۵ش نزدیک به ۱۸۰ هزار تن پنبه ازبکستان از خاک ایران ترانزیت و به بندر عباس و مرزهای ترکیه حمل شده است. همچنین نیروهای متخصص ایرانی نیز در امور مختلف این کشور را یاری می‌کنند. مرمت برخی از آثار باستانی این کشور به وسیلهٔ متخصصان کشورمان از آن جمله است.

گرچه مقامات ازبکستان در احیای هویت ازبکی بسیار می‌کوشند و حساسیت بسیاری نسبت به اسلام سیاسی دارند، اما تداوم و گسترش روابط دوستانه و نزدیک میان ایران و ازبکستان ضمن آن که منافع اقتصادی برای طرفین به همراه دارد، امید به تداوم صلح وامنیت و برقراری وحدت میان کشورهای منطقه را افزایش می‌دهد. امری که رسیدن به آن نیازمند گسترش روابط متقابل بیش از میزان کنونی می‌باشد.

یادداشتها

۱ ـ «آب و هوای منطقه‌ای جمهوریهای آسیای مرکزی»، ص ۳۳ ـ ۳۴.

۲ ـ فرانکلین، گرگوار، *باستانشناسی در آسیای مرکزی*، ترجمهٔ صادق ملک شهمیرزادی، ص ۱۴۰.

۳ ـ باکتریا یا باختریا قدیم‌ترین کشور در محدودهٔ رشته کوههای هندوکش تا رود جیحون که مرکز آن شهر بلخ بود.

۴ ـ «سکا» نام قومی مختلط که عنصر آریایی در آن غالب بود، این قوم در زمان هخامنشیان و پیش از آنان

در پیرامون ایران می‌زیسته‌اند. این قوم در ازمنهٔ تاریخی از ترکستان چین تا دریای آرال و ایران و حتی تا رود «دُن» منتشر بودند و در نواحی مختلف اسامی گوناگونی داشتند. در قرن هفتم قبل از میلاد این گروه از طریق شمال کشور به ایران وارد شدند و پس از شکست مادها ضمن تصرف بخش شمالی ایران تا دریای مدیترانه پیش رفتند وغارت و ویرانی بسیاری از خود بجا گذاشتند، این تاخت و تاز سکاها مدت ۲۸ سال طول کشید تا سرانجام هوخشتره پادشاه ماد سرداران آنها را کشت واین قوم مطیع ایرانیان شده و در زمان داریوش هخامنشی کشور سکاها ایالت پانزدهم ایران را تشکیل می‌داد. در زمان اشکانیان سکاها و یوئه چی‌ها برای به دست آوردن اراضی جدید به سوی ایران و باکتریا سرازیر شدند. اشکانیان طی نبردهای متعدد موفق شدند جلوی آنها را بگیرند، اما حکومت باکتریا نتوانست مانع آنها شود و سکاها به سوی جنوب و شرق حرکت کرده و ابتدا بر زرنگ مسلط شدند و سپس کابل را تسخیر کرده و به سوی هند راندند و دولت «هندوسکایی» را به وجود آورد. زرنگ از آن زمان به نام سکاها به «سکستان» یا «سیستان» معروف شد. *لغت‌نامهٔ دهخدا*، ذیل نام سکا و معین، محمّد، فرهنگ *فارسی*، جلد پنجم، ذیل نام سکا.

۵ ـ هونها قومی زردپوست بودند که ازسلسله جبال آلتایی به سایر نقاط رفتند. در اوایل قرن دوم میلادی آنها در شمال دریای خزر تا نزدیکی رود ولگا و کوههای اورال سکونت داشتند. سپس گروهی از آنها به سوی اروپا رفته و پس از جنگهای متعدد دولت بزرگی تشکیل دادند که بعد از مرگ «آتیلا» رهبر آنها منقرض شد. دسته دیگری از هونها به آسیا رفتند و در ترکستان ساکن شده و چندین بار به ایران حمله کردند، این گروه را هیاطله یا هتپالیان گویند. لغت نامه دهخدا، ذیل نام هون.

۶ ـ محدوده تحت تصرف خانات آسیای مرکزی عبارت بود از :

ـ خانات خیوه، اراضی ساحل جنوبی دریاچهٔ آرال

ـ خانات بخارا، سرزمین کنونی ازبکستان و تاجیکستان

ـ خانات خوقند، اراضی دو سوی سیردریا از دریاچهٔ آرال تا قرقیزستان کنونی.

۷ ـ اولکات، مارتابریل، «سیاست در آسیای مرکزی پس از فروپاشی امپراطوری»، ترجمهٔ الهه لاکویی، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، س ۱، ش ۲، ص ۶۲.

۸ ـ حزب احیای اسلامی در برخی منابع حزب تجدید حیات اسلام ذکر شده است.

۹ ـ *اقوام مسلمان اتحاد شوروی*، ص ۳۲۹ ـ ۳۵۰؛ شیرازی، ابوالحسن، ملیتهای آسیای میانه، ص ۷۴؛ «تحولات آسیای مرکزی»، ص ۲۱.

۱۰ ـ شارپیف، آلیشر، «ازبکستان کشوری کشف نشده»، ترجمهٔ قاسم ملکی، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، س ۲، ش ۲، ص ۱۵.

۱۱ ـ امانی، مهدی، «نظری اجمالی بر جمعیت جمهوریهای آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان»، ترجمهٔ رویا درانی، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، س ۱، ش ۳،

ص ۲۱۷.

۱۲ ـ همان، ص ۲۰۸.

۱۳ ـ همان، ص ۲۰۶؛ مدیریت نقشه‌برداری و جغرافیای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، *جغرافیای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی*، بخش دوم، ص ۲۱۶.

۱۴ ـ «نظری اجمالی بر جمعیت جمهوریهای آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان»، ص ۲۱۴.

۱۵ ـ همان، ص ۲۱۵.

۱۶ ـ ابوطالبی، مرتضی، «آسیای مرکزی: جغرافیای سیاسی»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، س ۱، ش ۲، ص ۳۳.

۱۷ ـ ازبکستان کشوری کشف نشده، ص ۱۵۰.

۱۸ ـ *ریشه‌های رفتار سیاسی در آسیای مرکزی و قفقاز*، ص ۱۹۷.

۱۹ ـ *اقوام مسلمان اتحاد شوروی*، ص ۳۲۷.

۲۰ ـ ریوکین، مایکل، «دکترین مونروئه، روسیه و ثبات منطقه»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، س ۳، ش ۸، ص ۷۲.

۲۱ ـ *ریشه‌های رفتار سیاسی در آسیای مرکزی*، ص ۱۸۳.

۲۲ ـ دلدم، اسکندر، *سیر و سیاحت در اتحاد شوروی*، ص ۱۶۲.

۲۳ ـ «آسیای مرکزی: چالشها و راه‌حلها»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، س ۵ ش ۱۳، ص ۳۲۷.

۲۴ ـ *ملیتهای آسیای میانه*، ص ۸۰ ـ ۸۱.

۲۵ ـ *حکومت مسکو و مسأله مسلمانان*، ص ۹۲.

۲۶ ـ *اقوام مسلمان اتحاد شوروی*، ص ۳۵۸.

۲۷ ـ تیسون، دیوید، «نقش رسانه‌های سمعی غیر رسمی در ازبکستان»، ترجمهٔ قاسم ملکی، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، س ۴، دوره دوم. ش ۱۱، ص ۱۵۷ ـ ۱۵۸

۲۸ ـ بارتولد، و.و، *ترکستان نامه*، جلد اول، ترجمهٔ کریم کشاورز، ص ۳۸۳ ـ ۳۹۱.

۲۹ ـ *ویژگیهای جغرافیایی آسیای میانه و قزاقستان*، ص ۸۱ و ۸۷؛ *راهنمای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و جمهوریهای بالتیک*، ص ۵۵.

۳۰ ـ *جغرافیای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی*، بخش دوم، ص ۱۱۹؛ *راهنمای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و جمهوریهای بالتیک*، ص ۵۳.

۳۱ ـ فرای، ریچارد. ن، *بخارا دستاورد قرون وسطی*، ترجمهٔ محمود محمودی، ص ۱۹.

۳۲ ـ برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به: *ترکستان نامه*، ص ۲۴۰ ـ ۲۷۹؛ *بخارا، دستاورد قرون وسطی*.

۳۳ ـ سارلی، اراز محمد، *ترکستان در تاریخ*، ص ۱۶ ـ ۱۸.

۳۴ـ رنجبر، احمد، *خراسان بزرگ*، ص ۷۱.
۳۵ـ پاپادوپولو، آ، *معماری اسلامی*، ترجمهٔ حشمت جزئی، ص ۲۶۶ ـ ۲۷۰؛ دلدم، اسکندر، *سیر و سیاحت در اتحاد شوروی*، ص ۱۶۲؛ پیرنیا، محمدکریم، *شیوه‌های معماری ایرانی*، ص ۲۵۸ ـ ۲۶۳.
۳۶ـ *باستانشناسی در آسیای مرکزی*، ص ۱۹۸.
۳۷ـ *قندیه و سمریه*، بکوشش ایرج افشار، ص ۵۰ ـ ۷۷.
۳۸ـ احمد نژادی، حسن، *سیمای سمرقند*، ص ۴۴ ـ ۴۵؛ *معماری اسلامی*، ص ۲۷۰ ـ ۲۷۴؛ *شیوه‌های معماری ایرانی*، ص ۲۵۷ ـ ۲۶۰؛ بردآبادی، کامبیز، «آسیای میانه در جستجوی هویت» *زمان*، ش ۶، ص ۱۳ ـ ۱۴
۳۹ـ بارتولد، و. و، *گزیده مقالات تحقیقی*، ترجمهٔ کریم کشاورز، ص ۲۹.
۴۰ـ برای آشنایی بیشتر با جغرافیای تاریخی شهرهای ازبکستان ضمن مراجعه به منابع فوق‌الذکر نگاه کنید به: لسترنج، گی، *جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی*، ترجمه محمود عرفان؛ رئیس‌السادات السیدحسین، «تاریخ شهرهای خراسان، بخارا»، *تحقیقات جغرافیایی*، س ۲، ش ۶، ص ۱۲۴ ـ ۱۳۹؛ رئیس‌السادات، سیدحسین، «تاریخ شهرهای خراسان، سمرقند»، *تحقیقات جغرافیایی*، س ۲، ش ۷، ص ۱۷۸ ـ ۱۹۳.
۴۱ـ آمار وارقام ذکر شده در این مبحث، جمهوری قراقالپاق را نیز شامل می‌شود.
۴۲ـ *گزیده مقالات تحقیقی*، ص ۱۹ ـ ۳۱؛ *خراسان بزرگ*، ص ۱۲۵ ـ ۱۴۸.
۴۳ـ *باستانشناسی در آسیای مرکزی*، ص ۳۱۷.
۴۴ـ گوان فو، گو، «ویژگیها و دورنمایی اوضاع آسیای مرکزی در دوران پس از جنگ سرد». ترجمهٔ محمّدجواد امیدوارنیا، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، س ۵، ش ۱۳، ص ۱۱۸ ـ ۱۱۹.
۴۵ـ همان، ص ۱۱۵.
۴۶ـ واتر، ایگور، «آیا آسیای مرکزی منفجر می‌شود»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، س ۲ ش ۱، ص ۱۹۵.
۴۷ـ *ریشه‌های رفتار سیاسی در آسیای مرکزی*، ص ۱۹۸.
۴۸ـ *حکومت مسکو و مسأله مسلمانان*، ص ۷۰؛ *ویژگیهای جغرافیایی آسیای میانه و قزاقستان* ص ۱۴۷ و ۱۴۹.
۴۹ـ این رقم مربوط به سال ۱۹۸۶م/۱۳۶۵ش است.
۵۰ـ این رقم مربوط به سال ۱۹۷۸م/۱۳۵۷ش است.
۵۱ـ *راهنمای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و جمهوریهای بالتیک*، ص ۵۶.
۵۲ـ همان.

۵۳ـ «وضعیت اقتصادی جمهوری ازبکستان»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، س ۱، ش ۴، ص ۲۳۸ ـ ۲۳۹.

۵۴ـ «منابع معدنی و زراعی آسیای مرکزی»، ص ۳۲۲.

۵۵ـ موسوی روحبخش، سید محمد، «برآورد نفت و گاز کشورهای همجوار دریای خزر»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، س ۳، دوره دوم، ش ۸، ص ۵۶.

۵۶ـ «وضعیت کلی انرژی در شوروی»، ص ۵۴؛ *راهنمای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و جمهوریهای بالتیک*، ص ۵۷.

۵۷ـ همان.

۵۸ـ «آسیای مرکزی: جغرافیای سیاسی»، ص ۲۸.

۵۹ـ «ازبکستان کشوری کشف نشده»، ص ۱۵۱.

۶۰ـ «اقتصاد کشورهای مشترک‌المنافع در سه ماهه اول سال ۱۹۹۶م». *اقتصاد خراسان*، س ۴، ش ۱۶۶، ۳شهریور ۱۳۷۵، ص ۵.

۶۱ـ *راهنمای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و جمهوریهای بالتیک*، ص ۵۷.

۶۲ـ همان.

۶۳ـ «وضعیت اقتصادی جمهوری ازبکستان»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، س ۱، ش ۴، ص ۲۳۹.

۶۴ـ *راهنمای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و جمهوریهای بالتیک*، ص ۵۹.

۶۵ـ مؤسسه صلح ایالات متحده، «افغانستان و آسیای مرکزی: چشم اندازهای تحول سیاسی و نقش اسلام»، ترجمهٔ کاملیا احتشامی، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، س ۱، ش ۴، ص ۵۳ ـ ۵۴.

۶۶ـ ثقفی عامری، ناصر، «ایران، هند و آسیای مرکزی»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، س ۲، ش ۴، ص ۳۶۰.

۶۷ـ فریدمن، رابرت، «رژیم صهیونیستی و آسیای مرکزی: تحلیل مقدماتی»، ترجمهٔ بدرالزمان شهبازی، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، س ۲، ش ۲، ص ۱۶۴.

۶۸ـ «ویژگیها و دورنمای اوضاع آسیای مرکزی در دوران پس از جنگ سرد»، ص ۱۱۸.

ص ۱۸۲ سفید

فصل ۳

سرزمین تاجیکستان

۱ ـ ویژگیهای طبیعی

۱ ـ ۱ موقعیت جغرافیایی

جمهوری تاجیکستان با مختصات جغرافیایی ۳۶ درجه و ۵۱ دقیقه تا ۴۱ درجه و ۷ دقیقه عرض شمالی و ۶۷ درجه و ۲۲ دقیقه تا ۷۵ درجه و ۴۷ دقیقه طول شرقی، در جنوب شرقی آسیای مرکزی واقع است. این کشور با ۱۴۳۰۰۰ کیلومتر مربع مساحت کوچکترین کشور آسیای مرکزی محسوب می‌شود.

همسایگان تاجیکستان در شمال قرقیزستان، شمال غربی وغرب ازبکستان، جنوب افغانستان و شرق جمهوری خلق چین هستند. باریکهٔ «وخان» در افغانستان همچون حایلی باریک بین تاجیکستان و پاکستان و هندوستان قرار گرفته است (نقشهٔ ۲۷).

تاجیکستان سرزمین کوههای بلند، دره‌های پرپیچ و خم و رودخانه‌های وسیع و پرآب است. حدود ۹۳درصد از مساحت کشور راکوههای بلند تشکیل می‌دهند و تقریباً نیمی از وسعت آن بیش از سه هزار متر از سطح دریا ارتفاع دارد. زمینهای مسطح و کم‌ارتفاع فقط ۷درصد از مساحت کشور را فرا گرفته‌اند که عمدةً به صورت محدوده‌های کوچک در اطراف رودخانه‌ها و فضاها و دره‌های بین کوهها قرار دارند (نقشه ۲۸).

نقشه ۲۷

۲ ـ ۱ ناهمواریها

از نظر ویژگیهای ژئومورفولوژی سرزمین تاجیکستان را می‌توان به چهار ناحیه تقسیم کرد:

الف ـ ناحیهٔ شمال کشور که به زمینهای پست و فرو رفته درهٔ فرغانه منتهی می‌شود.

ب ـ ناحیهٔ مرکزی که کوهستانی است و ارتفاعات آن، ادامهٔ رشته کوههای تیان‌شان هستند. کوههای آلای، ترکستان، زرافشان، «حصار»[1] و «قراتکین»[2] مهمترین کوههای ناحیه به شمار می‌آیند.

ج ـ در قسمت جنوب شرقی تاجیکستان، بلندیهای پامیر قرار دارند که به دو

1 - Hesar

2 - Karategin

نقشه ۲۸

بخش شرقی وغربی تقسیم می شوند. بلندترین قله‌های تاجیکستان، مانند قلهٔ کمونیزم با ۷۴۹۵ متر بلندی، در همین ناحیه قرار دارند. کوههای «آق‌داغ»[1]، «باباتوق»،[2] «جیلان‌تاق»[3]، «سرسرک»[4]، «قراداغ»[5]، «قراکلیتاق»[6] و وخش[7] مهمترین ارتفاعات ناحیه هستند.

---

1 - Babatog
2 - Akdag
3 - Jelantag
4 - Sarsarak
5 - Karadag
6 - Karakalitag
7 - Vakhsh

د ـ در جنوب غربی کشور دره‌های عمیق و حاصلخیز چشم‌اندازهای ناحیه‌اند (نقشهٔ ۲۸).

بیشتر کوههای تاجیکستان با برفها و یخچالهای دایمی پوشیده شده‌اند و همین وضعیت ناهمواریهای تاجیکستان و وجود ارتفاعات بلند و صعب‌العبور مشکلات زیادی در امر حمل و نقل به وجود آورده و برقراری ارتباط میان نواحی مختلف کشور را با دشواری همراه ساخته است. ضمن آن که سبب تراکم شدید جمعیت در نقاط کم‌ارتفاع و زمینهای مسطح درهٔ فرغانه، وخش و حصار شده است.

۳ ـ ۱ آب و هوا

به دلیل تنوع اشکال ناهمواریها، انواع آب و هوا بویژه در مقیاس محلی در تاجیکستان مشاهده می‌شود، اما بخش عمدهٔ کشور مشابه تمام کشورهای آسیای مرکزی قلمرو اقلیم گرم و خشک، با ویژگیهای بارش اندک و تفاوت درجه حرارت فصلی و شبانه‌روزی می‌باشد.

در نواحی مسطح شمال تاجیکستان متوسط درجه حرارت در ماه ژانویه (دی ماه) که سردترین ماه سال است بین ۲درجه سانتی‌گراد بالای صفر تا ۲ درجه سانتی‌گرد زیر صفر در نوسان است. در همین زمان در نواحی کوهستانی پامیر متوسط درجه حرارت تا ۲۰ درجه سانتی‌گراد زیر صفر کاهش می‌یابد. حداقل مطلق درجه حرارت ثبت شده کشور که ۶۳ درجه سانتی‌گراد زیر صفر است، در همین ناحیه مشاهده شده است.

در ماه ژوئیه (تیرماه) که گرم‌ترین ماه سال به شمار می‌آید، متوسط درجه حرارت هوا در بخشهای شمالی کشور ۳۰ درجهٔ سانتی‌گراد است. همچنین حداکثر مطلق درجه حرارت هوا با ۴۸ درجه سانتی‌گراد در همین ناحیه به ثبت رسیده است. در همین ایام در نواحی کوهستانی جنوب کشور متوسط درجه حرارت هوا در حدود صفر درجه است.

بارندگی در تاجیکستان تحت تأثیر دو جبهه هوای غربی و شمال غربی که در فصول سرد سال از غرب به شرق حرکت می‌کنند رخ می‌دهد، میزان بارش در ارتفاعات جنوب کشور و همچنین دامنه‌های رو به مغرب بیش از سایر نقاط است، به طوری که به ۱۶۰۰ میلی‌متر در سال در کوههای گیسار نیز می‌رسد.در حالی که در نواحی جلگه‌ای شمال

کشور میزان بارش بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلی‌متر متغیر است. یعنی رقمی معادل ۱۰درصد بارش نواحی جنوبی.

در ناحیهٔ پامیرشرقی و اطراف دریاچهٔ قراکول میزان بارندگی بسیار اندک و حدود ۷۲ میلی‌متر در سال است، علت این وضعیت، در پناه باد قرار داشتن ناحیه است که سبب می‌شود از تأثیر جبهه‌های باران زا به دور باشد. و این میزان بارش نیز تحت تأثیر نفوذ توده‌های هوای موسمی شبه قارهٔ هند رخ می‌دهد، بنابراین بدیهی است که فصل بارش نیز برخلاف تمام کشور که فصل زمستان و بویژه ماههای فروردین و اردیبهشت است، در ماههای تیر و مرداد باشد.

در ناحیهٔ کوههای پامیر در طول سال فقط ۶۰ روز از سال یخبندان مشاهده نمی‌شود وبقیهٔایام سال درجه حرارت هوا پایین‌تر از نقطه انجماد بوده و یخبندان رخ می‌دهد، در حالی که در تاجیکستان شمالی بین ۱۲۰ تا ۱۳۰ روز سال یخبندان مشاهده می‌شود. دورهٔ طولانی مدت بدون یخبندان شرایط مساعدی را برای رشد گیاهان فراهم می‌کند.

ارتفاعات زیاد سبب تشکیل یخچالهای متعدد در این کشور شده است واز این نظر تاجیکستان در میان کشورهای آسیای مرکزی شهرت دارد. خط برف در کوههای این کشور بین ارتفاع ۳۸۰۰ متری تا ۵۳۰۰ متری از سطح دریا متفاوت است وگفته می‌شود که حدود ۸۴۷۰ کیلومتر مربع از وسعت کشور را این یخچالها پوشانیده‌اند. بزرگترین و مهمترین یخچالهای تاجیکستان در کوههای پامیر غربی و شمالی قرار دارند.(1) و یخچال طبیعی فنچنکو بزرگترین یخچال جهان، با ۸۰ کیلومتر طول در شمال شرقی فلات پامیر قرار دارد.

بادهای محلی تاجیکستان در دره‌های کشور تحت تأثیر اختلاف ارتفاع شکل می‌گیرند، این بادها بسیار زیاد هستند و مهمترین آنها، باد گرم و خشک معروف به «گرمسیر» است که در درهٔ فرغانه و در فصول تابستان و پاییز می‌وزرد. همچنین باد مشهور به «باد افغانی»، با ویژگیهای مشابه در جنوب تاجیکستان شهرت بسیاری دارد.

۴ ـ ۱ منابع آب

ویژگیهای طبیعی تاجیکستان شرایط مساعدی را برای تشکیل منابع سطحی آب

فراهم کرده است. رودهای بسیار به همراه چند دریاچه که عمدةً در کوهستانها قرار دارند منابع آب کشور به شمار می‌آیند (نقشهٔ ۲۹).

دریاچه قراکول بزرگترین دریاچهٔ تاجیکستان که در کوههای پامیر در شرق تاجیکستان و یا شمال شرق ایالت خود مختار «گورنو ـ بدخشان» واقع است. این دریاچه با وسعت ۳۶۲ کیلومتر مربع در ارتفاع ۴۰۰۰ متری از سطح دریا قرار دارد.

نقشه ۲۹

دریاچه‌های «باشیل کول»[1]، «زارکول»[2]، «ساریز»[3] دیگر دریاچه‌های واقع در کوههای پامیر می‌باشند و دریاچه «آق سوتان»[4] با آب شور در ناحیه فرغانه قرار دارد. این دریاچه به علت داشتن گِلهایی با خاصیت درمانی مشهور است.

به غیر از دریاچه‌های طبیعی، تعدادی دریاچهٔ مصنوعی به منظور بهره‌برداری از آب

---

1 - Bashil Kul

2 - Zar Kul

3 - Sarez

4 - Aq Sutan

آنها برای کشت و زرع احداث شده‌اند. این دریاچه‌ها که از مراکز پرورش ماهی به شمار می‌آیند، از طریق کانالهای آب رسانی، آب مزارع را تأمین می‌کنند. دریاچهٔ مصنوعی «قیراق‌قوم»[1] بزرگترین دریاچهٔ تاجیکستان است و به همین علت به دریای تاجیک یا «بحر تاجیک» شهرت یافته است.(۲)

ارتفاعات تاجیکستان سرچشمهٔ تمام رودهای این سرزمین و دو رود مهم سیحون و جیحون، سیردریا و آمودریا هستند. رودهای پنج (پیانچ) و وخش در جنوب غربی، زرافشان در مرکز، «کافرنهان»[2]، «سرخاب» و همچنین تعدادی از سرشاخه‌های آمودریا و سیردریا مهمترین رودهای تاجیکستان محسوب می‌شوند. وجود سرشاخه‌های دو رود مهم آسیای مرکزی در تاجیکستان، نقش و اهمیت استراتژیک، سیاسی و اقتصادی تاجیکستان را مشخص می‌کند.

رودهای تاجیکستان، بستر تنگ و عمیق دارند. آنها فقط وقتی به جلگه‌ها می‌رسند، مجرای آبشان وسیعتر و سرعت حرکتشان کندتر می‌شود. این رودها در تابستان که نیاز آبی بیشتر است، خروشانتر هستند و از این لحاظ اهمیت زیادی در اقتصاد تاجیکستان دارند، زیرا از یک سو بیشتر زمینهای زراعی کشور در حاشیه آنها واقع هستند واز سوی دیگر آب آنها به اراضی دورتر هدایت می‌شود و همچنین برای ایجاد انرژی برق نیز مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند.

کانالهای آبرسانی که در طی چند دههٔ اخیر ایجاد شده‌اند، نیاز آبی زمینهای زراعی را با انتقال آب رودها برطرف می‌کنند. کانالهای حصار، وخش و فرغانه مهمترین آنها محسوب می‌شوند.

احداث سدها نیز ضمن آن که در تأمین انرژی مؤثر بود، در ذخیره کردن آب و جلوگیری از هرز رفتن آنها و انتقال به زمینهای زراعی و دایر کردن اراضی مفید واقع شد. برای نمونه. «سد نورک[3]» که در درهٔ عمیق وخش بنا شد اراضی بایر بسیاری را آباد کرد. در مجموع فراوانی آب رودها، ایجاد کانالهای آبرسانی، احداث سدهای ذخیرهٔ آب و

1 - Giraq Gum

2 - Kafarnihan

3 - Nurak

پمپاژ آب به نقاط مرتفع، در گسترش زمینهای زراعی و رونق بیشتر کشت و زرع در تاجیکستان نقش مهمی داشتند.[۳]

۲ ـ ویژگیهای اجتماعی

۱ ـ ۲ پیشینه تاریخی

«کلمهٔ تاجیک که در متون قدیمی به صورت «تاژیک» و «تازیک» نیز بـه کـار رفـته است، به طور کلی از نام قبیله طی، از قبایل عرب، گرفته شده است و در ابتدا نیز به همان معنی تازی و عرب مطرح بوده است. زمانی نیز به مسلمانان و اقوام ایرانی اطلاق می‌شد که از طریق آنها، اسلام در آسیای مرکزی گسترش یافت. در گذشتهٔ دور این عقیده رایج بود که اگر فرد ایرانی اسلام بیاورد «عرب» می‌شود و چون ایرانیان مسلمان در آن نواحی آمد و رفت داشتند، ترکان آنان را تاجیک نامیدند، در طول تاریخ نیز سلسله‌های تـرک حاکم بر منطقه اقوام ایرانی را تاجیک می‌خواندند».[۴]

تاجیکها یکی از قدیمیترین اقوام آسیای مرکزی هستند که پیش از ورود تـرکها بـه ناحیه در آنجا مستقر بودند. سرزمین تاجیک در قـرن ششـم قـبل از مـیلاد، بـخشی از امپراتوری «هخامنشیان» محسوب می‌شد. این ناحیه در قـرن چـهارم قـبل از مـیلاد بـه تصرف اسکندر مقدونی درآمد. قلمرو «اسکندر» پس از مـرگ وی بـه قـطعات مـتعدد تقسیم شد و سرزمین تاجیکها تحت حاکمیت دولت یونانی باکتریا درآمد. در سالهای پایانی قبل از میلاد، قبایل سیت (سکا ـ ماساژت) بر ناحیه مسلط شدند، اما اقتدار آنها دوام چندانی نیافت وگروهی از طخارها[۵] پس از سـرکوب آنـها، سـرزمین بـاکـتریا را اشغال کردند و نام طخارستان را بر آن گذاشتند.

در نخستین سـالهای پس از مـیلاد، از مـیان قـوم طـخار خـاندانـی قـدرت یـافت و امپراتوری کوشان را تأسیس کرد این حکومت مدت ۲۰۰ سال قدرت حاکـمه آسـیای مرکزی بود. در اواخر قرن سوم میلادی هونها به سرزمین باکتریا روی آوردند و پس از نبردهای طولانی با کوشانیان سرانجام در سال ۴۲۵ میلادی بر ناحیه مسلط شدند. پس از هونهای ترک تبار، در قرن ششم میلادی، ترکها و سپس مسلمانان به سرزمین تاجیکها راه یافتند. از همین ایام واژهٔ تاجیک رواج یافت. وقتی که ایرانیان مسلمان حکومت ناحیه

را در اختیار گرفتند، ترکها برای تشخیص مسلمانان عرب و ایرانیان مسلمان، لفظ تاجیک را به کار بردند. از این زمان تا قرن دهم میلادی یا اواخر قرن چهارم هجری قمری فرهنگ ایرانی ـ اسلامی در سرزمین تاجیک رایج شد. با تسلط ترکها بر ناحیه وتشکیل حکومتهای سلجوقی و غزنوی بسیاری از اقوام ناحیه تحت تأثیر زبان و فرهنگ این قوم قرار گرفتند و فقط ساکنان کوهستانهای پامیر توانستند در مقابل هجوم فرهنگی ترکها مقاومت کرده و زبان فارسی را حفظ کنند. در این دوره اصطلاح تاجیک کمتر به کار می‌رفت و ترکها به جای آن واژهٔ «تات» را به همان منظور به کار می‌بردند. در نزد آنها واژهٔ تات علاوه بر ایرانیها، تمام افرادی را که کوچ نشین نبوده واسکان یافته بودند شامل می‌شد. در قرن دهم هجری یا شانزدهم میلادی با تسلط ازبکها بر ناحیه، واژه «سرت» به همهٔ مردم اسکان یافته اعم از فارس و ترک گفته می‌شد.[۶] از این زمان به بعد تاجیکها کمتر در وقایع سیاسی نقش داشتند و ازبکها بر آنها سلطهٔ کامل داشتند. در قرن نوزدهم میلادی میان افغانها و ازبکها بر سر حاکمیت بر قلمرو تاجیکها نبردهای متعدد رخ داد، تا سرانجام در اواخر همین سده سرزمین کنونی تاجیکستان میان افغانستان، امیرنشین بخارا و روسیه تقسیم شد.

مشاهده می‌شود که تاجیکها هیچ‌گاه سرزمین مستقلی نداشته‌اند. تا قبل از حاکمیت روسها بر ناحیه، حاکمان این سرزمین یا مستقیماً تحت نفوذ حکومتهای ایرانی مانند هخامنشیان و ساسانیان بودند و یا اگر حاکمیت غیر ایرانی بود، آن حکومت زیر نفوذ پادشاهان ایران بود مانند قراخانیان. در مقاطعی از تاریخ نیز حکومتهای مستقلی بر قلمرو تاجیکها حکم می‌راندند مانند قراختاییان و مغولها. به عبارت دیگر همواره قلمرو این قوم به عنوان ناحیه‌ای در جنوب شرقی آسیای مرکزی و یا ماوراءالنهر در اختیار حکومتهای محلی بود.

پس از آن که روسها وارد آسیای مرکزی شدند، برای راهیابی به هندوستان از طریق افغانستان، قلمرو تاجیکها را برگزیدند. ابتدا شمال غرب یعنی خجند و اطراف آن و سپس سایر نقاط را فتح کردند. در همین زمان پامیر در اختیار افغانهای شمال افغانستان بود. روسها با حمایت امیر بخارا بر پامیر و شمال افغانستان تا بلخ راه یافتند. همزمان با این وقایع انگلیسی‌ها در ناحیهٔ کوههای هندوکش به مقابله با روسها پرداختند. درگیریها تا زمان تعیین مرز افغانستان و امیرنشین بخارا در سال ۱۸۹۵م/۱۲۷۴ش ادامه یافت و

روسها افغانستان را ترک کردند. در سال ۱۹۰۴م /۱۲۸۳ش روسها بر ناحیهٔ پامیر و بخش شرقی تاجیکستان تسلط یافته و امیرنشین بخارا را منقرض کردند.

پس از انقلاب اکتبر سال ۱۹۱۷م /۱۲۹۶ش تاجیکستان که ناحیه‌ای کوهستانی و غیرقابل عبور بود، مرکز تجمع نیروهای مخالف انقلاب شد. نیروهای ارتش سفید تزاری، نیروهای ملی یا نهضت باسماچی و سپاه انگلیس اعزامی از خراسان و افغانستان به مقابله با بلشویکها پرداختند. در این زمان تاجیکستان بخشی از جمهوری خود مختار شوروی سوسیالیستی ترکستان بود. بلشویکها در مقابله با مخالفان توانستند در سال ۱۹۱۸م / ۱۲۹۷ش بخش شمالی تاجیکستان، در سال ۱۹۲۱م / ۱۳۰۰ش بخش شرقی و در سال ۱۹۲۵م / ۱۳۰۴ش پامیر را تصرف کنند. گرچه تحرکهای سیاسی و نظامی باسماچیان تا سال ۱۹۳۵م /۱۳۱۴ش ادامه داشت، اما در سال ۱۹۲۴م /۱۳۰۳ش روسها با تقسیم جمهوری ترکستان، تاجیکستان را به عنوان جمهوری خودمختار ضمیمهٔ ازبکستان کردند. در سال ۱۹۲۶م /۱۳۰۵ش تاجیکستان به سطح جمهوری متحد ارتقا یافت و در سال ۱۹۲۹م /۱۳۰۸ش ناحیه خجند به آن الحاق شد.

در میان نواحی آسیای مرکزی، تاجیکستان آخرین جایی بود که به تصرف روسها درآمد. این امر هم در زمان حکومت تزار و هم در دوران حکومت کمونیستها واقعیت داشت و معلول چند علت بود:

ـ موقعیت جغرافیایی و ویژگیهای طبیعی تاجیکستان، ناحیه را تقریباً غیرقابل نفوذ کرده بود.

ـ پایبندی مردم ناحیه به فرهنگ و زبان خود؛ تاجیکها دو ویژگی متمایز با ترکهای حاکم بر منطقه داشتند. آنها از لحاظ شیوهٔ معیشت برخلاف ترکها، یکجانشین بودند واز نظر زبانی نیز به فارسی تکلم می‌کردند. ضمن آن که برخلاف اکثریت مسلمانان آسیای مرکزی که حنفی مذهب هستند، تاجیکهای ناحیهٔ کوهستانی پامیر پیرو مذهب شیعهٔ اسماعیلیه بودند.

روسها در بدو ورود به تاجیکستان، به منظور بهره‌برداری از منابع سرشار ناحیه و تسلط سیاسی کامل، به ترویج زبان و فرهنگ ایرانی در ناحیه همت گماشتند. آنها می‌دانستند تاجیکها برای جلوگیری از تسلط ترکها و حفظ استقلال خود به سوی فرهنگ ایرانی که پیشینه‌ای کهن در میان آنان داشت، روی آورده‌اند. بنابراین با هدف جلوگیری

از اتحاد ترکها و تاجیکها در مقابله با روسها، برنامه‌هایی برای حفظ زبان و فرهنگ فارسی تهیه کردند. آنها همچنین سعی داشتند با پخش برنامه‌های رادیویی به زبان فارسی، تبلیغات خود را به‌گوش ایرانیان و مردم افغانستان برسانند.

روسها در سالهای بعد اقدامات دیگری انجام دادند، سمرقند، بخارا و فرغانه را ضمیمه ازبکستان و نواحی ازبک نشین را ضمیمهٔ تاجیکستان کردند، سپس گروه زیادی از روسها را به ناحیه آورده و در مشاغل حساس به کار گماردند و سرانجام با اعلام زبان روسی به عنوان زبان رسمی تاجیکستان، نیت واقعی خود را در هویت زدایی و رواج فرهنگ روسی آشکار کردند.

در اواخر دههٔ ۸۰ م که روسیه به افغانستان حمله کرد و آنجا را اشغال نمود، از سربازهای مسلمان تاجیک و ازبک برای مقابله با مبارزان مسلمان افغانی استفاده کرد. این افراد در افغانستان با اصول و قوانین اسلامی بیشتر آشنا شدند و در بازگشت به تاجیکستان با استفاده از فضای باز سیاسی دوران گورباچف، به نشر اصول اسلام همت گماشته ونهضت اسلامی را تشکیل دادند. رئیس ادارهٔ روحانی تاجیکستان یعنی قاضی تورجان زاده نیز مشابه عامهٔ مردم با مسلمانان تاجیک متحد شد، همزمان با این رخدادها، روشنفکران تاجیک نیز با هدف احیای فرهنگ اصیل خود، در ابتدا با اقدامات فرهنگی و سپس با طرح خواسته‌های سیاسی، به همراه مسلمانان مبارز دو گروه رستاخیز و دموکرات را تأسیس کردند و برای ایجاد روابط فرهنگی با ایران شروع به فعالیت کردند.

برخلاف تودهٔ مردم که از فضای باز سیاسی دوران گورباچف برای رسیدن به هدف و فرهنگ ملی خود وگسستن از سلطه روسها بهره بردند. رهبران کشور به علت وابستگی اقتصادی، کسب استقلال و دور شدن از روسیه را امری نادرست می‌دانستند. این دوگانگی افکار سبب جدایی مردم و قشر حاکم تاجیکستان شد و زمینه را برای بروز اختلافات فراهم کرد. در همین ایام مجلس تاجیکستان تغییراتی در قانون اساسی کشور داد و ضمن لغو اختیارات حزب کمونیست، به جای مقام دبیرکل حزب، مقام ریاست جمهوری را در کشور به رسمیت شناخت. در سال ۱۹۹۰م /۱۳۹۹ش انتخابات ریاست جمهوری برگزار شد و کاندیدای حزب کمونیست بر کاندیدای مشترک نیروهای ملی و مذهبی پیروز شد. بلافاصله تاجیکستان به جمع کشورهای جامعه مشترک‌المنافع

پیوست.

سیاست رئیس‌جمهور درجهت برقراری سیستم‌حکومتی متکی‌برروسها، اعتراضات مـداوم مـخالفان را در بـرداشت، ایـن مـخالفت‌ها بـه شکـل بـرگزاری راهـپیمایی و سخنرانیهای اعتراض‌آمیز ابراز می‌شد، با اعلام استقلال تاجیکستان در سال ۱۹۹۱م / ۱۸ شهریور ۱۳۷۰ش این اعتراضات ادامه یافت و نتایج سیاسی نیز در بـرداشت. اما «رحمان نبی‌اف» رئیس جمهور طرفدارانی در میان طوایف «کولاب» و «خجند» داشت و با مسلح کردن آنان و کمونیستها، ناآرامیهایی در کولاب و «قرقان تپه» آغاز شد، با شروع درگیریهای میان این گروهها ونیروهای مخالف جنگ داخلی آغاز شد. جنگی کـه سـه سال طول کشید و کشور را دچار بحرانهای بسیار شدید سیاسی و اجتماعی واقتصادی کرد، هزاران نفر قتل عام شدند، ـ دست کم ۵۰ هزار نفر ـ یا به کشورهای دیگر به ویژه افغانستان پناهنده شدند ـ بیش از ۵۰۰ هزار نفر ـ و تأسیسات مسکونی و دولتی بسیاری فرو ریخت، حدود ۱۲۰ هزار واحد مسکونی.(۷)

روسها که تاجیکستان را بخشی از حریم امنیت ملی خویش و مرکز صدور گرایشهای اسلامی به آسیای مرکزی می‌دانند، مرزهای خارجی کشور را تـحت نـظارت مستقیم گرفتند و به بهانهٔ این که مخالفان دولت سلاح خود را از افغانستان تأمین می‌کنند، گروه زیادی از نیروهای خود را به جنوب فرستادند. مخالفان حکومت نیز معتقد بـودند کـه روسیه و ازبکستان به یاری رژیم برخاسته‌اند و از هرگونه کمکی به آنان برای سرکوب نهضت اسلامی کشور کوتاهی نمی‌کنند.

در سال ۱۹۹۴م /۱۳۷۳ش سرانجام مقدمهٔ مذاکره میان حکومت و مخالفان دولت فراهم شد و سه دوره مذاکره در مسکو، تهران و اسلام آباد برگزار شد و طرفین با قبول آتش بس موافقت خود را به حل بحران از طریق سیاسی ابراز داشتند. برقراری آتش بس موقت، آزادی تعدادی از زندانیان سیاسی و اسرای نظامی در گفتگوهای تـهران مـورد توافق قرار گرفت و سرانجام در شهریور ماه سال ۱۳۷۳ش /۱۹۹۴م توافـق نـامه آن در تهران به امضای طرفین درگیر رسید و یک ماه بعد عملاً به مرحله اجرا درآمد و در همان سال انتخابات ریاست جمهوری و همه پرسی قانون اساسی جدید تاجیکستان بـرگزار شد. «امامعلی رحمانف» به ریاست جمهوری انتخاب شد و قانون اساسی نیز به تأیید مردم رسید.

از زمان برقراری آتش بس تاکنون چندبار مذاکرات میان نیروهای مخالف دولت ونمایندگان دولت برگزار شده و نتایجی نیز به دست آمده است. در این مدت دولت تاجیکستان توانسته است پایه‌های قدرت خود را محکم کند. گرچه هنوز مخالفان وی خواستار ایجاد تغییراتی در قانون اساسی کشور و ساختار حکومت به سوی احیای ارزشهای اسلامی می‌باشند.(۸)

فعالیتهای سیاسی در تاجیکستان در ایام حکومت گورباچف آغاز شد و چند سالی ادامه یافت، اما با حاکمیت قطعی کمونیست‌ها بر کشور مجدداً محدودیتهای سیاسی برقرار شد.

در میان احزاب سیاسی تاجیکستان «حزب کمونیست» مهمترین تشکل سیاسی رسمی است، این حزب که از سالها قبل وجود داشته است در سال ۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش به «حزب سوسیالیست» تغییر نام داد و یک سال بعد مجدداً همان نام سابق خود را برگزید. بیشتر مسؤولان و مقامات سیاسی و اداری تاجیکستان عضو این حزب هستند.

«حزب دموکرات»، از احزاب مخالف دولت است که در سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش به رهبری «شادمان یوسف» پایه‌گذاری شد. بیشتر اعضای حزب را روشنفکرانی که به دموکراسی غیر مذهبی گرایش دارند تشکیل می‌دهند.(۹)

«حزب نهضت‌اسلامی» مهمترین تشکل‌مذهبی تاجیکستان است. «اکبر تورجان‌زاده» از رهبران این حزب است که خواستار احیای مجدد اسلام در تاجیکستان است. اعضای این حزب که خواهان به کارگیری قوانین اسلامی در تمام امور کشور هستند، همگی تاجیک‌اند. در سال ۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش فعالیت این گروه غیرقانونی اعلام شد.

«سازمان آریانای بزرگ» از تشکلهای سیاسی تاجیکستان است که در ابتدا با نام «کوروش کبیر» شروع به فعالیت کرد، اما پس از ۶ ماه تغییر نام داد. این گروه اسلام را تنها مذهب مورد قبول خود می‌داند و به گفته معاون آن هدف نهایی این حزب، ایجاد ایران بزرگ است. اما به علت مخالفت دادگستری تاجیکستان با این موضوع، در اساسنامه سازمان ذکر نشده است.(۱۰)

«سازمان لعل بدخشان» دیگر گروه سیاسی تاجیکستان است که با دولت فعلی مخالف است وآن را همان حکومت کمونیستها می‌داند که تغییر نام یافته است، فعالیت این حزب نیز ممنوع است.(۱۱)

۲ ـ ۲ جمعیت

با توجه به ویژگیهای طبیعی و کوهستانی بودن تاجیکستان، این جمهوری در میان کشورهای آسیای مرکزی پرجمعیت محسوب می‌شود. به طوری که در مدت ۶۶ سال شمار جمعیت آن ۷ برابر شده است (جدول ۱ ـ ۳).

جدول ۱ ـ ۳ جمعیت تاجیکستان در سالهای ۱۹۲۶ تا ۱۹۹۲م/۱۳۰۵ ـ ۱۳۷۱ش[۱۲]

سال	۱۹۲۶م/ ۱۳۰۵ش	۱۹۵۹م/ ۱۳۳۸ش	۱۹۷۰م/ ۱۳۴۹ش	۱۹۷۹م/ ۱۳۵۸ش	۱۹۹۲م/ ۱۳۷۱ش
جمعیت	۸۲۷۰۱۳	۱۹۸۰۵۴۷	۲۸۹۹۶۰۲	۳۸۰۶۲۲۰	۵۵۸۷۰۰۰

مشاهده می‌شود که در ۳۳ سال اول دوره آماری یعنی حدفاصل سال ۱۹۲۶ تا ۱۹۵۹م /۱۳۰۵ تا ۱۳۳۸ش جمعیت کشور ۲/۴ برابر شده است و در ۳۳ سال دوم یعنی سالهای ۱۹۵۹ تا ۱۹۹۲م /۱۳۳۸ تا ۱۳۷۱ش تقریباً سه برابر شده است. نرخ رشد جمعیت در دوره‌های زمانی مذکور نیز مؤید همین موضوع است (جدول ۲ ـ ۳).

جدول ۲ ـ ۳ نرخ رشد جمعیت تاجیکستان در سالهای
۱۹۲۶ تا ۱۹۹۲م/۱۳۰۵ تا ۱۳۷۱ش (درصد)

دوره زمانی	۱۹۲۶_۱۹۵۹م/ ۱۳۰۵_۱۳۳۸ش	۱۹۵۹_۱۹۷۰م/ ۱۳۳۸_۱۳۴۹ش	۱۹۷۰_۱۹۷۹م/ ۱۳۴۹_۱۳۵۸ش	۱۹۷۹_۱۹۹۲م/ ۱۳۵۸_۱۳۷۱ش	۱۹۲۹_۱۹۹۲م/ ۱۳۰۵_۱۳۷۱ش
نرخ رشد	۲/۷	۳/۵	۳	۳	۲/۹

در همین مدت میزان تراکم جمعیت در هر کیلومتر مربع نشان می‌دهد که تاجیکستان در میان کشورهای آسیای مرکزی بالاترین تراکم جمعیت را دارد (جدول ۳ ـ ۳). با توجه به ویژگیهای طبیعی کشور و محدودیتهای اقلیم، بالابودن رقم تراکم نسبی جمعیت ناشی از رشد جمعیت است.

جدول ۳ ـ ۳ تراکم نسبی جمعیت تاجیکستان در سالهای
۱۹۲۶ تا ۱۹۹۲م/۱۳۰۵ تا ۱۳۷۱ش (درصد)

سال	۱۹۲۶م/ ۱۳۰۵ش	۱۹۵۹م/ ۱۳۲۸ش	۱۹۷۰م/ ۱۳۴۹ش	۱۹۷۹م/ ۱۳۵۶ش	۱۹۹۲م/ ۱۳۷۱ش
میزان تراکم	۵/۸	۱۳/۸	۲۰/۳	۲۶/۶	۳۱/۳

نرخ بالای رشد جمعیت سبب شده که گروه سنی کمتر از ۱۵ سال رقم بزرگی از جمعیت را تشکیل دهند و این کشور در میان کشورهای ناحیه جوانترین آنها به شمار آید (جدول ۴ ـ ۳).

جدول ۴ ـ ۳ توزیع جمعیت تاجیکستان به تفکیک گروههای سنی عمده
در سالهای ۱۹۷۹ و ۱۹۸۹م/۱۳۵۸ و ۱۳۶۸ش (درصد) (۱۳)

سال / گروه سنی	۱۹۷۹م/۱۳۵۸ش	۱۹۸۹م/۱۳۶۸ش
کمتر از ۱۵ سال	۴۳/۳	۴۲/۹
۱۵ ـ ۶۴ سال	۵۲	۵۳/۳
۶۵ سال به بالا	۴/۷	۳/۸

از ویژگیهای دیگر ترکیب سنی جمعیت تاجیکستان، درصد اندک سالخوردگان است، ضمن آن که همین درصد نیز با کاهش زیادی در سال ۱۹۸۹م /۱۳۶۸ش مواجه بوده است. بالا بودن سن سالخوردگان و افزایش میزان مرگ و میر علت اصلی کاهش رقم سالخوردگان از ۴/۷ درصد در سال ۱۹۷۹م /۱۳۵۸ش به ۳/۸ درصد در سال ۱۹۸۹م /۱۳۶۸ش بوده است.

از نظر ترکیب جنسی در تاجیکستان نیز مشابه دیگر جمهوریهای آسیای مرکزی تعداد زنان بر تعداد مردان فزونی دارد. ولی این کشور نسبت به دیگر کشورهای ناحیه وضعیت متعادلتری دارد. در سال ۱۹۷۹م /۱۳۵۸ش نسبت مردان به زنان ۹۷/۷ درصد

بوده که این رقم در سال ۱۹۸۹م /۱۳۶۸ش به ۹۸/۷ درصد افزایش یافته است.[۱۴]

وضعیت جغرافیایی تاجیکستان ایجاب می‌کند که جمعیت کشور در اراضی کم ارتفاع اطراف رودخانه‌ها، کوهپایه‌ها و دره‌های حاصلخیز متمرکز شوند. و چون این نقاط استعداد زیادی برای انجام فعالیتهای کشاورزی دارند، اکثر روستاهای کشور در پیرامون این نواحی متراکم شده‌اند. بنابراین بیشتر جمعیت کشور در روستاها سکنا گزیده‌اند وجمعیت شهرنشین تاجیکستان رقم کمی از کل جمعیت را تشکیل می‌دهند (جدول ۵ـ ۳). نقش با اهمیت فعالیتهای روستایی، بویژه کشاورزی در اقتصاد کشور و نبود صنایع و کارخانه‌ها و مراکز تولیدی در شهرها، به همراه وضعیت طبیعی کشور تأثیر بسزایی در مکان گزینی جمعیت داشته است.

جدول ۵ ـ ۳ توزیع جمعیت تاجیکستان به تفکیک نقاط شهری و روستایی در سالهای ۱۹۳۹ تا ۱۹۹۲م/۱۳۱۸ تا ۱۳۷۱ش (درصد)[۱۵]

سال / جمعیت	۱۹۳۹م/ ۱۳۱۸ش	۱۹۵۹م/ ۱۳۳۸ش	۱۹۷۰م/ ۱۳۴۹ش	۱۹۸۰م/ ۱۳۵۹ش	۱۹۹۲ ۱۳۷۱ش
شهری	۱۷	۳۳	۳۷	۳۵	۳۲
روستایی	۸۳	۶۷	۶۳	۶۵	۶۸

در جدول ۵ ـ ۳ مشاهده می‌شود که جمعیت شهرنشین تاجیکستان در حد فاصل سالهای ۱۹۳۹م /۱۳۱۸ش تا ۱۹۵۹م /۱۳۲۸ش تقریباً دوبرابر شده است. این فرایند بیش از آن که ناشی از افزایش میزان شهرنشینی در میان تاجیکها باشد، حاصل مهاجرت گسترده اقوام اروپایی به ناحیه واستقرار آنان در شهر بوده است.

در سالهای ۱۹۵۹ تا ۱۹۷۰م /۱۳۳۸ تا ۱۳۴۹ش رقم شهرنشینان افزایش اندکی داشته و از سال ۱۹۷۰م /۱۳۴۹ش به بعد با کاهش روبرو شده است. بالا بودن نرخ زاد و ولد در نقاط روستایی و پایین بودن آن در نقاط شهری به همراه خروج اقوام غیر بومی از تاجیکستان، علل اصلی پایین بودن درصد جمعیت شهری است، وضعیتی که در کشورهای آسیای مرکزی منحصر به تاجیکستان است و سایر کشورها با افزایش جمعیت

شهری در دهه ۸۰و ۹۰ روبرو بوده‌اند.

بدون شک جنگ خانمان برانداز داخلی پس از استقلال نیز تأثیر بسزایی در مهاجرت مردم از شهرها به نقاط دور افتادهٔ روستایی داشته است.

جریانهای مهاجرتی در تاجیکستان در طول قرن حاضر جهات متفاوتی داشته است. در اوایل قرن و با تسلط روسها بر تاجیکستان، بویژه در دوران انقلاب بلشویکی، گروه بسیاری از تاجیکها به کشورهای همسایه، بویژه افغانستان مهاجرت کردند، به طوری که اکنون بخش مهمی از جمعیت افغانستان را تشکیل می‌دهند.

در کنار این مهاجر فرستی، نقل مکان اجباری روسها و دیگر اقوام اروپایی به تاجیکستان عملی شد و گروه بسیاری از آنان در تاجیکستان مجبور به اقامت شدند.

با کسب استقلال و بروز تشنجها و درگیریهای سیاسی، بسیاری از روسها کشور را ترک کردند و نیروهای نظامی روس به طور مقطعی جایگزین آنها شدند.

در همین ایام حدود ۷۰۰ هزار نفر از مردم تاجیکستان مهاجرت کردند که شماری از آنها در داخل کشور جابجا شدند و اکثرشان در ردیف مهاجران خارجی قرار گرفتند، از این گروه که تعداد آنها دقیقاً قابل محاسبه نیست برخی پس از اعلام آتش بس به کشور بازگشتند.

اما گروههای قومی که تاجیکستان را ترک کردند دیگر به این کشور باز نگشتند، به طور مثال از سال ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۴م /۱۳۷۰ تا ۱۳۷۳ش حدود ۱۲۲ هزار نفر از قزاقهای تاجیکستان و افغانستان به قزاقستان بازگشتند، شمار بیشتر این مهاجران از تاجیکستان برای اقامت دایمی روانهٔ قزاقستان شدند.(۱۶)

جمعیت شناسان براساس میزان موالید، مرگ و میر و نرخ رشد طبیعی جمعیت در سال ۱۹۹۰م /۱۳۶۹ش، که به ترتیب ۳۸/۷ درهزار، ۶/۵ در هزار و ۳۲/۲ در هزار بوده است و همچنین نرخ رشد مطلق جمعیت در دهه ۱۹۷۹ ـ ۱۹۸۹م /۱۳۵۸ ـ ۱۳۶۸ش که ۲۹/۵ درهزار بوده است، مدت زمان لازم برای دوبرابر شدن جمعیت تاجیکستان را ۲۲ سال پیش بینی کرده‌اند. آنها همچنین تعداد جمعیت کشور را در سالهای آینده تخمین زده‌اند (جدول ۶ ـ ۳).

جدول ۶ ـ ۳ برآورد جمعیت تاجیکستان در سالهای

۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰م/۱۳۷۹ تا ۱۳۸۹اش (۱۷)

سال	۲۰۰۰م/۱۳۷۹اش	۲۰۰۵م/۱۳۸۴اش	۲۰۱۰م/۱۳۸۹اش
جمعیت	۷۲۰۴۰۰۰	۸۴۴۱۰۰۰	۹۸۹۰۰۰۰

۳ـ ۲ ترکیب قومی

بیشتر جمعیت کشور را تاجیکها تشکیل می‌دهند. در کنار آنها گروههای قومی دیگری نیز زندگی می‌کنند که از میان آنها تعداد ازبکها و روسها بیش از دیگران است (جدول ۷ـ ۳).

اوکراینی‌ها، تاتارها، ترکمنها، قزاقها و قرقیزها از دیگر ملیتهای ساکن در تاجیکستان هستند که شمار آنان نسبت به ازبکها و روسها بسیار اندک می‌باشد.

تاجیکها که سکنهٔ بومی تاجیکستان هستند. مشابه تمام ملیتهای آسیای مرکزی در سطح ناحیه پراکنده شده‌اند. ویژگی خاص پراکندگی تاجیکها، استقرار شمار بسیاری از آنان در کشور افغانستان است و جمهوریهای ازبکستان و قرقیزستان پس از افغانستان به ترتیب بیشترین تعداد تاجیک را پذیرا شده‌اند.

جدول ۷ـ ۳ توزیع جمعیت تاجیکستان به تفکیک گروههای قومی در سالهای ۱۹۲۶ ـ ۱۹۹۲م/۱۳۰۵ ـ ۱۳۷۱اش (درصد) (۱۸)

سال / گروه قومی	۱۹۲۶م/۱۳۰۵اش	۱۹۵۹م/۱۳۳۸اش	۱۹۷۰م/۱۳۴۹اش	۱۹۹۲م/۱۳۷۱اش
ازبکها	۲۱/۲	۲۳	۲۳	۲۳
تاجیکها	۷۴/۶	۵۳/۱	۵۶/۲	۵۸
روسها	۰/۷	۱۳/۳	۱۱/۹	۸
سایر	۳/۵	۱۰/۹	۸/۹	۱۱

۴ـ۲ زبانهای رایج

مردم تاجیکستان به زبان تاجیکی سخن می‌گویند. زبان تاجیکی با زبان فارسی بسیار نزدیک است و هر دو زبان، ادبیات و دستور زبان مشترکی دارند. تا پیش از تسلط روسها بر تاجیکستان، گرچه ترکها زبان فارسی را محدود کرده بودند اما تمایز ویژه‌ای میان گویش فارسی و تاجیکی وجود نداشت وتاجیکها از ادبیات فارسی استفاده می‌کردند. پس از انقلاب اکتبر و تلاش روسها برای محصور ماندن زبان تاجیکی و قطع رابطهٔ متقابل میان تاجیکستان و سایر نقاط فارسی زبان، زبان تاجیکی ضعیف شد واشکال بومی زبان که به نظر می‌رسید زبان محاوره‌ای باشند، جایگزین ادبیات فارسی گردید و واژه‌هایی از سایر زبانها وارد آن شد. زبان تاجیکی با چهار گویش شمالی، مرکزی، جنوبی وجنوب خاوری در حد یک زبان درجه دوم که فقط در محاوره به کار می‌رفت، تنزل یافت و زبان روسی، زبان رسمی تاجیکستان اعلام شد.(۱۹)

در سالهای اخیر اقداماتی برای احیای زبان فارسی به عمل آمد. شورای عالی تاجیکستان در اوایل سال ۱۹۸۹م /۱۳۶۸ش گروهی را مأمور تهیهٔ قانون زبان کرد. پیش‌نویس این قانون پس ازتهیه وتدوین در مطبوعات به چاپ رسید و در همان سال به تصویب شورای عالی تاجیکستان رسید. براساس این قانون، زبان فارسی تاجیکی باید به تدریج جایگزین زبان روسی شود و تمام نهادهای دولتی وغیر دولتی موظف به انجام این دستور شدند. در کلیه مقاطع تحصیلی نیز باید همین رویه اعمال شود. بنیاد فرهنگ تاجیکستان مسؤول اجرای این فرمان بود و باید تا پایان سال ۱۹۹۶م /۱۳۷۵ش این قانون به صورت کامل به اجرا درمی‌آمد. در ضمن هر سال در روز ۲۲ ژوئیه / ۲۶ تیرماه در تمام کشور جشن احیای زبان نیاکان برگزار می‌شود.

ایران نیز بنا به درخواست تاجیکها اقدامات گوناگونی برای آموزش و رواج زبان فارسی انجام داده است. احداث مراکز فرهنگی، بنیان گذاری پژوهشکدهٔ زبان فارسی، تهیه و چاپ کتابهای آموزش الفبای فارسی، اعزام معلمان خط فارسی، تأسیس کتابخانهٔ رودکی با انواع کتابهای فارسی، چاپ کتابهای مناسب کودکان و نوجوانان از نویسندگان ایرانی به دو خط فارسی و سیریلیک، تهیهٔ ماشین تحریر فارسی، همکاری در برگزاری سمینارها و کنگرهٔ ادب فارسی و... مهمترین فعالیتهای ایران بوده است.(۲۰)

۵ـ ۲ مذهب

تاجیکستان مهمترین کشور اسلامی آسیای مرکزی است، مردم این کشور مسلمان سنی مذهب و پیرو مکتب حنفی هستند. تا پیش از تسلط کمونیست‌ها بر کشور تقریباً تمام مردم کشور مسلمان بودند، روسها برای رسیدن به خواسته‌های خود، سعی در سرکوب گرایشهای مذهبی کردند و تاحدودی نیز موفق شدند. آنان آموزش علوم دینی، مسافرت به کشورهای اسلامی و انجام مراسم و عبادات اسلامی را ممنوع کردند، به گفتهٔ رئیس ادارهٔ امور دینی تاجیکستان که مهمترین مقام مذهبی کشور است «در آن سالها ما فقط در مراسم ختم اموات خود فرصت برگزاری نماز جماعت را به دست می‌آوردیم».(۲۱)

برنامه‌های روسها برای زدودن افکار مذهبی گرچه تا حدودی توانست در میان جوانان تمایل به اصول مذهبی و پایبندی به شعائر اسلامی را محدود نماید، اما موفق به از بین بردن و سرکوب مسلمانان نشد، به طوری که بلافاصله پس از روی کار آمدن گورباچف احزاب مذهبی به وجود آمدند و مسلمانان ضمن همفکری با یکدیگر و ایجاد تشکلهای سیاسی، به انجام اعمال و عبادات مذهبی به شکل آشکار روی آوردند. اما اختلافات سیاسی و درگیریهای نظامی سبب ایجاد تفرقه در میان گروههای مذهبی شد و قدرت یافتن مجدد پیروان کمونیسم بار دیگر مانع از رشد و پیشرفت مسلمانان به صورت دلخواه شد.

در میان مسلمانان تاجیکستان، فرقهٔ نقشبندیه طرفداران زیادی دارد. ساکنان ناحیهٔ کوهستانی بدخشان و پامیر نیز شیعه و پیرو فرقهٔ اسماعیلیه هستند. آنها که از سال ۱۹۲۷م /۱۳۰۶ش از برقراری روابط با رهبر مذهبی خود «آقاخان محلاتی» منع شده بودند، پس از کسب استقلال توانستند از طریق اسماعیلیان افغانستان با رهبرشان رابطه برقرار کنند.(۲۲)

تاجیکستان در بین کشورهای آسیای مرکزی بیشترین درصد مسلمانان را دارد (جدول ۸ـ ۳).

از مراکز مذهبی تاجیکستان می‌توان به مساجد این جمهوری اشاره کرد. «مسجد جامع مولانا یعقوب چرخی» در شهر «دوشنبه» یکی از مهمترین مکانهای مذهبی کشور

است. یک مدرسهٔ علوم دینی وابسته به مسجد نیز به تعلیم و تربیت طلاب در دوره‌ای سه ساله مشغول است. طلاب این حوزه پس از گذراندن موفقیت‌آمیز آموزشهای مقدماتی وارد دورهٔ عالی در ادارهٔ قاضیات یا امور دینی می‌شوند.(۲۳) «مسجد جامع امام اعظم» در حومهٔ شهر دوشنبه و مسجد جامع و قدیمی «پنج کنت» در شهر «پنجکنت» از دیگر مساجد مهم تاجیکستان به شمار می‌آیند.

جدول ۸ ـ ۳ توزیع جمعیت تاجیکستان به تفکیک مذهب در سالهای ۱۹۲۶ ـ ۱۹۷۹م/۱۳۰۵ ـ ۱۳۵۸ش (درصد)(۲۴)

سال	۱۹۲۶م/ ۱۳۰۵ش	۱۹۳۹م/ ۱۳۱۸ش	۱۹۵۹م/ ۱۳۳۸ش	۱۹۷۰م/ ۱۳۴۹ش	۱۹۷۹م/ ۱۳۵۸ش
مسلمان	۹۹	۹۰	۸۱	۸۳	۸۶
غیرمسلمان	۱	۱۰	۱۹	۱۷	۱۴

۶ ـ ۲ آموزش

آموزش عمومی در تاجیکستان رایگان و اجباری است، به همین دلیل بخش عمدهٔ مردم با سوادند. در سال ۱۹۲۶م /۱۳۰۵ش حدود ۲/۲ مردم با سواد بودند. این رقم در سال ۱۹۷۰م /۱۳۴۹ش به ۹۹ درصد افزایش یافت.(۲۵)

در سال ۱۹۹۴م /۱۳۷۳ش تعداد ۳۱۱۲باب مدرسه در مقاطع مختلف تحصیلی با تعداد ۱۳۳۰۰۰۰ محصل مشغول به فعالیت بودند. در همین سال ۱۲ دانشگاه و مرکز آموزش عالی با حدود ۱۰۰ هزار دانشجو دایر بود.(۲۶)

«دانشگاه دولتی دوشنبه» که در سال ۱۹۴۸م /۱۳۲۷ش افتتاح شد با ۱۱۰۰۰ دانشجو، «انستیتوی شوچنکو»، «انستیتوی طب» با نام «ابوعلی سینا» و «انستیتو صنعتی تورسان زاده»، از مهمترین مراکز آموزش عالی تاجیکستان محسوب می‌شوند.

«آکادمی علوم تاجیکستان» در چهار شاخهٔ علوم فیزیک، شیمی، بیولوژی، منابع معدنی و جمعیت، تحقیق و پژوهش می‌کند از سال ۱۹۵۱م /۱۳۳۰ش که این مرکز علمی

گشایش یافت جمع زیادی از متخصصان در آن مشغول پژوهشهای تخصصی هستند. این مرکز با بسیاری از مراکز علمی و تحقیقاتی دنیا ارتباط دارد.[۲۷]

۷ـ ۲ رسانه‌های گروهی

چاپ وانتشار روزنامه و مجله در تاجیکستان سابقه نسبتاً قدیمی دارد. روزنامهٔ «بخارای شریف» که در سال ۱۹۱۲م /۱۲۸۱ش به زبان فارسی تاجیکی به چاپ رسید و یک سال بعد انتشار آن متوقف شد. اولین روزنامهٔ تاجیکستان به شمار می‌آید و «مجلهٔ سمرقند» که از سال ۱۹۱۹م /۱۲۹۸ش به زبان فارسی انتشار یافت قدیمترین مجلهٔ تاجیکستان است.

نخستین روزنامه‌ای که پس از انقلاب بلشویکی به زبان تاجیکی به چاپ رسید «عیدتا تاجیک» نام داشت این روزنامه در سال ۱۹۲۵م /۱۳۰۴ش در سمرقند منتشر شد و از شماره دوم «بیداری تاجیک» نام گرفت. طی سالهای ۱۹۲۸ تا ۱۹۵۵م /۱۳۰۷ تا ۱۳۳۴ش با نام «تاجیکستان سرخ» و پس از آن با نامهای «تاجیکستان شوروی» و «تاجیکستان سوویتی» به چاپ می‌رسید. پس از استقلال و از سال ۱۹۹۲م /۱۳۷۱ش روزنامه مذکور با نام «جمهوریت» منتشر می‌شود.[۲۸] نخستین مجلهٔ تاجیک زبان نیز که از سال ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۱م /۱۲۹۸ تا ۱۳۰۱ش به چاپ رسید، «شعلهٔ انقلاب» نام داشت.

روزنامه «کومسومول تاجیکستان» از سال ۱۹۳۰م /۱۳۰۹ش با الفبای فارسی و لاتین به چاپ رسید و پس از توقف انتشار در دوران جنگ دوم جهانی، در سال ۱۹۴۵م /۱۳۲۴ش با نام «جوانان تاجیکستان» فعالیت خود را از سر گرفت و یک سال بعد مجدداً با نام سابق منتشر شد. این روزنامه پس از استقلال تاجیکستان مجدداً جوانان تاجیکستان نام گرفت. همچنین روزنامهٔ «پیشگام تاجیک» که از سال ۱۹۲۹م /۱۲۰۸ش منتشر می‌شد به همراه روزنامهٔ «معارف و مدنیت» که از سال ۱۹۳۳م /۱۳۱۲ش به چاپ رسید، مهمترین نشریات روزانهٔ تاجیکستان تا پیش از استقلال این کشور بودند. روزنامهٔ معارف و مدنیت از سال ۱۹۸۱م /۱۳۶۰ش به دو بخش مدنیّت تاجیکستان و آموزگار تاجیکستان تقسیم شد و از سال ۱۹۸۷م /۱۳۶۶ش به هفته‌نامه «ادبیات و صنعت» تغییر نام داد.[۲۹] پرتیراژترین روزنامهٔ کشور ویژهٔ کودکان و نوجوانان با نام «پانیر» از سال

۱۹۳۲م /۱۳۱۱ش شروع به کار کرد و پس از استقلال انباز نام گرفت.(۳۰)

مجلهٔ «تاجیکستان سوویتی» از سال ۱۹۵۶م /۱۳۳۵ش به دو زبان فارسی تاجیکی و روسی منتشر می‌شد و اندکی بعد فقط به زبان فارسی تاجیکی و با نـام «تـاجیکستان» انتشار یافت. پس از ۶ سال، انتشار این مجله متوقف شد. از سال ۱۹۹۱م /۱۳۷۰ش به کوشش یک شرکت خصوصی فعالیت مجدد این ماهنامه آغاز شد.(۳۱) ماهنامه «صدای شرق» که از سال ۱۹۳۸م /۱۳۱۷ش جایگزین «ادبیات سوسیالیستی» شد، پس از طی دورهٔ رونق و رکود از سال ۱۹۶۴م /۱۳۴۳ش با نام صدای شرق به چاپ می‌رسید. این ماهنامه که تا پیش از استقلال تاجیکستان پرتیراژترین روزنامهٔ کشور بود،(۳۲) به همراه «ماهنامهٔ زنان تاجیکستان» کـه از سـال ۱۹۳۲م /۱۳۱۱ش بـا نـام «راه لنـین» و از سـال ۱۹۵۵م /۱۳۳۴ش بـا نـام جـدید مـنتشر مـی‌شد، و نشـریه «پـامیر» کـه از سـال ۱۹۴۸م /۱۳۲۷ش شروع بـه فـعالیت کـرد، مـهمترین مـجلات تـاجیکستان تـا پـیش از استقلال بودند.

ماهنامهٔ «زنان تاجیکستان» پس از استقلال با نام «فیروزه» منتشر مـی‌شود و نشـریهٔ پامیر در ابتدا به صورت گاهنامه و به زبان روسی و با نام «استالین آباد» ادبی به چـاپ مـی‌رسید در سـال ۱۹۵۱م /۱۳۳۸ش بـه «گـلستان» تـغییر نـام داد و از اوایـل سـال ۱۹۶۸م /۱۳۴۷ش با نام پامیر و به صورت فصلی منتشر می‌شود.(۳۳)

از زمان استقلال نیز نشریات گوناگونی به صورت روزنامه، هفته‌نامه و مـاهنامه بـه زبـانهای مـختلف مـنتشر مـی‌شود. کـه از مـیان آنـها مـی‌توان نشـریات تـاجیکی زبـان «جمهوریت» «صدای مردم»، «پیام دوشنبه»، «جوانان تاجیکستان»، «ادبیات و صنعت»، «نوروز وطن»، «منبر اسلام»، «هشت گنج»، «چراغ روز» «نجات»، «صدای شرق»، «علم و حیات» و نشریات روسی زبان «شام دوشنبه» و «نوید بازرگان» را برشمرد. هـمچنین نشریه «ساویت تاجیکستان» به زبان ازبکی، «پیوند» بـه زبـان فـارسی، پـامیر بـه زبـان تـاجیکی و روسـی، «فـرهنگ» بـه زبـان تـاجیکی و فـارسی در ردیـف نشـریات مـهم تاجیکستان به شمار می‌آیند.

۸ ـ ۲ تقسیمات کشوری

جمهوری تاجیکستان از یک جمهوری خودمختار و چهار استان تشکیل شده است. جمهوری خودمختار گورنو بدخشان یا «بدخشان کوهستانی» بخش شرقی و جنوب شرقی کشور را فراگرفته و تقریباً منطبق بر ناحیه طبیعی فلات پامیر است. استان خجند در شمال، استان قراتگین در مرکز و استانهای قرغان تپه و کولاب در جنوب و جنوب غربی تاجیکستان قرار دارند. گفته می‌شود که اخیراً دو استان قرغان تپه و کولاب در هم ادغام شده و استان واحدی به نام ختلان را به وجود آورده‌اند.(۳۴)

در میان بیش از ۱۸ شهر تاجیکستان، دوشنبه پایتخت کشور بزرگترین و پرجمعیت‌ترین نقطهٔ شهری است (جدول ۹ ـ ۳) (نقشهٔ ۳۰).

شهرهای «تورسان زاده» در نزدیکی دوشنبه و «کانی بادام» در استان خجند با جمعیت ۲۱ و ۲۸ هزار نفر از دیگر شهرهای مهم تاجیکستان هستند.

۱ ـ ۸ ـ ۲ دوشنبه

پایتخت تاجیکستان در حال حاضر مهمترین و بزرگترین شهر تاجیکستان است، این شهر در ارتفاع ۵۷۰ تا ۹۳۰ متری از سطح دریا قرار گرفته و حدود ۱۲۵ کیلومترمربع وسعت دارد.

جدول ۹ ـ ۳ استانهای تاجیکستان و برخی مشخصات مراکز آنها(۳۵)

استان	مرکز استان		
	نام	فاصله‌از مرکزکشور (کیلومتر)	جمعیت در سال ۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش (هزارنفر)
خجند	خجند	۱۹۵	۱۶۰
قراتگین	دوشنبه	۰	۵۹۵
قرغان تپه	قرغان تپه	۸۵	۵۵
کولاب	کولاب	۱۱۴	۶۲
جمهوری خودمختار بدخشان کوهستانی	خاروغ	۲۶۵	۱۴

هستهٔ اولیه شهر دوشنبه روستایی به همین نام است که محل برپایی اولین دوشنبه بازار، در سال ۱۶۷۶م/۱۰۵۵ش بوده است.[۳۶] دوشنبه پس از انتخابش به عنوان مرکز تاجیکستان در سالهای پس از انقلاب بلشویکی بسرعت رشد کرد واز یک روستای کوچک به شهری بزرگ تبدیل شد.

دوشنبه در غرب تاجیکستان قرار دارد، تا سال ۱۹۶۱م/۱۳۴۰ش «استالین آباد» نامگذاری شده بود و سپس به نام سابق خود تغییر یافت. این شهر از نظر اداری به چهار ناحیهٔ «راه‌آهن»، «اکتبر»، «فرونزه» و «مرکزی» تقسیم می‌شود.

دوشنبه پرجمعیت‌ترین شهر کشور است و فاصلهٔ آن از نظر جمعیت با شهر بعدی بسیار زیاد است (جدول ۱۰ ـ ۳).

جدول ۱۰ ـ ۳ جمعیت دوشنبه در سالهای ۱۹۳۹ تا ۱۹۹۱م/۱۳۱۸ تا ۱۳۷۰ش[۳۷]

سال	۱۹۳۹م/۱۳۱۸ش	۱۹۵۹م/۱۳۳۸ش	۱۹۷۹م/۱۳۵۸ش	۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش
جمعیت	۸۳۰۰۰	۲۲۷۰۰۰	۲۹۴۰۰۰	۵۹۵۰۰۰

دوشنبه مهمترین واحدهای فرهنگی، اداری، سیاسی و اقتصادی کشور را در خود جای داده است. مهمترین دانشگاه کشور و همچنین بزرگترین کتابخانهٔ جمهوری با نام «فردوسی» در این شهر واقعند. مقبرهٔ دو تن از برجسته‌ترین شاعران معاصر تاجیکستان، «میرزا تورسان زاده» و «صدرالدین عینی» در دوشنبه قرار دارد و در «میدان آزادی» بزرگترین میدان شهر در سال ۱۹۹۳م/۱۳۷۱ش و در سالروز استقلال این کشور تندیس «حکیم ابوالقاسم فردوسی» جایگزین مجسمهٔ پیکره «لنین» شد.[۳۸] همچنین مجسمه‌های «ابوعلی سینا» و «رودکی» در میدانهای دیگر شهر بچشم می‌خورد.

۲ ـ ۸ ـ ۲ خجند

از شهرهای قدیم و بزرگ آسیای مرکزی است که در درّهٔ فرغانه و در ساحل شمالی سیردریا قرار دارد. این شهر که تاریخی طولانی دارد، در دوران حکومت اسلامی، قرون چهارم و پنجم هجری، به دلیل فزونی و تراکم جمعیت و کمی آبادی در اطراف آن، در

مورد تهیهٔ برخی از محصولات کشاورزی متکی به نواحی دیگر بود، به طوری که بخشی از گندم مصرفی آن از فرغانه و «اسروشنه» تأمین می‌شد.[۳۹]

نقشهٔ ۳۰

خجند از قدیم دارای باغهای میوه و تاکستانهای بسیاری بود و سیب آن شهرت بسیاری داشت، امروزه نیز به همراه محصولات باغی، صنایع و کارخانه‌های بسته‌بندی و تهیهٔ مواد غذایی، تهیه ابریشم و پارچه بافی بر اهمیت آن افزوده است و این شهر را در رأس شهرهای مهم و صنعتی کشور قرار داده است.

۳ ـ ۸ ـ ۲ کانی بادام

از دیگر شهرهای قدیمی تاجیکستان است. این شهر نیز در درّهٔ فرغانه قرار دارد و وجه تسمیه آن را فراوانی درختان بادام مرغوب در شهر و اطراف آن دانسته‌اند که حتی تا هندوستان نیز صادر می‌شده است.[۴۰]

کانی بادام در شمال شرق کشور و در نزدیک مرز تاجیکستان و ازبکستان قرار دارد و یکی از شهرهای بزرگ و صنعتی تاجیکستان است که جمعیت زیادی را در خود جای داده است.

۴ـ۸ـ۲ جمهوری خودمختار بدخشان کوهستانی

این واحد سیاسی در منتهاالیه جنوب شرقی آسیای مرکزی قرار دارد و از شرق و جنوب با چین و افغانستان هم مرز است. این ناحیهٔ کوهستانی آب و هوای قاره‌ای و خشک دارد و بویژه در زمستانها هوایی سرد بر آن حاکم می‌شود. میزان متوسط بارش سالیانه در نقاط شهری که قلمرو یخچالهای طبیعی است بین ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ میلی‌متر است. تعداد ۱۰۸۵ یخچال به وسعت ۸۰۴۱ کیلومتر مربع ارتفاعات ناحیه را پوشانیده‌اند. رودهای مهم ناحیه با نامهای «موک سو»، «آب خنگو» «گومت»، «برتنگ»، «مرغاب»، «آق سو» پس از پیوستن به وخش و پنچ، سرشاخه‌های آمودریا را تشکیل می‌دهند. بزرگترین دریاچهٔ تاجیکستان با نام قراکول در این جمهوری خود مختار واقع است. همچنین دریاچه‌های ساریز و با شیل‌کول از رودهای «رانگکول»، «زارکول» و «شارکول» تغذیه می‌شوند.

جمهوری خود مختار بدخشان کوهی با ۶۳۷۰۰ کیلومتر مربع وسعت حدود ۴۴/۵ درصد از وسعت تاجیکستان را تشکیل می‌دهد. جمعیت این ناحیه در سال ۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش حدود ۱۶۷هزار نفر بود که ۱۱ درصد آن در نقاط شهری و ۸۷درصد در نقاط روستایی سکونت داشتند. بیشتر جمعیت بدخشان کوهستانی در بخش شرقی که از نظر زیست شرایط بهتری دارد، زندگی می‌کنند. ساکنان این قسمت را تاجیکها تشکیل می‌دهند، در حالی که قسمت شرقی قلمرو سکونت قرقیزها است.

ساکنان این ناحیه که پامیری نیز شهرت دارند به زبانهای گوناگونی تکلم می‌کنند. تعدد طوایف و قبایل و عدم مراوده وارتباط، به دلیل شرایط سخت محیطی، سبب شده که در طی زمان هر طایفه زبان سنتی خود را حفظ نماید و کمتر با زبانهای دیگر درآمیزد. حدود ۱۵ زبان و لهجه در ناحیه رایج است که زبانهای فارسی و پشتو فراگیری بیشتری دارند. زبانهای رایج گرچه با یکدیگر قرابت دارند ولی برای گروههای دیگر قابل درک

نیستند.[۴۱] به همین دلیل زبان تاجیکی نقش زبان واسطه‌ای و همچنین زبان تدریس و آموزش در ناحیه را برعهده دارد.[۴۲]

ساکنان بدخشان کوهستانی تا قرن یازدهم میلادی / پنجم هجری، آیین بت‌پرستی و ادیان بودایی و زردشتی داشتند. در آن زمان آنها با اصول اسلامی آشنا شدند و به آن ایمان آوردند. اکنون گروهی از آنها به فرقهٔ اسماعیلیه وابسته‌اند و جمعی دیگر پیرو مکتب شافعی هستند.

جمهوری خودمختار بدخشان کوهستانی از نظر اقتصادی بسیار عقب مانده است. نبود راههای ارتباطی و سختی شرایط محیطی این ناحیه را در انزوا قرار داده است، به همین سبب فعالیت اصلی مردم آن زراعت و دامداری است. کوهستانی بودن ناحیه محدودیت زمینهای قابل کشت را سبب شده و این ویژگی در بخش شرقی ناحیه آشکارتر است. گندم، نخود، جو، سیب‌زمینی، توتون و میوه محصول عمده زمینهای زراعی ناحیه به وسعت ۱۸/۵ هزار هکتار در سال ۱۹۹۰م / ۱۳۶۹ش بوده است.

ناحیهٔ بدخشان کوهستانی شرایط مساعدی برای توسعهٔ فعالیتهای دامداری و دامپروری دارد، حدود ۲۸/۱ درصد علفزارها و ۲۱/۱ درصد چراگاههای تاجیکستان در این ناحیه قرار دارند. به همین دلیل یکی از مشاغل مهم مردم دامداری است، در سال ۱۹۹۰م / ۱۳۶۹ش تعداد ۳۴۰ هزار رأس گوسفند و بز، ۲۶/۹ هزار رأس گاو شیری در ناحیه نگهداری می‌شدند. از آنجا که مراتع و منابع طبیعی غذای اصلی دامها به شمار می‌روند، چرای بی رویه و بیش از ظرفیت دامها در مراتع به همراه نبود مدیریت مناسب برای بهره‌برداری از مراتع، اکثر چراگاههای ناحیه را در معرض نابودی قرار داده است. بهبود مدیریت، کنترل بر میزان بهره‌برداری و اجرای برنامه‌های حفظ و حراست و بازسازی مراتع می‌تواند سبب رونق و توسعه دامپروری در ناحیه شود.

معادن این ناحیه عبارتند از سنگهای نیمه قیمتی، طلا، پنبهٔ نسوز ومیکا. برخی از معادن مانند لعل و سنگهای لاجوردی ذخایر آن تمام شده و برخی دیگر هنوز به اندازهٔ کافی مورد بهره‌برداری قرار نگرفته‌اند. صنایع ناحیه بسیار محدود و عمدةً در زمینهٔ تبدیل مواد غذایی، تولید پوشاک و قالی‌بافی است.

با توجه به تعداد زیاد رودخانه‌های ناحیه و آبدهی فراوان آنها، جمهوری خود مختار

بدخشان کوهستانی می‌تواند از نظر تأمین انرژی آبی یکی از نواحی مهم تاجیکستان به شمار آید، اما هنوز ظرفیت کامل این رودخانه‌ها مورد استفاده قرار نگرفته است.

جمهوری خودمختار بدخشان کوهستانی یکی از دور افتاده‌ترین و عقب مانده‌ترین نواحی آسیای مرکزی است. درگذشته راهیابی به ناحیهٔ پامیر تقریباً غیرممکن بود اما اکنون وجود دو جادهٔ ارتباطی، پامیر را با دوشنبه مرکز تاجیکستان و ناحیهٔ اوش در قرقیزستان وصل می‌کند. این ناحیه از نظر اقتصادی وضعیت مطلوبی ندارد به طوری که با اشغال ۴۴ درصد وسعت کشور فقط ۳درصد جمعیت را در خود جای داده و ۴درصد تولیدات صنعتی تاجیکستان را تأمین می‌کند (جدول ۱۱ ـ ۳).

جدول ۱۱ ـ ۳ میزان تولید برخی کالاهای دامی و صنعتی بدخشان کوهستانی در سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش [۴۳]

نوع کالا	میزان تولید
شیر	۴/۳ هزار تن
تخم مرغ	۲۰۲۱ هزار عدد
پیلهٔ ابریشم	۱۹۶تن
روغن حیوانی	۲۹ تن
کفش چرمی	۲ هزار جفت
پوشاک	۶۸۳ هزار دست
انرژی الکتریکی	۸۱/۳ میلیون کیلووات ساعت

پس از استقلال تاجیکستان، این ناحیه نیز تحت تأثیر بحرانهای سیاسی و اقتصادی قرار گرفت و ارتباط آن با منطقهٔ بدخشان در شمال افغانستان برقرار شد. جنگهای داخلی و عوض شدن رژیمها در تاجیکستان و افغانستان سبب شد که گروهی از آوارگان تاجیکی به افغانستان بروند و تعداد زیادی از افغانیها نیز در مواقع سخت به این ناحیه پناهنده شوند. ثبات سیاسی و اقتصادی تاجیکستان بی شک در بهبود وضعیت مردم ناحیه تأثیر خواهد گذاشت.

۳ـ ویژگیهای اقتصادی

۱ـ ۳ کلیات

تاجیکستان فقیرترین کشور آسیای مرکزی به شمار می‌آید. براساس آمار، در سال ۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش حدود ۸۷درصد مردم آن زیر خط فقر قرار داشتند.[۴۴] پس از استقلال نیز نابسامانیها و جنگ داخلی وضع اقتصادی کشور را بیش از سایر جمهوریهای ناحیه دچار بحران و رکود کرد.

در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش، تولید ناخالص داخلی نسبت به سال قبل از آن ۳۱درصد کاهش یافت. در سال ۱۹۹۳م/۱۳۷۲ش، ۳۱درصد دیگر هم کاهش پیدا کرد. به همین منوال میزان تولید صنعتی در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش نسبت به سال پیش از آن ۲۴/۲درصد کاهش نشان می‌دهد، در سال بعد مجدداً ۲درصد دیگر از میزان تولید صنعتی کاسته شده است.[۴۵] همچنین نرخ تورم از ۴درصد در سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش، به ترتیب به ۱۰۲درصد، ۱۰۰۰درصد و ۲۱۴۰ درصد در سه سال بعد از آن افزایش یافته است.[۴۶]

تحولات اقتصادی و سیاسی ناشی از استقلال به همراه بحرانهای داخلی در طی سالهای ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۴م/۱۳۷۰ـ ۱۳۷۳ش، همچنان که مشاهده شد، علاوه برآن که در وضعیت اقتصادی کشور تأثیر شگرفی داشت هزینه‌های فوق‌العاده‌ای نیز به همراه آورد. به طوری که خسارات مادی ناشی از جنگ داخلی رقمی حدود ۳۰۰ میلیون دلار بود و اقتصاد کشور چندین دهه عقب افتاد.[۴۷] پس از ایجاد آرامش و برقراری آتش‌بس میان نیروهای دولتی و مخالفان آنها، بهبود اندکی در وضعیت اقتصادی کشور رخ داد و دولت اقداماتی را برای خروج از بحران اقتصادی موجود تدارک دید که تعویض پول تاجیکستان از روبل روسیه به روبل تاجیکی نیز در جهت همین اقدام، صورت گرفت.

به تازگی دولت تاجیکستان خط مشی جدید اقتصادی را برای دورهٔ کنونی، تا سال ۲۰۰۰م/۱۳۷۹ش تهیه کرده است، در این برنامه چند مرحله در نظر گرفته شده است که در مرحلهٔ نخست ایجاد پایه‌های حقوقی بازار آزاد تا سال ۱۹۹۸م/۱۳۷۶ش است. مرحلهٔ دوم تشکیل نهادهای بنیادی ساختار اقتصادی تا سال ۱۹۹۹م/۱۳۷۸ش و

سرانجام مرحلهٔ سوم نوسازی کارخانه‌های تولیدی و پیشبرد سیاست اجتماعی فعال برای بهبود سطح زندگی مردم است. بدیهی است که تاجیکستان بیش از هر چیز نیاز به صلح و آرامش دارد تا بتواند اقتصاد خود را اصلاح کند. با ایجاد تفاهم کامل میان نیروهای مخالف و دولت در دی ماه ۱۳۷۵، امید می‌رود که ثبات سیاسی بهبود وضعیت اقتصادی را به همراه داشته باشد.

۲ ـ ۳کشاورزی

تاجیکستان اراضی مساعد و شرایط جغرافیایی نسبتاً مناسبی را برای انجام فعالیتهای کشاورزی دارد. به همین دلیل و با توجه به سابقهٔ فعالیتهای زراعی به ویژه باغداری، استقرار بیش از $\frac{۲}{۳}$ جمعیت کشور در نقاط روستایی و گذران زندگی آنها از طریق فعالیتهای کشاورزی قابل درک است.

در سال ۱۹۹۰م /۱۳۶۹ش حدود ۴۳درصد از نیروی شاغل کشور در بخش کشاورزی اشتغال داشتند و حدود ۲۵درصد از تولیدات کشور را محصولات کشاورزی تشکیل می‌داد.[۴۸]

۱ ـ ۲ ـ ۳زراعت

وسعت اراضی زراعی تاجیکستان بسیار کم و در سال ۱۹۹۰م /۱۳۶۹ش حدود یک‌میلیون هکتار بوده است. مرتفع بودن بخش مهمی از وسعت کشور، سطح اراضی قابل کشت را محدود کرده است. در واقع کمبود زمین مساعد بیش از آن که ناشی از کم آبی باشد حاصل ناهموار بودن کشور است (جدول ۱۲ ـ ۳).

جدول ۱۲ ـ ۳ وسعت اراضی قابل کشت تاجیکستان در سالهای ۱۹۴۰ تا ۱۹۸۸م/۱۳۱۹ تا ۱۳۶۷ش (هزار هکتار)[۴۹]

سال	۱۹۴۰م/ ۱۳۱۹ش	۱۹۵۰م/ ۱۳۲۹ش	۱۹۶۰م/ ۱۳۳۹ش	۱۹۷۰م/ ۱۳۴۹ش	۱۹۸۰م/ ۱۳۵۹ش	۱۹۸۸م/ ۱۳۶۷ش
سطح‌زیرکشت	۸۰۷/۱	۸۳۷	۷۳۷/۴	۷۶۴/۹	۷۶۳/۹	۸۴۸

علاوه بر کمبود زمین هموار، کمبود آب نیز مانع مهمی در برابر گسترش فعالیتهای کشاورزی است، به همین دلیل در سالهای قبل مقامات شوروی کوشیدند با احداث سدها و کانالهای آبرسانی، از آبهای جاری برای بخش کشاورزی استفاده کنند و چون وسعت زمینهای زراعی محدود و تعداد و میزان آبدهی رودخانه‌ها زیاد است، بیشتر مزارع به کشت آبی اختصاص یافتند. به طوری که در سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش، حدود ۶۴۳ هزار هکتار از زمینهای زیرکشت با استفاده از کانالهای آبرسانی آبیاری شدند.

مرغوبترین و وسیعترین زمینهای زراعی تاجیکستان در درهٔ فرغانه، اطراف رود زرافشان و دیگر رودخانه‌های کشور قرار دارند.

پنبه، غلات، سبزی، کنف، نیشکر، برنج و انواع میوه مهمترین تولیدات زراعی تاجیکستان را تشکیل می‌دهند. غلات در دیمزارهای پایکوهی، برنج در جنوب غرب کشور و ناحیهٔ درّهٔ زرافشان، میوه شامل انگور، انار، سیب، مرکبات وخرمالو در شمال و جنوب غربی، و سبزی در اکثر نقاط این سرزمین پرورش می‌یابند (جدول ۱۳ ـ ۳).

جدول ۱۳ ـ ۳ میزان تولید برخی محصولات کشاورزی تاجیکستان
در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش (هزار تن)[۵۰]

محصول	میزان تولید
انگور	۱۲۱
برنج	۲۴
پنبه	۸۱۹
جو	۴۷
ذرت	۶۰
سبزی	۶۲۸
سیب‌زمینی	۱۸۱
گندم	۱۴۱
میوه	۱۷۱

مشاهده می‌شود در میان تولیدات زراعی، پنبه با الیاف بلند مهمترین محصول است و بیشتر اراضی کشور را به خود اختصاص داده است (جدول ۱۴ ـ ۳). تاجیکستان

دهمین کشور تولید کنندهٔ پنبه در جهان به شمار می‌آید.

جدول ۱۴ ـ ۳ سطح زیرکشت پنبه در تاجیکستان در سالهای
۱۹۴۰ تا ۱۹۸۸م/۱۳۱۹ تا۱۳۶۷ش (هزار هکتار)[۵۱]

سال	۱۹۴۰م/ ۱۳۱۹ش	۱۹۵۰م/ ۱۳۲۹ش	۱۹۶۰م/ ۱۳۳۹ش	۱۹۷۰م/ ۱۳۴۹ش	۱۹۸۰م/ ۱۳۵۹ش	۱۹۸۸م/ ۱۳۶۷ش
سطح زیرکشت	۱۰۶/۱	۱۲۶	۱۷۲/۴	۲۵۴	۳۱۱	۳۲۰

از این جدول می‌توان دریافت که در سال ۱۳۱۹ش فقط ۱۲درصد کل اراضی زیرکشت اختصاص به کشت پنبه داشت. این رقم در سال ۱۳۶۷ش به ۳۷/۷ درصد افزایش یافته است.

افزایش سطح زیرکشت پنبه با کاهش سطح زیر کشت سایر محصولات زراعی همراه بوده است. مثلاً سطح زیرکشت حبوبات در سال ۱۹۴۰م /۱۳۱۹ش حدود ۷۰درصد کل اراضی کشور بوده که در سال ۱۹۸۵م /۱۳۶۴ش به ۲۶درصد کاهش یافته است[۵۲] (جدول ۱۵ ـ ۳). گرچه پنبه بیشتر اراضی کشور و حدود $\frac{۲}{۳}$ از ارزش تولیدات کشاورزی را تشکیل می‌دهد، بازده تولید آن در هر هکتار معادل نصف تولید آن در امریکا است.[۵۳]

جدول ۱۵ ـ ۳ سطح زیرکشت حبوبات در تاجیکستان در سالهای
۱۹۴۰ تا ۱۹۸۶م/۱۳۱۹ تا ۱۳۶۵ش (هزار هکتار)[۵۴]

سال	۱۹۴۰م/ ۱۳۱۹ش	۱۹۵۰م/ ۱۳۲۹ش	۱۹۶۰م/ ۱۳۳۹ش	۱۹۷۰م/ ۱۳۴۹ش	۱۹۸۰م/ ۱۳۵۹ش	۱۹۸۶م/ ۱۳۶۵ش
میزان تولید	۵۶۷/۲	۵۵۲	۳۶۰	۳۲۰/۵	۱۹۵	۱۵۱

۲ ـ ۲ ـ ۳ دامداری

یکی از فعالیتهای اصلی کشاورزان تاجیکستان دامداری است. گوسفند مهمترین دام ناحیه است که سابقهٔ پرورش آن به سالیان دور باز می‌گردد. از میان انواع گوسفند، پرورش گوسفند حصاری برای استفاده از چربی و گوشت آن و گوسفند قره‌گل به خاطر

پوست آن، اهمیت بیشتر دارند.

دامداری در تاجیکستان به منظور بهره‌برداری از پوست و پشم حیوانات می‌باشد و بدیهی است که تولیدات لبنی و گوشت حیوانات نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. بنابراین چرم یکی از محصولات مهم تاجیکستان است که بخشی از آن صادر می‌شود. میزان تولید این محصول در سال ۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش ۲۷ هزار تن بود که با اختلاف اندکی با میزان تولید ازبکستان در میان کشورهای آسیای مرکزی در مرتبه سوم قرار می‌گیرد.

تولیدات دامی حدود ۳۸ درصد از کل تولید کشاورزی تاجیکستان را تشکیل می‌دهد.(۵۵) تعداد دام زنده تاجیکستان در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش در جدول ۱۶ ـ ۳ مشاهده می‌شود.

جدول ۱۶ ـ ۳ تعداد دام زنده تاجیکستان در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش (هزار رأس)(۵۶)

دام	تعداد
بز و گوسفند	۳۴۰۰
خوک	۱۰۰
گاو	۱۴۰۰

۳ ـ ۳ منابع معدنی

تاجیکستان دارای ذخایر سرشار کانی است. معادن آهن، آنتیموان، اورانیوم، روی، سرب، جیوه، قلع، مس، طلا، مصالح ساختمانی، سنگهای قیمتی، نفت، گاز و زغال سنگ مهمترین کانیهای کشور به شمار می‌آیند.

تاجیکستان از نظر منابع نفت و گاز چندان غنی نیست و فقط چند حوزه کوچک نفت و گاز در این کشور کشف شده است. نخستین چاه نفت کشور در سال ۱۹۰۴م/۱۲۸۳ش در نزدیکی شهر کانی بادام کشف و یک سال بعد استخراج آن شروع شد. تولید نفت در این ناحیه را شرکت صنعتی و تجارتی نفت آسیای مرکزی به نام «سانتو» عهده‌دار بود. در سال ۱۹۱۷م/۱۲۹۶ش در تاجیکستان حدود ۹/۷ هزار تن نفت در سال تولید می‌شد، این رقم در سال ۱۹۸۰م/۱۳۶۹ش به ۳۳۰ هزار تن افزایش یافت. اما پس از کسب استقلال تولید نفت کاهش یافت (جدول ۱۷ ـ ۳).

جدول ۱۷ ـ ۳ میزان تولید نفت تاجیکستان در سالهای ۱۹۴۰تا ۱۹۹۱م/۱۳۱۹ تا ۱۳۷۰ش (هزار تن)(۵۷)

سال	۱۹۴۰م/ ۱۳۱۹ش	۱۹۵۰م/ ۱۳۲۹ش	۱۹۶۰م/ ۱۳۳۹ش	۱۹۷۰م/ ۱۳۴۹ش	۱۹۸۰م/ ۱۳۵۹ش	۱۹۹۱م/ ۱۳۷۰ش
میزان تولید	۳۰	۲۰	۱۷	۱۸۱	۳۳۰	۲۰۰

وضعیت تولید گاز در تاجیکستان مشابه نفت است و تولید کشور در سال ۱۹۹۱م / ۱۳۷۰ش معادل ۲۰۰ میلیون مترمکعب بود.

اصولاً تاجیکستان پس از استقلال از نظر نفت وگاز و بنزین و دیگر سوختها در تنگنا قرار گرفته است، مشکلات فنی و کمبود بودجه عامل اصلی این معضل است، تا پیش از فروپاشی شوروی در روابط متقابل اقتصادی، سوخت مورد نیاز تاجیکستان تأمین می‌شد، اما اکنون تاجیکستان برای توسعهٔ اکتشاف و استخراج نفت وگاز نیازمند سرمایهٔ مادی هنگفتی است ضمن آن که ۲ میلیون و ۷۰ هزار بشکه نفت مورد نیاز باید از سایر کشورهای نفت‌خیز وارد شود.

تاجیکستان ذخایر غنی اورانیوم دارد. در دههٔ ۱۹۴۰م «استالین» برای ساخت اولین بمب اتمی شوروی نخستین کارخانهٔ تولید اورانیوم را در این کشور تأسیس کرد. وجود این مادهٔ مهم، اهمیت استراتژیکی ویژه‌ای به تاجیکستان داده است، به همین دلیل امریکا فشار زیادی بر این کشور وارد می‌کند تا مانع از ساخت و انتشار سلاحهای هسته‌ای شود.(۵۸) میزان ذخایر اورانیوم تاجیکستان ۱۴درصد کل ذخایر جهان است.

فلز روی با تولید ۱۵ هزار تن در سال ۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش و طلا با تولید ۲/۵ تن در سال از دیگر منابع معدنی مهم تاجیکستان به شمار می‌روند.

بیشتر معادن تاجیکستان در قسمت شمالی کشور قرار دارند و بسیاری از آنها فقط شناسایی شده و هنوز به مرحله استخراج و بهره‌برداری نرسیده‌اند. در حال حاضر معادن آنتیموان، جیوه، تنگستن، قلع، فلوئوریت، مولیبدن وکانیهای انرژی‌زا شامل زغال سنگ و نفت استخراج می‌شوند و به مصرف می‌رسند.

۴ ـ ۳ صنایع

فعالیتهای صنعتی تاجیکستان عمدةً بر محور صنایع سبک و صنایع وابسته به بخش کشاورزی پایه‌گذاری شده است. صنایع نساجی، تولید پوشاک، قالی‌بافی، ابریشم‌کشی، پنبه پاک‌کنی، روغن‌کشی و تولید ابزار موردنیاز کشاورزی، صنایع فعال تاجیکستان را تشکیل می‌دهند. ضمن آن که صنایع تولید سیمان، مصالح ساختمانی، لوازم خانگی، ماشین‌سازی‌وفلزکاری نیز حدود ۳۸درصد از محصولات صنعتی کشور را تولید می‌کنند.

آلومینیم از جمله محصولات عمدهٔ صنعتی تاجیکستان به حساب می‌آید. تا پیش از شروع جنگ داخلی این جمهوری در زمرهٔ عمده‌ترین کشورهای تولید کنندهٔ آلومینیم جهان قرار داشت و دارای چهارمین کارخانه بزرگ تولید آلومینیم جهان بود. این کارخانه که بزرگترین واحد صنعتی تاجیکستان است، توان تولید ۵۰۰ هزار تن آلومینیم در سال را دارد. اما وضعیت اقتصادی موجود، تأمین مواد اولیهٔ مورد نیاز کارخانه را با مشکل مواجه کرده است. به همین دلیل میزان تولید آن بسیار کمتر از ظرفیت کارخانه است.[۵۹]

تاجیکستان در ردیف تولیدکنندگان یخچال در آسیای مرکزی قرار دارد، ولی کمبود مواداولیه در دوران پس از استقلال تولید آنراکاهش‌و حتی مدت‌زمانی متوقف‌کرده بود.

صنایع تاجیکستان حدود ۱۳/۵ درصد از نیروی شاغل کشور را به خود جذب کرده‌اند، این بخش تا پیش از استقلال ۲۸/۵ درصد از تولید ناخالص داخلی را تأمین می‌کرد که از این لحاظ نسبت به بخش کشاورزی با ۴۲/۹ درصد نیروی شاغل و ۳۸/۳ درصد تولید ناخالص داخلی، نقش مهمتری در شکوفایی اقتصاد تاجیکستان داشت. اما نابسامانیهای پس از استقلال فعالیتهای صنعتی را با رکود و تولیدات آن را با کاهش مواجه کرد.

واحدهای صنعتی عمدةً در بخشهای شمالی و مرکزی کشور و در شهرهای دوشنبه، خجند، کانی بادام، قورغان تپه و اسفرا مستقر هستند (جدول ۱۸ ـ ۳).

۵ ـ ۳ انرژی

زغال سنگ و نیروگاههای آبی مهمترین تأمین کنندهٔ انرژی تاجیکستان به شمار

می‌آیند. نیروی برق بخش عظیمی از انرژی مورد نیاز کشور را تأمین می‌کند و بزرگترین نیروگاههای برق آبی آسیای مرکزی در این جمهوری و بر روی رودخانه‌های بدخشان و وخش احداث شده‌اند. بنابر اظهار یکی از اعضای آکادمی علوم تاجیکستان، ۲۸ رودخانهٔ بزرگ تاجیکستان ۱۸/۷ درصد و ۱۹۰ رودخانه کوچکتر ۱/۴ درصد از انرژی آبی تاجیکستان را تأمین می‌کنند، بقیه انرژی آبی از سدهای رودخانه‌های وخش و بدخشان تهیه می‌شود.[۶۰]

جدول ۱۸ ـ ۳ میزان تولید برخی از کالاهای صنعتی تاجیکستان در سال ۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش[۶۱]

نوع کالا	میزان تولید
روغن نباتی	۹۳/۲ هزار تن
سیمان	۱۰۰۰ هزار تن
کفش	۹۰۰۰ هزار جفت
کنسرو مواد غذایی	۲۸۴ میلیون قوطی
منسوجات پنبه‌ای	۱۰۲ میلیون متر مربع
نخ پنبه‌ای	۱۰۲ هزار تن
یخچال	۱۴۵ هزار دستگاه

در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش تولید انرژی الکتریسیته ۱۵/۲ میلیون کیلووات در ساعت بود که فقط ۵/۲ درصد از امکانات بالقوهٔ کشور است، به عقیدهٔ کارشناسان با استفادهٔ بهینه از منابع موجود، تولید حدود ۲۸۶ میلیارد کیلووات ساعت برق در سال امکان‌پذیر است. میزان تولید برق کشور بیش از نیاز داخلی است و یکی از اقلام مهم صادرات کشور را انرژی الکتریسیته تشکیل می‌دهد. ذخایری از گاز طبیعی و نفت هم در بخش سفلای رود وخش وجود دارد، ولی میزان تولید این دو مادهٔ انرژی‌زا ناچیز است. میزان تولید مواد انرژی‌زا در تاجیکستان در سال ۱۹۸۹م/۱۳۶۸ش به شرح زیر بود:[۶۲]

نیروگاه‌برق (میلیون کیلووات)	نفت‌ومایعات گازی (میلیون‌تن)	گاز (میلیاردمترمکعب)	زغال‌سنگ (میلیون‌تن)
۱۸/۸	۰/۲	۰/۲	۰/۷

۶ـ۳ حمل و نقل

به دلیل کوهستانی بودن و وجود نقاط صعب‌العبور خطوط راه‌آهن در این سرزمین احداث نشده و وظیفهٔ اصلی حمل‌ونقل کالا و بار را جاده‌های ماشین‌رو انجام می‌دهند. طول‌جاده‌ها حدود ۲۸۵۰۰ کیلومتر است که بخش وسیعی از آنها اسفالته است.

نقشهٔ ۳۱

همچنان که ذکر شد خطوط راه‌آهن در تاجیکستان بسیار محدود و فقط ۴۸۰ کیلومتر می‌باشد. این میزان نیز فقط غرب کشور و نقاط مجاور مرز را پوشش داده است. شهرهای خجند و دوشنبه و قرغان تپه و کولاب دارای ایستگاه راه‌آهن هستند. در واقع

امتداد راه‌آهن آسیای مرکزی از ازبکستان وارد تاجیکستان می‌شود و حد شرقی راه‌آهن ماورای خزر در تاجیکستان قرار دارد. شاخه‌ای از راه‌آهن از سمت غرب وارد این سرزمین می‌شود و با عبور از شهر خجند دوباره وارد خاک ازبکستان می‌گردد. همچنین دو شاخه خط آهن از شهر ترمذ ازبکستان وارد تاجیکستان می‌شود، یک شاخه از غرب تاجیکستان وارد و به دوشنبه ختم می‌شود و شاخهٔ دیگر از جنوب غربی و در مسیر رودخانهٔ پنج به تاجیکستان وارد می‌شود و سپس با جهت شمالی از شهر قرغان تپه عبور می‌کند و به دوشنبه می‌رسد. مشاهده می‌شود بین شهرهای کولاب و قرغان تپه یک شاخه خط آهن وجود دارد. در واقع به غیر از ناحیهٔ کوچکی در غرب کشور، بخش وسیعی از تاجیکستان فاقد راه‌آهن است (نقشهٔ ۳۱).

۷ـ ۳ بازرگانی خارجی

صادرات تاجیکستان مواد معدنی و تولیدات کشاورزی است. پنبه، میوه، ابریشم، آلومینیم و سنگهای ساختمانی از مهمترین محصولات صادراتی کشور به شمار می‌آیند که از میان آنها پنبهٔ خام و آلومینیم حدود ۶۰درصد صادرات را تشکیل می‌دهند، واردات کشور مواد سوختی، مواد غذایی و کالاهای ساخته شدهٔ مصرفی هستند (جدول ۱۹ـ۳).

جدول ۱۹ ـ ۳ کالاهای صادراتی و وارداتی تاجیکستان
در سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش (درصد)(۶۳)

نوع کالا	صادرات	واردات
تولیدات صنایع سبک	۴۴	۲۰
فلزات سنگین	۱۷	ـ
ماشین آلات	ـ	۲۲
مواد غذایی	۱۵	۱۴
مواد شیمیایی	ـ	۹
سایر	۲۴	۳۵
جمع	۱۰۰	۱۰۰

در روابط تجاری به دلیل وابستگی تاجیکستان، هنوز بیشترین حجم کالا در میان این کشور و جمهوریهای مستقل مشترک‌المنافع جابجا می‌شود (جدول ۲۰ ـ ۳).

افغانستان، ایران، چین و کشورهای غربی دیگر کشورهای مهم شریک تجاری تاجیکستان به شمار می‌آیند. در سالهای اولیهٔ استقلال به علت نبود ثبات سیاسی و بروز جنگ داخلی فعالیتهای اقتصادی با رکود همراه بود و این کشور در برقراری ارتباطات خارجی ناتوان به نظر می‌رسید. با قبول آتش بس از سوی طرفین درگیر، زمینهٔ مناسبتری برای گسترش و توسعهٔ روابط تجاری با کشورهای جهان فراهم شده است. اما هنوز

جدول ۲۰ ـ ۳ تجارت خارجی تاجیکستان با کشورهای مستقل مشترک‌المنافع در سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش (میلیون روبل)[۶۴]

صادرات	واردات	تراز
۱۶۷۲	۲۲۱۲	ـ۵۴۰

فعالیتهای اقتصادی و تولید به مرحله‌ای نرسیده‌اند که میان تولید و نیازهای داخلی تعادل برقرار شود و همین امر عامل تراز منفی تجارت خارجی تاجیکستان است زیرا میزان واردات کشور بیش از میزان صادراتش می‌باشد (جدول ۲۱ ـ ۳).

جدول ۲۱ ـ ۳ تجارت خارجی تاجیکستان در سال ۱۹۹۳م/۱۳۷۲ش (میلیون دلار)

صادرات	واردات	تراز
۲۶۳/۲	۳۷۰/۶	ـ۱۰۷/۴

۸ ـ ۳ روابط خارجی

پس از استقلال تاجیکستان، این کشور در اندیشه برقراری روابط گوناگون با تمامی کشورهای جهان بود. اما وقوع جنگ داخلی و بروز نابسامانی در فعالیتهای اقتصادی و فرهنگی سبب شد که این سرزمین از نظر سیاسی روابط نزدیکتری با روسیه و جمهوریهای آسیای مرکزی برقرار کند. در همین زمان کشورهای جهان که بی میل به ایجاد رابطه با تاجیکستان نبودند به سبب نبود امنیت برای سرمایه‌گذاری، از برقراری

روابط اقتصادی با این کشور خودداری کردند. بنابراین همسایگان تاجیکستان مهمترین شرکای تجاری آن کشور شدند.

افغانستان به علت داشتن مرز طولانی با تاجیکستان و همچنین وجود گروه بزرگی از تاجیکان در کشورش و شماری از افغانیها در تاجیکستان، بیشترین ارتباط اقتصادی و سیاسی را با تاجیکستان برقرار کرده است. در زمان جنگ بخشی از این روابط غیرقانونی بود و گفته می‌شود که مخالفان نیروهای حاکم از سوی افغانستان حمایت می‌شوند و امکانات مورد نیاز خود را دریافت می‌کنند. بدون شک افغانستان و تاجیکستان روابط بسیار نزدیکی با هم دارند گرچه شرایط نامساعد سیاسی و اقتصادی افغانستان امکان برقراری روابط اقتصادی گسترده میان دو کشور را محدود می‌کند.

چین و ایران نیز روابط متعددی با تاجیکستان دارند، پیوندهای میان ایران و تاجیکستان، پیوندهای فرهنگی و دیرپای است و ارتباطات چین با این سرزمین بر مبنای فعالیت تجاری و بازرگانی است.

عربستان سعودی نیز با ارسال کمکهای نقدی وجنسی برای مکانهای مذهبی تاجیکستان، در برقراری روابط با این کشور پیشقدم بوده است.

روابط کشورهای غربی با تاجیکستان محدود است، آنها در انتظار ایجاد شرایط ثبات سیاسی در کشور هستند تا سرمایه گذاریهایشان به هدر نرود. در میان کشورهای جهان کانادا و هند هر یک با ۲۰درصد و چین، انگلیس و امریکا هر یک با ۱۰درصد، بیشترین سرمایه‌گذاریهای خارجی را انجام داده‌اند و در زمینهٔ تولید کانیهای قیمتی و انرژی زا سرمایه خود را به کار انداخته‌اند.

۱ ـ ۸ ـ ۳ روابط با ایران

ایران و تاجیکستان دارای فرهنگ و تمدن مشترک و کهن هستند. بسیاری از مردم تاجیکستان وابستگی فرهنگی خودشان به فرهنگ ایرانی را در طی سالیان دراز حفظ کرده و به آن مباهات می‌کنند. این یگانگی فرهنگی امتیاز بزرگی برای ایران محسوب می‌شود که در توسعه روابط متقابل فرهنگی واقتصادی بسیار مؤثر است.

مشترکات فرهنگی میان ایرانیان و تاجیکها سبب سهولت اجرای بسیاری از امور

می‌شود و همین مشترکات باعث شد که ایران به عنوان میانجی، زمینهٔ مناسبی در ایجاد آتش بس و مذاکره و گفتگو میان نیروهای درگیر در تاجیکستان فراهم کند واز این طریق قدم اول را برای ایجاد صلح و آرامش در این کشور مسلمان بردارد که نتیجهٔ نـهایی آن قبول تفاهم نامه نهایی از سوی سیدعبدالله نوری رهبر مخالفان تاجیکستان و امامعلی رحمانف رئیس جمهور این کشـور در آذرمـاه ۱۳۷۵ش /۱۹۹۶م و کـاهش مـنازعات و درگیری وایجاد آرامش و امنیت در تاجیکستان بود.

همچنین مقامات کشور با توجه به اهمیت تداوم روابط فرهنگی اقدامات مـتعددی انجام دادند که مهمترین آنها احداث مساجد، مشارکت در برگزاری کنگره‌های فرهنگی، اعزام رایگان تعدادی از مسلمانان تاجیک به مراسم حج، برقراری تـورهای سـیاحتی ـ زیارتی به مشهد و قم و برقراری حقوق ماهیانه برای طلاب علوم دینی شهر دوشنبه را می‌توان برشمرد.[۶۵]

در زمینهٔ اقتصادی ایران امکانات گوناگونی برای ایجاد یک رابـطهٔ اقـتصادی سـالم دوجانبه دارد. ایران می‌تواند کانیهای تاجیکستان را استخراج و پالایش نماید، بویژه در فراورده‌های نفت و گاز، کشور ما توانایی زیادی از استخراج تا حمل بـه بـازار مـصرف دارد. همچنین ایران با اعزام متخصصان رشته‌های گوناگون می‌تواند تـاجیکستان را در فعالیتهای اقتصادی یاری دهد و با ترانزیت کالاهای آن و برقراری ارتباط تاجیکستان با آبهای آزاد، ضمن آن که خود از منافع اقتصادی فعالیتهایش بهره‌مند می‌شود، در بهبود وضعیت اقتصادی این کشور و بالا بردن سطح زندگی مردم آن نقش مهمی ایفا کند.

یادداشتها

۱ ـ «آب و هوای منطقه جمهوریهای آسیای مرکزی»، ص۲۵ ـ ۳۷؛ آکادمی علوم تـاجیکستان، *کشـور کوههای بلند و وادیهای زرنثار*، ص ۱۰ ـ ۱۲.

۲ ـ *کشور کوههای بلند و وادیهای زرنثار*، ص۹.

۳ ـ *جغرافیای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی*، بخش دوم، ص ۳۶۴ ـ ۳۶۷.

۴ ـ میراحمدی، مریم، «قوم تاجیک و فرهنگ تاجیکی در آسیای مرکزی»، *تحقیقات جغرافیایی*، س ۶،

ش۲۲، ص۵۳.

۵ ـ طخارها، قومی هندو اروپایی بود که ایالت طخارستان را به وجود آوردند. این ایالت بین بلخ و بدخشان واقع بود و در زمان تسلط مسلمانان برآن از ساحل جیحون تا کوههای هندوکش وسعت داشت این ناحیه تاپیش از تسلط طخارها برآن جزو قلمرو پادشاهی باکتریا بود و پس از طخارها، هپتالیان در زمان یزدگرد برآن مسلط شدند. مسلمانان پس از چند حمله آن را تصرف کردند و سپس بخشی از حکومت غوریان (بامیان) شد. به نظر می‌رسد که از قرن هفتم هجری نام طخارستان بتدریج منسوخ شده است. معین، محمد، *فرهنگ فارسی*، جلد پنجم، ذیل نام تخارستان.

۶ ـ «قوم تاجیک و فرهنگ تاجیکی در آسیای مرکزی»، *تحقیقات جغرافیایی*، س۶، ش۲۳، ص۵۹.

۷ ـ ایرانی، ناصر، *بهار گمشده، یادداشتهای سفر تاجیکستان*، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳، ص۸.

۸ ـ «مسلمانان قربانیان اصلی تاجیکستان»، *جمهوری اسلامی*،س۱۷، ش۴۶۶۴، ۲۵ تیر ۱۳۷۴، ص۱۵.

۹ ـ اختر، شمیم «اهمیت استراتژیک آسیای مرکزی»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، س۲، ش۱، ص۱۸۹.

۱۰ ـ «آسیای مرکزی جغرافیای سیاسی»، ص۴۵.

۱۱ ـ همان، ص۴۴.

۱۲ ـ *اقوام مسلمان اتحاد شوروی*، ص۲۸۷؛ جهانفر، محمد، *نظری به شاخصهای جمعیتی، بهداشتی، اقتصادی، فرهنگی واجتماعی جهان امروز در سال ۱۹۹۲ میلادی*، ص۲۳.

۱۳ ـ «نظری اجمالی بر جمعیت جمهوریهای آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان»، ص۲۰۸.

۱۴ ـ همان.

۱۵ ـ *جغرافیای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی*، بخش دوم، ص۱۹۸؛ «نظری اجمالی بر جمعیت جمهوریهای آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان»، ص۲۰۶.

۱۶ ـ مالدالی اف، اورازبیک، «مسائل امنیت منطقه‌ای، امکانات پیشگیری و حل مناقشات منطقه‌ای»، ترجمه پروین معظمی گودرزی، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، س۵، دوره دوم، ش۱۳، ص۹۳.

۱۷ ـ «نظری اجمالی بر جمعیت جمهوریهای آذربایجان؛ قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان»، ص۲۱۴.

۱۸ ـ *اقوام مسلمان اتحاد شوروی*، ص۳۷؛ «تحولات در آسیای مرکزی»، ص۲۱.

۱۹ ـ *بهار گمشده*، ص۲۶ ـ ۲۷.

۲۰ ـ ایرانی، ناصر، «بار دیگر در تاجیکستان تأثرهای ذهنی و وضع کنونی زبان فارسی تاجیکی»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، س ۴، دوره دوم، ش ۱۱، ص ۱۵۳ ـ ۱۵۵.

۲۱ ـ «ایران و تاجیکستان مستقل»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، س ۱ ش ۲، ص ۳۰۳.

۲۲ ـ *ریشه‌های رفتار سیاسی در آسیای مرکزی*، ص ۱۷۵ ـ ۱۷۶.

۲۳ ـ *حکومت مسکو و مسأله مسلمانان*، ص ۹۲.

۲۴ ـ «تیغ برنده پارسی، سومین سالگرد استقلال تاجیکستان و تجلیل از فردوسی»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال سوم، دوره دوم، ش ۶، ص ۱۸۱.

۲۵ ـ *اقوام مسلمان اتحاد شوروی*، ص ۳۸۹.

۲۶ ـ «گزارش سفر هیأت اعزامی به تاجیکستان جهت گشایش جمهوری اسلامی ایران»، *مطالعات آسیای مرکزی و قزاقستان*، س ۱، ش ۱، ص ۲۹۲ ـ ۲۹۳.

۲۷ ـ «آشنایی با جمهوری تاجیکستان»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، س ۱، ش ۱، ص ۳۰۰.

۲۸ ـ *دانشنامه ادب فارسی، جلد یکم، آسیای مرکزی*، ص ۲۱۶.

۲۹ ـ همان، ص ۷۹۶.

۳۰ ـ همان، ص ۲۲۵.

۳۱ ـ همان، ص ۲۴۶.

۳۲ ـ همان، ص ۵۶۱.

۳۳ ـ همان، ص ۲۱۹.

۳۴ ـ «بار دیگر در تاجیکستان تأثرهای ذهنی و وضع کنونی زبان فارسی تاجیکی»، ص ۱۵۱.

۳۵ ـ *ویژگیهای جغرافیایی آسیای میانه و قزاقستان*، ص ۸۴ ـ ۸۷؛ *راهنمای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و جمهوریهای بالتیک*، ص ۷۰.

۳۶ ـ «آشنایی با جمهوری تاجیکستان»، ص ۲۹۸.

۳۷ ـ *جغرافیای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی*، بخش دوم، ص ۱۱۹؛ *ویژگیهای جغرافیایی آسیای میانه و قزاقستان*، ص ۸۷

۳۸ ـ «جشن سالگرد استقلال تاجیکستان و سمپوزیوم سهم ایرانیان در رشد تمدن بشری»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، س ۱، ش ۲، ص ۳۴۲.

۳۹ ـ *آبیاری در ترکستان*، ص ۱۹۳؛ *ترکستان نامه*، ص ۳۷۰.

۴۰ ـ *جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی*، ص ۵۱۰؛ *آبیاری در ترکستان*، ص ۱۹۳.

۴۱ ـ معظمی گودرزی، پروین، «پامیریها»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، س ۴، دوره دوم، ش ۹، ص ۱۳۹.

۴۲ ـ همان، ص ۱۳۹.

۴۳ ـ همان، ص ۱۳۷.
۴۴ ـ *راهنمای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و جمهوریهای بالتیک*، ص ۷۰.
۴۵ ـ «*ویژگیها و دورنمای اوضاع آسیای مرکزی در دوران پس از جنگ سرد*»، ص ۱۷۲.
۴۶ ـ *راهنمای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و جمهوریهای بالتیک*، ص ۷۱.
۴۷ ـ «*ویژگیها و دورنمای اوضاع آسیای مرکزی در دوران پس از جنگ سرد*»، ص ۱۱۶.
۴۸ ـ «اقتصاد تاجیکستان»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، س ۳، دوره دوم، ش ۷، ص ۱۷۲.
۴۹ ـ *ویژگیهای جغرافیایی آسیای میانه و قزاقستان*، ص ۱۴۴.
۵۰ ـ *راهنمای کشور مستقل مشترک‌المنافع و جمهوریهای بالتیک*، ص ۷۲.
۵۱ ـ *ویژگیهای جغرافیایی آسیای میانه و قزاقستان*، ص ۱۴۹.
۵۲ ـ همان، ص ۱۴۷.
۵۳ ـ «اقتصاد تاجیکستان»، ص ۱۷۷.
۵۴ ـ *ویژگیهای جغرافیایی آسیای میانه و قزاقستان*، ص ۱۴۷.
۵۵ ـ «اقتصاد تاجیکستان»، ص ۱۷۷.
۵۶ ـ *راهنمای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و جمهوریهای بالتیک*، ص ۷۲.
۵۷ ـ «منابع معدنی و زراعی آسیای مرکزی»، ص ۳۲۲؛ «آشنایی با جمهوری تاجیکستان»، ص ۳۰۴ ـ ۳۰۵
۵۸ ـ «اهمیت استراتژیک آسیای مرکزی»، ص ۱۸۹.
۵۹ ـ *ریشه‌های رفتار سیاسی در آسیای مرکزی*، ص ۱۷۷.
۶۰ ـ *راهنمای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و جمهوریهای بالتیک*، ص ۷۲ ـ ۷۳.
۶۱ ـ «کنفرانس همکاریهای انرژی در آسیای مرکزی و قفقاز»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، س ۱، ش ۲، ص ۳۱۶ ـ ۳۱۷.
۶۲ ـ «وضعیت کلی انرژی در شوروی»، ص ۵۵.
۶۳ ـ *راهنمای کشور مستقل مشترک‌المنافع و جمهوریهای بالتیک*، ص ۷۴.
۶۴ ـ «نقش روسیه در اقتصاد جمهوریهای آسیای مرکزی»، ص ۱۶۶.
۶۵ ـ طاهری، احمد، «اتحادیه جوانان پیرو انبیاء»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، س ۱ ش ۴، ص ۱۹۲ ـ ۱۹۳.

فصل ۴

سرزمین ترکمنستان

۱ـ ویژگیهای طبیعی

۱ ـ ۱ موقعیت جغرافیایی

سرزمین ترکمنستان با مختصات جغرافیایی ۳۵ درجه و ۳ دقیقه تا ۴۲ درجه و ۲۵ دقیقهٔ عرض شمالی و ۵۲ درجه و ۶ دقیقه تا ۶۶ درجه و ۵۴ دقیقهٔ طول شرقی در قسمت جنوب غربی ناحیهٔ آسیای مرکزی واقع است.

این سرزمین با ۴۴۸۱۰۰ کیلومتر مربع وسعت در پهنه‌ای به طول ۹۰۰ کیلومتر از سمت جنوب با ایران همسایه است. کشورهای قزاقستان در شمال، ازبکستان در شمال شرق و افغانستان در جنوب شرقی دیگر همسایگان ترکمنستان را تشکیل می‌دهند. دریای خزر در غرب، این سرزمین را از ناحیهٔ قفقاز جدا می‌کند (نقشهٔ ۳۲).

ترکمنستان در میان پنج کشور آسیای مرکزی، تنها سرزمینی است که با ایران مرز مشترک دارد. این ارتباط از ناحیه شمال شرق ایران و از طریق استانهای خراسان و مازندران برقرار می‌شود. رود اترک، کوههای هزارمسجد (کپه داغ) و ترکمن صحرا مرزهای طبیعی ایران و ترکمنستان را تشکیل می‌دهند.

نقشه ۳۲

۲ ـ ۱ ناهمواریها

ترکمنستان سرزمین هموازی است. به غیر از نوار جنوبی کشور که قلمرو کوههای کپه داغ می‌باشد بقیه پهنهٔ این جمهوری را اراضی کم ارتفاع و بیابانی و شن‌زار پوشانیده‌اند. کوههای هزار مسجد با امتداد شمال غربی ـ جنوب شرقی که امتداد رشته کوههای شمال خراسان است با ارتفاع زیاد خود تعدادی از سرشاخه‌های رودهای تجن و مرغاب را تغذیه می‌کند. قلهٔ «فیروزه» با ۲۹۴۲ متر ارتفاع بلندترین نقطه ترکمنستان در همین کوهها واقع است.

دره‌ها و پایکوههای کپه داغ شرایط بسیار مساعدی برای کشت و زرع و سکونت پایدار انسان فراهم کرده است.

بیابان قره قوم که به «بیابان غُز» نیز شهرت دارد، بخشی وسیع یعنی حدود ۸۰ درصد از خاک ترکمنستان را با ارتفاع کمتر از ۲۰۰ متر پوشانیده است. اراضی با بیش از ۱۰۰۰ متر ارتفاع، منحصر به کوههای کپه داغ و امتداد آن تا جنوب غربی کشور است. پایکوههای ترکمنستان تا حواشی بیابانها دارای ارتفاع بین ۲۰۰ تا ۱۰۰۰ متر می‌باشند (نقشهٔ ۳۳).

۳ ـ ۱ آب و هوا

آب و هوای ترکمنستان خشک و بیابانی است، تنها در نقاط مرتفع جنوبی از خشکی هوا کاسته می‌شود و رطوبت هوا افزایش می‌یابد. از ویژگیهای بارز آب و هوای ترکمنستان به اختلاف زیاد درجه حرارت هوا در شب و روز و فصول مختلف سال، بارش ناچیز، کمی رطوبت و تبخیر فراوان می‌توان اشاره کرد.

فصل تابستان طولانی مدت و توأم با هوای گرم وخشک است در حالی که در زمستانها، هوایی ملایم و گاهی سرد همراه با بارشهایی به صورت برف مشاهده می‌شود. در فصلهای کوتاه پاییز و بهار شرایط اقلیمی از اعتدال بیشتری برخوردار است و آب و هوای مطلوبی بر کشور حاکم می‌شود.

متوسط درجه حرارت هوا در سردترین ماه سال یعنی دی ماه در نقاط مختلف

ترکمنستان متفاوت است و از ۵ درجهٔ سانتی‌گراد در اطراف رود اترک، جنوب‌شرقی ترکمنستان، تا ۵ درجه زیر صفر در قسمتهای شمال شرقی کشور متغیر می‌باشد. در زمستان، سرماهای ناشی از مراکز پرفشار قطبی، ترکمنستان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و سبب کاهش درجه حرارت هوا می‌شود به طوری که حداقل درجهٔ حرارت ثبت شده در داش حوض[1] ۳۲ درجه، در ارتفاعات کپه‌داغ ۲۹ درجه و در جنوب شرقی دریای خزر ۱۰ درجه زیر صفر، بوده است.

نقشه ۳۳

در تابستانها درجه حرارت هوا در گرمترین ماه سال یعنی تیرماه، از ۲۸ درجهٔ سانتی‌گراد در بخش شمال شرقی تا ۳۲ درجهٔ سانتی‌گراد در سایر نقاط، تفاوت می‌کند.

1 - Dash Howuz

حداکثر مطلق درجه حرارت هوا در این ماه ۴۹/۹ درجهٔ سانتی‌گراد ثبت شده است. واین بالاترین درجه حرارت ثبت شده در آسیای مرکزی است.

بارشهای جوی در اواخر زمستان و اوایل بهار رخ می‌دهد بخشی از بارش به صورت برف است، اما به علت پوشش کم، حتی در نقاط مرتفع نیز دوام و عمر برف از چند روز بیشتر نیست. میزان بارندگی سالانهٔ این سرزمین بسیار ناچیز است و حداکثر بارش سالانه در نقاط جنوبی ۴۰۰ میلی‌متر می‌باشد. در سایر بخشهای ترکمنستان میزان متوسط بارش سالیانه بین ۸۰ تا ۲۰۰ میلی‌متر متغیر است.[۱]

حاکمیت شرایط آب و هوایی نامساعد، سبب رویش پوشش گیاهی استپی، ناچیز و تُنک در اکثر نقاط این سرزمین شده است و فقط در کوهستانهای جنوبی و پایکوههای آن که شرایط اقلیمی مساعدتری دارند، درختان و درختچه‌ها، جایگزین بوته‌ها و خارو خاشاک شده‌اند. در دوران تسلط روسها بر ترکمنستان، با اقدامات آنها درجهت اسکان عشایر و تدابیری که برای حفظ پوشش گیاهی به کار بستند، پوشش گیاهی اندکِ ناحیه از دستبرد انسانها و چرای بی رویه دامها محفوظ ماند، به طوری که در بخش جنوبی ترکمنستان و در یک ناحیهٔ مشابه طبیعی واقلیمی در دو سوی مرز، در ناحیهٔ شمال خراسان جنگلهای نابود شده جای خود را به تک درختان و بوته‌ها داده‌اند، در حالی که در فاصله‌ای بسیار کم در آن سوی مرز جنگلهای اُرس ارتفاعات ناحیه را فرا گرفته‌اند. در نقاطپست نیز به همین منوال پوشش‌گیاهی، هرچند ناچیز، به‌خوبی حراست شده است.

۴ ـ ۱ منابع آب

دریای خزر و تعدادی رودخانه منابع طبیعی آب ترکمنستان را تشکیل می‌دهند. رودخانه‌های کشور نقش بسیار حیاتی در تأمین آب مورد نیاز سکنه دارند. جیحون یا آمودریا، مرغاب یا «مرو رود» و تجن بیش از رودخانه‌های دیگر اهمیت دارند.

آمودریا که تقریباً مرز مشترک ترکمنستان را با ازبکستان تشکیل می‌دهد، تمام نقاط شمالی و شمال شرقی را مشروب می‌کند. تعداد زیادی از شهرهای عمده و آبادیهای کشور و در واقع یکی از مهمترین محورهای تجمع جمعیت، مسیر همین رودخانه است.

کانال قره‌قوم که برای آب رسانی به اراضی خشک و بایر ترکمنستان احداث شده و

در مسیری طولانی امتداد یافته، در سال ۱۹۵۶م /۱۳۳۵ش آمودریا را به رود مرغاب متصل کرد. سپس تا رود تجن و شمال غربی عشق آباد امتداد یافت. این کانال که در برخی جاها عرض آن به سه کیلومتر می‌رسد. آب آمو دریا را به اراضی وسیع زیرکشت پنبه منتقل می‌کند. کانال مزبور که قرار بود تا دریای خزر امتداد یابد. در مدت پنج سال و با استفاده از نیروی کار زندانیها احداث شد.(۲)

رود مرغاب از کوههای افغانستان سرچشمه می‌گیرد، مسیر ابتدایی آن به موازات آمودریا واز شرق به غرب است، پس از طی مسافتی رودخانه جهت شمالی می‌یابد و سرانجام در ریگزارهای قره قوم ناپدید می‌شود.

رود تجن، از به هم پیوستن دو رودخانه «هریرود» و «کشف رود» تشکیل می‌شود. هریرود که از کوههای مرکزی افغانستان سرچشمه می‌گیرد، ابتدا د رجهت شرق و سپس به طرف شمال جریان می‌یابد و مرز مشترک ایران و افغانستان را تشکیل می‌دهد. در امتداد جهت‌یابی هریرود به سوی شمال، کشف رود که از کوههای هزار مسجد خراسان سرچشمه می‌گیرد، به آن می‌پیوندد. از محل تلاقی دو رود به بعد این رودخانه نام تجن می‌گیرد و پس از طی مسافتی وارد ترکمنستان می‌شود و در ریگزارهای آن فرو می‌رود. با توجه به کاهش آب هریرود به علت بهره‌برداری در افغانستان، و در نتیجهٔ کاهش آب رودخانهٔ تجن و براساس قرارداد جدیدی که بین ایران و ترکمنستان منعقد شده، بیش از ۹۰ درصد آب تجن به وسیلهٔ کانالهای تازه احداث ناحیهٔ سرخس مورد استفاده قرار می‌گیرد. (نقشهٔ ۳۴)

۲ ـ ویژگیهای اجتماعی

۱ ـ ۲ پیشینه تاریخی

مورخان عقیده دارند که سابقهٔ سکونت انسان در ترکمنستان به دوران ماقبل تاریخ می‌رسد. این سرزمین تا پیش از قرن پنجم میلادی سرزمین قبایل ماساژت(۳) ازاقوام ایرانی تبار بود. از دورهٔ حکومت هخامنشیان تا ساسانیان سرزمین کنونی ترکمنستان جزء قلمرو امپراتوری ایران و تحت حاکمیت مستقیم پادشاهان ایرانی قرار داشت.

نقشه ۳۴

در قرن پنجم میلادی برای نخستین بار ترکها به ناحیه هجوم آوردند، هونها یا هپتالیان توانستند با عقب راندن ساسانیان، جانشین آنان شوند و از همین زمان نفوذ فرهنگی ترکها در ترکمنستان آغاز شد. در اواسط قرن هفتم میلادی، مسلمانان با فتح خراسان به سوی ماوراء النهر حرکت کردند و نخستین نقاطی را که فتح کردند ناحیه جنوبی ترکمنستان بود. مرو در تاریخ اسلام نقش مهمی داشت و این شهر پایتخت حکام عرب خراسان به شمار می‌آمد و در زمان حکومت «مأمون»، پذیرای مقدم امام رضا علیه السلام بود.

در قرن دهم میلادی دومین گروه ترکها با نام غُز یا اغوز از مغولستان وارد ماوراءالنهر شدند و در سرزمین میان دریاچهٔ آرال و کوههای اورال سکنا گزیدند. گروهی از غزها، که در ساحل راست رودخانه سیردریا ساکن شدند بتدریج اسلام آوردند و از سوی

مسلمانان «ترکمن» نامیده شدند.

با حملهٔ مغول، ترکمنستان نیز به تصرف مغولان درآمد. از قرن پانزدهم تا هفدهم میلادی نواحی جنوبی ترکمنستان تحت تسلط حکومت صفویه و شمال آن در اختیار حاکمان ازبک، یعنی خانهای خیوه و بخارا قرار گرفت. حملات مداوم حکومتهای شمالی به نقاط جنوبی سبب شد که شاه عباس برای مقابله با آنها و حفظ آرامش و ثبات ناحیه، تعدادی از کردها را (حدود پانزده هزار نفر) به خراسان بیاورد و در دامنهٔ کوههای کپه داغ اسکان دهد. در اوایل قرن هیجدهم میلادی نادرشاه پس از آن که چندبار ازبکها را سرکوب کرد، ترکمنستان را به تصرف خود درآورد.

در حد فاصل نیمهٔ دوم قرن هیجدهم تا اواسط قرن نوزدهم میلادی ایلات ترکمن گاهی از حاکمان خراسان و زمانی از حاکمان بخارا و خیوه فرمانبرداری می‌کردند، تا این که روسها بر خانات آسیای مرکزی استیلا یافتند و برای تصرف ترکمنستان و سرکوب ترکمنها روانهٔ جنوب شدند و پس از جنگی سخت و قتل عام ترکمنها، در سال ۱۸۸۱م / ۱۳۶۰ش با شکست ترکمنها در جنگ گوگ تپه، ترکمنستان به اشغال روسها درآمد.

در سال ۱۸۹۹م /۱۲۷۸ش ترکمنستان ضمیمهٔ فرمانداری کل روسیه در ماوراءالنهر شد، این فرمانداری در سال ۱۸۶۷م /۱۲۴۶ش تشکیل شده بود.

با بروز تحولات سال ۱۹۱۷م /۱۲۹۶ش، بلشویکها در ترکمنستان قدرت یافتند و این کشور در محدودهٔ جمهوری خود مختار ترکستان قرار گرفت. اما پس از سه ماه دولت مستقلی در این کشور با حمایت انگلیسها و ملی‌گرایان شکل گرفت. با ایجاد تفاهم میان روسها وانگلیسی‌ها، نیروهای ارتش سرخ جایگزین نیروهای انگلیسی در ترکمنستان شدند و این کشور تا سال ۱۹۲۴م /۱۲۰۳ش بخشی از جمهوری ترکستان باقی ماند، در این سال جمهوری ترکمنستان به عنوان جمهوری متحداتحاد شوروی معرفی شد.

در سال ۱۹۹۱م /۱۳۷۰ش پس از فروپاشی شوروی، ترکمنستان نیز استقلال خود را به دست آورد. رئیس جمهور کشور «صفر مرادنیازاف» است که در سال ۱۹۹۲م / ۱۳۷۱ش با همه پرسی به این مقام رسید و تا سال ۲۰۰۲م /۱۳۸۱ش بر مسند قدرت خواهد ماند.(۴)

مجلس ترکمنستان که تنها قدرت قانونگذاری کشور است، دارای ۱۷۵ نماینده است

که برای مدت ۵ سال انتخاب می‌شوند.

۲ ـ ۲ جمعیت

به دلیل شرایط جغرافیایی ترکمنستان، پراکندگی جمعیت در سطح کشور یکنواخت نیست و بخش وسیعی از این جمهوری که قلمرو کوههای مرتفع و زمینهای پست بیابانی است، خالی از سکنه می‌باشد. واحه‌های پایکوهی و حواشی رودخانه‌ها که شرایط مساعدتری برای گذران زندگی فراهم می‌کنند، از روزگاران قدیم مورد توجه مردم بوده و تمرکز جمعیت را سبب شده‌اند.

تاریخ نخستین سرشماری جمعیت، سال ۱۹۱۳م/۱۲۸۲ش در دوران سلطهٔ حکومت تزارهای روسیه بر ترکمنستان می‌باشد. از آن زمان تاکنون چندین سرشماری دیگر انجام شده است (جدول ۱ ـ ۴). ارقام نشان می‌دهند که در مدت ۷۸ سال جمعیت این سرزمین تقریباً ۳/۵ برابر شده است.

جدول ۱ ـ ۴ جمعیت ترکمنستان در سالهای
۱۹۱۳ ـ ۱۹۹۱م/۱۲۸۲ ـ ۱۳۷۰ش (هزار نفر)(۵)

سال	۱۹۱۳م/ ۱۲۸۲ش	۱۹۲۶م/ ۱۳۰۵ش	۱۹۳۹م/ ۱۳۱۸ش	۱۹۵۹م/ ۱۳۳۸ش	۱۹۷۰م/ ۱۳۴۹ش	۱۹۷۹م/ ۱۳۵۸ش	۱۹۹۱م/ ۱۳۷۰ش
جمعیت	۱۰۴۱/۱	۹۹۸/۱	۱۲۵۱/۹	۱۵۱۶/۴	۲۱۵۸/۹	۲۷۵۸/۸	۳۷۵۱

کاهش تعداد جمعیت در حدفاصل سالهای ۱۹۱۳ تا ۱۹۲۶م/۱۲۸۲ تا ۱۲۰۵ش ناشی از مهاجرت ترکمنها به منظور گریز از پذیرش اصول سیاسی و اقتصادی حکومت سوسیالیستی، حوادث طبیعی و نبود بهداشت و درمان مناسب در پیشگیری و مقابله با بیماریهای کشنده بوده است (جدول ۲ ـ ۴). همچنین پایین بودن میزان رشد جمعیت در حدفاصل سالهای ۱۹۳۹ تا ۱۹۵۹م/۱۳۱۸ تا ۱۳۳۸ش به سبب بروز جنگ دوم جهانی و کشته شدن شماری از مردم ترکمنستان در طی این جنگ می‌باشد. در دورهٔ زمانی بعدی نرخ رشد جمعیت به بالاترین رقم می‌رسد و پس از آن از سال ۱۹۷۰م/۱۳۴۹ش به بعد رشد جمعیت روند نزولی می‌گیرد.

جدول ۲ ـ ۴ نرخ رشد جمعیت ترکمنستان در سالهای

۱۹۱۳ تا ۱۹۹۱م/۱۲۸۲ تا ۱۳۷۰اش (درصد)

دوره زمانی	۱۹۲۶_۱۹۱۳م/ ۱۳۰۵_۱۲۸۲اش	۱۹۳۹_۱۹۲۶م/ ۱۳۱۸_۱۳۰۵اش	۱۹۵۹_۱۹۳۹م/ ۱۳۳۸_۱۳۱۸اش	۱۹۷۰_۱۹۵۹م/ ۱۳۴۹_۱۳۳۸اش	۱۹۷۹_۱۹۷۰م/ ۱۳۵۸_۱۳۴۹اش	۱۹۹۱_۱۹۷۹م/ ۱۳۷۰_۱۳۵۸اش	۱۹۹۱_۱۹۱۳م/ ۱۳۷۰_۱۲۸۲اش
نرخ رشد	-۰/۳	۱/۷	۰/۹	۳/۲	۲/۷	۲/۶	۱/۶

شرایط نامطلوب جغرافیایی، سبب شده که علی‌رغم وسعت زیاد کشور، ترکمنستان جمعیت کمی داشته باشد. به طوری که تراکم نسبی جمعیت در بالاترین رقم کمتر از ۹ نفر در هر کیلومتر مربع است (جدول ۳ ـ ۴)، توزیع همین جمعیت اندک نیز در سطح کشور نامتعادل است. در واقع سه محور عمدهٔ تمرکزجمعیت را می‌توان تشخیص داد.

جدول ۳ ـ ۴ تراکم نسبی جمعیت ترکمنستان در سالهای
۱۹۱۳ تا ۱۹۹۱م/۱۲۸۲ تا ۱۳۷۰اش (نفر در کیلومتر مربع)

سال	۱۹۱۳م/ ۱۲۸۲اش	۱۹۲۶م/ ۱۳۰۵اش	۱۹۳۹م/ ۱۳۱۸اش	۱۹۵۹م/ ۱۳۳۸اش	۱۹۷۰م/ ۱۳۴۹اش	۱۹۷۹م/ ۱۳۵۸اش	۱۹۹۱م/ ۱۳۷۰اش
میزان تراکم	۲/۱	۲	۲/۵	۳/۱	۴/۴	۵/۶	۸/۵

محور اول با جهت جنوب شرقی ـ شمال غربی و در امتداد کانال قره قوم قرار دارد. پایتخت کشور و شهرهای مهم ترکمن باشی (کراسنوودسک)[1]، تجن، «نبیت داغ»[2]، «گوگ تپه» و «قزل آروات»[3] در این مسیر قرار دارند. محور دوم از شرق تا شمال ترکمنستان و در مسیر رودخانهٔ آمودریا جمعیت زیادی را در امتداد خود مستقر کرده است. شهرهای «چارجو» و «داش حوض» و همچنین بسیاری از نقاط کشاورزی و صنعتی ترکمنستان در طول این محور قرار دارند. محور سوم با جهت شمال شرقی ـ جنوب‌شرقی، شرق بیابان قره قوم را فرا گرفته و شهرهای مرو و «بایرام علی»[4] در

---

1 - Turkaman Bashy (Krasnovodsk)

2 - Nebit Dag

3 - Kizyl Arvat

4 - Bayram Ali

نزدیکی آن و درمرکز محور، مهمترین نقاط شهری این محور هستند.

چون بیشتر ترکمنها در طی تاریخ از طریق دامداری گذران زندگی کرده‌اند، بنابراین بسیاری از آنها در نقاط روستایی که امکان تداوم این نوع فعالیتهای اقتصادی را فراهم می‌کند، سکنا دارند. مشابهت شرایط زیست در نقاط شهری و روستایی و عدم تمایل روستاییان به زندگی شهری، سبب پایین بودن نرخ مهاجرت از روستاها به شهر شده است که این امر، تمرکز بیش از نیمی از جمعیت را در نقاط روستایی به همراه داشته است (جدول ۴ ـ ۴).

جدول ۴ ـ ۴ توزیع جمعیت ترکمنستان به تفکیک نقاط شهری و روستایی
در سالهای ۱۹۱۳ ـ ۱۹۹۲م/۱۲۸۲ ـ ۱۳۷۱ش (درصد)(۶)

سال	۱۹۱۳م/ ۱۲۸۲ش	۱۹۲۶م/ ۱۳۰۵ش	۱۹۳۹م/ ۱۳۱۸ش	۱۹۵۹م/ ۱۳۳۸ش	۱۹۷۰م/ ۱۳۴۹ش	۱۹۷۹م/ ۱۳۵۸ش	۱۹۹۲م/ ۱۳۷۱ش
جمعیت شهری	۱۱	۱۴	۳۳	۴۶	۴۸	۴۸	۴۵/۱
جمعیت روستایی	۸۹	۸۶	۶۷	۵۴	۵۲	۵۲	۵۴/۹

از نظر ترکیب جنسی جمعیت، در ترکمنستان نیز مانند تمام جمهوریهای آسیای مرکزی، تعداد زنان بر شمار مردان غلبه دارد. به طوری که در سال ۱۹۵۹م /۱۳۳۸ش، در برابر هر ۱۰۰ نفر زن، تعداد ۱۰۷/۷ نفر مرد در این سرزمین می‌زیستند، گرچه در سالهای بعدی این نسبت به وضعیت متعادلتری نزدیک شد اما هنوز به حالت تعادل نرسیده است، در سال ۱۹۹۰م /۱۳۶۹ش، نسبت جنسی به رقم ۱۰۲/۹ کاهش یافته است. بالا بودن متوسط عمر زنان این سرزمین یکی از علل فزونی آنان در کل جمعیت می‌باشد. به طور متوسط عمر زنان ترکمنستان ۶۹/۷ سال و عمر مردان ۶۲/۹ است.(۷)

جمعیت جمهوری ترکمنستان جوان است. حدود ۴۰/۸ درصد از کل جمعیت در گروه سنی زیر ۱۴ سال قرار دارند (جدول ۵ ـ ۴). گرچه در میان کشورهای ناحیهٔ آسیای مرکزی درصد جمعیت کودک و نوجوان ترکمنستان نسبت به تاجیکستان و ازبکستان کمتر است، اما بالا بودن شمار کودکان و نوجوانان نسبت به کل جمعیت کشور

سرمایه‌گذاری زیاد برای امور آموزشی و بهداشتی و ایجاد اشتغال در سالهای آتی را ضروری می‌سازد.

جدول ۵ ـ ۴ توزیع جمعیت ترکمنستان به تفکیک گروههای عمدهٔ سنی در سال ۱۹۸۹م/۱۳۶۸ش (درصد)[۸]

گروه سنی	کمتر از ۱۵	۶۴ـ۱۵	۶۵سال به بالا
میزان جمعیت	۴۰/۸	۵۵/۵	۳/۷

در سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش حدود ۵۰/۴درصد از جمعیت ترکمنستان شاغل بوده‌اند، این افراد ۷۱/۸ درصد از جمعیت ۱۰ ساله و بالاتر را تشکیل می‌دادند. از مجموع شاغلان این سرزمین، بیش از ۸۳درصد در زمرهٔ مستخدمان دولت (مزد و حقوق بگیران) قرار داشتند.[۹]

در میان سه بخش عمدهٔ فعالیتهای اقتصادی، بخش کشاورزی بیش از سایر بخشها جمعیت ترکمنستان را جذب کرده است (جدول ۶ ـ ۴).

جدول ۶ ـ ۴ توزیع جمعیت شاغل ترکمنستان در سه بخش عمده اقتصادی در سال ۱۹۸۷م/۱۳۶۶ش (درصد)[۱۰]

نوع فعالیت	میزان شاغلین
کشاورزی	۴۱
صنعت	۲۱
خدمات	۳۸

توسعهٔ فعالیتهای کشاورزی و عدم گسترش فعالیتهای صنعتی سبب شده که بخش کشاورزی امکان ایجاد اشتغال برای نیروی فعال جامعه را فراهم کند به همین دلیل بر میزان جمعیت شاغل در این بخش افزوده شده است به طوری که در سال ۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش جمعیت شاغل در بخش کشاورزی ۴۲/۴ درصد از کل جمعیت را تشکیل می‌دادند.[۱۱]

در سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش، نرخ زاد و ولد در ترکمنستان ۳۵درهزار و نرخ مرگ و میر

۷/۷ در هزار بوده است. جمعیت شناسان با استناد به نرخ رشد جمعیت که در سال ۱۹۹۰م /۱۳۶۹ش، ۲۷/۳ در هزار و در دهۀ ۱۹۷۹ ـ ۱۹۸۹م /۱۳۵۸ ـ ۱۳۶۸ش رقم ۲/۴ درصد بوده است. مدت زمان لازم برای دوبرابر شدن جمعیت این سرزمین را ۲۵ سال اعلام کردند.(۱۲) آنان همچنین براساس روند کنونی رشد جمعیت، جمعیت ترکمنستان را تا سال ۲۰۱۰م /۱۳۸۹ش برآورد کرده‌اند (جدول ۷ ـ۴).

جدول ۷ ـ ۴ پیش‌بینی تعداد جمعیت ترکمنستان تا سال ۲۰۱۰م/۱۳۸۹ش(۱۳)

سال	۲۰۰۰م/۱۳۷۹ش	۲۰۰۵م/۱۳۸۴ش	۲۰۱۰م/۱۳۸۹ش
جمعیت	۴۷۴۱۰۰۰	۵۶۲۶۰۰۰	۶۲۰۶۰۰۰

۳ ـ ۲ ترکیب قومی

ترکمنستان سکونتگاه اقوام مختلف آسیای مرکزی است ولی اکثریت جمعیت را ترکمنها تشکیل می‌دهند. روسها، ازبکها و قزاقها از دیگر ملیتهای ترکمنستان به شمار می‌روند که شمار آنها نسبت به کل جمعیت کشور با توجه به افزایش تعداد ترکمنها، درحال کاهش است (جدول ۸ ـ ۴).

واژۀ ترکمن در زمان اقتدار سلجوقیان رواج یافت. صاحب نظران درباره علت برگزیدن اصطلاح ترکمن برای گروهی از مردم، عقاید گوناگونی دارند. اما بیشتر نویسندگان بر این باورند که در واقع ترکهایی که به اسلام گرویدند، ترکمن نامیده شدند.(۱۴)

ترکمنها تا پیش از تسلط روسها بر آنان زندگی عشیره‌ای و متکی بر دامداری متحرک داشتند. قبایل گوناگون ترکمن قلمروهای ویژه‌ای داشتند که امروزه نیز با وجود تحرکات جمعیتی، هنوز کمابیش در همان محدوده‌ها سکونت دارند.

«یموت»، «گوگلان»، «تکه»، «سالور» و «ارساری» مهمترین طوایف ترکمن به شمار می‌آیند که در میان آنها شمار زیادی از گوگلانها و یموتها در ایران و در نزدیک مرزهای ترکمنستان ساکن هستند.

جدول ۸ ـ ۴ توزیع جمعیت ترکمنستان به تفکیک گروههای قومی

در سالهای ۱۹۲۶ ـ ۱۹۹۱م/۱۳۰۵ ـ ۱۳۷۰ش (درصد)[۱۵]

سال / گروه‌قومی	۱۹۲۶م/ ۱۳۰۵ش	۱۹۵۹م/ ۱۳۳۸ش	۱۹۷۰م/ ۱۳۴۹ش	۱۹۷۹م/ ۱۳۵۸ش	۱۹۹۱م/ ۱۳۷۰ش
ازبکها	۱۰/۸	۸/۳	۸/۳	۸/۵	۹
اوکراینی‌ها	۰/۷	۱/۴	۱/۶	۱/۳	-
تاتارها	۰/۵	۰/۲	۱/۷	۱/۵	-
ترکمنها	۷۳/۸	۶۰/۹	۶۵/۶	۶۸/۴	-
روسها	۷/۷	۱۷/۳	۱۴/۵	۱۲/۶	۹/۵
قزاقها	۱	۴/۶	۳/۲	۲/۹	۳
سایر	۵/۵	۵/۵	۵/۱	۴/۸	۵/۵

بیش از ۹۳ درصد ترکمنهای ساکن آسیای مرکزی در ترکمنستان زندگی می‌کنند، ازبکستان و تاجیکستان سکونتگاه سایر ترکمنهای ناحیه است، در حالی که درصد بزرگی از ترکمنها در خارج از آسیای مرکزی و در کشورهای ایران، افغانستان، ترکیه و عراق سکونت دارند.

۴ ـ ۲ زبانهای رایج

زبان ترکمنی زبان اصلی ترکمنها است. این زبان به گروه ترکی جنوب تعلق دارد و دارای دو گویش عمده است. هر یک از این گویشها خود گویشهای قبیله‌ای متعددی دارد. به واژگان زبان ترکمنی در طی زمان لغاتی از زبانهای فارسی، عربی و روسی وارد شده است.

در کنار زبان ترکمنی که پیش از استقلال به عنوان زبان دوم به کار می‌رفت و اکنون زبان رسمی کشور است، زبان روسی نیز استفاده می‌شود. در سالهای پس از استقلال تلاش شده است، زبان ترکمنی به عنوان زبان اصلی در مراکزاداری و آموزشی به کار گرفته شود و در کنار آموزش زبان روسی و زبانهای قومی، زبان انگلیسی نیز در مراکز آموزشی تدریس شود. همچنین در مراکز آموزش عالی کشور زبانهای بین‌المللی

انگلیسی و فرانسه و زبان ترکی، فارسی و عربی به صورت رشته‌های مستقل تحصیلی راه‌اندازی و مورد توجه دانشجویان قرار گرفته است.

۵ ـ ۲ مذهب

قلمرو ترکمنستان کنونی، نخستین ناحیه‌ای بود که مسلمانان پس از فتح خراسان به آنجا راه یافتند و پس از تثبیت موقعیت خود، به سوی سایر نقاط آسیای مرکزی روانه شدند. بنابراین اکثریت سکنهٔ کشور را پیروان مکتب اسلام تشکیل می‌دهند. در طول تاریخ اسلام، شهرهای این سرزمین از مراکزمهم حکومت اسلامی و مردم آن از معتقدان واقعی اسلام محسوب می‌شدند. نام شهر مرو بیش از دیگر نقاط ترکمنستان در تاریخ اسلام ذکر شده است. این شهر مرکز حکومت حکّام مسلمان در خراسان بود و مأمون خلیفه عباسی چندی در آنجا ساکن بود، شهر مرو پذیرای مقدم «حضرت رضاعليه‌السلام» نیز بوده است.

ترکمنها مسلمانان سنی مذهب و پیرو مکتب حنفی هستند، تصوف در ناحیه رواج بسیاری دارد، و برخی از شهرهای این سرزمین مانند سرخس، «نسا» و مرو از اولین و مهمترین مراکز صوفیه بوده‌اند. فرقه نقشبندی نیز در میان ساکنان ترکمنستان پیروانی دارد. با وجود آن که روسها به روشهای مختلف کوشیدند از تعلق خاطر واعتقادات ترکمنها نسبت به اسلام بکاهند، اما پس از استقلال بسیاری از ترکمنها خود را مسلمان معرفی کردند، گرچه بسیاری از آنان، بویژه جوانان کمتر به اصول عملی اسلام آشنا و پایبند هستند.

پس از تشکیل جمهوری ترکمنستان، اماکن مذهبی مسلمانان بازسازی شد، تعداد زیادی مسجد در شهرهای مختلف احداث گردید. بنا به گفته «حاج ایشان قلی مجید اوغلی» امام جمعه «مسجدالاقصی» در عشق آباد، فقط در طول دو سال پس از استقلال بیش از صد مسجد در این سرزمین ساخته شده که از این تعداد ۶ مسجد در عشق آباد بنا نهاده شده است.(۱۶)

از قدیمی‌ترین و مهمترین مساجد ترکمنستان می‌توان به مسجد «طلعتان بابا» و مسجد «خواجه یوسف همدانی» اشاره کرد که در واقع نقش زیارتگاه مسلمانان

ترکمنستان را دارند.

در کنار مسلمانان که تشکیل دهندهٔ اکثریت جمعیت ترکمنستان هستند، طرفداران سایر مذاهب نیز بخشی از جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند (جدول ۸ ـ ۴).

جدول ۸ ـ ۴ توزیع جمعیت ترکمنستان به تفکیک مذهب
در سالهای ۱۹۲۶ تا ۱۹۷۹م/۱۳۰۵ تا ۱۳۵۸ش (درصد)[۱۷]

سال	۱۹۲۶م/ ۱۳۰۵ش	۱۹۳۹م/ ۱۳۱۸ش	۱۹۵۹م/ ۱۳۳۸ش	۱۹۷۰م/ ۱۳۴۹ش	۱۹۷۹م/ ۱۳۵۸ش
مسلمان	۹۳	۸۱	۷۶	۸۱	۸۴
غیر مسلمان	۷	۱۹	۲۴	۱۹	۱۶

۶ ـ ۲ آموزش

دورهٔ آموزش عمومی در ترکمنستان رایگان و اجباری بوده و مدت آن ۱۰ سال است. کودکان پس از طی دورهٔ شش ساله مهدکودک و دورهٔ یک سالهٔ آمادگی، در هفت سالگی وارد مدرسه می‌شوند. چهار سال اول دوره ابتدایی است و دانش‌آموزان پس از گذراندن چهار سال دوم و موفقیت در امتحان ورودی به کلاسهای نهم و دهم راه می‌یابند و پس از آن می‌توانند وارد دانشگاه شوند. هر سال تحصیلی متشکل از چهار نیم ترم است و هر مدرسه در تمام مقاطع تحصیلی فعالیت می‌کند. قرار است بـه زودی دورهٔ آمـوزش عمومی به نه سال کاهش یابد.

در مقطع آموزش عالی، «دانشسرای تربیت معلم عشق آباد» اولین مرکزی بود که در سال ۱۹۳۱م/۱۳۱۰ش، در شهر عشق آباد شروع به کار کرد. دانشگاه عشق آباد که پس از چندی «دانشگاه مختوم قلی» نام گرفت، از سال ۱۹۷۳م/۱۳۵۲ش فعالیتهای علمی خود را آغاز کرد، به غیر از دانشگاه مختوم قلی که مهمترین و بزرگترین مرکز آموزش عالی ترکمنستان به شمار می‌آید، در شهرهای چارجو، مرو و نبیت داغ، مراکز آموزش عالی وابسته به دانشگاه مذکور فعالیت دارند.

آکادمی علوم ترکمنستان از سال ۱۹۵۱م/۱۳۳۰ش، آکادمی علوم کشاورزی از سال ۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش و آکادمی علوم پزشکی از سـال ۱۹۹۳م/۱۳۷۱ش شـروع بـه کـار

کردند.[۱۸]

پس از کسب استقلال، دانشگاه عشق آباد با بسیاری از مراکز علمی جهان ارتباط برقرار کرد، در رشتهٔ زبانهای خارجی دانشجو پذیرفت و کوشید از تجربیات کشورهای همسایه و جهان غرب برای بالا بردن کیفیت آموزش و مدیریت خود بهره برد.

۷ ـ ۲ رسانه‌های گروهی

مطبوعات ترکمنستان دولتی هستند، برخی به زبان روسی و تعدادی به زبان ترکمنی منتشر می‌شوند، نخستین روزنامهٔ ترکمن زبان به نام «ترکمانیا» در سال ۱۹۲۰م /۱۲۹۹ش منتشر شد، و پس از آن بر تعداد نشریات افزوده شد. پس از استقلال، نشریات از آزادی نسبی برخوردار شدند و چاپ آنها به زبان ترکمنی افزایش یافت. در حال حاضر پانزده نشریه در این سرزمین منتشر می‌شود.

در ترکمنستان یک فرستندهٔ رادیویی و سه کانال تلویزیونی فعالیت دارند. تلویزیون ترکمنستان ضمن پخش برنامه‌های محلی، یک کانال را به پخش برنامه‌های تلویزیون روسیه اختصاص داده است. همچنین بخشی از برنامه‌های تلویزیون ترکیه از طریق ماهواره و از کانال سوم پخش می‌شود.

۸ ـ ۲ تقسیمات کشوری

جمهوری ترکمنستان متشکل از ۵ استان یا اوبلاست است (جدول ۹ ـ ۴). این سرزمین دربردارندهٔ ۴۱ ناحیه، ۱۶ شهر، ۷۴ شهرک و ۲۷۶ روستا است (نقشهٔ ۳۵).

شهر عشق آباد در جنوب کشور مهمترین شهر و مرکز کشور می‌باشد. بندر ترکمن باشی (کراسنوودسک) در ساحل شرقی دریای خزر مهمترین بندر اقتصادی و نظامی کشور و شهرهای مرو، چارجو و داش حوض که مراکز استان، نیز می‌باشند، مهمترین شهرهای ترکمنستان محسوب می‌شوند.

جدول ۹ ـ ۴ استانهای ترکمنستان و برخی مشخصات مراکز آنها[۱۹]

مرکز استان	

استان	نام	فاصله از مرکز کشور (کیلومتر)	جمعیت در سال ۱۹۹۳م/۱۳۷۲ش (هزار نفر)
آخال	عشق آباد	-	۴۰۷
بالکان	نبیت داغ	۵۱۸	۸۸
داش حوض	داش حوض	۴۵۲	۱۱۴
لباب	چارجو	۴۶۸	۱۶۴
مرو	مرو	-	۹۴

۱ـ۸ـ۲ عشق آباد

در میان شهرهای ترکمنستان، پایتخت این سرزمین یعنی عشق آباد، بزرگترین و پرجمعیت‌ترین شهر کشور به شمار می‌آید. این شهر که در سال ۱۸۸۱م/۱۲۶۰ش، در نزدیکی پایتخت قدیمی پارتها یعنی شهر نسا به عنوان یک پایگاه نظامی بنا نهاده شد. در سالهای ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۷م/۱۳۹۸ تا ۱۳۰۶ش «پالتاراتسک»[1] نام داشت. زلزله‌ای که در سال ۱۹۴۸م/۱۳۲۷ش رخ داد، شهر را کاملاً ویران کرد. اما پس ازگذشت مدت کوتاهی، به سرعت بازسازی و مراکز مهم اقتصادی و اداری در آن تأسیس شد و شهر چشم‌انداز تازه‌ای یافت (نقشهٔ ۳۵).

اولین کارخانهٔ ابریشم‌بافی ترکمنستان در سال ۱۹۲۸م/۱۳۰۷ش، در عشق آباد ساخته شد و پس از آن واحدهای صنعتی دیگری احداث شدند. در حال حاضر عشق‌آباد دارای کارخانه‌های شیشه‌سازی، نخریسی، چرمسازی، قالی‌بافی، تولید آهن و... می‌باشد.

جمعیت عشق آباد در مدت ۵۱ سال تقریباً ۳/۵ برابر شده است (جدول ۱۰ ـ ۴).

در فاصلهٔ پانزده کیلومتری غرب عشق آباد ویرانه‌های شهر باستانی نسا وجود دارد، این شهر که تاریخی طولانی داشته و گفته می‌شود که پس از ورود مسلمانان به آن نام نسا

1 - Paltaratesk

نقشهٔ ۳۵

گرفت، در عهد «اشکانیان» از نخستین پایتخت‌های پادشاهان پارت به شمار می‌رفته و مورد توجه امرای ایرانی بوده است. در دوران اسلامی نیز نسا از شهرهای مهم ماوراءالنهر بود، و اهمیت زیادی از نظر مذهبی داشته است. در همین ایام بوده که مشاهیر بسیاری در این شهر پرورش یافتند و بناها و آثار معماری مهمی در آن ساخته شده است.(۲۰)

جدول ۱۰ ـ ۴ جمعیت عشق آباد در سالهای ۱۹۳۹ تا ۱۹۹۰م/۱۳۱۸ تا ۱۳۶۹اش(۲۱)

سال	۱۹۳۹م/ ۱۳۱۸اش	۱۹۵۹م/ ۱۳۳۸اش	۱۹۷۰م/ ۱۳۴۹اش	۱۹۷۹م/ ۱۳۵۸اش	۱۹۹۳م/ ۱۳۷۲اش
جمعیت	۱۲۷۰۰۰	۱۷۰۰۰۰	۲۵۲۰۰۰	۳۱۲۰۰۰	۴۰۷۰۰۰

شهر نسا پس از حملهٔ مغولان و در دورهٔ تیمور از اهمیت افتاد و بتدریج از رونق آن کاسته شد، تاکنون که آثار آن در زیر خروارها خاک مدفون شده است. د رحال حاضر گروههای متعدد باستان‌شناسی از کشورهای اروپایی درحال حفاری از این محل هستند. یکی از نقاط دیدنی و تاریخی ترکمنستان همین مکان می‌باشد. دهکدهٔ ییلاقی فیروزه در ۲۸ کیلومتری عشق آباد یکی دیگر از نقاط تاریخی و دیدنی ترکمنستان به شمار می‌آید که بازدید از آن موکول به موافقت مقامات دولتی است.

«کتابخانهٔ آزادی» (کارل مارکس سابق) با ۶/۵ میلیون جلد کتاب به زبانهای مختلف و بیش از ۸۵۰۰ جلد نسخهٔ خطی از مراکز مهم علمی و فرهنگی ترکمنستان است. در این کتابخانه تعداد زیادی کتابهای قدیمی به زبان فارسی نگهداری می‌شود.

موزهٔ تاریخ و قوم‌شناسی، باغ لنین، قبر سرباز گمنام وکانال قره قوم از دیگر نقاط سیاحتی و تفریحی عشق آباد به شمار می‌آیند (نقشهٔ ۳۶).

۲ ـ ۸ ـ ۲ چارجو

دومین شهر بزرگ ترکمنستان است، در متون قدیمی از آن با نامهای «آمویه»، «آمل جیحون» و «آمل کویر» یاد شده است.(۲۲) این شهر در ساحل غربی رود جیحون قرار دارد و محل انشعاب راههای ترکمنستان به شمار می‌آید. چارجو که از دورهٔ تیموریان به

نقشه ۳۶

این نام معروف شد از مراکز مهم داد و ستد و مهمترین محل عبور از رود جیحون و رفت‌وآمد کاروانها بوده است.[۲۳]

چارجو اکنون نیز علاوه بر دارا بودن مرکزیت استان و مرکزیت حمل و نقل کشور، دارای باغات مرغوب میوه و مزارع گستردهٔ پنبه واز مراکز مهم صنعتی کشور است. جمعیت این شهر در سال ۱۹۷۰م /۱۳۴۹ش حدود ۹۶ هزار نفر، در سال ۱۹۷۹م / ۱۳۵۸ش، ۱۴۰ هزار نفر و در سال ۱۹۹۰م /۱۳۶۷ش، ۱۶۴ هزار نفر بوده واز این نظر دومین شهر پرجمعیت ترکمنستان محسوب می‌شود. این شهر در ۱۶ کیلومتری چارجوی قدیم توسط روسها ساخته شد و چارجوی قدیم به «کاگاناویجسک» تغییر نام یافت.[۲۴]

۳ـ۸ـ۲ مرو

از شهرهای مهم و تاریخی ترکمنستان است و مقدسی آن را «ام‌القرا»ی خراسان دانسته است.[۲۵]این شهر که به «مرو شاهجهان» نیز شهرت داشته است، تاریخی بس کهن دارد. تا پیش از اسلام، مرو از شهرهای مهم و آباد ایران بود و در دوران اسلامی نیز بویژه تا زمان طاهریان، مرکز فرمانروایی حکام مسلمان واز مراکز مهم فرهنگ ایرانی واسلامی به شمار می‌آمد. در دوران حکومت سلجوقیان از رونق و عظمت مرو کاسته شد و در زمان حملهٔ مغول در سال ۶۱۷ه ق، مرو لگدکوب مغولان شد و به خرابه‌ای بدل گردید. این شهر تا زمان «ناصرالدین شاه» در سال ۱۸۸۳م /۱۳۶۲ش، در قلمرو ایران بود.[۲۶]

در دوران بعدی تحولاتی در شهر مرو بوجود آمد واما هیچگاه مرو نتوانست عظمت گذشته خود را به دست آورد. جمعیت شهر مرو در سال ۱۹۷۰م /۱۳۴۹ش، ۶۲هزارنفر، در سال ۱۹۷۹م /۱۳۵۸ش، ۷۴ هزار نفر و در سال ۱۹۹۰م /۱۳۶۹ش، نزدیک به ۹۴ هزار نفر بوده است.[۲۷]

در مسیر راه ارتباطی عشق آباد به مرو آثار باستانی متعددی وجود دارد که از ایام رونق وعظمت این شهر بجا مانده است. خرابه‌های شهر باستانی «میمنه» زادگاه «ابوسعید ابی‌الخیر» و شهر «ابیورد» و مقبره‌های «سلطان سنجر سلجوقی»، «خواجه

یوسف همدانی» «کاخ دختران و پسران» و تعدادی مزار و مکان مذهبی در اطراف این شهر، یادآور تاریخ پرفراز و نشیب مرو می‌باشند.

۴ـ ۸ـ ۲ ابیورد

اکنون فقط خرابه‌هایی ناچیز از آن باقیمانده است. ابیورد از شهرهای کهن و مهم خراسان بوده که سالیان متمادی از پیش از اسلام تا قرن دهم هجری در قلمرو حکومت ایران قرار داشت. این شهر تاریخی تا پیش از قرن دوازدهم هجری، از مراکز آباد و پر رونق بود، در قرن دوازدهم د راثر تاخت و تاز ترکها بکلی ویران شد و اکنون فقط نامی از آن برجای مانده است.(۲۸)

۵ـ ۸ـ ۲ داش حوض

بزرگترین شهر شمالی ترکمنستان است. این شهر در ساحل رود آمودریا واقع شده و بـا ۶۳ هزار نفر جمعیت در سال ۱۹۷۰م /۱۳۴۹ش و ۸۴ هزار نفر در سال ۱۹۷۹م /۱۳۵۸ش و ۱۱۴ هزار نفر در سال ۱۹۹۰م /۱۳۶۹ش سومین شهر بزرگ ترکمنستان محسوب مشود.(۲۹)

۶ـ ۸ـ ۲ نبیت داغ

در سال ۱۹۳۰م /۱۳۰۹ش در غرب ترکمنستان ساخته شد. این شهر بر زمینی مسطح واقع است که قبلاً مسیر رودخانه‌ای بین دریاچهٔ آرال و دریای خزر بوده است. نبیت داغ از مراکز مهم تولید نفت ترکمنستان به شمار می‌آید و جمعیت آن در سال ۱۹۹۰م /۱۳۶۹ش بالغ بر ۸۸ هزار نفر بوده است.

۷ـ ۸ـ ۲ ترکمن باشی

دیگر شهر مهم ترکمنستان است. این شهر بندری در ساحل دریای خزر و در حاشیهٔ خلیج کوچکی به همین نام ساخته شده است. ترکمن باشی که تا پیش از استقلال کراسنوودسک نام داشت به دلیل داشتن تجهیزات مدرن ونوین بندری و همچنین به

علت آن که مرکز صدور نفت ترکمنستان است، از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. ضمن آن که مهمترین بندر ماهیگیری کشور نیز محسوب می‌شود.

۸ـ۸ـ۲ سرخس

از دیگر شهرهای تاریخی ترکمنستان است که با وجود دارا بودن تاریخ طولانی و اهمیت بسیار به عنوان یکی از شهرهای بزرگ خراسان، تا پیش از استقلال کشور فقط از اهمیت استراتژیکی به دلیل نزدیکی با مرزهای ایران برخوردار بود. اما پس از تشکیل جمهوری ترکمنستان و بویژه پس از اتصال خط آهن آسیای مرکزی به راه‌آهن ایران بر اهمیت آن افزوده شد و به نظر می‌رسد در آینده یکی از شهرهای تجاری و ارتباطی مهم ترکمنستان قلمداد شود.

۳ـ ویژگیهای اقتصادی

۱ـ ۳کلیات

ترکمنستان نیز مشابه تمام جمهوریهای آسیای مرکزی پس از کسب استقلال، اقداماتی برای گسستن روابط اقتصادی دولتی و وابسته انجام داد. گرچه در اثر تحولات ناشی از تغییر شرایط سیاسی، پس از استقلال اقتصاد کشور ثبات چندانی نداشته است، اما در میان کشورهای ناحیه به طور نسبی اقتصاد کشور رضایت بخش بوده است.

بر اساس آمار رسمی، تولید ناخالص ملی ترکمنستان در سال ۱۹۹۲م /۱۳۷۱ش نسبت به سال قبل از آن، حدود ۳۵/۸ درصد کاهش و در سال ۱۹۹۳م /۱۳۷۲ش، حدود ۸/۷ درصد رشد داشته است. همچنین تولید ناخالص کشاورزی در سال ۱۹۹۲م / ۱۳۷۱ش نسبت به سال قبل ۹درصد کاهش داشته و در سال بعد از ۹ درصد افزایش برخوردار بوده است و تولید ناخالص صنعتی کشور نیز در سال ۱۹۹۲م /۱۳۷۱ش نسبت به سال ۱۹۹۱م /۱۳۷۰ش، ۱۴/۹ درصد کاهش نشان می‌دهد، اما در سال بعد، از ۵/۳ درصد رشد برخوردار بوده است.(۳۰)

وضعیت بی ثبات اقتصادی ترکمنستان از یک سو به دلیل تحولات ناگهانی سالهای

اخیر است واز سوی دیگر به دلیل مشکلات اقتصادی کشور می‌باشد. زیرا ساختار اقتصادی کشور تک محصولی است و به درآمدهای حاصل از صدور پنبه و گاز متکی است. در نتیجهٔ کاهش تولید این محصولات بویژه گاز طبیعی سبب رکود سایر بخشهای اقتصادی می‌شود. همچنین از مشکلات دیگر اقتصاد کشور کمبود کالاهای مصرفی به دلیل پایین بودن قدرت تولید داخلی و محدودیت ورود کالا است. نظام پولی بی ثبات و تورم شدید به مشکلات مذکور دامن می‌زند. زیرا با وجود آن که پول کشور «منات» اعلام شده و در ابتدا ارزش آن رسماً دو منات در برابر یک دلار اعلام شد، عملاً پس از چندی و خیلی سرعت از ارزش آن به شدت کاسته شد.

دولت ترکمنستان برای رفع مشکلات اقتصادی و دستیابی به توسعهٔ اقتصادی، بهره‌برداری از منابع زیرزمینی و افزایش میزان صدور مواد انرژی زا را مد نظر قرار داده است. زیرا این کشور ذخایر غنی نفت و گاز دارد. استخراج و صدور این منابع، نیازمند حل مشکلات موجود است. دسترسی نداشتن به آبهای آزاد، کمبود سرمایه و فن‌آوری از مهمترین مشکلات کشور می‌باشد. توسعهٔ روابط خارجی، برقراری روابط دوستانه با همسایه‌ها و تلاش در راه جذب سرمایه‌های خارجی اقدامات ترکمنستان برای نایل آمدن بر مشکلات مذکور است.

ترکمنستان با کشورهای ترکیه، ایران و پاکستان همکاری نزدیکی در جهت گسترش و بهبود شبکهٔ راه آهن و بزرگراهها به منظور صدور نفت به سوی خلیج فارس، اقیانوس هند و دریای سیاه برقرار کرده است.

دولت ترکمنستان در طرحهای توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی کشور، ایجاد ثبات اقتصادی، اصلاحات در ساختار اقتصاد ملی، ایجاد مالکیتهای عمومی متنوع، جلب سرمایه‌های خارجی و فن‌آوری پیشرفته، توسعهٔ صنایع ملی، اجرای برنامه‌های تأمین اجتماعی و تضمین عرضهٔ کالاهای اساسی مورد نیاز عمومی را در رأس وظایف خود دانسته است و به نظر می‌رسد با توجه به ۱۰۲ میلیارد دلار ذخیرهٔ ارزی کشور در بانکهای خارجی، ۱/۵ میلیارد دلار بدهی کشورهای مستقل مشترک‌المنافع به آن، جمعیت اندک و منابع فراوان در تأمین نیازهای مالی وایجاد یک کشور ثروتمند و مرفه کمتر از کشورهای دیگر آسیای مرکزی دچار مشکل شود.[۳۱]

در میان بخشهای مختلف اقتصادی، با وجود تنگناهای موجود، هنوز بخش کشاورزی نقش عمده‌ای در اقتصاد کشور ایفا می‌کند، در حالی که صنایع نقش اندکی دارند. به نظر می‌رسد با توسعه و گسترش فعالیتهای صنعتی، بویژه در زمینهٔ استخراج، پالایش و صدور نفت وگاز، فعالیتهای صنعتی در آینده سهم بیشتری در تولید درآمد ملی داشته باشند.

۲ ـ ۳کشاورزی

تولیدات کشاورزی در حدود ۴۶ درصد کل تولید ملی و ۴۲ درصد اشتغال کشور را به خود اختصاص داده است.(۳۲)

۱ ـ ۲ ـ ۳زراعت

مشکل عمده کشاورزی ترکمنستان کم آبی است و با وجود اقدامات انجام شده در زمینهٔ ایجاد و حفر شبکه‌ها و کانالهای آبیاری، به دلیل مشکلات فنی و شور شدن زمین، میزان تولید نسبی بسیاری از محصولات از اندازه‌های متعارف بین‌المللی پایینتر است.

از وسعت کل زمینهای زراعی ترکمنستان (جدول ۱۱ ـ ۴) در سال ۱۹۸۶م /۱۳۶۵ش حدود ۹۷/۸ درصد را زمینهای زیرکشت آبی تشکیل می‌دادند.

جدول ۱۱ ـ ۴ وسعت زمینهای زراعی ترکمنستان در سالهای ۱۹۴۰ تا ۱۹۸۸م/۱۳۱۹ تا ۱۳۶۷ش (هزار هکتار)(۳۳)

سال	۱۹۴۰م/ ۱۳۱۹ش	۱۹۵۰م/ ۱۳۲۹ش	۱۹۶۰م/ ۱۳۳۹ش	۱۹۷۰م/ ۱۳۴۹ش	۱۹۸۰م/ ۱۳۵۹ش	۱۹۸۸م/ ۱۳۶۷ش
وسعت	۴۱۱	۳۶۸	۴۴۶	۶۳۶	۸۹۵	۱۲۴۳

افزایش سطح زیر کشت عمدتاً ناشی از توسعهٔ آبیاری بوده است. بیشترین افزایش در دههٔ ۱۹۶۰م انجام گرفته که همزمان با اجرای طرحهای متعدد آبرسانی، از جمله بهره‌برداری از کانال ترکمن باشی بوده است. با تأمین آب زراعی در برخی نقاط ترکمنستان بر سطح زیرکشت افزوده شد و در بعضی نواحی اراضی‌بایر به زیرکشت

رفتند.

حکومت اتحاد شوروی، برای دستیابی به اهداف برنامه‌های اقتصادی خود، نظام تک محصولی را در کشورهای آسیای مرکزی رواج داد و ترکمنستان را با توجه به موقعیت و شرایط مساعد آن، در زمینهٔ تولید پنبه یاری نمود. حاصل این امر، از یک سو، وابستگی به سایر جمهوریها در زمینهٔ تأمین مواد غذایی واز سوی دیگر وابستگی اقتصادی به خریداران پنبه از نظر تعیین قیمت بود. این مشکلات پس از استقلال ترکمنستان آشکار و مطرح شد.

بیش از ۵۰ درصد از زمینهای زیرکشت محصولات کشاورزی، در سال ۱۹۹۱م / ۱۳۷۰ش به تولید پنبه اختصاص یافته بود (جدول ۱۲ـ ۴).

جدول ۱۲ ـ ۴ سطح زیرکشت پنبهٔ ترکمنستان در سالهای ۱۹۴۰ تا ۱۹۸۸م/۱۳۲۹ تا ۱۳۶۷ش (هزار هکتار)[۳۴]

سال	۱۹۴۰م/ ۱۳۱۹ش	۱۹۵۰م/ ۱۳۲۹ش	۱۹۶۰م/ ۱۳۳۹ش	۱۹۷۰م/ ۱۳۴۹ش	۱۹۸۰م/ ۱۳۵۹ش	۱۹۸۸م/ ۱۳۶۷ش
وسعت	۱۵۰	۱۵۳	۲۲۲	۳۹۷	۵۰۸	۶۳۶
درصد	۳۶/۵	۴۱/۵	۴۹/۷	۶۲/۴	۵۶/۷	۵۱/۱

محصول پنبه حدود ۶۰ درصد از کل محصولات کشاورزی را تشکیل می‌دهد[۳۵]، میزان تولید آن در سال ۱۹۹۰م / ۱۳۶۹ش، بالغ بر ۱۴۰۰۰۰۰تن و در سال ۱۹۹۲م / ۱۳۷۱ش حدود ۱۲۹۰۰۰۰تن بوده است. طبق نظر کارشناسان کشاورزی ترکمنستان از نظر کیفیت و تنوع پنبه پس از مصر و از نظر میزان تولید بعد از کشورهای امریکا و کانادا قرار دارد. این سرزمین اولین ناحیه در جهان است که در آن پنبه رنگین کشت و تولید شده است. نواحی مرو در درهٔ مرغاب، دره تجن و چارجو، اطراف آمودریا و کانال ترکمن‌باشی از مراکز عمدهٔ تولید پنبهٔ ترکمنستان به شمار می‌آیند.

گندم دیگر محصول عمده زراعی جمهوری ترکمنستان است که میزان تولید آن در سال ۱۹۹۲م /۱۳۷۱ش حدود ۷۰۰هزار تن بوده است. این سرزمین بیش از نیمی از نیاز خود را از سایر کشورها وارد می‌کند. برای رفع نیازهای داخلی و خودکفایی در زمینهٔ

تولید گندم برنامه‌هایی تهیه شده که با تخصیص اراضی بیشتری به کشت گندم، میزان تولید آن افزایش یابد، بدین منظور سطح زمین زیر کشت مورد نیاز و میزان تولید گندم برای هریک از استانها مشخص شده است.

جو، ارزن، انگور، سیب زمینی، سبزی، حبوبات، علوفه بویژه یونجه، از دیگر تولیدات کشاورزی ترکمنستان به شمار می‌آیند. در حال حاضر حدود نیمی از زمینهای زراعی به کشت پنبه، ۲۸درصد به کشت غلات و حبوبات و ۱۷ درصد به کشت علوفه اختصاص یافته است. این کشور در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش حدود ۳۶۰هزار تن انواع سبزی، ۳۲۰ هزار تن غلات، و ۲۲۸ هزار تن انواع میوه تولید کرده است.[۳۶]

رواج تک کشتی و اختصاص بیشتر اراضی به کشت پنبه سبب شده این کشور در اکثر محصولات غذایی نیازمند کشورهای دیگر باشد به طوری که فقط حدود ۳۵ درصد غله و ۳۰ درصد سیب‌زمینی مصرفی در داخل کشور تولید می‌شود و بقیهٔ نیازها از طریق واردات برطرف می‌شود، ضمن آن که در مورد برخی محصولات مانند شکر، تمام نیاز مصرفی از خارج تأمین می‌شود.

۲ـ ۲ – ۳ دامداری

در حالی که شرایط جغرافیایی کشور امکانات محدودی را برای کشاورزی فراهم می‌کند، از نظر دامداری وضعیت نسبتاً مساعدتری دارد. به همین دلیل از سالیان قبل دامداری به شیوهٔ کوچ‌نشینی و سنتی رواج داشته است، در سالهای حکومت روسها بر ترکمنستان دامداری سنتی و زندگی عشایری جای خود را به دامپروری و زندگی ثابت دادند و در کنار اهمیت یافتن تولید محصولات لبنی و پروتئینی، استفاده از پشم و مو و بویژه پوست دامها نیز مورد توجه بسیاری قرار گرفت. تعداد دامهای زنده ترکمنستان در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش شامل ۵/۶ میلیون راس گوسفند و بز، ۱/۴ میلیون رأس گاو و ۱۳۰۰ هزار رأس خوک بوده است.[۳۷]

تولید و پرورش اسب و کرم ابریشم از دیگر فعالیتهای رایج در میان زارعان ترکمنستان است و سرمایه‌گذاری دولتی بسیاری برای رونق این فعالیتها انجام شده است. همچنین به دلیل مجاورت ترکمنستان با دریای خزر، صید ماهی اهمیت زیادی

دارد و این کشور به سبب داشتن کشتیهای مخصوص صید ماهی کیلکا، از توانایی زیادی برای تولید و صدور آن برخوردار است.

آنچه در ترکمنستان نیز مشابه تمام کشورهای آسیای مرکزی مشاهده می‌شود، توانایی اندک این کشور برای بهره‌برداری بهینه از مواد اولیه و تبدیل آنها به محصولات نهایی است. به طور مثال فقط حدود ۳درصد پنبهٔ کشور و ۳۰ درصد ابریشم آن در داخل ترکمنستان به مصرف می‌رسد[۳۸] و به دلیل نبود تأسیسات و کارخانه‌های تبدیل مواد اولیه به کالاهای ساخته شده، این کشور ناچار است محصولات تولیدی خود را صادر کند و کالاهای ساخته شده از همان مواد اولیه را وارد نماید، که این امر سبب خارج شدن ارزش افزودهٔ کالا از ترکمنستان می‌شود.

۳ـ۳ منابع معدنی

این سرزمین منابع زیرزمینی بسیاری دارد. گاز، سولفات سدیم و گوگرد از ذخایر مهم آن به شمار می‌آیند.

گاز طبیعی مهمترین مادهٔ خام کشور است، اولین چاه گاز در سال ۱۹۶۶م /۱۳۴۵ش کشف شد. برآورد می‌شود دخایر آن حدود ۱۲ تریلیون مترمکعب باشد.[۳۹] و سالانه بین ۸۰تا ۹۰ میلیارد مترمکعب استخراج می‌شود که بخش اندکی از این میزان در داخل کشور به مصرف می‌رسد و بقیه صادر می‌شود. مهمترین مورد مصرف گاز در داخل کشور تأمین سوخت نیروگاههای حرارتی است و کشورهای قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، آذربایجان، روسیه، ارمنستان و گرجستان مهمترین مشتریان گاز ترکمنستان هستند.

ترکمنستان در نظر دارد گاز خود را به اروپا صادر کند و برای انتقال گاز، خط لوله‌ای به ظرفیت ۲۸ میلیون متر مکعب در سال از طریق ایران و ترکیه در دست احداث است.[۴۰] عمده‌ترین ذخایر گاز ترکمنستان در اطراف شهر مرو، و شمال و شمال شرقی کشور قرار دارند (جدول ۱۳ ـ ۴).

سرزمین ترکمنستان از نظر میزان ذخایر گاز رتبه چهارم را در جهان به خود اختصاص داده است. اما تولید آن در سالهای اخیر کاهش یافته واز ۹۵/۶ میلیارد متر مکعب در

سال ۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش به ۳۲/۳ میلیارد مترمکعب در سال ۱۹۹۵م/۱۳۷۴ش سقوط کرده است.[۴۱]

جدول ۱۳ ـ ۴ میزان تولید گاز طبیعی ترکمنستان در سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۱م/۱۳۴۹ تا ۱۳۷۰ش (میلیارد متر مکعب)[۴۲]

سال	۱۹۷۰م/۱۳۴۹ش	۱۹۷۹م/۱۳۵۸ش	۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش
میزان تولید	۱۱/۸	۶۱/۵	۹۵/۶

متخصصان میزان ذخایر نفت کشور را ۶۰ میلیارد تن برآورد کرده‌اند، که از این رقم، ۱۰۰ میلیون تن شناسایی و اکتشاف شده است. ذخایر نفت ترکمنستان عمدةً در شبه جزیرهٔ چلکن، اطراف شهر نبیت داغ و بخش جنوب غربی کشور قرار دارند. میزان نفت تولیدی پس از استقلال با کاهش روبرو بوده و از ۶ میلیون تن (۱۲۰ هزار بشکه در روز) در سال ۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش به ۴/۷ میلیون تن (۹۴ هزار بشکه در روز) در سال ۱۹۹۵م/ ۱۳۷۴ش کاهش یافته است.[۴۳] دو پالایشگاه قدیمی ترکمنستان، تصفیهٔ نفت را انجام می‌دهند.

ذخیرهٔ گوگرد ترکمنستان آن قدر زیاد است که این سرزمین را در مرتبه سوم جهانی قرار داده است. میزان تولید گوگرد در سال ۱۹۸۹م/۱۳۶۸ش حدود ۵/۵ میلیون تن بوده. در همین سال میزان استخراج سولفات سدیم حدود ۲۶۱ هزار تن بوده است. معادن سولفات سدیم در خلیج قره بغاز قرار دارند.

برم، بنتونیت، سولفور پتاس، سرب، مس، روی، جیوه، ید، موم معدنی دیگر منابع معدنی ترکمنستان محسوب می‌شوند.

۴ ـ ۳ صنایع

فعالیتهای صنعتی ترکمنستان بر دو محور تولید منابع معدنی و منابع وابسته به کشاورزی متمرکز شده‌اند. تولیدات صنعتی که نزدیک به ۲۰ درصد تولید ملی را به خود اختصاص می‌دهند در رشته‌های استخراج و پالایش نفت و گاز، استخراج گوگرد،

سولفات سدیم، صنایع نساجی و پوشاک، صنایع غذایی، صنایع قالی بافی، پتروشیمی، تولید برق و صنایع سبک، بیش از رشته‌های دیگر می‌باشد (جدول ۱۴ ـ ۴).

جدول ۱۴ ـ ۴ میزان تولید برخی از کالاهای صنعتی ترکمنستان در سال ۱۹۸۹م/۱۳۶۸ش [۴۴]

نوع کالا	میزان تولید
فولاد	۲۱۰۰ تن
سیمان	۱/۱ میلیون تن
منسوجات	۵۳/۶ میلیون متر مربع
لباس بافتنی	۱۱/۱ دست
جوراب	۱۹/۹ میلیون جفت
کفش	۴/۸ میلیون جفت
کنسرو، مربا، کمپوت	۸۰ میلیون قوطی

۵ ـ ۳ انرژی

گاز و نفت منبع اصلی سوخت هستند، اما این کشور از نظر تأمین برق نیز وضعیت مطلوبی دارد، به طوری که مقدار تولید آن مازاد بر نیاز داخلی است و به سایر جمهوریهای آسیای مرکزی صادر می‌شود. بنابر اظهار یکی از مسؤولین ترکمنستان در سال ۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش حدود ۶۰ درصد از برق تولید شده در داخل کشور مصرف شده و ۴۰ درصد باقیمانده به کشورهای همسایه صادر شده است.[۴۵]

وضعیت منابع انرژی ترکمنستان در سالهای ۱۹۸۹ و ۱۹۹۱م/۱۳۶۸ و ۱۳۷۰ش به شرح زیر بوده است.[۴۶]

سال	نیروگاه‌برق (میلیون‌کیلووات‌ساعت)	نفت‌ومایعات‌گازی (میلیون‌تن)	گاز (میلیاردمترمکعب)
۱۹۸۹م/۱۳۶۸ش	۱۳/۶	۵/۶	۹۱/۵
۱۹۶۱م/۱۳۷۰ش	۱۷/۱	۶	۸۴/۳

۶ـ۳ حمل و نقل

راه‌آهن مهمترین وسیلهٔ حمل‌ونقل در ترکمنستان است، خط‌آهن مشهور به ماوراء خزر از بندر ترکمن‌باشی شروع می‌شود و پس از طی مسافت طولانی در خاک ترکمنستان به ازبکستان وارد می‌شود. شبکهٔ راه آهن این سرزمین تمام شهرهای مهم آن را تحت پوشش قرار داده است. مسیر خط آهن ترکمنستان از شهر ترکمن باشی در غرب کشور شروع می‌شود و در جهت جنوب شرقی امتداد می‌یابد در محل مرو شاخه‌ای از راه آهن به سوی جنوب و افغانستان کشیده می‌شود و شاخه‌ای دیگر به سوی شمال تا چارجو امتداد یافته است. در چارجو شاخه‌ای از راه آهن به سوی شرق و ازبکستان و شاخه‌ای دیگر به سوی شمال تا داش حوض کشیده شده که پس از عبور از مرز وارد کشور ازبکستان می‌شود.

طول خط آهن ترکمنستان در سال ۱۹۹۰م /۱۳۶۹ش، حدود ۲۱۲۰ کیلومتر بود و این سرزمین با استفاده از خطوط راه آهن کشورهای ازبکستان، قزاقستان و روسیه می‌تواند با کشورهای اروپایی متصل شود. با احداث راه آهن تجن ـ سرخس ـ مشهد در سال ۱۹۹۶م /۱۳۶۵ش، ترکمنستان توانست ضمن دستیابی به آبهای آزاد از طریق خلیج فارس، با ترکیه، کشورهای خاورمیانه واروپا از طریق ایران ارتباط برقرار کند.

حمل و نقل جاده‌ای در ترکمنستان رونق چندانی ندارد. گرچه حدود ۱۳۴۰۰ کیلومتر راه احداث شده است ولی به دلیل وجود خط آهن گسترده و عبور آن از نقاط پرجمعیت کشور و همچنین امکان برقراری ارتباط سهل و آسان با کشورهای همسایه از طریق خط آهن، جاده‌ها کمتر برای حمل و نقل بین شهری وحمل کالا و مسافر در مسافتهای طولانی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. به همین سبب تعداد وسایل نقلیه جاده‌ای، بویژه اتوبوس و مینی‌بوس، اندک و ناچیز است.

مهمترین مرکز حمل‌ونقل آبی، بندر ترکمن باشی در حاشیهٔ دریای خزر است. ترکمنستان از طریق این دریا ضمن برقراری ارتباط با دریای مدیترانه و دریای بالتیک، با کشورهای حاشیه دریا نیز روابط تجاری واقتصادی برقرار کرده است (نقشهٔ ۳۷).

نقشهٔ ۳۷

۷ـ ۳ بازرگانی خارجی

اقلام وارداتی ترکمنستان را ماشین آلات، مواد غذایی، مواد شیمیایی و برخی تولیدات صنعتی، و صادرات عمده آن را گاز، نفت، پنبه و مواد خام تشکیل می‌دهند.

تا پیش از استقلال تمام روابط تجاری ترکمنستان با جمهوریهای اتحاد شوروی بود. پس از تشکیل جمهوری ترکمنستان، این کشور ضمن حفظ روابط سابق در سطح پایینتری، به برقراری ارتباطات گوناگون با سایر کشورهای جهان، همت گماشت. اما هنوز حدود ۸۰ درصد از حجم صادرات و واردات ترکمنستان با جمهوریهای سابق شوروی صورت می‌گیرد. ترکیه، ایتالیا، امریکا، ایران و شماری از کشورهای اروپایی

مهمترین کشورهای طرف قرارداد با ترکمنستان به شمار می‌روند.

در آغاز استقلال ترکمنستان، به دلیل تغییر و تحولاتی که در سیستم سیاسی و اقتصادی کشور رخ داده بود، فعالیتهای اقتصادی و در نهایت تجارت خارجی این کشور با رکود مواجه شده بود، اما بتدریج با ایجاد ثبات سیاسی و اقتصادی، فعالیتهای تولیدی رشد یافت و تجارت خارجی کشور توسعه یافت. در سال ۱۹۹۲م /۱۳۷۱ش ترکمنستان حدود ۱۰۰ میلیون دلار کالا صادر و به همین میزان کالا وارد کرده بود. در سال ۱۹۹۴م /۱۳۷۳ش و در یازده ماه آن میزان صادرات کشور حدود ۳۴۹/۹ میلیون دلار بود که نسبت به سال قبل صد در صد افزایش یافته بود. در همین مدت واردات کشور بالغ بر ۲۷۸/۸ میلیون دلار بوده است. این رقم بدون در نظر گرفتن میزان تجارت ترکمنستان با کشورهای عضو جامعهٔ مشترک‌المنافع، که بیشتر کالاهای صادراتی بوده، ذکر شده است.

در سال مذکور ترکمنستان ضمن کاهش میزان تجارت خود با کشورهای مشترک‌المنافع بویژه روسیه، ازبکستان، قزاقستان و اوکراین، به دلیل عدم پرداخت بدهی خود به ترکمنستان، از ۴۲ کشور جهان کالا وارد و به ۳۷ کشور کالا صادر کرده است.[۴۷] در سال ۱۹۹۳م /۱۳۷۲ش میزان صادرات ترکمنستان بالغ بر ۱۰۰ دلار و واردات آن ۴۹۰ میلیون دلار بوده است.[۴۸]

۸ـ۳ روابط خارجی

پس از کسب استقلال، جمهوری ترکمنستان سیاست درهای باز را برگزید و روابط گوناگون را با کشورهای متعدد برقرار کرد. در میان شرکای تجاری و کشورهایی که روابط گسترده با ترکمنستان دارند، هنوز کشورهای جامعهٔ مشترک‌المنافع، بخصوص روسیه و جمهوریهای آسیای مرکزی بالاترین و گسترده‌ترین سطح روابط را با این سرزمین دارند. وابستگی‌های عمیق اقتصادی ناشی از سیاستهای اقتصادی دولت شوروی و عدم آشنایی رهبران کشور با سیاستهای بین‌المللی و تصمیم‌گیریهای سیاسی به‌طور مستقل، علل اصلی این وابستگی ریشه‌ای می‌باشند.

ترکمنستان علاوه بر وابستگی سیاسی به روسیه از نظر اقتصادی نیز بیشترین تبادلات

تجاری را با این سرزمین دارد، به طوری که بیش از ۸۲/۸ درصد صادرات کشور به روسیه ارسال می‌شود و نزدیک به ۶۱/۷ درصد از نیازهای داخلی نیز از همین کشور تأمین می‌شود. شرایط اقتصادی به گونه‌ای است که ترکمنستان حتی با وجود بدهی عظیم روسیه و برخی از کشورهای آسیای مرکزی بابت فروش و صدور گاز و نفت، همچنان مبادلات تجاری خود را با این کشورها انجام می‌دهد. به طور مثال در سفر رئیس جمهور ترکمنستان به روسیه در سال ۱۹۹۶م/۱۳۷۵ش، موضوع بدهی نیم میلیارد دلاری این کشور به ترکمنستان فقط مورد بحث قرار گرفت بدون آن که به نتیجه‌گیری بینجامد. موضوع بدهی‌های کشورهای جامعهٔ مستقل مشترک‌المنافع یکی از معضلات اقتصادی ترکمنستان است، زیرا این کشور به ناچار در قبال بدهی‌های خود، کالا دریافت می‌کند واین امر در ذخیرهٔ ارزی کشور تأثیر گذاشته و برقراری روابط با سایر کشورها را با مشکل مواجه کرده است. به طور مثال اوکراین ۱۷۶ میلیون دلار بابت صدور گاز ترکمنستان به این کشور بدهکار است، و ترکمنستان به اجبار کالا در مقابل بستانکاری خود دریافت می‌کند.

ترکمنستان همچنین روابط گوناگون با بسیاری از کشورهای دیگر برقرار کرده است. مبادلات تجاری و سرمایه‌گذاریهای خارجی در این جمهوری آشکارترین شکل روابط اقتصادی است. در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش ترکمنستان ۱۵ منطقهٔ تجاری ایجاد کرد که در آن شرکتهایی از امریکا، ایتالیا، انگلیس، هلند، آرژانتین، ترکیه و ایران شرکت داشتند.(۴۹)

در سال ۱۹۹۳م/۱۳۷۲ش، حدود ۲۲۰ مؤسسهٔ مشترک در زمینه‌های گوناگون اقتصادی با مشارکت کشورهای خارجی در حال فعالیت بودند، همچنین بیش از ۴۰۰ شرکت خارجی در کشور فعالیت داشتند. در میان کشورهای جهان ترکیه ۲۰/۳ درصد، ایران ۱۵ درصد و آمریکا و آلمان هریک ۹/۷ درصد، اسراییل ۶/۲درصد، ایتالیا ۵/۳ درصد واتریش ۴/۴ درصد از کل سرمایه‌گذاریهای خارجی در ترکمنستان را انجام داده بودند.(۵۰)

در بین کشورهای جهان ترکیه با هدف گسترش پان ترکیسم در آسیای مرکزی، اسرائیل با هدف اعلام موجودیت و جلب حمایت ترکمنستان، عربستان سعودی با نیت

گسترش اسلام، امریکا با طرح افزایش نفوذ خود در این ناحیه و تمام این کشورها با هدف پنهان جلوگیری از نفوذ ایران و محدود کردن روابط دو کشور سعی در برقراری روابط دوستانه با ترکمنستان داشته‌اند.

این کشورها در لوای کمکهای اقتصادی و سرمایه گذاری، اهداف پنهان خود را که در واقع نفوذ فرهنگی است، دنبال می‌کنند. ترکیه با سرمایه‌گذاری فراوان در امور ساختمان سازی و خدمات رفاهی، اسرائیل با اجرای طرحهای آبیاری و کشاورزی، عربستان سعودی در زمینهٔ ساختمان سازی واحداث واحدهای صنعتی و امریکا با سرمایه گذاری در تأسیسات زیربنایی ترکمنستان، این جمهوری را از نظر کمبودهای سرمایه‌ای و فنی یاری می‌کنند.

کشورهای دیگر جهان نیز روابط اقتصادی با ترکمنستان برقرار کرده‌اند. هندوستان ۱۳ توافق نامه در زمینه‌های سرمایه گذاری، اهدای وام، صنعت گردشگری و موضوعات علمی و فنی با این سرزمین به امضا رسانده است. در سال ۱۹۹۴م /۱۳۷۳ش حجم گردش کالا بین دو کشور ۸/۵ میلیون دلار بوده است.

«ژاپن» در زمینه احداث خط لولهٔ گاز ترکمنستان به چین و ژاپن و همچنین در پروژه‌های دیگر در زمینه احداث صنایع پتروشیمی، پالایشگاه و موارد مشابه در این کشور مشارکت دارد.

ایتالیا، ضمن همکاری در فعالیتهای مربوط به نفت و گاز، در زمینه‌های فرهنگی، بویژه بازسازی بناهای تاریخی کشور فعالانه مشارکت کرده است.

مشاهده می‌شود که بیشتر کشورهای جهان تمایل دارند در زمینهٔ منابع سوخت که به وفور در این جمهوری ذخیره شده‌اند، سرمایه‌گذاری و مشارکت نمایند، امری که ایران نیز در آن تجربه و سابقهٔ طولانی دارد.

۱ ـ ۸ ـ ۳ روابط با ایران

ترکمنستان جنوبی‌ترین کشور آسیای مرکزی، تنها سرزمینی است که با ایران هم مرز است. همین موقعیت جغرافیایی ترکمنستان امتیاز ویژه‌ای برای این کشور محسوب می‌شود زیرا دیگر کشورهای آسیای مرکزی تنها از طریق افغانستان و قسمت غربی چین

با جهان خارج از روسیه در ارتباط هستند، در حالی که ترکمنستان ضمن دور بودن از روسیه، از طریق ایران می‌تواند با آبهای آزاد جهان، خاورمیانه، پاکستان و ترکیه رابطه برقرار کند.

این ویژگی ممتاز ترکمنستان شرایط بهینه‌ای برای آن فراهم می‌کند، زیرا از یک سو خود می‌تواند به راحتی به خلیج فارس و اقیانوس هند راه یابد و از سوی دیگر برای کشورهای دیگر آسیای مرکزی روزنه‌ای برای خروج از محصور بودن در خشکی و راهیابی به آبهای آزاد جهان، از مکانی نزدیک و با ثبات، به شمار آید. این مزیت جغرافیایی سبب گسترش روابط ترکمنستان با سایر کشورهای آسیای مرکزی به منظور بهره‌برداری از راههای ترانزیتی ایران شده است. همچنین روابط نزدیک و گسترده‌ای را میان ایران و ترکمنستان به دنبال داشته است.

وجود پیوندهای سیاسی‌وفرهنگی عمیق، ریشه دار و تاریخی میان ایران و ترکمنستان کنونی و وجوه مشترک فرهنگی و سیاسی دو کشور در طی قرون متمادی، علت دیگر روابط گسترده میان دو کشور است. در واقع ایران در ردیف نخستین کشورهایی بود که استقلال این کشور را به رسمیت شناخت و به سرعت در برداشتن موانع ایجاد روابط نزدیک و دوستانه میان دو سرزمین کوشید.

دیدارهای مکرر رؤسای جمهور دو کشور، امضای بیش از ۱۰۵ موافقت نامه همکاری در زمینه‌های مختلف، افزایش حجم گردش کالا میان دو کشور به میزان بیش از ۵۰ میلیون دلار در سال[۵۱]، مشارکت ایران در طرحهای مختلف زیربنایی ترکمنستان، اتصال شبکهٔ راههای زمینی و راه آهن دو کشور و گفتگوهای مکرر دربارهٔ دریای خزر و مسائل آن، شاهدی بر پیوندهای میان دو کشور در سالهای پس از استقلال است. از آن میان، زمینه‌های همکاری دوکشور پیرامون طرحهای آبرسانی، فاضلاب، احداث جاده‌ها، احداث سیلو، طرحهای مخابراتی، ایجاد خطوط آهن، احداث خط لوله انتقال گاز ترکمنستان به ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

این خط لوله انتقال گاز ۲۰۰ کیلومتر طول دارد که ۱۳۲ کیلومتر آن در داخل ترکمنستان است. خط لوله در ساحل دریای خزر و از ناحیه کوربه‌چه ترکمنستان تا کردکوی ایران امتداد دارد. با احداث این خط لوله تا پایان سال ۱۹۹۷م/۱۳۷۶ش، در

مرحله نخست سالانه ۱/۵ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی به ایران منتقل می‌شود. ظرفیت این خط لوله تا ۸ میلیارد مترمکعب گاز در سال قابل افزایش است.(۵۲)

با تکمیل این خط لوله امکان انتقال گاز ترکمنستان به ترکیه واروپا نیز فراهم می‌شود که می‌تواند سالانه ۱۰ تا ۱۲ میلیارد مترمکعب گاز را به اروپا صادر کند. علی رغم امضای قرارداد این طرح، به دلیل کارشکنی‌های امریکا، اجرای آن به تعویق افتاده است.

ترانزیت کالا دیگر فعالیت عمدهٔ ایران است. بسیاری از کالاهای ترکمنستان از طریق راههای زمینی و یا بنادر حاشیه دریای خزر به ایران منتقل و سپس از طریق بندرعباس به کشورهای مقصد حمل می‌شود. اولین محموله ترانزیت ترکمنستان در سال ۱۳۷۲ از بندر ترکمن باشی به بندر نوشهر واز آنجا به بندر عباس حمل شد، تا توسط کشتی‌های ایران به چین برده شود.(۵۳)

خراسان به دلیل داشتن مرز مشترک با ترکمنستان، پل ارتباطی کشورمان با این جمهوری است بنابراین بیشترین فعالیتهای اقتصادی و سیاسی در این استان متمرکز شده‌اند. پس از استقلال ترکمنستان، بلافاصله به ساکنان اطراف مرز اجازه داده شد، به صورت گذرمرزی به دیدار بستگان خود بروند. ایجاد تشکیلات گمرگی در باجگیران، لطف‌آباد و سرخس بر سهولت رفت و آمدهای اقتصادی و سیاحتی افزود. همزمان با آن سفرهای سیاحتی اتباع دو کشور رونق یافت و درآمدهای ارزی زیادی را برای کشورمان و بویژه استان خراسان به همراه آورد. برگزاری نمایشگاههای متعدد بازرگانی در شهرهای ترکمنستان، اعلام خواهر خواندگی دو شهر مرو و مشهد وایجاد سرکنسولگری ترکمنستان در مشهد، توسعه روابط را سرعت بخشید.

به همراه توسعهٔ فعالیتهای اقتصادی، صدور کالاهای استان واجرای پروژه‌های گوناگون توسط متخصصان و سرمایه‌گذاران ایرانی د رنقاط مختلف ترکمنستان، فعالیتهای فرهنگی استان نیز توسعه یافت. برقراری ارتباط فرهنگی میان دانشگاه مشهد و دانشگاه مختوم قلی، بازدیدهای مکرر اساتید و دانشجویان مراکز فوق از سرزمینهای یکدیگر، تدریس زبان فارسی توسط اساتید دانشگاه مشهد در دانشگاه مختوم قلی، تعمیر و بازسازی بناهای تاریخی ترکمنستان از سوی متخصصان و کارشناسان خراسانی و... نمونه‌هایی از روابط فرهنگی دو کشور است.

افتتاح راه آهن مشهد ـ تجن، نقطهٔ عطفی در تاریخ روابط دو کشور بود و با پیوستن خط آهن آسیای مرکزی به اروپا و احیای جادهٔ ابریشم، نقش خراسان، بُعد جهانی یافت و سرانجام اعلام سرخس به عنوان منطقهٔ آزاد تجاری بر اهمیت اقتصادی استان، بویژه بخش شمالی آن افزود.

یادداشتها

۱ ـ «آب و هوای منطقه آسیای مرکزی»، ص ۳۲ ـ ۳۳.
۲ ـ *ریشه‌های رفتار سیاسی در آسیای مرکزی*، ص ۱۴۷.
۳ ـ ماساژت‌ها قبیله‌ای از سلت‌ها می‌باشند که در شرق دریای خزر می‌زیستند. این قوم که از اصلِ هند و اروپایی هستند در جنگ بزرگی با کوروش او را شکست دادند و به قتل رساندند.
۴ ـ *راهنمای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و جمهوریهای بالتیک*، ۹۴.
۵ ـ «بررسی جمعیت جمهوری ترکمنستان»، ص ۱۹۸؛ «تحولات آسیای مرکزی»، ص ۲۱.
۶ ـ «نظری اجمالی برجمعیت جمهوریهای آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان»، ص ۲۰۶؛ «بررسی جمعیت جمهوری ترکمنستان»، ص ۱۰۱؛ *راهنمای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و جمهوریهای بالتیک*، ص ۸۱.
۷ ـ «نگاهی به ترکمنستان»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، س ۱، ش ۲، ص ۲۸۴.
۸ ـ «نظری اجمالی بر جمعیت جمهوریهای آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان»، ص ۲۰۶.
۹ ـ «بررسی جمعیت جمهوری ترکمنستان»، ص ۱۰۵ ـ ۱۰۶.
۱۰ ـ *ویژگیهای جغرافیایی آسیای میانه و قزاقستان*، ص ۱۲۵.
۱۱ ـ «بررسی جمعیت جمهوری ترکمنستان»، ص ۱۰۵.
۱۲ ـ «نظری اجمالی بر جمعیت جمهوریهای آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان»، ص ۲۱۴.
۱۳ ـ همان، ص ۲۱۵.
۱۴ ـ ستارزاده، ملیحه، «ریشه کلمه ترکمن»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، س ۳، دوره دوم، ش ۵، ص ۷۷ ـ ۸۲.
۱۵ ـ *اقوام مسلمان اتحاد شوروی*، ص ۳۸۸.
۱۶ ـ جرجانی، موسی، «تجدید حیات اسلام در ترکمنستان»، *کیهان*، اول اردیبهشت ۱۳۷۲.

۱۷ ـ *حکومت مسکو و مسأله آسیای مرکزی شوروی*، ص ۹۲.
۱۸ ـ *راهنمای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و جمهوریهای بالتیک*، ص ۸۹.
۱۹ ـ همان، ص ۸۴؛ *ویژگیهای جغرافیایی آسیای میانه و قزاقستان*، ص ۸۲.
۲۰ ـ *جغرافیای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی*، بخش دوم، ص ۱۱۹؛ ویژگیهای جغرافیایی آسیای میانه و قزاقستان، ص ۸۷.
۲۱ ـ *خراسان بزرگ*، ص ۲۵۲ ـ ۲۶۱.
۲۲ ـ *گزیدهٔ مقالات تحقیقی*، ص ۱۱.
۲۳ ـ *راهنمای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و جمهوریهای بالتیک*، ص ۹۱.
۲۴ ـ همان، ص ۹۱.
۲۵ ـ *خراسان بزرگ*، ص ۲۲۷ ـ ۲۲۸.
۲۶ ـ *راهنمای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و جمهوریهای بالتیک*، ص ۹۱.
۲۷ ـ «بررسی جمعیت جمهوری ترکمنستان»، ص ۹۹.
۲۸ ـ برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به: *خراسان بزرگ*، ص ۲۱ ـ ۳۶.
۲۹ ـ «بررسی جمعیت جمهوری ترکمنستان»، ص ۹۹.
۳۰ ـ «ویژگی و دورنمای آسیای مرکزی آسیای مرکزی در دوران پس از جنگ سرد»، ص ۱۱۵.
۳۱ ـ *ویژگیهای جغرافیایی آسیای میانه و قزاقستان*، ص ۱۱۵ ـ ۱۱۶ و ۱۱۹.
۳۲ ـ گلی زواره، غلامرضا، *جغرافیای تاریخی و سیاسی آسیای مرکزی*، ص ۶۶.
۳۳ ـ *ویژگیهای جغرافیایی آسیای میانه و قزاقستان*، ص ۱۴۴.
۳۴ ـ همان، ص ۱۴۹.
۳۵ ـ گوان فو، گو، «نقش منابع در توسعه اقتصادی آسیای مرکزی»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، س ۳، ش ۸، ص ۱۹۴.
۳۶ ـ *راهنمای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و جمهوریهای بالتیک*، ص ۸۹.
۳۷ ـ همان، ص ۹۶.
۳۸ ـ «برنامه توسعه اقتصادی ترکمنستان برای سه سال آینده»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، س ۱، ش ۴، ص ۴۰۰ ـ ۴۰۱.
۳۹ ـ «نگاهی به ترکمنستان»، ص ۲۸۵.
۴۰ ـ «کنفرانس همکاریهای انرژی در آسیای مرکزی و قفقاز»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، س ۱، ش ۲، ص ۳۲۵ ـ ۳۲۶.
۴۱ ـ «وضعیت کلی انرژی در شوروی»، ص ۵۴؛ اسکلیارف، لئونید، «کشورهای حوضه دریای خزر در قرن بیست و یکم منطقه رقابت یا همکاری»، ترجمهٔ مهرداد محسنین، *مطالعات آسیای مرکزی و*

قفقاز، س ۵، دوره دوم، ش ۱۴، ص ۸۱.

۴۲ ـ «کشورهای حوضهٔ دریای خزر در قرن بیست و یکم منطقه رقابت یا همکاری»، ص ۸۱.

۴۳ ـ همان.

۴۴ ـ *راهنمای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و جمهوریهای بالتیک*، ص ۸۶ ـ ۸۷.

۴۵ ـ «کنفرانس همکاریهای انرژی در آسیای مرکزی و قفقاز»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، س ۱، ش ۲، ص ۳۲۵ ـ ۳۲۶.

۴۶ ـ «وضعیت کلی انرژی در شوروی»، ص ۵۵؛ *راهنمای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و جمهوریهای بالتیک*، ص ۸۶.

۴۷ ـ «افزایش صادرات ترکمنستان در مقایسه با واردات»، *اقتصاد خراسان*، س ۲، ش ۸۹، ۲۹ بهمن ۱۳۷۳، ص ۱۱.

۴۸ ـ *راهنمای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و جمهوریهای بالتیک*، ص ۸۸.

۴۹ ـ «نقش منابع در توسعه اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی»، ص ۱۹۶ ـ ۱۹۷.

۵۰ ـ «سرمایه‌گذاری صنعتی در جمهوریهای آسیای مرکزی»، *اقتصاد خراسان*، سال ۴، ش ۱۷۴، ۲۸ مهر ۱۳۷۵، ص ۱۲.

۵۱ ـ *اقتصاد خراسان*، ش ۱۶۱.

۵۲ ـ «عملیات احداث خط لوله انتقال گاز ترکمنستان به ایران در آینده نزدیک آغاز می‌شود»، *اقتصاد خراسان*، ش ۱۶۰، ۲۳ تیر ۱۳۷۵، ص ۱.

۵۳ ـ «گاه شمار»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال ۳، دوره دوم، ش ۶، ص ۲۷۰.

صفحهٔ ۲۷۰ سفید

فصل ۵

سرزمین قرقیزستان

۱ ـ ویژگیهای طبیعی

۱ ـ ۱ موقعیت جغرافیایی

جمهوری قرقیزستان با مختصات جغرافیایی ۳۹ درجه و ۱۵ دقیقه تا ۴۳ درجه و ۱۱ دقیقهٔ عرض شمالی و ۶۹ درجه و ۲۳ دقیقه تا ۸۰ درجه و ۲۰ دقیقهٔ طول شرقی، ۱۹۸۵۰۰ کیلومتر مربع وسعت دارد.

این سرزمین که در شرق آسیای مرکزی واقع است از شمال و شمال غربی به قزاقستان، از غرب به ازبکستان از جنوب و جنوب غربی به تاجیکستان و از شرق به چین محدود می‌شود (نقشه ۳۸).

۲ ـ ۱ ناهمواریها

قرقیزستان سرزمینی ناهموار و پوشیده از کوه و تپه است. حدود ۷۰درصد از مساحت کشور را کوهها، تپه‌ها و دره‌های کوهستانی تشکیل می‌دهند. کوههای تیان شان و پامیر مهمترین رشته کوههای قرقیزستان و قله «پوبدی»[1] (پیروزی) با ارتفاع ۷۴۴۰ متر

1 - Pobedy

نقشه ۳۸

در شرق کشور و در مرز چین با قرقیزستان بلندترین نقطهٔ کشور به شمار می‌آید (نقشه ۳۹).

کوههای تیان‌شان، به معنی کوههای آسمانی و الهی در زبان چینی، مهمترین بلندیهای قرقیزستان را تشکیل می‌دهند. این رشته کوه که در قوسی به درازای ۲۴۱۳/۵ کیلومتر امتداد یافته، رشته کوههای تالاس و قرقیز در شمال غربی، فرغانه در غرب، آلای و ترکستان د رجنوب غربی قرقیزستان را تشکیل داده است. در تیان شان یخچالهای فراوانی شکل گرفته‌اند، به طوری که در کوه خان تنگزی[1] و اقع در شرق کشور دو یخچال به طول ۷۰/۴ کیلومتر وجود دارد. طول این یخچالها بیش از طول یخچالهای هیمالیا است. کوههای تیان‌شان گردنه‌های پر پیچ‌وخم فراوانی دارد به همین دلیل رفت وآمد در طول این رشته کوه بسیار مشکل است. رودهای بسیاری از

---

1 - Khan Tangri

نقشه ۳۹

کوههای تیان شان سرچشمه می‌گیرند، که «تالاس»[1] چو و «نارین»[2] مهمترین آنها محسوب می‌شوند.

قرقیزستان یکی از نقاط زلزله‌خیز جهان است و زلزله‌های متعددی در آن رخ داده که شماری از آنها بیش از ۷ درجه ریشتر شدت داشته‌اند.

۳ـ ۱ آب و هوا

تنوع مناظر جغرافیایی و اشکال ناهمواریها، بویژه اختلاف ارتفاع زیاد، سب ایجاد انواع آب و هوا در مقیاس محلی شده است. ویژگی مشترک این آب و هواها خشک بودن آنهاست، اختلاف زیاد درجه حرارت بین شب و روز و فصول مختلف، هوای خشک و بارش زمستانی، شاخص‌ترین ویژگیهای اقلیمی قرقیزستان به شمار می‌روند.

در فصل سرد سال متوسط حداقل درجه حرارت در دره‌ها بین ۱/۵ـ تا ۸ـ و در کوهستانها ۲۷ـ درجه سانتی گراد است. در همین زمان کمترین درجه حرارت هوا ۵۳/۶ درجه سانتی گراد زیر صفر ثبت شده است.

در تابستانها متوسط حداکثر درجه حرارت در دره‌ها بین ۲۰ تا ۲۷ و در ارتفاعات ۱۵ تا ۱۷ درجه سانتی‌گراد می‌باشد، حداکثر درجه حرارت در درهٔ فرغانه با ۴۳ درجه سانتی‌گراد مشاهده شده است.

بادهای غربی و شمال غربی که از اقیانوس اطلس و دریای مدیترانه سرچشمه می‌گیرد، منشأ اصلی بارشهای جوی قرقیزستان هستند. فصل بارندگی و میزان بارش در بخشهای مختلف کشور متفاوت است.

بیشترین میزان بارش در دامنه‌های رو به باد نازل می‌شود، به طوری که در درهٔ فرغانه در دامنه‌های جنوب رو به باد میزان بارندگی تا ۱۰۰۰ میلی‌متر نیز ثبت شده است، در حالی که در دامنه‌های پشت به باد حداکثر بارندگی سالیانه ۲۰۰ میلی متر است. همین وضعیت در حوضهٔ دریاچه ایسیک کول نیز حاکم است. در شرق حوضه که رو به باد است، متوسط بارش سالانه ۵۰۰ میلی‌متر و در غرب حوضه که دامنه‌های پشت به باد

1 - Talas

2 - Naryn

قرار دارند حداکثر بارندگی ۱۰۰ میلی‌متر است.(۱)

فصل بارش بهار است، اما ماههایی که بیشترین بارندگی را دارند در نقاط مختلف متغیر است. در دامنه‌های کم ارتفاع بیشتر بارش در ماههای فروردین واردیبهشت، در پیش کوهها در خرداد ماه و در حوضه‌های داخلی دریاچه ایسیک کول و کوههای تیان شان در تیرماه رخ می‌دهد.

ارتفاعات فراوان و بلند شکل‌گیری یخچال را سبب شده‌اند. گفته می‌شود حدود ۶۵۰۰ کیلومتر مربع از مساحت کشور را یخچالها پوشانیده‌اند. بیش از ۷۵ درصد از یخچالها در حوضه‌های رودخانهٔ سیردریا و «تاریم»[1] و بقیه در رأس قله کوهها قرار دارند. بزرگترین یخچال طبیعی این سرزمین با ۶۰ کیلومتر طول و ۹۰۰ کیلومتر مربع وسعت در شرق کشور واقع است.

۴ ـ ۱ منابع آب

علی رغم عدم دسترسی قرقیزستان به آبهای آزاد، بارشهای جوی و ذوب تدریجی برفهای متراکم در قلل کوهها، سبب تشکیل و تغذیهٔ تعداد بی شماری رود و حدود سه هزار دریاچهٔ طبیعی در این سرزمین شده است. به همین سبب شبکهٔ آبهای جاری قرقیزستان در فصل گرم سال، بویژه در ماههای تیر و مرداد، پر آب و طغیانی می‌شوند.

مهمترین رودخانه‌های قرقیزستان، سرشاخه‌های سیردریا هستند که از میان آنها به رودهای نارین و تالاس می‌توان اشاره کرد. رود چو دیگر رودخانهٔ مهم قرقیزستان است. رودخانه‌های این سرزمین آب مورد نیاز کشور و همچنین نیروی برق آن را تأمین می‌کند. انرژی برق آبی قرقیزستان همچنین بخشی از برق ازبکستان، تاجیکستان و قزاقستان را فراهم می‌کند.

نارین، مهمترین رودخانهٔ قرقیزستان از کوههای تیان شان در شرق کشور سرچشمه می‌گیرد و با جهت شرقی ـ غربی، به سوی درهٔ فرغانه جاری می‌شود و پس از سیراب کردن این دره در خاک ازبکستان با چند رودخانهٔ دیگر بهم می‌پیوندند و سیردریا را

1 - Tarim

بوجود می‌آورند. نارین حدود ۷۵۶کیلومتر طول دارد.

رود چو در شمال قرقیزستان جریان دارد و پس از طی مسافتی با جهت شرقی ـ غربی وارد قزاقستان می‌شود و به دریاچه‌ای کوچک می‌ریزد. طول این رودخانه حدود ۱۱۲۶/۳ کیلومتر است.

رودخانهٔ «وخش» از کوههای جنوب قرقیزستان سرچشمه می‌گیرد و با جهت شمالی ـ جنوبی از جمهوری تاجیکستان عبور می‌کند و به همراه چند رود دیگر در مرز افغانستان و تاجیکستان آمودریا را به وجود می‌آورند.

دریاچهٔ ایسیک‌کول، این دریاچهٔ کوهستانی که چالهٔ آن منشأ تکتونیکی و یخچالی دارد، در شمال شرقی کشور واقع است. ایسیک کول در ردیف بزرگترین دریاچه‌های کوهستانی جهان محسوب می‌شود و در اقتصاد قرقیزستان نقش مهمی دارد. جاذبه‌های گردشگری این دریاچه مشابه تمام دریاچه‌های دیگر قرقیزستان آن را یکی از مراکز تفریحی و جهانگردی قرقیزستان معرفی کرده است. حدود هشتاد رودخانه به این دریاچه می‌ریزند. اما حتی یک رود از آن منشعب نمی‌شود. بنابراین چون آبش جاری نیست، نمک زیاد دارد، این عامل به همراه وزش شدید بادهای زمستانی مانع انجماد آب آن می‌شود. نام ایسیک کول به معنی «دریاچهٔ داغ» به همین علت به این دریاچه اطلاق شده است (نقشهٔ ۴۰).

قرقیزستان دارای چشمه‌های آب معدنی فراوانی است که خواص درمانی دارند و در جذب مسافران نقش مهمی ایفا می‌کنند.

۲ ـ ویژگیهای اجتماعی

۱ ـ ۲ پیشینه تاریخی

قرقیزها را قره قرقیز، قرقیز دقا آمنجی و بوریات نیز نامیده‌اند. قرقیزها همواره با چینی‌ها ارتباط داشته‌اند. به همین دلیل در اسناد قدیمی متعلق به چینی‌ها به این قوم اشاره شده است. در میان اسناد موجود، نخستین بار در قرن دوم قبل از میلاد نام این قوم مشاهده می‌شود و قدیمی‌ترین سندی که در آن به نام قرقیز اشاره شده، سنگ نوشته‌ای

به زبان اورخون، زبان باستانی ترکی، متعلق به قرن هشتم میلادی است. در آن زمان قرقیزها در قسمت علیای رودخانهٔ «ینی‌سی»[1] ساکن بودند. به همین دلیل گاهی هم آنها را ینی‌سی قرقیز می‌گفتند.[(۲)]

نقشهٔ ۴۰

پس از آن که امپراتوری «هون»، متحد قرقیزها، سقوط کرد، آنان دولت «حاقاس» را تشکیل دادند و با تشکیل دولت «گوگ تورک» حمایت آنها را پذیرفتند. در قرن هشتم میلادی به یاری اویغورها، حکومت گوگ تورک را برچیدند و یک قرن بعد در سال ۸۴۰م بر اویغورها شوریدند و زمینهای میان رودخانه‌های ینی سی و «اورخون»[2] واقع در قسمت شمال غربی مغولستان را تصرف کردند. قراختاییان در قرن دهم میلادی قرقیزها را به عقب راندند. شماری از قرقیزها به محدودهٔ کوههای تیان شان یا همان محدودهٔ کنونی قرقیزستان، مهاجرت کردند.

---

1 - Yenysey

2 - Urkhon

ظهور امپراتور مغول در قرن سیزدهم میلادی و تحرکات آنها سبب مهاجرت گروه دیگری از قرقیزها به قسمتهای جنوب وجنوب غربی شد. فرزندان چنگیز تمام ناحیه را تصرف کردند و سکونتگاه قرقیزها در قلمرو حکومت جغتای دومین فرزند چنگیز قرار گرفت.

در قرن چهاردهم قرقیزها حکومتی محلی زیر نظر حکومتی از خانهای مغول تشکیل دادند. آنها در اواسط قرن هفدهم میلادی برای مقابله با «کالمیک‌ها» با قزاقها متحد شدند اما شدت حملات کالمیک‌ها در سالهای ۱۶۸۳ تا ۱۶۸۵م /۱۰۶۲ تا ۱۰۶۴ش سبب گسستن اتحاد آنها و تصرف سرزمین قرقیزها شد. در طی حملات مکرر کالمیک‌ها(۳) شماری از قرقیزها به «کاشغر»، «یارکند» و «ختن» در ترکستان شرقی مهاجرت کردند. به دنبال شکست سنگین کالمیک‌ها از امپراتوری چین، گروهی از قرقیزها به زادگاه خود بازگشتند. در این هنگام قرقیزها تحت حاکمیت چین، حکومت خودمختار تشکیل دادند.

در اوایل قرن نوزدهم میلادی قلمرو قرقیزها در اختیار خانات خوقند قرار گرفت و به دنبال اجرای قوانین اسلامی، آنها پرداخت خراج را پذیرفتند. در سال ۱۸۷۶م /۱۲۵۵ش خانات خوقند تحت الحمایگی روسیه را قبول کردند. با الحاق ایالت فرغانه به قلمرو روسیه در سال ۱۸۷۴م /۱۲۵۳ش قرقیزها نیز به اجبار حاکمیت روسها را پذیرا شدند. روسها بلافاصله به قرقیزستان آمدند و در مدت ۱۴ سال تمام قلمرو آنها را تصرف کردند. پیامد اشغال قلمرو قرقیزها مهاجرت گسترده آنها به پامیر و افغانستان بود. حادثه‌ای که در سال ۱۹۱۶م /۱۲۹۵ش به دنبال درگیری میان قرقیزها و روسها برای مقابله با سربازگیری اجباری روسها، تکرار شد، اما این بار مهاجران به چین رفتند.

مخالفتهای قرقیزها با حاکمیت روسها پس از انقلاب سال ۱۹۱۷م /۱۲۹۶ش شدت بیشتری یافت و چندین سال ادامه یافت، اما سرانجام در سال ۱۹۱۹م /۱۲۹۸ش نیروهای شوروی در قرقیزستان مستقر شدند. اگر چه در برخی نواحی بویژه د رجنوب قرقیزستان تا سال ۱۹۲۲م /۱۳۰۱ش درگیریها ادامه یافت.

در سال ۱۹۱۸م /۱۲۹۷ش با تشکیل جمهوری خود مختار ترکستان، قلمرو قرقیز نیز به عنوان بخشی از این جمهوری به شمار آمد. در سال ۱۹۲۴م /۱۳۰۳ش سرزمین

قرقیزها از ترکستان جدا شد و نام ایالت خود مختار قره قرقیز بر آن نهاده شد. این ایالت در سال ۱۹۲۵م /۱۳۰۴ش به جمهوری خودمختار قرقیز و یک سال بعد به جمهوری خودمختار قرقیزستان و سرانجام در سال ۱۹۳۶م /۱۳۱۵ش به جمهوری قرقیزستان تغییر نام داد.

با آغاز سیاست فضای باز سیاسی در اتحاد جماهیر شوروی، تحولات سیاسی در قرقیزستان نیز آغاز شد، شورشهایی که در سال ۱۹۹۰م /۱۳۶۹ش در شهر اوش رخ داد و پیامد آن درگیری میان آوارگان قرقیزی با ازبکهای بخش ازبک نشین شهر بود، زمینهٔ مناسبی برای اتحاد مخالفان «ماسالیف» دبیر اول حزب کمونیست قرقیزستان فراهم کرد. رهبر مخالفان «اسوبالیف» بود که ماسالیف در سال ۱۹۸۵م /۱۳۶۴ش او را از کار برکنار کرده بود. پس از انتخابات شورای عالی جدید جمهوری در سال ۱۹۹۰م / ۱۳۶۹ش، گروه نارین که همچنان از اعضای «حزب کمونیست» بودند در مجلس به عنوان یک گروه دموکراتیک تشکل یافته و با حمایت از روشنفکران و میانه روهای مسلمان بر اعتبار خود افزودند.

آنها تلاشهای ماسالیف را برای تصدی مقام ریاست جمهوری خنثی کردند و «عسگر آقایف» را که رئیس آکادمی علوم قرقیزستان بود، به عنوان اولین رئیس جمهور کشور انتخاب کردند و ماسالیف در منصب رئیس مجلس و دبیر اول حزب کمونیست باقی ماند.

اعلام استقلال قرقیزستان در ۳۱ اوت ۱۹۹۱م /۱۳۷۰ش سرآغاز مستقل شدن جمهوریهای آسیای مرکزی بود.

در انتخابات عمومی همان سال آقایف به سمت رئیس جمهور برگزیده شد. عسگر آقایف در هیأت حاکمه سابق قرقیزستان نقش چندانی نداشت. در واقع وی قبل از آن که شخصیتی سیاسی باشد چهره‌ای روشنفکر و علمی است و به همین دلیل برنامه‌های سیاسی وی نیز با مد نظر قرار دادن رعایت حقوق بشر و اجرای دموکراسی اجرا می‌شود. او با این شیوه ضمن جلب رضایت ساکنان قرقیزستان، سعی در برخورداری از حمایتهای سیاسی واقتصادی کشورهای غربی دارد.

۲ ـ ۲ احزاب و تشکیلات سیاسی

جمهوری قرقیزستان به عنوان یک کشور مستقل در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۲ش به عضویت سازمان ملل متحد درآمد. در همان سال ارتش ملی خود را نیز تشکیل داد.

در سالهای پس از استقلال فعالیتهای سیاسی تا حدودی در قرقیزستان آزاد شد و گروهها و احزاب سیاسی اعلام موجودیت کردند. آنچه محور گروه‌بندی‌ها قرار گرفته است، تعلقات قبیله‌ای و محله گرایی است تا افکار وایده‌های سیاسی. بر این اساس سه جهت‌گیری عمده در فعالیتهای سیاسی قرقیزستان مشاهده می‌شود:

ـ افراد ناحیهٔ نارین زادگاه اسوبالیف رهبر سابق قرقیزستان و همچنین طرفداران عسگرآقایف.

ـ افراد ناحیهٔ تالاس که ناحیهٔ رهبر برکنار شده حزب کمونیست یعنی ماسالیف است.

ـ قرقیزهای اوش که شبکهٔ حمایتی آنها با تشکیلات حزبی ازبکستان درهم آمیخته است.[۴]

احزاب سیاسی قرقیزستان نیز با توجه به همین گرایشهای محلی تشکیل شدند، گرچه برخی افکار سیاسی و اقتصادی خاص نیز در راستای فعالیتهای سیاسی آنها مدنظر است:

ـ حزب «ارکاین»، خواستار پیاده شدن سیستم اقتصادی مبتنی بر مالکیت خصوصی است.

ـ حزب «اتحاد ملی» که در سال ۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش پایه‌گذاری شد اساس فعالیت خود را بر محور ایجاد همبستگی و وحدت ملی در میان اقوام کشور قرار داده است.

حزب «اشار»، با هدف ایجاد سرزمینی برای تمام قرقیزها در سال ۱۹۸۹م/۱۳۶۸ش تأسیس شد.

حزب «ایماقی»، در ناحیهٔ اوش پایه‌گذاری شد و مهمترین شعار آن اختصاص دادن زمین به قرقیزهای ساکن اوش می‌باشد.

«جنبش دموکراتیک قرقیزستان»، در سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش با هدف ایجاد هماهنگی و اتحاد میان گروههای دموکراتیک قرقیزستان پایه‌گذاری شد.

«جناح دموکراتیک قرقیز»، این تشکل سیاسی برپایهٔ اعتقادات مذهبی شکل گرفته

و اعضای آن ضمن محترم شمردن تمام ادیان، تأکید بر اصول اسلامی دارند. احیای مساجد و تمام مکانهای مذهبی در رأس فعالیتهای این گروه سیاسی که از سال ۱۹۹۰م /۱۳۶۹ش در ناحیه اوش شروع به فعالیت کردند، قرار دارد.

«عدالت ازبک»، این حزب در سال ۱۹۸۹م /۱۳۶۸ش تأسیس شد و هدف آن کسب خود مختاری برای ازبکهای اوش و به کارگیری زبان ازبکی به عنوان زبان رسمی در ناحیهٔ اوش است.

«سازمان اسلاوی»، که فعالیت اصلی آن حمایت از اسلاوهای ساکن قرقیزستان است، «حزب حقیقت» که تشکل سیاسی دانشجویان قرقیزستان محسوب می‌شود و حزب کمونیست که پیشینهٔ طولانی دارد، دیگر گروههای سیاسی قرقیزستان به شمار می‌آیند.

۳ ـ ۲ جمعیت

قرقیزستان سرزمینی است که فقط وسعت کمی از آن قابل سکونت است و بیشتر قسمتهای کشور را کوهستانهای مرتفع فرا گرفته‌اند. با توجه به ویژگیهای جغرافیایی و وسعت کشور، قرقیزستان در میان جمهوریهای آسیای مرکزی جمعیت نسبتاً متعادلی دارد (جدول ۱ ـ ۵).

جدول ۱ ـ ۵ جمعیت قرقیزستان در سالهای ۱۹۲۶ تا ۱۹۹۱م/۱۳۰۵ تا ۱۳۷۰ش[۵]

سال	۱۹۲۶م/۱۳۰۵ش	۱۹۵۹م/۱۳۳۸ش	۱۹۷۰م/۱۳۴۹ش	۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش
جمعیت	۹۸۹۹۷۱	۲۰۶۵۸۳۷	۲۹۳۲۸۰۵	۴۴۴۸۰۰۰

ارقام نشان می‌دهند که در طی ۶۵ سال جمعیت این کشور ۴/۵ برابر شده است. مقایسهٔ میزان افزایش جمعیت در ۳۳ سال اول یعنی از سال ۱۹۲۶ تا ۱۹۵۹م /۱۳۰۵ تا ۱۳۳۸ش با ۳۳ سال بعدی تفاوت زیادی ندارد. در هر دو مقطع جمعیت بیش از دو برابر شده. که در دورهٔ دوم اندکی بیش از دوره اول بوده است. رقم رشد جمعیت در سالهای مذکور نیز مؤید همین موضوع است. (جدول ۲ ـ ۵)

جدول ۲ ـ ۵ رشد جمعیت قرقیزستان در سالهای
۱۹۲۶ تا ۱۹۹۱م/ ۱۳۰۵ تا ۱۳۷۰ش (درصد)

دوره‌زمانی	۱۹۵۹ـ۱۹۲۶م/ ۱۳۳۸-۱۳۰۵ش	۱۹۷۰ـ۱۹۵۹م ۱۳۴۹-۱۳۳۸ش	۱۹۹۱ـ۱۹۷۰م ۱۳۷۰-۱۳۴۹ش	۱۹۹۱ـ۱۹۲۶م/ ۱۳۷۰-۱۳۰۵ش
میزان رشد	۲/۲	۳/۲	۲	۲/۳

مشاهده می‌شود رقم رشد جمعیت در دورهٔ زمانی ۱۹۵۹ـ۱۹۲۶م / ۱۳۳۸ـ۱۳۰۵ش از رقم رشد جمعیت در دوره زمانی ۱۹۹۱ـ۱۹۵۹م /۱۳۷۰ـ۱۳۳۸ش که ۲/۴ درصد است و تمام مدت ۶۵ سال که ۲/۳ درصد است، کمتر می‌باشد. وضعیت سیاسی و برنامه‌های اقتصادی دولت شوروی سابق پس از استقرار حکومت کمونیستی علت اصلی این رویکرد محسوب می‌شود.

همان‌طور که ذکر شد، جمعیت قرقیزستان در سطح محدودی از کشور متمرکزند، اگر به منظور مقایسهٔ بهتر وضعیت جمعیتی قرقیزستان با کشورهای ناحیه و سایر کشورها میزان تراکم نسبی جمعیت را ملاک قرار دهیم، که همان تعداد جمعیت در هر کیلومترمربع است، (جدول ۳ـ۵)، مشاهده می‌شود قرقیزستان بالاترین رقم تراکم نسبی جمعیت در میان کشورهای آسیای مرکزی را دارد.

جدول ۳ ـ ۵ تراکم نسبی جمعیت قرقیزستان در سالهای
۱۹۲۶ ـ ۱۹۹۱م/۱۳۰۵ ـ ۱۳۷۰ش (نفر در کیلومتر مربع)

سال	۱۹۲۶م/۱۳۰۵ش	۱۹۵۹م/۱۳۳۸ش	۱۹۷۰م/۱۳۴۹ش	۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش
تراکم	۵	۱۰/۴	۱۴/۸	۲۲/۴

اگر چه مشاهده می‌شود ارقام مشابه کشورهای کم جمعیت جهان می‌باشد، اما با توجه به ویژگیهای طبیعی، به تراکم انبوه جمعیت در نواحی حاصلخیز بویژه در دره‌های نارین، چو و فرغانه پی می‌بریم. در سال ۱۹۸۷م /۱۳۶۶ش تراکم بیولوژیک(۶) قرقیزستان ۲۵/۷ و تراکم نسبی آن ۱۷/۷ نفر بوده است.(۷)

از نظر ساختار سنی، قرقیزستان در میان کشورهای آسیای مرکزی، پس از قزاقستان،

از وضعیت متعادلتری برخوردار است و ۳۷/۴ از کل جمعیت کشور را افراد کمتر از ۱۵ سال تشکیل می‌دهند (جدول ۴ ـ ۵).

جدول ۴ ـ ۵ توزیع جمعیت قرقیزستان به تفکیک گروههای سنی عمده در سالهای ۱۹۷۹ و ۱۹۸۹م/۱۳۵۸ و ۱۳۶۸ش (درصد)[۸]

سال / گروه سنی	۱۹۷۹م/۱۳۵۸ش	۱۹۸۹م/۱۳۶۸ش
کمتر از ۱۵ سال	۳۷/۴	۳۷/۴
۱۵ـ۶۴سال	۵۶/۴	۵۷/۶
۶۵سال به بالا	۶	۵

ارقام جدول ۴ ـ ۵ نشان می‌دهد که در مدت ۱۰ سال درصد جمعیت زیر ۱۵ سال تغییری‌نکرده است درحالی‌که در همین مدت در تمام کشورهای آسیای‌مرکزی سهم این گروه سنی در کل جمعیت کاهش یافته است. هرچند این کاهش اندک و ناچیز بوده است.

آمار موجود نشان دهندهٔ تغییر زیاد ترکیب جنسی جمعیت قرقیزستان در طول چند دههٔاخیر است. در سالهای اولیهٔ تسلط نظام کمونیستی براین سرزمین، مشابه تمام ناحیه تعداد مردان بر زنان فزونی داشت به طور یکه در مقابل هر ۱۰۰ نفر زن، ۱۰۳ نفر مرد در قرقیزستان می‌زیستند. بتدریج این رقم تغییر یافت. در سال ۱۹۷۹م /۱۳۵۸ش رقم مذکور ۹۴/۱ بود و در سال ۱۹۸۹م /۱۳۶۸ش، ۹۵/۲ بود.[۹] به عبارت دیگر در این سالها تعداد زنان بر مردان برتری یافته است.

قرقیزها از زمانهای بسیار دور فعالیت اصلی اقتصادیشان کشاورزی، بویژه دامداری متحرک بوده است. به همین علت در نقاطی زندگی کرده‌اند که شرایط مساعدی برای تداوم فعالیت آنها فراهم بوده است. بنابراین فضاهای روستایی بر نقاط شهری ارجحیت یافته‌اند و تمرکز جمعیت در روستاها در قیاس با شهرها بسیار بالا می‌باشد. این وضعیت با وجود تحولات زیادی که در نقاط شهری به وجود آمده، بخصوص در نیم قرن اخیر که با گسترش فعالیتهای غیر زراعی بر تعداد شهرها افزوده شده و شهرهای قدیمی توسعه و گسترش یافته‌اند، هنوز هم تغییر چندانی نکرده است (جدول ۵ ـ ۵).

جدول ۵ ـ ۵ توزیع جمعیت قرقیزستان به تفکیک روستایی و شهری در سالهای
۱۹۳۹ ـ ۱۹۸۵م/۱۳۱۸ ـ ۱۳۶۴ش (درصد)[۱۰]

سال	۱۹۳۹م/۱۳۱۸ش	۱۹۵۹م/۱۳۳۸ش	۱۹۷۰م/۱۳۴۹ش	۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش
جمعیت روستایی	۸۱	۶۶	۶۳	۶۱/۹
جمعیت شهری	۱۹	۳۴	۳۷	۳۸/۱

مشاهده می‌شود که در مدت ۴۶ سال جمعیت شهری قرقیزستان از $\frac{۱}{۵}$ کل جمعیت به $\frac{۲}{۵}$ افزایش یافته است.

متخصصان علم جمعیت‌شناسی با استناد به نرخ زاد و ولد و میزان مرگ و میر که در سال ۱۹۸۹م /۱۳۶۸ش به ترتیب ۳۰/۴ و ۷/۲ در هزار بوده و همچنین رشد طبیعی جمعیت در سال مذکور که رقم ۲/۳ درصد بوده است پیش‌بینی می‌کنند که مدت زمان لازم برای دوبرابر شدن جمعیت قرقیزستان ۳۰ سال است آنها همچنین براساس نرخ رشد مطلق جمعیت در دهۀ ۱۹۷۹ ـ ۱۹۸۹م /۱۳۵۸ ـ ۱۳۶۸ش که رقم ۱۹/۱ درصد بوده است، میزان جمعیت این کشور را تا سال ۲۰۱۰م /۱۳۸۹ش برآورد کرده‌اند[۱۱] (جدول ۶ ـ ۵).

جدول ۶ ـ ۵ برآورد جمعیت قرقیزستان در سالهای
۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰م/۱۳۷۹ تا ۱۳۸۹ش

سال	۲۰۰۰م/۱۳۷۹ش	۲۰۰۵م/۱۳۸۴ش	۲۰۱۰م/۱۳۸۹ش
جمعیت	۵۴۹۸۰۰۰	۶۱۶۹۰۰۰	۶۹۲۲۰۰۰

۴ ـ ۲ ترکیب قومی

بدیهی است که در قرقیزستان، قرقیزها گروه قومی حاکم باشند و سایر گروههای قومی نیز درصدی از کل جمعیت کشور را به خود اختصاص دهند. حدود ۹۰درصد از جمعیت قرقیزها در این جمهوری سکونت دارند و بقیۀ آنها در کشورهای ازبکستان، تاجیکستان، قزاقستان، چین و افغانستان زندگی می‌کنند.

در میان کشورهای آسیای مرکزی، قرقیزستان پس از قزاقستان دومین کشوری است که جمعیت اصلی کمترین درصد را در کل جمعیت کشور دارد. در واقع قرقیزها در سال ۱۹۲۶م/۱۳۰۵ش حدود ۶۶/۸ درصد، در سال ۱۹۷۹م/۱۳۵۸ش حدود ۴۷/۹ درصد و در سال ۱۹۹۳م/۱۳۷۲ش رقم ۵۲ درصد ازجمعیت کل کشور را تشکیل می‌دادند. روسها و ازبکها به ترتیب پس از قرقیزها بیشترین سهم را در جمعیت کشور دارند (جدول ۷ـ ۵).

جدول ۷ـ ۵ توزیع جمعیت قرقیزستان به تفکیک گروههای قومی
در سال ۱۹۹۳م/۱۳۷۲ش (درصد)[۱۲]

سال / گروه‌قومی	۱۹۲۶م/ ۱۳۰۵ش	۱۹۵۹م/ ۱۳۳۸ش	۱۹۷۰م/ ۱۳۴۹ش	۱۹۷۹م/ ۱۳۵۸ش	۱۹۹۲م/ ۱۳۷۱ش
آلمانی	۰/۴	۱/۹	۳/۱	۲/۹	-
ازبک	۱۱/۱	۱۰/۶	۱۱/۳	۱۲/۱	۱۳
اوکراینی	۶/۵	۶/۶	۴/۱	۳/۱	-
اویغور	۰/۹	۰/۷	۰/۸	۰/۸	-
تاتار	۰/۵	۲/۷	۲/۴	۲	-
روس	۱۱/۸	۳۰/۲	۲۹/۲	۲۵/۹	۲۲
قرقیز	۶۶/۸	۴۰/۵	۴۳/۸	۴۷/۹	۵۲
قزاق	۰/۲	۱	۰/۸	۰/۸	-
سایر	۲	۵/۸	۴/۵	۴/۵	۱۳

اوکراینی‌ها، تاتارها، آلمانیها، قزاقها و اویغورها از دیگر گروه قومی ساکن قرقیزستان به شمار می‌آیند.

ورود روسها به قرقیزستان براساس برنامه‌های طرح ریزی شده در سالهای ۱۹۳۹ تا ۱۹۵۹م/۱۳۱۸ تا ۱۳۳۸ش انجام شد، به طوری که در سال ۱۹۵۰م/۱۳۲۹ش حدود $\frac{۱}{۳}$ ازجمعیت قرقیزستان را روسها تشکیل می‌دادند.

آلمانیهای این کشور نیز بازماندگان آنهایی هستند که پس از انحلال جمهوری خودمختار آلمانی واقع در ساحل رودخانهٔ ولگا، در سال ۱۹۴۱م/۱۳۲۰ش شماری از

آنها به قرقیزستان مهاجرت کردند.(۱۳) در سالهای اخیر و بویژه پس از استقلال قرقیزستان، شمار زیادی از روسها و تعدادی از آلمانیها، قرقیزستان را ترک کرده‌اند، به همین دلیل سهم آنان در کل‌جمعیت قرقیزستان کاهش‌یافته است، لازم به‌ذکر است که نرخ پایین موالید در میان این دو گروه‌قومی در کاهش درصد جمعیت آنها بی‌تأثیر نبوده است.

۵ ـ ۲ زبانهای رایج

زبان رسمی مردم قرقیزستان، قرقیزی است. زبان قرقیزی از گروه زبانهای ترکی مرکزی محسوب می‌شود و دارای سه گویش عمدهٔ شمالی، جنوب غربی وجنوب شرقی است که هر یک از گویشها نیز، گویشهای محلی متعددی دارند. در طی چند دههٔ اخیر از زبانهای فارسی، عربی و روسی واژه‌های بسیار وارد زبان قرقیزی شده است.

زبان روسی که سالها سعی می‌شد به عنوان زبان رسمی مردم به‌شمار آید، در حال حاضر به عنوان زبان دوم به کار می‌رود ولی هنوز در بسیاری از مراکز اداری، فرهنگی وعلمی از زبان روسی د رکنار زبان قرقیزی استفاده می‌شود. با وجود آن که بسیاری از مردم قرقیزستان با این زبان آشنایی کامل دارند اما در حفظ و حراست از زبان ملی و مادری خود سعی وافر کرده‌اند.

۶ ـ ۲ مذهب

در قرقیزستان اسلام و مسیحیت بیش از دیگر ادیان پیرو دارند. بیشتر مرم قرقیزستان مسلمان هستند، آنان سنی مذهب و پیرو مکتب حنفی می‌باشند.

در قرن هشتم هجری بخشی از آسیای مرکزی ضمیمهٔ حکومت مسلمانان بود و در همین زمان نفوذ اسلام در میان اقوام ناحیه بسیار سریع صورت گرفت، اما قرقیزها که به دلیل شیوهٔ زندگی قبیله‌ای وکوچ و نقل مکان دایمی و همچنین تسلط طولانی مدت اقوام غیرمسلمان برآنها، نتوانستند به طور مستمر با آیین واصول اسلام آشنا و با مبلغان اسلامی در تماس باشند، بسیار کم به اسلام گرویدند. آنها از اواسط قرن هفدهم میلادی

در اثر تماس با دیگر ترکهای مسلمان، اسلام آوردند. در همین ایام با وجود آن که آشنایی آنها با اسلام اندک بود، در ادبیات حماسی خود از جنگ کالمیک‌ها به عنوان جنگ مسلمانان قرقیز با بوداییان کالمیک نام می‌بردند.

در زمان حکومت خانات خوقند بر قلمرو قرقیزها، اسلام در میان آنها عمق بیشتری یافت و پیروان دین محمدﷺ بیشتر شدند. نخستین روحانیون که برای تبلیغ اسلام به میان قرقیزها آمدند، از ازبکستان حرکت کرده بودند. پس از افزایش فعالیتهای مذهبی در میان تاتارها، روحانیون تاتار از ناحیه ولگا، جایگزین مبلغان ازبکستان شدند.

در میان فرقه‌های مختلف اسلامی، تصوف، بویژه «نقشبندیه»، در اشاعه و رواج اسلام در میان قرقیزها، نقش مهمی داشته است، و اکنون نیز در قرقیزستان، بویژه در میان روستاییان نفوذ زیادی دارد. سابقهٔ تصوف به دورهٔ نفوذ خرقه‌پوشان ترکستان باز می‌گردد. اما توسعه و نفوذ فزایندهٔ آن با تبعید چچنی‌ها به این ناحیه پس از جنگ دوم جهانی بیشتر شد.(۱۴)

مسلمانان که بیشترین بخش جمعیت قرقیزستان را تشکیل می‌دهند (جدول ۸ـ۵)، برای انجام دادن امور مذهبی یک ادارهٔ امور دینی دارند که تا پیش از استقلال کشور تحت نظر ادارهٔ امور دینی آسیای مرکزی در تاشکند فعالیت می‌کرد. پس از تشکیل جمهوری قرقیزستان این اداره نیز اعلام استقلال کرد و در بیشکک پایتخت کشور تأسیس شد و از آن زمان تحت نفوذ دولت قرار گرفت.

جدول ۸ـ ۵ جمعیت قرقیزستان به تفکیک مذهب در سالهای ۱۹۲۶ تا ۱۹۷۹م/۱۳۰۵ تا ۱۳۵۸اش (درصد)(۱۵)

سال	۱۹۲۶م/ ۱۳۰۵اش	۱۹۳۹م/ ۱۳۱۸اش	۱۹۵۹م/ ۱۳۳۸اش	۱۹۷۰م/ ۱۳۴۹اش	۱۹۷۹م/ ۱۳۵۸اش
مسلمان	۸۱	۷۶	۵۶	۶۰	۶۶
غیرمسلمان	۱۹	۲۴	۴۴	۴۰	۳۴

ارقام جدول ۸ـ۵ نشان می‌دهد که در سالهای ۱۹۲۶ تا ۱۹۵۹م /۱۳۰۵ تا ۱۳۳۸ش از تعداد مسلمانان کاسته شده است. حاکمیت نظام کمونیستی و نفی عقاید مذهبی به همراه ورود گسترده اقوام غیر بومی به ویژه روسها در این دوره زمانی سبب شد از یک سو مسلمانان به دلیل ترس از عواقب تأکید بر اصول اعتقادی خود، به شکل آشکار به مذهب خود اقرار ننمایند. و از سوی دیگر تعداد آنان در مقایسه با گروههای قومی اروپایی کاهش یابد. در نتیجه شمار آنها نسبت به سالهای قبل از دورهٔ مذکور کاهشی چشمگیر نشان دهد، به طوری که از ۸۱درصد به ۵۶ درصد افت کند. اما از دههٔ شصت به بعد با افزایش تعداد مسلمانان خواه در اثر زاد و ولد زیاد و خواه در اثر عوامل دیگر مجدداً جمعیت مسلمانان رو به افزایش گذاشته است.

۷ ـ ۲ آموزش

در قرقیزستان آموزش عمومی در سه مقطع تحصیلی رایگان است. مقاطع آموزشی این کشور عبارتند از:

الف ـ پیش از مدرسه: این مراکز محل نگهداری کودکان از سن ۱/۵ تا ۷ سالگی است. برحسب سن بچه‌ها، این مراکز به سه نوع تقسیم می‌شوند. «یسلی» که محل نگهداری کودکان ۱/۵ تا ۳ سال است. «باغچه» که کودکان ۳ تا ۷ سال را می‌پذیرد و «یسلی باغچه» برای کودکان ۱/۵ تا ۷ ساله فعالیت می‌کند. این مراکز دولتی به شکل تمام وقت یا نیمه وقت مشغول به کارند و زبان آموزش آنها، قرقیزی، روسی، ازبکی و یا دو زبانه است.

ب ـ مدارس: دوره آموزش در مدرسه‌ها ۱۱ سال است که ۹ سال آن اجباری است. این مراکز به سه مقطع مدارس ابتدایی از کلاس اول تا چهارم، مدرسهٔ متوسطه ناکامل از کلاس پنجم تا نهم و مدرسه متوسطه کامل شامل کلاسهای دهم و یازدهم، تقسیم می‌شود. تدریس به یکی از زبانهای قرقیزی، روسی، ازبکی و تاجیکی انجام می‌شود. دانش‌آموزان در دوران تحصیل علاوه بر آموزش زبان مادری، یکی از زبانهای خارجی (انگلیسی، فرانسه، آلمانی) و زبان روسی برای مدرسه‌های قرقیزی و زبان قرقیزی برای مدارس روسی را فرا می‌گیرند.

سال تحصیلی ۳۴ هفته است که به چهار قسمت تقسیم می‌شود و چهار تعطیلی پس از هر دوره وجود دارد. این تعطیلات فصلی بوده و در طول سال حداقل ۳۰روز است در پایان دورهٔ چهارم، تعطیلات تابستانی به مدت حداقل ۸ هفته آغاز می‌شود.

ج ـ *نظام دانشگاهی:* مدت تحصیل در دانشگاههای قرقیزستان بین ۴ تا ۷ سال است و هر سال شامل دو ترم ۵ ماهه می‌باشد. حدود ۱۹ مؤسسهٔ دولتی و ۴۷ مدرسهٔ خصوصی و کالج در این کشور فعالیت می‌کنند که «دانشگاه ملی و دولتی قرقیزستان»، «دانشگاه فنی قرقیزستان» و «دانشگاه اوش» مهمترین آنها محسوب می‌شوند. دانشگاه دولتی قرقیزستان با ۶۰ سال سابقهٔ فعالیت دارای ۱۴ بخش در زمینه‌های علوم طبیعی، علوم انسانی و علوم اقتصادی می‌باشد.(۱۶)

اخیراً و پس از استقلال این کشور یک بخش جدید تحت نام «دانشکدهٔ قرقیز ـ آمریکایی» با هزینهٔ دولت آمریکا در دانشگاه قرقیزستان آغاز به کار کرده است و برای تأسیس بخشهای ترکی ـ قرقیز، آلمانی ـ قرقیز، ژاپنی ـ قرقیز و چینی ـ قرقیز نیز توافقهایی با کشورهای ذینفع به عمل آمده است. بین «دانشگاه شهید بهشتی» ایران و دانشگاه دولتی قرقیزستان نیز مذاکراتی در همین زمینه انجام گرفته است.(۱۷)

۸ ـ ۲ رسانه‌های گروهی

قرقیزستان تا پیش از تسلط شوروی سابق بر آن، فاقد نشریهٔ روزانه و یا دوره‌ای بود. اولین روزنامهٔ قرقیز زبان به نام «کوهستان آزاد» در سال ۱۹۲۴م /۱۳۰۳ش در تاشکند به چاپ رسید و پس از آن بر تعداد نشریات کشور افزوده شد. از میان روزنامه‌های منتشره، روزنامه «معلم» که از سال ۱۹۵۳م /۱۳۳۲ش منتشر می‌شود و روزنامه «مدنیت قرقیزستان» بیش از همه شهرت دارند. مجلهٔ «بهداست» که از سال ۱۹۶۰م /۱۳۳۹ش به چاپ می‌رسد و مجلهٔ «زنان قرقیز» که از سال ۱۹۵۱م /۱۳۳۰ش منتشر می‌شوند، در ردیف مهمترین مجلات قرقیزستان به شمار می‌روند.

۹ـ ۲ تقسیمات کشوری

جمهوری قرقیزستان از شش استان تشکیل شده است (جدول ۹ـ۵). این سرزمین که در سال ۱۹۱۳م/۱۲۹۲ش سه شهر داشت، اکنون بیش از ۱۵ شهر دارد. مراکز استانها در ردیف مهمترین شهرهای کشور قرار دارند (نقشهٔ ۴۱).

جدول ۹ ـ ۵ استانهای قرقیزستان و برخی از مشخصات مراکز آنها[۱۸]

نام استان	مرکز استان		
	نام	فاصله‌از مرکزکشور (کیلومتر)	جمعیت در سال ۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش (هزار نفر)
اوش	اوش	۳۰۱	۲۱۳
ایسیک‌کول	قراکول(پرژه‌والسک)	۳۱۰	۵۶
تالاس	تالاس	۲۱۰	-
جلال آباد	جلال آباد	۲۵۶	۵۹
چو	بیشکک	-	۶۳۲
نارین	نارین	۲۰۳	۲۶

۱ ـ ۹ ـ ۲ بیشکک

شهر بیشکک پایتخت جمهوری قرقیزستان در اصل قلعه‌ای بود که در محل خرابه کوگان به وسیلهٔ ازبکها ساخته شد. در آن سالهای جمعیت بیشکک بسیار اندک بود. ولی در سال ۱۹۱۳م/۱۲۸۲ش با ۳۵ هزار نفر جمعیت در زمرهٔ شهرهای کوچک قرار گرفت.[۱۹]

نقشهٔ ۴۱

در سال ۱۹۲۵م/۱۳۰۴ش روسها آن را «فرونزه»[1] نامیدند. فرونزه یکی از بنیانگذاران ارتش سرخ و از شاگردان لنین و فاتح جنگهای داخلی و سرکوب کننده قیامهای داخلی بویژه قیام باسماچی بود. پس از استقلال جمهوری قرقیزستان پایتخت کشور، نام اصلی خود را باز یافت.

بیشکک در فاصله اندکی از مرز قرقیزستان با قزاقستان در شمال کشور، در کنار رود چو و در مجاورت کوههای تیان شان قرار دارد. کوههای تیان شان جنوب کشور را فرا گرفته‌اند، بنابراین از طرف جنوب به شمال جلگهٔ شیب‌داری گسترده شده است. در اطراف بیشکک مزارع، باغها، قشلاقها و روستاهای متعددی متمرکز شده‌اند. بیشکک در نزدیکی سرچشمهٔ رودخانه چو واقع شده و بین ۷۵۰ تا ۹۰۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد. رودخانه‌های «آلامدین» و «آلاآرچی» شهر را طی می‌کند واز آن خارج می‌شوند.

بیشکک، بزرگترین و پرجمعیت شهر کشور است (جدول ۱۰ـ۵). در مدتی که برنامه‌های اسکان اجباری روسها در قرقیزستان اجرا می‌شد، بیشکک پذیرای شمار زیادی از روسها بود، به طوری که سالهای ۱۹۱۹ تا ۱۹۳۹م/۱۲۹۸ تا ۱۳۱۸ش فقط ۳۵ درصد از جمعیت این شهر را قرقیزها تشکیل می‌دادند.

جدول ۱۰ ـ ۵ جمعیت بیشکک در سالهای ۱۹۳۹ تا ۱۹۹۲م/۱۳۱۸ تا ۱۳۷۱ش[20]

سال	۱۹۳۹م/ ۱۳۱۸ش	۱۹۵۹م/ ۱۳۳۸ش	۱۹۷۰م/ ۱۳۴۹ش	۱۹۷۹م/ ۱۳۵۸ش	۱۹۹۲م/ ۱۳۷۱ش
جمعیت	۹۳۰۰۰	۳۱۸۰۰۰	۴۲۹۰۰۰	۵۳۳۰۰۰	۶۵۴۰۰۰

بیشکک مرکز فرهنگی و علمی قرقیزستان است. دانشگاه دولتی، فرهنگستان علوم، انستیتوهای پژوهشی و آموزشی، دبیرستانها و آموزشگاههای تخصصی و حرفه‌ای، موزهٔ تاریخ قرقیزستان، کتابخانهٔ عمومی چرنیشفسکی با بیش از ۳/۵ میلیون جلد کتاب، تأتر ملی و... در این شهر واقع شده‌اند. این شهر همچنین بزرگترین مرکز صنعتی جمهوری است. بسیاری از محصولات صنعتی در بیشکک تولید می‌شود. واحدهای

---

1 - Frunze

صنعتی آن شمار زیادی از کارگران صنعتی کشور را به کار گمارده است و بیشتر صنایع قرقیزستان در این شهر مستقر شده‌اند.

۲ ـ ۹ ـ ۲ اوش

شهر اوش در جنوب شرقی درهٔ فرغانه[۲۱] واقع است. این شهر با ارتفاع متوسط ۱۰۰۰ متر از سه جهت با کوهها و تپه‌های بلند محصور شده است که از میان آنها «کوه سلیمان» در شرق آن شهرت تاریخی دارد.

شهر اوش سابقهٔ طولانی دارد، نقاشیهایی که در کوه سلیمان بر روی تخته سنگها رسم شده متعلق به ۳ هزار سال قبل از میلاد تا قرن چهاردهم میلادی است. این شهر در ایام حکومت اسلامی نیز رونق بسیاری داشت، به طوری که در قرن چهارم هجری / دهم میلادی سومین شهر فرغانه به شمار می‌رفت[۲۲]. اکنون نیز اوش دومین شهر مهم قرقیزستان به شمار می‌آید و فعالیتهای کشاورزی آن به دلیل فراوانی آب و عبور چندین نهر از سرشاخه‌های سیردریا از اهمیت و رونق خاصی برخوردار است.

تخته سنگ مشهور به تخت سلیمان در غرب اوش یکی از مکانهای تاریخی و گردشگری شهر است. ضمن آن که موقعیت جغرافیایی خاص شهر آن را از نظر چشم‌اندازهای جغرافیایی در ردیف نقاط زیبا و دیدنی قرقیزستان قرار داده است. شهر «اوزگن» که در گذشته «اوزکند» نام داشت و در قرن پنجم هجری از نقاط مهم فرغانه وحتی آسیای مرکزی بود، اکنون در حد شمال شرقی اوش واقع است. اوزکند که مدتی پایتخت ناحیه بود و سکونتگاه امیران و صاحب منصبان ماوراءالنهر،[۲۳] اکنون گرچه اهمیت گذشته خود را ندارد، اما آثار تاریخی بجا مانده یادآور دوران رونق و بزرگی آن است.

۳ ـ ۹ ـ ۲ نارین

بر کنارهٔ رودخانه‌ای به همین نام واقع است و از دیگر شهرهای مهم قرقیزستان است. این شهر کوهستانی و مرتفع یکی از نقاط زیبای این سرزمین به شمار می‌آید و ضمن برخورداری از امتیازهای مرکزیت استان، به خاطر آن که یکی از مناطق آزاد تجاری

است، از نظر تجاری نیز شرایط مساعدی دارد. از میان آثار تاریخی شهر و ناحیه نارین می‌توان به کاروانسرای تاش‌رباط اشاره کرد که متعلق به قرنهای دهم و یازدهم هجری است.

۴ ـ ۹ ـ ۲ جلال آباد

مرکز استانی به همین نام است. این شهر د رسال ۱۸۸۰م/۱۲۵۹ش بنا شده است. بنابراین قدمت چندانی ندارد. جلال آباد که در شمال شهر اوش و در نزدیکی آن قرار دارد، به دلیل دارا بودن چشمه‌های آب گرم فراوان و همچنین چشم‌اندازهای زیبا، یکی از نقاط تفریحی و گردشگری قرقیزستان محسوب می‌شود.

۳ ـ ویژگیهای اقتصادی

۱ ـ ۳ کلیات

تـا پیش از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، اقتصاد قرقیزستان دولتی بود و سیاستهای اقتصادی در مسکو تعیین می‌شد. در آن ایام قرقیزستان یکی از فقیرترین جمهوریهای شوروی بود. وحتی در میان کشورهای آسیای مرکزی نیز همین وضعیت را داشت.

پس از استقلال رهبران کشور برای گسیختن پیوندهای پیشین، سیاست «شوک اقتصادی» را اتخاذ کردند و برای خصوصی کردن اقتصاد، فعالیتهای زیادی انجام دادند، که حاصل آن اُفت شدید اقتصادی وایجاد مشکلات متعدد و گوناگون بود.

تولید ناخالص ملی در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش، ۱۶/۴ درصد کمتر از سال قبل و در سال ۱۹۹۳م/۱۳۷۲ش ۱۳/۴ درصد کمتر از سال پیش بود.

تولید صنعتی در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش، ۲۶/۴ درصد و در سال بعد ۲۴/۲ درصد افت نشان می‌دهد. تولید کل کشاورزی در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش، ۵درصد و در سال بعد از آن ۸ درصد کاهش داشته است.

در شش ماههٔ نخست سال ۱۹۹۴م/۱۳۷۳ش، افت تولید اقتصادی ۲۷/۸درصد

نسبت به مدت مشابه سال قبل آن بوده که این کاهش در بخش صنعت ۳۱/۸ درصد بوده است.

قیمت کالاهای مصرفی از سال ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۴م/۱۳۶۹ تا ۱۳۷۳ش حدود ۲۶۸/۵ برابر و قیمت مواد غذایی ۲۲۸ برابر شده است. در سال ۱۹۹۳م/۱۳۷۲ش درآمد پولی مردم نسبت به سال ۱۹۸۹م/۱۳۶۸ش ۷۲ برابر شده و هزینه‌های پولی آنها در همین مدت ۵۸/۵ برابر گردیده است.

دولت قرقیزستان برای بهبود وضعیت اقتصادی و جلوگیری از افت تولید فعالیتهای زیادی انجام داده است. این کشور در آسیای مرکزی نخستین مکانی بود که پول ملی خود به نام «صوم» را به جریان انداخت و برنامه‌هایی برای تثبیت اوضاع و رفع بحرانها تهیه کرد و از کشورهای متعدد برای سرمایه‌گذاری در قرقیزستان دعوت و استقبال کرد. اما به نظر می‌رسد شدت بحران داخلی مانع بزرگی برای کامیابی دولت در اجرای برنامه‌های خود و جلوگیری از رکود اقتصادی و افت تولید باشد و زندگی مردم غرق در مشکلات متعدد است.(۲۴)

۲ ـ ۳کشاورزی

کشاورزی در اقتصاد قرقیزستان نقش مهمی ایفا می‌کند. فعالیت اصلی گروه کثیری از مردم این سرزمین کشاورزی است. حاصلخیزی خاک و نور کافی از شرایط مساعد، و کمبود زمین و ناکافی بودن بارشهای جوی از محدودیت‌های این فعالیت مهم محسوب می‌شوند. در شرایط فعلی کمبود زمین مهمترین مشکل زارعان قرقیزستان است این امر از یک سو به علت کوهستانی بودن بخش وسیعی از کشور و کمی اراضی مسطح است و از سوی دیگر ناشی از اختلاف بر سر مالکیت زمینها می‌باشد.

شیوهٔ معیشت قرقیزها از قدیم دامداری متحرک بود و بیشتر اوقات در کوهستانها به سر می‌بردند و فقط تعداد کمی از آنها از زمینهای زراعی بهره‌برداری می‌کردند. به مرور زمان زمینهای مرغوب زراعی به مالکیت سایر گروههای قومی ساکن قرقیزستان درآمد. پس از استقلال این سرزمین موضوع مالکیت زمین مطرح شد و گروهی از مردم اراضی را اشغال کردند. پیامد اختلافاتی که به وجود آمد، مجلس قرقیزستان قانونی را تصویب

کرد که براساس آن زمین به قرقیزها تعلق داشت، اما رئیس جمهور برای جلوگیری از بروز نارضایتی در میان سایر ملیتهای قرقیزستان این قانون را وتو کرد و تصمیمات دیگری برای حل مسالمت‌آمیز مسألهٔ زمین مطرح کرد.

۱ـ ۲ـ ۳زراعت

زمینهای قابل کشت قرقیزستان ۱۶۱۰۰ هزار هکتار است که در اراضی هموار پای کوهها، دره‌های عمیق و فضاهای بین کوهی قرار دارند. زمینهای زیرکشت که فقط ۷ درصد وسعت کشور را تشکیل می‌دهند در دره‌های چو و تالاس در شمال کشور، اطراف دریاچه آیسیک کول در شمال شرقی و ناحیه اوش در جنوب قرار دارند.

بیشتر زمینهای زیرکشت قرقیزستان به کشت آبی اختصاص یافته است، به طوری که در سال ۱۹۸۶م /۱۳۶۵ش حدود ۶۵/۴ درصد از سطح زیر کشت کشور را زمینهای زیرکشت آبی تشکیل می‌دادند.

محصولات غذایی مهمترین تولید زراعی قرقیزستان است بیشتر اراضی در درهٔ چو به کشت چغندر قند، در درهٔ تالاس به کشت تنباکو، در اطراف دریاچهٔ ایسیک کول به کشت گندم، در ناحیه اوش به کشت پنبه، یونجه، انگور و میوه و در سایر نقاط کشور به کشت غلات، نیشکر و میوه اختصاص یافته است.

میزان تولید غلات که مهمترین مادّهٔ غذایی انسان و دام است، در مقایسه با سایر کشورهای ناحیه چندان زیاد نیست و فقط به میزان مصرف داخلی تولید می‌شود، در حالی که از نظر تولید حبوبات این کشور پس از ازبکستان در میان کشورهای آسیای مرکزی در مقام دوم قرار دارد.

میزان سطح زیرکشت پنبه نیز مشابه غلات، آن قدر کم است که قابل مقایسه با سایر جمهوریهای آسیای مرکزی نمی‌باشد (جدول ۱۱ـ ۵) و (جدول ۱۲ـ ۵).

کشت خشخاش در اطراف ایسیک کول و برخی از جلگه‌های کوههای تیان شان رواج دارد. این گیاه که به منظور کاربری دارویی تولید می‌شود، در سالهای پس از استقلال برای تبدیل به مواد مخدر نیز مورد استفاده قرار گرفته و قرقیزستان را در خطر آلودگیهای

ناشی از مصرف و حمل و نقل آن به عنوان یک کالای قاچاق، قرار داده است.

جدول ۱۱ ـ ۵ سطح زیر کشت برخی از محصولات زراعی قرقیزستان در سالهای ۱۹۱۳ تا ۱۹۸۸م/۱۲۹۲ تا ۱۳۶۷اش (هزار هکتار)[۲۵]

سال / **محصول**	۱۹۱۳م/ ۱۲۸۲اش	۱۹۴۰م/ ۱۳۱۹اش	۱۹۵۰م/ ۱۳۲۹اش	۱۹۶۰م/ ۱۳۳۹اش	۱۹۷۱م/ ۱۳۵۰اش	۱۹۸۰م/ ۱۳۵۹اش	۱۹۸۶م/ ۱۳۶۵اش
غلات	۵۵۵/۵	۷۷۷/۹	۷۰۴/۴	۵۹۳	۵۶۱/۶	-	-
گندم	۳۵۰/۷	۴۴۹/۹	۴۴۲/۶	۳۳۹/۴	۳۱۰/۷	-	-
ذرت	۳۱/۱	۲۷/۲	۴۰/۳	۲۷/۳	۳۳/۸	-	-
حبوبات	-	۷۷۷/۹	۷۰۴	۵۹۳	۵۸۲/۸	۵۵۲/۵	۵۲۵/۶
گیاهان صنعتی	۳۱/۱	۱۱۳/۹	۱۲۴/۲	۱۳۲/۷	۱۴۱/۲	-	-
پنبه	۲۱/۶	۶۴	۶۵/۲	۷۱/۲	۷۴/۹	۲۸/۴	۳۲
چغندر قند	-	۱۵/۵	۲۰/۱	۳۴/۸	۴۵/۵	-	-
توتون	-	۴/۹	۵/۷	۶/۱	۱۴/۲	-	-
علوفه	۴۰	۱۴۰/۷	۲۰۴/۹	۴۳۹/۱	۵۰۳/۹	-	-
سیب زمینی وتره‌بار	۱۳/۱	۲۳	۲۷/۲	۳۱	۴۳/۹	-	-

جدول ۱۲ ـ ۵ میزان تولید برخی از محصولات زراعی قرقیزستان در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱اش (هزار تن)[۲۶]

محصول	**میزان تولید (هزار تن)**
انگور	۲۶
پنبه	۵۵
جو	۵۵۰
ذرت	۳۰۰
سیب‌زمینی	۳۲۵
انواع سبزی	۳۸۵
گندم	۵۵۰
میوه	۱۲۶

۲ ـ ۲ ـ ۳ دامداری

سابقهٔ طولانی مردم قرقیز در دامداری توأم با کوچهای فصلی، به همراه شرایط مساعد طبیعی، سبب رونق نگهداری و پرورش انواع دام شده است. وجود مراتع وسیع با علفهای بلند و آب وهوای معتدل و امکان استفاده از تفاله‌های چغندر قند که از کارخانه‌های تولید قند به دست می‌آید، شرایطی مناسب برای رشد وافزایش فرآورده‌های دامی فراهم می‌کند.

قرقیزستان از نظر تولید پشم و گوسفند در میان کشورهای ناحیه پس از قزاقستان قرار می‌گیرد. بیش از ۵۰درصد از گوشت‌مصرفی کشور از طریق گوسفندداری تأمین می‌شود. در نقاط کوهستانی پرورش گوسفند و بز فعالیت اصلی مردم و مهمترین منبع تولید درآمد به شمار می‌آید (جدول ۱۳ـ۵).

در سالهای اخیر دامداران قرقیزی برای بهبود کیفیت پشم و افزایش میزان گوشت گوسفند، اقدام به اصلاح نژاد دامها کرده‌اند و موفق شدند گوسفندانی با پشم نازک و لطیف و گوشت بیشتر به وجود آورند. در این فرایند، مراکز علمی کشاورزی نقش مهمی داشتند. اقداماتی مشابه برای تولید بیشتر گوشت و شیر گاو نیز به عمل آمده است.

جدول ۱۳ ـ ۵ تعداد دامهای قرقیزستان
در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش (هزار رأس)[۲۷]

دام	تعداد
خوک	۲۰۰
گاو	۱۲۰۰
گوسفند و بز	۹۵۰۰

از زمانهای بسیار قدیم قرقیزها به پرورش اسب اهمیت می‌دادند. اسبهای قرقیزی از نظر چالاکی و مقاومت در مقابل کم‌غذایی از اسبهای دیگر متمایز بودند. نیاز فراوان به اسب برای حمل و نقل و کاربری آنها در کشت و زرع، پرورش و نگهداری آنها را رونق بخشیده بود. با رونق حمل و نقل جاده‌ای، اسکان عشایر قرقیز و به کارگیری ماشین آلات در امور کشاورزی، نیاز به پرورش اسب کاهش یافت، در نتیجه از تعداد

اسبها کاسته شد. با وجود این هنوز در نقاط کوهستانی اسب به عنوان مهمترین وسیلهٔ حمل‌ونقل بویژه در فعالیتهای زراعی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در دههٔ ۱۹۸۰م حدود ۳۰۰ هزار رأس اسب در قرقیزستان وجود داشت.[۲۸] در سال ۱۹۹۲م /۱۳۷۱ش رقم آن به ۳۱۵ هزار رأس افزایش یافت.[۲۹]

۳ـ۳ منابع معدنی

قرقیزستان با ارزش‌ترین کانیها را دارد. حدود شصت نوع مواد کانی در این کشور کشف شده است. تولید برخی از آنها مانند جیوه، آنتیموان، زغال سنگ واورانیوم به حدی است که قرقیزستان را در ردیف بزرگترین تولید کنندگان آسیایی قرار می‌دهد. در این کشور حتی معادنی وجود دارند که دارای چند نوع فلز هستند.

طلا، سرب، روی، مس و کانیهایی که در صنایع مصالح ساختمانی و مواد شیمیایی کاربرد دارند به همراه کانیهای ذکر شده مهمترین مواد معدنی قرقیزستان محسوب می‌شوند.

زغال سنگ از مهمترین مواد سوختی قرقیزستان است، میزان تولید این ماده در طی ۶۰ سال، تقریباً ۴ برابر شده است (جدول ۱۴ـ۵). حوزه‌های زغال سنگ در پای کوههای تیان شان متمرکزند و مهمترین آنها حوزه‌های سنترال نایا، کاتزی‌سای و کارابالتا هستند.

جدول ۱۴ ـ ۵ میزان تولید زغال سنگ قرقیزستان در سالهای ۱۹۱۳ ـ ۱۹۹۲م/۱۲۹۲ ـ ۱۳۷۱ش (میلیون تن)[۳۰]

سال	۱۹۱۳م/ ۱۲۹۲ش	۱۹۴۰م/ ۱۳۱۹ش	۱۹۵۰م/ ۱۳۲۹ش	۱۹۶۰م/ ۱۳۳۹ش	۱۹۷۱م/ ۱۳۵۰ش	۱۹۸۰م/ ۱۳۵۹ش	۱۹۹۲م/ ۱۳۷۱ش
میزان تولید	۱/۰۳	۱/۴۷	۱/۸۴	۳/۵	۳/۷۴	۴	۳/۹۹

نفت و گاز در قرقیزستان در حوزه‌های کوچکی وجود دارند، به همین دلیل در مقایسه با سایر کشورهای آسیای مرکزی میزان تولید نفت و گاز آن اندک می‌باشد و تمام آن در داخل کشور مصرف می‌شود (جدول ۱۵ـ۵).

جدول ۱۵ ـ ۵ میزان تولید نفت و گاز قرقیزستان در سالهای
۱۹۱۳ ـ ۱۹۹۲م/۱۲۹۲ ـ ۱۳۷۱ش [۳۱]

سال	۱۹۱۳م/ ۱۲۹۲ش	۱۹۴۰م/ ۱۳۱۹ش	۱۹۵۰م/ ۱۳۲۹ش	۱۹۶۰م/ ۱۳۳۹ش	۱۹۷۱م/ ۱۳۵۰ش	۱۹۹۲م/ ۱۳۷۱ش
نفت (بههزارتن)	ـ	۲۴	۷۴	۴۶۴	۲۹۲	ـ
گاز(بهمیلیون مترمکعب)	ـ	ـ	ـ	۴۱	۳۸۳	۶۸

در سالهای پس از استقلال میزان تولید محصولات نفتی کاهش یافته است بنابراین قرقیزستان برای رفع نیازهای داخلی محصولات نفتی را وارد میکند.

همچنان که ذکر شد در قرقیزستان مواد کانی ارزشمندی نهفته است، برخی از این مواد در بسیاری از نقاط دنیا وجود دارند و برخی دیگر کمیاب میباشند. جیوه قرمز و اوسنا ۱۸۷ که از اهمیت اشتراتژیکی خاصی برخوردارند در قرقیزستان تولید میشوند، این دو ماده از نظر نظامی برای ساخت و تولید سلاحهای شیمیایی و هستهای کاربرد زیادی دارد و گفته میشود که در پزشکی نیز مورد استفاده قرار میگیرد. این دو کانی برای کشورهایی که سلاحهای هستهای دارند بسیار اهمیت دارد و قیمت آن در حال حاضر (۱۹۹۴م /۱۳۷۳ش) هرگرم بین ۵۰ الی ۵۵ میلیون دلار است. امتیاز استخراج این ماده مهم، که اگر پس از استخراج بلافاصله مورد استفاده قرار نگیرد، تغییر وضعیت میدهد و تشعشعات رادیو اکتیویته تولید میکند، به امریکاییها واگذار شده است.[۳۲]

با توجه به وفور منابع کانی در قرقیزستان، اگر این کشور بتواند با دورنگری در استخراج و تبدیل کانیها سرمایهگذاری کافی بکند در آیندهٔ نزدیکی از کشورهای مهم جهان خواهد بود.

۴ ـ ۳ صنایع

قرقیزستان دارای صنایع متعدد و مهمی است، به طوری که در میان کشورهای آسیای مرکزی بهعنوان کشوری صنعتی شناخته میشود. مجتمع صنعتی ایسیککول ـ چویسک

یکی از بزرگترین نواحی صنعتی آسیا به شمار می‌آید.

صنایع قرقیزستان حدود صد رشته دارد و تولیدات صنتعی آن به بسیاری از کشورهای جهان صادر می‌شود. بیشتر این صنایع متکی بر ذخایر معدنی هستند. صنعت تهیهٔ فلزات رنگی که از سال ۱۹۳۰م /۱۳۰۹ش به بعد آغاز شد اکنون رشد بسیاری کرده است. مجتمع صنعتی‌ای که در جنوب کشور واقع است و در امر تصفیه و تولید فلزات فعال است توانسته است برای نخستین بار آنتیموان فلزی را به بازار عرضه کند. همچنین جیوه فلزی، محصولات سربی و انواع ترکیبات آنتیموان از تولیدات صنعت فلزکاری این کشور به شمار می‌آیند.

صنایع غذایی از شاخه‌های قدیمی صنعت قرقیزستان است، در چند دههٔ اخیر صنایع تولید مواد غذایی به ویژه تهیهٔ گوشت و لبنیات، آرد و قند رشد زیادی کرده‌اند. کارخانه تولید قند قرقیزستان در جلگه چویسک و در مجاورت مزارع چغندر احداث شده است. بخش عمده تولید قند و شکر این کارخانه که در آسیای مرکزی منحصر بفرد است به کشورهای ناحیه صادر می‌شود.

صنایع تولید البسه و کفش عمدةً در شهرهای بیشکک و «توکماک» مستقر شده‌اند، تولیدات این کارخانه‌ها الیاف پنبه‌ای، پارچه‌های نخی و ابریشمی، تولید چرم و کفش و پشم است.

صنایع ماشین سازی و تولیدمصالح ساختمانی ازصنایع نسبتاًجدید قرقیزستان به شمار می‌آیند. از محصولات آنها می‌توان به تولید انواع وسایل برقی، ماشین‌آلات کشاورزی، دستگاههای فلزبری، الکتروموتور، سیمان، مواد گچی، کاشی و... اشاره کرد. میزان تولید برخی از فراورده‌های صنعتی قرقیزستان در سالهای گذشته در (جدول ۱۶ـ۵) آمده است.

۵ ـ ۳ انرژی

اندک بودن ذخایر نفت و گاز و وجود رودخانه‌های دایمی با آبدهی زیاد زمینهٔ مساعد لازم برای تولید برق آبی فراهم کرده است. ذخایر بالقوهٔ نیروی برق آبی در چند سال اخیر برق آبی زیادی تولید کرده که علاوه بر رفع نیازهای داخلی بخشی از آن نیز به

شبکه سراسری برق آسیای مرکزی منتقل می‌شود، به طوری که بخش جنوبی قزاقستان نیروی برق مورد نیازش را از طریق قرقیزستان تأمین می‌کند. از سال ۱۹۹۲م /۱۳۷۱ش برق تولیدی قرقیزستان به چین نیز صادر می‌شود.(۳۳)

جدول ۱۶ ـ ۵ میزان تولید برخی محصولات صنعتی قرقیزستان در سالهای ۱۹۴۰ تا ۱۹۸۹م/۱۳۱۹ تا ۱۳۶۸ش (۳۴)

سال / نوع محصول	۱۹۴۰م/ ۱۳۱۹ش	۱۹۵۰م/ ۱۳۲۹ش	۱۹۶۰م/ ۱۳۳۹ش	۱۹۷۱م/ ۱۳۵۰ش	۱۹۸۹م/ ۱۳۳۸ش
ماشینهای‌کشاورزی(به‌میلیون‌روبل)	-	۳/۴	۱۱/۷	۳۲/۱	-
اتومبیل (هزار دستگاه)	-	-	-	۱۵/۱	-
انواع پرس (هزار دستگاه)	-	-	۲	۱۸/۱	-
ماشین لباسشوئی(هزاردستگاه)	-	-	۱۱/۳	۱۴۰	-
پارچه نخی(میلیون متر)	۰/۰۴	۰/۴	۱/۵	۳۵/۸	-
پارچه پشمی (میلیون متر)	۰/۳	۰/۳	۱/۱	۸	۱۵۰
پارچه ابریشمی (میلیون متر)	۰/۰۴	۱/۱	۵/۴	۸/۸	-
انواع تریکو (میلیون عدد)	۰/۲	۲/۶	۷/۸	۱۷/۱	۲۰/۵
کفش چرمی (میلیون جفت)	۰/۲	۰/۷	۳/۱	۹/۹	۱۱/۹
قند و شکر (هزار تن)	۶۵/۵	۸۰/۸	۱۳۱/۷	۱۷۱/۱	۴۱/۵
آجر ساختمانی(میلیون عدد)	۶۰	۷۸	۳۸۸	۵۹۱	-
ورق‌آزبست‌سیمان (میلیون‌عدد)	-	-	-	۱۰۲	-

نیروگاههای برق آبی آبشار آلامدین و نیروگاه برق اوبی اوج کورگان به همراه نیروگاه حرارتی شهر بیشکک سهم عمدهٔ تولید برق قرقیزستان را به عهده دارند. در قسمت پایین رودخانهٔ نارین نیز یک مرکز تولید برق آبی بنا شده است که یکی از بزرگترین مراکز تولید برق آبی در آسیای مرکزی است، برق تولیدی این مرکز نیز به شبکهٔ سراسری منتقل می‌شود، ضمن آن که از ذخیرهٔ آبی سد آن برای آبیاری زمینهای کشاورزی استفاده می‌شود.

تولید انرژی الکتریسته قرقیزستان در سال ۱۹۹۲م /۱۳۷۱ش معادل ۱۴۹۰۳ میلیون کیلووات ساعت بوده است.(۳۵)

۶ـ۳ شبکه حمل و نقل

در میان کشورهای آسیای مرکزی قرقیزستان تنها کشوری است که خطوط راه‌آهن در آن توسعه نیافته است. وضعیت دشوار ناهمواریها و کوهستانی بودن عامل اصلی عدم رونق این سیستم حمل و نقل بوده است. در شهرهای اوش و جلال آباد که در شرق کشور و در نزدیکی مرز قرار دارند و همچنین مرکز کشور، بیشکک، که در شمال و نزدیک قزاقستان واقع است، امتداد خطوط راه‌آهن ازبکستان و قزاقستان به آنها کشیده شده است، اما در داخل کشور و حتی د رمیان شهرهای مذکور ارتباط از طریق راه آهن وجود ندارد. در این سرزمین فقط ۲۷۰ کیلومتر خط آهن احداث شده است.

برخلاف خط آهن شبکه راههای جاده‌ای و ماشین رو نقش اصلی را در حمل و نقل به عهده دارند و نزدیک به ۹۰ درصد نقل و انتقال کالا و مسافر از طریق جاده (۱۹۱۰۰ کیلومتر راههای ماشین رو) انجام می‌شود.

در میان شهرهای قرقیزستان، ۲۳ شهر دارای فرودگاه هستند که ۱۴ شهر دارای تجهیزات فرودگاهی بهتر و بیشتری می‌باشند، از میان آنها فرودگاه بیشکک با نام «ماناس»، مجهزترین، بزرگترین و زیباترین فرودگاه کشور است که ارتباط هوایی قرقیزستان را با سایر کشورها برقرار می‌کند (نقشۀ ۴۲).

۷ـ۳ بازرگانی خارجی

مهمترین محصولات صادراتی قرقیزستان را مواد زراعی و دامی، نیروی برق، فلزات و تولیدات صنایع سبک و عمده‌ترین کالاهای وارداتی را نفت و گاز، مواد شیمیایی، برخی مواد غذایی و ماشین آلات تشکیل می‌دهند.

این سرزمین هنوز بیشتر کالاهای مورد نیاز خود را از جمهوریهای شوروی سابق وارد می‌کند و مازاد تولیدات خود را در اختیار آنها می‌گذارد. با گذشت زمان و توسعه روابط تجاری، قرقیزستان با سایر کشورهای جهان نیز روابط بازرگانی گسترده‌ای برقرار کرده است. بدیهی است که در میان شرکای تجاری قرقیزستان، چین همسایه شرقی آن نقش مهمتری خواهد داشت، به طوری که در سال ۱۹۹۳م /۱۳۷۲ش بیش از ۶۰ درصد

نقشهٔ ۴۲

از مراودات تجاری قرقیزستان با کشورهای خارج از جمهوریهای مستقل مشترک‌المنافع با چین صورت گرفته است. در سال مذکور قرقیزستان حدود ۱۰۰ میلیون دلار کالا صادر و ۱۰۶ میلیون دلار کالا وارد کرده است. امریکا، کشورهای اروپایی، ترکیه وایران نیز در میان کشورهای جهان روابط اقتصادی گسترده‌تری با قرقیزستان دارند.

۸ـ ۳ روابط خارجی

پس از استقلال قرقیزستان، رهبران کشور برای راهیابی به جهان خارج و برقراری روابط گوناگون با کشورهای دیگر تلاش بسیاری کردند. بدیهی است که به سبب همجواری قرقیزستان با جمهوری خلق چین، نخستین ارتباط برون منطقه‌ای قرقیزستان با چین برقرار شد و رهبران دو کشور برای نیل به یک روابط پایدار وهمه جانبه دست به کار شدند. فعالیتهای اقتصادی وهمکاریهای تجاری نخستین زمینهٔ مناسب برای گسترش روابط بود. در اوایل سال ۱۹۹۴م/۱۳۷۳ش، میان چین و قرقیزستان ۷۵ مورد سرمایه‌گذاری مشترک وجود داشت.

قرقیزستان با حفظ روابط خود با جمهوریهای مستقل مشترک‌المنافع، تداوم روابط و گسترش با آن را در درجه دوم اهمیت نسبت به همسایه خود چین قرار داده است، به همین دلیل بود که پس از شکست اجلاس تاشکند در آغاز سال ۱۹۹۳م/۱۳۷۲ش با وجود ابراز علاقهٔ تمام رهبران آسیای مرکزی به حفظ نظام پولی مبتنی بر روبل، قرقیزستان اولین کشوری بود که پول ملی خود را به نام صوم[۳۶] به بازار عرضه کرد.

در میان سایر کشورهای جهان، ترکیه، امریکا و کشورهای غربی بیش از همه در ایجاد روابط با این کشور فعال بوده‌اند. ترکیه ضمن برقراری روابط تجاری و سرمایه‌گذاری در صنایع پوشاک و چرم و ساختمان، فعالیتهای فرهنگی متعددی را با هدف احیای هویت ترکی در قرقیزستان انجام داده است. در حالی که غربیها، اهداف‌فرهنگی خود را به طور غیرمستقیم و در پوشش سرمایه‌گذاری‌های تجاری دنبال می‌کنند. در میان کشورهای جهان کانادا با ۱۸ درصد، امریکا، ژاپن و آلمان و کره هر یک با ۹ درصد بیشترین سرمایه‌گذاری را در این کشور انجام داده‌اند.[۳۷]

۱ ـ ۸ ـ ۳ روابط با ایران

با سفر وزیر امور خارجهٔ قرقیزستان به تهران، باب همکاریهای گوناگون بر روی دو کشور گشوده شد. پس از آن سفرهای متعدد مسؤولان و مقامات سیاسی و اقتصادی دو کشور به تهران و بیشکک، زمینه را برای بازدید رؤسای جمهور ایران و قرقیزستان فراهم کرد. حاصل اجلاسها و جلسات متعدد امضای قراردادهای گوناگون بوده است.

روابط میان ایران و قرقیزستان بیشتر جنبهٔ اقتصادی دارد و تبادلات و توافقهای سیاسی کمتر مطرح شده است، زیرا رهبری قرقیزستان با برخی از سیاستهای ایران همخوانی ندارد. رئیس جمهور قرقیزستان در سال ۱۳۷۱ ضمن سفر به فلسطین اشغالی گشایش سفارت کشورش را در «تل اویو» اعلام کرد. این کشور همچنین به عضویت کنفرانس اسلامی در نیامده است.[۳۸]

قرقیزستان مایل به گسترش روابط با ایران است، نخست به دلیل بهره‌گیری از منافع حاصل از روابط اقتصادی با ایران و دوم جلب رضایت و حمایت مسلمانان آن کشور.

در توافقنامه‌هایی که میان دو کشور امضا شده است، به توسعه جهانگردی، مبادلهٔ کالا، ایجاد دفترها و شرکتهای بازرگانی، کارخانه‌های صنعتی، حمل و نقل کالا و مسافر به صورت ترانزیت، حمل و نقل هوایی، وضع معافیت از مالیات و حقوق گمرکی به صورت متقابل توجه شده است.

۲ ـ ۸ ـ ۳ نقش خراسان در ارتباط ایران با قرقیزستان

استان خراسان علاوه بر ارتباط هوایی از طریق مرزهای زمینی نیز به قرقیزستان راه دارد. به دلیل نزدیکی خراسان با قرقیزستان، این استان به صورت پایگاه مهمی برای تبادلات اقتصادی میان دو کشور درآمده است و شهر مشهد نیز به دلیل تنوع تولیدات و توان تجاری بالا برای تجار و مسافران قرقیزی جاذبهٔ زیادی دارد. گشایش کنسولگری قرقیزستان در مشهد به همین منظور صورت گرفته است.

خراسان به عنوان یک استان مهم کشورمان روابط گوناگون با استان اوش برقرار کرده است استان اوش ضمن آن که نزدیکترین ناحیهٔ قرقیزستان به ایران است. در میان استانهای قرقیزستان از موقعیت تجاری و کشاورزی برتری برخوردار است. بنابراین

مسؤولان و بازرگانان خراسانی و قرقیزی استان اوش با سفر به مشهد و اوش و بازدیداز واحدهای صنعتی و کشاورزی یکدیگر، قراردادهای همکاری را به امضا رساندند

در توافقنامه‌های میان واحدهای تولیدی استان خراسان و استان اوش صنعتگران و بازرگانان خراسانی در زمینه‌های ایجاد واحدهای صنعتی و تولیدی پنیر، فرآورده‌های گوشتی، کنسرو و کمپوت، مرغداری صنعتی، پشم شویی و دباغی، نایلون و ظروف پلاستیکی، صنایع چوبی، سنگبری، تولید آجر و موزائیک و تولید آبگرمکن می‌توانند به طور مستقل و یا به طور مشترک در استان اوش سرمایه گذاری کنند.

در زمینهٔ فرهنگی نیز برقراری دوره‌های کوتاه مدت آموزش در زمینه‌های کاشت و برداشت مکانیزهٔ گندم، ذرت، سیب‌زمینی، چغندر قند و علوفه، نوغانداری، مبارزه با آفات نباتی و همچنین ایجاد مزارع نمونهٔ آموزشی و ترویجی، برپایی نمایشگاههای محصولات تولیدی استان، برپایی نمایشگاه عکس و نقاشی، برگزاری هفتهٔ فیلم ایران، مبادلهٔ گروههای موسیقی محلی و جابجایی مسافر از طریق راههای زمینی، هر هفته دو اتوبوس، بین مشهد و اوش مورد توجه قرار گرفته است و در همین جهت نخستین نمایشگاه تولیدات استان خراسان در سال ۱۹۹۵م /۱۳۷۴ش در شهر اوش برپا شد.

یادداشتها

۱ ـ «آب و هوای منطقه آسیای مرکزی»، ص ۳۷ ـ ۳۸.

۲ ـ *اقوام مسلمان اتحاد شوروی*،ص ۴۱۱؛ *ریشه‌های رفتار سیاسی در آسیای مرکزی*، ص ۲۲۴.

۳ ـ کالمیک‌ها، یا قلموقها، قبیله‌ای از مغولان مغولستان غربی بودند که گروهی از آنها در جنوب سیبری و گروهی دیگر در زمینهای بین رودهای دن و ولگا سکونت داشتند.

۴ ـ *جغرافیای تاریخی و سیاسی آسیای مرکزی*، ص ۱۴۵.

۵ ـ *اقوام مسلمان اتحاد شوروی*، ص ۴۱۷؛ «تحولات در آسیای مرکزی»، ص ۲۱.

۶ ـ تراکم بیولوژیک رقمی است که نسبت جمعیت را به اراضی زیرکشت که به نحوی از انحا درکشاورزی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد، نشان می‌دهد.

۷ ـ «خصوصیات جمعیتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جمهوریهای نو استقلال آسیای میانه»، ص ۴۸.

۸ ـ «نظری اجمالی بر جمعیت جمهوریهای آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، تـاجیکستان و ترکمنستان»، ص ۲۰۸.

۹ ـ همان.

۱۰ ـ همان، ص ۲۰۶؛ *جغرافیای اتـحاد جـماهیر شـوروی سـوسیالیستی*، بـخش دوم، ص ۱۱۶؛ راهنمای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و جمهوریهای بالتیک، ص ۹۵.

۱۱ ـ «نظری اجمالی بر جمعیت جمهوریهای آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان»، ص ۲۱۴ ـ ۲۱۵.

۱۲ ـ *اقوام مسلمان اتحاد شوروی*، ص ۴۰۳؛ *تحولات آسیای مرکزی*، ص ۲۱.

۱۳ ـ بلگراد، گرولد، «ملتی با تاریخ و سرنوشت تلخ»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، س ۳، دوره دوم، ش ۵، ص ۲۰۴.

۱۴ ـ *ریشه‌های رفتار سیاسی در آسیای مرکزی*، ص ۲۲۸.

۱۵ ـ *حکومت مسکو و مسأله مسلمانان*، ص ۹۲.

۱۶ ـ «سیستم آموزشی در جمهوری قرقیزستان» ، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، س ۲، ش ۳، ص ۲۲۹ ـ ۲۳۲.

۱۷ ـ «نظام دانشگاهی قرقیزستان»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، س ۲، ش ۳، ص ۲۹۷ ـ ۲۹۸.

۱۸ ـ *ویژگیهای جغرافیایی آسیای میانه و قزاقستان*، ص ۸۳ و ۸۷؛ *راهنمای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و جمهوریهای بالتیک*، ص ۹۸.

۱۹ ـ *جغرافیای تاریخی و سیاسی آسیای مرکزی*، ص ۱۳۵.

۲۰ ـ *جغرافیای اتحاد جماهیر شـوروی سـوسیالیستی*، بـخش دوم، ص ۱۱۹؛ «تـحولات آسـیای مرکزی»، ص ۲۱.

۲۱ ـ ناحیهٔ فرغانه که در واقع همان محدودهٔ درهٔ فرغانه است، یک واحد فرهنگی و قومی یک دست بود که پس از تقسیم شدن آن میان کشورهای قرقیزستان، ازبکستان و تاجیکستان، ناحیه اوش آن که از قدیم سکونتگاه ازبکها بود، در قلمرو سیاسی قرقیزستان قرار گرفت و به دنبال آن گروهی از قرقیزها به آنجا مهاجرت کردند. ازدیاد جمعیت و کمبود اراضی قابل کشت زمینهٔ اختلاف میان ازبکها و قرقیزها را فراهم نمود، به طوری که در سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش و در نتیجه درگیریها میان دو گروه تعداد زیادی کشته و مجروح شدند (*آیا آسیای مرکزی منفجر می‌شود*»، ص ۱۹۷.)

۲۲ ـ *آبیاری در ترکستان*، ص ۱۸۹ ـ ۱۹۰؛ *جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی*، ص ۵۰۹.

۲۳ ـ *آبیاری در ترکستان*، ص ۱۹۱.

۲۴ ـ «ویژگیها و دورنمای اوضاع آسیای مرکزی در دوران پس از جنگ سرد»، ص ۱۱۴.

۲۵ ـ آزموده، ابوالفضل، «جمهوری قرقیزستان گنجینه فلزات گرانبها»، *بندر و دریا*، ش ۴۵ و ۴۶، ص ۵۵.

۲۶ ـ *راهنمای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و جمهوریهای بالتیک*، ص ۱۰۰.
۲۷ ـ همان.
۲۸ ـ «جمهوری قرقیزستان گنجینه فلزات گرانبها»، ص ۵۴.
۲۹ ـ *راهنمای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و جمهوریهای بالتیک*، ص ۱۰۰.
۳۰ ـ «جمهوری قرقیزستان گنجینهٔ فلزات گرانبها»، ص ۵۳؛ *ویژگیهای جغرافیایی آسیای میانه و قزاقستان*،ص ۵۳.
۳۱ ـ *راهنمای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و جمهوریهای بالتیک*، ص ۱۰۰؛ «جمهوری قرقیزستان گنجینهٔ فلزات گرانبها»، ص ۵۳.
۳۲ ـ «بازار آسیای مرکزی گرسنه است»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، س ۲، ش ۳، ص ۲۶۶ـ۲۶۷.
۳۳ ـ *راهنمای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و جمهوریهای بالتیک*، ص ۱۰۱.
۳۴ ـ *راهنمای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و جمهوریهای بالتیک*، ص ۱۰۱؛ «جمهوری قرقیزستان گنجینهٔ فلزات گرانبها، ص ۵۳.
۳۵ ـ *ویژگیهای جغرافیایی آسیای مرکزی و قزاقستان*، ص ۱۷۹.
۳۶ ـ میرحیدر، دره، «تحلیل مکانی ـ فضایی از بحرانهای کنونی»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، س ۲، ش ۴، ص ۱۲۵.
۳۷ ـ «سرمایه‌گذاری صنعتی در جمهوریهای آسیای مرکزی»، ص ۱۲.
۳۸ ـ «موقعیت قرقیزستان در آسیای میانه»، *کیهان*، ش ۱۴۸۲۳، ۳ مرداد ۱۳۷۲.

صفحهٔ ۳۱۰ سفید

فصل ۶

سرزمین قزاقستان

۱ ـ ویژگیهای طبیعی

۱ ـ ۱ موقعیت جغرافیایی

سرزمین قزاقستان با ۲۷۱۷۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت بزرگترین کشور آسیای مرکزی است. این جمهوری با مختصات جغرافیایی ۴۱ درجه و ۱۲ دقیقه تا ۵۵ درجه و ۲۲ دقیقه عرض شمالی و ۴۷ درجه و ۱۲ دقیقه تا ۸۷ درجه و ۸ دقیقه طول شرقی، درجهت شرقی ـ غربی گسترده است.

همسایگان قزاقستان در طرف شمال و غرب، کشور روسیه، در جنوب جمهوریهای ازبکستان، ترکمنستان و قرقیزستان و در سمت شرق جمهوری خلق چین هستند، همچنین قسمتی از مرز جنوبی کشور را در دریای خزر تشکیل می‌دهد (نقشه ۴۳).

۲ ـ ۱ ناهمواریها

در پهنهٔ وسیع قزاقستان اشکال ژئومورفولوژی متعدد و متنوعی را می‌توان مشاهده کرد. رشته کوههای بلند، دشتهای استپی، بیابانها و جلگه‌های سرسبز چشم‌اندازها و مناظر جغرافیایی زیبا و متضادی را به وجود آورده‌اند. پست‌ترین نقطهٔ کشور با ۱۳۲ متر ارتفاع در شرق دریای مازندران واقع است و بلندترین مکان با ۵۰۰۰ متر ارتفاع

نقشهٔ ۴۳

قله «خان تنگری» در جنوب شرقی کشور و در مرز قزاقستان با قرقیزستان قرار دارد.

ارتفاعات قزاقستان که سرچشمهٔ تعداد زیادی از رودهای کشور به شمار می‌روند در ناحیهٔ جنوب و جنوب شرقی و شمال غربی قرار دارند کوههای جنوب شرقی امتداد رشته کوههای آلتایی است وبلندترین اراضی کشور را تشکیل می‌دهند. در شمال غرب ادامه رشته کوههای اورال ارتفاعات «موگوجار»[1] را به وجود آورده‌اند.

در بخش مرکزی قزاقستان فلات قزاق با کوههای «اولوتاو»، «قزل‌تاش»[2] و «یرمن‌تاو»[3] مشاهده می‌شود.

زمینهای پست جلگه‌ای، غرب و شمال و مرکز قزاقستان را تشکیل می‌دهند. جلگه‌ای که در قسمت غربی واقع است، با شیبی ملایم به سوی دو دریاچهٔ آرال و خزر امتداد یافته است. فلات اوست اورت در حدفاصل میان این دو گودال قرار دارد. همچنین در قسمت شمال غربی این جلگه دو رودخانهٔ اورال و ایمبا جریان دارند.

استپ‌زار قرقیز در بخش غربی کشور واقع است و قزاقستان را از سرزمین سیبری غربی جدا می‌کند این استپ‌زار خشک و کم آب، از سمت شرق به کوههای اورال واز سمت غرب به کوههای ولگا محدود می‌شود.

بیابان قزل قوم نیز مشابه جلگه‌ها و استپ‌زارها در زمرهٔ اراضی پست به شمار می‌آید. این بیابان که قسمت شمالی زمینهای حدفاصل دو رودخانهٔ سیردریا وآمودریا را تشکیل می‌دهد، در پیشروی به سوی شمال بخشی از اراضی جنوب قزاقستان را فراگرفته و به نام بیابان «مویون قوم» شهرت یافته است. شنزار «بتپاق دالا»[4] در شمال بیابان مویون قوم واقع شده است. بنابراین مشاهده می‌شود زمینهای با ارتفاع بیش از ۱۰۰۰ متر فقط محدود به چند ناحیهٔ کوچک در شرق وجنوب شرق قزاقستان می‌شود و بقیه کشور را تپه‌های کم ارتفاع و دشتهای آبرفتی هموار فرا گرفته‌اند (نقشهٔ ۴۴).

---

1 - Mugodxhar

2 - Kyzyl Tash

3 - Yermentau

4 - Betpak Dala

نقشه ۴۴

۳ـ ۱ آب و هوا

سه عامل دوری از اقیانوسها و آبهای آزاد، وسعت زیاد و کم عارضه بودن نقش مهمی در ایجاد اقلیم نسبتاً خشک قزاقستان دارند. خشکی آب و هوا از سمت شمال به طرف جنوب شدت می‌یابد. به طوری که شدت سرما از شمال به جنوب کاهش می‌یابد و شدت گرما افزایش می‌یابد. به همین علت قسمتهای شمالی این جمهوری زمستانهای بسیار سرد و طولانی دارند.

درجه حرارت هوا در بخشهای شمالی کشور در ژانویه (دی ماه) که سردترین ماه سال است، به طور متوسط ۱۸ درجه سانتی‌گراد زیر صفر است. حداقل دمای ثبت شده

در همین زمان ۴۵ درجه سانتی‌گراد زیر صفر بوده است. همین بخش کشور در طول تابستان هوای معتدل دارد، به همین علت متوسط درجه حرارت ماه ژوئیه (یا تیر ماه) یعنی گرمترین ماه سال ۱۹ درجه سانتی‌گراد بالای صفر است.

در بخشهای جنوبی با وجود آن که در زمستانها گاهی اوقات به علت وزش بادهای شرقی ناشی از مرکز پرفشارسیبری درجه حرارت تا ۳۵ درجه زیر صفر کاهش می‌یابد، اما به طور معمول، متوسط درجه حرارت سردترین ماه سال ۳ درجه سانتی گراد زیر صفر است. این بخش قزاقستان دارای تابستانهای طولانی گرم و خشک بوده و متوسط درجه حرارت گرم‌ترین ماه سال در آن بین ۲۸ تا ۳۰ درجه سانتی‌گراد است.

میزان بارشهای جوی از جنوب به شمال افزایش می‌یابد، در بخشهای استپی شمال قزاقستان متوسط بارندگی سالانه بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلی متر است در حالی که در نواحی خشک مرکز قزاقستان میزان بارش به ۲۰۰ میلی‌متر و در اطراف دریاچه بالخاش که خشک‌ترین ناحیه کشور است متوسط بارندگی تا ۱۰۰ میلی‌متر کاهش می‌یابد. بدیهی است که د رارتفاعات میزان نزولات جوی بیشتر است به طوری که در دامنهٔ کوهستانها متوسط بارندگی تا ۴۰۰ میلی‌متر و رأس کوهها تا ۱۶۰۰ میلی‌متر نیز می‌رسد.[1]

فصل بارش در بخشهای جنوبی قزاقستان زمستان و بهار و در قسمتهای شمالی فصل تابستان است. حرکت جریانهای غربی تابستانی به سوی قزاقستان علت اصلی ریزشهای تابستانی محسوب می‌شوند.

گفته می‌شود حدود ۲۷۰۰ یخچال طبیعی نزدیک به ۲۰۰۰ کیلومتر مربع از وسعت قزاقستان را پوشانیده‌اند. این یخچالها در شرق کشور و در ارتفاعات بالای کوههای تیان شان و آلتایی قرار دارند.

۴ ـ ۱ منابع آب

بیش از ۷ هزار رود کوچک و بزرگ که بیشتر آنها به حوضه‌های داخلی می‌ریزند و تعدادی دریاچه منابع آب قزاقستان را تشکیل می‌دهند. در میان رودها سیردریا، چو، ایشیم، ایریتش، ایلی و اورال و از میان دریاچه‌ها خزر، آرال و بالخاش در تهیهٔ آب مورد نیاز کشور نقش مهمتری دارند.

رودخانهٔ سیردریا که از جنوب قزاقستان وارد این سرزمین می‌شود، عریض‌ترین و پرآب‌ترین رودخانهٔ کشور محسوب می‌شود. سیردریا پس از طی مسافتی درجنوب قزاقستان، که خشک‌ترین ناحیهٔ کشور است، سرانجام به دریاچهٔ آرال می‌ریزد.

رودخانهٔ ایرتیش از کوههای آلتایی در چین سرچشمه می‌گیرد و پس از طی مسافت کوتاه از شرق قزاقستان وارد کشور می‌شود. ایریتش مسافت زیادی با جهت شرقی ـ غربی در قزاقستان طی می‌کند و سپس از طرف شمال قزاقستان وارد خاک روسیه می‌شود.

رود ایشیم از اراضی مرتفع استپ شمال قزاقستان سرچشمه می‌گیرد، پس از طی مسافتی در جهت شرقی ـ غربی به سوی شمال جریان می‌یابد و سرانجام وارد سرزمین روسیه می‌شود. بخش بزرگی از طول رودخانه ایشیم در قزاقستان جریان دارد.

رود اورال از کوههای اورال سرچشمه می‌گیرد و پس از ورود به قزاقستان از شمال غرب آن، ناحیه را سیراب نموده و به سمت جنوب جاری می‌شود تا سرانجام به دریاچهٔ مازندران می‌ریزد.

رودهای ساریسو و چو به همراه تعدادی رودخانهٔ دیگر و همچنین دریاچه‌های مازندران، بالخاش وآرال و شماری دیگر که شرح آنها در فصل اول آمده است، دیگر منابع مهم آب قزاقستان هستند (نقشهٔ ۴۵).

یخچالهای واقع در کوههای جنوب شرقی و شرق قزاقستان، بسیاری از رودهای شرق قزاقستان را تغذیه می‌کنند. مهمترین آنها عبارتند از «جونگا»[1] «زایلی آلا»[2]، آلتای و آلاتاو این یخچالها در میزان آبدهی رودها، ایجاد نیروی برق و تأمین آب شرب و آب مصرفی قزاقستان نقش مهمی دارند.

در قزاقستان حدود ۴۸ هزار دریاچه به وسعت تقریبی ۴۵ هزار کیلومتر مربع وجود دارد. این منابع با وجود آن که بیشتر اوقات سال خشک می‌شوند ولی املاح رسوبی آنها در صنایع شیمیایی قزاقستان کاربرد بسیار دارند.

1 - Chunka

2 - Zayli Alu

نقشه ۴۵

۵ ـ ۱ آلودگیهای محیط زیست

در زمان اتحاد جماهیر شوروی و تسلط روسها بر قزاقستان، این جمهوری به همراه «اوکراین» و «بیلوروسی»، تنها جمهوریهای دارای قدرت هستهای و سلاحهای اتمی شوروی بودند. قزاقستان با توجه به ساختار مذهبی آن پس از پاکستان دومین کشور مسلمان دارای نیروی هستهای در جهان بود.

سرزمین قزاقها همچنین محل انجام آزمایشهای اتمی و پایگاه ارسال فضاپیماهای شوروی بود. تداوم فعالیتهای مذکور سبب آلودگی فزایندهٔ محیط زیست نواحی شد که محل فعالیتهای هستهای و فضایی بودند.

شهر «اوسکمن» «(اوست کامنوگورسک)»[1] که در سال ۱۹۴۹م /۱۳۲۸ش کارخانه فلزسازی «اُلبینسکی»[2] در آن تأسیس شد. محل استخراج و آماده سازی فلزات مورد نیاز سلاحهای هستهای است. این شهر در دهههای ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰م به سرعت رشد کرد و به عنوان یکی از مهمترین شهرهای هستهای، از امکانات رفاهی و خدماتی فراوان، همراه با سطح زندگی بالا برخوردار شد. تداوم فعالیتهای هستهای، سبب به هم خوردن تعادل اکولوژیکی و آلودگی محیط زیست شهر شد، به طوری که در دهۀ ۹۰م شهر اوسکمن یکی از شهرهای مصیبت زدهٔ دنیا به شمار میرفت.(۲)

ناحیه سمی و «کاپوستین یار»[3] در غرب قزاقستان محل انجام آزمایشهای اتمی و انفجارهای هستهای اتحاد جماهیر شوروی بودند. این مکانها که در مدت ۴۰ سال تا زمان استقلال قزاقستان شاهد بیش از ۱۳۰ آزمایش و انفجار هستهای بودند بتدریج با آلودگی شدید خاک وهوا و وجود مواد رادیواکتیویته، مواجه شدند. خسارات ناشی از آلودگیهای محیطی بحدی شدید بود که اخبار آن در سطح جهان به عنوان یکی از فجایع محیطی منعکس شد. پس از استقلال، انجام آزمایشهای اتمی در این مکانها تعطیل و ممنوع شد.

در زمان اعلام استقلال قزاقستان، این سرزمین دارای ۱۰۴ موشک بالستیکی

---

1 - Uskemen (Ust Kamenogorsk)

2 - Ulbinsky

3 - Caupustin Yar

قاره‌پیمای مجهز به حدود ۱۲۰۰ کلاهک هسته‌ای و ۴۰ هواپیمای بمب‌افکن سنگین از نوع تی‌یو ۱۹۵ م مجهز به ۳۲۰ موشک کروز، بود. از موشکهای بالستیکی قاره‌پیمای اس‌اس ۱۸ که هر کدام قادر به حمل ده کلاهک اتمی هستند، ۵۰ فروند در «ایمنی گاستلو»[1] و ۵۰ فروند در «تنگیزتوبا»[2] مستقر بودند.(۳)

پس از استقلال، مقامات کشور با توجه به عوارض سوء وجود تجهیزات اتمی در کشورشان و پذیرش معاهده منع گسترش تسلیحات اتمی و همچنین فشار کشورهای دارای نیروی اتمی، بویژه امریکا، تلاش بسیاری برای انهدام وانتقال تجهیزات هسته‌ای خود کردند. تا اواخر سال ۱۹۹۴م/۱۳۷۳ش، قزاقستان ۴۴ فروند از ۱۰۴ موشک بالستیکی قاره‌پیمای خود را از کار انداخته بود و ۱۲ فروند از آنها را به روسیه منتقل ساخته بود. و براساس توافق میان روسیه و قزاقستان قرار شد طی ۱۴ ماه بعدی تمام موشکها به روسیه منتقل شود و تمام پایگاههای پرتاب موشکها نیز طی ۳ سال منهدم شود، در اوایل ۱۹۹۵م/۱۳۷۴ش رئیس جمهور قزاقستان انهدام همه کلاهکهای ذخیره شده در زیر زمین در مرکز آزمایشهای اتمی در سمی وانتقال همه موشکهای قاره‌پیما را به روسیه اعلام کرد. لازم به ذکر است که دولت امریکا در سال ۱۹۹۳م/۱۳۷۲ش و براساس قراردادی، حدود ۶۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی شده قابل تبدیل به سلاحهای هسته‌ای را از اوسکمن با هواپیما به امریکا منتقل کرد.(۴)

دربارهٔ پایگاه فضایی بایکونور، روسیه و قزاقستان توافق کردند که استفاده از پایگاه براساس توافق دو دولت باشد وهزینه نگهداری پایگاه نیز توسط دو کشور به نسبت ۹۴ درصد روسیه و ۶ درصد قزاقستان تأمین شود. همچنین طی توافق نامه‌ای با امریکا قرار شد از این پایگاه برای استفادهٔ تجارتی و فرستادن ماهواره «ایمارست» استفاده شود.(۵)

گرچه اکنون اقداماتی برای حفظ محیط زیست انسان به عمل می‌آید، اما عوارض ناگوار ناشی از انجام صدها آزمایش اتمی در قزاقستان و از بین رفتن محیط زیست و جان انسانهای بیگناه و بیماریهای مادام‌العمر، تا سالیان دراز، از یاد نخواهد رفت.

---

1 - Imeni Gastello

2 - Tengiz toba

۲ـ ویژگیهای اجتماعی

۱ـ۲ پیشینه تاریخی

قزاقها [۶] یکی از طایفه‌های ترک هستند که در آسیای مرکزی سکونت دارند. اسناد موجود نشان می‌دهند که این طایفه در اواخر قرن اول قبل از میلاد در محدودهٔ قزاقستان کنونی مستقر شدند. قزاقها به روش دامداری متحرک گذران زندگی می‌کردند و نظام قبیله‌ای بر روابط گوناگون آنها حاکم بود. تاپیش از ظهور اسلام آنان بخشی از خانات ترک یا فدراسیون قبایل صحرانورد بودند. این خان نشین از اتحاد آزاد قبیله‌های ترک تشکیل شده بود و تا قرن هشتم میلادی که اسلام در ماوراءالنهر مستقر شده بود، دوام یافت و قزاقها به عنوان همسایگان غیرمسلمان مرزهای شمال شرقی حکومت اسلامی محسوب می‌شدند.

در قرنهای دهم تا دوازدهم میلادی، قراخانیان بر بخشهای جنوبی قزاقستان حکومت می‌کردند. قراختاییان بساط حکمرانی آنها را برچیدند و خود بر ناحیه مسلط شدند. فرمانروایی کوتاه مدت قراختاییان با حملهٔ مغولها به ناحیه در قرن سیزدهم میلادی به پایان رسید. «اوراد»، اولین نوهٔ چنگیز مغول در اواسط قرن سیزدهم، در ناحیه حد فاصل قسمت سفلای سیردریا و کوههای آلاتو، اردوی سفید را تشکیل داد و از آنجا به قزاقستان جنوبی حمله کرد و خیلی زود ناحیه را تصرف کرد.

با ظهور ازبکها، که آنها نیز ترک بودند، حاکمیت اردوی سفید به خطر افتاد. ازبکها ابتدا خوارزم را تصرف کردند و سپس قلمرو خود را آن قدر گسترش دادند تا اراضی حدفاصل رودهای سیردریا وایریتش را در اختیار گرفتند و در نتیجه از قدرت اردوی سفید کاسته شد. نبردهای متعدد میان ازبکها و اردوی سفید، مشکلات متعددی برای مردم به وجود آورد و گروهی از قزاقها به سوی «مغولستان» حرکت کردند. در سال ۱۴۶۵م /۸۴۴ش دو تن از رؤسای اردوی سفید به همراه خیل عظیم طرفداران آنها وارد مغولستان شدند. خان مغولستان که از نوادگان چنگیز بود، اراضی سواحل رودخانه‌های تالاس و چو در غرب مغولستان را در اختیار آنها قرار داد. این گروه بتدریج قدرت یافتند وحکومتی تشکیل دادند که به نام خانات قزاق شهرت یافت. در اوایل قرن شانزدهم

بسیاری از قبایل قزاق تحت حاکمیت «قاسم خان»، معروفترین امیر خانات قزاق، با یکدیگر متحد شدند و قلمرو خود را گسترش دادند. با مرگ قاسم خان، اختلاف و درگیری میان قبیله‌های قزاق دوباره آغاز شد. پس از یک قرن جنگ‌وجدال، قدرت قزاقها میان سه گروه تقسیم شد که عبارت بودند از، اردوی بزرگ (اولو) درجنوب قزاقستان، اردوی میانه (اورنا) در نواحی استپی مرکزی و اردوی کوچک (کنی) در زمینهای بین دریاچهٔ آرال و دریای خزر.

مدت کوتاهی پس از این رخدادها، اویراتها یا کالمیک‌های زردپوست بودایی از مغولستان به قلمرو قزاقها هجوم بردند. نبرد بین قزاقها و کالمیک‌ها سالیان دراز طول کشید، تاسرانجام امپراتوری «منچو» در چین کالمیک‌ها را در سال ۱۷۸۵م /۱۱۶۴ش تارومار کرد. قزاقها در زمان درگیری با کالمیک‌ها به دلیل اختلاف گروهی و عدم اتحاد، نتوانستند با هجوم بیگانگان مقابله کنند، و برای دفاع از خود به فکر جلب حمایت نیروهای قوی افتادند. روسها که از قرن شانزدهم با قزاقها ارتباط برقرار کرده بودند، برای این منظور مورد توجه قرار گرفتند. در ابتدا اردوی کوچک در سال ۱۷۲۱م /۱۱۰۰ش سپس اردوی میانه در سال ۱۷۴۰م /۱۱۱۹ش و سرانجام بخشی از اردوی بزرگ در سال ۱۷۴۲م /۱۱۲۱ش حمایت روسیه را پذیرفتند.

از این زمان سلطه روسها بر سرزمین وسیع قزاقستان آغاز شد و تا اواسط قرن نوزدهم به غیر از بخش شرقی که متعلق به امپراتوری منچو بود، سایر نقاط قزاقستان در اختیار روسها قرار گرفت. در این مدت برخی از قزاقها علیه سلطهٔ روسها قیام کردند، که از میان آنها شورش گروهی از قزاقها به رهبری «خان کنزاری کاظم اُف» مهمتر از بقیه بود. اما روسها که در ابتدا به بهانهٔ حمایت از قزاقها به ناحیه وارد شده بودند به سرعت قدرت یافتند و حکومتهای محلی را نیز برچیدند به طوری که خان اردوی میانه در سال ۱۸۲۲م /۱۲۰۱ش، خان اردوی کوچک در سال ۱۸۲۴م /۱۲۰۳ش و خان اردوی بزرگ در سال ۱۸۴۸م /۱۳۲۷ش از قدرت برکنار شدند و روسها با احداث پادگانی در «ورنوی» سابق یا آلماآتی کنونی در سال ۱۸۵۴م /۱۲۳۳ش حاکمیت خود را بر قزاقها قطعی ساختند.

با تسلط روسها بر قزاقستان، مهاجرت گستردهٔ روسها به این کشور آغاز شد واین

رویکرد زمینهٔ مساعدی را برای تسلط روسها بر کلیه امور کشور فراهم کرد. حاکمیت گستردهٔ روسها، مخالفت مردم با نفوذ و قدرت آنها رابیشتر و آشکارتر کرد و شورشهای متعددی رخ داد که مهمترین آنها در سال ۱۹۱۶م/۱۲۹۵ش بود. در این شورش، مخالفان به رهبری «امان گلدی» در ظاهر به عنوان مخالفت با قانون سربازگیری اجباری و تبعیض بین سربازان روس و غیرروس و در واقع به علت مبارزه با حضور گسترده روسها در قزاقستان اقداماتی انجام دادند. این شورشها و مخالفت‌های دیگر از سوی روسها بشدت سرکوب شد.

با پیروزی بلشویکها در انقلاب اکتبر ۱۹۱۷م/۱۲۹۶ش درگیری میان آنها و مخالفان، متشکل از ارتش سفید طرفدار تزار، نیروهای ملی‌گرای مخالف سلطه روسها، و نیروهای باسماچی رخ داد، اما بلشویکها با پیروزی بر تمام آنها در سال ۱۹۲۰م/۱۲۹۹ش حکومت کمونیستی را در قزاقستان پایه‌گذاری و جمهوری خودمختار قرقیز را در سرزمین کنونی قزاقستان ایجاد کردند.

پس از استیلای روسها، آنان برای حاکمیت بر ارکان مختلف قزاقستان وجلوگیری از شورشهای محلی اقداماتی انجام دادند که نتایج برخی از آنان بسیار نامطلوب بود. اسکان اجباری دامداران کوچرو، ضمن آن که موجب تلف شدن تعداد بیشماری از دامها شد، هلاکت گروه بسیاری از قزاقها را به دنبال داشت و مهاجرت اجباری بسیاری از آنان به کشورهای همجوار را باعث شد.

مهاجرت و اقامت اجباری گروههای قومی دیگر در قزاقستان در چند دهه ادامه یافت. در دهه ۱۹۴۰م/۱۳۲۰ش تعداد زیادی از آلمانی‌ها و سایر اقوام به قزاقستان تبعید شدند، در دهۀ ۱۹۵۰م/۱۳۳۰ش با عنوان احیای اراضی بایر گروه کثیری از روسها به قزاقستان آورده شدند. حاصل این اعمال تغییر ترکیب قومی جمعیت قزاقستان بود به طوری که روسها بزرگترین درصد جمعیت را به خود اختصاص دادند و برخلاف طول تاریخ قزاقستان، روسها به جای قزاقها گروه قومی غالب شدند. همچنین سایر اقوام نیز سهم زیادی در کل جمعیت کشور داشتند. تعداد بیشمار روسها در قزاقستان یکی از عوامل مهم نفوذ روسیه در این کشور حتی پس از استقلال قزاقستان محسوب می‌شود.

پس از آن که روسها به اهداف سیاسی خود دست یافتند اقداماتی برای بهبود

وضعیت اقتصادی قزاقستان انجام دادند که حاصل آن توسعهٔ اقتصادی قزاقستان، بویژه درمقایسه با سایر جمهوریهای آسیای مرکزی، بود. روسها از این امر بهره‌برداری از منابع و مواد اولیه قزاقستان را مد نظر داشتند، زیرا این کشور به عنوان مرکز تهیهٔ مواد غذایی و مواد اولیه صنایع برای آسیای مرکزی و ناحیهٔ اورال و اوکراین در نظر گرفته شده بود.

فعالیت روسها در قزاقستان گرچه در بهبود وضعیت اقتصادی این کشور مؤثر بود، اما در اذهان قزاقها، نارضایتی ناشی از اشغال کشور را از بین نبرد و سرانجام در سال ۱۹۷۸م /۱۳۵۷ش این نارضایتی آشکار شد، در این سال دانشجویان قزاق در آلماآتی تظاهراتی برپا کردند و درخواستهایی مبنی بر افزایش سهمیهٔ قزاقها برای ادامه تحصیل در مراکز آموزش عالی مطرح نمودند. این رویکرد زمینه را برای بروز مخالفتها و تظاهرات دیگر مهیا کرد.

در سال ۱۹۸۵م /۱۳۶۴ش، گورباچف بر مصدر قدرت نشست. وی که با مطرح کردن پروستریکا و گلاسنوست، تحولات عمیقی را در اتحاد شوروی ایجاد کرد. یک سال بعد، با عنوان مبارزه با فساد اداری «کونایف» را از رهبری قزاقستان برکنار و یک نفر روس را جانشین وی کرد. قزاقها با آن که از عملکرد کونایف ناراضی بودند، برای جلوگیری ازحاکمیت بیشتر روسها به طرفداری از او پرداختند، تا سرانجام در سال ۱۹۸۹م /۱۳۶۸ش «نظربایف» که قزاق بود به دبیر اولی حزب کمونیست قزاقستان انتخاب شد. نظربایف برای جلب حمایت گروههای قومی ساکن قزاقستان اقدامات گوناگونی انجام داد و توانست در اجرای هدف خود موفق شود.

در سال ۱۹۹۰م /۱۳۶۹ش اتحاد شوروی فروپاشید و کشورهای منطقه مستقل شدند. در قزاقستان نیز در ماه اکتبر همین سال طرح استقلال کشور به تصویب شورای عالی قزاقستان رسید. در این طرح ضمن رعایت اصول مربوط به برقراری اقتصاد آزاد، در نظر گرفتن حقوق یکسان برای همهٔ ساکنان قزاقستان وعدم الحاق اداره‌های دولتی و حزبی با یکدیگر، به قزاقها به عنوان اولین ملیت جمهوری حق حفظ میراث فرهنگی و به روسها حق استفاده از زبان روسی اعطا شد.

در دسامبر ۱۹۹۱م /۱۳۷۰ش انتخابات ریاست جمهوری برگزار شد و نظربایف به مقام ریاست جمهوری دست یافت، در سال ۱۹۹۵م /۱۳۷۴ش مجدداً رأی‌گیری به

عمل آمد و نظربایف در مقام خود ابقا شد.

۲ ـ ۲ احزاب و تشکیلات سیاسی

فعالیتهای سیاسی در قزاقستان پس از روی کار آمدن نظربایف آغاز شد. او برای جلوگیری از تفرقه وایجاد اختلافات قومی و همچنین حفظ امنیت ملی تلاش بسیاری نمود. وی ضمن آن که قزاقستان را سرزمین قزاقها معرفی نمود با روشهای مختلف بر نفوذ خود میان اقوام گوناگون افزود و با احترام گذاشتن به عقاید و نظرات آنها، بر جلب اعتماد آنان کوشید. نظربایف همچنین زمینه را برای انجام فعالیتهای سیاسی به شکل محدود مساعد کرد.

در تابستان ۱۹۹۰م /۱۳۶۹ش گروه «اتحاد دموکراتیک» فعالیت سیاسی خود را آغاز کرد واندک زمانی بعد، طرح پیشنهادی خود را در مورد استقلال کشور منتشر نمود. که با تغییرات مختصری به تصویب شورای عالی قزاقستان رسید. شورای عالی کشور مشابه مجلس در کشورهای دیگر است و مهمترین ارگان تصمیم‌گیری قزاقستان محسوب می‌شود. این شورا ۱۷۷ نماینده از گروههای مختلف دارد و کمیته‌های متنوع آن مسائل قانونی را بررسی می‌کنند. بیانیهٔ استقلال قزاقستان در سال ۱۹۹۰م /۱۳۶۹ش و قانون اساسی کشور در سال ۱۹۹۱م /۱۳۷۰ش از تصویب این شورا گذشت.

تعداد احزاب و فعالیت آنها در قزاقستان نیز مشابه سایر جمهوریهای آسیای مرکزی محدود است. سه حزب مهم کشور به نام «حزب سوسیالیست»، «کنگره مردمی قزاقستان» و «حزب وحدت خلق قزاقستان» مهمترین احزاب سیاسی قزاقستان به شمار می‌آیند. حزب سوسیالیست پس از انحلال حزب کمونیست تشکیل شد واکثر اعضای آن را روسها و قزاقهای غیرکمونیست طرفدار نظربایف تشکیل می‌دهند. کنگره مردمی قزاقستان که گرایشهای قومی دارد، در سال ۱۹۹۱م /۱۳۷۰ش اعلام موجودیت کرد. رهبر حزب وحدت خلق قزاقستان که در سال ۱۹۹۳م /۱۳۷۲ش تأسیس شد، نورسلطان نظربایف است.

دو حزب «آلاش» و «آزادی» تمایلات ملی‌گرایانه دارند. حزب آلاش همچنین گرایش مذهبی نیز دارد. این دو حزب فعالیت قانونی دارند و اگر چه با اقدامات نظربایف، رئیس

جمهور، مخالفت آشکار و جدی نمی‌کنند، اما در نشریه‌های خود، از حاکمیت روسها بر بسیاری از مشاغل اظهارنارضایتی می‌کنند. «حزب جمهوریخواه» «حزب سوسیال دموکرات»، «اتحادیهٔ کشاورزان»، «اتحادیهٔ دموکراتیک شهروندان آزاد»، «جنبش اسلاوهای جمهوریخواه» و «حزب کمونیست» که در سال ۱۹۹۴م /۱۳۷۳ش مجدداً به ثبت رسید، احزاب دیگر قزاقستان هستند.

۳ ـ ۲ جمعیت

قزاقستان از نظر تعداد مطلق جمعیت در میان کشورهای آسیای مرکزی پس از ازبکستان در رده دوم قرار دارد اما از نظر نسبت جمعیت به مساحت، کمترین جمعیت را دارد. آمار و ارقام نشان می‌دهند که جمعیت قزاقستان در مدت ۷۴ سال ۲/۵ برابر شده است (جدول ۱ ـ ۶).

جدول ۱ ـ ۶ جمعیت قزاقستان در سالهای ۱۹۲۶ تا ۱۹۹۲م/۱۳۰۵ تا ۱۳۷۱ش [۷]

سال	۱۹۲۶م/ ۱۳۰۵ش	۱۹۵۹م/ ۱۳۳۸ش	۱۹۷۰م/ ۱۳۴۹ش	۱۹۷۹م/ ۱۳۵۸ش	۱۹۹۲م/ ۱۳۷۱ش
جمعیت	۶۵۰۰۸۹۵	۹۲۹۴۷۴۱	۱۳۰۰۸۷۲۶	۱۴۶۸۵۰۰۰	۱۷۰۴۸۰۰۰

مشاهده می‌شود در طی ۳۳ سال اول، فقط ۵۰ درصد به جمعیت قزاقستان اضافه شده است، در مقطع زمانی ۱۹۲۶ ـ ۱۹۵۹م /۱۳۰۵ ـ ۱۳۳۸ش به دلیل اجرای برنامه‌های سیاسی و اقتصادی دولت روسیه در قزاقستان، تعداد زیادی از قزاقها کشته شدند و شمار دیگری به سایر کشورها مهاجرت کردند. در ۳۳ سال دوم، جمعیت ۸۳/۴ درصد افزایش یافته است. رشد بیشتر جمعیت در این دوره ناشی از مهاجرت روسها به ناحیه و افزایش میزان موالید در میان قزاقها بوده است (جدول ۲ ـ ۶). مهاجرت گستردهٔ روسها به ناحیه عامل اصلی افزایش میزان رشد جمعیت به رقم ۳/۱ درصد در سالهای ۱۹۵۹ تا ۱۹۷۰م /۱۳۳۸ تا ۱۳۴۹ش است. کم شدن تعداد مهاجران به قزاقستان در کاهش میزان رشد جمعیت در سالهای بعد بی تأثیر نبوده است.

جدول ۲ ـ ۶ رشد جمعیت قزاقستان در سالهای
۱۹۲۶ ـ ۱۹۹۲م/۱۳۰۵ ـ ۱۳۷۱ش (درصد)

دوره‌زمانی	۱۹۵۹_۱۹۲۶م/ ۱۳۳۸_۱۳۰۵ش	۱۹۷۰_۱۹۵۹م/ ۱۳۴۹_۱۳۳۸ش	۱۹۷۹_۱۹۷۰م/ ۱۳۵۸_۱۳۴۹ش	۱۹۹۲_۱۹۷۹م/ ۱۳۷۱_۱۳۵۸ش	۱۹۹۲_۱۹۵۹م/ ۱۳۷۱_۱۳۳۸ش	۱۹۹۲_۱۹۲۶م/ ۱۳۷۱_۱۳۰۵ش
میزان رشد	۱	۳/۱	۱/۳	۱/۱	۱/۸	۱/۴

میزان تراکم جمعیت در قزاقستان بسیار پایین است، کمی جمعیت و گستردگی کشور هر دو در این امر مؤثرند (جدول ۳ ـ ۶). با توجه به ویژگیهای جغرافیایی نسبتاً مساعد قزاقستان، به ویژه در مقایسه با سایر جمهوریهای آسیای مرکزی، به نظر می‌رسد که تراکم پایین جمعیت بیشتر ناشی از کمی جمعیت و عمدةً به علت کنترل زاد و ولد باشد. این وضعیت در میان روسها بیشتر رعایت می‌شود و چون روسها رقم بزرگی از جمعیت قزاقستان را تشکیل می‌دهند، در میزان جمعیت تأثیر می‌گذارند.

جدول ۳ ـ ۶ تراکم جمعیت قزاقستان در سالهای
۱۹۲۶ تا ۱۹۹۲م/۱۳۰۵ تا ۱۳۷۱ش (نفر در هر کیلومترمربع)

سال	۱۹۲۶م/ ۱۳۰۵ش	۱۹۵۹م/ ۱۳۳۸ش	۱۹۷۰م/ ۱۳۴۹ش	۱۹۷۹م/ ۱۳۵۸ش	۱۹۹۲م/ ۱۳۷۱ش
میزان تراکم	۲/۴	۳/۴	۴/۸	۵/۴	۶/۳

جمعیت قزاقستان از نظر ترکیب سنی بسیار نزدیک به وضعیت کشورهای توسعه یافته است (جدول ۴ ـ ۶). ترکیب قومی قزاقستان نقش مهمی در ایجاد این حالت دارد. زیرا گروه کثیری از جمعیت را گروههای قومی غیرقزاق تشکیل می‌دهند، این اقوام میزان موالیدشان کم است. در حالی که قزاقها نسبت به آنها میزان زاد و ولدشان بیشتر است.

ارقام موجود نشان می‌دهند که در سال ۱۹۲۶م/۱۳۰۵ش از کل جمعیت قزاقستان، ۵۲/۷ درصد جمعیت را مردان تشکیل می‌دادند و ۴۷/۳ را زنان. در سال ۱۹۷۰م/۱۳۴۹ش مردان ۴۹/۵ درصد از کل جمعیت بودند،[۸] به عبارت دیگر در سال ۱۹۲۶م/۱۳۰۵ش تعداد مردان از زنان بیشتر بوده است، در حالی که در سال

۱۹۷۰م /۱۳۴۹ش این وضعیت تغییر کرده و شمار زنان بر مردان فزونی یافته است. روند افزایش تعداد زنان نسبت به مردان تا زمان حاضر تداوم یافته است به طوری که در سال ۱۹۷۹م /۱۳۵۸ش نسبت جنسی ۹۳ و در سال ۱۹۸۹م /۱۳۶۸ش ۹۳/۹ بوده است.[۹] یعنی در مقابل هر ۱۰۰ نفر زن به ترتیب ۹۳ و ۹۳/۹ نفر مرد در قزاقستان می‌زیستند. قزاقستان از نظر ترکیب جنسی در میان جمهوریهای آسیای مرکزی نامتعادلترین وضعیت را داراست.

جدول ۴ـ۶ توزیع جمعیت قزاقستان به تفکیک گروههای سنی عمده در سالهای ۱۹۷۹ و ۱۹۸۹م/۱۳۵۸ و ۱۳۶۸ش (درصد)[۱۰]

سال / گروه سنی	۱۹۷۹م/۱۳۵۸ش	۱۹۸۹م/۱۳۶۸ش
کمتر از ۱۵سال	۳۲/۷	۳۱/۹
۱۵ـ۶۴ سال	۶۱/۲	۶۲/۵
۶۵سال به بالا	۶/۱	۵/۶

از سالیان دور مهمترین شیوه گذران زندگی در میان قزاقها، دامداری بوده است، به همین دلیل آنها کمتر در نقاط شهری سکونت گزیده‌اند. در نتیجه مشاهده می‌شود که در سال ۱۹۳۹م /۱۳۱۸ش، ۷۲ درصد ازجمعیت قزاقستان در نقاط روستایی مستقر بودند، در حال حاضر نیز با وجود آن که بر جمعیت شهرنشین افزوده شده است (جدول ۵ـ۶) هنوز بیشتر قزاقها در نقاط روستایی ساکن هستند و نقاط شهری سکونتگاه سایر گروههای قومی، بویژه روسها و اروپاییهاست. بنابراین افزایش رقم شهرنشینان، بیش از آن که معلول شهرگرایی قزاقها باشد، ناشی از تعداد زیاد سایر گروههای قومی و میزان زاد و ولد بالای قزاقهای شهرنشین است.

همان طور که تمامی قزاقها در قزاقستان ساکن نبوده و شماری بسیار از آنان در سایر کشورها زندگی می‌کنند قزاقستان نیز سکونتگاه اقوام بسیاری است. اقامت تعدادی از اقوام در اثر مهاجرتهای اجباری بوده و گروهی دیگر به اختیار قزاقستان را برای سکونت انتخاب کرده‌اند. روسها و سایر گروههای قومی اروپایی در زمرهٔ کسانی هستند که به

دنبال مهاجرتهای اجباری اواسط قرن کنونی به ناحیه آمدند، خیل عظیم مهاجران، ضمن آن که سبب به هم خوردن خصوصیات جمعیتی قزاقستان شد، تحولات و اثراتی نیز در وضعیت اجتماعی واقتصادی کشور به دنبال داشت.

جدول ۵ ـ ۶ توزیع جمعیت شهری و روستایی قزاقستان در سالهای ۱۹۵۹ ـ ۱۹۹۲م/۱۳۳۸ ـ ۱۳۷۱ش (درصد)[۱۱]

سال / جمعیت	۱۹۵۹م/۱۳۳۸ش	۱۹۷۰م/۱۳۴۹ش	۱۹۸۰م/۱۳۵۹ش	۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش
شهری	۵۶	۵۰	۴۶	۴۳
روستایی	۴۴	۵۰	۵۴	۵۷

در سالهای اخیر و بویژه پس از استقلال قزاقستان روند مهاجرتها جهت دیگری گرفت و برخلاف سالهای قبل، تعداد خارج شوندگان از کشور بیش از وارد شوندگان به آن بود. سکنهٔ اروپایی قزاقستان بیش از سایر گروههای قومی این کشور را ترک کردند. به طوری که در سال ۱۹۹۲م /۱۳۷۱ش از رقم ۳۷۰ هزار نفری که قزاقستان را ترک کردند، ۱۵۰ هزار نفر آلمانی بودند. در همین سال ۲۰۰ هزار نفر و در سالهای ۱۹۹۳ و ۱۹۹۴م /۱۳۷۲ و ۱۳۷۳ش به ترتیب ۲۲۱ و ۴۰۰ هزار روس نیز از قزاقستان خارج شده‌اند.[۱۲]

اوکراینی‌ها، لهستانی‌ها، یونانیها، یهودیها و شماری از قزاق‌ها از دیگر گروههای قومی بودند که در سال ۱۹۹۳م /۱۳۷۲ش از قزاقستان خارج شدند.[۱۳]

در چند سال اخیر گرچه تعداد زیادی از ساکنان قزاقستان، این کشور را ترک کرده‌اند، تعداد زیادی نیز به کشور وارد شده‌اند. در سال ۱۹۹۳م /۱۳۷۲ش تعداد ۱۶۹ هزار نفر از روسهای تاجیکستان به قزاقستان آمدند.[۱۴] و براساس قراردادی از سال ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۳م حدود ۶۰ هزار نفر در غالب ۱۲ هزار خانوار برای کار در مجتمع‌های کشت و صنعت از مغولستان به قزاقستان انتقال یافتند.[۱۵] به نظر می‌رسد با توجه به شرایط خاص قزاقستان در سالهای آتی نیز شاهد ورود و خروج گروههای جمعیتی باشیم.

جمعیت‌شناسان با توجه به ویژگیهای جمعیتی قزاقستان مدت زمان لازم برای دو

برابر شدن جمعیت را مشخص کردند، آنها با استناد به نرخ زاد و ولد که در سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش رقم ۳۰/۴ در هزار بود و میزان مرگ و میر که ۷/۶ در هزار بود و همچنین نرخ رشد ۲/۳ درصد جمعیت در همین سال و ۱/۱ درصد در دورهٔ زمانی ۱۹۷۹ ـ ۱۹۸۹م/۱۳۵۸ ـ ۱۳۶۸ش اظهار داشتند، ۴۵ سال زمان لازم است تا جمعیت این جمهوری دوبرابر شود.(۱۶) آنان همچنین جمعیت قزاقستان را تا سال ۲۰۱۰م/۱۳۸۹ش تخمین زدند (جدول ۶ ـ ۶).

جدول ۶ ـ ۶ برآورد جمعیت قزاقستان در سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰م/۱۳۷۹ تا ۱۳۸۹ش(۱۷)

سال	۲۰۰۰م/۱۳۷۹ش	۲۰۰۵م/۱۳۸۴ش	۲۰۱۰م/۱۳۸۹ش
جمعیت	۱۹۴۴۶۰۰۰	۲۰۹۹۰۰۰۰	۲۲۶۵۶۰۰۰

۴ ـ ۲ ترکیب قومی

گفته می‌شود حدود ۱۰۰ گروه قومی در قزاقستان وجود دارند که در میان آنها قزاقها و روسها از نظر تعداد جمعیت در صدر قرار می‌گیرند (جدول ۷ ـ ۶).

مشاهده می‌شود که در سالهای ۱۹۲۶م/۱۳۰۵ش تعداد قزاقها که جمعیت بومی بودند، سه برابر تعداد روسها بوده، اما در سالهای ۱۹۵۹ تا ۱۹۷۹م/۱۳۳۸ تا ۱۳۵۸ش جمعیت آنها کمتر از روسها می‌شود و از سال ۱۹۸۹م/۱۳۶۸ش مجدداً شمار قزاقها بر روسها فزونی گرفته است.

اوکراینی‌ها و آلمانی‌ها در سالهای ۱۹۲۶ تا ۱۹۷۰م/۱۳۰۵ تا ۱۳۴۹ش به ترتیب پس از روسها و قزاقها دیگر گروه عمده قومی بودند. در سال ۱۹۸۹م/۱۳۶۸ش شمار آلمانیها بر اوکراینی‌ها پیشی گرفته است. این گروه که در سالهای دهه ۱۹۵۰م از ناحیه ولگا به قزاقستان تبعید شدند، حدود ۶ درصد ازجمعیت قزاقستان را تشکیل می‌دهند.(۱۸)

بدیهی است که مشابه تمام اقوام ناحیه، قزاقها نیز در یک محدودهٔ سیاسی مستقر نبوده و در سطح ناحیه پراکنده شدند. کشورهای ازبکستان و روسیه بیش از سایر جمهوریها پذیرای قزاقها بوده‌اند.

جدول ۷ ـ ۶ توزیع جمعیت قزاقستان به تفکیک گروههای قومی در سالهای ۱۹۲۶ ـ ۱۹۸۹م/۱۳۰۵ ـ ۱۳۶۸ش (درصد)[۱۹]

سال / ملیّت	۱۹۲۶م/ ۱۳۰۵ش	۱۹۵۹م/ ۱۳۳۸ش	۱۹۷۰م/ ۱۳۴۹ش	۱۹۷۹م/ ۱۳۵۸ش	۱۹۹۲م/ ۱۳۷۱ش
آلمانی	۰/۸	۷/۱	۶/۶	۶/۱	۵/۸
ازبک	۳/۳	۱/۵	۱/۷	۱/۸	۲
اوکراینی	۱۳/۲	۸/۲	۷/۲	۶/۱	۵/۴
اویغور	۰/۲	۰/۶	۰/۹	۱	-
تاتار	۱/۲	۲/۱	۲/۲	۲/۱	-
روس	۱۹/۷	۴۲/۷	۴۲/۴	۴۰/۸	۳۷/۸
قزاق	۵۷/۱	۳۰	۳۲/۶	۳۶	۴۰
کره‌ای	۰	۰/۸	۰/۶	۰/۶	-
سایر	۴/۵	۷	۵/۸	۵/۴	۹
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

۵ ـ ۲ زبانهای رایج

مردم قزاقستان به زبان قزاقی تکلم می‌کنند. این زبان از گروه زبانهای ترکی مرکزی است و به دلیل آن که تنوع گویشی زیادی دارد، زبان شناسان آن را زبانی یکپارچه می‌دانند. واژگان زبان قزاقی ترکی است ولی به مرور زمان لغاتی از زبانهای عربی، فارسی، مغولی و روسی وارد آن شده است. همین وضعیت در نقاط مرزی رخ داده واز زبانهای کشورهای همسایه واژه‌هایی وارد زبان قزاقی شده است.

پس از تسلط روسها بر قزاقستان و مهاجرت گستردهٔ آنها به این سرزمین، زبان روسی زبان رسمی قزاقستان اعلام شد و اقدامات متعدد و مداومی برای آموزش و فراگیری این زبان به عمل آمد، در مراکز اداری و آموزشی مکالمه به زبان روسی اجباری شد. بنابراین قزاقها به اجبار زبان روسی را فرا گرفتند، در حالی که روسها در یادگیری زبان قزاقی که زبان دوم مردم قزاقستان معرفی شد اجباری نداشتند. این رویکرد موجب شد که اکثریت

مردم قزاقستان زبان روسی یاد گرفتند، به طوری که در حال حاضر بیش از ۵۰ درصد قزاقها زبان روسی را زبان دوم خود می‌دانند، اما کمتر از یک درصد روسهای قزاقستان می‌توانند به زبان قزاقی سخن بگویند.(۲۰)

پس از فروپاشی شوروی سابق و اعلام استقلال قزاقستان، قزاقها حق استفاده از زبان مادری خود را به جای زبان روسی به دست آوردند و زبان قزاقی در قانون اساسی زبان رسمی و زبان روسی زبان دوم مردم قزاقستان شناخته شد.

۶ ـ ۲ مذهب

اسلام و مسیحیت آیین اعتقادی ساکنان قزاقستان محسوب می‌شوند. قزاقها مسلمان و گروههای قومی اروپایی پیرو آیین مسیح هستند. با وجود آن که مبلغان مسیحی برای جذب قزاقها تبلیغات زیادی انجام دادند، اما اکثریت قزاقها به اسلام روی آوردند و مسیحیان کنونی این جمهوری، مهاجرانی هستند که از اواخر قرن نوزدهم در آنجا ساکن شده‌اند.

آشنایی با اسلام و پذیرش اصول آن در جنوب و شمال قزاقستان متفاوت بوده است، اصولاً قزاقها بسیار دیر با اسلام آشنا شدند، مردم جنوب کشور که زودتر از سایر نقاط به اسلام گرویدند، در قرن سوم هجری با دنیای اسلام ارتباط پیدا کردند. مردم سایر نقاط این جمهوری عمدةً در قرن نوزدهم میلادی به اسلام روی آوردند. در این زمان، روحانیون تاتار در نقاط مختلف قزاقستان بویژه روستاها فعالیتهای زیادی انجام داده، و اصول و عقاید اسلامی را در میان قزاقها رواج دادند.

قزاقها سنی مذهب و پیرو مکتب حنفی هستند و قبلاً در قلمرو مرکز روحانی آسیای میانه و قزاقستان قرار داشتند، اما پس از فروپاشی شوروی سابق، تشکیلات اسلامی مستقلی در قزاقستان پایه‌گذاری شد.

تصوف در قزاقستان طرفدارانی دارد. از قرن ششم هجری / سیزدهم میلادی عقاید این فرقه در میان قزاقها رواج یافت و بتدریج بر تعداد طرفداران آن افزوده شد. «احمد یسوی» معروفترین صوفی ترک تبار، اهل «یاسی» یا «ترکستان» کنونی، در جنوب قزاقستان بود طرفداران وی در نشر و گسترش اصول اسلام در سراسر منطقهٔ ترک زبان

سعی وافری کردند، آرامگاه یاسوی در شهر ترکستان استان «قزاقستان جنوبی» یکی از مـقدس‌ترین زیـارتگاههای آسـیای مـرکزی است، تـیمور در سـال ۱۳۹۷م/۷۷۶ش مسجدی بر روی مزار وی بنا نهاد و پس از آن شماری از بزرگان و اشراف مسلمان قزاق در این مکان دفن شدند. آرامگاه یاسوی همواره پذیرای زایران بسیاری بوده است، حتی پس از سلطهٔ روسها بر ناحیه.

فرقه یسویهٔ قـزاقسـتان پس از شکست قـیام بـاسماچی در دهـهٔ ۱۹۲۰م/۱۳۹۹ش تشکیلاتی به نام ساچلوایشانلر (ایشانهای گیسو دراز) به وجـود آوردنـد. ایـن سـازمان مخفی سـیاسی، ضـمن اعـتقاد بـه جـهاد، بـابرگزاری جـلسات قـرائت قـرآن، بـه زنـده نگه‌داشتن اسلام همت گماشتند. مقامات اتحاد شوروی به اتهام خرابکاری، به شدت با طرفداران و اعضای این فرقه مقابله می‌کردند.[۲۱]

تا پیش از استقلال قزاقستان، شناخت قزاقهای مسلمان از اسلام سـطحی بـود و در انجام شعائر و احکام عملی چندان مقیّد نبودند، به طوری که اکثر نمازگزاران چند مسجد قزاقستان را افراد کهن سال تشکیل می‌دادند.[۲۲] روسها نیز برای تضعیف عقاید اسلامی تلاش بسیاری کردند. آنها با انجام اعمال مذهبی به شدت مخالف بودند و مانع برگزاری مراسم مذهبی می‌شدند و به جای آن با تبلیغ سنتهای قـومی سـعی مـی‌کردند روحـیهٔ ملی‌گرایی را در میان قزاقها تقویت کنند، هدف نهایی آنها دور کردن قـزاقـها از هـویت اسلامی واتحاد مذهبی بود. اما در آن سالها، اسلام به عنوان یک زنجیر ارتباطی مـهم وعامل حفظ خصوصیات ملی قزاقها درآمد[۲۳] و فرهنگ قزاقی همراه با اعتقاد اسلامی به مثابهٔ ابزاری برای مقابله با هجوم فرهنگی، اقتصادی و سیاسی روسها و وسیله دفاع از هویت و حیات قزاقها مطرح شد.[۲۴]

در سال ۱۹۷۹م/۱۳۵۸ش از کل جمعیت قزاقستان ۴۳ درصد مسـلمان بـودند، در میان سایر مذاهب، مسیحیت بیشترین جمعیت غیرقزاق را دارا بود. گـرچـه شـماری از قزاقها نیز مذهبی غیر از اسلام داشتند، اما مهاجران روسی، اوکراینی و آلمانی بیشترین درصد جمعیت غیرمسلمان قزاقستان را تشکیل می‌دهند (جدول ۸ـ ۶).

پس از فروپاشی شوروی و آزادی مردم در انجام عـبادت، گـرایش زیـادی در مـیان مسلمانان قزاقستان برای انـجام اعـمال مـذهبی بـه وجـود آمـد و تـعدادی مسـجد نـیز

بازسازی و نوسازی شد، اما هنوز هم در میان مساجد قزاقستان «مسجد حضرت» در شهر ترکستان و در کنار مزار احمد یاسوی مهمترین مسجد این کشور محسوب می‌شود.

جدول ۸ ـ ۶ جمعیت مسلمان قزاقستان در سالهای
۱۹۲۶ تا ۱۹۷۹م/۱۳۰۵ تا ۱۳۵۸ش (درصد)(۲۵)

سال	۱۹۲۶م/ ۱۳۰۵ش	۱۹۵۹م/ ۱۳۳۸ش	۱۹۷۰م/ ۱۳۴۹ش	۱۹۷۹م/ ۱۳۵۸ش	۱۹۹۲م/ ۱۳۷۱ش
مسلمان	۶۵	۵۳	۳۵	۴۱	۴۳
غیرمسلمان	۳۵	۴۷	۶۵	۵۹	۵۷

۷ ـ ۲ رسانه‌های گروهی

تاپیش از استقلال قزاقستان تمام رسانه‌های گروهی در کنترل دولت بود، پس از کسب استقلال همین وضعیت ادامه یافت فقط در ارائه اخبار آزادی مختصری به وجود آمد.

نخستین روزنامه‌ای که به زبان قزاقی منتشر شد «ولایت ترکستان» نام داشت. این روزنامه در سالهای ۱۸۷۱ تا ۱۸۸۳م /۱۲۵۰ تا ۱۲۶۲ش به مدت ۱۲ سال به همراه روزنامهٔ روسی زبان «اخبار ترکستان» در تاشکند منتشر می‌شد. در سال ۱۸۸۳م /۱۲۶۲ش روزنامهٔ اخبار ترکستان به زبان ازبکی و به صورت مستقل چاپ شد، بنابراین تا سال ۱۸۸۸م /۱۲۶۷ش روزنامه‌ای به زبان قزاقی وجود نداشت. در این سال روزنامه «ولایت استپ» به ضمیمه روزنامه «استپ قرقیز» در «اُمسک»[1] منتشر شد که چاپ آن فقط ۴ سال ادامه یافت.

نخستین روزنامهٔ مستقل به زبان قزاقی در سال ۱۹۰۷م/۱۲۸۶ش با نام «قزاق» به چاپ رسید. اما فقط یک شمارهٔ آن بیرون آمد و از آن به بعد روزنامه‌های دیگری به زبان قزاقی منتشر شدند که مشهورترین و مهمترین آنها روزنامهٔ قزاق بود، این روزنامه در فاصله‌سالهای ۱۹۱۳تا۱۹۱۸م /۱۲۹۲تا۱۲۹۷ش در شهر «اورنبورگ» به چاپ می‌رسید.

پس از انقلاب اکتبر و تسلط روسها بر قزاقستان، روزنامهٔ «راه حقیقت» در سال

1 - Omsk

۱۹۱۹م/۱۲۹۸ش به زبان قزاقی منتشر شد. و در سالهای بعد نشریات دیگری منتشر شدند به طوری که در سال ۱۹۸۹م/۱۳۶۸ش از تعداد ۴۵۳ نشریهٔ قزاقستان، ۱۶۰ نشریه به زبان قزاقی چاپ می‌شدند. سایر نشریات به زبانهای روسی، ازبکی، آلمانی و کره‌ای منتشر می‌شوند.[۲۶]

براساس اعلام وزارت مطبوعات قزاقستان در سال ۱۹۹۵م/۱۳۷۴ش بیش از ۷۵۰ نشریه روزانه، هفتگی و ماهانه در قزاقستان به چاپ می‌رسد که مهمترین آنها عبارتند از:

«سوویتی قزاقستان»، ارگان شورای عالی جمهوری قزاقستان است که به دو زبان روسی و قزاقی منتشر می‌شود.

«قزاقستان پراودا»، مدت ۷۰ سال است به زبان روسی چاپ می‌شود.

«یگه‌مندی قزاقستان» نام جدید روزنامهٔ «قزاقستان سوسیالیست» است، اولین شمارهٔ آن در سال ۱۹۱۹م/۱۲۹۸ش منتشر شد وارگان شورای عالی و هیأت وزیران کشور می‌باشد.

«دویچه الگمانیه»: نشریه آلمانی زبان است که از سال ۱۹۱۶م/۱۲۹۵ش با نام «فروند شافت» منتشر می‌شد.

«هالیک کنزی»، از سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش به چاپ می‌رسد و مطالب آن را اخبار پارلمان و اجلاسهای آن تشکیل می‌دهند.

«زاس آلاش»، این نشریه برای جوانان منتشر می‌شود مطالبی درباره توسعه اقتصادی و سیاسی به چاپ می‌رساند.

«ایمان» این ماهنامهٔ اسلامی با اجازه رسمی دولت منتشر می‌شود و مدیر مسؤول آن مفتی بزرگ قزاقستان است.

«امامت»: ارگان جنبش «نورا سمی پالاتینسک» است و از سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش هر هفته مطالبی درباره خلع سلاح و حفظ محیط زیست منتشر می‌کند.

نشریات «آلماتی اخشامی»، «آناتیلی» و «سوبات» دیگر نشریات مهم قزاقستان هستند. احزاب مخالف دولت نیز نشریاتی دارند که معمولاً سیاستهای دولت را نقد و بررسی می‌کنند، «آزات»، «آلاش»، «آلاش اوردا» و «خل توکسان» در زمره نشریات حزبی هستند که دورهٔ انتشار منظمی ندارند.[۲۷]

روزنامه «نور» نخستین روزنامه اسلامی است که از اوایل سال ۱۹۹۷م /اواخر سال ۱۳۷۵ش هر هفته منتشر می‌شود و هدف آن تبلیغ اصول اسلام است. این روزنامه در ۸ صفحه به ضمیمه «قزل اوردا» به چاپ می‌رسد.

خبرگزاری «کازتاک» از سال ۱۹۲۰م /۱۲۹۹ش فعالیت خود را زیر نظارت دولت شروع کرد. کازتاک مهمترین خبرگزاری قزاقستان است واخبار بین‌المللی را از خبرگزاری «ایتارتاس» مسکو دریافت می‌کند، برای گسترش دامنه فعالیتهای خود، کازتاک با خبرگزاریهای «بی‌بی‌سی» و چین قراردادهایی بسته است. «کاراوان» «آسیاپرس» و «داناپرس» که با رادیو و تلویزیون قزاقستان همکاری دارند، خبرگزاریهای دیگر قزاقستان هستند. دامنهٔ فعالیت این خبرگزاریها در مقایسه با کازتاک بسیار محدود است.

رادیوی قزاقستان دارای چهار فرستنده است، فرستندهٔ اول برنامه‌های سراسری و فرستندهٔ دوم برنامه‌های محلی را پخش می‌کنند. فرستنده سوم فقط برای آلماآتی و فرستندهٔ چهارم برنامه‌های برون مرزی را تدارک می‌بیند.

تلویزیون قزاقستان نیز دو کانال دارد که به پخش برنامه‌های محلی و سراسری اقدام می‌کند. همچنین یک کانال تجارتی به نام K.T.K از سال ۱۹۹۰م /۱۳۶۹ش روزانه ۸ ساعت برنامه پخش می‌کند. کانال خصوصی T.vin از سال ۱۹۹۱م /۱۳۷۰ش از ساعت ۷ تا ۸ صبح اخبار و موزیک پخش می‌کند. ایستگاه رادیوی بی نهایت نیز توسط همین کانال اداره می‌شود. کانال خصوصی TAV.TN که برنامه‌های آن فقط در شهر آلماآتی و حومهٔ آن دریافت می‌شود از سال ۱۹۹۱م /۱۳۷۰ش برنامه‌هایی دربارهٔ امور مالی و تجاری و موضوعات تربیتی تهیه و پخش می‌کند.[۲۸]

رادیو و تلویزیون قزاقستان همچنین برنامه‌هایی به زبانهای قزاقی، روسی، آلمانی، کره‌ای و ایغوری نیز تهیه می‌کند.

۸ ـ ۲ تقسیمات کشوری

جمهوری قزاقستان به ۱۹ استان تقسیم شده است (جدول ۹ ـ ۶). مراکز استانها مهمترین شهرهای قزاقستان محسوب می‌شوند که اکثر واحدهای مهم صنعتی کشور نیز در آنها مستقر است (نقشهٔ ۴۶).

جدول ۹ ـ ۶ استانهای قزاقستان و برخی مشخصات مراکز آنها[۲۹]

استان	مرکز استان		
	نام	فاصله‌از مرکزکشور (کیلومتر)	جمعیت در سال ۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش (به هزارنفر)
آیتراو(گوریف)	آیتراو	۱۹۹۷	۱۴۹
آق‌مولا(تسلینوگراد)	آق مولا	۹۷۰	۲۷۷
اکتیوبینسک	آکتیوبینسک	۱۶۸۹	۲۵۳
آلماآتی	آلماآتی	-	۱۱۲۸
پاولودار	پاولودار	۱۰۰۶	۳۳۱
تالدی قرغان (تالای‌گورکان)	تالدی قرغان	-	-
تورغای (تورگای)	آرقالیق	-	-
ژامبیل (جامبول)	ژامبیل	۴۵۵	۳۰۷
ژزقازغان(جزقازغان)	ژزقازغان	-	-
سمی	سمی	۸۳۹	۳۳۴
قراغاندی(کاراگاندا)	قراغاندی	۷۸۶	۶۱۴
قزاقستان جنوبی	چیمکنت	۶۰۸	۳۹۳
قزاقستان شرقی	اوسکمن (اوست‌کامنوگورسک)	۸۶۳	۳۲۴
قزاقستان شمالی	پتروپاول (پتروپاولوفسک)	۱۴۱۳	۲۴۱
قزاقستان غربی	اورال(اورالسک)	۲۱۱۰	۲۰۰
قزل اوردا	قزل اوردا	۹۳۳	۱۵۳
قستانای (کوستانای)	قستانای	۱۴۷۶	۲۲۴
کوکچه تاو	کوکچه تاو	۱۲۴۵	۱۳۷
منقشلاق (منگیستاو)	آق تاو(شفچنکو)	۲۰۷۱	۱۵۹

بخش جنوبی سرزمین پهناور قزاقستان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ بویژه دو استان قزاقستان جنوبی یا چیمکنت سابق و ژامبیل که در زمره نقاط تاریخی با قـدمت

نقشه ۴۶

سکونت طولانی هستند. دو ناحیهٔ اخیر که مدت طولانی در قلمرو حکومت اسلامی بودند غنی‌ترین آثار دوران اسلامی قزاقستان را در خود جای داده‌اند. در طی چند دههٔ اخیر نقاط دیگری در این سرزمین اهمیت یافته‌اند، گرچه تاریخ سکونت درآنها چندان طولانی نیست.

۱ ـ ۸ ـ ۲ آلماآتی

پایتخت قزاقستان آلماآتا پس از استقلال به آلماآتی تبدیل شد که در هر دو شکل به معنی «پدر سیب» است. هستهٔ اولیه شهر مذکور در سال ۱۸۴۵م/۱۲۲۴ش در محل واحه‌ای به نام «آلماآتو» شکل گرفت. آلماآتو که معنی درخت سیب را در زبان قزاقی دارد، در آن هنگام به علت واقع بودن در مسیر ارتباطی جادهٔابریشم از موقعیت ممتازی برخوردار بود.

آلماآتی در ناحیه مرتفع جنوب شرقی قزاقستان و در دامنهٔ کوههای آلاتاو قرار دارد وارتفاع متوسط آن ۷۰۰ متر می‌باشد.

شهر در طی زلزله سال ۱۹۱۰م/۱۲۸۹ش به کلی ویران شد و پس از بازسازی از ساختی نسبتاً جدید با خیابان‌بندی منظم برخوردار شد. تمرکز فعالیتهای اداری، سیاسی، فرهنگی واقتصادی در آلماآتی زمینهٔ مناسبی را برای تمرکز گسترده جمعیت فراهم کرد (جدول ۱۰ ـ ۶). به طوری که از نظر تعدادجمعیت اولین شهر قزاقستان و دومین شهر آسیای مرکزی محسوب می‌شود.

جدول ۱۰ ـ ۶ جمعیت آلماآتی در سالهای ۱۹۳۹ ـ ۱۹۹۱م/۱۳۱۸ ـ ۱۳۷۰ش (۳۰)

سال	۱۹۳۹م/ ۱۳۱۸ش	۱۹۵۹م/ ۱۳۳۸ش	۱۹۷۰م/ ۱۳۴۹ش	۱۹۸۱م/ ۱۳۶۰ش	۱۹۹۱م/ ۱۳۷۰ش
جمعیت	۲۲۲۰۰۰	۴۵۶۰۰۰	۷۳۰۰۰۰	۹۷۵۰۰۰	۱۱۲۸۰۰۰

مهمترین و بزرگترین مراکز فرهنگی و اداری قزاقستان در آلماآتی مستقرند. همچنین کارخانه‌های متعددی بویژه در بخش صنایع غذایی و پوشاک نیز در این شهر تأسیس

شده است. درکنار مکانهای دیدنی شهر، کلیسای قدیمی که دومین ساختمان چوبی بلند جهان بشمار می‌رود، از شهرت ویژه‌ای برخوردار است.

۲ ـ ۸ ـ ۲ قراغاندی (کاراگاندا)

این شهر در سال ۱۸۵۷م /۱۲۳۶ش تأسیس شد و پس از کشف حوضه‌های وسیع زغال سنگ در اطراف آن از اهمیت زیادی برخوردار شد و به عنون مهمترین مکان استخراج زغال سنگ مورد توجه قرار گرفت، به طوری که اکنون دومین شهر بزرگ قزاقستان محسوب می‌شود. فراوانی معادن زغال سنگ در این ناحیه سبب شده که یک نیروگاه حرارتی با سوخت زغال سنگ در آن احداث شود و شهر به دلیل فعالیتهای صنعتی مرکز حمل و نقل گستردهِ هوایی، راه‌آهن و جاده‌ای باشد. یکی از شاخه آبهای رودخانه ایشیم ضمن عبور از شمال شهر، آب زراعی زمینهای کشاورزی اطراف آن را تأمین می‌کند.

۳ ـ ۸ ـ ۲ سمی

این شهر که تا پیش از استقلال قزاقستان سمی‌پالاتینسک نام داشت در سال ۱۷۱۸م / ۱۰۹۷ش به عنوان پاسگاه مرزی روسیه تأسیس شد. بعدها با توسعه و گسترش آن بر اهمیتش افزوه شد، به طوری که در قرن نوزدهم میلادی از نقاط عمدهٔ تجارت میان روسها، چینی‌ها، قزاقها و قرقیزها به شمار می‌آمد.

سمی که در شمال شرق قزاقستان، نزدیک مرز با روسیه واقع است و رودخانه ایریتش از وسط آن عبور می‌کند از سال ۱۹۴۹م /۱۳۲۸ش محل انجام آزمایشهای اتمی روسیه شد. در این سال اولین بمب اتمی و در سال ۱۹۵۳م /۱۳۳۲ش اولین بمب هیدروژنی شوروی در سمی منفجر شدند. آزمایشها وانفجارهای اتمی بین سالهای ۱۹۴۹ تا ۱۹۶۳م /۱۳۲۵ تا ۱۳۴۲ش و انجام ۲۶۷ آزمایش اتمی، ۲۵ انفجار هسته‌ای در سطح زمین، ۸ آزمایش در ارتفاع بالا و ۹۱ آزمایش هوایی، سمی را به یکی از آلوده‌ترین نقاط دنیا تبدیل کرد.(۳۱)

پخش مواد رادیوآکتیو سبب آلودگی شدید محیط در سطح وسیعی از ناحیه شد که

بروز انواع سرطانها و بیماریهای روانی ـ عصبی آشکارترین جلوهٔ آن بود. با استقلال قزاقستان در سال ۱۹۹۰م /۱۳۶۹ش انجام آزمایشهای اتمی در قزاقستان ممنوع شد و پس از ۴۲ سال مکان آزمایشها در سمی بسته شد.

۴ـ ۸ـ ۲ چیمکنت

این شهر از قدیمی‌ترین نقاط مسکونی قزاقستان محسوب می‌شود. مقدسی آن را جموکت نوشته و شهری بزرگ و بسیار مستحکم دانسته که دارای مسجد جامع و بازارهای پر رونق می‌باشد.[۳۲] چیمکنت زمانی از مراکزعمده تجاری و محل رفت و آمد کاروانهای بزرگ بازرگانی بود. در سال ۱۸۶۴م /۱۲۴۳ش قلعه نظامی آن به تصرف روسها در آمد و از آن پس در قلمرو آنها قرار گرفت.

با احداث راه‌آهن، چیمکنت نیز در مسیر خط آهن ترکستان ـ سیبری قرار گرفت و صنایع بسیاری مانند کارخانه‌های پارچه بافی، داروسازی، تصفیه فلزات و مواد شیمیایی درآن احداث شد. چیمکنت که جنوبی‌ترین شهر مهم قزاقستان است در نزدیکی مرز این سرزمین با ازبکستان و در فاصلهٔ اندکی با تاشکند واقع است.

۵ـ ۸ـ ۲ ترکستان

این شهر در نزدیکی چیمکنت واقع است و همانند آن سابقهٔ تاریخی طولانی دارد. گفته می‌شود مکانی که مقدسی با نام «شادغر» شرح داده، در واقع همان «یسی» [یاسی] و به عبارت دیگر ترکستان کنونی است. در وجه تسمیه آن آورده‌اند که این شهر به نام «حضرت ترکستان» یعنی شیخ احمد یسوی [یاسوی] که از اولیاء الله بود نامگذاری شده است.[۳۳]

نامبرده در اوایل قرن ششم در این شهر وفات یافت و در زمان امیرتیمور بر مزار او بارگاهی ساختند که حتی اکنون نیز مهمترین مکان مذهبی مسلمانان قزاقستان و زیارتگاه مردم آن دیار می‌باشد.

۶ـ۸ـ۲ آق مولا

این شهر که یکی از سرشاخه‌های رود ایشیم از میان آن عبور می‌کند، تقریباً در قسمت شمال ناحیه مرکزی قزاقستان واقع است. در سالهای پس از استقلال سیاستمداران قزاقی این مکان را به عنوان مرکز و پایتخت کشور معرفی کردند. زلزله‌خیز بودن آلماآتی و دوری آن نسبت به بخش بزرگی از کشور علت اصلی این تغییر و تحول ذکر شده است. ضمن آن نزدیکی به مرزهای روسیه و نقاط روس‌نشین وجذب قزاقها در این شهر برای تغییر ترکیب قومی جمعیت در نقاط روس نشین شمالی در این انتخاب بی‌تأثیر نبوده است. قرار است آق مولا در دههٔ اول قرن بیست و یکم میلادی رسماً پایتخت کشور اعلام شود و از هم اکنون نیز اقداماتی برای نقل و انتقال مراکز مهم اداری ـ فرهنگی ـ سیاسی و کارکنان آن انجام شده است. آق مولا نیز مشابه قزل اوردا و «لیساکوفسک» منطقه اختصاصی اقتصادی است که فعالیتهای اقتصادی در آن از امتیازهای بیشتری نسبت به سایر نقاط برخوردار است.

۳ـ ویژگیهای اقتصادی

۱ـ ۳کلیات

وسعت زیاد، تنوع شرایط اقلیمی و وفور معادن سبب شده که قزاقستان در میان کشورهای آسیای مرکزی از بزرگترین و مهمترین تولیدکنندگان و صادرکنندگان محصولات کشاورزی، مواد اولیهٔ معدنی و برخی تولیدات صنعتی باشد و به همین دلیل ثروتمندترین کشور ناحیه نیز به شمار می‌آید.

اقتصاد قزاقستان تا پیش از فروپاشی اتحاد شوروی، دولتی و وابسته به روسیه بود. پس از کسب استقلال دولتمردان کشور، برای ایجاد تحول اساسی در ساختار اقتصادی سرزمین خود اقدامات متعددی انجام دادند، اما دو موضوع مهم بجا مانده از وضعیت اقتصادی پیشین، تغییرات را با مشکلاتی مواجه کرده است.

۱ـ در سیستم اقتصادی شوروی، برنامه‌های تولید و توزیع در مجموعهٔ جمهوریها مورد نظر بود، نه در سطح جمهوریها و به صورت مجزا و منفک از یکدیگر. به همین

دلیل مشاهده می‌شود که مکان تولید با مکان مصرف فاصله زیادی دارد، به طور مثال ذخایر گاز در بخش غربی و بزرگترین مراکز مصرف در بخش شرقی کشور و در فاصله ۳ هزار کیلومتری از آن، قرار دارند. به دلیل عدم اجرای برنامه‌هایی برای انتقال نفت به مراکز مصرف، نفت تولیدی قزاقستان به مراکز مصرف نزدیکتر، یعنی روسیه، منتقل می‌شود و نفت مورد نیاز قزاقستان از طریق خط لوله ازسیبری تأمین می‌شود.

این وضعیت در مورد بسیاری از کالاها و مواد اولیهٔ دیگر نیز وجود داشته است. اکنون که قزاقستان مستقل شده است، احداث و ایجاد ساختارهای مورد نیاز برای انتقال کالاها و فراورده‌های گوناگون از مراکز تولید به مراکز مصرف یکی از معضلات کشور و یکی از برنامه‌های بلندمدت آن می‌باشد.

۲ ـ موضوع دیگر نداشتن تجربهٔ لازم مسؤولان امور بازرگانی و تجارت این کشور در مورد بازار جهانی، چگونگی دستیابی به اقتصاد بازار و نحوهٔ برخورد با مشکلات است که این وضعیت نیز ناشی از تمرکز برقراری وانجام روابط تجاری خارجی از طریق دولت مرکزی شوروی سابق است.

مع‌الوصف قزاقستان پس از استقلال با اشتیاق فراوان به سوی خصوصی کردن سریع اقتصاد و روی آوردن به اقتصاد آزادگام نهاد و مشابه روسیه سیاست «شوک اقتصادی» را به مرحله اجرا درآورد. نبود ساختارهای اقتصادی لازم و نیز فقدان تجربهٔ کافی سبب شد سیاست اقتصادی اتخاذ شده، مشکلات فراوان و افت اقتصادی را به همراه آورد.

در سالهای ۱۹۹۲ ـ ۱۹۹۳م/۱۳۷۱ ـ ۱۳۷۲ش هر سال ۱۳ درصد از تولید داخلی قزاقستان کاسته شد. تولیدات صنعتی در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش نسبت به سال قبل از آن ۱۳/۸ درصد کاهش یافت و در سال بعد نیز مجدداً ۱۶/۱ درصد دیگر اُفت داشت. در ۶ ماههٔ اول سال ۱۹۹۴م/۱۳۷۲ش مجموع تولیدات کشور نسبت به مدت مشابه سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش ۲۶/۹ درصد و تولیدات صنعتی ۲۹/۴ درصد کاهش داشته است.

در سالهای مذکور بیشتر کارخانه‌های بزرگ یا تعطیل شدند و یا کاهش تولید داشتند. در اول ماه ژوئیه سال ۱۹۹۴م/تیرماه ۱۳۷۳ش، تعداد کارخانه‌ها و کارگاههای تعطیل و نیمه تعطیل بیش از ۷۳۰ مورد بود و فقط ۱۰ درصد کارخانه‌های خصوصی تولید عادی

خود را داشتند. بیش از ۶۰ درصد مؤسسه‌های اقتصادی قزاقستان با زیان روبرو بودند.

کمبود تولید سبب تورم و افزایش شدید قیمت کالاهای اساسی شد، از ابتدای سال ۱۹۹۲م /۱۳۷۱ش تا ماه مه ۱۹۹۴م / اردیبهشت ماه ۱۳۷۱ش در حالی که میزان درآمد مردم ۲۱۶ برابر شده بود قیمت کالاهای مصرفی ۲۲۰۰ برابر گردیده بود.

با وجود بروز مشکلات متعدد، قزاقستان مصمم به تداوم تسریع در اصلاحات اقتصادی است و براساس برنامهٔ استراتژیک رئیس جمهور، به اصلاحات اقتصادی تا نیل به اهداف پیش‌بینی شده ادامه می‌دهد. در برنامه‌ای که نظربایف در ماه مه ۱۹۹۲م / اردیبهشت ماه ۱۳۷۱ش ارائه کرد مدت اصلاحات اقتصادی ۱۵ تا ۲۰ سال و در سه مرحله پیش‌بینی شده است. در مرحلهٔ اول بین سالهای ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۵م /۱۳۷۱ تا ۱۳۷۴ش، خصوصی کردن خدمات ،مسکن، صنایع کوچک و بزرگ مد نظر است. در مرحله دوم از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۵م /۱۳۷۵ تا ۱۳۸۴ش، گسستن از وضعیت تک محصولی و ایجاد نیروی کار و بازرگانی و بازار پیشرفته مورد توجه قرار گرفته است و سرانجام در سالهای ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۳م /۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ش، توسعهٔ اقتصاد مرتبط با جهان خارج و رشد و توسعهٔ صنایع مورد توجه قرار می‌گیرد. ضمن آن که جلب سرمایه‌های خارجی، توسعهٔ فعالیتهای اقتصادی وتجاری بین‌المللی و تأمین کالاهای مصرفی نیز از اهداف دیگر مرحلهٔ سوم است.

مشکلات ناشی از شوک اقتصادی سبب شد که از نیمهٔ دوم سال ۱۹۹۳م /۱۳۷۲ش دولت روش کنترل شدیدتری را به کار گیرد. کاهش هزینه‌های دولتی و بودجهٔ نظامی، جلوگیری از افزایش بی رویهٔ هزینه‌های عمومی و محدود کردن میزان افزایش حقوق، تدابیری بودند که دولت برای کاهش نرخ تورم به کار گرفت. همزمان با این برنامه‌ها، تلاش بسیاری برای توسعهٔ روابط بین‌المللی و بویژه اخذ وام از صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و کشورهای پیشرفته، برای بهره‌برداری از منابع زیرزمینی انجام گرفت. در واقع قزاقستان سیاست جلب سرمایه‌های خارجی و گسترش روابط بازرگانی را به عنوان حربه‌ای برای مقابله با بحران اقتصادی به کار برده است. بدیهی است که تثبیت شرایط اقتصادی و رسیدن به اهداف برنامه‌های اقتصادی نیازمند زمان بیشتری است.(۳۴)

۲ ـ ۳کشاورزی

این بخش در اقتصاد قزاقستان نقش مهمی دارد. در سال ۱۹۹۲م /۱۳۷۱ش در حالی که فقط ۱۶ درصد از نیروی کار در امور کشاورزی شاغل بوده‌اند، تولیدات آن حدود ۳۸ درصد از تولید ناخالص ملی را به خود اختصاص داده است.[۳۵]

۱ ـ ۲ ـ ۳زراعت

انجام کشت و زرع در اراضی جنوب قزاقستان به دلیل حاکم بودن ویژگیهای جغرافیایی نواحی گرم و خشک، با مشکل کم‌آبی مواجه است. به همین سبب این ناحیه به کشت آبی و دامداری و دامپروری اختصاص یافته است. بخش شمالی کشور مهمترین و وسیع‌ترین زمینهای زراعی را دارد. این ناحیه که تا دهۀ ۱۹۵۰م /۱۳۳۰ش کمتر مورد استفادۀ زارعان قرار می‌گرفت، با اجرای برنامۀ بهره‌برداری از اراضی دست نخورده در زمان زمامداری خروشچف، مورد توجه قرار گرفت و بیش از ۲۰ میلیون هکتار از زمینهای آن به کشت گندم اختصاص یافت، و از آن پس این سرزمین به انبار غلۀ شوروی شهرت یافت.[۳۶]

در میان محصولات زراعی گوناگون، غلات، بویژه گندمزارها بیشترین اراضی زیرکشت را تشکیل می‌دهند. سیب‌زمینی، انواع سبزی، میوه و علوفه نیز سطح زیر کشت زیادی دارند در حالی که پنبه، چغندر قند، آفتابگردان و کتان مجموعاً ۱۲ درصد از اراضی زیرکشت را به خود اختصاص داده‌اند.

گندم مهمترین محصول زراعی قزاقستان است. در سال ۱۹۹۰م /۱۳۶۹ش این جمهوری از نظر تولید گندم مقام ششم را در سطح جهان داشت. در حال حاضر حدود ۳۶ میلیون هکتار از زمینهای کشاورزی به کشت غلات بویژه گندم اختصاص دارد و به طور متوسط سالانه ۱۸ تا ۲۲ میلیون تن گندم تولید می‌شود. لازم به ذکر است که تحولات سیاسی واقتصادی سالهای اخیر و پیامدهای آن به صورت تغییر سیاستهای کشاورزی و رکود نسبی در فعالیتها، تولیدات زراعی نیز مشابه سایر تولیدات با کاهش روبرو شد. به طوری که در سال ۱۹۹۱م /۱۳۷۰ش میزان تولید گندم به ۱۱/۹ میلیون تن کاهش یافت،[۳۷] اما با ایجاد ثبات سیاسی و تداوم فعالیتهای اقتصادی کشت و زرع نیز

روند طبیعی خود را ادامه داد.

بخش عمدهٔ مازاد غله تولید قزاقستان به سایر کشورها صادر می‌شود. روسیه بزرگترین وارد کنندهٔ غلات قزاقستان است. ارز حاصل از صادرات غلات در جهت رشد و توسعهٔ کشاورزی مصرف می‌شود. در حال حاضر مهمترین هدف دولت ایجاد امکانات مناسب برای انبار کردن غلات و افزایش و بهبود وسایل حمل و نقل تولیدات زراعی می‌باشد. زیرا گفته می‌شود حدود ۳۰ درصد از محصولات زراعی قزاقستان به علت فقدان امکانات مجهز انبار داری و کمبود وسایل حمل و نقل به هدر می‌رود.

پنبه، برنج و چغندر قند از دیگر محصولات مهم زراعی قزاقستان محسوب می‌شوند که بیشتر در زمینهای آبی و در دره‌های رودخانه‌ها و یا کوهپایه‌های جنوب کشور کشت می‌شوند (جدول ۱۱ ـ ۶).

جدول ۱۱ ـ ۶ میزان تولید برخی از محصولات زراعی قزاقستان در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش (هزار تن)[۳۸]

محصول	میزان تولید
انگور	۷۵
پنبه	۲۵۲
جو	۸۵۱۰
چغندر قند	۱۳۰۰
دانه‌های روغنی	۲۳۵
سبزی	۱۳۰۰
سیب‌زمینی	۲۵۷۰
گندم	۱۸۲۸۰
میوه	۹۸/۳

۲ ـ ۲ ـ ۳ دامداری

نگهداری و پرورش دام بویژه به شکل کوچ‌نشینی و نیمه کوچ‌نشینی مهمترین حرفهٔ سنتی قزاقها طی قرون متمادی بوده است. در نواحی نیمه بیابانی که زراعت با مشکلات فراوانی انجام می‌شود. پوشش گیاهی متشکل از انواع گیاهان مرتعی، منبع غذایی

رایگانی برای تغذیهٔ دامها در فصل سرد سال مهیا می‌کند. در فصل گرم سال نیز دامها برای چرا به کوهستانهای شرقی و یا آبادیهای کوهپایه‌ها برده می‌شوند. سکنهٔ قزاقستان با بهره‌برداری بهینه از این امکانات بالفعل از دیرباز به پرورش گوسفند و بز و شتر مشغول بوده‌اند.

با اجرای برنامهٔ اقتصادی روسها پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷م/۱۲۹۶ش و اسکان اجباری عشایر دامدار و سلب مالکیت آنها از دامها، بسیاری از دامداران یا جان خود را از دست دادند و یا به سایر کشورها مهاجرت کردند و دیگران نیز به سکونت در مساکن دایمی و تغییر شیوه معیشت تن دادند. در چند سال اخیر مجدداً گروهی از مردم به زندگی نیمه کوچ‌نشینی در سطح محدود روی آورده‌اند. آنان در بخشهای جنوبی و مرکزی قزاقستان زندگی می‌کنند. در نواحی استپی شمال کشور در کنار پرورش دامهای کوچک، نگهداری از گاو و گاومیش نیز رونق دارد.

قزاقستان در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش دارای ۳۴/۵ میلیون رأس بز و گوسفند، ۲/۹۸ میلیون رأس خوک، ۹/۶ میلیون رأس گاو، ۵۴ میلیون قطعه مرغ و ماکیان، ۱/۶۷ میلیون رأس اسب و ۱۴۵ هزار نفر شتر بوده است.(۳۹)

تولیدات دامی قزاقستان (جدول ۱۲ ـ ۶) بخشی به مصرف نیازهای داخلی می‌رسد و بخشی دیگر صادر می‌شود.

جدول ۱۲ ـ ۶ برخی تولیدات دامی قزاقستان در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش(۴۰)

محصول	میزان تولید
شیر	۵/۳ میلیون تن
گوشت	۱/۳ میلیون تن
تخم‌مرغ	۳/۵۴ میلیارد عدد
پشم	۱۰۵ هزار تن

همجواری قزاقستان با دریای خزر این کشور را از نظر نیاز به آبزیان خودکفا کرده است. یکی از فعالیتهای عمدهٔ اقتصادی کشور صید ماهی می‌باشد که علاوه بر ایجاد اشتغال و تأمین بخشی از پروتئین مورد نیاز مردم، منبع ایجاد درآمد وارز برای کشور به شمار می‌آید.

۳ـ۳ منابع معدنی

قزاقستان ذخایر غنی از مواد معدنی دارد. زغال سنگ، نفت، گاز، سنگ آهن، سرب، روی، مس، کرومیت، نیکل، کادمیوم، تنگستن، مس، منگنز، بوکسیت، فسفر، تیتانیوم، نقره و طلا مهمترین کانیهای کشور به شمار می‌روند.

قزاقستان در سال ۱۹۹۰م /۱۳۶۹ش حدود ۹۰ درصد کروم، ۵۰ درصد زغال سنگ و ۷ درصد نفت اتحاد جماهیر شوروی را تأمین می‌کرد.(۴۱) در سال ۱۹۹۳م /۱۳۷۲ش میزان تولید مواد معدنی قزاقستان در مقایسه با کشورهای مستقل مشترک‌المنافع بسیار بیشتر از نیاز داخلی کشور بوده است (جدول ۱۳ـ ۶).

جدول ۱۳ ـ ۶ میزان ذخایر، تولید و مصرف مواد کانی قزاقستان نسبت به میزان کل کشورهای مستقل مشترک‌المنافع در سال ۱۹۹۳م/۱۳۷۲ش (درصد)(۴۲)

کانی	میزان ذخایر	میزان تولید	میزان مصرف
زغال سنگ	۱۲	۳۰	۲۱
روی	۳۶	۵۵	۶
سرب	۳۸	۶۱	۵
طلا	۱۰	۰/۱	۰/۰۱
فسفات	۴۰	۱۹	۲۱
قلع	۷	۰	۱
کروم	۹۶	۹۵	۴۶
مس	۲۹	۳۱	۶
منگنز	۱۳	۳	۴
نقره	۲۶	۴۹	۶
نیکل	۴	۷	۶

قزاقستان از نظر میزان ذخایر مواد کانی بسیار غنی است. بیش از نیمی از ذخایر شناخته شدهٔ کرومیت جهان در قزاقستان قرار دارند و معادن این سرزمین در «خرومتاو» و «دونسکویه» بزرگترین معادن کروم در جهان محسوب می‌شوند.

ذخایر منگنز قزاقستان در میان کشورهای جهان رتبه سوم را به خود اختصاص

داده‌اند. مهمترین معادن سنگ آهن کشور در ناحیه رودنی، ذخایر مس در ژزقازغان واقع در مرکز کشور، فسفریتها در ارتفاعات قراتاو قرار دارند. همچنین کوههای شرق کشور معادن فراوان مس، سرب، نقره، روی و کادمیوم را در خود جای داده‌اند. در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش میزان تولید برخی از کانیهای قزاقستان و سهم آن در تولید جهانی در جدول ۱۴ـ ۶ مشاهده می‌شود.

جدول ۱۴ـ ۶ میزان تولید کانیهای قزاقستان
و سهم آن در تولید جهانی در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش [۴۳]

نام کانی	میزان تولید (به هزارتن)	سهم در تولید جهانی (به درصد)
اورانیوم	۳	۹
تانتال	۰/۳	۳۳
روی	۲۶۵	۳/۵
سرب	۱۰۰	۳/۵
سنگ آهن	۱۷۷۰۰	-
طلا	۰/۰۱۲	-
کروم	۳۵۰۰	۳۳
مس	۳۰۰	۳
نقره	۰/۶	۴

در میان منابع معدنی قزاقستان، کانیهای انرژی‌زا به ویژه نفت و گاز نقش مهمی در اقتصاد کشور دارند.

۱ـ ۳ـ ۳ نفت

برخی از اقتصاددانان قزاقستان را با کویت مقایسه می‌کنند. براساس تخمین منابع غربی میزان ذخیره نفت خام این کشور حدود ۵/۲ میلیارد تن (۳۸/۱ میلیارد بشکه) و براساس برآورد کارشناسان قزاق ۱۵/۶ میلیارد تن (۱۱۴ میلیارد) بشکه می‌باشد.[۴۴]

میزان استخراج نفت خام قزاقستان در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش رقمی بین ۲۵/۸ تا ۲۷

میلیون تن ذکر شده است که مقدار مازاد بر مصرف داخلی صادر شده است.

بیش از ۱۶۰ مخزن نفت در این جمهوری شناسایی شده است، ولی فقط ۶۰ مخزن از نظر صرفهٔ اقتصادی قابل بهره‌برداری می‌باشند و مخازن دیگر به دلیل هزینه‌های زیاد برای استخراج و حمل و نقل اقتصادی نیستند.[۴۵]

بیشتر حوزه‌های نفت قزاقستان در بخش غربی کشور قرار دارنـد، حـوزهٔ تـنگیز در شمال شرق دریای خزر، حوزهٔ اورال، حوزهٔ آلمونیسک و حوزهٔ قره چغانک مـهمترین مخازن نفت می‌باشند که از میان آنها حوزه تنگیز با چهار هزار کیلومتر مربع وسعت و ۲۵ میلیارد بشکه ذخیرهٔ نفت قدیم‌ترین و مهمترین حوزهٔ نفتی قزاقستان به شمار مـی‌رود. مؤسسهٔ زمین‌شناسی قزاقستان اعلام کرده که تنها ذخایر سواحل دریای خزر آن کشور بـالغ بـر ۵۰ مـیلیارد تـن نـفت (۳۶۶ مـیلیارد بشکـه) و ۱۰ تـریلیون مـتر مکـعب گـاز می‌باشد.[۴۶]

تا پیش از استقلال جمهوری قزاقستان، شوروی سـابق در تـمام زمـینه‌های کشـف، استخراج و صدور نفت قزاقستان سرمایه‌گذاری کـرده بـود و از مـنافع آن بـهره‌برداری می‌کرد. پس از استقلال قزاقستان، این کشور با مشکلاتی در زمینهٔ تأمین سرمایه، کاربرد تکنولوژی جدید و استفاده از خطوط لوله برای انتقال نفت به بنادر صادراتی مواجه شد بـنابرایـن بـرای جـذب سـرمایه و فـن آوری غـرب، راه ورود سـرمایه‌گـذاران غـربی و کارشناسان نفتی آنها را به کشور باز کرد.

کشورهای غربی نیز برای سود جستن از فرصتهای اقتصادی قزاقستان به سرعت به این سرزمین روی آوردند «انگلستان» و «ایتالیا» قرار داد استخراج نفت از مـیادین قـره چغانک در ناحیه اورال را امضا کردند، «شورون» چهارمین کمپانی نفتی امریکا از نـظر میزان سرمایه، قرارداد گسترش میادین نفتی تنگیز در شمال شرق دریای خزر را به عهده گرفت. قرارداد این شرکت ۴۰ سال است و سرمایه‌گذاری آن به ۲۰ میلیارد دلار خواهد رسید.[۴۷] طبق برنامه تولید اولیه نفت این ناحیه ۶۰ هزار بشکه در روز و پس از چند سال ۷۵۰ هزار بشکه در روز و بهره‌برداری نهایی تا ۷ میلیارد بشکه خواهد بود.[۴۸] همچنین براساس پیمانی شرکت «الف نفت و گاز» فرانسه در ناحیه‌ای به وسعت حدود ۱۹ هزار کیلومترمربع در بخش مرکزی قزاقستان بر اکتشاف مخازن نفتی خواهد پـرداخت.[۴۹]

شرکت نفتی عمان نیز موافقت‌نامه‌ای با قزاقستان امضا کرده که براساس آن اکتشاف نفت در منطقه‌ای به وسعت ۱۶ هزار کیلومتر مربع در شمال غربی قزاقستان با ذخیرهٔ ۱۵ میلیارد بشکه را به انجام برساند.

فعالیتهای اشتراکی با مشکلات متعددی روبرو شده است، زیرا از یک سو هنوز مشکل حمل و انتقال نفت حل نشده و از سوی دیگر مفاد قرار دادها به مرحلهٔ عمل در نیامده است. مثلاً در میدان نفتی تنگیز که قرار بود در پایان سال ۱۹۹۳م /۱۳۷۲ش حدود ۳ میلیون تن نفت استخراج و صادر شود فقط ۹۳۰ هزار تن نفت صادر شده است.[۵۰]

همچنان که ذکر شده میزان تولید نفت قزاقستان بیش از نیاز داخلی است، این وضعیت حتی در نخستین سالهای پس از استقلال که در تمام زمینه‌های اقتصادی کاهش تولید و کسری توزیع وجود داشت، حاکم بود. (جدول ۱۵ ـ ۶).

جدول ۱۵ ـ ۶ توازن محصولات نفتی قزاقستان
در سال ۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش (میلیون بشکه در روز)[۵۱]

تولید ناخالص	کل تقاضای داخلی	جریان خالص	درصد خودکفایی
۰/۳۷	۰/۳۳	۰/۰۴	۱۱۲

متخصصان براساس برآوردهایی از ذخایر نفتی قزاقستان، این کشور را یکی از مهمترین کشورهای نفت‌خیز جهان می‌دانند (جدول ۱۶ ـ ۶).

جدول ۱۶ ـ ۶ جایگاه قزاقستان در صنعت نفت جهان در سال ۱۹۹۳م/۱۳۷۲ش[۵۲]

سهم در استخراج جهانی (درصد	ذخایر پیش‌بینی شده (میلیاردتن)	مکان جهانی براساس میزان ذخایر
۰/۸	۶/۱	۱۰

آنها همچنین براساس برآوردهای خود توازن نفتی قزاقستان را در سال ۲۰۰۰م / ۱۳۷۹ش طرح‌ریزی کرده‌اند (جدول ۱۷ ـ ۶).

جدول ۱۷ ـ ۶ برآورد توازن نفتی قزاقستان
در سال ۲۰۰۰م/۱۳۷۹ش (میلیون بشکه در روز)[۵۳]

عرضه	تقاضا	صادرات خالص
۱/۴ ـ ۱/۹	۰/۴ ـ ۰/۶	۰/۵ ـ ۰/۸

مشاهده می‌شود که براساس برآورد کارشناسان نفتی بیشتر نفت تولیدی قزاقستان صادر خواهد شد. اما قزاقستان با مشکل حمل و انتقال نفت و گاز مواجه است.

قبلاً روسیه نفت این کشور را از طریق خطوط لوله به بنادر دریای سیاه منتقل می‌کرد. اما اکنون، این کشور با اعلام خطرات زیست محیطی و عدم مقاومت لوله‌ها در برابر ترکیبات شیمیایی نفت حوزه تنگیز، استفاده از خط لوله را محدود نموده است. قزاقستان برای جبران خسارت ناشی از کاهش صادرات با شرکتهای غربی وارد مذاکره شده و قراردادهایی در زمینهٔ ایجاد خط لوله‌ای که نفت قزاقستان را از طریق ترکیه به دریای مدیترانه برساند، منعقد کرده است. همچنین کنسرسیوم نفتی خزر متشکل از روسیه، قزاقستان و عمان قرار است لولهٔ جدیدی برای حمل نفت قزاقستان از طریق روسیه احداث کنند. اقداماتی نیز برای انتقال نفت به بازارهای مصرف از راه خلیج فارس انجام شده است. اما هنوز هیچ کدام از طرحها به مرحلهٔ اجرا و بهره‌برداری نرسیده است.

۲ ـ ۳ ـ ۳گاز

ذخایر گاز قزاقستان حدود ۱۰ تریلیون متر مکعب برآورد شده که از این میزان ۲/۳ تریلیون مترمکعب آن ذخایر کشف شده هستند. کارشناسان نفتی در پی شناسایی و کشف سایر ذخایر گاز هستند.

منابع شناخته شده گاز قزاقستان در ۹ منطقه متمرکزند که از میان آنها میدان بزرگ گازی «شاخپاخت» با ذخیره‌ای حدود ۳۰۰ میلیارد مترمکعب و حوزهٔ منقشلاق مهمتر از سایرین محسوب می‌شوند.[۵۴] در سال ۱۹۹۳م /۱۳۷۲ش حجم گاز منتقل شده حدود ۱۳/۴ میلیارد مترمکعب بود که این رقم معادل ۸۵ درصد حجم گاز انتقالی در سال

۱۹۹۲م /۱۳۷۱ش بوده است. میزان گاز توزیع شده در داخل کشور نیز در سال ۱۹۹۳م /۱۳۷۲ش با ۶/۷ میلیارد مترمکعب نسبت به سال قبل که ۸/۱ میلیارد مترمکعب بوده، حدود ۱۵ درصد کاهش نشان می‌دهد.(۵۵) این وضعیت به دلیل تحولات سیاسی و اقتصادی پس از استقلال به وجود آمده است.

کارشناسان، میزان استخراج گاز قزاقستان را تا سال ۲۰۱۰م /۱۳۸۹ش برآورد کرده‌اند (جدول ۱۸ ـ ۶).

جدول ۱۸ ـ ۶ برآوردمیزان گاز استخراجی قزاقستان در سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰م/۱۳۷۹ تا ۱۳۸۹ش (میلیارد مترمکعب)(۵۶)

سال / شرکت گاز	۲۰۰۰م/۱۳۷۹ش	۲۰۰۵م/۱۳۸۴ش	۲۰۱۰م/۱۳۸۹ش
قزاق گاز	۱۱/۳	۱۷/۳	۱۹/۳
مونایاگاز	۱۷/۲۱	۲۰/۸۵	۲۴/۸۳
سرمایه‌گذاری مشترک	۰/۵۴	۰/۹۸	۲/۱۲
سهم کامل قزاقستان	۲۹/۰۵	۳۹/۱۳	۴۶/۲۵

۳ ـ ۳ ـ ۳ زغال سنگ

مهمترین منبع تأمین سوخت و انرژی قزاقستان زغال است و این کشور حدود ۵۵ درصد از انرژی خود را با استفاده از این مادهٔ معدنی تأمین می‌کند. ذخایر و معادن زغال سنگ قزاقستان عمدةً در اطراف دریاچه زایسان در شرق کشور، اکی باستوز در شمال شرقی و تمیرتاو و قراغاندی در مرکز کشور واقعند. مجموع تولید زغال سنگ در سال ۱۹۹۳م /۱۳۷۲ش، حدود ۱۲۶/۵ میلیون تن بوده است.

قزاقستان دارای ذخایر بسیار غنی اورانیوم خام است. از اواسط دهۀ ۱۹۵۰م استخراج اورانیوم قزاقستان از معادن ناحیۀ ژامبیل درجنوب شرقی و شبه جزیرۀ منقشلاق در غرب کشور توسط روسها آغاز شد. در واقع معادن قزاقستان و ازبکستان هستۀ اصلی صنایع تولید این مادۀ مهم واستراتژیکی شوروی را تشکیل می‌دادند.

معادن اورانیوم این سرزمین که حدود ۱۱۶۸۰۰۰ تن اورانیوم دارند در شش ناحیه

عمده متمرکز شده‌اند. این شش ناحیه عبارتند از «کوک چتاوسک»[1]، «پریا بالخاش»[2]، «پریکاسپیسک»[3]، «چو ـ ساریسیک»[4]، سیردریا و «ایلیسک»[5] در حال حاضر از چهار ناحیهٔ سیردریا، چو ـ ساریسیک، کوک چتاوسک و پریکاسپیسک اورانیوم استخراج و تولید می‌شود.

اورانیوم استخراجی عمدةً برای استفاده در نیروگاههای تولید نیرو در اروپا و امریکا، صادر می‌شود. در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش، قزاقستان حدود ۲۵۰۰ تن اورانیوم صادر کرده است. به نظر می‌رسد با توجه به رقابت شدید میان کشورهای تولید کنندهٔ اورانیوم در پیشی گرفتن بر یکدیگر برای فروش محصول خود، میزان صدور اورانیوم قزاقستان بین ۲ تا ۳ هزار تن در سال ثابت بماند.(۵۷)

۴ ـ ۳ صنایع

تا پیش از کسب استقلال، صنایع قزاقستان ۳۰ درصد از تولید ناخالص ملی را تأمین می‌کرد. پس از استقلال و تحولات اقتصادی ناشی از آن، در بخشهای اقتصادی افت تولید مشاهده شد و چون در بخش کشاورزی و خدمات این وضعیت حادتر بود، نقش صنایع در تولید ناخالص ملی در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش به ۴۵ درصد افزایش یافت.

صنایع این سرزمین عمدةً در زمینه‌های استخراج و پالایش مواد معدنی، ذوب فلزات، تولید تأسیسات مورد نیاز متالوژی، ابزارسازی، تجهیزات الکتریکی، ماشین آلات کشاورزی، پتروشیمی، نساجی، و صنایع تبدیلی متمرکز شده‌اند (جدول ۱۹ ـ ۶).

۵ ـ ۳ انرژی

قزاقستان در میان کشورهای آسیای مرکزی به سبب دارا بودن ذخایر فراوان نفت، گاز

---

1 - Kokchetavsk

2 - pribalkhash

3 - Pricaspiysk

4 - Chu - Sarysik

5 - Ilisk

و زغال سنگ شرایط مطلوبی دارد. بهره‌برداری از این منابع به همراه نیروی برق تولید انرژی زیادی را به همراه داشته است.

جدول ۱۹ـ ۶ میزان تولید برخی کالاهای صنعتی قزاقستان در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش (۵۸)

نوع کالا	میزان تولید
آهن و چدن	۴/۷ میلیون تن
فولاد	۶/۱ میلیون تن
مصالح ساختمانی	۶/۴ میلیون تن
سیمان	۶/۴ میلیون تن
کک	۳/۲ میلیون تن
اسید سولفوریک	۲/۳ میلیون تن
لاستیک	۲/۹ میلیون حلقه
انواع کود	۹۰۰ هزار تن
الیاف مصنوعی	۷/۹ هزار تن
لاستیک مصنوعی	۱۹/۵ هزار تن
کاغذ	۷۰۰ هزار تن
فرش	۱/۷ میلیون متر مربع
پارچه	۲۲۸/۴ میلیون متر مربع
پوشاک	۶۹ میلیون دست
بولدوزر	۳۴۹۴ دستگاه
بیل مکانیکی	۳۱۲ دستگاه
تراکتور	۱۳۴۱۴ دستگاه
ماشین لباسشویی	۳۷۰ هزار دستگاه
ضبط صوت	۱۱۴ هزار دستگاه

نیروی برق قزاقستان از رودخانه‌ها و سدهای احداث شده، «قاپچاغای»[1] بر روی رودخانهٔ ایلی و «چاردره» بر روی سیردریا، و همچنین نیروگاه برق هسته‌ای در ساحل

1 - Kapchagay

دریای خزر تأمین می‌شود. حدود ۸۰ درصد از برق مصرفی قزاقستان از ۵۴ نیروگاه حرارتی با سوخت زغال سنگ تولید می‌شود.

قزاقستان بخشی از نیروی برق تولید شده خود را از طریق شبکهٔ انتقال نیروی روسیه به ناحیهٔ اورال و سیبری صادر می‌کند و بخشی از الکتریستهٔ مورد نیاز خود را از شبکهٔ انتقال نیروی آسیای مرکزی در جنوب و از کشور قرقیزستان وارد می‌کند، به طوری که در سال ۱۹۹۲م /۱۳۷۱ش، ۸۴/۳ میلیارد کیلووات برق تولید شده، ۱۲/۲ میلیارد کیلووات ساعت آن صادر و ۲۷/۴ میلیارد کیلووات ساعت نیز وارد شده است.(۵۹)

میزان انرژی قزاقستان در سال ۱۹۸۹م /۱۳۶۸ش به شرح زیر بوده است:(۶۰)

نیروگاه برق (میلیون کیلووات)	نفت (میلیون تن)	گاز (میلیاردمترمکعب)	زغال سنگ (میلیون‌تن)
۸۸/۷	۲۵/۶	۷/۲	۱۳۶/۹

۶ـ۳ حمل و نقل

خطوط راه آهن بسیار و راههای جاده‌ای گسترده و به هم پیوسته، شبکه حمل و نقل قزاقستان را تشکیل می‌دهند. اصلی‌ترین نقش را در نقل و انتقال کالا و جابجایی مردم، خطوط راه آهن برعهده دارند. حدود ۱۴۴۰۵ کیلومتر طول راه آهن این سرزمین است که ضمن عبور از شهرهای مهم و اتصال شرق و غرب و شمال و جنوب کشور به یکدیگر، با راه‌آهن‌های روسیه، چین، ازبکستان و قرقیزستان پیوند دارد (نقشهٔ ۴۷).

راه‌های ماشین‌رو با بیش از ۱۶۲ هزار کیلومتر، به شکل شبکه به هم پیوسته‌ای نقاط مختلف کشور را به هم وصل می‌کند، اما مشابه دیگر کشورهای آسیای مرکزی که دارای خطوط آهن هستند، به اندازهٔ راه‌آهن در امر حمل و نقل مؤثر نیستند.

بندر آق‌تاو یا شفچنکو در ساحل دریای خزر امکان حمل و نقل دریایی با کشورهای حاشیه دریای خزر را برقرار می‌کند. این بندر گرچه فاقد تسهیلات مورد نیاز می‌باشد اما مهمترین بندر قزاقستان در دریای خزر به شمار می‌آید.

نقشهٔ ۴۷

۷ـ ۳ بازرگانی خارجی

در میان حدود ۲۹۰ قلم کالای صادراتی، بخش قابل ملاحظه‌ای به صنایع استخراجی شامل فراورده‌های نفتی، سنگ معدن، فلزات آهنی وغیرآهنی تعلق داشته است. همچنین فراورده‌های کشاورزی، تولیدات صنایع سبک، ماشین آلات کشاورزی، مواد شیمیایی، پتروشیمی و منسوجات در زمره کالاهای صادراتی قزاقستان قرار دارند. ماشین آلات، کالاهای مصرفی و مواد غذایی مهمترین اقلام وارداتی قزاقستان را تشکیل می‌دهند.

مهمترین شریک تجاری قزاقستان در ورود و صدور کالا، جمهوریهای مستقل مشترک‌المنافع می‌باشند که هنوز بیش از ۸۰ درصد بازرگانی خارجی قزاقستان با آنها صورت می‌گیرد. قزاقستان در سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش مبلغ ۸۴۴۳ میلیون روبل کالا به این کشورها صادر و مبلغ ۱۳۰۲۶ میلیون روبل کالا وارد کرده است. در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش ارقام فوق به ۵/۹ میلیارد دلار صادرات و ۷/۵ میلیارد دلار واردات افزایش یافته است.(۶۱) در میان کشورهای خارج از محدودهٔ جامعهٔ کشورهای مستقل مشترک‌المنافع، کشورهای چین، امریکا، ترکیه واروپایی بیش از سرزمینهای دیگر روابط تجاری با قزاقستان برقرار کرده‌اند (جدول ۲۰ـ ۶).

۸ـ ۳ روابط خارجی

رهبران قزاقستان در برقراری روابط اقتصادی و سیاسی با سایر کشورهای جهان اولویتهایی را در نظر گرفته‌اند. نخستین و مهمترین کشوری که قزاقستان تمایل به ادامهٔ همکاریهای گوناگون با آن دارد روسیه است. پیوندهای محکم میان دو کشور به دلیل وجود مرز مشترک طولانی، سکونت گروه زیادی از روسها در قزاقستان و قابلیت منحصر به فرد قزاقستان، در میان کشورهای آسیای مرکزی برای توسعهٔ فعالیتهای هسته‌ای و وجود تسهیلات علمی و تکنولوژیکی و زیربناهای آن در قزاقستان می‌باشد.

برقراری روابط گوناگون با کشورهای آسیای مرکزی در اولویت دوم قرار دارد. هدف قزاقستان از ایجاد پیوندهای محکم با کشورهای ناحیه، یکپارچگی سیاسی در ناحیه و

تشکیل واحد سیاسی یکدست به منظور ایجاد موازنـه بـا دو قـدرت بـزرگ مـنطقه و همسایه با آنها، یعنی چین و روسیه می‌باشد.

جدول ۲۰ ـ ۶ میزان تجارت خارجی قزاقستان با کشورهای غیرمنطقه‌ای در سالهای ۱۹۹۲ و ۱۹۹۳م/۱۳۷۱ و ۱۳۷۲ش (به میلیارد ریال)

سال	صادرات	واردات	تراز
۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش	۱/۵	۰/۵	۱
۱۹۹۳م/۱۳۷۲ش	۱/۳	۰/۳	۱

در اولویت سوم، ایجاد روابط با کشورهای عضو اکو، بویژه ایران و ترکیه قرار دارد و در مرحلهٔ چهارم برقراری روابط گسترده با چین و سایر کشورهای پیشرفته اروپای غربی آمریکا و ژاپن مورد توجه بوده است و سرانجام گسترش ارتباطات با دیگر کشورها در مراحل بعد قرار می‌گیرد. بدیهی است که قزاقستان در ایجاد روابط با کشورهای مختلف، سعی دارد به گونه‌ای عمل نماید که از تأثیرات سلطه جویانه دو همسایهٔ بـزرگ خـود، چین ، روسیه ، به دور باشد.

در میان کشورهای غیر منطقه‌ای، چین بیشترین و گسترده‌ترین روابط را با قزاقستان برقرار کرده است، به طوری که در سال ۱۹۹۲م /۱۳۷۱ش حجم مبادلات اقتصادی میان دو کشور حدود ۴۳۰ میلیارد دلار بوده است که این رقم از حجم تجارت ترکیه با پـنج کشور آسیای مرکزی در سال مذکور بیشتر است.(۶۲)

چین در کنار امور بازرگانی همکاریهای فنی واقتصادی قـابل تـوجهی بـا قـزاقسـتان بـرقرار کـرده است. ایـن کشـور در اوایـل سـال ۱۹۹۴م /۱۳۷۳ش در ۳۱۳ مـورد سرمایه‌گذاری با قزاقستان شریک بوده است و همچنین با احداث راه‌آهن اورمـچی به گذرگاه مرزی آلاتـاو در مـرز قـزاقسـتان در سـال ۱۹۹۲م /۱۳۷۱ش امکـان دسـترسی قزاقستان و سایر کشورهای آسیای مرکزی را، با فاصله‌ای کمتر، به سواحل اقیانوس آرام فراهم نمود.

مرز طولانی با قزاقستان، نیاز این کشور به منابع انرژی قزاقستان، امکـان رسـانیدن

نفت و گاز این کشور به شرق آسیا از طریق چین، وجود بازار مصرف وسیع در چین، تولیدات فراوان چین از دیگر زمینه‌های مناسب برای گسترش روابط دو کشور به شمار می‌آیند.

کشورهای عربی نیز برای برقراری روابط با قزاقستان تلاش فراوانی کرده‌اند، به طور مثال عربستان سعودی طرحی برای چاپ و توزیع حدود ۴۰۰ هزار نسخه قرآن ترجمه شده به زبان قزاقی در دست اقدام دارد و کویت نیز برای احداث یک پالایشگاه استخراج نفت و همزمان با آن ساختن یک مسجد بزرگ در آق تاو، قراردادی با دولت قزاقستان منعقد کرده است.(۶۳) «مصر» نیز برای احداث یک دانشگاه تربیت معلم در آلماآتی با مقامات قزاقی به توافق رسیده است.(۶۴) آنچه در روابط کشورهای عربی با قزاقستان آشکار است، گسترش روابط فرهنگی می‌باشد.

در میان سایر کشورهای جهان، امریکا، انگلیس، ترکیه، کره جنوبی، کانادا، ایتالیا، سویس واسترالیا در برقراری روابط با این سرزمین پیش قدم بوده‌اند. بارزترین جنبهٔ روابط دوجانبه میان این کشورها و قزاقستان سرمایه‌گذاری آنها بویژه در بخش معادن وانرژی قزاقستان بوده است. به طوری که تا پایان سال ۱۹۹۳م /۱۳۷۲ش حدود ۱۳۰۰ شرکت با سرمایهٔ خارجی در زمینه‌های مختلف قراردادهایی با دولت قزاقستان منعقد کرده‌اند.(۶۵) در میان کشورهای مختلف انگلستان ۳۰/۳ درصد، امریکا ۲۱/۸ درصد، ترکیه ۹/۳ درصد. کانادا ۹/۳ درصد، آلمان ۶/۲ درصد واسرائیل ۳ درصد از سرمایه‌گذاری خارجی را در قزاقستان به خود اختصاص داده‌اند.(۶۶)

در میان کشورهای مذکور، امریکا نقش فعالتری داشته است. این کشور علاوه بر سرمایه‌گذاریهای کلان، در اعطای وامهای گوناگون پیشقدم بوده است. به طوری که در سال ۱۹۹۳م /۱۳۷۲ش مبلغ ۱۵۰ میلیون دلار برای توسعه بخش خصوصی کشور به قزاقستان وام داده است. لازم به ذکر است که کمکهای اقتصادی امریکا به قزاقستان مشروط به پذیرش معاهدهٔ منع گسترش تسلیحات اتمی به عنوان قدرتی غیر اتمی از سوی قزاقستان بود. و در همین ارتباط امریکا مبلغ ۱۳۴ میلیون دلار برای کمک به قزاقستان در انهدام تسلیحات هسته‌ای، شیمیایی و جلوگیری از گسترش این گونه سلاحها در نظر گرفته است.(۶۷)

امریکا ضمن اقدامات تجاری و مالی، در زمینهٔ فرهنگی نیز در قزاقستان اقدامات گوناگونی انجام داده است. به طور مثال در سال ۱۹۹۳م /۱۳۷۲ش، این کشور از میان دانش‌آموزان قزاقستان تعدادی را پس از انجام گزینشهای علمی برای تحصیل در امریکا انتخاب کرد.

۱ـ ۸ـ ۳ روابط با ایران

در میان کشورهای آسیای مرکزی، قزاقستان دورترین فاصله را با ایران دارد، اما این عامل نتوانسته در روابط گسترده دو کشور خللی وارد نماید. گذشته از منافع ناشی از گسترش پیوندهای اقتصادی برای هردو کشور بویژه قزاقستان که می‌تواند از طریق ایران به آبهای آزاد راه یابد، همجواری دو سرزمین با دریای خزر تأثیر بسزایی در افزایش ارتباطات دو کشور داشته است.

سفر رؤسای جمهور دو کشور به سرزمینهای یکدیگر و افتتاح سفارتخانه‌ها زمینهٔ مساعد را برای برقرار روابط اقتصادی و تداوم مراودات سیاسی فراهم کرد.

نخستین تفاهم‌نامهٔ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی میان ایران و قزاقستان بین استاندار «گیلان» و استاندار منقشلاق قزاقستان به امضا رسید. در واقع بیشتر مبادلات تجاری میان دو کشور از طریق دریای خزر انجام می‌شود و به همین سبب بدیهی است که دو استان مازندران و گیلان از فرصتهای اقتصادی ایجاد شده بهره بیشتری ببرند.

یکی از توافقهای مهم دو کشور ترانزیت مواد سوختی قزاقستان از طریق ایران است، براساس قرارداد منعقده سالانه بین ۲ تا ۶ میلیون تن نفت قزاقستان از بندر آق تاو در این کشور به بندر نوشهر حمل شده و به همین میزان در بنادر جنوبی ایران به مشتریان قزاقستان تحویل داده می‌شود. اولین محموله نیز در اول ژانویهٔ ۱۹۹۷م /۱۲ دی ماه ۱۳۷۵ش در نوشهر تخلیه شد. لازم به ذکر است تاپیش از این قرار داد میزان نفت صادراتی قزاقستان ۲۰۰ هزار تن بود که از سال ۱۳۷۳ در بندر نوشهر تخلیه شده بود.

با توسعهٔ روابط دو کشور حجم مبادلهٔ کالا نیز افزایش یافت به طوری که در سال ۱۹۹۵م /۱۳۷۴ش حجم مبادله کالا میان دو کشور ۶۰ میلیون دلار بود، پیش از این زمان حجم تبادل کالا فقط ۲۲ هزار دلار بود.

دو کشور ایران و قزاقستان به عنوان دو سرزمینی که خط ساحلی وسیعی در دریای خزر دارند، برای تعیین وضعیت حقوقی دریای خزر و چگونگی بهره‌برداری از منابع آن و حفظ محیط زیست دریا مذاکرات متعددی با یکدیگر داشته و سرانجام به توافقات مهمی دست یافته‌اند که موارد آن به امضای رؤسای جمهور دو کشور رسیده است. همفکری دو کشور آنها را در جبهۀ واحدی قرار داده تا در تلاش خود برای دستیابی به یک تفاهم همه جانبه در میان تمام کشورهای حاشیه دریای خزر، به موفقیت برسند.

گشایش راه‌آهن سرخس ـ تجن امکان برقراری ارتباط مستقیم قزاقستان با ایران را از طریق راه‌آهن فراهم کرد و شرایط آسانی را برای ترانزیت کالا میان قزاقستان و سایر نقاط جهان بویژه حوزه خلیج فارس فراهم کرد. اهمیت خراسان به عنوان پایگاه حمل و نقل زمینی ایران با آسیای مرکزی سبب شد که پس از راه‌اندازی راه‌آهن مذکور کنسولگری قزاقستان در مشهد در همان سال، ۱۳۷۴ش، افتتاح شود و خراسان نیز مشابه استانهای مازندران و گرگان از شرایط ویژه‌ای از نظر ارتباط با قزاقستان برخوردار گردد.

یادداشتها

۱ ـ «آب و هوای منطقه آسیای مرکزی»، ص ۳۹ ـ ۴۰.

۲ ـ لطیفیان، سعیده، «وضع اتمی قزاقستان و امنیت منطقه‌ای»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال ۵، دوره دوم، ش ۱۴، ص ۲۲۷.

۳ ـ همان.

۴ ـ همان، ص ۲۱۶

۵ ـ همان، ص ۲۲۵.

۶ ـ کلمه قزاق (Kazakh) با واژه قزاق (Cossack) که در فارسی به سربازان مهاجم روسی که در دوران قاجار گفته می‌شود، متفاوت است. زیرا اولی به اقوام ترک آسیای مرکزی و دومی به گروههای قومی روسی تبار سرحدات جنوبی روسیه که در شمال کوههای قفقاز ساکن بودند، گفته می‌شود. اینان به عنوان گروههای شورشی و هنگهای نظامی در فتوحات تزارها در سراسر روسیه شرکت کرده و بعضاً در نقاط فتح شده از جمله قسمتهایی از قزاقستان به صورت مهاجران روسی سکنا گزیده‌اند. (*ریشه‌های*

رفتار سیاسی در آسیای مرکزی و قفقاز، ص۲۰۳ ـ ۲۰۴).
۷ ـ *اقوام مسلمان اتحاد شوروی*، ص ۳۷۱؛ حکومت مسکو و *مسأله مسلمانان*، ص۱۰۷؛ *نظری به شاخصهای جمعیتی، بهداشتی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جهان امروز در سال ۱۹۹۲*، ص۲۳.
۸ ـ «نظری اجمالی بر جمعیت آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان، ص۲۰۸.
۹ ـ *اقوام مسلمان اتحاد شوروی*، ص۳۶۹.
۱۰ ـ «نظری اجمالی بر جمعیت آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان»، ص۲۰۸.
۱۱ ـ همان، ص ۲۰۶؛ *راهنمای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و جمهوریهای بالتیک*، ص ۱۰۹.
۱۲ ـ «کشورهای حوضه دریای خزر در قرن بیست و یکم: منطقه رقابت یا همکاری»، ص۱۳؛ «دکترین مونروئه: روسیه و ثبات منطقه‌ای»، ص۷۲.
۱۳ ـ «سمینار بین‌المللی کار و مهاجرت». *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، س۳، دوره دوم، ش ۷، ص۲۰۴.
۱۴ ـ «دکترین مونروئه: روسیه و ثبات»، ص۷۲.
۱۵ ـ «سمینار بین‌المللی کار و مهاجرت»، ص ۳۰۴.
۱۶ ـ «نظری اجمالی بر جمعیت آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان»، ص۲۱۶.
۱۷ ـ همان، ص۲۱۵.
۱۸ ـ *اقوام مسلمان اتحاد شوروی*، ص ۲۷۱؛ «تحولات آسیای مرکزی»، ص ۲۱.
۱۹ ـ «ملتی با تاریخ و سرنوشتی تلخ»، ص۲۰۴.
۲۰ ـ *ریشه‌های رفتار سیاسی در آسیای مرکزی و قفقاز*، ص۲۱۵.
۲۱ ـ همان، ص ۲۱۷.
۲۲ ـ «اتحادیه جوانان پیرو انبیاء»، ص۱۹۲ ـ ۱۹۳.
۲۳ ـ رضوی، حسین و علی رحمانی، «شوک آلماآتا»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، س۱، ش۱، ص۲۲۶.
۲۴ ـ *ریشه‌های رفتار سیاسی در آسیای مرکزی و قفقاز*، ص۲۱۷.
۲۵ ـ *حکومت مسکو و مساله مسلمانان*، ص۹۲.
۲۶ ـ «وسایل ارتباط جمعی در قزاقستان»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، س۱، ش۴، ص۳۵۳.
۲۷ ـ همان، ص ۳۵۷ ـ ۳۵۹.

۲۸ـ همان، ص ۳۵۴ ـ ۳۵۵.
۲۹ـ *راهنمای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و جمهوریهای بالتیک*، ص ۱۱۴ ـ ۱۱۵؛ *ویژگیهای جغرافیایی آسیای میانه و قزاقستان*، ص ۷۵ ـ ۷۷ و ۸۷ و ۸۸.
۳۰ـ *جغرافیای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی*، بخش دوم، ص ۱۱۹؛ ویژگیهای جغرافیایی آسیای میانه و قزاقستان، ص ۸۷.
۳۱ـ «وضع اتمی قزاقستان و امنیت منطقه»، ص ۲۲۷.
۳۲ـ جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی، ص ۵۱۶.
۳۳ـ همان، ص ۵۱۷.
۳۴ـ «ویژگیها و دورنمای اوضاع آسیای مرکزی در دوران پس از جنگ سرد»، ص ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۷.
۳۵ـ *راهنمای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و جمهوریهای بالتیک*، ص ۱۱۷.
۳۶ـ «سابقه و جایگاه قزاقستان در جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، س ۳، دوره دوم، ش ۶، ص ۱۹۲.
۳۷ـ «اقتصاد قزاقستان»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، س ۳، دوره دوم، ش ۷، ص ۱۸۷.
۳۸ـ «مرزآینده»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال ۲، ش ۳، ص ۲۱۹.
۳۹ـ *راهنمای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و جمهوریهای بالتیک*، ص ۱۱۷ ـ ۱۱۸.
۴۰ـ همان.
۴۱ـ همان.
۴۲ـ «نقش منابع در توسعه اقتصادی آسیای مرکزی»، ص ۱۹۳.
۴۳ـ «ظرفیت اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی: چشم‌انداز ادغام در سازمان همکاریهای اقتصادی»، ص ۳۰۷ ـ ۳۰۸.
۴۴ـ *راهنمای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و جمهوریهای بالتیک*، ص ۱۱۸.
۴۵ـ «کشورهای حوضه دریای خزر در قرن بیست و یکم: منطقه رقابت یا همکاری» ص ۸۰.
۴۶ـ «سمینار بین‌المللی نفت، گاز و پتروشیمی قزاقستان»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، س ۳، دوره دوم، ش ۷، ص ۱۹۶.
۴۷ـ «کشورهای حوضه دریای خزر در قرن بیست و یکم: منطقه رقابت یا همکای»، ص ۸۲.
۴۸ـ «قزاقستان، میدان بزرگ نفتی قرن ۲۱»، *اقتصاد خراسان*، س ۳، ش ۱۵، ص ۱۳؛ «نقش منابع در توسعه اقتصادی آسیای مرکزی»، ص ۱۹۴.
۴۹ـ مرز *آینده* ص ۲۱۶.
۵۰ـ همان.
۵۱ـ «نقش منابع در توسعه اقتصادی آسیای مرکزی»، ص ۱۹۷

۵۲ ـ فشارکی، فریدون، «آسیای مرکزی و قفقاز: چشم‌انداز نفت و همکاری» ترجمهٔ مرضیه ساقیان، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، س ۱، ش ۴، ص ۱۷۸.

۵۳ ـ ژوکف، استانیسلاو، «منافع اقتصادی روسیه در آسیای مرکزی»، ترجمهٔ محمد نایب پور، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال ۳، دوره دوم، ش ۸، ص ۱۰۱.

۵۴ ـ «آسیای مرکزی و قفقاز: چشم‌انداز نفت و همکاری»، ص ۱۸۳.

۵۵ ـ «برآورد نفت و گاز کشورهای همجوار دریای خزر»، ص ۵۶.

۵۶ ـ «ظرفیت اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی: چشم‌انداز ادغام در سازمان همکاریهای اقتصادی»، ص ۳۱۲.

۵۷ ـ «سمینار بین‌المللی نفت، گاز و پتروشیمی»، ص ۲۰۰.

۵۸ ـ «وضع اتمی قزاقستان و امنیت منطقه‌ای»، ص ۲۲۸.

۵۹ ـ *راهنمای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و جمهوریهای بالتیک*، ص ۱۲۰.

۶۰ ـ همان.

۶۱ ـ «وضعیت کلی انرژی در شوروی»، ص ۵۵.

۶۲ ـ *راهنمای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و جمهوریهای بالتیک*، ص ۱۲۲.

۶۳ ـ «همکاریهای اقتصادی منطقه‌ای میان اعضای اکو و چین»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، س ۲، ش ۴، ص ۴۵۱.

۶۴ ـ اولگات، مارتابریل، «استقلال ناخواسته برای آسیای مرکزی»، ترجمه مهدی اعیانی فرد، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، س ۱، ش ۴، ص ۱۵۹.

۶۵ ـ «نقش خاورمیانه عربی در آسیای مرکزی»، ص ۳۹۹ ـ ۴۰۰.

۶۶ ـ «نقش منابع در توسعه اقتصادی آسیای مرکزی»، ص ۱۹۶.

۶۷ ـ «سرمایه‌گذاریهای صنعتی در جمهوریهای آسیای مرکزی»، ص ۱۲.

۶۸ ـ «وضع اتمی قزاقستان و امنیت منطقه‌ای» ص ۲۲۶.

فصل ۷

ایران و آسیای مرکزی

روابط ایران و کشورهای آسیای مرکزی

با فروپاشی شوروی، دگرگونیهایی در جهان و تحولاتی در روابط بین‌المللی صورت گرفت. تقسیم دو قطبی جهان، جنگ سرد و برخوردهای سیاسی ناشی از آن جای خود را به برتری کشورهای جهان براساس میزان رشد و توسعهٔ آنها داد و عناصر مذهبی، قومی و فرهنگی در ساختار سیاسی کشورها اهمیت یافت.

ایران که سالها در همسایگی‌اش یکی از ابرقدرتهای جهان حکومت می‌کرد که روابطی نابرابر و یک سویه با همسایهٔ جنوبی خود پایه‌گذاری کرده بود، اکنون شاهد شکل‌گیری جمهوریهایی است که پیدایش آنها فرصتهای جدیدی را برای برقراری روابط مشترک و متقابل فراهم آورده است.

جمهوریهای آسیای مرکزی حفظ تمامیت ارضی و استقلال سیاسی را مورد توجه قرار داده‌اند و نوسازی و دگرگونیهای اقتصادی را درجهت نیل به اهداف فوق پی گرفته‌اند. ایران که در طی تاریخ طولانی مدت خود، روابط و مناسبات گستردهٔ سیاسی، فرهنگی واقتصادی با ناحیه داشته است، به دلیل موقعیت مناسب و ویژهٔ خود، تمایل بسیاری به توسعهٔ روابط اقتصادی و همکاریهای دوجانبهٔ دوستانه با این کشورها دارد. بدیهی است که رشد وتوسعهٔ این کشورهای نوپا در ثبات سیاسی و توسعهٔ کشورهای

مجاور بی تأثیر نیست. بنابراین روابط اقتصادی ما با جمهوریهای آسیای مرکزی براساس منافع مشترک و دو جانبه شکل گرفته است.

روابط ایران و آسیای مرکزی را در انواع مختلف می‌توان بررسی کرد، یکی از قالبهای بررسی روابط ایران و ناحیه تأثیر و نقش این روابط در سطوح مختلف است. به طور کلی این روابط را در چهار سطح می‌توان بررسی کرد:

الف ـ روابط ایران و آسیای مرکزی در سطح بین‌المللی: جمهوریهای آسیای مرکزی پس از استقلال، اشتیاق فراوانی برای برقراری روابط با کشورهای مختلف جهان دارند. ایجاد روابط و حمل ونقل کالاها نیازمند دسترسی به آبهای آزاد است. آسیای مرکزی جایگاه جمهوریهایی است که در ردیف کشورهای بسته و محاط جهان قرار می‌گیرند. آنها برای دسترسی به بنادر آزاد باید مسیرهای طولانی را در شرق، شمال و غرب طی کند، این مسیرها علاوه بر بُعد مسافت، هزینه‌های حمل و نقل را افزایش می‌دهد. بنابراین نزدیکترین راه، از جنوب و از مسیر ایران و یا افغانستان و پاکستان است، با توجه به مشکلات سیاسی افغانستان، مسیر ایران شرایط مطمئن و آسانی را برای این کشورها فراهم می‌کند.

انتقال نفت و گاز به کشورهای مصرف کنندهٔ جهان نیز همین وضعیت را دارد. منابع سوخت و انرژی نقش بسیار مهمی در اقتصاد این کشورها ایفا می‌کند و با توجه به فراوانی این محصولات، صدور آنها از برنامهٔ اقتصادی مهم کشورهای ناحیه است. برای دسترسی به بازارهای جهان، ایران که در ابعاد مختلف اقتصاد نفت و گاز صاحب تجربه و امکانات کافی است می‌تواند این کشورها را یاری دهد. احداث خطوط لوله وانتقال این مواد از ایران و با استفاده از خطوط لولهٔ کشور ما، می‌تواند بسیار با صرفه‌تر از مسیرهای دریای خزر و یا خط لوله افغانستان و پاکستان باشد که سرمایه‌گذاری فراوانی را طلب می‌کند. بنابراین مشاهده می‌شود که ارتباط ایران با آسیای مرکزی از طریق دریا و خشکی برقرار است و این امکان ارتباط در سطح بین‌المللی قابل بررسی می‌باشد.

ب ـ روابط ایران و آسیای مرکزی در سطح منطقه: این رابطه نیز برقرار بوده و قابل بررسی است. همکاریهای گوناگون، بویژه روابط اقتصادی میان ایران و آسیای مرکزی و شماری دیگر از کشورهای ناحیه در قالب سازمان همکاریهای اقتصادی (اکو)[1]، یک

محدودهٔ وسیع جغرافیایی، فرهنگی واقتصادی را در بر می‌گیرد که در صورت تداوم موفقیت‌آمیز همکاریهای مشترک در آینده‌ای نه چندان دور، از اهمیت زیادی نه فقط در منطقه، بلکه در سطح جهان برخوردار می‌شود و می‌تواند یکی از قطبهای اقتصادی مهم جهان را شکل دهد.

علاقه و پیگیری ایران برای تشکیل سازمان متشکل از کشورهای ساحل دریای خزر موضوع دیگری است که در تحلیل روابط ایران و آسیای مرکزی در سطح منطقه قابل بررسی است. جمهوری اسلامی ایران برای تشکیل این سازمان تلاش زیادی کرده است، زیرا بهره‌برداری عاقلانه از منابع متعدد دریای خزر فقط در قالب همکاریهای گوناگون میان کشورهای ذینفع امکان‌پذیر است.

ج ـ *روابط ایران و آسیای مرکزی در سطح ملی:* پاگرفتن جمهوریهای آسیای مرکزی و برقراری روابط مستقل با دنیای خارج، ایران را که در مسافتی زیاد با ناحیه هم مرز بود در موقعیت مناسبی برای ایجاد روابط مشترک قرار داد. برقراری روابط در سطح ملی اثر بسیاری به همراه داشت. ایجاد پیوندهای مستحکم سیاسی، فرهنگی و تجاری نه تنها از سوی رهبران سیاسی کشور مورد توجه قرار گرفت، بلکه بسیاری از صاحبنظران، این امر را ضرورتی اجتناب‌ناپذیر دانسته و بر گسترش ارتباطات گوناگون تأکید کرده‌اند.

ایجاد روابط مشترک، ضرورت شناخت کشورهای آسیای مرکزی را پدید آورد و همین امر سبب رونق پژوهشها وانجام مطالعات گوناگون دربارهٔ این کشورها شد به طوری که بسیاری از علاقه‌مندان به همراه مراکز مطالعاتی، طرحهای کوتاه مدت و دراز مدتی را برای انجام تحقیقات گوناگون و همه جانبه به مرحله عمل درآوردند.

به همراه تغییر نگرش پیشین و رشد فعالیتهای فرهنگی، مؤسسات و مراکز اقتصادی وتجاری نیز در سطح کشور برای سرمایه‌گذاری در این کشورها و صدور کالاهای تولیدی و ورود کالاهای مورد نیاز پا گرفتند. در سطح کلان صنعت نفت و گاز، صنعت حمل و نقل، صنعت مواد غذایی و صنعت پوشاک و کفش و در سطح خرد فروشگاههای عرضه کالاهای روسی را می‌توان برای نمونه نام برد.

د ـ *روابط ایران و آسیای مرکزی در سطح استان:* با فروپاشی شوروی سابق و تشکیل کشورهای مستقل، به سرعت مرزهای ناحیه با دنیای خارج گشوده شد. بدیهی است که

استانهای مرزی در برقراری ارتباط اهمیت زیادی دارند. در ایران دو استان خراسان و مازندران و بویژه خراسان در ارتباط فزاینده با آسیای مرکزی قرار گرفته است. در چهار چوب سیاست خارجی کشور، خراسان و مازندران روابط گسترده‌ای را با کشورهای آسیای مرکزی بویژه ترکمنستان برقرار کردند. این ارتباط در ابعاد گوناگون برقرار شده است، تردد مرزنشینان دو کشور و سفرهای گردشگری به خراسان، گشایش نمایندگی وزارت امورخارجه در مشهد، افتتاح کنسولگری ترکمنستان، قزاقستان و قرقیزستان در مشهد و کنسولگری ایران در شهر مرو ترکمنستان، حضور بازرگانان ایرانی در آسیای مرکزی، ساماندهی مراکز فروش اجناس آسیای مرکزی در مشهد، گسترش و توسعهٔ شرکتها و مؤسسه‌های بخش خصوصی در امور تجاری و حمل و نقل در استان خراسان به منظور فعالیت در آسیای مرکزی، نوسازی واحداث تأسیسات و خدمات مورد نیاز نقاط مرزی در شهرهای شمالی استان و نقاط ورودی، حضور چهره‌های غیربومی و آشنای مردم آسیای مرکزی در سطح شهرهای شمالی استان بویژه شهر مشهد، رونق فعالیتهای کشتیرانی در بنادر جنوبی دریای خزر و رشد فعالیتهای تجاری در بنادر استانهای گیلان و مازندران و شهر مشهد، بارزترین آثار توسعه روابط ایران و آسیای مرکزی در سطح استان به شمار می‌آیند.

اهداف سیاست خارجی ایران در روابط آسیای مرکزی

ایران از سوی شمال با کشورهایی هم مرز است که مشترکات زیادی با آنها دارد. مرزهای طولانی خاکی و آبی، تاریخ مشترک کهن و میراث فرهنگی و اصول ایدهٔولوژی مشترک شاخص‌ترین وجوه اشتراک کشور ما با جمهوریهای نوپای آسیای مرکزی است.

احترام به حاکمیت ملی، استقلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و تمامیت ارضی اصول اصلی سیاست خارجی ایران در روابطش با کشورهای ناحیه است. برقراری ثبات وحفظ امنیت ناحیه از اهمیت ویژه‌ای برای ایران برخوردار است. زیرا ناامنی در سرزمینهای آن سوی مرزهای شمالی ضمن ایجاد مشکلات متعدد، صلح و امنیت کشور را به خطر می‌اندازد، زیرا در دو سوی مرز افرادی با ویژگیهای همسان قومی زندگی می‌کنند که بی‌گمان نسبت به رویدادهای آن سوی مرز بی توجه نخواهند ماند.

بنابراین حفظ صلح و ثبات در ناحیه یکی از برنامه‌های سیاست خارجی ایران است و همکاری گستردهٔ ایران با ناحیه نیز به موازات همین هدف صورت می‌گیرد. میانجیگری ایران در بحران و درگیریهای داخلی تاجیکستان به همین منظور انجام شد و توسعهٔ روابط اقتصادی نیز همین هدف را دنبال می‌کند.

روند روابط گوناگون ایران با آسیای مرکزی

ایران به دلیل موقعیت ویژه و مناسب خود تمایل فراوانی برای توسعه روابط و همکاریهای دوستانه با کشورهای آسیای مرکزی دارد و از اولین روزهای کسب استقلال جمهوریهای آسیای مرکزی روابط دوجانبه در ابعادمختلف برقرار شده است. در مجموع همکاریهای ایران با ناحیه در سه زمینهٔ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی قابل ذکر است.

الف ـ روابط سیاسی ایران و جمهوریهای آسیای مرکزی: پا گرفتن کشورهای مستقل آسیای مرکزی سبب شکل‌گیری مرحلهٔ نوینی در سیاست خارجی کشور ما شد. در همان ماههای اول فروپاشی شوروی، ایران از تشکیل جمهوریهای مستقل استقبال کرده و این کشورها را به رسمیت شناخت. متعاقب آن زمینهٔ برقراری روابط سیاسی فراهم شد و ایران در تمام کشورها سفارتخانه دایر کرد و متقابلاً جمهوریهای آسیای مرکزی نیز در تهران به تدریج سفارتخانه‌های خود را گشودند.

دیدارها، ملاقاتهای سیاسی، اجلاس سران کشورها و بازدیدهای مقامات سیاسی از کشورهای یکدیگر آغاز شد و به سرعت گسترش یافت به طوری که تمام سران کشورهای آسیای مرکزی از ایران بازدید کردند وریاست جمهوری ایران نیز چندبار از ناحیه دیدار کرده است. بازدید دیگر مقامات رسمی دولتهای ناحیه و ایران از سرزمینهای یکدیگر بارها صورت گرفته است و قراردادهای متعددی در زمینه‌های مختلف در جریان دیدارها به امضای طرفین رسیده است.

ایران با مدنظر قرار دادن صلح و ثبات منطقه اقدامات سیاسی دیگری نیز انجام داده است. حمایت شدید از عضویت کشورهای آسیای مرکزی در پیمان اکو، تأکید بر گسترش مناسبات سیاسی واقتصادی کشورهای حاشیهٔ دریای خزر از طریق ایجاد

اتحادیهٔ همکاریهای کشورهای حاشیه دریای خزر در سال ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش در زمره ابتکارات سیاسی ایران بوده است.

تلاش ایران برای حل بحران داخلی تاجیکستان و برگزاری مذاکرات صلح بین دولت و گروههای مخالف کشور از شهریور ۱۳۷۳ به بعد در تهران، حاکی از تمایل ایران در حل مشکلات کشورهای آسیای مرکزی برای برقراری صلح و آرامش در منطقه است.

گشایش کنسولگریهای ترکمنستان و قزاقستان و قرقیزستان در مشهد و کنسولگری ایران در مرو ترکمنستان وگسترش همکاریهای استانهای مازندران، گیلان و خراسان با جمهوریهای آسیای مرکزی از دیگر اقدامات ایران برای گسترش مناسبات سیاسی و سهولت برقراری روابط گوناگون به شمار می‌آید.

ب ـ روابط اقتصادی ایران و آسیای مرکزی: ایران از ابتدای استقلال کشورهای آسیای مرکزی در صدد توسعهٔ روابط اقتصادی خود با این جمهوریها بوده است. بخشی از روابط در چارچوب همکاریهای اقتصادی اکو و بخشی دیگر نیز با انعقاد قراردادهای متعدد اقتصای با هر یک از این کشورها برقرار شده است.

یکی از موضوعات مهم در روابط اقتصادی ایران و آسیای مرکزی، مسأله ترانزیت کالا می‌باشد ایران برای مبادلهٔ کالا با روسیه و کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و حتی اروپایی می‌تواند از این کشورها استفاه کند و کشورهای آسیای مرکزی نیز با بهره‌گیری از طرحهای ترانزیتی ایران می‌توانند از مزایای بسیاری سود برند.

کشورهای بستهٔ آسیای مرکزی برای دستیابی به بنادر آزاد چند مسیر را باید طی کنند. در داخل جمهوریهای مستقل مشترک‌المنافع و با استفاده از خطوط راه‌آهن سه مسیر قابل استفاده است. دسترسی به بندر ولادی‌وستک و ناخودکا در شرق که حدود ۱۰ تا ۱۱ هزار کیلومتر مسافت دارد، مسیر بنادر سنت پترزبورگ و ریگا در شمال اروپا با ۸ تا ۹ هزار کیلومتر فاصله و مسیر بنادر اودسا، سواستوپول و نووروسیسک در دریای سیاه با ۶ تا ۷ هزار کیلومتر فاصله. این مسیرها ضمن طولانی بودن، هزینهٔ‌حمل و نقل زیادی در بر دارند.

کشورهای آسیای مرکزی برای دسترسی به بنادر آزاد مسیرهای دیگری نیز در اختیار دارند. یک مسیر استفاده از دریای خزر و باکو و رسیدن به دریای سیاه است که با

وجود کوتاه بودن مسیر به دلیل شرایط سیاسی ناحیهٔ قفقاز اکنون قابل بهره‌برداری نیست. مسیر دیگر خطوط آهن چین و دستیابی به بنادر شرقی چین است. این مسیر گرچه نسبت به خط‌آهن سیبری سه هزار کیلومتر کوتاهتر است اما فاصله زیادی دارد. ضمن آن که در مرز چین و قزاقستان مسافت کوتاهی در دو سوی مرز فاقد ریل راه‌آهن است. مسیر ارتباطی افغانستان و پاکستان به اقیانوس هند مسیر دیگر است که به علت شرایط سیاسی افغانستان قابل بهره‌برداری نیست و سرانجام مسیر ارتباطی از طریق ایران به خلیج فارس و دریای عمان.

شواهد موجود حاکی از آن است که بهترین مسیر ارتباطی برای جمهوریهای آسیای مرکزی دستیابی به آبهای گرم جنوب ایران است. این کشورها برای برقراری روابط تجاری با کشورهای منطقهٔ اقیانوس هند، ژاپن، کشورهای عربی و قارهٔ افریقا وامریکا نیاز به بهره‌گیری از راههای ترانزیت و بنادر آزاد ایران دارند و در چند سال اخیر نیز توافقنامه‌هایی در زمینه‌های حمل و نقل وتوسعهٔ راههای ارتباطی میان ایران و کشورهای آسیای مرکزی منعقد شده است. (نقشهٔ ۴۸)

مهمترین اقدام ایران برای بهبود وضعیت خطوط ارتباطی خود افتتاح راه‌آهن سرخس ـ مشهد در اردیبهشت ماه سال ۱۳۷۵ بود. با افتتاح این راه‌آهن، آسیا بار دیگر با اروپا از طریق خطوط آهن پیوند خورد و در واقع جادهٔ ابریشم به شکل نوین خود احیا شد.

جادهٔ ابریشم که قدمت آن را به قرن دوم قبل از میلاد نسبت می‌دهند سالیان متمادی آسیا را به اروپا پیوند می‌داد. این جاده از شرق آسیا تا حوزهٔ دریای مدیترانه امتداد داشت و با شاخه‌های متعدد خود در نواحی شمالی وجنوبی در انتقال فرهنگ، مذهب و همچنین انواع کالا نقش بسیار مهمی داشت.

جادهٔابریشم از شهر لویانگ در کنار رودخانه زرد سرزمین چین آغاز می شد و با عبور از شهرهای سیان ولانگ چئو در محل توان هونگ به دو شاخهٔ اصلی تقسیم می‌شد، شاخه شمالی از طریق هالی، تورقان، کوچا و آقا سو به کاشغر می‌رسید و شاخه جنوبی میران، نیا و ختن را به کاشغر متصل می‌کرد. جاده پس از خروج از سرزمین چین با عبور از منازل اوزکند، اوش، اخسیکث (فرغانه)، خجند به سمرقند می‌رسید و سپس

نقشهٔ ۴۸

شهرهای بخارا، کش، چارجوی، مرو و سرخس را به نیشابور متصل می‌کرد. مسیر دیگری که کاشغر را به نیشابور متصل می‌کرد از شهرهای تاش کورگان، پامیر، قندوز و بلخ و سپس یا از میمه و مرو و یا از هرات، فوشنج وجام عبور می‌کرد و به نیشابور می‌رسید. این مسیر بیشتر در فصل زمستان محل رفت و آمد تجار و کاروانها بود.

از نیشابور جاده به سوی غرب امتداد می‌یافت و پس از عبور از شهرهای شاهرود، دامغان، ری، ساوه، همدان، کرمانشاه، قصرشیرین به بغداد می‌رسید. کاروانیان در بغداد یا از طریق موصل، اورنا و حلب به انطاکیه می‌رفتند یا از مسیر رقه و حلب به بندر انطاکیه می‌رسیدند و یا مسیرهای دیگری را در خشکی و آب می‌پیمودند تا به روم برسند.(۲)

اکنون با احداث خط آهن مشهد ـ سرخس ـ تجن به نوعی مسیر قدیمی جاده ابریشم احیا و ارتباط چین و کشورهای آسیای مرکزی از طریق ایران با کشورهای اروپا و کشورهای عرب خاورمیانه برقرار شده است. ضمن آن که با احداث خط آهن بافق ـ مشهد، که عملیات ساختمانی آن آغاز شده است، کشورهای آسیای مرکزی قادر خواهند بود به طور مستقیم و بدون نیاز به ترانزیت کالا از طریق تهران، به بنادر جنوبی ایران دسترسی پیدا کنند.

خط آهن مشهد ـ تجن ۲۹۷ کیلومتر طول دارد که ۱۶۷ کیلومتر آن در هفت قطعه از ایستگاه سنگ بست، در مسیر راه آهن مشهد ـ تهران، به سوی سرخس امتداد یافته است. در خاک ترکمنستان پس از عبور از رودخانه تجن ۱۳۰ کیلومتر راه‌آهن تا شهر تجن ادامه می‌یابد. این خط‌آهن دارای هشت ایستگاه و سه تونل به طول حدود ۶ کیلومتر است و پیش‌بینی می‌شود سالانه حدود ۲ میلیون تن کالا و ۵۰۰ هزار مسافر در این مسیر جابجا شوند. درحالی که ظرفیت نهایی این خط تا حدود ۸ میلیون تن بار و یک میلیون نفر مسافر قابل افزایش است[۳] (نقشهٔ ۴۹).

ترانزیت مواد سوختی از طریق ایران یکی دیگر از موضوعات مهم روابط اقتصادی ایران و آسیای مرکزی به شمار می‌آید. و اقداماتی جهت احداث خطوط لوله وانتقال نفت و گاز جمهوریهای آسیای مرکزی از طریق ایران به بازار مصرف جهان انجام شده، همچنین توافقهایی برای انتقال مواد سوختی به مرزهای شمالی کشور و دریافت آن از بنادر جنوبی ایران به عمل آمده و محموله‌هایی نیز تاکنون به کشور منتقل شده است که معادل آن از طریق بنادر جنوبی به مشتریان کشورهای آسیای مرکزی تحویل داده شده است.

سرمایه‌گذاری ایران در آسیای مرکزی از دیگر زمینه‌های فعالیتهای اقتصادی ایران در آسیای مرکزی است، این سرمایه‌گذاری‌ها برخی به صورت مشترک با کشورهای مجری و برخی به تمام توسط ایران انجام می‌شود. بخشی از سرمایه‌گذاری‌ها در قالب طرحها و پروژه‌های صنعتی و بازرگانی توسط دولت و شماری دیگر از طریق بخش خصوصی انجام می‌شود.

استخراج مواد معدنی، پروژه‌های حمل و نقل، همکاری در زمینهٔ نفت و گاز،

نقشهٔ ۴۹

مهم‌ترین زمینه‌های سرمایه‌گذاری بخش دولتی و شرکتهای خصوصی است و فعالیت آنها در زمینه‌های تولیدی و خدماتی شامل ساختمان‌سازی، هتل سازی، بانکداری، کشاورزی، خدمات وانتقال کالا بیش از سایر رشته‌ها بوده است.

فعالیت حدود ۴۰۰ شرکت خصوصی ایرانی در قزاقستان و تقریباً به همین تعداد در ازبکستان و مشارکت ایران در اجرای بیش از ۱۰۰ طرح صنعتی و بازرگانی در ترکمنستان از اثرات روابط اقتصادی ایران با آسیای مرکزی است.

همجواری ایران با آسیای مرکزی و فاصلهٔ اندک کشورمان با ناحیهٔ مذکور شرایط مناسبی برای ایران به عنوان یکی از بازارهای مصرف کالاهای صادراتی آنها و مرکز تأمین نیازهای اقتصادی آنها فراهم کرده است. افزایش حجم صادرات و واردات میان ایران و کشورهای مذکور یکی از پیامدهای گسترش روابط اقتصادی در ناحیه است و ایران برای سهولت فعالیتهای تجاری با ایجاد تسهیلات گمرکی وایجاد بازارچه‌های مرزی تلاش بسیاری کرده است، که حاصل آن رشد مبادلات ایران با ناحیه بوده است. به طوری که در سال ۱۳۷۲ش میزان صادرات ایران به آسیای مرکزی حدود ۵۷ درصد و میزان واردات کالا حدود ۶۰ درصد نسبت به سال ۱۳۷۱ افزایش داشته است.

مهمترین کالاهای صادراتی ایران به ناحیه شامل وسایل حمل و نقل زمینی، پوشاک، کفش، میوه و مواد غذایی و مهمترین اقلام وارداتی ماشین آلات، مواد معدنی، مصنوعات آهن، فولاد و چدن بوده است.

ج ـ *روابط فرهنگی ایران با آسیای مرکزی:* پیوندهای تاریخی ـ فرهنگی ایران با آسیای مرکزی پیشینه‌ای کهن دارد. آثار باستانی نشان می‌دهند که ایران و آسیای مرکزی از دوران قبل از تاریخ جایگاه فرهنگ و تمدنهایی بوده‌اند که همسانی و تشابهاتی چشم‌گیر با یکدیگر داشته‌اند.

در طول بیش از هفتاد سال روسها تلاش کردند که این پیوندهای کهن را نادیده بگیرند و به شکل گسسته هویت تازه‌ای به ساکنان آسیای مرکزی بدهند و میان آنها وایران فاصله بیندازند و اقدامات گوناگون نیز برای دستیابی به این هدف انجام دادند. اما با فروپاشی شوروی روابط فرهنگی ایران با آسیای مرکزی مجدداً برقرار شد.

ارائه خدمات و دوره‌های آموزشی برای کارشناسان کشورهای آسیای مرکزی در زمینه‌های علوم سیاسی، امور گمرکی، کشاورزی، هواشناسی، سند خوانی وترمیم اسناد کتابخانه‌ها، برگزاری دوره‌های کوتاه مدت آموزش دانشجویان رشتهٔ زبان فارسی دانشگاههای آسیای مرکزی در ایران، چاپ قرآن به زبانهای محلی، اعزام رایگان حجاج ناحیه به مراسم حج و... از مهمترین اقدامات فرهنگی ایران در آسیای مرکزی است.

در میان کشورهای ناحیه، تاجیکستان روابط فرهنگی گسترده‌تری با ایران دارد و کشور ما برای احیای زبان فارسی در این سرزمین فعالیتهای زیادی انجام داده است.

خراسان و آسیای مرکزی

خراسان و آسیای مرکزی مناسبات تاریخی و فرهنگی یکسان و کهنی با یکدیگر دارند، که قدمت آن را می‌توان به درازای عمر تاریخ منطقه دانست. خراسان بزرگ و ماوراء النهر در طول تاریخ خود پیوندهای عمیق با یکدیگر داشته‌اند که در دوران سلطهٔ روسها بر ناحیه این پیوندها به اجبار از هم گسست. اما وابستگی‌ها آنچنان ژرف و پایدار بود که تلاش گسترده روسها نتوانست راه به جایی برد و پس از فروپاشی شوروی سابق بلافاصله روابط متقابل برقرار شد.

گذشته از پیشینهٔ تاریخی و فرهنگی مشترک خراسان با آسیای مرکزی، همجوار بودن ناحیه با جمهوریهای تازه استقلال یافتهٔ آسیای مرکزی و مرز زمینی طولانی شرایط مساعدی برای برقراری روابط مشترک اقتصادی و فرهنگی ناحیه با ایران از طریق خراسان فراهم کرده است. به همین سبب در سالهای اخیر خراسان مرکز رفت‌وآمد گروهها و هیأتهای سیاسی و اقتصادی و فرهنگی بوده است.

اهمیت سیاسی و اقتصادی خراسان در ناحیه سبب رونق فعالیتهای سیاسی و تجاری در استان شده، این رویکرد از یک سو در آن سوی مرز مشاهده می‌شود و از سوی دیگر در محدودهٔ استان، بویژه ناحیه شمالی چهره خود را نشان می‌دهد.

در پی گسترش روابط خارجی، وزارت امور خارجه برای سرعت بخشیدن به امور سیاسی و نظارت بر تحولات و روابط در استان خراسان اقدام به‌گشایش دفتر نمایندگی وزارت امور خارجه در مشهد کرد. این دفتر تنظیم امور مربوط به روابط خارجی در سطح استان خراسان را عهده‌دار است.

با توسعهٔ روابط سیاسی ایران با آسیای مرکزی، کشورهای ناحیه به جهت نزدیکی با استان خراسان اقدام به تأسیس سرکنسولگریهای خود در مشهد کردند که ابتدا کنسولگری ترکمنستان و سپس در فروردین سال ۱۳۷۵ کنسولگری قزاقستان و در مرداد ماه همان سال کنسولگری قرقیزستان شروع به فعالیت کردند. افتتاح کنسولگریها در مرکز استان به گسترش وسیعتر روابط جمهوریهای آسیای مرکزی با استان خراسان کمک شایانی خواهد کرد.

مهمترین بخش روابط استان خراسان با آسیای مرکزی در امور اقتصادی و تجاری

است. علاوه بر توانهای تولیدی فراوان استان، اقدامات زیربنایی ملی نیز در توسعهٔ روابط تجاری خراسان با همسایگان شمال شرقی کشور تأثیر بسزایی داشته است.

احداث خط‌آهن مشهد ـ سرخس ـ تجن مهمترین رویدادی بود که جایگاه ویژهٔ خراسان را با آسیای مرکزی پس از چندین دهه دوباره آشکار کرد. گشایش راه‌آهن مذکور که به حمل و نقل میان آسیا، اروپا وخلیج فارس بُعد تازه‌ای بخشیده و فاصله میان چین و آسیای مرکزی را نسبت به خط آهن سیبری ۳ هزار کیلومتر کوتاهتر کرده است(۴)، می‌تواند در گسترش تجارت و توسعهٔ صنعت گردشگری در ناحیه و بویژه در استان خراسان نقش مهمی ایفا کند. برهمین اساس پیش‌بینی می‌شود درآیندهٔ نزدیک خراسان به یک قطب اقتصادی و تجاری مهم و مرکز صدور و ورود و ترانزیت کالای کشور تبدیل شود.

از زمان افتتاح راه‌آهن در ۲۴ اردیبهشت ماه ۱۳۷۵ تا اواسط مهرماه همین سال حدود هشتاد هزار تن کالا از طریق راه‌آهن وارد استان شده و حدود ۳۰ هزار تن کالا نیز صادر شده است. آرد و بذرگیاهان مهمترین اقلام صادراتی و پنبه، گازوئیل، آهن و... کالاهای وارداتی بوده‌اند.(۵) بیشتر مراودات از طریق راه‌آهن با کشور ترکمنستان بوده است گرچه کشورهای دیگر نیز برای استفاده از این خط آهن اظهار تمایل کرده و اقداماتی انجام داده‌اند به طوری که نخستین قطار حامل گازوئیل به ظرفیت ۱۰ هزار تن از ازبکستان پنج ماه پس از شروع به کار راه‌آهن وارد مشهد شد.

راههای زمینی در امر تجارت و ترانزیت کالا هنوز بیش از راه آهن مورد استفاده قرار می‌گیرند. مراکز گمرک سرخس، باجگیران، لطف‌آباد و دوقارون محل ترانزیت کالای استان هستند، بدیهی است که حجم عظیمی از صادرات کالاهای خراسان روانه بازارهای آسیای مرکزی می‌شود. به طوری که از رقم ۳۵ میلیارد ریال صادرات خراسان در سال ۱۳۷۲، حدود ۲۸/۵ میلیارد ریال آن به آسیای مرکزی صادر شده است.

توسعهٔ روابط ایران و جمهوریهای آسیای مرکزی بر اهمیت تجاری استان خراسان به عنوان پل ارتباطی ایران و ناحیه افزوده و میزان ترانزیت کالا از استان خراسان را با افزایش فزاینده‌ای روبرو کرده است، به طوری که در سال ۱۳۷۳، میزان کالای ترانزیت از خراسان، رقم دو هزار و ۱۶۸ تن و در سال ۱۳۷۴، رقم ۴۲۷ هزار و ۶۰۲ تن بوده

است که حکایت از رشدی معادل ۲۱۰ درصد دارد.

در شش ماههٔ نخست سال ۱۳۷۵ نیز میزان ترانزیت کالای استان حدود ۳۲۳ هزار و ۴۸ تن بوده است که بخشی از کالاها از مشهد و بخشی از مراکز گمرک مرزی شمال استان ترانزیت شده است (جدود ۱ ـ ۷).

جدول شماره ۱ ـ ۷ کالاهای ترانزیت از مراکز گمرک شمال استان خراسان
در شش ماههٔ اول سال ۱۳۷۵ش (۶)

نام گمرک	نوع کالا		ارزش ریالی
	اتومبیل و کامیون	سایر	
باجگیران	۹۷	۸۹۸	۱۵۳۰۰۰۰۰۰۰۰
دوقارون	۱۶۵۲۷	-	-
سرخس	۴۹۴	۱۴۷۸۷	۴۳۱۱۱۴۹۰۰۰
لطف‌آباد	۶۷۸	۹۱۹۷۲	-

موقعیت استثنایی خراسان و نقش ارتباطی آن با آسیای مرکزی ضمن ایجاد درآمد ارزی برای کشورمان، سبب رونق فعالیتهای اقتصادی، ایجاد اشتغال و بالا رفتن رفاه عمومی در استان، بویژه در قسمت شمالی شده است. در چند سال اخیر که روابط تجاری ایران با آسیای مرکزی گسترش یافته است خراسان و بویژه مشهد، شاهد فعالیتهای بخش خصوصی در زمینهٔ تولید و صدور محصولات مورد نیاز بازار آسیای مرکزی و حمل و نقل کالا بوده است.

در کنار واحدهای صنعتی و تولیدی که با افزایش تولید و صدور کالا بر درآمد ارزی خود افزودند فعالیت شرکتهای حمل و نقل آشکارتر است. حدود ۵۴ شرکت مجاز و ۴۶ دفتر نمایندگی شرکتهای حمل و نقل بین‌المللی در مشهد فعالیت می‌کنند که حدود ۳۰۰۰ دستگاه کامیون و تریلر حمل بار را انجام می‌دهند، مجموعهٔ این تشکیلات برای ۳۰هزار نفر ایجاد اشتغال است.

همچنین ورود کالاهای آسیای مرکزی به بازارهای داخلی استان، ضمن ایجاد مراکز خاص فروش این محصولات، بخشی از نیازهای مصرفی را برطرف کرده وسبب اشتغال

شماری از مردم شده است. فروشگاههای متعددی که در سطح شهرهای استان به عرضه محصولات آن سوی مرز مشغولند و مراکزی که منحصراً کالاهای آسیای مرکزی را بفروش می‌رسانند، در نقاط مرزی، شهرهای شمالی و مشهد شاهد آشکاری است بر بازتاب روابط گستردهٔ تجاری استان با آسیای مرکزی.

توسعهٔ سیاست ایران و آسیای مرکزی در بهسازی و نوسازی شهرها و نقاط مرزی خراسان تأثیر شگرفی داشته است، نوسازی راههای منتهی به مرزهای زمینی، ایجاد امکانات خدمات و رفاهی در نقاط ورودی مرز و ایجاد تأسیسات زیربنایی در نقاط مورد نیاز تغییر زیادی در چهره و چشم‌اندازهای آبادیها و شهرهای مجاور مرز به وجود آورده است.

شهر سرخس که درآینده نزدیک به یک شهر تجاری آزاد تبدیل می‌شود و مرکز ثقل روابط تجاری ایران و آسیای مرکزی خواهد شد، در طی چند سال اخیر شاهد تحولات و تغییرات شگرفی بوده است. احداث خط‌آهن، افتتاح فرودگاه بین‌المللی و آغاز فعالیت منطقه آزاد تجاری الماس سرخس و شروع عملیات احداث سد هریرود مهمترین رویدادهایی هستند که زمینهٔ مناسبی برای رشد و توسعهٔ سرخس به عنوان دروازهٔ ایران به آسیای مرکزی فراهم کرده است.

شایان ذکر است که آستان قدس رضوی نقش بسیار مهمی در رشد و توسعهٔ شهر سرخس داشته است و سرمایه‌گذاری‌های کلان آن در زمینه‌های مختلف شکوفایی اقتصادی و اجتماعی آن را به ارمغان آورده است.

گذشته از روابط تجاری، به دلیل آن که خراسان گلوگاه ورودی آسیای مرکزی به ایران به شمار می‌آید و دارای قابلیتهای تولیدی بسیار و جاذبه‌های فرهنگی فراوانی است، از ابتدای برقراری روابط مشترک ایران و جمهوریهای آسیای مرکزی مورد توجه مسافران و مشتاقان آن سوی مرز قرار گرفت.

در سالهای اولیهٔ استقلال به دلایل متعدد آمد و شد ساکنان دو سوی مرز منحصر به مرزنشینان بود، اما بتدریج بر تعداد مسافران افزوده شد و مشهد شاهد حضور گستردهٔزنان و مردان غیر بومی بود که با دو انگیزهٔ تجارت و سیاحت روانهٔ کشور ما شده بودند. در عشق آباد نیز مسافران ایرانی به وفور بچشم می‌خوردند. پس از گذشت ۲ ـ ۳

سال از تب و تاب مسافران ایرانی کاسته شد و بر اشتیاق گردشگران آسیای مرکزی افزوده شد به طوری که در سال ۱۳۷۳، حدود ۱۲۰ هزار نفر از ناحیه به خراسان آمدند. این افراد روزانه بین ۲ تا ۸ هزار دلار کالا خریداری می‌کردند و بنابراین هر روز ۲۰۰ هزار دلار ارز وارد کشور واستان خراسان می شد.[۷]

افزایش تعداد گردشگران آسیای مرکزی ضمن آن که رونق تجارت را به همراه داشت سبب رشد و توسعهٔ فعالیتهای ساختمانی در زمینهٔ ساخت و ساز مهمانپذیرها و هتلها شد. اما برخی عملکردهای نادرست و بی توجهی و نبود برنامه‌ریزی مناسب به همراه سیاست دولت مبنی بر تثبیت نرخ ارز، رکود نسبی در آمد و شد گردشگران آسیای مرکزی در سال ۱۳۷۴ را به همراه داشت، به طوری که افت زیادی در تعداد مسافران مشاهده شد (جدول ۲ ـ ۷).

جدول ۲ ـ ۷ آمار مسافران خارجی ورودی به کشور از گمرکات استان خراسان در طی چهار ماهه اول سال ۱۳۷۴ش[۸]

ماه	تعداد مسافر				
	مرز باجگیران	مرز سرخس	مرز لطف آباد	مرز هوایی	تعداد کل
فروردین	۱۴۸۱	۴۸۳	۲۴۲۰	۱۱۱۸	۵۵۰۹
اردیبهشت	۷۸۳۲	۳۵۰۶	۲۶۸۰	۱۷۳۹	۱۵۹۵۷
خرداد	۹۴۱	۱۱۵۷	۱۸۵۵	۵۷۲	۴۵۲۵
تیر	۶۰۴	۱۷۳۲	۱۱۲۷	۶۵۹	۴۱۲۲

مشاهده می‌شود که در طی سه ماه یعنی از اردیبهشت ماه تا تیر ماه سال ۱۳۷۴، شمار مسافران آسیای مرکزی بیش از ۷۰ درصد کاهش یافته است. کاهش تعداد گردشگران در ماههای بعدی نیز تداوم یافت اما از شدت آن کاسته شد. به طور مثال می‌توان به کاهش تعداد مسافران ورودی از ازبکستان در نیمهٔ اول سال ۱۳۷۴، اشاره کرد (جدول ۳ ـ ۷).

مشاهده می‌شود که تعداد جهانگردان از خرداد ماه رو به کاهش می‌گذارد، اما با مشخص شدن وضعیت مسافران از نظر مسایل ارزی مجدداً شمار گردشگران افزایش

می‌یابد، اما به حالت اولیه باز نمی‌گردد، بـه طـوری کـه در پـایان سـال ۱۳۷۴ش رقـم مسافران ورودی به استان ۳۴ درصد کمتر از سال ۱۳۷۳ بوده است.

جدول ۳ـ ۷ شمار مسافران ورودی به خراسان از ازبکستان
در ۷ ماهه اول سال ۱۳۷۴ش (۹)

ماه	فروردین	اردیبهشت	خرداد	تیر	مرداد	شهریور	مهر
تعداد	۲۷۹۰	۲۰۷۶	۱۱۶	۸۸۶	۸۲۵	۱۳۰۰	۱۳۵۰

در طی سالهای ۷۵ ـ ۱۳۷۴ تلاشهای بسیاری برای نظم دادن به امور گردشگران و بازگرداندن رونق گذشته به عمل آمده است. اما عزیمت مسافران آسیای مرکزی به سایر کشورها و شرایط سهلتر آمد و شد آنها، تا حدودی از تمایل آنان برای سـفر بـه ایـران کاسته است. پیش‌بینی می‌شود که باگشایش خط آهن ابریشم و ایجاد منطقهٔ آزاد تجاری در سرخس، این مکان به عنوان کانون ارتباط با آسیای مرکزی و خراسان به عنوان بازار جذب توریست، شاهد فعالیت‌های سیاحتی و بازرگانی گسترده‌ای بـاشند کـه حـاصل نهایی آن افزایش در آمد ناشی از جهانگردی است.

بدیهی است که با برنامه‌ریزی و کاربرد تدابیر لازم و هدایت و جهت‌دهی مسافران وتاجران خارجی مطابق با سیاستهای اقتصادی کشور و اصول فرهنگی حاکم برآن از یک سو و پیش‌بینی و تدارک تسهیلات و خدمات مـورد نـیاز آنـها از سـوی دیگـر صـنعت گردشگری به شکل یک فرصت فرهنگی و اقتصادی مناسب برای کشور و استان جلوه خواهد کرد.

در کنار روابط گستردهٔ اقتصادی استان خراسان و آسیای مرکزی تبادلات فـرهنگی بین دو ناحیه نیز توسعه یافته است. تبادل استاد میان دانشگاه فردوسی و دانشگاه مختوم قلی ترکمنستان برای تدریس زبان فارسی و زبان ترکمنی و روسـی، بـازدید اسـتادان و دانشجویان دانشگاه فردوسی از ترکمنستان به دفـعات مکـرر، و دانشـجویان دانشگـاه مختوم قلی از خراسان و ایران، دیدار کارشناسان سازمان میراث فرهنگی استان خراسان از آثار تاریخی آسیای مرکزی و اجرای طرحهای بازسازی و مرمت تعدادی از بـناهای

مذکور، بازدید متخصصان اداره کشاورزی خراسان از ترکمنستان و برگزاری دوره‌های آموزشی و برپایی نمایشگاههای متعدد انواع کالاهای تولید استان در جمهوریهای آسیای مرکزی برخی از فعالیتهای فرهنگی میان استان خراسان و کشورهای آسیای مرکزی است.

به دلیل همجواری مستقیم استان خراسان با جمهوری ترکمنستان روابط استان با این کشور بیش از سایر جمهوریهای آسیای مرکزی است. استان ماری در ترکمنستان بیشترین روابط را با خراسان برقرار کرده و به همین دلیل این دو استان با یکدیگر خواهر خوانده معرفی شده‌اند. جمهوری تاجیکستان که درگیر مناقشات سیاسی داخلی بوده است، در حال گسترش روابط خود با ایران و بویژه استان خراسان است. جمهوری قرقیزستان بویژه استان اوش این کشور روابط گسترده و بسیار نزدیک با استان خراسان برقرار کرده و برگزاری چند نمایشگاه تخصصی کالاهای استان در این ناحیه و سفرهای متعدد مسؤولان و بازرگانان خراسانی و قرقیزی به استانهای یکدیگر حاکی از گستردگی روابط است. پس از افتتاح راه‌آهن ابریشم روابط قزاقستان با استان خراسان از طریق راه‌آهن گسترش یافت و ایجاد کنسولگری قزاقستان در مشهد نیز با هدف توسعهٔ روابط استان با این جمهوری صورت گرفت. به نظر می‌رسد استان خراسان می‌تواند به عنوان پایگاهی مهم، نقش فعالتر و مؤثرتری در روابط کشورمان با ناحیه داشته باشد، دستیابی به این مهم مستلزم گسترش بیشتر روابط کشورمان با ناحیه در سطح ملی و برنامه‌ریزی برای استفاده از فرصتهای مناسب فراهم شده در سطح استان می‌باشد.

یادداشتها

۱ ـ در بهمن ماه سال ۱۳۶۳ طی اجلاسی در تهران قطعنامه‌ای بین ایران، پاکستان و ترکیه به امضا رسید که طی آن «سازمان عمران منطقه‌ای» که در پیش از انقلاب اسلامی فعال بود، با نام تازه «سازمان همکاریهای اقتصادی» (اکو) شروع به کار کرد. در همین قطعنامه پیکرهٔ اساسی سازماندهی اکو تعیین شد.

کشورهای بنیانگذار در ۲۸ نوامبر ۱۹۹۲م/۱۳۷۱ش در اسلام آباد پاکستان «عهدنامهٔ ازمیر» را که قبلاً درباره مشارکت کشورها و سایر مسایل تهیه شده بود اصلاح کردند و زمینه را برای پیوستن اعضای

جدید هموار کردند، به این ترتیب در حال حاضر سازمان اکو به جز سه عضو بنیانگذار دارای ۷ عضو دیگر است. این ۷ عضو، عبارت‌اند از افغانستان، آذربایجان، ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قرقیزستان و قزاقستان. در فوریه ۱۹۹۳م/بهمن ۱۳۷۱ش اعضای اکو در کویته پاکستان برنامهٔ عمل اکو را تهیه کردند. همکاریهای بانکی، ایجاد دانشکده، مطالعه برای شرکت در تشکیل بانک سرمایه‌گذاری و توسعه، بررسی پیوستگی شبکه حمل ونقل، همکاریهای دریایی، همکاریهای پستی، کشتیرانی در دریای خزر، توسعه وگسترش خطوط حمل ونقل، حفاظت محیط زیست، مبارزه با مواد مخدر وتوسعهٔ شبکه پستی و ارتباطی از مهمترین اهداف اکو بشمار می‌آیند.

۲ ـ *راه ابریشم*، ص ۱۸ ـ ۲۱.

۳ ـ «راه‌آهن سرخس ـ مشهد، مرکز ثقل تجارت آسیا و اروپا»، *اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران* ش ۳، خرداد ۱۳۷۵، ص ۵۵ ـ ۶۲.

۴ ـ برای کسب اطلاعات فنی نگاه کنید به: «احداث راه آهن مشهد ـ سرخس علاوه بر اهمیت بین‌المللی آن نشانگر تکنولوژی پیشرفته کشور در پل سازی و تونل سازی است»، *اقتصاد خراسان*، س ۴، ش ۱۴۸، اول اردیبهشت ۱۳۷۴.

۵ ـ «علل کندی در صادرات و واردات ریلی کالا، وقفه در برنامه قطار مشهد ـ سرخس و تشکیل کمیته ترانزیت کالا تشریح شد»، *اقتصاد خراسان*، سال ۴، ش ۱۷۴، ۲۸ مهر ۱۳۷۵.

۶ ـ *اقتصاد خراسان*، س ۴، ش ۱۷۴، ۲۸ مهر ۱۳۷۵.

۷ ـ *اقتصاد خراسان*، س ۴، ش ۱۵۹، ۱۶تیر ۱۳۷۵.

۸ ـ *اقتصاد خراسان*، س ۴، ش ۱۷۰، ۳۱ شهریور ۱۳۷۵.

۹ ـ *اقتصاد خراسان*، س ۳، ش ۱۳۵، ۲۳ دی ۱۳۷۴.

۱۰ ـ پاپلی یزدی، محمدحسین «آسیای مرکزی و لزوم اهمیت مطالعات مربوط به آن»، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، س ۴، ش ۱۴، پاییز ۱۳۶۸، ص ۱۷ ـ ۱۹.

پسگفتار

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، دوران جدیدی را در روابط بین‌المللی گشود و بحث نظام دگرگون شونده جهانی را به عنوان یک واقعیت مطرح کرد. پیامد این رخداد تحول اساسی در تمام ابعاد سیاستهای بین‌المللی بود که از میان آنها می‌توان به دگرگون شدن نظام قدرت درسطح جهان، توسعه و گسترش مناسبات و روابط منطقه‌ای، اهمیت یافتن فزایندهٔ عنصر اقتصادی در ارتباطات بین‌المللی و آشکار شدن بیشتر نقش عوامل قومی، مذهبی در رخدادهای سیاسی، اشاره کرد.

پنج کشوری که در آسیای مرکزی از ۳۱ اوت تا ۲۷ اکتبر سال ۱۹۹۱ میلادی مطابق با ۱۰ شهریور تا ۶ آبان سال ۱۳۷۰ شمسی به استقلال رسیدند، پدیدهٔ نوینی را در جغرافیای سیاسی جهان و بویژه منطقه ایجاد کردند. تا پیش از فروپاشی شوروی سابق این کشورها در یک نظام سیاسی و اقتصادی برنامه‌ریزی شده از بالا و به هم پیوسته قرار داشتند. در آن زمان تمام تصمیمات اساسی در ابعاد گوناگون، از سوی دولت مرکزی مستقر در مسکو اتخاد و به وسیلهٔ یکایک جمهوریها به مرحلهٔ اجرا در می‌آمد. بدیهی است هریک از کشورها با توجه به توانها و تنگناهای محیطی دریک زمینهٔ خاص فعالیت می‌کردند و به مرحله تخصص می‌رسیدند و برای تأمین سایر نیازهای خود در رابطه‌ای نزدیک و متقابل با یکدیگر قرار داشتند.

با سقوط شوروی، اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی این کشورها با دگرگونیهای عمیقی روبرو شد. اقتصاد جمهوریها به سرعت از یکدیگر جدا شد، نابسامانیهای گوناگون ناشی از تحولات ناخواسته سبب کاهش فعالیتهای اقتصادی و تولیدات گوناگون

شد. درموقعیت جدید رهبران کشورها با تمام توان خود برای تغییر ساختارها، ایجاد ثبات سیاسی واقتصادی و رفع بحرانهای گوناگون تلاش کردند. و نخستین اقدام آنها در این جهت پیوستن به جمع کشورهای جامعهٔ مستقل مشترک‌المنافع بود.

جمهوریهای آسیای مرکزی از نخستین روزهای پس از استقلال، تلاش خود را به دستیابی به توسعه‌ای پایدار و همه جانبه قرار داده‌اند. برای رسیدن به این هدف آنان به دنبال یافتن الگوهای موفق می‌باشند، بدیهی است که الگوهای غربی متکی بر بازار و اقتصاد آزاد سخت مورد توجه آنها قرار گرفته است. کشورهای قدرتمند، بویژه کشورهای غربی نیز با اطلاع از این موضوع و با نیت بهره‌برداری هرچه بیشتر از منافع سیاسی واقتصادی ناحیه هریک به دنبال اعمال قدرت و نفوذ بر هر یک از این کشورها به صورت منفرد و مجموعهٔ آنها هستند.

تحولات سیاسی مذکور ایران را در موقعیت ویژه و در پیوند با دو منطقه حساس جهان یعنی خاورمیانه و آسیای مرکزی قرار داد. در خاورمیانه کشور ما همواره به عنوان یک اقلیت متمایز از سایر کشورهای عرب زبان به شمار می‌آید. و ما هیچ گاه نتوانستیم در یک اشتراک فرهنگی وحتی مذهبی با آنها قرار بگیریم. حال با ایجاد جمهوریهای آسیای مرکزی برای ما فرصت بسیار ارزشمند و گرانقدری پدیدار شده تا بتوانیم در این ناحیه که اشتراکات تاریخی و فرهنگی کهنی با آنها داریم، چه در مجموعهٔ کشور و چه در هر یک از آنها، نقش آفرین باشیم.

در کنار روابط پایداری که کشورمان با آسیای مرکزی می‌تواند برقرار نماید، ایجاد اتحادیه‌ای منطقه‌ای متشکل از کشورهای اطرافمان، ضمن آن که فواید بسیاری برای هر یک از کشورها دارد، در سطح جهان نیز می‌تواند به یک قدرت منطقه‌ای قوی و قدرتمند تبدیل شود و در وقایع سیاسی به عنوان یک وزنهٔ قدرتمند به شمار آید. اما رسیدن به این اهداف مستلزم انتخاب راه و روشهای مناسب و درست به لحاظ ارتباطات گوناگون کشورمان با آسیای مرکزی می‌باشد.

نکته‌ای که در برقراری ارتباط با آسیای مرکزی، امتیاز ویژه‌ای به شمار می‌آید، موقعیت جغرافیایی عالی کشورمان است. ما ضمن آن که مرز مشترک زمینی و آبی با این کشورها داریم، قادریم ضمن برقراری روابط گسترده با آنها، به عنوان پل ارتباطی، ارتباط

آنها را با آبهای آزاد و سایر کشورهای جهان برقرار سازیم.

ارتباط با آسیای مرکزی و گسترش آن با توجه به اهمیت ویژه‌ای که دارد در دو بُعد فرهنگی و اقتصادی قابل اجرا است. در بعد فرهنگی با توجه به پیوندهای دیرینهٔ تاریخی و فرهنگی ایران با این ناحیه اکنون باید تلاش گسترده‌ای برای بازشناساندن هویت مشترک فرهنگی انجام دهیم. نخستین قدم در این زمینه اطلاع رسانی است.

برای اطلاع رسانی وسیله‌ای که براحتی در اختیار ماست و می‌توانیم از آن برای پیام رسانی استفاده کنیم، صدا و سیما است. این رسانه‌ها باید ساعاتی از روز را به پخش برنامه‌های برون مرزی ویژهٔ آسیای مرکزی اختصاص دهند. برنامه‌های تهیه شده باید ضمن آن که شادی آور باشند مردم ناحیه را با انواع مفاخر فرهنگی ما آشنا سازد و با نشان دادن تشابهات فرهنگی، پیوندهای دیرین را زنده کند.

برگزاری گردهمایی‌ها و کنگره‌ها در امور ادبی، برپایی جشنواره‌ها و نمایشگاههای هنری در جمهوریهای آسیای مرکزی، اهدای بورس تحصیلی به دانشجویان این کشورها برای ادامهٔ تحیصل در ایران، احداث مراکز آموزشی در برخی از کشورها، استفاده از توان پژوهشی و تخصصی جمهوریهای آسیای مرکزی و رونق دادن صنعت جهانگردی، از موضوعات دیگری است که در توسعهٔ روابط فرهنگی میان کشورمان و ناحیهٔ آسیای مرکزی مؤثر خواهد افتاد.

بدیهی است که فعالیتهای فرهنگی ایران خود بخود در انتقال اصول اعتقادی ما نیز مؤثر است، و در مدت کوتاهی سبب جلب جوانان این کشورها خواهد شد. در این باره باید به گونه‌ای عمل شود که ضمن جلوگیری از بروز اختلافات مذهبی میان ما و آنها، زمینه‌ای برای رشد فعالیتهای کشورهای مخالف ما فراهم نشود و تبلیغات سوء آنها دربارهٔ اصول ایده‌ئولوژی ما و عملکردمان بدل به واقعیت نشود. بویژه که در این سرزمینها مردمی سکونت دارند که بیش از ۷۰ سال از مسائل و اصول اعتقادی به دور بودند و اشتیاق فراوان آنها، زمینهٔ مساعدی را برای پذیرش افکار ما فراهم می‌کند.

در برقراری روابط اقتصادی ایران با آسیای مرکزی نخستین موضوعی که باید مورد توجه قرار گیرد شناخت توانهاو تنگناهای بخشهای مختلف اقتصادی آسیای مرکزی است[1] که با توجه به قابلیتهای مادی و معنوی و نیازهای کشورمان در بخشهای

گوناگون اقتصادی می‌توان جهت دهی‌های مناسب را انتخاب کرد.

در بررسی و شناخت توانهای ناحیه باید به موضوعات زیر توجه کرد:

ـ شناخت موقعیت ترانزیت ایران، هم از نظر حمل و نقل کالا و هم در انتقال منابع انرژی زا.

ـ شناخت چگونگی فعالیت تجاری کشورهای دیگر جهان با آسیای مرکزی

ـ شناسایی نیازهای وارداتی ناحیه و قابلیتهای تولیدی وکالاهای صادراتی آنها

ـ شناخت زمینه‌های مناسب موجود در ناحیه برای سرمایه‌گذاریهای مشترک

پس از شناسایی موارد فوق ما باید از توانهای گوناگون خودمان نیز اطلاع داشته باشیم:

ـ شناسایی توان بخش دولتی و بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در آسیای مرکزی

ـ شناخت توان تولیدی کشور، برای رفع نیازهای آسیای مرکزی

ـ شناسایی نیازهای کشور برای رفع آن از طریق منابع آسیای مرکزی

پس از بررسی موضوعات مذکور روابط اقتصادی کشورما با ناحیه می‌تواند بسیار گسترده و همه جانبه ادامه یابد، این مراودات هم در غالب اتحادیه‌های گوناگون مانند سازمان همکاریهای کشورهای حوضهٔ دریای خزر و سازمان اکو وهم در چارچوب ارتباطات متقابل با هر یک از کشورها قابل اجراست.

بدیهی است سیاستهای ارشادی دولت نقش مهمی در گسترش روابط دارد، زیرا دولت با برطرف نمودن مشکلات بازرگانی، ایجاد دفاتر بازرگانی و تجاری در کشورهای ناحیه، ایجاد مناطق آزاد تجاری در نقاط مرزی وجهت دهی برخی از امکانات کشور برای تأمین نیازهای جمهوریها، احداث و نوسازی جاده‌های ارتباطی کشور بویژه در ناحیهٔ شرقی از نقاط مرزی تا سواحل خلیج فارس، توسعه وایجاد خطوط آهن در همین ناحیه، ایجاد امکانات حمل و نقل دریایی در بنادر ساحل جنوبی دریای خزر، احداث و تکمیل راههای جاده‌ای و راه‌آهن در مسیرهای منتهی به کشورهای همسایه، ایجاد امکانات رفاهی درنواحی مجاور مرز و بویژه استان خراسان واستان سیستان و بلوچستان، می‌تواند نقش مؤثری درگسترش و رونق روابط اقتصادی ایفا نماید.

پی‌نوشت

آرامش ناپدار و بروز درگیری‌های دوره‌ای در تاجیکستان، گسترش روابط اقتصادی کشورهای ناحیه بویژه در زمینهٔ منابع غنی انرژی‌زا، بحث و گفت‌وگو پیرامون دریای خزر مهمترین رخدادهای آسیای مرکزی از پاییز سال ۱۳۷۵ تا پاییز سال ۱۳۷۷ بوده است.

در تاجیکستان پس از برگزاری نشست‌های متعدد بحث و گفت‌وگو میان دولت و نیروهای مخالفِ آن با حضور میانجیان و ناظران بین المللی سرانجام در تیرماه سال ۱۳۷۶ پیمان نهایی صلح در مسکو به امضای دو طرف رسید. اما پس از یک دوره آرامش نسبی در اردیبهشت سال ۱۳۷۷، درگیری‌های گسترده‌ای در پایتخت کشور، میان نیروهای دولتی و اتحاد مخالفان تاجیک رخ داد. این ناآرامی‌ها چند روز ادامه داشت تا سرانجام با متعهد شدن طرفهای درگیر به اجرای مفاد قرارداد صلح درگیری‌ها به پایان رسید. پس از آن، دولت با ادغام شماری از نیروهای مسلح مخالفان در ارتش ملی، عضویت تعدادی از رهبران مخالف در ترکیب هیأت دولت و تهیهٔ لایحهٔ جدید عفو زندانیان، گامهای اولیه را برای برقراری ثبات سیاسی در کشور برداشت.

غیر از تاجیکستان، که درگیر حلّ مشکلات سیاسی داخلی بود، دیگر سایر کشورهای ناحیه در اندیشهٔ توسعهٔ مبادلات تجاری و روابط اقتصادی بودند؛ نفت ،گاز و چگونگی انتقال آن به بازار مصرف، بیشترین و مهمترین پیمانها را شامل می‌شد. بدیهی است که شرکتهای نفتی و کشورهای ذی‌نفع با توجه به صرفه‌های اقتصادی و محدودیتهای سیاسی، هر یک، مسیری را برای خطوط انتقال نفت و گاز پیشنهاد داده‌اند.

شماری از این مسیرها عبارت‌اند از[1]:

مسیر (۱) : از قزاقستان به چین.

مسیر (۲) : از ترکمنستان به افغانستان و پاکستان.

مسیر (۳) : از ترکمنستان به ایران و خلیج فارس.

مسیر (۴) : از ترکمنستان به ایران و ترکیه.

مسیر (۵) : از ترکمنستان و زیر دریای خزر به آذربایجان و دریای سیاه.

مسیر (۶) : از قزاقستان و زیر دریای خزر به آذربایجان و دریای سیاه.

مسیر (۷) : از آذربایجان به بندر سوسپای گرجستان در دریای سیاه.

مسیر (۸) : از آذربایجان به بندر جیهان ترکیه در دریای مدیترانه.

مسیر (۹) : از آذربایجان به داغستان و چچن و بندر نووروسیسک روسیه در دریای سیاه.

مسیر (۱۰) : از قزاقستان به بندر روسی نووروسیسک در دریای سیاه.

مسیر (۱۱) : از قزاقستان به لوله‌های نفتی روسیه. (نقشه ۵۰).

شرکتهای نفتی که در اندیشهٔ ارزانترین هزینهٔ دسترسی به بهترین بازار هستند، از میان مسیرهای مذکور، خط لوله‌ای را که به خلیج فارس پایان می‌یابد (مسیر ۳) بهترین مسیر دانسته‌اند، اما امریکا برای حفظ منافع خود و جلوگیری از نفوذ ایران در ناحیه، کوشیده است شرکتهای نفتی و کشورهای ذی‌نفع را از سرمایه‌گذاری در این مسیر برحذر دارد.

به هرحال، کشورهای آسیای مرکزی برای بهره‌برداری از این منابع، کوشش فراوان دارند و قراردادهایی نیز در این جهت بسته‌اند. قزاقستان در سال ۱۳۷۶ با تعدادی از شرکتهای نفتی قراردادی را برای ساختِ خط لولهٔ مسیر (۱۱) امضا کرده است. در مهرماه همین سال، چینی‌ها به عنوان بخشی از معاملهٔ خرید دو میدان نفتی قزاقستان، برای احداث خط لولهٔ مسیر (۱)، تفاهم‌نامه‌ای تهیه کردند. همچنین رؤسای جمهور سه کشور ایران، ترکیه و ترکمنستان در اواخر اردیبهشت ماه سال ۱۳۷۶، توافق کردند که خط لولهٔ مسیر (۴) را بسازند تا برای مدت ۳۰ سال سالانه ۲۸ تا ۳۰ میلیارد متر مکعب گاز

۱ـ «بازی خط لوله»، صفحه اول، ش ۵۲، ص ۶۲ـ ۶۳.

طبیعی به ترکیه و اروپا صادر شود. افتتاح خط لوله ۲۰۰ کیلومتری ترکمنستان به ایران در دی‌ماه همین سال در واقع بخشی از همین مسیر است.

نقشه ۵۰

یکی از مباحث مطرح در مناسبات اقتصادی آسیای مرکزی، موضوع دریای خزر است. با همهٔ گفت‌وگوهای زیادی که پیرامون مسایل این دریا مطرح است، هنوز نظام حقوقی آن مشخص نشده و فقط برخی طرحهای مشترک هواشناسی، آب‌شناسی و مراقبت از محیط زیست دریا مورد توافق کشورهای همجوار دریا قرار گرفته است.

در حالی که ایران همچنان پافشاری می‌کند که بهره‌برداری عادلانه از منابع دریا، بستر و زیر بستر، باید در چارچوب رژیم حقوقی مورد قبول همه کشورهای حاشیهٔ دریا باشد، کشورهای دیگر علاقهٔ چندانی به این موضوع نشان نمی‌دهند. به نظر می‌رسد مانع جدّی و مؤثّر در کند شدنِ روندِ تعیینِ نظامِ حقوقیِ دریا، مواد سوختی زیر بستر دریا و اندیشهٔ کشورهای جدید التأسیس حاشیه دریا باشد که می‌کوشند هر چه زودتر از منافع دریا بهره‌مند شوند و توافقهای حاصل شده نیز در همین راستاست.

بر طبق موافقت‌نامه‌ای که در تیرماه ۱۳۷۷ میان روسیه و قزاقستان به امضا رسید، بستر سواحل مجاور دو کشور بین آنها تقسیم می‌شود و حقوق حاکمیّت هر طرف برای توسعه و مدیریّت منابع زیر بستر شمال دریا در چارچوب خطوطی که ترسیم خواهد شد، تضمین شده است. این قرارداد که مورد تأیید شرکتهای غربی است و حضور آنها را در ناحیه تحکیم می‌کند، با مخالفت شدید و جدّی ایران روبه‌رو شد.

همچنین امریکا برای انتقال نفت کشورهای حاشیهٔ شرقی دریا به بازارهای مصرف، طرحی را ارائه داده که خط لوله در زیر بستر دریا جاسازی شود و برای اجرای آن نیز گفت‌وگوهایی با کشورهای ذی‌نفع انجام داده است. اجرای این طرح، خطرهای زیست‌محیطی عظیمی را به همراه دارد زیرا ممکن است نوسانهای بیشتر دریا و تغییرات فشار آب، که در دریای خزر به فراوانی اتفاق می‌افتد، مقاومت لوله‌ها را درهم بشکند و یا پایه‌هایی که لوله‌ها بر روی آنها متصل شده‌اند، در اثر زلزله‌های زیر بستر، شکاف بردارند. در هر دو حالت تا برای ترمیم آنها اقدامی صورت می‌گیرد، چه بسا هفته‌ها نفت وارد دریا شود. به دلیل وجود زمینهٔ مناسب برای آلوده شدن دریا، ایران مخالفت خود را با اجرای طرح مذکور اعلام کرده است.

و سرانجام، این که در این مدت، کشورهای آسیای مرکزی همچنان پی‌گیر گسترش مناسبات سیاسی و روابط اقتصادی خود بوده‌اند و شرکتهای اقتصادی و کشورهای

گوناگون، بویژه غربی‌ها، بسرعت جای خود را در اقتصاد ناحیه باز کرده‌اند. در حالی که به‌نظر می‌رسد ایران نتوانسته است از امکانات و شرایط مناسب خود برای بسط روابط گوناگون با کشورهای ناحیه استفادهٔ بهینه‌ای ببرد و حتی در برخی زمینه‌ها نه تنها افزایشی در سطح مناسبات تجاری نداشته بلکه نسبت به قبل، رَوَند نزولی داشته است. این امر حتی در بخش گردشگری نیز صادق است، به طوری که در سال ۱۳۷۶، ورود گردشگران آسیای مرکزی به استان خراسان نسبت به سال ۱۳۷۵ حدود ۱۳/۹ درصد کاهش نشان می‌دهد. امید است با بهبود و بسط روابط سیاسی ایران با کشورهای ناحیه، زمینهٔ مساعدی برای گسترش روابط اقتصادی فراهم شود و ایران در جایگاه واقعی خود در ارتباط با این ناحیهٔ کهن و وسیع قرار گیرد.

در آخرین روزهای انتشار این اثر، کتاب Human Geography در دسترس نگارنده قرار گرفت که جدول ۴-۷ براساس آمار این کتاب تنظیم شده است.

صفحه ۳۹۶ سفید

کتابنامه

۱ ـ آزموده، ابوالفضل، «جمهوری قرقیزستان گنجینهٔ فلزات گرانبها»، *بندر و دریا*،شمارهٔ ۴۵ و ۴۶، بهمن و اسفند ۱۳۷۲، ص ۵۰ ـ ۵۵.

۲ ـ آقایی حاج آقا، بهروز، «آشنایی با جمهوری تاجیکستان»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال اول، شمارهٔ اول، بهار ۱۳۷۱، ص۲۹۷ ـ ۳۰۵.

۳ ـ آکادمی علوم تاجیکستان، کشور کوههای بلند و وادیهای زرنـثار، نشـریات دانش، دوشـنبه، ۱۹۷۰، ۲۳۱ص.

۴ ـ آکیمف، الکساندر، «منابع معدنی و زراعی آسیای مرکزی»، ترجمهٔ بدرالزمان شهبازی، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال سوم، دورهٔ دوم، شمارهٔ ۸، ویژه‌نامهٔ سمینار ۱۳۷۳، ص۳۱۵ ـ ۳۲۸.

۵ ـ ابوالحسن شیرازی، حبیب‌الله، *ملیتهای آسیای میانه*، دفتر مـطالعات سـیاسی و بـین‌المـللی، تـهران، ۱۳۷۰، ۳۶۰ص.

۶ ـ ابوالحسینی، مینا، «موقعیت قرقیزستان در آسیای میانه»،*کیهان*، شمارهٔ ۱۴۸۲۳.

۷ ـ ابوطالبی، مرتضی، «آسیای مرکزی: جغرافیای سیاسی»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سـال اول، شمارهٔ ۲، پاییز ۱۳۷۱، ص ۲۱ ـ۴۶.

۸ ـ احمدی نژاد، سید حسن، *سیمای سمرقند*، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳، ۹۶ص.

۹ ـ اختر، شمیم، «اهمیت استراتژیک آسیای میانه»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال دوم، شمارهٔ اول، تابستان ۱۳۷۲، ص۱۸۵ ـ ۱۹۴.

۱۰ ـ «افزایش صادرات ترکمنستان در مقایسه با واردات»، *اقتصاد خراسان*، سال دوم، شمارهٔ ۸۹، ۲۹ بهمن ۱۳۷۳، ص ۱۱.

ـ «اقتصاد تاجیکستان»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال سوم، دوره دوم، شماره ۷، زمستان ۱۳۷۳، ص ۱۷۵ ـ ۱۷۸.

ـ «اقتصاد قزاقستان»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال سوم، دورهٔ دوم، شمارهٔ۷، زمستان ۱۳۷۳، ص ۱۸۶ ـ ۱۹۰.

ـ «اقتصاد کشورهای مشترک‌المنافع در سال ۱۹۹۵میلادی»، *اقتصاد خراسان*، سال چهارم، شماره ۱۶۰، ۲۳ تیر ۱۳۷۵، ص ۵.

ـ «اقتصاد کشورهای مشترک‌المنافع در سه ماهه اول سال ۱۹۹۶ میلادی»، *اقتصاد خراسان*، سال چهارم، شمارهٔ ۱۶۶، ۳ شهریور ۱۳۷۵، ص ۵.

ـ اسکلیارف، لئونید، «کشورهای حوضهٔ دریای خزر در قرن بیست و یکم: منطقه رقابت یا همکاری» ترجمهٔ مهرداد محسنین، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال پنجم، دورهٔ دوم، شمارهٔ ۱۴، ص ۷۷ ـ۹۴.

ـ اکینر، شیرین، *اقوام مسلمان اتحاد شوروی*، ترجمه علی خزاعی فر، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، مشهد ۱۳۶۶، ۵۶۷ص.

ـ اکینر، شیرین، «تنزل شرایط زیست محیطی در آسیای مرکزی»، ترجمه عالیه ارفعی، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال سوم، دورهٔ دوم، شمارهٔ۷، پاییز ۱۳۷۳، ص ۱۲۹ ـ ۱۳۸.

ـ امانی، مهدی، «نظری اجمالی بر جمعیت جمهوریهای آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان وترکمنستان»، ترجمه رویا دُرانی، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال اول، شمارهٔ ۳، زمستان ۱۳۷۱، ص ۲۰۳ ـ ۲۱۵.

امیدوارنیا، محمدجواد، «چین و روسیه در آسیای مرکزی»، *مطالعات آسیای مرکزی*، سال سوم، دورهٔ دوم، شمارهٔ ۷، زمستان ۱۳۷۳، ص ۷۱ ـ ۷۸.

ـ امیدوارنیا، محمدجواد، «روش و تجربه چین در بررسی ظرفیتها و منابع اقتصادی آسیای مرکزی»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال سوم، دوره دوم، شماره ۸، ویژه نامه سمینار ۱۳۷۳، ص ۲۹۱ ـ ۳۰۲.

ـ امیر احمدی، بهرام، «بررسی جمعیت ترکمنستان»، *مطالعات آسیای مرکزی وقفقاز*، سال سوم، دورهٔ دوم، شمارهٔ ۵، تابستان ۱۳۷۳، ص ۹۵ ـ ۱۱۰.

ـ «انتقال گاز ترکمنستان به ایران در آینده نزدیک آغاز می‌شود»، *اقتصاد خراسان*، سال چهارم، شمارهٔ ۱۶۰، ۲۳ تیر ۱۳۷۵.

ـ اولکات، مارتابریل، «سیاست در آسیای مرکزی پس از فروپاشی امپراطوری»، ترجمه الهه لاکویی، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال اول، شماره ۲، پاییز ۱۳۷۱، ص ۴۷ ـ ۷۶

ـ اولکات، مارتابریل، «استقلال ناخواسته برای آسیای مرکزی»، ترجمهٔ مهدی اعیانی فرد، سال اول، شمارهٔ ۴، بهار ۱۳۷۲، ص ۱۳۵ ـ ۱۶۶.

ـ «ایران و تاجیکستان مستقل»، *مطالعات آسیای مرکزی وقفقاز*، سال اول، شمارهٔ ۲، پاییز ۱۳۷۰، ص ۲۹۹ ـ ۳۰۵ و *نشر دانش*، سال ۱۲، شماره ۵، مرداد ـ شهریور ۱۳۷۱، ص ۲ ـ ۵.

ـ ایرانی، ناصر، «بار دیگر در تاجیکستان تأثرهای ذهنی و وضع کنونی زبان فارسی تاجیکی»، *مطالعات آسیای‌مرکزی وقفقاز*، سال چهارم، دورهٔ دوم، شمارهٔ ۱۱، پاییز ۱۳۷۴، ص ۱۴۶ ـ ۱۵۶.

ـ ایرانی، ناصر، *بهار گمشده، یادداشتهای سفر تاجیکستان*، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳، ۱۱۱ص.

ـ بارتولد، و.و، *آبیاری در ترکستان*، ترجمهٔ کریم کشاورز، موسسهٔ مطالعات و تحقیقات اجتماعی، دانشگاه تهران، ۱۳۵۰، ۳۱۴ص.

ـ بارتولد، و. و، *ترکستان نامه، ترکستان در عهد هجوم مغول*، ۲جلد، ترجمهٔ کریم کشاورز، چاپ دوم، آگاه، تهران، ۱۳۶۶، ۱۳۲۵ص.

ـ بارتولد، و. با، *گزیده مقالات تحقیقی*، ترجمهٔ کریم کشاورز، امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۸، ۵۰۳ص.

ـ «بازار آسیای مرکزی گرسنه است»، *مطالعات آسیای مرکزی وقفقاز*، سال دوم، شمارهٔ ۳، زمستان ۱۳۷۲، ص ۲۶۳ ـ ۲۶۸.

ـ *«بازی خط لوله»، صفحهٔ* اول، سال هفتم، ش ۵۲، تیر ۱۳۷۷، ص ۶۱–۶۳.

ـ بدیعی، ربیع، *جغرافیای مفصل ایران*، جلد اول، اقبال، تهران، ۱۳۶۲، ۲۱۶ص.

ـ برجیان، حبیب، «لرزه خیزی و زلزله در آسیای مرکزی»، *نامه فرهنگستان علوم*، سال چهارم، ش ۶ و ۷، ص ۱۷۹ ـ ۲۰۰.

ـ بردآبادی، کامبیز، «آسیای میانه در جستجوی هویت»، *زمان*، شمارهٔ ۶، دی ۱۳۷۴، ص ۸ ـ ۱۴.

ـ «برنامه توسعه اقتصادی ترکمنستان، برای سه سال آینده»، *مطالعات آسیای مرکزی وقفقاز*، سال اول، شمارهٔ ۴، بهار ۱۳۷۲، ص ۳۹۹ ـ ۴۰۲.

ـ بکت، فرانس، «نجات آرال، دریاچه بزرگ آسیای مرکزی»، *پیام یونسکو*، سال ۲۶، شمارهٔ ۲۹۳، آبان ۱۳۷۳، ص ۳۲.

ـ بلگراد، گرولد«ملتی با تاریخ و سرنوشت تلخ»، *مطالعات آسیای مرکزی وقفقاز*، سال سوم، دورهٔ دوم، شمارهٔ ۵، تابستان ۱۳۷۳، ص ۱۹۳ ـ ۲۱۰.

ـ بلینتسکی، آ، *خراسان و ماوراءالنهر (آسیای میانه)*، ترجمهٔ پرویز ورجاوند، گفتار، تهران، ۱۳۶۴، ۳۲۴ص.

ـ بهفروز، فاطمه، «خصوصیات جمعیتی، اجتماعی، فرهنگی واقتصادی جمهوریهای نو استقلال آسیای

میانه»، مجموعهٔ *مقالات جغرافیایی*، دفتر اول، کشورهای آسیای مرکزی، سازمان جغرافیایی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، تهران، ۱۳۷۲، ص ۴۱ ـ ۸۵.

ـ پاپلی یزدی، محمدحسین، «آسیای مرکزی، لزوم و اهمیت مطالعات مربوط به آن»، *تحقیقات جغرافیایی*، سال سوم، شمارهٔ ۱۴، پاییز ۱۳۶۸، ص ۷ ـ ۱۹.

ـ پاپا دوپولو، آ، *معماری اسلامی*، ترجمهٔ حشمت جزنی، مرکز نشر فرهنگی رجاء، تهران ۱۳۶۸، ۳۰۰ص.

ـ پاکدامن، رضا، «نقش روسیه در اقتصاد جمهوریهای آسیای مرکزی و قفقاز»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال دوم، دورهٔدوم، شمارهٔ ۸، ویژهنامهٔ سمینار ۱۳۷۳، ص ۱۶۱ ـ ۱۷۶.

ـ پیرنیا، محمد کریم، *شیوههای معماری ایرانی*، مؤسسه نشر هنر اسلامی، تهران، ۱۳۶۹، ۴۰۶ص.

ـ *تاریخ تمدنهای آسیای مرکزی*، ترجمه صادق ملک شهمیرزادی، وزارت امورخارجه، تهران، ۱۳۷۴، ۴۰۷ص.

ـ تکمیل همایون، ناصر، «نگاهی به آسیا و شناخت آسیای مرکزی»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال اول، شمارهٔ سوم، زمستان ۱۳۷۱، ص ۲۱ ـ ۴۸.

ـ تیسون، دیوید، «نقش رسانههای سمعی غیر رسمی در ازبکستان»، ترجمهٔ قاسم ملکی، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال چهارم، دوره دوم، شماره ۱۱، پاییز ۱۳۷۴، ص ۱۵۷ ـ ۱۷۴.

ـ «تیغ برنده پارسی، سومین سالگرد استقلال تاجیکستان و تجلیل از فردوسی»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال سوم، دورهٔ دوم، شمارهٔ ۶، پاییز ۱۳۷۳، ص ۱۷۳ ـ ۱۸۶.

ـ ثقفی عامری، ناصر، «ایران، هند و آسیا»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال دوم، شمارهٔ ۴، بهار ۱۳۷۳، ص ۳۵۳ ـ ۳۶۴.

ـ جرجانی، موسی، «تجدید حیات اسلام در ترکمنستان»، *کیهان*، شماره ۱۴۴۵۵، ۱۳۷۲/۲/۱.

ـ «جشن سالگرد استقلال تاجیکستان و سمپوزیوم سهم ایرانیان در رشد تمدن بشری» *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال اول، شمارهٔ ۲، پاییز ۱۳۷۱، ص ۳۴۲ ـ ۳۴۶.

ـ جهانفر، محمد، نظری به شاخصهای جمعیتی، بهداشتی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جهان امروز در سال ۱۹۹۲ میلادی، مؤسسهٔ جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب، تهران، ۱۳۷۲، ۲۳ص.

ـ چکنگی، علیرضا و دیگران، *راه ابریشم*، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ اول، ۱۳۷۵، ۶۲ص.

ـ حاج سید جوادی، سیدکمال، «نامهای دریای مازندران»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال پنجم، شماره ۴، تابستان ۱۳۷۵، ص ۹ ـ ۱۶.

ـ *دانشنامه ادب فارسی*، جلد یکم: آسیای مرکزی، به سرپرستی حسن انوشه، مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی دانشنامه، تهران، ۱۳۷۵، ۹۹۵ص.

ـ کاردانکوس، هلن، *امپراطوری فروپاشیده*، ترجمهٔ عباس آگاهی، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۲، ۳۲۷ص.

ـ «دریای خزر در خطر امواج سمی»، *نامه اتاق بازرگانی*، سال ۱۳۷۴، شمارهٔ ۱۰، دی ۱۳۷۴، ص ۵۱ ـ ۵۲.

ـ دلدم، اسکندر، *سیرو سیاحت در اتحاد شوروی*، نشر دی، تهران، ۱۳۶۸، ۱۷۴ص.

ـ دوبنوآ، م. آ، *زمین‌شناسی ایران، استخراج مواد معدنی در آسیای میانه در سده‌های ۱۶ ـ ۱۹ میلادی*، ترجمهٔ شهپر داراب‌نیا، سازمان زمین‌شناسی کشور، تهران، ۱۳۷۳، ۱۵۸ص.

ـ دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه دهخدا*، زیرنظر محمد معین، دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۳۷.

ـ «راه‌آهن سرخس ـ مشهد، مرکز ثقل تجارت آسیا و اروپا»، *اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران*، شمارهٔ ۳، خرداد ۱۳۷۵، ص ۵۵ ـ ۵۶.

ـ *راهنمای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و جمهوریهای بالتیک*، گیتاشناسی، تهران، ۱۳۷۴، ۳۵۱ص.

ـ رضوی، حسین، رحمانی، علی، «شوک آلماآتا»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال اول، شمارهٔ اول، تابستان ۱۳۷۱، ص ۲۰۵ ـ ۲۳۰.

ـ رنجبر، احمد، *خراسان بزرگ (بحثی پیرامون چند شهر از خراسان بزرگ)*، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۳، ۳۴۳ص.

ـ *روزنامهٔ اقتصاد خراسان*، شماره‌های ۱۳۵، ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۷۰ و ۱۷۴.

ـ ریاضی، محمدرضا، «جاده ابریشم، شکل‌گیری و پیشینه»، *باستانشناسی و تاریخ*، سال نهم، شماره ۲، ص ۴۸ ـ ۵۵.

ـ ریوکین، مایکل، *حکومت مسکو و مسألهٔ مسلمانان*، ترجمهٔ محمود رمضانزاده، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۶، ۲۳۸ص.

ـ ریوکین، مایکل، «دکترین مونروئه: روسیه و ثبات منطقه‌ای»، ترجمهٔ کاملیا احتشامی اکبری، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال سوم، دورهٔ دوم، شمارهٔ ۸، زمستان ۱۳۷۳، ص ۶۷ ـ ۷۴.

– ژوکف، استانیسلاو، «منافع اقتصادی روسیه در آسیای مرکزی»، ترجمهٔ محمد نایب پور، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال سوم، دورهٔ دوم، شمارهٔ ۸، ویژه نامه سمینار ۱۳۷۳، ص ۹۳ ـ ۱۰۶.

ـ «سابقه و جایگاه قزاقستان در جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال سوم، دورهٔ دوم، شمارهٔ ۶، پاییز ۱۳۷۳، ص ۱۹۱ ـ ۲۰۲.

ـ سارلی، ارازمحمد، «*ترکستان در تاریخ؛ نگرشی بر ترکستان در نیمه دوم قرن نوزدهم*»، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۴، ۱۹۲ص.

ـ ستارزاده، ملیحه، «ریشه کلمهٔ ترکمن»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال سوم، دورهٔ جدید، شمارهٔ ۵، تابستان ۱۳۷۳، ص ۷۷ ـ ۸۲.

ـ «سرمایه‌گذاری صنعتی درجمهوریهای آسیای مرکزی»، *اقتصاد خراسان*، سال چهارم، شمارهٔ۱۷۴، ۲۸ مهر ۱۳۷۵، ص ۱۲.

ـ «سمینار بین‌المللی کار و مهاجرت»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال سوم، دورهٔ دوم، شمارهٔ ۷، زمستان ۱۳۷۳، ص ۲۰۳ ـ ۲۱۲.

ـ «سمینار بین‌المللی نفت، گاز و پتروشیمی قزاقستان»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال سوم، دورهٔ دوم، شمارهٔ ۷، زمستان ۱۳۷۳، ص ۱۹۵ ـ ۲۰۱.

ـ سیدی، مهدی، نیمی ز ترکستان، *نیمی ز فرغانه، گامی در بازشناسی ترکمنستان، تاجیکستان، ازبکستان*، کتابستان، مشهد، ۱۳۷۱، ۳۰۰ص.

ـ «سیستم آموزشی درجمهوری قرقیزستان»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال دوم، شمارهٔ ۳، زمستان ۱۳۷۲، ص ۲۲۹ ـ ۲۳۲.

ـ شارپیف، آلیشر، «ازبکستان کشوری کشف نشده»، ترجمهٔ قاسم ملکی، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال دوم، شمارهٔ ۲، پاییز ۱۳۷۲، ص ۱۴۷ ـ ۱۵۸.

ـ شیخ عطار، علی‌رضا، *ریشه‌های رفتار سیاسی در آسیای مرکزی و قفقاز*، وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۱، ۲۳۶ص.

ـ طاهری، احمد، «اتحادیه جوانان پیرو انبیا»، ترجمه احمد لواسانی، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال اول، شمارهٔ ۴، بهار ۱۳۷۲، ص ۱۸۵ ـ ۲۰۲.

ـ طوغان، زکی ولیدی، *قیام باسماچی*، ترجمه علی کاتبی، بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، تهران، ۱۳۶۸، ۱۶۹ص.

ـ عشقی، ابوالفضل، قنبرزاده، هادی، *ویژگیهای جغرافیایی آسیای میانه و قزاقستان*، نیکا، مشهد، ۱۳۷۴، ۱۹۸ص.

ـ عظیمی، مهدی، «لزوم تشکیل مرکز بین‌المللی بررسی مسایل زیست محیطی دریای خزر»، *بندر و دریا*، شمارهٔ ۴۷ و ۴۸، اردیبهشت و خرداد ۱۳۷۳، ص ۳۲ ـ ۳۳ و ۱۲۷.

ـ «علل کندی در صادرات و واردات ریلی کالا، وقفه در برنامه قطار مشهد ـ سرخس وتشکیل کمیته ترانزیت کالا تشریح شد»، *اقتصاد خراسان*، سال چهارم، شمارهٔ ۱۷۴، ۲۸ مهر ۱۳۷۵.

ـ فرامکین، گرگوار، *باستانشناسی در آسیای مرکزی*، ترجمهٔ صادق ملک شهمیرزادی، وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۲، ۳۷۷ص.

ـ فرای، ریچارد. ن، *بخارا، دستاورد قرون وسطی*، ترجمهٔ محمود محمودی، چاپ دوم، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵، ۲۷۰ص.

ـ فریدمن، رابرت، «رژیم صهیونیستی در آسیای مرکزی: تحلیل مقدماتی»، ترجمه بدرالزمان شهبازی، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال دوم، شمارهٔ ۲، پاییز ۱۳۷۲، ص ۱۵۹ ـ ۱۶۸.

ـ فشارکی، فریدون، «آسیای مرکزی و قفقاز: چشم‌انداز نفت و همکاری»، ترجمهٔ مرضیه ساقیان، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال اول، شمارهٔ ۴، بهار ۱۳۷۲، ص ۱۶۷ ـ ۱۸۴.

ـ *قندیه و سمریه، دو رساله در تاریخ مزارات و جغرافیای سمرقند*، به کوشش ایرج افشار، مؤسسه فرهنگی جهانگیری، تهران، ۱۳۶۷، ۲۲۳ص.

ـ کاسنف، عمرسریک، «ظرفیت اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی: چشم‌انداز ادغام در سازمان همکاریهای اقتصادی»، ترجمهٔ کاملیا احتشامی اکبری، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال سوم، دورهٔ دوم، شمارهٔ ۸، ویژه‌نامهٔ سمینار ۱۳۷۳، ص ۳۰۳ ـ ۳۱۴.

ـ «کنفرانس همکاریهای انرژی در آسیای مرکزی و قفقاز»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال اول، شمارهٔ ۲، پاییز، ۱۳۷۱، ص ۳۰۶ ـ ۳۴۱.

ـ «گزارش سفر هیئت اعزامی به تاجیکستان جهت گشایش سفارت جمهوری اسلامی ایران»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال اول، شمارهٔ ۱، تابستان ۱۳۷۱، ص ۲۸۷ ـ ۲۹۶.

ـ گلی زواره‌ای، غلامرضا، *جغرافیای تاریخی و سیاسی آسیای مرکزی*، دفتر تبلیغات اسلامی قم، قم، ۱۳۷۳، ۳۶۸ص.

ـ گنجی، محمدحسین، «آب وهوای منطقه جمهوریهای آسیای مرکزی»، مجموعهٔ *مقالات جغرافیایی*، دفتر اول، کشورهای آسیای مرکزی، ویژه‌نامهٔ سپهر، سازمان جغرافیایی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، تهران، ۱۳۷۲، ص ۲۹ ـ ۴۰.

ـ گنجی، محمدحسن، «گوشه‌ای از جغرافیای آسیای مرکزی»، *تحقیقات جغرافیایی*، سال پنجم، شمارهٔ ۱۷، تابستان ۱۳۶۹، ص ۵ ـ ۱۷.

ـ گوان فو،گو، «نقش منابع در توسعه اقتصادی آسیای مرکزی»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال سوم، شماره ۸، ویژه‌نامهٔ سمینار ۱۳۷۳، ص ۱۹۳ ـ ۱۹۸.

ـ گوان فو،گو، «ویژگیها و دورنمای اوضاع آسیای مرکزی در دوران پس از جنگ سرد»، ترجمه محمد جواد امیدوارنیا، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال پنجم، دورهٔ دوم، شمارهٔ ۱۳، بهار ۱۳۷۵، ص ۱۰۹ ـ

.۱۲۰

ـ لسترنج، گی، *جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی*، ترجمهٔ محمود عرفان، چاپ دوم، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۴، ۶۰۹ص.

ـ لطیفیان، سعیده، «وضع اتمی قزاقستان و امنیت منطقه‌ای»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال پنجم، دورهٔ دوم، شمارهٔ ۱۴، تابستان ۱۳۷۵، ص ۲۱۵ ـ ۲۳۲.

ـ مارتین، کیت، «محیط زیست آسیای مرکزی: تراژدی فراموش شده»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال سوم، دورهٔ دوم، شمارهٔ ۷، زمستان ۱۳۷۳، ص ۱۳۹ ـ ۱۵۶.

ـ مارشان، پاسکال، «دستاوردهای توسعه آبیاری در آسیای مرکزی از لحاظ آبشناسی»، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم، *تحقیقات جغرافیایی*، سال چهارم، شمارهٔ ۱۳، تابستان ۱۳۶۸، ص ۱۸۵ ـ ۲۰۳.

ـ مالدالی اف، اورازبیک، «مسائل امنیت منطقه‌ای، امکانات پیشگیری و حل مناقشات منطقه‌ای»، ترجمه پروین معظمی گودرزی، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال پنجم، دورهٔ دوم، شماره ۱۳، بهار ۱۳۷۵، ص ۸۷ ـ ۹۶.

ـ مدیریت نقشه برداری وجغرافیای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، جغرافیای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، ۴ جلد، تهران، ۱۳۶۷، ۱۴۰۰ص.

ـ «مرز آینده»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال دوم، شمارهٔ ۳، زمستان ۱۳۷۲، ص ۲۱۵ ـ ۲۲۲.

ـ «مسلمانان قربانیان اصلی تاجیکستان»، *جمهوری اسلامی*، سال هفدهم، شمارهٔ ۴۶۶۴، ۲۵ تیر ۱۳۷۵.

ـ معاونت سیاست خارجی و روابط بین‌الملل مرکز تحقیقات استراتژیک،«وضعیت کلی انرژی در شوروی»، *راهبرد*، سال اول، شمارهٔ اول، بهار ۱۳۷۱، ص ۴۵ ـ ۵۸.

ـ معین، محمد، *فرهنگ فارسی*، جلد پنجم و ششم، اعلام، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۳.

ـ مؤسسه صلح ایالات متحده «افغانستان و آسیای مرکزی: چشم‌انداز تحول سیاسی و نقش اسلام»، ترجمهٔ کاملیا احتشامی، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال اول، شمارهٔ ۴، بهار ۱۳۷۲، ص ۲۳ ـ ۶۲.

ـ موسوی روح بخش، سید محمد، «بر آورد نفت و گاز کشورهای همجوار دریای خزر»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال سوم، دورهٔ دوم، شمارهٔ۸، ویژه‌نامه سمینار ۱۳۷۳، ص ۵۱ ـ ۶۶.

ـ «موقعیت قرقیزستان در آسیای میانه»،*کیهان*، شمارهٔ ۱۴۸۲۳، ۳ مرداد ۱۳۷۲.

ـ مهاجرانی، مصطفی، «جغرافیای اقتصادی منطقه آسیای مرکزی»، مجموعه *مقالات جغرافیایی*، دفتر اول، کشورهای آسیای مرکزی، ویژه‌نامهٔ سپهر، سازمان جغرافیایی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، تهران، ۱۳۷۲، ص ۱۴۱ ـ ۱۵۱.

ـ مهتدی، محمدعلی، «نقش خاورمیانه عربی درآسیای مرکزی»، *مطالعات آسیای مرکزی وقفقاز*، سال دوم، شمارهٔ ۴، بهار ۱۳۷۲، ص ۳۹۵ ـ ۴۰۴.

ـ میراحمدی، مریم، «قوم تاجیک و فرهنگ تاجیکی در آسیای مرکزی»، تحقیقات جغرافیایی، سال ششم، شماره سوم، زمستان ۱۳۷۰، ص ۵۳ ـ ۷۵ ومطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال اول، شماره ۴، بهار ۱۳۷۲، ص ۶۲ ـ ۹۰.

ـ میرحیدر، دره «تحلیل مکانی ـ فضایی از بحرانهای کنونی در آسیای مرکزی»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال دوم، شمارهٔ ۴، بهار ۱۳۷۲، ص ۱۲۱ ـ ۱۲۶.

ـ میرحیدر، دره، «تحولات آسیای مرکزی»، *رشد آموزش جغرافیا*، شمارهٔ ۳۵، پاییز ۱۳۷۲، ص ۱۲ ـ ۲۴.

ـ میرحیدر، دره، «چگونگی شکل‌گیری نقشه سیاسی آسیای مرکزی»، مجموعه *مقالات جغرافیایی*، دفتر اول، کشورهای آسیای مرکزی، ویژه‌نامهٔ سپهر، سازمان جغرافیایی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، تهران، ۱۳۷۲، ص ۸۵ ـ ۹۶.

ـ میرحیدر، دره، «ریشه‌های تاریخی مسایل جغرافیایی سیاسی امروزآسیای مرکزی وقفقاز»، مجموعه *مقالات جغرافیایی*، دفتر اول، کشورهای آسیای مرکزی، ویژه‌نامهٔ سپهر، سازمان جغرافیایی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، تهران، ۱۳۷۲، ص ۹۷ ـ ۱۱۲.

ـ «نظام دانشگاهی قرقیزستان»، *مطالعات آسیای مرکزی وقفقاز*، سال دوم، شمارهٔ ۳، زمستان ۱۳۷۲، ص ۲۹۷ ـ ۲۹۸.

ـ «نظامهای حمل ونقل کشورهای آسیای مرکزی» *مطالعات آسیای مرکزی وقفقاز*، سال سوم، دورهٔدوم، شمارهٔ ۸، ویژه‌نامهٔ سمینار ۱۳۷۳، ص ۳۶۵ ـ ۳۸۳.

ـ «نگاهی به ترکستان»، *مطالعات آسیای مرکزی وقفقاز*، سال اول، شمارهٔ ۲، پاییز ۱۳۷۱، ص ۲۸۱ ـ ۲۸۷.

ـ واتر، ایگور، «آیا آسیای مرکزی منفجر می‌شود»، *مطالعات آسیای مرکزی وقفقاز*، سال دوم، شمارهٔ اول، تابستان ۱۳۷۲، ص ۱۹۵ ـ ۲۰۴.

ـ ورجاوند، پرویز، «ایران و جمهوریهای خراسان و آسیای مرکزی»، *اطلاعات سیاسی واقتصادی*، سال نهم، شمارهٔ ۸۷ ـ ۸۸، ص ۵۴ ـ ۶۰.

ـ ورهرام، غلامرضا، *تاریخ آسیای مرکزی در دوران اسلامی*، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۲، ۳۴۳ص.

ـ ورهرام، غلامرضا، «جغرافیای تاریخی سیردریا»، *تحقیقات جغرافیایی*،سال پنجم، شمارهٔ ۱۸، پاییز ۱۳۶۹، ص ۵۶ ـ ۶۷.

ـ ورهرام، غلامرضا، «روند تاریخی جغرافیای فرهنگی در آسیای مرکزی»، *تحقیقات جغرافیایی*، سال هفتم،

شمارهٔ ۲۵، تابستان ۱۳۷۱، ص ۵ ـ ۲۸.

ـ ورهرام، غلامرضا، «جغرافیای مذهبی آسیای مرکزی»، *تحقیقات جغرافیایی*، سال ششم، شمارهٔ ۲۲، پاییز ۱۳۷۰، ص ۱۰۱ ـ ۱۲۳.

ـ «وسایل ارتباط جمعی در قزاقستان»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال اول، شمارهٔ ۴، بهار ۱۳۷۲، ص۲۵۳ ـ ۳۶۰.

ـ «وضعیت اقتصادی جمهوری ازبکستان»، *مطالعات آسیای مرکزی وقفقاز*، سال اول، شمارهٔ۴، بهار ۱۳۷۲، ص ۲۳۷ ـ ۲۵۲.

ـ «همکاریهای اقتصادی میان اعضای اکو و چین»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال دوم، شمارهٔ ۴،بهار ۱۳۷۳، ص ۴۴۹ ـ ۱۵۱.

ـ یوسف، شادمان، تاجیکستان، *بهای آزادی*، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۳، ۳۳۳ص.

- *Webster's New Geographical Dictionary*, 1980, 1370p.

- *De Blij, Harm, j, Hunman Geog raphy: Culture, Society, and Space, 5th ed, 1995, 531p.*

نمایه

نام اشخاص

نمایه

حکومتها

نام جایها